



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سجده

۱۲

تعمیر و مرمت
سجده های امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۱۲
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۹	پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمیسیون تحقیق جنایات دولت آمریکا
۳۱	پیام امام خمینی به مناسبت انتخابات شورای اسلامی
۳۳	بیانات امام خمینی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی
۳۳	در مجلس شاهنشاهی، هم سنا و هم شورایش مردم هیچ دخالتی نداشتند
۳۴	امروز سرنوشت اسلام و کشور به دست ملت است
۳۶	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کروی در مورد تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی
۳۸	پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی
۳۹	پاسخ امام خمینی به تلگرام پادشاه عربستان
۴۰	پاسخ امام خمینی به تلگرام ولیعهد عربستان سعودی (فهد بن عبدالعزیز)
۴۱	متن امام خمینی در مورد عفو عمومی
۴۳	پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله مرعشی نجفی
۴۴	بیانات امام خمینی خطاب به ملت ایران به مناسبت تحویل سال نو
۴۴	پیروزی انقلاب ما پیروزی بود که به برکت اسلام به دست آمد
۴۵	مجلس شورای اسلامی تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشد
۴۷	پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال جدید
۵۳	پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی شیرازی
۵۴	بیانات امام خمینی با رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور و قضات دادگستری
۵۴	قاضی در اسلام، استقلال قضائی دارد
۵۵	ضرورت تحول دادگستری طبق موازین اسلامی
۵۵	منشأ اختلافات جهات نفسانی است

- ۵۷ وحدت کلمه ، ضامن پیروزی نهضت
- ۵۸ پیام امام خمینی به مناسبت ۱۲ فروردین (سالروز تأسیس جمهوری اسلامی)
- ۶۱ پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف
- ۶۲ پاسخ امام خمینی به تلگرام به چین اینگ
- ۶۳ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور دموکراتیک خلق کره
- ۶۴ پاسخ امام خمینی به تلگرام تبریک رئیس جمهور سوریه
- ۶۵ پاسخ امام خمینی به تلگرام تبریک رئیس جمهور سوریه
- ۶۶ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور الجزایر
- ۶۷ پاسخ امام خمینی به پیام تبریک رئیس بنگلادش
- ۶۸ پیام امام خمینی به مناسبت قطع رابطه آمریکا و جنایات صدام
- ۷۰ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد معاودین عراقی
- ۷۱ پاسخ امام خمینی به پاپ ژان دوم (رهبر کاتولیکهای جهان)
- ۷۲ بیانات امام خمینی در جمع اعضای بسیج شهرستان ها
- ۷۲ در دفاع از اهداف اسلامی و دستاوردهای نهضت ، بسیج باید عمومی باشد
- ۷۲ با تمام قوا مهیا شوید به طوری که موجب ترس و عقب نشینی دشمن گردد
- ۷۳ توجه به خدای تبارک و تعالی و مبدأ قدرت است که شما را پیروز می کند
- ۷۴ شما ابداً نباید خوف محاصره اقتصادی و نظامی را داشته باشید
- ۷۵ ننگ است برای اروپا که به دنبال تثبیت جنایتکاری چون کارتر باشد
- ۷۶ بر ملت و ارتش عراق واجب است که پشت کنند به حزب مشترک بعث و متصل شوند به اسلام
- ۷۸ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی
- ۷۹ پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهری
- ۸۰ بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان عضو انجمنهای اسلامی و سازمان های دانشجویان مسلمان دانشکده های سراسر کشور و گروهی از مردم تهران
- ۸۰ ما می گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و اسلامی باشد
- ۸۲ معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند
- ۸۴ پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر
- ۸۶ پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت دخالت نظامی آمریکا

- ۸۸ فرمان امام خمینی به رئیس جمهور در مورد رسیدگی به جنایات آمریکا
- ۸۸ جناب آقای بنی صدر رئیس جمهور ایران
- ۹۰ پیام امام خمینی به فیدل کاسترو
- ۹۱ فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی
- ۹۲ پیام امام خمینی به آیت الله صدوقی
- ۹۳ پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی کارگر
- ۹۵ بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۹۵ خوف مرگ برای دنیا پرستان جنایتکار است ، نه پویندگان راه حق
- ۹۵ حمله نظامی کارتر به طیس نمونه ای آشکار از نقض قوانین بین المللی
- ۹۶ منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است
- ۹۷ سفارش به عمل طبق رضای حق و حفظ آبروی نهضت
- ۹۷ اشاره به ماهیت بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در طول تاریخ
- ۹۸ لزوم ملاحظه آداب اسلامی و جلوگیری از شرارت بقایای رژیم سابق
- ۱۰۰ پیام امام خمینی به مناسبت روز زن
- ۱۰۲ نامه بنی صدر به محضر امام خمینی
- ۱۰۳ پیام امام خمینی به ملت ایران (در آستانه دومین مرحله انتخابات مجلس شورای اسلامی)
- ۱۰۵ بیانات امام خمینی به هنگام رأی دادن
- ۱۰۶ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام و المسلمین سید علی خامنه ای
- ۱۰۷ فرمان امام خمینی به دکتر مصطفی چمران
- ۱۰۸ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام دعائی
- ۱۰۹ بیانات امام خمینی در جمع پرستاران و پزشکان بنیاد خدمات پزشکی امام خمینی
- ۱۰۹ پزشکی و پرستاری از شغل های بسیار ارزنده است
- ۱۱۰ غارتگران در کردستان در صدد هستند راه را برای اجانب باز کنند
- ۱۱۲ بیانات امام خمینی خطاب به مدیر عامل و سرپرست صدا و سیمای جمهوری اسلامی
- ۱۱۲ جدیت در اسلامی کردن جو رادیو و تلویزیون و تصفیه عناصر منحرف و خود باخته به شرق و غرب
- ۱۱۳ تلاش در جهت حفظ استقلال رادیو تلویزیون و پیاده کردن محتوای اسلام

- بیانات امام خمینی در دیدار با سرهنگ صدری (فرمانده لشکر ۲۸ کردستان) ----- ۱۱۵
- اشرار باید از کردستان تصفیه شوند ----- ۱۱۵
- با وجود انسجام ، هیچ قدرتی نمی تواند به شما زور بگوید ----- ۱۱۵
- سر پیروزی صدر اسلام ، ایمان به خدا بود ----- ۱۱۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با شمس آل احمد سردبیر روزنامه اطلاعات ----- ۱۱۸
- بیانات امام خمینی در جمع اهالی جماران ----- ۱۲۰
- با کمال قاطعیت و به خواست خداوند در مقابل ابرقدرت ها ایستاده ایم ----- ۱۲۰
- از محاصرات نظامی و اقتصادی ابد باکی نداریم ----- ۱۲۰
- تکلیف ما مبارزه با ظلم هاست ----- ۱۲۰
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام عبدالله نوری ----- ۱۲۲
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام دانش آشتیانی ----- ۱۲۳
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ----- ۱۲۴
- بیانات امام خمینی در جمع سرپرستان کمیته های انقلاب اسلامی ----- ۱۲۵
- در این انقلاب سپاه و کمیته به طور خودرو از متن ملت جوشیدند ----- ۱۲۵
- امروز همه قشرها مسؤولیت حفظ آبروی اسلام و انقلاب اسلامی را دارند ----- ۱۲۵
- شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید که این عبادت است ----- ۱۲۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی جماران و سایر مناطق شمیرانات ----- ۱۲۹
- باید با اتکا به خدا و صرف نظر از امیال شخصی بیرق اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز در آوریم ----- ۱۲۹
- امر بر مقابله دادگاه ها و مردم با مفسده جوئی های سرسپردگان اجانب ----- ۱۳۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با مدیر واحد اطلاعات و اخبار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ----- ۱۳۱
- تلویزیون باید بنگاه تعلیمات اسلامی باشد ----- ۱۳۱
- باید رادیو و تلویزیون مربی مردم کشور باشد ----- ۱۳۲
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور واساتید دانشگاه و حوزه و طلاب حوزه عملیه قم ----- ۱۳۴
- در رأس برنامه های رضاخان تضعیف روحانیت بود ----- ۱۳۴
- اگر بخواهند ملت را تحت سلطه بیاورند باید مردم را از روحانین جدا کنند ----- ۱۳۵
- هیچ ارگانی نباید در کار ارگان دیگر دخالت کند ----- ۱۳۶

- با هم اجتماع کنید و مواظب باشید قلم های مسموم شما را بازی ندهند ۱۳۷
- اگر دانشگاه از اول در خدمت مردم بود حالا ما محتاج نبودیم ۱۴۱
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۴۳
- مجلس محل طرح مسائل دلخواه اسلام و مردم است ۱۴۳
- کفران نعمت ، کار شکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می شود ۱۴۵
- تکلیف بر حرکت در مسیر خدا بدون خوف از چپ و راست ۱۴۷
- پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۱۴۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵۲
- میزان حاکمیت الله در نفوس ، محکی برای سنجش ایمان ۱۵۲
- ولایت خدا و روحیه الهی زاینده از نهضت را حفظ کنید ۱۵۴
- جمهوری اسلامی امانتی در دست ملت ۱۵۶
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر قوای انتظامی ۱۵۸
- شما باید همچون علی (علیه السلام) در مقابل دشمن کوبنده و در بین خودتان رحیم باشید ۱۵۸
- این تحول روحی معجزه آسا را حفظ کنید ۱۵۸
- پیام امام خمینی در رابطه با کنفرانس رسیدگی به جنایات آمریکا ۱۶۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت کننده در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران ۱۶۳
- وحشت کارتر از بررسی مداخلات آمریکا در ایران دلیل مجرم بودن اوست ۱۶۳
- کشورهای ضعیف میدان همیشگی تاخت و تاز ابرقدرت ها ۱۶۳
- ما نمی توانیم صدای مظلومیت این ملت را به دنیا برسانیم ۱۶۴
- ملتی که شهادت آرزوی اوست از دخالت نظامی و حصر اقتصادی باکی ندارد ۱۶۵
- امدادهای غیبی خداوند عامل شکست ظالمین و پیروزی مسلمین ۱۶۷
- مشت های گره کرده را که مشت های الهی است حفظ کنید ۱۶۸
- بیداری مستضعفین اولین گام در مقابله با مستکبرین ۱۶۸
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی ۱۷۰
- جمهوری اسلامی امانتی است الهی به دست همه ملت ۱۷۰
- نصرت و عنایت الهی از موجبات پیروزمندی ملت ایران ۱۷۱

- ۱۷۲ ----- بیداری و توجه به خدا مایه نجات و فلاح
- ۱۷۳ ----- هراس دشمنان از قدرت عظیم روحانیت و ائتلاف آنان با قشر دانشجو
- ۱۷۶ ----- نماز ، بالاترین فریضه و کارخانه انسان سازی است
- ۱۷۶ ----- مساجد را پر کنید و نماز را به جماعت بخوانید
- ۱۷۷ ----- اگر دانشگاه اسلامی داشتیم خون جوان های ما ریخته نمی شد
- ۱۸۱ ----- بیانات امام خمینی به مناسبت فرا رسیدن ۱۵ خرداد
- ۱۸۱ ----- پانزده خرداد مبارک بود چون منتهی شد به استقلال و آزادی کشور
- ۱۸۲ ----- بدانید که دخالت نظامی آمریکا و شوروی در اراده ملت ما اثری ندارد
- ۱۸۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری
- ۱۸۴ ----- نیروهای مسلح آن روزها اشدأ بودند بر خود مردم
- ۱۸۵ ----- ارتش در برابر مردم باید رؤف و در مقابل اجانب کوبنده باشد
- ۱۸۵ ----- تحقق ادب و فرهنگ اسلامی عامل جلوگیری از آسیب پذیری
- ۱۸۶ ----- ارتش ما مردمی است ، نه طاغوتی ، که سرکوب کند
- ۱۸۷ ----- پیروزی ما آن روزی است که مستضعفین از بند رها شوند
- ۱۸۸ ----- مسلمین باید در مقابل آسیب ها (ید واحده) باشند
- ۱۸۸ ----- از وسوسه هائی که در داخل می شود غفلت نکنید
- ۱۸۹ ----- لزوم حفظ نظم در نیروهای مسلح و رعایت سلسله مراتب
- ۱۹۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و معاونین وزارت کشور و استانداران سراسر کشور
- ۱۹۱ ----- ناسازگاری بین ارگان ها باعث تزلزل و آسیب کشور می گردد
- ۱۹۲ ----- باید هر کس که در هر جا هست آنجا را درست کند
- ۱۹۳ ----- با حفظ تفاهم و برادری از شکست نهضت جلوگیری کنید
- ۱۹۵ ----- کوشش کنید یک کشور اسلامی با محتوای اسلامی داشته باشید تا پیروز باشید
- ۱۹۶ ----- بیانات امام خمینی در جمع مدیران صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور
- ۱۹۶ ----- شریف ترین روز ، از ازل تا ابد ، بعثت پیامبر گرامی اسلام است
- ۱۹۶ ----- فقط انسان نامتناهی در کمال و بینش و صفات ، قادر به برداشت صحیح از اسلام است
- ۱۹۸ ----- نوع انسان در خسارت است مگر آنان که در حصار ایمان و تربیت انبیا وارد می شوند

- ۲۰۰ ----- روش پسندیده قرض الحسنه باعث از میان رفتن ربا و حرکت آفرین است
- ۲۰۲ ----- با مشت گره کرده ، نهضت را تا رسیدن به مطلوب حفظ نمائید
- ۲۰۴ ----- پیام امام خمینی به آیت الله العظمی منتظری در مورد معرفی اعضای شورایی قضایی
- ۲۰۵ ----- فرمان امام خمینی در مورد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی
- ۲۰۶ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی
- ۲۰۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی و مدیران واحدهای مختلف صدای جمهوری اسلامی
- ۲۰۷ ----- رادیو و تلویزیون باید تحت نظارت سه قوه اداره بشود
- ۲۰۹ ----- پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (سوم شعبان)
- ۲۱۲ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام و المسلمین امام کاشانی
- ۲۱۳ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیرازی
- ۲۱۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی
- ۲۱۴ ----- مکتبی و مردمی بودن از امتیازات بی نظیر انقلاب اسلامی ایران
- ۲۱۵ ----- نهادهای انقلاب کوشش کنند خدمت برای مستضعف باشد
- ۲۱۷ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فضل الله محلاتی
- ۲۱۸ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام انواری
- ۲۱۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران و شهرستان ها
- ۲۲۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهای اسلامی کارگران
- ۲۲۰ ----- آشوبگری های عمال امریکا در لباس گروهک ها به منظور جلوگیری از تحقق انقلاب اسلامی
- ۲۲۳ ----- هدف اصلی حملات اجانب ، اسلام واحکام آن است
- ۲۲۴ ----- شناسائی دشمنان اسلام از طریق عملکرد آنان
- ۲۲۶ ----- با اسم (اسلام) می خواهند اسلام را از بین ببرند
- ۲۲۷ ----- هشدار به رسوخ مفسدین در جمع مصلحین و لزوم هوشیاری ملت
- ۲۳۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و معلولین و گروهی از پاسدارانواحد آموزش و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲۳۱ ----- شهدا بودند که شما را به این مسندها نشانندند
- ۲۳۲ ----- اگر شاهنشاهی هستید بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم
- ۲۳۵ ----- پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان خطاب به ملت ایران

- حضرت مهدی (عج) ذخیره خداوند برای هدایت بشریت ۲۳۵
- رسالت خطیر رسانه های گروهی در حفظ آرامش کشور ۲۳۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری ها و رؤسای ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور ۲۳۹
- دستاوردهای حاصل از آموزش و پرورش ، در طول پنجاه سال سلطه طاغوت ۲۳۹
- تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلم است ۲۴۰
- آموزش وقتی مفید خواهد شد که تربیت روحی و اخلاقی باشد ۲۴۱
- اگر شما خودتان را اسلامی نکنید نمی توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید ۲۴۴
- دانشگاه ها و مدارس باید مرکز تربیت صحیح باشند ۲۴۵
- مساجد را خالی نگذارید ۲۴۵
- پیام امام خمینی در رابطه با عدم تعرض افراد به بانوان بی حجاب ۲۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان ، افسران و درجه داران و پرسنل نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ۲۴۸
- مقصد عالی اسلام و همه مکتب های توحیدی ۲۴۸
- اسلام هادی انسان های سرگردان به سوی کمال مطلق و نور ۲۴۹
- در اسلام هر چه هست برای صلاح حال ملت هاست ۲۵۱
- کسی که به خدا متمسک است از هیچ چیز نمی ترسد ۲۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران و شهرستانها ۲۵۴
- دشمنان اسلام مقصدشان این است که روحانیت را پیش ملت ضعیف کنند ۲۵۴
- ضرورت حضور فعال روحانیون در صحنه سیاست همراه با حفظ حوزه فقاقت ۲۵۶
- مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود ۲۵۸
- همه اقشار ملت برای حفظ اسلام آماده و مجهز باشند ۲۵۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جامعه زنان انقلاب اسلامی منطقه شمیرانو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۶۳
- کودتا در یک کشوری واقع می شود که حکومت آن جدای از مردم باشد ۲۶۳
- در ماه مبارک رمضان خودتان را تقویت کنید به قوای روحانی ۲۶۷
- آن که سبکبار می کند انسان را و از این ظلمتکده بیرونش می کشد (ادعیه) است ۲۶۸
- اگر راهمان بدهند به این ضیافت بزرگ الهی ، ممکن است راهی پیدا کنیم به سوی انسان شدن ۲۷۰
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان سازمان پیشمرگان مسلمان کرد ۲۷۲

- فرمان انتصاب حجت الاسلام محمد حسن قدیری به نمایندگی امام و امامت جمعه در کوهپایه ۲۷۳
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام توسلی محلاتی ۲۷۴
- فرمان امام خمینی به برادر مرتضی رضائی ۲۷۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۷۶
- پیروزی قطعی در سایه سیطره اسلام بر همه دستگاه ها ۲۷۶
- لزوم هماهنگی میان قوای مسلح ۲۷۷
- جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و تفسیه عناصر ناصالح ۲۷۷
- تأکید بر حفظ نظم و انسجام برای جلوگیری از تزلزل ۲۷۷
- سفارش در حفظ امانت الهی به دور از اغراض نفسانی ۲۷۹
- کمترین جزای مفسد ، به حکم قرآن قتل است ۲۸۰
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی قضائی ۲۸۱
- ما در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم ۲۸۱
- توصیه به مجلس در اجرای حدود الهی با کمال قاطعیت و اصلاح سازمان های دولتی ۲۸۲
- قضاوت در اسلام باید به دست اسلام شناس باشد ۲۸۳
- ما اسلام را می خواهیم و از ملی گرایی سیلی خورده ایم ۲۸۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای نگهبان ۲۸۶
- شورای نگهبان باید ناظر بر قوانین مجلس باشد ۲۸۶
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مهاجرین نوسود و فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان پاوه ۲۸۷
- همه مسلمان های شیعه ، سنی ، حنفی ، حنبلی و اخباری با هم برادر هستند ۲۸۷
- نامه بنی صدر به محضر امام خمینی ۲۸۸
- بیانات امام خمینی در جمع جانشین ستاد مشترک و فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ۲۸۹
- ما امروز در همه ارگان های دولتی احتیاج به تقویت داریم ۲۸۹
- برای پاکسازی توطئه گران مفسد باید همه دست به دست هم بدهند ۲۹۰
- ما باید خودمان را فانی کنیم تا مکتبمان پیش برود ۲۹۱
- برای پیشرفت کشور باید در عین همراهی با هم ، هر کس وظیفه قانونی اش را انجام دهد ۲۹۲
- بیانات امام خمینی در جمع علما و روحانیون مناطق ترکمن صحرا ، گنبد ، کلاله ، مراد تپهو گالیکش ۲۹۴

- ۲۹۴ جمهوری اسلامی باید بر وفق موازین شرعی باشد
- ۲۹۶ بیانات امام خمینی در دیدار با اسقف هیلارین کاپوچی
- ۲۹۶ آقای پاپ باید طرفدار مظلومان باشد ، نه ظالمان
- ۲۹۹ بیانات امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس
- ۲۹۹ اگر مسلمین با هم اتفاق پیدا بکنند هیچ مصیبتی پیش نمی آید
- ۳۰۰ تا یک دولت اسلامی به تمام معنا روی کار نیاید ما باید باز همین گرفتاری ها را داشته باشیم
- ۳۰۱ تمام مقصد ما مکتب ماست
- ۳۰۳ روز قدس فرصتی برای قیام یکپارچه ملت های مسلمان علیه مفسدین
- ۳۰۴ ترغیب مسلمانان جهان به اتحاد بر علیه اسرائیل
- ۳۰۵ هی نگوئید من ، بگوئید مکتب من
- ۳۰۶ بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت کننده در کنگره ، آزادی قدس
- ۳۰۶ مشکل مسلمین حکومت های مسلمین است
- ۳۰۶ علمای همه بلاد اسلامی باید مردم را بیدار کنند
- ۳۰۸ ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است
- ۳۰۹ ما تا به اسلام برنگردیم ، مشکلاتمان سر جای خودش هست
- ۳۱۱ ما می خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم
- ۳۱۲ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عیدفطر
- ۳۱۲ مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند
- ۳۱۴ روحانیت بعضی ممالک با تکفیر ما دانسته یا ندانسته در خدمت ابرقدرت ها هستند
- ۳۲۹ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 - مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- ۱۷ - مجلس شورای اسلامی تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشد
- ۱۹ پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال جدید ۵۹/۱/۱
- ۲۵ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله العظمی شیرازی ۵۹/۱/۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور و قضات دادگستری ۵۹/۱/۱۰
- ۲۶ - قاضی در اسلام، استقلال قضائی دارد
- ۲۶ - ضرورت تحول دادگستری طبق موازین اسلامی
- ۲۷ - منشأ اختلافات جهات نفسانی است
- ۲۷ - وحدت کلمه، ضامن پیروزی نهضت
- ۲۹ پیام امام خمینی به مناسبت ۱۲ فروردین «سالروز تأسیس جمهوری اسلامی» ۵۹/۱/۱۲
- ۳۰ پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف ۵۹/۱/۱۵
- ۳۳ پاسخ امام خمینی به تلگرام یه‌جین اینگ ۵۹/۱/۱۵
- ۳۴ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس‌جمهور دموکراتیک خلق کره ۵۹/۱/۱۵
- ۳۵ پاسخ امام خمینی به تلگرام تبریک رئیس‌جمهور سوریه ۵۹/۱/۱۷
- ۳۶ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس‌جمهور لیبی ۵۹/۱/۱۷
- ۳۷ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس‌جمهور الجزایر ۵۹/۱/۱۷
- ۳۸ پاسخ امام خمینی به پیام تبریک رئیس‌جمهوری بنگلادش ۵۹/۱/۱۸
- ۴۰ پیام امام خمینی به مناسبت قطع رابطه با آمریکا و جنایات صدام ۵۹/۱/۱۹
- ۴۲ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد معاودین عراقی ۵۹/۱/۲۰
- ۴۳ پاسخ امام خمینی به باب ژان بل دوم (رهبر کاتولیک‌های جهان) ۵۹/۱/۲۵

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای بسیج شهرستان‌ها ۵۹/۱/۲۶ ۴۴
- در دفاع از اهداف اسلامی و دستاوردهای نهضت، بسیج باید عمومی باشد ۴۴
- با تمام قوا مهیا شوید به طوری که موجب ترس و عقب‌نشینی دشمن گردد ۴۴
- توجه به خدای تبارک و تعالی و مبدأ قدرت است که شما را پیروز می‌کند ۴۵
- شما ابدأ نباید خوف محاصره اقتصادی و نظامی را داشته باشید ۴۶
- تنگ است برای اروپا که به دنبال تثبیت جنایتکاری چون کارتر باشد ۴۷
- بر ملت و ارتش عراق واجب است که پشت نکنند به حزب مشرک بعث و رژیم صهیونیستی ۴۷
- متصل شوند به اسلام ۴۸
- باسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ۵۹/۱/۲۶ ۵۰
- پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهری ۵۹/۱/۳۱ ۵۱
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های سراسر کشور و گروهی از مردم تهران ۵۹/۲/۱ ۵۲
- ما می‌گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و اسلامی باشد ۵۲
- معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند ۵۴
- پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر ۵۹/۲/۲ ۵۶
- پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت دخالت نظامی آمریکا ۵۹/۲/۵ ۵۸
- فرمان امام خمینی به رئیس جمهور در مورد رسیدگی به جنایات آمریکا ۵۹/۲/۶ ۶۰
- پیام امام خمینی به فیدل کاسترو ۵۹/۲/۸ ۶۲
- فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی ۵۹/۲/۸ ۶۳
- پیام امام خمینی به آیت‌الله صدوقی ۵۹/۲/۹ ۶۴
- پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی کارگر ۵۹/۲/۱۰ ۶۵
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۱۲ ۶۷
- خوف مرگ برای دنیاپرستان جنایتکار است، نه بویندگان راه حق ۶۷

- ۶۷ - حمله نظامی کارتر به طیس نمونه‌های آشکار از نقض قوانین بین‌المللی
- ۶۸ - منبع قدرت ملت ایران انکال به خداوند است
- ۶۹ - سفارش به عمل طبق رضای حق و حفظ آبروی نهضت
- ۶۹ - اشاره به ماهیت بی‌نظیر انقلاب اسلامی ایران در طول تاریخ
- ۷۰ - لزوم ملاحظه آداب اسلامی و جلوگیری از شرارت بقایای رژیم سابق
- ۷۲ پیام امام خمینی به مناسبت روز زن ۵۹/۲/۱۵
- ۷۴ پاسخ امام خمینی به نامه بنی‌صدر ۵۹/۲/۱۷
- پیام امام خمینی به ملت ایران «در آستانه دومین مرحله انتخابات مجلس شورای اسلامی» ۵۹/۲/۱۷
- ۷۷ بیانات امام خمینی به هنگام رأی دادن ۵۹/۲/۱۹
- ۷۸ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای ۵۹/۲/۲۰
- ۷۹ فرمان امام خمینی به دکتر مصطفی چمران ۵۹/۲/۲۰
- ۸۰ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام دعائی ۵۹/۲/۲۰
- بیانات امام خمینی در جمع پرستاران و پزشکان بنیاد خدمات پزشکی امام خمینی ۵۹/۲/۲۳
- ۸۱ - پزشکی و پرستاری از شغل‌های بسیار ارزنده است
- ۸۲ - غارتگران در کردستان در صدد هستند راه را برای اجانب باز کنند
- بیانات امام خمینی خطاب به مدیرعامل و سرپرست صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۳
- ۸۴ - جدیت در اسلامی کردن جو رادیو و تلویزیون و تصفیه عناصر مستحرف و خودباخته به شرق و غرب
- ۸۵ - تلاش در جهت حفظ استقلال رادیو تلویزیون و پیاده کردن محتوای اسلام
- بیانات امام خمینی در دیدار با سرهنگ صدیقی (فرمانده لشکر ۲۸ کردستان) ۵۹/۲/۲۵
- ۸۷ - اصرار باید از کردستان تصفیه شوند
- ۸۷

- ۹۰۱ - با وجود انسجام، هیچ قدرتی نمی‌تواند به‌شما زور بگوید ۵۹/۲/۲۵
- ۹۰۲ - سر بیروزی صدر اسلام، ایمان به‌خدا بود ۵۹/۲/۲۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با شمس آل احمد سردبیر روزنامه اطلاعات ۵۹/۲/۲۶
- ۹۰۳ - جمهوری اسلامی ایران ۵۹/۲/۲۶
- ۹۰۴ - بیانات امام خمینی در جمع اهالی جماران ۵۹/۲/۲۷
- ۹۰۵ - با کمال قاطعیت و به‌خواست خداوند در مقابل ابرقدرت‌ها ایستاده‌ایم ۵۹/۲/۲۷
- ۹۰۶ - از محاصرات نظامی و اقتصادی ابدأ باکی نداریم ۵۹/۲/۲۷
- ۹۰۷ - تکلیف ما مبارزه با ظلم‌هاست ۵۹/۲/۲۷
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام عبدالله نوری ۵۹/۲/۲۸
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام دانش آنتیانی ۵۹/۲/۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۲۸
- ۹۰۸ - امروز همه قشرها مسؤولیت حفظ آبروی اسلام و انقلاب اسلامی را دارند ۵۹/۲/۲۸
- ۹۰۹ - شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید که این عبادت است ۵۹/۲/۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی جماران و سایر مناطق شمیرانات ۵۹/۲/۲۹
- ۹۱۰ - باید با اتکاف به خدا و صرف‌نظر از امیال شخصی بیرق اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز درآوریم ۵۹/۲/۲۹
- ۹۱۱ - امر بر مقابله قاطعانه دادگاه‌ها و مردم با مفسده‌جویی‌های سرسپردگان اجانب ۵۹/۲/۲۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با مدیر واحد اطلاعات و اخبار صدا و سیما ۵۹/۲/۳۰
- ۹۱۲ - جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۳۰
- ۹۱۳ - تلویزیون باید بنگاه تعلیمات اسلامی باشد ۵۹/۲/۳۰
- ۹۱۴ - باید رادیو و تلویزیون مری مردم کشور باشد ۵۹/۲/۳۰
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های ۵۹/۲/۳۰

- ۱۰۶ سراسر کشور و اساتید دانشگاه و حوزه و طلاب حوزه علمیه قم ۵۹/۳/۳
- ۱۰۶ - در رأس برنامه‌های رضاخان تضعیف روحانیت بود
- ۱۰۷ - اگر بخواهند ملت را تحت سلطه بیاورند باید مردم را از روحانیت جدا کنند
- ۱۰۸ - هیچ ارگانی نباید در کار ارگان دیگر دخالت کند
- ۱۰۹ - باهم اجتماع کنید و مواظب باشید قلم‌های مسموم شما را بازی ندهند
- ۱۱۳ - اگر دانشگاه از اول در خدمت مردم بود حالا ما محتاج نبودیم
- ۱۱۵ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۵۹/۳/۴
- ۱۱۵ - مجلس محل طرح مسائل دلخواه اسلام و مردم است
- ۱۱۷ - کفران نعمت، کارشکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می‌شود
- ۱۱۹ - تکلیف بر حرکت در مسیر خدا بدون خوف از چپ و راست
- ۱۲۱ پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۵۹/۳/۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۲۴ ۵۹/۳/۸
- ۱۲۴ - میزان حاکمیت الله در نفوس، محکی برای سنجش ایمان
- ۱۲۶ - ولایت خدا و روحیه الهی زاینده از نهضت را حفظ کنید
- ۱۲۸ - جمهوری اسلامی امانتی در دست ملت
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر قوای
- ۱۳۰ انتظامی ۵۹/۳/۱۰
- ۱۳۰ - شما باید همچون علی (ع) در مقابل دشمن کوبنده و در بین خودتان رحیم باشید
- ۱۳۰ - این تحول روحی معجزه‌آسا را حفظ کنید
- ۱۳۳ پیام امام خمینی در رابطه با کنفرانس رسیدگی به جنایات آمریکا ۵۹/۳/۱۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی بسررسی
- ۱۳۵ مداخلات آمریکا در ایران ۵۹/۳/۱۴
- ۱۳۵ - وحشت کارتر از بررسی مداخلات آمریکا در ایران دلیل مجرم بودن اوست
- ۱۳۵ - کشورهای ضعیف میدان همیشگی ناخوتناز ابرقدرت‌ها
- ۱۳۶ - ما نمی‌توانیم صدای مظلومیت این ملت را به دنیا برسانیم
- ۱۳۷ - ملتی که شهادت آرزوی اوست از دخالت نظامی و حصر اقتصادی باکی ندارد
- ۱۳۹ - امدادهای غیبی خداوند عامل شکست ظالمین و پیروزی مسلمین

- ۱۴۰ - مشت‌های گره کرده را که مشت‌های الهی است حفظ کنید
- ۱۴۰ - بیداری مستضعفین اولین گام در مقابله با مستکبرین
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۵۹/۳/۱۴
- ۱۴۲ - جمهوری اسلامی امانتی است الهی به دست همه ملت
- ۱۴۳ - نصرت و عنایت الهی از موجبات پیروزمندی ملت ایران
- ۱۴۴ - بیداری و توجه به خدا مایه نجات و فلاح
- ۱۴۵ - هراس دشمنان از قدرت عظیم روحانیت و ائتلاف آنان با قشر دانشجویی
- ۱۴۸ - نماز، بالاترین فریضه و کارخانه انسان‌سازی است
- ۱۴۸ - مساجد را پر کنید و نماز را به جماعت بخوانید
- ۱۴۹ - اگر دانشگاه اسلامی داشتیم خون جوان‌های ما ریخته نمی‌شد
- فصل یازدهم: بنیان مرصوص
- ۱۵۱
- بیانات امام خمینی به مناسبت فرارسیدن ۱۵ خرداد ۵۹/۳/۱۴
- ۱۵۳ - پانزده خرداد مبارک بود چون منتهی شد به استقلال و آزادی کشور
- ۱۵۴ - بدانید که دخالت نظامی آمریکا و شوروی در اراده ملت مساثری ندارد
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری ۵۹/۳/۱۵
- ۱۵۶ - نیروهای مسلح آن روزها اشداء بودند بر خود مردم
- ۱۵۷ - ارتش در برابر مردم باید رؤف و در مقابل اجانب کوبنده باشد
- ۱۵۷ - تحقق ادب و فرهنگ اسلامی عامل جلوگیری از آسیب‌پذیری
- ۱۵۸ - ارتش ما مردمی است، نه طاغوتی، که سرکوب کند
- ۱۵۹ - پیروزی ما آن روزی است که مستضعفین از بند رها شوند
- ۱۶۰ - مسلمین باید در مقابل آسیب‌ها «ید واحده» باشند
- ۱۶۰ - از وسوسه‌هایی که در داخل می‌شود غفلت نکنید
- ۱۶۱ - لزوم حفظ نظم در نیروهای مسلح و رعایت سلسله‌مراتب
- بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و معاونین وزارت کشور و استانداران سراسر کشور ۵۹/۳/۲۰
- ۱۶۳ - ناسازگاری بین ارگان‌ها باعث تزلزل و آسیب کشور می‌گردد
- ۱۶۴ - باید هر کس که در هر جا هست آنجا را درست کند
- ۱۶۵ - با حفظ تفاهم و برادری از شکست نهضت جلوگیری کنید
- ۱۶۷ - کوشش کنید یک کشور اسلامی با محتوای اسلامی داشته باشید تا پیروز باشید

- بیانات امام خمینی در جمع مدیران صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور
۵۹/۳/۲۰
- ۱۶۸
- ۱۶۸ – شریف ترین روز، از ازل تا ابد، بخت پیامبر گرامی اسلام است
– فقط انسان نامتناهی در کمال و بینش و صفات، قادر به برداشت صحیح از
۱۶۸ اسلام است
- ۱۷۰ – نوع انسان در خسارت است مگر آنان که در حصار ایمان و تربیت انبیا وارد
می شوند
- ۱۷۲ – روش بستدیده قرض الحسنه باعث از میان رفتن ربا و حرکت آفرین است
- ۱۷۴ – با منت گره کرده، نهضت را تا رسیدن به مطلوب حفظ نماید
- بیام امام خمینی به آیت الله العظمی منتظری برای معرفی اعضای شورای عالی قضایی
۵۹/۳/۲۰
- ۱۷۶
- فرمان امام خمینی در مورد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ۵۹/۳/۲۳
- ۱۷۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی ۵۹/۳/۲۴
- ۱۷۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی و مدیران واحدهای مختلف
۵۹/۳/۲۵
۱۷۹ صدهای جمهوری اسلامی
- ۱۷۹ – رادیو و تلویزیون باید تحت نظارت سه قوه اداره بشود
- بیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (سوم شعبان) ۵۹/۳/۲۶
- ۱۸۱
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیرازی ۵۹/۳/۲۷
- ۱۸۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی ۵۹/۳/۲۷
- ۱۸۵
- ۱۸۵ – مکتبی و مردمی بودن از امتیازات بی نظیر انقلاب اسلامی ایران
- ۱۸۶ – نهادهای انقلاب کوشش کنند خدمت برای مستضعف باشد
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام والمسلمین امامی کاشانی ۵۹/۳/۲۷
- ۱۸۸
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فضل الله محلاتی ۵۹/۳/۲۸
- ۱۸۹
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام انواری ۵۹/۳/۲۸
- ۱۹۰

- بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران و شهرستان‌ها ۵۹/۴/۱ ۱۹۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهای اسلامی کارگران ۵۹/۴/۴ ۱۹۲
- آنوبگری‌های عمال آمریکا در لباس گروهک‌ها به منظور جلوگیری از تحقق انقلاب اسلامی ۱۹۲
- هدف اصلی حملات اجانب، اسلام و احکام آن است ۱۹۵
- شناسائی دشمنان اسلام از طریق عملکرد آنان ۱۹۶
- با اسم «اسلام» می‌خواهند اسلام را ازین ببرند ۱۹۸
- هشدار به رسوخ مفسدین در جمع مصلحین و لزوم هوشیاری ملت ۱۹۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدا و معلولین و گروهی از پاسداران واحد آموزش و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۶ ۲۰۳
- شهدا بودند که شما را به این مستدها نشانند ۲۰۳
- اگر شاهنشاهی هستید بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم ۲۰۴
- پیام امام خمینی به مناسبت نیمه‌شعبان خطاب به ملت ایران ۵۹/۴/۷ ۲۰۷
- حضرت مهدی (عج) ذخیرهٔ خداوند برای هدایت بشریت ۲۰۷
- رسالت خطیر رسانه‌های گروهی در حفظ آرامش کشور ۲۰۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری‌ها و رؤسای ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور ۵۹/۴/۱۰ ۲۱۱
- دستاوردهای حاصل از آموزش و پرورش، در طول پنجاه سال سلطه طاغوت ۲۱۱
- تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلم است ۲۱۲
- آموزش وقتی مفید خواهد شد که تربیت روحی و اخلاقی باشد ۲۱۳
- اگر شما خودتان را اسلامی نکنید نمی‌توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید ۲۱۶
- دانشگاه‌ها و مدارس باید مرکز تربیت صحیح باشند ۲۱۷
- مساجد را خالی نگذارید ۲۱۷
- پیام امام خمینی در رابطه با عدم تعرض افراد به بانوان بی‌حجاب ۵۹/۴/۱۳ ۲۱۹
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان، افسران و درجه‌داران و پرسنل نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۴/۱۵ ۲۲۰
- مقصد عالی اسلام و همه مکتب‌های توحیدی این است که انسان درست بشود ۲۲۰
- اسلام هادی انسان‌های سرگردان به سوی کمال مطلق و نور ۲۲۱

- ۲۲۳ - در اسلام هر چه هست برای صلاح حال ملت‌هاست
- ۲۲۴ - کسی که به خدا متمسک است از هیچ چیز نمی‌ترسد
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و انصار جماعات تهران و شهرستان‌ها
۵۹/۴/۲۰
- ۲۲۶ - دشمنان اسلام مقصدشان این است که روحانیت را پیش ملت ضعیف کنند
- ۲۲۶ - ضرورت حضور فعال روحانیون در صحنه سیاست همراه با حفظ حوزه‌های
فقاہت
- ۲۲۸ - مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود
- ۲۳۰ - همه اقشار ملت برای حفظ اسلام آماده و مجهز باشند
- ۲۳۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جامعه زنان انقلاب اسلامی منطقه
شمیران و سیاه‌پاسداران انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۲۱
- ۲۳۵ - کودتا در یک کشوری واقع می‌شود که حکومت آن جدای از مردم باشد
- ۲۳۵ - در ماه مبارک رمضان خودتان را تقویت کنید به قوای روحانی
- ۲۳۹ - آن که سبکبار می‌کند انسان را و از این ظلمتکده بیرونش می‌کشد «ادعیه»
است
- ۲۴۰ - اگر راهمان بدهند به این ضیافت بزرگ الهی، ممکن است راهی پیدا کنیم به
سوی انسان شدن
- ۲۴۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان سازمان پیشمرگان مسلمان کرد
۵۹/۴/۲۱
- ۲۴۴
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام محمدحسن قدیری ۵۹/۴/۲۲
- ۲۴۵
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام توسلی محلاتی ۵۹/۴/۲۷
- ۲۴۶
- فرمان امام خمینی به برادر مرتضی رضائی ۵۹/۴/۲۸
- ۲۴۷
- بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۵۹/۴/۲۸
- ۲۴۸
- ۲۴۸ - پیروزی قطعی در سایه سیطره اسلام بر همه دستگاه‌ها
- ۲۴۹ - لزوم هماهنگی میان قوای مسلح
- ۲۴۹ - جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و تصفیه عناصر ناصالح
- ۲۴۹ - تأکید بر حفظ نظم و انسجام برای جلوگیری از تزلزل

- ۲۵۱ - سفارش در حفظ امانت الهی به دور از اغراض نفسانی
- ۲۵۲ - کمترین جزای مفسد، به حکم قرآن قتل است
- ۲۵۳ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی قضائی ۵۹/۴/۲۹
- ۲۵۳ - ما در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم
- توصیه به مجلس در اجرای حدود الهی با کمال قاطعیت و اصلاح سازمان‌های دولتی
- ۲۵۴ - قضاوت در اسلام باید به دست اسلام‌شناس باشد
- ۲۵۶ - ما اسلام را می‌خواهیم و از ملی‌گرایی سیلی خورده‌ایم
- ۲۵۸ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای نگهبان ۵۹/۴/۳۰
- ۲۵۸ - شورای نگهبان باید ناظر بر قوانین مجلس باشد
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مهاجرین نوسود و فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان پاوه ۵۹/۴/۳۱
- ۲۵۹ - همه مسلمان‌های شیعه، سنی، حنفی، حنبلی و اخباری باهم برادر هستند
- ۲۶۰ - پاسخ امام خمینی به نامه بنی صدر ۵۹/۵/۱
- بیانات امام خمینی در جمع جانشین ستاد مشترک و فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۵/۳
- ۲۶۱ - ما امروز در همه ارگان‌های دولتی احتیاج به تقویت داریم
- ۲۶۲ - برای پاکسازی توطئه‌گران مفسد باید همه دست به دست هم بدهند
- ۲۶۳ - ما باید خودمان را فانی کنیم تا مکتبمان پیش برود
- ۲۶۴ - برای پیشرفت کشور باید در عین همراهی باهم، هر کس وظیفه قانونی‌اش را انجام دهد
- بیانات امام خمینی در جمع علما و روحانیون مناطق ترکمن صحرا، گنبد، کلاله، مرادتپه و گالیکش ۵۹/۵/۵
- ۲۶۶ - جمهوری اسلامی باید بر وفق موازین شرعی باشد
- ۲۶۸ - بیانات امام خمینی در دیدار با اسقف هیلارین کاپوچی ۵۹/۵/۱۲
- ۲۶۸ - آقای پاپ باید طرفدار مظلومان باشد، نه ظالمان
- ۲۷۱ - بیانات امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس ۵۹/۵/۱۵

یازده

۲۷۱ - اگر مسلمین باهم اتفاق پیدا بکنند هیچ مصیبتی پیش نمی‌آید

۲۷۱ - تا یک دولت اسلامی به تمام معنای کار نیاید ما باید باز همین گرفتاری‌ها را داشته باشیم

۲۷۲ - تمام مقصد ما مکتب ماست

۲۷۳ - روز قدس فرصتی برای قیام یکپارچه ملت‌های مسلمان علیه مفسدین

۲۷۴ - ترغیب مسلمانان جهان به اتحاد بر علیه اسرائیل

۲۷۷ - می‌نگوئید من، بگوئید مکتب من

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت‌کننده در کنگره آزادی قدس ۵۹/۵/۱۸

۲۷۸ - مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است

۲۷۸ - علمای همه بلاد اسلامی باید مردم را بیدار کنند

۲۸۰ - ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است

۲۸۱ - ما تا به اسلام برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش است

۲۸۳ - ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی‌مان را به جهان صادر کنیم

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی «به مناسبت عید مناسبت فطر» ۵۹/۵/۲۰

۲۸۴ - مبارک آن روزی است که تمام دولت‌های اسلامی با ملت‌ها باهم باشند

۲۸۴ - روحانیت بعضی ممالک با تکفیر ما دانسته یا ندانسته در خدمت ابرقدرت‌ها هستند

۲۸۶

۲۹۲

۲۹۳

۲۹۴

۲۹۵

۲۹۶

۲۹۷

۲۹۸

۲۹۹

۳۰۰

۳۰۱

۳۰۲

۳۰۳

۳۰۴

۳۰۵

۳۰۶

۳۰۷

۳۰۸

۳۰۹

۳۱۰

۳۱۱

۳۱۲

۳۱۳

۳۱۴

۳۱۵

۳۱۶

۳۱۷

۳۱۸

۳۱۹

۳۲۰

۳۲۱

۳۲۲

۳۲۳

۳۲۴

۳۲۵

۳۲۶

۳۲۷

۳۲۸

۳۲۹

۳۳۰

۳۳۱

۳۳۲

۳۳۳

۳۳۴

۳۳۵

۳۳۶

۳۳۷

۳۳۸

۳۳۹

۳۴۰

۳۴۱

۳۴۲

۳۴۳

۳۴۴

۳۴۵

۳۴۶

۳۴۷

۳۴۸

۳۴۹

۳۵۰

۳۵۱

۳۵۲

۳۵۳

۳۵۴

۳۵۵

۳۵۶

۳۵۷

۳۵۸

۳۵۹

۳۶۰

۳۶۱

۳۶۲

۳۶۳

۳۶۴

۳۶۵

۳۶۶

۳۶۷

۳۶۸

۳۶۹

۳۷۰

۳۷۱

۳۷۲

۳۷۳

۳۷۴

۳۷۵

۳۷۶

۳۷۷

۳۷۸

۳۷۹

۳۸۰

۳۸۱

۳۸۲

۳۸۳

۳۸۴

۳۸۵

۳۸۶

۳۸۷

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۳

۳۹۴

۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۸

۴۰۹

۴۱۰

۴۱۱

۴۱۲

۴۱۳

۴۱۴

۴۱۵

۴۱۶

۴۱۷

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۱

۴۲۲

۴۲۳

۴۲۴

۴۲۵

۴۲۶

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۰

۴۳۱

۴۳۲

۴۳۳

۴۳۴

۴۳۵

۴۳۶

۴۳۷

۴۳۸

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

۴۴۲

۴۴۳

۴۴۴

۴۴۵

۴۴۶

۴۴۷

۴۴۸

۴۴۹

۴۵۰

۴۵۱

۴۵۲

۴۵۳

۴۵۴

۴۵۵

۴۵۶

۴۵۷

۴۵۸

۴۵۹

۴۶۰

۴۶۱

۴۶۲

۴۶۳

۴۶۴

۴۶۵

۴۶۶

۴۶۷

۴۶۸

۴۶۹

۴۷۰

۴۷۱

۴۷۲

۴۷۳

۴۷۴

۴۷۵

۴۷۶

۴۷۷

۴۷۸

۴۷۹

۴۸۰

۴۸۱

۴۸۲

۴۸۳

۴۸۴

۴۸۵

۴۸۶

۴۸۷

۴۸۸

۴۸۹

۴۹۰

۴۹۱

۴۹۲

۴۹۳

۴۹۴

۴۹۵

۴۹۶

۴۹۷

۴۹۸

۴۹۹

۵۰۰

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1364.

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8563402

ص: 13

پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمیسیون تحقیق جنایات دولت آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران! جنایات شاه و آمریکا چیزی نیست که احتیاج به اثبات داشته باشد. شاه و آمریکا ما را در تمام زمینه ها وابسته نموده اند. قتل و ضرب و شتم و زندان و تبعید از امور رایج این جانیان بوده است. ما تا آخر عمر علیه دولت آمریکا مبارزه می کنیم و تا آن را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آنها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوشت خویش را به دست گیرند، از پای نمی نشینیم. برای ما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار فرقی نمی کند. ما می جنگیم و چون حق پیروز است پیروزیم. سلطه آمریکا تمام بدبختی های ملل مستضعف را به دنبال دارد و تجاوز شرق متجاوز روی تاریخ را سیاه نموده است.

ملت عزیز ایران! بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید، ابرقدرتها برای نابودی شما هر روز نقشه می کشند ولی ان کید الشیطان کان ضعیفا. مسأله ای که این روزها عنوان شده است، قضیه آمریکا و گروگان های جاسوس امریکائی است که در دست دانشجویان مسلمان و مبارز است در این مورد مطالبی چند را متذکر می شوم:

1 _ رونوشت کلیه مدارک مربوط به دخالت آمریکا و شاه خائن را باید در اختیار هیأت بررسی و تحقیق جنایات دولت آمریکا و شاه گذاشت و دانشجویان مسلمان هم اگر مدارکی در این مورد دارند، رونوشت آن را در اختیار این هیأت بگذارند.

2 _ ملاقات با گروگان هایی که در پرونده جنایات آمریکا و شاه دخالت دارند، برای بازجویی از آنان آزاد است.

3 _ اگر هیأت بررسی، نظر خودش را در تهران، درباره جنایات شاه مخلوع و دخالت های امریکای متجاوز ابراز داشتند، ملاقات با تمامی گروگان ها بلامانع است.

بار دیگر پشتیبانی خود را از شورای انقلاب و شخص جناب رئیس جمهور اعلام می دارم و از همه می خواهم که آنان را یاری کنند و در پشتیبانی از آنان کوتاهی نکنند و از همه قشرها می خواهم که از اخلاق پسندیده اسلام پیروی نمایند و حقوق برادری را حفظ نمایند.

خواهران و برادران عزیزم! امروز روز اتحاد و اتفاق است. امروز روزی است که اگر هماهنگ نباشید، یا گرفتار شرق می شوید و یا غرب. هرگز روی یک سخن نایستید و هر چه صلاح این مرز و

بوم و ملت اسلام است ، انجام دهید . نهضت ملت شریف ایران برای قطع ایادی دشمنان ادامه دارد و تا امریکا و سایر ابرقدرتها به ستمکاری و جنایات خود ادامه می دهند ملت ما به مقابله و مبارزه خود با آنان ادامه می دهد و استقلال همه جانبه خود را با تمام قوا حفظ می کند . بر روشنفکران است که هر چه بیشتر در رسوائی ابرقدرت بکوشند و امیدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام که مبارزه با قدرت های ستمگر است ، هیچ گاه منحرف نشود و برای به ثمر رساندن اهداف اسلام از پای ننشیند ، چنانکه امیدوارم ملت های مسلمان و خصوصا ملت مبارز ایران ، در این هدف کوشا باشند و مبارزه خود را علیه ستمگران شرق و غرب ادامه دهند . از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 2

پیام امام خمینی به مناسبت انتخابات شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مجاهد ایران ایده‌م الله تعالی .

در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی ، دو چیز موجب نگرانی اینجانب است :

1 _ خوف آن دارم که در اثر تبلیغات دامنه دار دشمنان نهضت اسلامی و مخالفان جمهوری اسلامی که در ظرف این یک سال با هر وسیله ممکن به تضعیف آن کوشا بوده اند و اخیراً که قدم آخر پیروزی را ملت عزیز هوشیار برمی دارد ، تبلیغات و شایعه سازی ها به اوج خود رسیده و چون خود و الهام دهندگان خود را در آستانه شکست نهائی یافتند از هیچ تشبثی دست بردار نیستند که جوانان عزیز ما که به همت والای خود نهضت اسلامی را پیش برده اند ، در این مرحله نهائی سردی و سستی از خود نشان دهند و تحت تأثیر این شایعه ها واقع شوند و از شرکت در این امر حیاتی اسلامی خودداری کنند . اینجانب که عمر نالایق خود را برای خدمت به اسلام و ملت شریف در طبق اخلاص تقدیم می کنم ، امید است تقاضای متواضعانه و استدعای خیرخواهانه ام را بپذیرید و با شرکت عمومی خود در انتخابات ، قطع امید دشمنان جمهوری اسلامی و وابستگان به رژیم منحط سابق و هواخواهان آن خصوصاً دولت امریکای ستمکار را بنمائید .

عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست ، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید ، و به صندوق ها هجوم آورید و آراء خود را در آنها بریزید و با کمال آرامش و مراعات کامل اخلاق انسانی اسلامی ، این امر مشروع را انجام دهید . من نیز با حال نقاهت ، خود را برای شرکت مهیا می نمایم .

2 _ خوف آن دارم که تبلیغات برای اشخاص که به اسلام و جمهوری اسلامی اعتقاد ندارند و اعمال و گفتار آنان در این یک سال شاهد آن است و اکنون برای راه پیدا کردن به مجلس و برای کارشکنی و جنجال در محیط مقدس مجلس شورای اسلامی ، خود را هوادار اسلام و مسلمانان جا می زنند ، در قشری از ملت و جوانان پاکدل تأثیر کند و آراء مقدس خود را به کسانی دهند که به نفع اجانب ، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالفت اساسی دارند . امید است ملت مبارز متعهد به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و گروه ها ، آراء خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند و از تمایلات چپ و راست ، مبرا باشند و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت معروف و موصوف باشند . باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم

اسلامی، خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسؤولیت عظیم امت. از خداوند تعالی خواهانم که پشت و پناه شما ملت عزیز باشد و در موارد لغزش، دستگیر همگان باشد.

من در این مرحله حساس ایران ساز، چشم امیدم به شما ملت بزرگ است و انتظار روز موعود رامی کشم که ملت عزیز با همت والای خود، پیروزی نهائی را به دست آورد. اخیرا لازم است مطلب مهم دیگر را تذکر دهم تا با مراعات آن از هر گونه تقلب اشخاص فاسد جلوگیری شود. لازم است در تهران که باید به سی نفر رأی داد و در شهرستان هائی که چند نفر مورد انتخاب است، انتخاب کنندگان قبل از رفتن به سر صندوق انتخابات، منتخبین خود را با تحقیق و دقت کامل روی یک ورقه بنویسند که در وقت رأی دادن، با ذهن حاضر رأی بدهند و لازم است که خودشان مستقیما رأی خود را به صندوق بیندازند و به احدی اعتماد نکنند که فرصت طلبان در کمینند. کسانی که سواد نوشتن ندارند، قبلا به شخص مطمئنی مراجعه کنند و منتخبین خود را به او بگویند تا در ورقه بنویسند پس از آن ورقه را به یکی دو نفر مورد اطمینان بدهند بخواند که اشتباهی رخ ندهد و از خیانت و تقلب مصون باشد. لازم است از اوراقی که دیگران به آنها دهند، جدا اجتناب کنند. از خداوند تعالی توفیق همگان را در یاری به اسلام و مسلمین خواستارم.

و السلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 4

بیانات امام خمینی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی

در مجلس شاهنشاهی، هم سنا و هم شورایش مردم هیچ دخالتی نداشتند

بسم الله الرحمن الرحيم

در این موقع که انتخابات را می خواهید شروع کنید، من با اینکه بعضی مطالب را نوشته ام و پخش شده است، معذک چون امر مهم است و من احتمال می دهم که یک وقت مسؤولیتی به من متوجه باشد، و من برای ادا وظیفه باز چند کلمه عرض می کنم.

ملت ما از مجلس زمان رضا شاه و محمدرضا پهلوی، یک خاطرات تلخی دارد. من قبل از زمان رضاخان هم یاد دارم بعضی از دوره های انتخابات را و حاضر بعضی حوزه های انتخاباتی هم بوده ام. از آن زمانی که من یادم است تا حالا، مجلس شورای ملی یک لفظی بوده است که بی محتوا مجلس شورای ملی معنایش این است که ملت اشخاصی را خودشان تعیین کنند و آنها هم به شور بنشینند و مصالح کشور خودشان را تعیین کنند. قبل از آمدن رضاخان، زمان احمدشاه، امر انتخابات با خان ها بود و مالکین بود و گردن کلفت های هر منطقه، آنوقت دولت نفوذ نداشت لکن شاهزاده هائی که دارای ملک بودند و خان هائی که دارای قدرت بودند و قلدرهایی که در اطراف کشور بودند، آنها رعیت های خودشان را، مردم خودشان را با زور می آوردند پای صندوق ها و هرچه آنها می گفتند اینها هم عمل می کردند. در زمان رضاخان، آنوقت که قدرت پیدا کرد و در زمان محمدرضا مجلس باز به ملت کار نداشت، مجلس شورای ملی نبود. آن اول را باید بگوئیم مجلس خان ها و این را بگوئیم مجلس شاهنشاهی، هم سنایش، هم شورایش، مردم هیچ دخالتی نداشتند و مردم هم که می دیدند که کاری از آنها نمی آید، کنار می نشستند و دیدند که اشخاصی را که می برند در مجلس، یک اشخاصی هستند که خود آنها ساخته اند و مصلحت مملکت تو کار نیست، حرف البته همیشه بود، همیشه حرف و ثناخوانی و ترقیات، هم در زمان محمدرضا بود و هم در زبان آنهایی که او را تعیین کرده بود. اگر الان صورت مجلس هائی آن وقت پیدا بشود، می بینید که سر تا ته مجلس به ثنا و مدح محمد رضا و کسانی که به او مربوط بودند می گذشت. در آن زمان مسؤولیت ملت نداشت برای اینکه قدرت نداشت و تحت سلطه خان ها در آن وقت و تحت سلطه این دو نفر، رضا و محمدرضا در این دوره و ملت هم هیچ کاری از او نمی آمد و نمی توانست، نفس هم نمی توانست بکشد، از این جهت هر مسؤولیتی پیش خدا و پیش نسل های آینده متوجه می شد، بر خان ها و بر وکلای خان در آن زمان بود و بر رضاخان و محمدرضا

و وکلای منسوب از قبال اینها در این زمان بود . این مال آن زمان .

امروز سرنوشت اسلام و کشور به دست ملت است

این تلخی مطالب و بی بند و باری انتخابات و مجلس و امثال ذلک شاید یک وقت اسباب این بشود که بعضی ها گمان کنند که خوب حالا هم مثل آنوقت است و به اصطلاح آدم مارگزیده از ریسمان خط و خالدار هم می ترسند و ملت ما مارگزیده است ، استعمارگزیده است ، خان گزیده است و محمدرضا و رضاخان گزیده است ، از این جهت یک وقت می بینید که در ذهنشان می آید که خوب این هم مجلسی مثل آن مجلس ها ، لکن همه باید بدانند که امروز هیچ قدرتی نیست که بتواند یک وکیل را تحمیل کند ، از رئیس جمهور گرفته تا ارتش ، تا شهربانی ، ژاندارمری ، خان ها هم که دیگر چیزی از آنها باقی نمانده است . و اشراف و اعیان هم همین طور ، متنفذینی هم نداریم ، هیچ کس الان در ایران ، هیچ مقامی در ایران نیست که قدرت این را داشته باشد که یک وکیل تحمیل کند . بنابر این امروز مسؤولیت به عهده ملت است ، ملت اگر چنانچه کنار بنشیند ، اشخاص مؤمن ، اشخاص متعهد کنار بنشینند و اشخاصی که نقشه کشیده اند برای این مملکت از چپ و راست ، آنها وارد بشوند در مجلس ، تمام مسؤولیت به عهده ملت است ، هر قدمی که بر ضد اسلام بردارند ، در نامه اعمال ملت نوشته شود ، هر کاری که انجام بدهند مسؤولیتش متوجه ملت است امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسلمین در ایران و سرنوشت کشور ما به دست ملت است و اگر مسامحه کنند در این امر ، اهمال کنند ، نروند و رأی ندهند ، مسؤولیت متوجه خود آنهاست عینا ، و اگر بروند و در تشخیص مسامحه کنند و اشخاص متعهد مسلم ، کسانی که برای کشور و اهالی کشور ارج قائل هستند ، کسانی که نمی خواهند زمام امور کشور ما به دست چپ بیفتد یا به دست راست بیفتد ، این اشخاص را اگر چنانچه تعیین کنند ، به تکلیف خودشان عمل کرده اند و اگر چنانچه مسامحه در این امر کنند و آنها پیش ببرند ، آنهایی که می خواهند ما را به زنجیر چپ و راست بپیوندند و ما را اسیر کنند در دست قدرت های بزرگ ، اگر آنها پیش ببرند و شما ساکت باشید ، تمام مسؤولیت متوجه شماست . امروز مسؤولیت بزرگی به عهده همه ماست ، من آن مقداری که قدرت دارم برای گفتن ، در عین حالی که حال من حال نقاهت است ، احساس وظیفه می کنم و به ملت عرض می کنم و اگر ملت به این حرف گوش نکرد ، من حجت دارم ، فردا در پیشگاه خدای تبارک و تعالی از من سؤال خواهد شد ، من عرض می کنم در آنجا که من به ملت ، مصالح و مفاسد را گفتم ، من گفتم به اینکه اگر شما مسامحه کنید ، آنهایی که می خواهند شما را به بند بکشند ، آنهایی که با اسلام مخالفند ، آنهایی که با جمهوری اسلام از اول تا حالا مخالفت کرده اند ، آنها خواهند پیش برد و اگر چنانچه خدای نخواستہ آنها پیش ببرند و مملکت ما باز برگردد به حالی که سابق بود ، یا به دست چپی ها بیفتد یا به دست راستی ها بیفتد تمام مسؤولیتش به عهده شماست . امروز مثل زمان سابق نیست ، مثل زمان رژیم سابق نیست . رژیم سابق شما نمی توانستید ، قدرت نداشتید ، امروز قدرت دارید برای اینکه حفظ کنید حیثیت اسلام را و حفظ کنید مصالح کشور را و حفظ کنید استقلال

خودتان را و حفظ کنید آزادی خودتان را . اگر مسامحه کنید ، در پیشگاه خدای تبارک و تعالی ، اگر نروید و رأی ندهید و آنها که جدیت دارند به اینکه وارد بشوند در مجلس و به هم بزنند اوضاع ایران را ، آنها خدای نخواستہ بروند ، مسؤلیتیش به عهده شماست مستقیما . مسؤلیت همه طبقات دارند ، مراجع مسؤولند ، علما مسؤولند ، ائمه جماعت مسؤولند ، خطبا مسؤولند ، تجار مسؤولند ، بازرگانان مسؤولند ، دانشگاهی ها مسؤولند ، طلاب علوم دینیہ مسؤولند ، کارگرا مسؤولند ، همه مسؤولند ، تمام قشرهای مملکت مسؤولند ، امروز روزی است که آنهایی که از اول تا حالا مخالف با جمهوری اسلامی بودند ، اسلام را مخالف مقاصد خودشان می دیدند ، آنها به دست و پا افتاده اند و دارند تبلیغات می کنند . اگر مؤمنین کنار بروند ، آنهایی که متعهد به اسلام هستند کنار بروند و اینها بیایند و قبضه کنند ، مثل صدر مشروطه که رفتند کنار اشخاصی که متعهد بودند و قبضه کردند مشروطه را آنهایی که متعهد به اسلام نبودند ، اسلام را به آنجا کشاندند که همه دیدید . اگر در صدر مشروطه علما آمده بودند در میدان ، مؤمنین آمده بودند ، روشنفکرهای متعهد آمده بودند و مسلمان متعهد آمده بودند و قبضه کرده بودند مجلس را و نگذاشته بودند که دیگران بیایند مجلس را بگیرند ، ما به این روزگار نمی رسیدیم ، ما مملکت مان خراب نمی شد ، ما عزت‌مان از بین نمی رفت لکن شیاطینی که در آنوقت بودند ، بیخ گوش اینها خوانده اند که شما در سیاست داخل نشوید ، سیاست است این ، شما را به سیاست چه و آنها باور کردند که خیرخواه هستند . امروز هم همان مسائل ممکن است در یک قشرهایی پیش بیاید که بگویند ما چکار داریم به این کارها ، این کارها مال اشخاصی است که خودشان می کنند . باید همه بدانند که همه تان مسؤولید ، همه معاقب هستید ، فردا در پیشگاه خدای تبارک و تعالی نه ملاحظت دارد اگر عمل نکند و نه کاسب حجت دارد اگر عمل نکند و نه زارع حجت دارد اگر عمل نکند و نه دانشگاهی و نه دانشجو و نه طلاب علوم دینیہ ، کارگر و کارفرما ، همه در پیشگاه خدای تبارک و تعالی مسؤول هستید و در پیشگاه ملت و نسل های آتیه هم مسؤول هستید . گمان نکنید که به ما چکار دارد . خیر ، همه چیز به شما مربوط است . امروز مثل زمان سابق نیست که بگویند که قدرت نداشتیم ، نمی توانستیم . امروز می توانید ، امروز همه قدرت دست ملت است ، امروز رئیس جمهور ، رئیس ارگان هر رئیس ارتش ، با شما ، با آن بازاری مثل هم هستید ، در امر ، نه او می تواند به شما تحمیل کند و نه شما می توانید تحمیل کنید و نه شما زیر بار می روید . امروز همه مسؤولیم . امروز همه باید با هم پای صندوق ها برویم و همه با اشخاص متعهد مسلم ، کسانی که نه گرایش چپ دارند ، نه گرایش راست دارند ، نه ما را می خواهند به آنها بفروشند ، نه ما را می خواهند به آن طرف بفروشند ، این اشخاص را تعیین کنید تا سرنوشت شما و سرنوشت اسلام ، سرنوشت صحیح باشد . خدایا! من ادا کردم وظیفه که به عهده من است در این حالی که ضعف و نقاهت دارم و تو را شاهد می گیرم که من برای ادای وظیفه این مسائل را می گویم و انشاءالله برای روز اول سال مسائل مهمی دارم که اگر چنانچه زنده ماندم تا آنوقت آن مسائل را می گویم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کروی در مورد تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی ایدالله تعالی

ملت شریف ایران می داند که نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی مرهون فداکاری قشرهای مختلف ملت است که در صف اول باید شهدای انقلاب رحمة الله عليهم و کسانی که در این راه معلول و آسیب دیده شده اند محسوب داشت. لهذا باید رسیدگی کامل به خاندان شهدا و آسیب دیدگان و معلولین در این راه، چه در راه انقلاب و چه قبل و بعد از آن به نحو احسن و با مراعات احترام آنان بشود. ابتدا لازم است سازمانی به سرپرستی جنابعالی و هیأتی از معتمدین متدین و آگاه و آشنا بدین گونه امور، برای این مقصد مهم تأسیس شود که اجرای طرح های مفید آن، ملت و دولت انقلابی دین خود را در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نمایند، شورای انقلاب موظف است برای این شروع مهم، بودجه کافی تصویب نماید و در اجرای آن سرعت عمل به خرج دهد و دولت و متصدیان امور موظف هستند مواد زیر را مورد تصویب و اجرای سریع قرار دهند:

1_ اولویت فرهنگی: یعنی در مدارس و دانشگاه با تسهیلات مقتضی وارد شوند.

2_ اولویت اقتصادی: یعنی مسکن، وسائل زندگی و سایر مایحتاج زندگی برای آنان تهیه گردد.

3_ اولویت در استخدام: یعنی خانواده شهدا و معلولین در استخدام دولتی اولویت داشته و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت در آیند.

4_ کارت مجانی برای سوار شدن آنان در اتوبوس های دولتی داخل شهرها تهیه گردد.

5_ کارت نیمه بها برای استفاده از وسائل نقلیه بین شهری مثل قطار و هواپیما و غیره.

6_ تشکیل دفترچه مخصوص برای قدرت خرید از تعاونی های دولتی. 7_ بیمه درمانی و استفاده از کارت ویژه خرید دارو.

8_ قرارداد حق رسمی برای معلولین که قدرت کار ندارند و خانواده شهدا بالنسبه به افراد آن خانواده.

9_ ایجاد برنامه هائی در رادیو به عنوان معلولین و خانواده شهدا.

10_ سازمان موظف است بدون فوت وقت ، معلولین و آسیب دیدگانی که احتیاج به معالجه دارند تحت علاج قرار دهد و در صورتی که با تصدیق طبیب لازم است برای معالجه به خارج از کشور بروند ، اسباب مسافرت و مخارج معالجه آنان را فراهم نماید .

ضمناً متذکر می شود که اگر سازمان در موارد مرقومه به اشکالی برخورد نمود و یا از طرف بعضی متصدیان اهمالی شد ، اینجانب را مطلع نمایند تا در رفع آن به طور مقتضی عمل نمایم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 9

تاریخ : 27/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله گلپایگانی دامت برکاته

تلگرام شریف و اصل و موجب تشکر گردید . امید است ملت شریف ایران ، راه نهضت اسلامی را به پیش برد و از ارشادات جنابعالی بهره مند شوند و انتخاباتی که در دوره دوم صورت می پذیرد ، چون این دوره ، با تعهد و وظیفه اسلامی انجام گیرد .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 10

تاریخ : 27/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام پادشاه عربستان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای خالد بن عبدالعزیز پادشاه کشور عربستان

وصول تلگرام آن حضرت نسبت به وضع کسالت و بهبودی اینجانب موجب تشکر گردید . خوشوقتی کامل ما آن روزی است که سلطه همه استعمارگران شرق و غرب و بخصوص آمریکای جهانخوار از سر مسلمانان قطع شود و عموم پیروان مکتب مقدس اسلام بتوانند با کمال برادری و محبت استقلال خود را به دست آورده و عظمت از دست رفته خود را بازیابند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 11

تاریخ : 27/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام ولیعهد عربستان سعودی (فهد بن عبدالعزیز)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای فهد بن عبدالعزیز ولیعهد کشور عربستان

تلگرام آن جناب در مورد بازگشت اینجانب از بیمارستان و رفع کسالت واصل و موجب تشکر گردید . امید است عموم مسلمانان جهان به پیروی از تعلیمات عالیہ اسلام ، قطع هرگونه وابستگی خود را از دول استعمارگر جهان و بخصوص دولت جهانخوار امریکا بنمایند و استقلال کامل خود را بازیابند . والسلام .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 12

متن امام خمینی در مورد عفو عمومی

بسم الله الرحمن الرحيم

گر چه ملت شریف ایران خاطره های تلخی دارند از دستگاه سازمان امنیت و گروهی از قوای انتظامی و افرادی از روحانی نماها که به طور قاچاق خودشان را در سلک روحانیت و گویندگان اسلامی در آورده بودند ، بسیاری از گروههای فوق پس از انقلاب اسلامی به مجازات خود رسیدند ، لکن با گزارشاتی که از اطراف می رسد ، توطئه هائی از گروههای منحرف که به نظر می رسد الهام از خارج می گیرند و می خواهند همان نقشی را که در زمان رضاخان بازی کردند عمل کنند و با شکست حتمی روحانیت متعهد و آسیب رساندن به قوای انتظامی ، کشور عزیز را به دامن چپ و یا راست بکشانند و با ملت آن کنند که در زمان رژیم طاغوتی کردند و این خطر عظیمی است که غفلت از آن و بی تفاوتی در مقابل آن به هدم اسلام و کشور منتهی شود . من خود شاهد زمان رضاخان از کودتا تا انقراض فضاخت بار رژیم بوده ام و توطئه هائی را که به دست عمال خارجی می شد ، یکی پس از دیگری دیده ام . من شاهد بودم که روحانیت را به اسم ارتجاع و اسم های ننگین دیگر در نظر ملت ساقط نمودند و سنگرهای بزرگ اسلام را یکی پس از دیگری با دست جوانان بیخبر از عمق توطئه ها ، شکستند و راه را برای مقاصد شوم استعمارگران باز کردند و شاعران درباری و نویسندگان مزدور و گویندگان وابسته بر ضد اسلام ، خدمتگزاران به کشور و اسلام ، از رجال پاکدامن گرفته تا علماً بزرگ طراز اول ، با قلم و زبان و شعر و مقاله ، آنان را از ملت و ملت را از آنان جدا کردند و سایه شوم استبداد و استعمار را در طول پنجاه سال ، آنچنان بر سرتاسر کشور عزیزمان گسترده که احدی را مجال گفتن حق نماند . من به شما ملت شریف ستمدیده اخطار می کنم جای پای آن شیطان بزرگ و شیاطین دیگر را در سراسر کشور می بینم که با نقشه حساب شده همان طرح زمان رضاخان را ریخته و با شیطنت در صدد اجرای آن هستند و آن نقشه تضعیف روحانیت متعهد و تضعیف قوای انتظامی است به اسم ساواکی و وابسته به رژیم طاغوتی ، لهذا من برای احساس خطر و جلوگیری از این نقشه شوم و حفاظت کشور عزیز و اسلام بزرگ ، کلیه قشربهایی که دستشان به خون بیگناهی آغشته نشده و امر به قتل نفوس نکرده و شکنجه گر نبوده و امر به شکنجه منتهی به قتل نکرده و از بیت المال و اموال مردم سوء استفاده نموده ، در آستانه سال جدید عفو عمومی نمودم ، چه انتظامی و چه سایر قوای انتظامی و چه ساواکی و چه روحانی نمای وابسته و پیوسته به رژیم سابق . از این تاریخ به بعد احدی حق تعرض به

کسی را ندارد و نه مقامات مسؤول و نه گروه غیر مسؤول و جناب آقای رئیس جمهور موظف هستند که از این هرج و مرج موجود اکیدا با قوه قهریه جلوگیری نمایند و متخلفین را از هر قشری هستند به دست قانون بسپارند و جناب آقای قدوسی دادستان کل انقلاب موظف هستند که اشخاص متخلف را از هر طبقه هستند به دادگاه احضار و به وسیله آقای رئیس جمهور آنان الزام به حضور، و عدالت را درباره آنان اجرا کنند. اما اشخاصی که متهم هستند به یکی از امور فوق که مورد عفو نمی توانند باشند، احدی حق تعرض به آنان را ندارد جز محاکم صالح و مأمورین از قبل آن محاکم برای تحویل به محاکم. تمام محاکم ایران موظفند که پس از اتمام پرونده متهم، پرونده یا رونوشت آن را به تهران نزد آقای قدوسی دادستان کل انقلاب بفرستند برای رسیدگی نهائی و آقای قدوسی موظفند هیأت یا هیأت هائی مرکب از قضات شرع تشکیل دهند و رسیدگی به این قسم پرونده ها بکنند و حکم عدل اسلامی را جاری نمایند و جناب آقای رئیس جمهور پس از رسیدگی به جرائم محکومین که در زندان هستند به گروه هایی که لایق تخفیف هستند یک درجه تخفیف دهند و آنانی را که می شود آزاد کرد آزاد کنند و باید تذکر دهم که این عفو و تخفیف مشروط است به آنکه این اشخاص پس از عفو و آزادی، مرتکب اعمال سابق خود یا مشابه آن نشوند والا علاوه بر مجازات جرم فعلی، مجازات جرم سابق نیز اعاده می شود و من از عموم برادران ایمانی می خواهم که برای رضای خداوند تعالی از انتقامجویی و بهانه گیری اجتناب کنند و به پیروی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عفو و اغماض را شیوه خود قرار دهند و من از جوانان عزیز می خواهم که از خود عطوفت نشان دهند و از شیوه احسان که مرضی خداوند است و قرآن کریم بر آن تاکید فرموده، پیروی کنند.

از خداوند تعالی سلامت و سعادت همگان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 28/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی دامت برکاته

تلگرام حضرتعالی در مورد قدردانی از فرمان عفو عمومی واصل گردید . از این ابراز محبت شما متشکرم . امید است مسلمانان از ارشادات و راهنمایی های آنجناب بهره مند گردند . سلامت و موفقیت شما را از خداوند متعال مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 15

بیانات امام خمینی خطاب به ملت ایران به مناسبت تحویل سال نو

پیروزی انقلاب ما پیروزی بود که به برکت اسلام به دست آمد

بسم الله الرحمن الرحيم

من مسائلی داشتم که ابتدانا بنا داشتم به طور صحبت ، آن مسائل را به عرض ملت برسانم لکن چون طولانی است ، از این جهت آن مسائل را با نوشته انشاءالله روز جمعه به عرض آقایان می رسانم . آنچه که حالا باید عرض کنم این است که من امیدوارم که در این سال جدید ملت ما همانطور که پیروزی پیدا کردند و بحمدالله قریب یک سال از انقلاب گذشته همه نهادهای انقلابی به طور شایسته تحقق پیدا کرد و آرامشی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی دیده شد و به من اطلاع دادند آرامش چشمگیری بود و باید عرض کنم که همانطور که سال تجدید می شود باید یک تجدیدی هم در اشخاص ، یک تحولی هم در ارواح و اشخاص پیدا بشود . اختلافاتی که بعد از هر انقلابی هست و سی و پنج میلیون جمعیت از حبس بیرون آمده اند و آزاد شده اند ، البته در بین اینها اشخاصی هستند که انحرافات داشته باشند ، لکن باید همه متذکر این معنا باشند که این پیروزی انقلاب ما پیروزی بود که به برکت اسلام و گرایش به اسلام و با فریاد الله اکبر این پیروزی به دست آمد . کسی گمان نکند که اشخاصی یا گروه هائی پیروزی را برای ما تحصیل کردند . خیر ، این خدای متعال بود که وقتی دید مردم در راه او قیام کرده اند ، با آنها همراهی کرد . شما غافل نباشید از این انصرافی که دشمن های ما پیدا کردند راجع به مواجهه جدی . این چه بود ؟ اگر اینها می خواستند که با طیاره هایشان ، با توپ هایشان ، با تانک هایشان بریزند در خیابان ها و تهران را بمباران کنند ، شما راه دفاعی نداشتید . کی منصرف کرد اینها را و کی خوف در دل آنها انداخت که نتوانستند بکنند ؟ شما که قوه ای نداشتید ، ما که قدرتی نداشتیم آن که در دل آنها خوف ایجاد کرد و پیروزی ما پیروزی به رعب شد آن خدای تبارک و تعالی بود . وقتی ملتی توجه به خدا پیدا کردند و دیدند که راه ، راهی است که باید به طور شایسته اقدام در آن بکنند و سرتاسر کشور ، همه جا صدای الله اکبر بلند شد ، خدای تبارک و تعالی با آنها همراهی کرد و دشمن هائی که نه فقط قدرت های داخلی بود قدرت های خارجی هم به هم شکست و همه انصراف پیدا کردند از اینکه مقابله کنند و در دل همه رعب پیدا شد . این کاری بود خدائی و از دست هیچ بشری این کار قابل انجام نبود پس پیروزی ما پیروزی است که به برکت اسلام و به برکت گرایش به قرآن پیدا شد . بعد از پیروزی انسان گاهی می بیند که یک اختلافاتی ، یک چیزهائی است که

بر خلاف مشی اسلام است و بر خلاف دستور پیغمبر اکرم است . می بینیم گاهی یک همچو چیزهائی واقع می شود و ملت ما می داند که در عین حالی که الان پیروزی را به دست آورده است لکن دشمن ها نشستند ، آنهایی که از ایران و از منطقه استفاده کلان داشته اند اینها نشستند و در کمینند و عمال آنها ، منحرفینی که الهام از آنها می گیرند آنها هم در کمینند . غفلت از اینکه این اشخاص در کمین هستند و غفلت از اینکه دشمن های ما باز بیدار هستند ، ما را ممکن است خدای نخواستہ دچار یک زحمت های فوق العاده بکند . نباید ملت ما غافل از این مسائل باشند .

مجلس شورای اسلامی تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشد

مثلاً انتخابات مجلس که یک مرحله اش گذشته است و مرحله بعدش هم بعد انشاءالله می شود این انتخابات یک انتخابات آرامی بود ، آنطوری که به من گزارش دادند انتخابات به طور آرامش تحقق پیدا کرد ، حالا اگر بعضی ها در انتخابات شکست خوردند نباید اینها که قصد خدمت داشتند ، منتها در مجلس حالا دست شان از آن کوتاه شده است ، نباید یکسره ملت را به باد انتقاد بکشند . اگر شما شکست خوردید ، نباید بگوئید ملت ایران همه شان خلاف کرده اند ، چطور یک ملت مسلمی ، در یک امر حیاتی که با این آرامش و خوبی انجام داده است ، اینها خیانتکار باشند ؟ یک ملت که خیانتکار نمی تواند باشد ، این را باید آداب اسلامی را حفظ کنند اشخاص . به مجرد اینکه یکی می خواهد وکیل بشود و فرض کنید که دوست من است می خواهد وکیل بشود یا از گروه من است می خواهد وکیل بشود و ملت او را وکیل نکردند ، نباید یکدفعه قلم ها را بردارند و بر ضد اصل انتخابات چیز بنویسند ، حمله کنند به اصل انتخابات . شکایتی دارند ، خوب شکایت شان را رسیدگی می کنند ، هیاهو درست کردن جز اینکه دامن زدن به این است که خیانتکارها راهشان باز بشود چیز دیگری نیست . اگر شما خدمتگذار به کشور هستید در مجلس یک جور خدمت می توانید بکنید در خارج از مجلس هم یک جور خدمت دیگر . مگر همه اهالی ایران توی مجلس می روند ؟ خوب در مجلس یک عده معدودی هستند ، اگر غرضی در کار نیست و می خواهید خدمت بکنید ، حالا می بینید که شما رای نداشته اید ، شما در خارج مجلس خدمت بکنید ، تأیید کنید این مجلس را ، اینطور نباشد که منعکس کنید در خارج که خیر مملکت ایران یک مملکتی است که انتخاباتش کذا شد . این حرف غلطی است ، این حرف غلط را آنقدر نزنید . برای خاطر خدا توجه داشته باشید که یک مجلس شورا که مجلس شورای اسلامی است و می خواهد برای ایران خدمت کند و باید قوه داشته باشد ، تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشند . شما بخواهید برای اینکه شما وکیل نشده اید در کجا هیاهو کنید که انتخابات ، انتخابات کذابوده ، این حرف خلاف اسلام است . شکایت اگر هست ، شکایت پذیرفته است و مقاماتی که باید شکایت ها را بپذیرند ، می پذیرند ، اما هیاهو کردن و فریاد زدن و انتقاد بیجا کردن ، این برخلاف دستورات اسلام است . باید مسلمین با هم برادر باشند ، همه با هم خدمت بکنند . شما یک مملکتی را از دست یک قوای کثیری ، یک قوای بزرگی ، از چنگال آنها درآورده اید ، حالا که در آورده اید دوباره از

این حرف ها بزنیید و با هم اختلاف بکنید و اینها دوباره برگردد به چنگال آنها؟!!

این صحیح است که انسان از یک مجلسی که باید مقدرات یک مملکت در دست او باشد و با این آرامش هم تحقق پیدا کرده است، شما بنشینید و در روزنامه ها و در عرض می کنم حرف های خارجی و داخلی هی دامن بزنیید به اینکه نه و این مجلس، مجلس کذا نیست؟! این حق نیست و غیر حق را پافشاری نکنید. و من از ملت ایران می خواهم که انشاءالله در این مرحله ثانی هم که آن وقتی که تحقق پیدا کرد همین آرامش را حفظ کنند. یک مملکتی است مال خود شما، خود شما باید خدمتگذار به این مملکت باشید و آرامش را حفظ کنید و همانطوری که در این انتخابات با شوق و شمع رفتید و رأی دادید، در مرحله ثانی هم کار را انجام دهید و انشاءالله مجلس تحقق پیدا بکند. مجلس تنها مرجعی است که برای یک ملت است. مجلس قوه مجتمع یک ملت است در یک گروه، تمام قوای یک ملت در یک گروه مجتمع است و مجلس از همه مقاماتی که در یک کشوری هست بالاتر است. بنابراین یک همچو مقامی را نشکنید و لو نمی توانید. لکن گفتش اصلش، ذکرش اصلش کاریبیحی است و بر خلاف مصلحت است و بر خلاف مسلک اسلام است. من از خدای تبارک و تعالی در سال نو عظمت اسلام، عظمت مسلمین، عظمت ملت شریف اسلام را خواهان هستم و امیدوارم که این سال نو یک سال فرح و انبساطی برای ملت ما باشد، همه چیزها نو بشود، اخلاق نو بشود، اعمال نو بشود، همه چیزشان نو بشود و یک نوسازی از ایران بکند و با هم دست به هم بدهند و این مملکت را بسازند. و چیز دیگری که می خواهم به ملت عرض کنم این است که توجه داشته باشند که در این ایام سال نو بسیاری از مستمندان، بسیاری از مستضعفین هستند که برای سال نو نشان مثلاً نتوانسته اند آن چیزهایی را که می خواسته اند، بچه هایشان خواستند تهیه کنند. آنهایی که دارند، به اینها کمک بکنند و این جمعیت هایی که هستند از ایتام، از فقرا از مستمندان، از مستضعفین، از اینها، به اینها رسیدگی بکنند تا انشاءالله خداوند سال نو را بر همه ما و بر همه مسلمین و بر همه امت اسلامی مبارک کند، خداوند به همه شما تأیید عنایت کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال جدید

بسم الله الرحمن الرحيم

حلول سال جدید را که ره آورد آن تمامیت ارکان جمهوری اسلامی است به همه مستضعفین و به ملت شریف ایران تبریک عرض می کنم . اراده خداوند متعال و له الشکر تعلق گرفت که این ملت مظلوم را از زیر بار ستمگری ها و جنایات حکومت طاغوتی و از زیر سلطه قدرت های ستم پیشه خصوصا دولت امریکای جهانخوار نجات دهد و پرچم عدل اسلامی را بر فراز کشور عزیزمان به اهتزاز در آورد . و وظیفه ماست که در مقابل ابر قدرت ها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم ، به شرط اینکه روشنفکران دست از غرب و شرق و غریزگی و شرق زدگی بردارند و صراط مستقیم اسلام و ملیت را دنبال کنند .

ما با کمونیسم بین الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی امریکا ، و با صهیونیسم و اسرائیل شدیداً مبارزه می کنیم . دوستان عزیزم ! بدانید که خطر قدرت های کمونیستی از امریکا کمتر نیست و خطر امریکا به حدی است که اگر کوچکترین غفلتی کنید نابود می شوید . هر دو ابر قدرت کمر به نابودی ملل مستضعف بسته اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم . ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی کنیم کنار بگذاریم ، زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است . از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی مان بسته اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد . ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت ها و ابرقدرت ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری های مشقت باری که داریم ، با جهان برخوردی مکتبی نمائیم . جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست ! با یک دست قرآن را و با دست دیگر سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمائید . چنان با دوستانتان رحیم باشید که از ایشان هر چه دارید نسبت به آنان کوتاهی ننمائید . آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت کنندگان خدایند .

من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت ها و جبهه ها و گروه هایی که برای رهائی از چنگال ابرقدرت های چپ و راست می جنگند اعلام می کنم . من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و

لبنان عزیز اعلام می دارم . من بار دیگر اشغال سبعمانه افغانستان را توسط چپاولگران و اشغالگران شرق متجاوز شدیداً محکوم مینمایم و امیدوارم هر چه زودتر مردم مسلمان و اصیل افغانستان به پیروزی و استقلال حقیقی برسند و از دست این به اصطلاح طرفداران طبقه کارگر نجات پیدا کنند .

ملت شریف باید بداند که تمام پیروزی ها را به اراده خداوند قادر و با تحولی که در سراسر کشور تحقق پیدا کرد و روح ایمان و تعهد و تعاونی که در اکثریت قاطع ملت پیدا شد به دست آمد . توجه به خدای متعال و وحدت کلمه اساس پیروزی ما شد و با از یاد بردن رمز پیروزی و سرپیچی از اسلام بزرگ و احکام مقدس آن و پیمودن راه اختلاف و تفرق ، خوف آن است که عنایت حق تعالی سلب و راه برای مستکبرین باز و حيله ها و دسيسه های قدرت شیطانی ملت عزیز ما را به اسارت کشد و خون های پاکي که در راه استقلال و آزادی ریخته شده و رنج هائی که جوانان و پیران عزیز ما برده اند به هدر رود و بر کشور اسلامی تا ابد آن گذرد که در رژیم طاغوتی گذشت و شکست خوردگان از انقلاب اسلامی با ما کنند که با مستضعفان مظلوم جهان کرده و می کنند . لهذا من با احساس وظیفه الهی و شرعی مطالبی را گوشزد می کنم و جناب آقای رئیس جمهور و شورای انقلاب دولت و قوای انتظامی را اکیداً عهده دار اجرای آن می نمایم و از عموم ملت می خواهم که با تمام قوا و تعهدی که به اسلام عزیز دارند در سرتاسر کشور از پشتیبانی جدی آنان خودداری نکنند . من توطئه های شیاطین ضد انقلاب را برای بازکردن دست شرق و غرب در حال گسترش بینم و برای دولت و ملت ما وظیفه الهی ، انسانی ، ملی است که با تمام توان از آن جلوگیری نمایند . اینک مسائلی را متذکر می شوم :

1 - امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش زندگی نمایند . بار دیگر پشتیبانی کامل خود را از ارتش نجیب ایران اعلام می دارم . ولی ارتش جمهوری اسلامی باید ضوابط و مقررات را کاملاً مراعات نمایند . جناب آقای رئیس جمهور که به نمایندگی از طرف اینجانب به فرماندهی کل قوا منصوب شده اند موظف هستند که هر کس با هر درجه و مقامی که خواست در ارتش اخلاص کند و یا اعتصاب راه بیندازد و یا کم کاری کند و یا نظم و مقررات ارتش را نادیده گیرد و یا از قوانین ارتش سرپیچی کند شدیداً مؤاخذه نمایند و در صورت اثبات جرم ، بلافاصله از ارتش اخراج نمایند و تحت تعقیب قانونی قرار دهند . من دیگر بی نظمی در ارتش را به هیچ وجه تحمل نمی کنم و هر کس که در کار ارتش اخلاص نماید بلافاصله به عنوان ضد انقلاب به ملت معرفی می شود تا ملت عزیز حسابش را با باقیمانده ارتش شاه جنایتکار روشن گرداند .

برادران عزیز ارتشیم ! ای کسانی که به شاه پلید و ایادی چپاولگرش پشت نمودید و به ملت پیوستید! امروز روز خدمت به ملت و ایران عزیز است . سعی کنید با تلاش پیگیر خویش این مرز و بوم را از دست دشمنان اسلام و ایران نجات دهید .

2 - بار دیگر پشتیبانی خود را از سپاه پاسداران اعلام می نمایم و به آنان و فرماندهان آنان گوشزد می نمایم که کوچکترین تخلف موجب تعقیب است و اگر خدای ناکرده کاری کنید که موجب اخلاص در نظم سپاه شود ، بلافاصله اخراج می گردید و تمام آنچه را که درباره ارتش گفتم درباره آنان

به اجرا در می آید. فرزندان انقلابیم! مواظب باشید که با همه با مهربانی و اخلاق اسلامی مواجه شوید.

3_ شهربانی و ژاندارمری کشور باید نظم را رعایت نمایند. از قرار اطلاع کم کاری عجیبی در کلانتری ها دیده می شود. اینان که از گذشته تجربیات خوبی ندارند برای هر چه بیشتر همگامی با مردم و نظم در سراسر ایران کوشش نمایند و مردم را از خودشان بدانند. امید است در آینده تجدید سازمان اساسی برای ژاندارمری و شهربانی در نظر گرفته شود. قوای انتظامیه خود را از اسلام و مسلمین بدانند. انفجارات جنوب مرا شدیداً متأثر کرده است که چرا سپاه و شهربانی و ژاندارمری، عده ای خدانشناس وابسته به رژیم فاسد خارجی متکی به امریکا را دقیقاً شناسائی نمی نمایند و به مجازات نمی رسانند. اینان مفسدین فی الارض هستند، چه آنان که مستقیماً در این گونه اعمال شرکت نمایند و چه آنان که این گونه جریانات را هدایت می کنند، و حکم مفسد فی الارض روشن است. دادگاه های انقلاب هر چه بیشتر قاطعیت به خرج دهند تاریخه آنان را بر کنند.

4_ دادگاههای انقلاب در سراسر ایران باید نمونه کامل اجرای حدود الله باشند. باید سعی کنند که قدمی از احکام خدای تعالی منحرف نشوند و احتیاط کامل را رعایت نمایند. باید با صبر انقلابی به قضاوت بنشینند. دادگاه ها حق ندارند نیروی مسلح از خود داشته باشند. باید بر طبق قانون اساسی عمل نمایند و به تدریج دستگاه قضائی اسلامی مسؤولیت های این دادگاه ها را بر عهده گیرند. قضاوت باید با تمام جدیت جلوی تخلفات را بگیرند و اگر خدای ناکرده کسی از دستورات الهی سرپیچی کرد، بلافاصله به ملت معرفی شده و به مجازات برسد.

5_ دولت موظف است اسباب کار و تولید را برای کارگران و دهقانان و زحمتکشان فراهم آورد، ولی اینان نیز بدانند که اعتصاب و کم کاری نه تنها موجب تقویت ابرقدرت ها می شود، بلکه سبب می شود امید مستضعفان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ای که بپاخواسته اند به یأس مبدل شود. مردم هر شهر به محض اطلاع از اعتصاب هر کارخانه، خود را به آنجا برسانند و ببینند آنان چه می گویند. باید ضد انقلاب را شناسائی و به مردم معرفی نمایند. مردم شریف ایران دیگر نمی توانند حقوق بی جهت به عده ای از خدایی خبر بدهند.

زحمتکشان عزیز! بدانید آنانی که هر روز در گوشه ای بلوا پیاپی می کنند و اصولاً با منطق اسلحه به میدان می آیند، دشمنان سرسخت شما هستند و می خواهند شما را از مسیر انقلاب منحرف نمایند. آنان دیکتاتورانی هستند که اگر روزی روی کار آیند به هیچ کس حق نفس کشیدن نمی دهند. با آنان در تمام زمینه ها مبارزه کنید و آنان را به عنوان دشمنان شماره یک خود به مردم معرفی نمایید و از بستگی آنان و وابستگی آنان به شرق متجاوز و یا غرب استثمارگر پرده بردارید. دولت موظف است اشخاصی که در این گونه اعمال دست دارند شدیداً مجازات کند.

6_ من نمی دانم دولت چرا طرح های متوقف شده خود را که به سود ملت می باشد به کار نمی اندازد. باید دولت هر چه سریعتر طرح هایی به سود ملت را که متوقف شده و آنها که جدید است به اجرا گذارد تا وضع اقتصادی کشورمان سر و سامان یابد.

7_ در ادارات دولتی باید همه از دولت برگزیده تبعیت کنند ، در غیر این صورت شدت عمل لازم است . باید بی درنگ هر کس در هر اداره ای که خواست اخلال کند او را اخراج و به ملت معرفی نمایند . من تعجب میکنم که چرا اولیاً امور از نیروی مردم غفلت می کنند ، مردم خود حساب ضد انقلاب را می رسند و او را رسوا می کنند .

8_ مصادره اموال متجاوزین بکلی از طرف افراد غیر مسؤول و یا محاکم غیر صالحه شدیداً محکوم است . تمام مصادرات باید از روی موازین شرعیه با حکم دادستان و یا قضات دادگاه ها باشد و هیچ کس حق دخالت در این گونه امور را ندارد . متخلفین باید شدیداً مواخذه شوند .

9_ زمین ها باید روی موازین شرعیه توزیع گردد و بعد از اثبات این موضوع ، محاکم صالحه حق اخذ دارند . هیچ کسی حق تجاوز به زمین و یا مسکن و یا باغ کسی را ندارد و اصولاً اشخاص غیر مسؤول حق دخالت در این گونه امور را ندارند ولی اطلاعات خود را درباره زمین و مسکن و باغ طاغوتیانی که به ناحق اموال مردم را غصب نموده اند به مسؤولین امور برسانند و اگر کسی بر خلاف موازین اسلامی و قانونی اقدامی بنماید شدیداً قابل تعقیب است .

10_ بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفین هر چه زودتر بیلان کار خودشان را بدهند تا مردم از فعالیت این دو نهاد انقلابی مطلع گردند . بنیاد مسکن باید روشن کند که چه میزان کار کرده است و بنیاد مستضعفین صورت اموال منقول و غیر منقول طاغوتیان خصوصاً شاه و خاندان و دار و دسته کثیفش در سراسر ایران را به روشنی برای مردم بیان دارند و بگویند چه کرده اند ، اموال شاه خائن را به چه کسانی داده اند ؟ آیا راست است که بنیاد مستضعفین ، بنیاد مستکبرین گردیده است ؟ اگر چنین است تصفیه ضروری است و غفلت از این امر مهم حرام . باید این دو نهاد دقیقاً برای مردم شرح دهند که چرا از این سریعتر نتوانسته اند کار نمایند و اگر کسانی به اسم مستضعفین خلاف می کنند ، بر دادگاه های سراسر ایران است که سریعاً اقدام نمایند .

11_ باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه های سراسر ایران بوجود آید تا اساتیدی که در ارتباط با شرق و یا غربند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی . باید از بدآموزی رژیم سابق در دانشگاه های سراسر ایران شدیداً جلوگیری کرد زیرا تمام بدبختی جامعه ایران در طول سلطنت این پدر و پسر از این بدآموزی بوجود آمده است . اگر ما ترتیبی اصولی در دانشگاه داشتیم ، هرگز طبقه روشنفکر دانشگاهی ای نداشتیم که در بحرانی ترین اوضاع ایران در نزاع و چند دستگی با خودشان باشند و از مردم بریده باشند و از آنچه که بر مردم می گذرد چنان آسان گذرند که گوئی در ایران نیستند . تمام عقب ماندگی های ما به خاطر عدم شناخت صحیح اکثر روشنفکران دانشگاهی از جامعه اسلامی ایران بود و متأسفانه هم اکنون هم هست . اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خوره است از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه رفته ای که همیشه خود را بزرگ دیدند و می بینند و تنها حرف هائی که می زدند و می زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند ، نفهمند زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردمند و تمام چیزی که مطرح

است خود اوست ، برای اینکه بدآموزی های دانشگاهی زمان شاه ، روشنفکر دانشگاهی را طوری بار می آورد که اصولاً ارزشی برای خلق مستضعف قائل نبود و متأسفانه هم اکنون هم نیست .

روشنفکران متعهد و مسؤول ! بیائید تفرقه و تشتت را کنار گذارید و به مردم فکر کنید و برای نجات این قهرمانان شهید داده ، خود را از شر (ایسم) و (ایست) شرق و غرب نجات دهید . روی پای خود بایستید و از تکیه به اجانب بپرهیزید .

طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه ها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروه های منحرف را کنار گذارند و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج اندیشی ها نمایند . این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سال های آینده روشن می گردد . با کمال تأسف گاهی دیده می شود که به علت عدم درک صحیح و دقیق مسائل اسلامی ، بعضی از این مسائل را با مسائل مارکسیستی مخلوط کرده اند و معجونی بوجود آورده اند که به هیچ وجه با قوانین مترقی اسلام سازگار نیست . دانشجویان عزیز! راه اشتباه روشنفکران دانشگاهی غیر متعهد را نروید و از مردم خود جدا نسازید .

12 _ مسأله دیگر مطبوعات است . من بار دیگر از مطبوعات سراسر ایران می خواهم که بیائید و دست در دست یکدیگر نهید و آزادانه مطالب را بنویسید ، ولی توطئه نکنید . من بارها گفته ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند ولی متأسفانه و با کمال تعجب تعدادی از آنها را در مسیری دیدم که با کمال بی انصافی مقاصد شوم راست و یا چپ را در ایران پیاده می کردند و هنوز می کنند . مطبوعات در هر کشوری نقش اساسی را در ایجاد جوی سالم و یا ناسالم دارند . امید است که در خدمت خدا و مردم در آیند .

و همچنین رادیو تلویزیون باید مستقل و آزاد باشند و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی منتشر سازند تا بار دیگر شاهد رادیو تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم . رادیو تلویزیون باید از عناصر طرفدار شاه و یا منحرف پاکسازی شود .

13 _ این روزها حملات به روحانیت اصیل که به راستی چه در زمان شاه و چه در زمان پدرش از بارزترین اقشاری بودند که با قیام های متعدد خود در مقابل فساد دستگاه به افشاگری و مبارزه پرداختند و مبارزات ضد شاهی امریکائی را در طول مبارزات بر حق مردم شریف هدایت می کردند و به پیروزی رساندند ، از طریق ایادی شاه و دار و دسته اش گسترش پیدا کرده است . درست زمانی که روحانیت ، مبارزه سرسختش را در سالهای 41 - 42 علیه شاه خائن شروع کرد ، شاه روحانیت متعهد و مسؤول را در (ارتجاع سیاه) نامید ، زیرا تنها خطر جدی برای او و سلطنت روحانیون مبارزی بودند که ریشه در عمق جان مردم داشتند و در مقابل او و ستمکاریش ایستادند .

درست اکنون ایادی شاه برای خرد کردن روحانیت که اساس استقلال و آزادی این مملکت است کلمه ارتجاع را در دهان فرزندانش که از عمق جریانات مطلع نیستند انداخته اند . فرزندان عزیز و

انقلابیم! امروز توهین و تضعیف روحانیت ضربه به استقلال و آزادی و اسلام است. امروز راه شاه خائن را رفتن و کلمه ارتجاع را به این طبقه محترم که از نادرترین قشرهایی هستند که زیر بار شرق و غرب نمی روند، خواهران و برادران عزیزم! بدانید آنانی که روحانیون را مرتجع می دانند در نهایت راه شاه و امریکا را می روند. ملت شریف ایران با پشتیبانی از روحانیت اصیل و متعهد ایران که همیشه حافظ و سنگربان این مرز و بوم بوده اند، دین خود را به اسلام ادا می نمایند و طمع ستمکاران تاریخ را از کشور قطع می نمایند. از طرف دیگر من به روحانیین محترم در هر جا هستند اعلام می کنم ممکن است شیاطین با ایادی خود تبلیغات سوئی علیه جوانان عزیز خصوصا جوانان دانشگاهی بکنند، باید روحانیون بدانند که امروز تکلیف آن است که همه قشرهای ملت خصوصا دو قشر معظم که مغز متفکر ملت هستند دست به دست هم داده و علیه قدرت های شیطانی و مستکبرین کوشش نموده و در صف واحد نهضت اسلامی را جلو رانده و استقلال آزادی را چون جان عزیز خود نگهداری کنید. نقشه جهانخواران و عمال آنان جدا کردن این دو طبقه مؤثر متفکر در زمان رژیم طاغوتی بود و مع الاسف موفق شد و کشور را به تباهی کشاند و آن نقشه بار دیگر در دست اجراست که با غفلت جزئی روبه تباهی خواهیم رفت. امیدوارم که همه طبقات ملت بخصوص این دو طبقه محترم در این سال جدید از توطئه ها و دسیسه ها غافل نباشند و با وحدت کلمه نقشه های شوم را باطل کنند.

در خاتمه لازم است در این سال جدید بعد از طلب مغفرت برای شهدا انقلاب اسلامی و قدردانی از فداکاری های آنان به بازماندگان آنان، مادران و پدران آنان تبریک عرض می نمایم که چنین شیرزنان و شیرمردانی تربیت نمودند و نیز به معلولین و آسیب دیدگان انقلاب که در پیشبرد نهضت ملت و تحقق جمهوری اسلامی پیشقدم بودند، تبریک عرض کنم. الحق انقلاب اسلامی ما مرهون فداکاریهای این دو قشر عزیز است اینجانب و ملت ما این دلاوری ها را فراموش نمی کنیم و یاد آنان را گرامی می داریم. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

تاریخ : 6/1/59

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

مشهد مقدس ، حضرت آیت الله آقای حاج سید عبدالله شیرازی دامت برکاته

تلگرام شریف واصل گردید . از ابراز لطف شما متشکرم . موفقیت و سلامت آن حضرت را از خدای تعالی مسئلت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 25

بیانات امام خمینی با رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور و قضات دادگستری

قاضی در اسلام، استقلال قضائی دارد

بسم الله الرحمن الرحيم

قضا در اسلام از حیث اهمیت شاید در ردیف اول مسائل اسلام و تعبیراتی هم که در لسان ائمه شده است، کشف از اهمیت بسیار می کند و امیر المؤمنین علیه السلام به شریح می فرمایند که: (یا شریح قد جلست مجلسا لا یجلسه الانبی او وصی نبی او شقی). یا نبی باید متکفل قضا باشد و یا وصی نبی، یعنی کسی که نبی به او سفارش کرده باشد، از این دو که گذشت شقی است. یا مثلاً گفته شده است اگر کسی نسبت به دو درهم قضاوت ناحق کند کافر است، قضاوت در اسلام که حفظ حقوق ناس است و حقوق ناس است و حقوق الله، دو صورت دارد. یک صورت قضاوتی که قاضی مستقل در قضا است، یعنی که در اسلام استقلال قضائی دارد، شرایط سنگینی دارد که من در ایران افراد کمی را سراغ دارم که حائز چنین شرایطی باشند. مجتهد عادل بر جهات قضا که در همه جهات بیطرف باشد، پیش او رئیس جمهور و یک کارگر ساده فرق نکند این از اموری است که قاضی مطلق باید دارا باشد و من هم که سراغ دارم، یعنی در حوزه های علمیه هم کم سراغ دارم.

یک قسم از قضاوت هم در شرع هست که قضاوت قاضی مستقل نیست و قاضی را جعل می کنند. در قسم اول، قاضی جامع شرایط است و لازم نیست که هیچ کسی او را نصب کند ولی در قسم دوم، در بعضی از احوالی که قضاوت زیاد است و افراد به آن زیادی نیستند که بتوانند همه مراکز قضاوت را قاضی واجد همه شرایط گذارند و قاضی واجد شرایط کم است، در این صورت فقیه مجتهد عادل اشخاصی را که مورد اطمینان هستند که اجتهاد را نمی دانند ولی از روی کتاب هائی که در این باب نوشته شده است می توانند مسائل قضا را بفهمند و مورد اطمینان هم هستند و ظاهراً عدله هم هستند، اینها را فقیه نصب می کند که قضاوت کنند. این قضاوت هم در اسلام از این جهت، این آقایان بعد از آنکه اشخاص را پیدا کردند مورد اطمینان و مطلع بر موازین قضا ولو از راه تقلید باشند، آنوقت جعل قضاوت برایشان می کنند و از طرف من هم مجازند که جعل قضاوت بکنند تا قضاوت شرعی بشود.

ضرورت تحول دادگستری طبق موازین اسلامی

در قضیه ای که در قانون اساسی می گوید که این دو مقام دادستان کل و رئیس دیوانعالی کشور باشد باید رهبر با مشورت این کار را انجام دهد، از دو جهت موضوع دارد: یک جهت اینکه مشورت در وقتی است که شبهه باشد. در اموری که شبهه نیست مشورت هم نیست هر امری که مورد شبهه باشد بین چند نفری که مثلاً بخواهند دادستان کل باشند و این چند نفر مورد اشتباه، که هر کدام چطورند، در مورد این اشتباه باید با قضات مشورت کنند ولی اینجا موضوع ندارد، از باب اینکه مورد اشتباه من هم نبود. من این دو نفر آقایان را منصوب کردم به این دو مقام عالی با سوابق طولانی و ادراک همه جهات در آنها هست و در خیلی از افرادی که من سراغ دارم همه این جهات یا وجود ندارد و یا اینکه اگر باشد شغل هائی دارند که نمی توانند بیایند و مشغول کار شوند. از این آقایان خواستم که این کار را نکنند و در مرکزی که در اسلام جزء طراز اول مراکز با اهمیت اداری است حاضر شوند، وضع این اداره را از سابقش بیرون بیاورند و به یک قضاوت اسلامی متحولش کنند. می دانید که جمهوری ما اسلامی است و اگر چنانچه قضاوتش که در رأس آن تقریباً واقع امت اسلامی نباشد، ما نمی توانیم به جمهوری مان، جمهوری اسلامی بگوئیم و این باز جمهوری غیر اسلامی می شود. جمهوری اسلامی باید همه نهادهائی که دارد اسلامی باشد و از همه مهمتر قضا و قضاوت است، که باید روی موازین اسلام باشد. امیدوارم آقایان با کمک همه اقشاری که در این امر اطلاع دارند مشغول کار شوند و این کار را نکنند.

همه آقایان احساس این را میکنند که امروز با زمان رژیم سابق فرق دارد، چون امروز یک مملکتی است که نه یک نفری است که زورگویی بکند و فشار بیاورد که یک کاری به ملت تحمیل بکند. ما یک چنین مقامی اصلاً نداریم، یعنی ملت ما هم دیگر تحمل چنین مقامی را نمی کند وضع ملت طوری است که اگر یک مقام بخواهد چیزی را تحمیل کند، جلویش می ایستند و مشت شان را گره می کنند و مانع می شوند. این یک نعمت بزرگی است برای یک ملتی که یک مقامی نتواند ظلم کند البته ظالم را سر جای خودش می نشانند، با قدرت هم می نشانند، اشخاص مختلف را مقامات عالی با قدرت هم سر جایشان می نشانند. اما اگر بخواهند کاری بکنند، نظیر کارهای زمان سابق که همه کارهایشان از این قبیل بود، ما چنین مقامی نداریم. بنابراین، مملکتی است مال خود شما و باید شما همانطوری که به منزل خودتان علاقه مندید که مرتب باشد و جریاناتش درست باشد، به مملکت خودتان بیشتر باید علاقه مند باشید. برای آنکه مملکت خودتان هم منزل خودتان هست و هم منزل دوستان و همکیشان خودتان از این جهت در این امر سستی نکنید و نگذارید کم کاری بشود و نکنید و همه با هم همراهی بکنید.

منشأ اختلافات جهات نفسانی است

اختلاف نداشته باشید در امور، اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا

الان در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند برای آنکه آن جهات نفسانی را ندارند. آنوقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند آنوقت اختلافات پیدا شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازیتان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود و در روزنامه ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. یک مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش درست شود، اگر چنانچه اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهرا به چنگ دیگران خواهد افتاد. همانطوری که ملاحظه کردید، مردم با هم مجتمع شدند و همه با هم فریاد الله اکبر زدند و این مواعی را که در مقابلشان بود همه را کنار زدند و الان وضع جوروی شده است که هیچ قدرتی نمی تواند کاری بکند، یعنی نمی شود بر یک ملت مطلبی را تحمیل کرد ولی ممکن است زورگویی بیاید و زوری بگوید و مثلا وبائی وارد مملکت شود لکن نمی تواند یک ملتی که همه ایستادند و می خواهند نشود، چنین مطلبی شود هیچ قدرتی نمی تواند تحمیل کند. نه آمریکا می تواند تحمیل کند، نه شوروی، هیچ کدام تحمیل نمی توانند بکنند. من آن روزی که سفیر شوروی آمد پیش من، گفت که دولت افغانستان خواسته است که شوروی نظامی به آنجا بفرستد به او گفتم که این اشتباهی است که شوروی می کند. البته دولت شوروی می تواند افغانستان را قبضه کند ولی نمی تواند در آنجا مستقر شود. اگر شما خیال کردید بتوانید افغانستان را بگیری و آن را آرام کنید این خیالی باطل است ملت افغانستان مسلم است، ایستاده اند در مقابل حکومت افغانستان، شما هم اگر بروید و هر قدرت دیگری هم برود، آنجا را می گیرد، اما نمی تواند آنجا را آرام کند و بالاخره شکست می خورد. حالا هم عقیده ام همین است که در یک ملتی که همه شان یکصدا هستند و بحمد الله ایران دیگر حکومتی نداریم مخالف با ملت، ملت و دولت همه با همند در یک چنین مملکتی، کسی نمی تواند بیاید و به این مملکت مطالبی را تحمیل بکند. و لهذا از خارج می فریاد می زنند که چه خواهیم کرد و چه خواهیم کرد. اگر یادتان باشد، آن اولی که این جوان ها رفتند و این مرکز جاسوسی را گرفتند، حرف های زیاد آمدند و گفتند و مثلا گفتند بنا دارند چتر بازها را پیاده کنند، بنا دارند جوان های مسلمان را بیهوش کنند و بعد وارد لانه جاسوسی شوند و جاسوس ها را ببرند، که این حرف بی ربط است، بنا دارند دخالت نظامی کنند و یا بریزند و همه را قلع و قمع کنند همه اش حرف بود، حالا هم همه اش حرف است، از حرف ها هیچ وقت نترسید عمل توی این حرفها نیست که یک وقتی مثلا اشغال نظامی بکنند. ما هم از آن ترسیم افغانستان هم اشغال نظامی شده و ما از افغانستان بهتر می توانیم مبارزه کنیم.

علی ای حال عمده این است که مبلغین آنها مع الاسف در بین خود ایرانی ها هستند و خواهند کاری بکنند که از داخل یک پوسیدگی پیدا شود و افراد و سازمان های داخل را به هم بریزند. اگر توانستند بین رئیس جمهور و شورا اختلاف بیندازند، اگر این مطلب را نتوانستند جناح هائی درست کنند برای ایجاد اختلاف و ایجاد شلوغی و از این کارها که دارند کنند. باید همه توجه به این داشته باشیم که یک مملکتی که پنجاه و چند سال، غیر از آن دو هزار و پانصد سال که بسیاری از مردم

شاهدش بودند و همه شاهد بودند که یک چنین گرفتاری هائی را داشته است و حالا بحمدالله از این گرفتاری بیرون آمده است .

وحدت کلمه ، ضامن پیروزی نهضت

خودشان دوباره کاری نکنند که همان گرفتاری ها برگردد ، خود ما نباید کاری بکنیم که دوباره مبتلا بشویم به آن چیزهائی که پیشتر به آن مبتلا بودیم ، و اگر خدای نخواستہ ما با هم اختلاف کنیم و آن جهت الهی را که خدای تبارک و تعالی به ما امر فرموده است که : (و اعتصموا بحبل اللہ) را فراموش کنیم ، یک وقت می بینید که عنایت خدا کنار می رود و ما همان خواهیم شد که بوده ایم ، ما خودمان کاری نمی توانیم بکنیم ، باید ما آن مقداری که می توانیم الهیت مطلب را حفظ کنیم و اجتماع داشته باشیم و وحدت کلمه داشته باشیم . خدای تبارک و تعالی تأیید می کند و کارها انجام گیرد . و من از همه آقایان ، از همه قشرهای ملت این مطلب را کرارا خواسته ام و شما آقایان که در رأس قضا واقعید توجه کنید که همه با هم همصدا ، همدل و کمک کاری باشید و بگذارید دادگستری که مد نظر شماست تصفیه شود ، اشخاصی که مفسد هستند و اشخاصی که قضاوت نمی دانند و خواهند برای خودشان دکانی باز کنند و یا اهل کار قضاوت نیستند این افراد تصفیه شوند و اشخاص صالح را جلب نکنند . و من از خداوند ، سلامت همه آقایان را و سعادت همه ملت را و سعادت همه ملت های اسلامی را می خواهم و از شماها متشکرم که تشریف آوردید و از نزدیک با هم آشنا شدیم .

پیام امام خمینی به مناسبت 12 فروردین (سالروز تأسیس جمهوری اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحيم

روز دوازدهم فروردین سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین در ایران است، سالروز تحقق وعده حق تعالی است.

منت خدای را که ملت مستضعف ایران بر مستکبرین جهان، چه شرقی چه غربی چیره و پیروز شد.

دوازده فروردین روز غلبه جنود الله بر جنود شیطان و روز فتح و نصر خدا و بندگان مؤمن به اوست. ملت ایران این روز را عیدی اسلامی ملی تلقی می کند. و آن روز فتح مطلق و نصر به تمام معناست که همه مستضعفین جهان را این نور سنت الهی و سایه پرچم (نصر من الله) فرا گیرد. آن روزی که مسلمین جهان با مدد غیبی در هر کشور و قطر دست جنایتکار ستمگران و چپاولچیان را از کشور خود قطع کنند و پرچم اسلام و آرم الله اکبر را افراشته نمایند، آن روزی که با قیام دلاورانه و بانگ الله اکبر، با امثال سادات و هم مسلکان شاه مخلوع، آن کنند که ملت شجاع ایران با محمدرضا پهلوی کرد.

ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانتکار به تنگ آمده بودند، اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ، بر آنان تحمیل شده است. شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال مسند جنایت، به هر وسیله ممکن دستاویز و به هر نقشه شیطانی متشبث شود، محمدرضا را به مصر تحمیل و خود را از آن بی خبر معرفی می کند. غافل از آنکه ملت ها بیدار شده اند و دست امثال او را خوب خوانده اند. او که گاهی با اشغال نظامی و پیاده کردن چتربازان در لانه جاسوسی و گاهی با محاصره اقتصادی و منزوی کردن کشور، ما را تهدید می کرد و از آن نتیجه نگرفت، اکنون دست به یک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی زده است و با نرمش و چاپلوسی می خواهد ما را اغفال کند و قمار سیاسی خود را از رقیبان خود با نیرنگ به ملت ما، ببرد.

این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت ننگینش زد و در مقابل ملت و روحانیون به چاپلوسی و حيله گری پرداخت و دسیسه او نقش بر آب شد.

آقای

کارتر باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذر خواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانت های آمریکا به ملت های مظلوم ، از آن جمله ایران و راه حل لانه جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن ، به بیراهه رفتن است . حل این مسأله به دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعث از آراء ملت نیست و باید بداند که حمایت از شاه مخلوع بعد از آنهمه جنایات بزرگ و آن چپاولگری ها مجالی برای حل به اصطلاح شرافتمندانه نگذاشته است . با سپردن شاه مخلوع دشمن اسلام و ایران به دست دشمنی که با اعمال ننگین خود مسلمانان جهان را سخت آزرده است ، راه حل پیچیده تر نموده است . عجب آن است که سادات نیز مثل کارتر مدعی است که حس انساندوستی ، او را وادار به پذیرفتن شاه مخلوع نموده است . اینان که در هر فرصت ، ملت های بزرگ را که جرمی جز حق طلبی ندارند ، از پا در می آورند با ادعای احساس انساندوستی یک نفر جنایتکار را که در ظرف قریب به چهل سال ، ملتی بزرگ را به تباهی کشید و ده ها هزار انسان بیگناه را به خاک و خون کشید و نزدیک به صد هزار نفر را مجروح و معلول نمود و اموال یک ملت فقیر را به یغما برد ، پناه داده و از او حمایت نموده و می نمایند و این را احساس انساندوستی می نامند و ملت ما و ملت خودشان را به بازی سیاسی گیرند .

اکنون که ما گرفتار اشخاصی هستیم که از هیچ امری ، ارتکاب هیچ جرمی برای رسیدن به مسند چند ساله روگردان نیستند و از دروغگویی و یاه سرائی و گفتن و حاشا کردن ابا ندارند و مع الاسف دارای قدرت شیطانی نیز می باشند ، بر همه مستضعفین و خصوص مسلمانان جهان است که به خود آیند و از حق و حقیقت دفاع کنند و کشورهای خودشان را از لوٹ وجود این اشخاص پاک کنند .

بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند ، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت کلمه و اعتصام به جبل اللہ در هم کوبند و نزاع های شخصی و گروهی را که جز از هوای نفس بر نمی خیزد و در صورت رشد همه را به تباهی کشد و کشور را به خرابی سوق می دهد کنار گذارند و گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان ، همه توان خود را صرف قطع امید دشمنان اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتمند ، برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند .

من از برادران و خواهران کردستانی می خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید و ارتش و سایر قوای انتظامی را که خدمتگزاران به کشور و برای امنیت و رفاه ملت تحمل زحمت و مشقت می کنند ، چون برادران خود را پذیرا شوید و به منحرفین که به اسم کرد و ملت کرد می خواهند کشور شما را به دامن قدرت های شیطانی بیندازند و گرفتاری ها و رنج های سابق را اعاده کنند و از اسلام عزیز و احکام آن اطلاعی ندارند و با آن دشمن هستند ، گوش فرادهید که با استقرار حکومت اسلامی همه قشرهای ملت در کنار یکدیگر با امن و امان و رفاه ، به خواست خدای متعال ادامه زندگی می دهند . برادران من ! اگر خدای نخواستہ نهضت اسلامی به شکست گراید ، نه کردستان باقی می ماند و نه خوزستان و نه استانهای دیگری . بیائید برای رضای

خداوند ، دست از اختلاف بردارید و با برادران دیگر خود با صلح و صفا رفتار کنید و با تمسک به قدرت الهی از کشور خودتان دفاع نمائید که در این صورت خدا با شماست و هیچ قدرتی نخواهد توانست بر شما غلبه کند . از خداوند متعال پیروزی اسلام و مسلمین و هدایت منحرفین را خواستارم .

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 32

پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور آقای لئونید برژنف صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی مسکو تلگرام آن حضرت به مناسبت نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید امید است به همانگونه که برای ملت ما آرزوی حق حاکمیت و استقلال نموده اید ، استقلال همه ملت ها و بخصوص ملل اسلامی پیوسته مورد نظرتان باشد و جلوی هر گونه دخالت نیروها را در امور دیگران بگیرید تا همگان در پناه استقلال و آزادی بتوانند حقوق از دست رفته خود را از استعمارگران باز پس گیرند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 33

تاریخ: 15/1/59

پاسخ امام خمینی به تلگرام یه چین اینگ

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای یه چین اینگ رئیس کمیته کنگره ملی نمایندگان مردم جمهوری خلق چین

تلگرام تبریک جنابعالی به مناسبت نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید. انتظار ما و ملت مسلمان و انقلابی ما از تمام کشورهای جهان، احترام گذاردن به حق حاکمیت و استقلال همه کشورها بخصوص ملل اسلامی است که امید است مورد توجه همه ملت ها و دولت ها قرار گیرد.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 34

پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور دموکراتیک خلق کره

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای کیم ایل سونگ رئیس جمهور دموکراتیک خلق کره

تلگرام تبریک آن حضرت به مناسب نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید . از خدای تعالی موفقیت همه ملل مستضعف جهان را در راه رسیدن به پیروزی و آزادی کامل از سلطه گران جهان بخصوص امریکای جهانخوار مسئلت می نمایم و امید است دولت ها در این راه مقدس به کمک و یاری ملت های خویش بشتابند و با اتحاد و یگانگی ریشه استعمار را از کشورهای خویش قطع کنند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 35

تاریخ: 17/1/59

پاسخ امام خمینی به تلگرام تبریک رئیس جمهور سوریه

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای ژنرال حافظ الاسد رئیس جمهور کشور سوریه دمشق

پیام آن حضرت به مناسبت حلول سال نو و نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران دریافت و موجب تشکر گردید. امید است عموم ملل مستضعف جهان و بخصوص ملت اسلامی با اتحاد و همبستگی کامل و رفع اختلافات خود در برابر قدرت های پوشالی استعمارگران قیام نموده و سلطه آنان و بخصوص امریکای جهانخوار را از کشورهای خویش قطع نموده، استقلال واقعی خود را باز یابند.

موفقیت همگان را در راه رسیدن به این هدف مقدس از خدای تعالی مسئلت دارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 36

پاسخ امام خمینی به تلگرام تبریک رئیس جمهور سوریه

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای سرهنگ معمر القذافی رئیس جمهور کشور لیبی

تلگرام تبریک آن حضرت به مناسبت سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل گردید از ابراز محبتی که نسبت به اینجانب و ملت شریف و مبارز ایران نموده اید متشکرم. امید است انقلاب اسلامی ملت بزرگ ما و پیروزی عظیم آنان بر دشمنان اسلام و مملکت، راهنمایی برای سایر ملل ستمدیده و تحت سلطه قرار گیرد و با اتحاد و همبستگی، شر همه سلطه گران و بخصوص امریکا این دشمن بزرگ را از خود کوتاه نموده در تحت تعالیم مقدسه اسلام، عظمت از دست رفته خود را باز یابد.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 37

پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور الجزایر

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شاذلی بن جدید رئیس جمهور کشور الجزایر

پیام تبریک آن حضرت به مناسبت سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید. انقلاب عظیم ملت شریف و مبارز ایران پیامد انقلاب های رهائی بخش و نهضت های اصیل ملت های مبارز جهان و بخصوص ملت برادر و قهرمان الجزایر بود که سبب شد تا بزرگترین قدرت های شیطانی را از میان بردارند و امید است رهنمودی برای سایر ملل مستضعف و مسلمانان جهان بوده و بتوانند با همبستگی و اتحاد، سلطه همه استعمارگران و بخصوص شیطان بزرگ، آمریکای جهانخوار را از سر ملت های خود کوتاه نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 38

پاسخ امام خمینی به پیام تبریک رئیس بنگلادش

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای ژنرال ضیا الرحمن رئیس جمهور کشور بنگلادش - داکا

تلگرام تبریک آن حضرت به مناسبت نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید . از خدای تعالی موفقیت ملت هم کیش بنگلادش را در راه رسیدن به رفاه و سعادت و استقلال کامل خواستارم و امید است همه ملل مسلمان جهان با اتحاد و همبستگی و رفع اختلاف و تفرق ، عظمت از دست رفته خود را باز یافته از تحت سلطه دشمنان اسلام و بخصوص آمریکای جنایتکار نجات یابند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

پیام امام خمینی به مناسبت قطع رابطه آمریکا و جنایات صدام

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران! خبر قطع رابطه بین آمریکا را دریافت کردم اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت پیاخته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی با یک چپاولگر عالمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می گیریم چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است ملت رزمنده ایران این طلعه پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگری ها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین به زودی انجام بگیرد و ملت های شریف اسلامی به این انگل های خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد و به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابر قدرت ها مخصوصا آمریکا نمایند. من کرارا گوشزد نموده ام که رابطه ما با امثال آمریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است.

شما ای ملت عزیز که برای رضای خداوند متعال، با بانگ الله اکبر بر دشمنان خود چیره شدید و آزادی و استقلال را به دست آوردید، با اتکال به خداوند تعالی و حفظ وحدت کلمه مهیا باشید برای رودرویی دشمنان اسلام و دشمنان مستضعفین، شما به خواست خدای تعالی پیروز هستید و بر مشکلات غلبه خواهید کرد. صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهره قبیح غیراسلامی و انسانی خود را نشان داده و به هدم اسلام و حوزه مقدسه نجف کمر بسته و با مسلمانان مظلوم برای رضای کارتر، آن کند که مغول کرد و با علمای اسلام خصوصا حضرت آیت الله آقای سید محمد باقر صدر، آن کند که رضاخان و محمدرضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بداند که با این اعمال ضد اسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی غیرانسانی و غیرقانونی بعث را با دست خود می کند.

ملت شریف عراق! شما اخلاف آنان هستید که انگلیس را از عراق راندند، بپاخیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شما را تباه کند، دست جنایتکار او را از کشور اسلامی خود قطع کنید. ای عشایر فرات و دجله! همه با هم و همه ملت اتحاد کنید و این ریشه فساد را قبل از آنکه فرصت از دست برود، قلع و قمع نمایید و برای خدا دفاع از کشور اسلامی خود و از اسلام مقدس نمائید که خدا با شماست.

ای ارتش عراق! اطاعت از این مخالف اسلام و قرآن نکنید و به ملت بگرائید و دست آمریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است قطع کنید و بدانید اطاعت از این سفاک، مخالفت با خدای متعال است و جزای آن عار و نار است. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور ایران را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 41

پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد معاودین عراقی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران! میهمانان عزیزی را که به توطئه امریکا و دست جنایتکار رژیم منحرف بعث از خانه های خود آواره شده اند و به ایران با وضع اسفناک فجیعی فرستاده شدند، گرامی دارید. اینان برادران مظلوم شما هستند که بدون هیچ مجوزی و فقط برای ارضای هواهای نفسانی و اطاعت کورکورانه از شیطان بزرگ از خانه های خود به دست دژخیمان رژیم بعث آواره شدند اینان برادران مظلوم ما هستند.

ملت شریف و دولت جمهوری اسلامی لازم است وسائل زندگی آنان را به طور شایسته ای فراهم کنند و نگذارند به آنها بد بگذرد. رژیم منحوس بعث که خود را برای معارضة با اسلام و مسلمین آماده نموده، باید بداند که در اشتباه است و ملت مسلمان ایران و عراق سردمداران آنان را به جای خودشان می نشانند و آنان را از صحنه خارج و به دست فراموشی تاریخ می سپارند.

صدام حسین که با ملت شریف عراق مواجه شده است و خود را در معرض هلاک می بیند، می خواهد با صحنه سازی اذهان برادران اسلامی ما را از خود و رژیم منحط خود منصرف کند تا چند صباح دیگر به جنایات خود ادامه دهد. آنکه دستش تا مرفق به خون جوانان غیور عراق آلوده است، می خواهد خود را طرفدار ملت عرب جا بزند آن که به خیال خود عرویت را از اسلام والاتر می داند و به اسلام پشت کرده به زعم آنکه ملت های عرب را به خود متوجه کند، غافل است که ملت عزیز عرب از اسلام چون جان شیرین حفاظت کند و با دشمنان اسلام، چون اسلاف خود در صدر اسلام به جنگ و ستیز برمی خیزد.

برادران عرب ما بدانند که ملت عزیز ما با دشمنان آنان که در راس آنها رژیم منحوس بعث است دشمن و با دوستان آنان دوستند و در مصیبت هائی که آنان از آن رژیم فاسد می کشند با آنان شریکند. به امید آنکه رژیم بعث چون رژیم شاهنشاهی به زباله دان تاریخ افکنده شود و امید است نصر و فتح مسلمین نزدیک باشد. از خداوند متعال غلبه مسلمین را بر قدرت های فاسد خواستار است.

والسلام علیکم وعلی سائر عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

پاسخ امام خمینی به پاپ ژان دوم (رهبر کاتولیکهای جهان)

بسم الله الرحمن الرحيم

عالیجناب پاپ ژان پل دوم

مکتوب آن عالیجناب بر اساس نگرانی از تیرگی بین کشور اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا واصل گردید . از حسن نیت آنجناب قدردانی می کنم و خاطر محترم را متوجه می کنم که ملت شریف مجاهد ما این قطع روابط را به فال نیک گرفته و برای آن جشن عظیم بپا کرده و چراغانی ها و پایکوبی ها نمودند . از دعای شما به درگاه خداوند متعال برای ملت مبارز ما شکرگزارم ، لکن متذکرشود که جناب شما از انگیزه های تیرگی های دیگر و مشکلات خطرناک بزرگتر که مرقوم داشته اید نگران نباشید که ملت اسلامی ایران از مشکلاتی که در این قطع روابط بوجود آید استقبال می کند و از خطرهای بزرگتر که مرقوم شده است ، هراس ندارد و آن روز برای ملت ما خطرناک است که روابطی نظیر روابط رژیم خائن سابق تجدید شود و با امید به خدای متعال تجدید نخواهد شد .

من از جنابعالی با نفوذ معنوی که بین ملت مسیح دارید می خواهم که دولت امریکا را از عواقب ستمگری ها و زورگویی ها و چپاولگری ها بترسانید و آقای کارتر را که با شکست نهائی مواجه است نصیحت کنید که با موازین انسانی با ملت هائی که خواهند استقلال مطلق داشته باشند و وابسته به هیچ قدرتی در جهان نباشند ، رفتار کند و از تعلیمات حضرت مسیح سلام الله علیه پیروی نمایند و خود و دولت امریکا را بیش از این در معرض رسوائی قرار ندهد . از خداوند متعال سعادت مستضعفین جهان را خواستار و قطع ایادی ستمگران را امیدوارم .

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع اعضای بسیج شهرستان ها

در دفاع از اهداف اسلامی و دستاوردهای نهضت، بسیج باید عمومی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

اول باید تشکر کنم که آقایان زحمت کشیدند تشریف آوردند اینجا که از نزدیک با هم ملاقات کنیم. ما الان که با قدرتهای بزرگ دنیا مواجه هستیم، حال دفاعی داریم یعنی ما مدافع از آن چیزهایی که نهضت ما، قیام ما برای ما هدیه آورده است و از اهداف اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط کشور است در حال دفاع هستیم و در حال دفاع، بسیج باید عمومی باشد. یعنی قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر. قضیه جهاد یک شرائطی دارد، برای اشخاص خاصی هست، برای گروه معینی هست با شرائطی، لکن قضیه دفاع، عمومی است. مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر، جوان همانطوری که عقل انسان هم حکم می کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل، هر یک که هست دفاع می کنند از خودشان. اگر چنانچه هجوم آورد کسی به شهر یک کسی، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع می کنند دیگر اینجا هیچ شرطی نیست، همه دفاع باید بکنند. و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ، اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد، حال جهاد شرائط دارد، حال دفاع شرطی ندارد، باید دفاع بکنند حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او بر نمی آید باید شرکت کند در دفاع، آنقدر که می تواند دفاع کند.

با تمام قوا مهیا شوید به طوری که موجب ترس و عقب نشینی دشمن گردد

و ما امروز که مواجه هستیم با قدرت های بزرگ، و شیطنت های بزرگ، ما باید مهیا شویم برای دفاع البته این احتمال بسیار کم است که ما یک وقت محتاج به دفاع نظامی بشویم، کم است احتمال، برای اینکه قدرت های بزرگ هم می دانند که نباید حالا هجوم کنند لکن هر چه هم احتمال کم است لکن از باب اینکه دفاع از یک مملکتی است، دفاع از اسلام است، این محتمل، بزرگ است از این جهت ما باید مهیا بشویم. مهیا شدن یکی این است که با قوه، چه قوه افرادی و چه قوای دیگر باید مهیا بشوند چنانچه قرآن کریم دستور داده است و مهیا شدنمان هم به طوری باشد که با این مهیا شدن

بترسند آنهایی که بنای، خیال هجمه دارند، دشمنانان بترسند از قوه شما. اگر بنا شد که در یک کشور سی و چند میلیونی، بیست میلیون قیام کردند برای اینکه مهیا کنند خودشان را از برای دفاع، ولو آن تنه هم در وقتی که مقتضی شد و محتاج به دفاع شد آنها هم باید بکنند لکن حالا- که می خواهیم ما مهیا بشویم، باید این بیست میلیون یعنی همه جوان ها، همه اشخاصی که از شان کاری بر می آید باید خودشان را مهیا کنند، آن روزی را ملاحظه کنند که یک وقت دشمن رو آورد به طرفشان، هم باید تجهیزات مهیا بشود به قدری که بترساند دشمن ها را و هم باید قوای افراد، قوای نظامی، قوای چریکی، قوای پارتیزانی باید مهیا بشود و هم قوه ایمان باید زیاد بشود.

توجه به خدای تبارک و تعالی و مبدأ قدرت است که شما را پیروز می کند

یک فردی که با قوه ایمان پیش رود با افراد زیادی که همان قوه دارند لکن ایمان ندارند این مقابله می کند. در اسلام اگر ملاحظه کرده باشید، در بعضی از جنگ ها که پیش آمد برای مسلمین و مسلمین یک عده کمی بودند تمام قوایشان به حسب آنطوری که در تاریخ هست ظاهرا سی هزار بود و پیشقراول لشکر روم ظاهرا بود، پیشقراولشان شصت هزار بود و دنبالش هشتصد یا هفتصد هزار جمعیت با ساز و برگ هائی که آنوقت روم و ایران داشتند این کتیبه آنها یعنی پیشقراول های آنها وقتی که رو آوردند که شصت هزار ظاهرا بود، یکی از سردارهای اسلام گفت که من با سی نفر می روم با اینها مقابله کنم با سی عدد و ما اگر اینها را ترساندیم و سی نفرمان رفت و شصت هزار نفر را عقب نشانند، این چشم زخم اسباب این می شود که اینها آن لشکر بزرگشان هم شکست بخورد. خوب اشخاصی که آنجا بودند گفتند سی تا آخر نمی شود، شصت هزار نفر با سی نفر؟ بالاخره قرار شد که شصت نفر آدم برود و اینها مهیا شدند و شصت نفر از جوان ها مهیا شدند و شب شبیخون زدند به این اردوی شصت هزار نفری، هر نفر مقابل هزار نفر و شکست دادند اینها را و این اسباب این شد که لشکر روم که تهیه دیده بود و هشتصد هزار هم دنبالش بود، آنها هم شکست بخورند و بروند سراغ کارشان. این قوه ایمان است یعنی یک مؤمنی که اگر بکشد، بهشت می رود و از اینجا بهتر است و اگر کشته بشود، بهشت می رود و از اینجا بهتر است، با یک همچو حربه ای که حربه ایمان است، این دیگر ترسی از این ندارد که کشته بشود. این شهادت را برای خودش یک سعادت می داند. آنهایی که مقابل شما هست، برای دنیا می زنند، آنهایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به قیامت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارد، آنها برای همین دنیاست، می خواهند دنیایشان درست بشود. خوب کسی که می خواهد دنیایش درست بشود، اگر بمیرد، هیچ این نمی تواند بزند تا آنجائی که بمیرد، این می خواهد هی خودش را حفظ کند که غلبه کند و دنیایش چه بشود. اما این آدمی که برای خدا، این آدمی که برای مقصد الهی قدم برمی دارد و وارد میدان می شود، این آدم برای دنیا نیست تا اینکه لرزه ای در قلبش بیاید، این برای خداست. شما الان که مهیا هستید و رفقای شما، دوستان شما و آنهایی که تربیت می خواهند بشوند به این تربیت اسلامی، به این تربیت نظامی، اینها این حربه اسلام که، سلاح اسلام که

عبارت از ایمان است ، باید به این هم مجهز بشوند و اگر به این مجهز شدند این ، طرفشان را می ترساند ، همین قوه ایمان شما ملاحظه کردید که ایران ولو سی و چند میلیون جمعیت دارد لکن در دو سال پیش از این ، این سی و پنج میلیون جمعیت به فکر این معنا که بزنند _ و عرض بکنم که جنگ بکنند اینها نبودند ، اسلحه هم که نداشتند اما خدا خواست که سی و پنج میلیون جمعیت بسیج ایمانی بشوند برای خدا یک تحولی پیش آورد خدا که نفوس این سی و چند میلیون جمعیت را متحول کرد به یک نفوس دارای ایمان ، قدرت ایمانی پیدا کردند یعنی جوان ها ترسیدند از اینکه حالا اگر رفتند مقابل تانک کشته بشوند . شهادت را می خواستند . می دانید که جوان های ما شهادت را می خواهند و از آنها گاهی وقت ها که با من ملاقات می کنند گاهی بعضی شان قسم می دهند ، بعضی از خانم ها قسم می دهند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم و من دعا می کنم که آنها ثواب شهید را ببرند و پیروز بشوند . وقتی شما مجهز باشید به جهاز ایمان و آن ایمان و ادب کند شما را که مجهز بشوید به سلاح های مشابه سلاح طرفتان یا مثل چیزهایی که در اینجاها امکان دارد ، آن پشتوانه ایمان است که شما را پیروز می کند توجه به خدای تبارک و تعالی و مبدأ قدرت است که شما را پیروز می کند . شما و همه دوستانی که می خواهید مهیا بشوند از برای این ارتش بیست میلیونی که انشاءالله موفق بشوند به همه آنها سفارش این معنا را که قدرت ایمان در خودتان ایجاد کنید ، اطمینان قلبی پیدا بکنید ، قوه الهی در خودتان ایجاد کنید . این قوه الهی و قدرت الهی موجب این معنا می شود که خدای تبارک و تعالی طرف شما را بترساند و هر چند هم زیاد باشند شما غلبه به آنها بکنید . و من امیدوارم که شما هم آن چیزهایی که در نظام هست و یا در چریکی هست و یا در پارتیزانی هست و در این چیزها که هست ، به شایستگی به خوبی یاد بگیرید و هم تجهیزات به مقداری که امکان دارد برای یک مملکت ، آن تجهیزات را هم دولت فراهم خواهد کرد برای یک موقع که لازم است . هم تجهیزات داشته باشید که بحمدالله ایران دارد ، تجهیزات مدرن دارد ایران ، و از همه اینها بالاتر قدرت ایمان است که خودتان را تربیت کنید ، تزکیه کنید ، توجه به این نباشد که من با قدرت خودم می خواهم کی را بزنم زمین و فرض کنید غلبه کنم . توجه این باشد که با قوه الهی پیش بروید یعنی دستتان را ، چشمتان را ، نفستان را ، همه چیزهایی که در اختیار شماست اینها را تبدیل کنید از قوای شیطانی به قوای الهی . انسان اگر غفلت کند ، قوایش ، قوای شیطانی است ، چشمش هم شیطانی است ، دستش هم شیطانی است ، لکن اگر تربیت کند خودش را همه الهی می شود ، همه قوای شما قوه الهی می شود و قوه الهی غلبه خواهد کرد .

شما ابداً نباید خوف محاصره اقتصادی و نظامی را داشته باشید

خداوند انشاءالله شمارا به همه دشمنان اسلام غلبه بدهد و شما ابداً ، ایران ابداً نباید خوف این معنا را داشته باشد که اینها می خواهند محاصره اقتصادی بکنند ، اینها می خواهند محاصره نظامی بکنند ، نه ما از محاصره اقتصادی می ترسیم ، کسی که اسلام را ، نهضت اسلامی را منشأ همه چیزها می داند و می خواهد مجاهده کند با یک طایفه ای که می خواهد هجوم کنند بر اسلام و کیش انسان و

بر مملکت انسان و بر نوامیس این مملکت و اینها، این خوف از این ندارد که کسی حمله بکند. همانطوری که آنجا یک نفرشان مقابل هزار نفر ایستادند، شما هم یک نفرتان مقابل هزار نفر انشاءالله می ایستید و دفاع از مملکت تان می کنید و هیچ ترس از این معنا که آنها دارای چه و چه هستند، اینها طبل های توخالی شان زیادتیر از واقعیت است، البته خوب، واقعیت هم دارد، مجهز هم هستند لکن یک خوفی در دل اینها هست.

ننگ است برای اروپا که به دنبال تثبیت جنایتکاری چون کارتر باشد

یک کسی که تمام توجهش به این هست که رئیس جمهور بشود، همه این حرف هائی را که می بینید الان پیش آورده آقای کارتر، هیچ ابداء مطرح نیست پیش او که مملکت امریکا چه بشود، چه بشود، او همه اش دنبال این هست که حالا یک چهار سال دیگر هم رئیس جمهور بشود و چهار سال دیگر هم این جنایات را بکند، همه مقصدش این است و مثل اینکه شکست هم خورده است در این معنا و اینها هر قدمی که برمی دارند به خیال خودشان می خواهند پیش ببرند، پیش مملکت خودشان آراء پیدا بکنند نه اینکه می خواهند یک کاری انجام بدهند برای کشورشان، می خواهند رای پیدا بکنند، خوشترقصی بکنند برای آمریکا که رای پیدا بکنند. یک کسی که اینطور است، این قدرت اینکه بتواند یک کارهای اساسی بکند ندارد، این باید همه اش، نقشه اش و عقلش دنبال این است که رای پیدا بکند و لهدا می بینید که حالائی که گفته است که من محاصره اقتصادی می کنم و می بیند که موافقت کم است و غالباً زیر این بار نمی روند و همچو نیست که همه نوکر آقای کارتر باشند و یا وابسته به آمریکا باشند، همه اینها خودشان استقلال دارند، خودشان عقل دارند، عیب است برای یک اروپائی که دنبال آقای کارتر باشد، آن هم دنبال چه؟ دنبال اینکه رای برای او درست کند. همه ممالک غربی، همه عقل شان را روی هم بگذارند و قوت ها، قوه هایشان را روی هم بگذارند و همه دنبال این باشند که آقای کارتر رای پیدا بکند و غلبه بکند بر رقیب های خودش در قضیه جمهوری، این یک ننگی است برای بشر، برای انسان. مگر اروپائی ها یا سران کشورهای اروپائی انسان نیستند، خوب آنها باید توجه به این معنا بکنند که این آقا آخر چه می خواهد درست کند، اینکه توبره اش را برداشته و دور دارد می گردد و گدائی می کند که این اقتصاد، تو هم موافقت کن، تو هم با ما موافقت کن، تو هم با ما، این دنبال این می گردد رای پیدا بکند، همه عالم خودشان را دلیل این بکنند و زحمت برای خودشان ایجاد بکنند و ننگ برای خودشان ایجاد بکنند، اینهایی که همه می گویند ما برای حقوق بشر مثلاً اقدام می کنیم، یک سی و چند میلیون جمعیت را در محاصره اقتصادی (به خیال خودشان) در آورند و یک وقت هم فرض کنید به محاصره نظامی در آورند، همه اش چه؟ خوب برای چه شما این کارها را می کنید؟ برای اینکه آقای کارتر رای بیاورد و چهار سال دیگر جنایتی بکند؟ من گمان نکنم که یک کسی که استقلال داشته باشد و قوه فکری و استقلال فکری داشته باشد این زیر این بار برود که همه قوه هایش را صرف بکند که یک آقائی می خواهد در آمریکا مثلاً چه بکند، خودش را رسوا بکند و بین جمعیت های دنیا، بین

جمعیت های مستضعفین که غلبه دارند بر همه چیز و اگر خدای نخواستہ یک وقت همچو بی عقلی کردند ، شکست مال اروپاست و آمریکاست و شرق و غرب ، مال آنهایی که مستضعفین هستند ، نیست برای اینکه ملت ها موافق با ما هستند و آنی که مخالف با ما هست دولت ها یا اکثرشان یا بعضی شان از دولت ها هستند مثل دولت عراق .

بر ملت و ارتش عراق واجب است که پشت کنند به حزب مشترک بعث و متصل شوند به اسلام

دولت عراق از اول دولتی نبود ، اینها مجلس هم ندارند ، شما خیال می کنید حالا یک دولتی است ، یک دولتی است که یک عده نظامی آمدند و خودشان دور هم نشستند و هر چه می خواهند می کنند ، با مردم هیچ تماسی ندارند ، اینها پوسیده هستند ، این صدام حسین عقلش هم خیلی عقل درستی نیست ، پوسیده اند اینها و حالا هی نقشه می کشد برای اینکه ما چه و فلان ، و همه حرف هایش هم این است که ما عرب هستیم . این کلمه ای که (ما عرب هستیم) ملت های مسلمان بدانند که معنایش این است که ما عرب هستیم اسلام را نمی خواهیم . اگر این کسی که می گوید مقصد من این است که عرب چه بشود (عرب در مقابل اسلام می خواسته یک وقتی بایستد) اینها می گویند که ما می خواهیم مجد بنی امیه را (تصریح به این معنا می کنند) ما می خواهیم مجد بنی امیه را چه بکنیم . خوب بنی امیه را دیدید و دیدند و تاریخ دید که مقابل اسلام بودند .

اینها می خواهند به همان زمان جاهلیت برگردند که قوای عربی باشد و اسلام از آن خبری نباشد ، تازه اینها اعتقاد به اسلام ندارند . ملت عرب می داند که حزب اینها را مرحوم آیت الله حکیم ، حکم به شرکشان کرد ، مشرک گفت هستند اینها . اینها الان یک دسته مشرکین هستند به امر مرحوم آیت الله حکیم که از آنوقت اینها را گفت مشرک هستند و ملت عرب باید اگر چنانچه برای خدا ، برای اسلام می خواهند عمل بکنند ، با اینها مخالفت بکند . این ارتش اینها خوب از همین مسلمان ها هستند ، از همین اهل سنت هستند ، از همین شیعه ها هستند ، از همین مسلمین هستند . خوب این ارتشی که از مسلمین است ، قیام می کند و عربیت را در مقابل اسلام می خواهد ؟ یا اسلام را می خواهد که اسلام هم عربیت دارد ، عجمیت هم دارد . اینها ضد اسلامند و باید این مملکت شریف عراق خودش را از چنگ اینها بیرون بیاورد ، این ارتش عراق باید همانطوری که در ارتش ایران وقتی که فهمیدند که این دارد جنگ می کند با اسلام ، جنگ با نهضت اسلامی می کند ، همانطور که اینها قیام کردند و ارتش هم ملحق شد به خود مردم و کلک شاه را کردند ، ارتش عراق هم باید همین کار را بکند . این جنگ با اسلام است ، ارتش عراق حاضر است با اسلام جنگ کند ؟ حاضر است سرنیزه را به قرآن بزند ؟ این سرنیزه به قرآن زدن است ، باید واجب است بر آنها ، لازم است بر آنها ، هم ملت عراق و هم ارتش عراق ، ارتش عراق لازم است که پشت بکند به این حزب غیر اسلامی ، پشت بکند به این افراد غیر اسلامی که یک عدد کمی هستند و همانطور که ارتش ایران متصل مردم شد ، متصل به ملت شد و

کلک این نظام باطل را کند، شما هم همینطور. شما عذری پیش خدا ندارید، این لشکری که الان سرنیزه را کشیده اند و توپ و تانک ها را کشیده اند و با مردم مخالفت می کنند یا آمده اند با ایران که یک مملکت اسلامی است دارند جنگ می خواهند بکنند یا هجوم می خواهند بکنند، این جنگ با اسلام است، جنگ با قرآن است، جنگ با رسول الله است. ارتش عراق حاضر است که با رسول الله جنگ کند؟ با قرآن جنگ بکند؟ ایران الان مملکت رسول الله است، ایران الان نهضت اسلامی است، مملکت اسلامی است و قانون اسلامی است حکومت اسلامی است، افراد حکومت همه آراء اسلامی دارند. ما می خواهیم مملکت اسلامی درست بکنیم، ما می خواهیم عرب و عجم و ترک و سایر چیزها را همه را در تحت لوای اسلام در بیاوریم، چرا نشسته اند؟ چرا عشائر عرب نشسته اند و نگاه می کنند و اینها به برادرانشان تعدی می کنند و فوج فوج جوان ها را اینها می کشند در سیاهچال ها؟ چرا ارتش عراق نشسته اند و یک کسی که مخالف با اسلام، مخالف با قواعد اسلام، مخالف بر قرآن است از او تأیید می کنند؟ نمی دانند اینها که اگر خودشان را بکشند در راه کفر و جنگ با اسلام، عاقبت کسی که کشته بشود برای کفر و برای مخالفت با اسلام چه خواهد بود؟ نمی دانند که اگر اینها بخواهند تعدی به ایران بکنند، ایران خردشان می کند و تا بغداد می رود، ملت را می خواهد، دولت را از بین می برد. آنوقت این ارتش اسلامی که برای اسلام باید کار کند، آنها همه سعادت مندند، چه کشته بشوند چه بکشند، اما آن که مقابل اسلام ایستاده، مقابل قرآن ایستاده. مملکت ما مملکت الله اکبر است، مملکت قرآن است، اینها در مقابل قرآن و در مقابل اسلام ایستاده اند و این ارتش عراق باید توجه به این معنا داشته باشد که اینها را خودش سرکوب کند، خودش از بین ببرد اینها را. خوب، صاحب منصب های خوب ما داریم در عراق، صاحب منصب های صحیح و متدین هستند، خود آنها کودتا کنند و این را از بین ببرند و حرام است بر آنها که قدم دنبال این شخص لعین باشند و باید قیام کنند بر ضد او و مملکت خودشان را اسلامی کنند و حکومت خودشان را اسلامی کنند و قواعد هم اسلامی باشد، نه مثل حالا که چهار نفر بنشینند و سرنوشت یک ملت اسلامی را یک چهار نفر کافر که تابع می دانم میشل عفلق هستند که مسیحی هم نیست حتی مسیحی هم معلوم نیست این مرد باشد، برخلاف ما و برخلاف اسلام کاری بکنند. خداوند انشاء الله شما را تأیید کند، موفق کند و شما را غلبه بدهد هم بر شیاطین باطنی و هم بر شیاطین ظاهر.

والسلام علیکم ورحمة وبرکاته

تاریخ : 26/1/59

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی

بسم الله الرحمن الرحيم

قم - حضرت آیت الله آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی دامت برکاته

تلگرام شریف در مورد تبریک قطع رابطه با آمریکای جهانخوار و اصل و موجب تشکر گردید . از خدای تعالی موفقیت همه مسلمانان جهان را در راه مبارزه و پیروزی کامل بر دشمنان اسلام مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 50

پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

گرچه انقلاب اسلامی ایران به رغم بدخواهان و ماجراجویان به خواست و توفیق خداوند متعال به پیروزی رسید و نهادهای اسلامی انقلابی یکی پس از دیگری در ظرف تقریباً یک سال با آرامش و موفقیت انجام گرفت لکن بر ملت و به حوزه اسلامی و علمی خسارت های جبران ناپذیر به دست منافقین ضد انقلاب واقع شد همچون ترور خائنانه مرحوم دانشمند و اسلام شناس عظیم الشان حجت الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی شهید مطهری رحمة الله علیه .

اینجانب نمی توانم در این حال احساسات و عواطف خود را نسبت به این شخصیت عزیز ابراز کنم . آنچه باید عرض کنم درباره او آن است که وی خدمت های ارزشمندی به اسلام و علم نمود و موجب تأسف بسیار است که دست خیانت کار ، این درخت ثمربخش را از حوزه های علمی و اسلامی گرفت و همگان را از ثمرات ارجمند آن محروم نمود . مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه ای محکم برای حوزه های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود . خدایش رحمت کند و در جوار خدمتگزاران بزرگ اسلام جایگزین فرماید .

اکنون شنیده می شود که مخالفین اسلام و گروه های ضد انقلاب در صدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقد کوتاه کنند . من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیراسلامی فراموش شود . از خداوند متعال توفیق همگان را خواهانم .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان عضو انجمنهای اسلامی و سازمان های دانشجویان مسلمان دانشکده های سراسر کشور و گروهی از مردم تهران

ما می گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و اسلامی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شما ملت بزرگ ایران، سلام بر ملت مسلمان جهان، سلام بر دانشگاهیان و دانشجویان معظم که سربازانی برای اسلامند. و من لازم است که یک تذکر به شما بدهم که بدانید مقصود ما از اصلاح دانشگاه ها چیست. بعضی گمان کردند که کسانی که اصلاح دانشگاه ها را می خواهند و می خواهند دانشگاه ها اسلامی باشد این است که گمان کردند که این اشخاص توهم کردند که علوم دو قسم است، هر علمی دو قسم است، علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی، علم فیزیک یکی اسلامی است یکی غیر اسلامی، از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و بعضی توهم کردند که اینها که قائلند به اینکه باید دانشگاه ها اسلامی بشود یعنی فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد یعنی همان شائی را که مدارس قدیمه دارند باید در دانشگاه ها هم همان تدریس بشود. اینها اشتباهاتی است که بعضی می کنند با خودشان را به اشتباه می اندازند. آنچه که ما می خواهیم بگوئیم این است که دانشگاه های ما، دانشگاه های وابسته است، دانشگاه های ما دانشگاه های استعماری است، دانشگاه های ما اشخاصی را که تربیت می کنند تعلیم می کنند، اشخاصی هستند که غریزه هستند، معلمین بسیارشان غریزه هستند و جوان های ما را غریزه بار می آورند. ما می گوئیم که دانشگاه های ما یک دانشگاه هائی که برای ملت ما مفید باشد نیست. ما بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم با بودجه های هنگفت کمرشکن که از دسترنج همین ملت حاصل می شود و در این پنجاه سال نتوانستیم در علمی که در دانشگاه ها کسب می شود خودکفا باشیم ما بعد از پنجاه سال اگر بخواهیم یک مریضی را معالجه کنیم، اطباء ما بعضی هایشان یا بسیارشان می گویند این باید برود به انگلستان. پنجاه سال دانشگاه داشتیم و طبییی که بتواند کفایت از ملت بکند، از احتیاج ملت بکند به حسب اقرار خودشان نداریم. ما دانشگاه داشتیم و داریم و برای تمام شوونی که یک ملت زنده لازم دارد احتیاج به غرب داریم. ما که گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد اسلامی باشد نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند، نه اینکه علوم دو قسمند هر علمی دو قسم است یکی اسلامی و یکی غیر اسلامی. ما می گوئیم که در این پنجاه سال یا

بیشتر که ما دانشگاه داریم ، فراوردهای دانشگاه را برای ما عرضه دارید . ما می گوئیم که دانشگاه های مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است . ما می گوئیم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی . ما می گوئیم که جوان های ما اگر علم هم پیدا کردند تربیت ندارند ، مریا به تربیت اسلامی نیستند . آنهایی که تحصیل می کنند ، برای این است که یک ورقه ای به دست بیاورند و بروند و سربار ملت بشود . آنطور نیست که به حسب احتیاجات ملت ، به حسب احتیاجاتی که کشور ما دارد دانشگاه به آن ترتیب رفتار کند و نگذارد این نسل های بزرگ و این جوان بسیار عزیز به هدر بروند قوای آنها به هدر برود قوای ما را به هدر بردند یا به خدمت خارجی ها وادار کردند . معلمین مدارس ما ، معلمین اسلامی به حسب نوع نیست و تربیت در کنار تعلیم نبوده و لهذا آن چیزی که از دانشگاه های ما بیرون آمده است ، یک انسان متعهد ، یک شخصی که برای مملکت خودش دلسوز باشد و تمام نظرش به این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد ، ما نداریم . ما که می گوئیم باید بنیادا باید اینها تغییر بکند ، می خواهیم بگوئیم که دانشگاه های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند ، در خدمت ملت باشند ، نه در خدمت اجانب . ما معلمینی که در مدارس ما ، اساتیدی که در دانشگاه های ما هستند بسیاری از آنها در خدمت غربند ، جوان های ما را شستشوی مغزی دهند ، جوان های ما را تربیت فاسد می کنند . ما نمی خواهیم بگوئیم ما علوم جدید را نمی خواهیم ، ما نمی خواهیم بگوئیم که علوم دو قسم است که بعضی مناقشه می کنند عمدا یا از روی جهالت ، ما می خواهیم بگوئیم دانشگاه های ما اخلاق اسلامی ندارند ، دانشگاه ما تربیت اسلامی ندارد . اگر دانشگاه های ما تربیت اسلامی و اخلاق اسلامی داشت ، میدان زد و خورد عقایدی که مضر به حال این مملکت است نمی شد . اگر اخلاق اسلامی در این دانشگاه ها بود این زد و خوردهایی که برای ما بسیار سنگین است ، تحقق پیدا نمی کرد . اینها برای این است که اسلام را نمی دانند و تربیت اسلامی ندارند . دانشگاه ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت های اسلامی ، اگر چنانچه تحصیل علم می کنند ، در کنار آن تربیت اسلامی باشد نه آنکه اینها را تربیت کنند به تربیت های غربی ، نه آنکه یک دسته به طرف غرب بکشاند جوان های ما را و یک دسته به طرف شرق و یک دسته با اشخاصی که با ما جنگ دارند و بالفعل اشخاصی که ما را می خواهند در انحصار اقتصادی قرار بدهند یا برای ما ادعا می کنند که ما شما را ، حصار اقتصادی می کشیم دور شما ، و دست و پا می کنند در این موارد ، یک دسته از دانشگاهی های ما ، از جوان های ما کمک به آنها نکنند . ما می خواهیم که اگر چنانچه ملت ایران در مقابل غرب ایستاد جوان های دانشگاهی ما هم همه در مقابلش بایستند . ما می خواهیم که اگر ملت ما در مقابل کمونیست ایستاد ، تمام دانشگاهی های ما هم در مقابل کمونیست بایستند نه اینکه وقتی این جوان هایی که به واسطه ساده لوحی خودشان ، تربیت های باطل بعضی از معلمین را قبول کردند و حالا که ما می خواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم که مستقل بشود ، وابسته به غرب نباشد ، وابسته به کمونیسم نباشد ، وابسته به مارکسیسم نباشد ، اگر چنانچه ما بخواهیم اینطور کنیم جبهه بندی می کنند همین دلیل بر این است که ما دانشگاه اسلامی و

دانشگاهی که تربیت کرده باشد جوانان ما را نداشتیم و نداریم. همین شاهد است بر اینکه جوان های ما تربیت صحیح نشدند و از آن طرف دنبال تحصیل نیستند، تمام عمرشان را صرف شعار می کنند و صرف تبلیغ سوء باطل، طرفداری از آمریکا، طرفداری از شوروی. ما می خواهیم که جوانان ما، جوانان مستقل باشند و خودشان را ببینند، احتیاجات خودشان را ببینند شرقی نباشند، غربی نباشند. اینهایی که راه افتادند در خیابانها یا در خود دانشگاه ها و درگیری ایجاد می کنند و زحمت برای دولت و ملت ایجاد می کنند، اینها اشخاصی هستند که طرفدار غرب یا شرقند و به عقیده من طرفدار غربند، طرفدار آمریکا هستند. ما که امروز با آمریکا در قبال هم ایستادیم، در قبال این ابرقدرت ایستادیم و احتیاج به این داریم که جوان های ما هم در قبال آنها بایستند، جوان های ما در مقابل خودشان می ایستند و برای آمریکا کار می کنند. ما می خواهیم دانشگاه ها را طوری کنیم که جوان های ما برای خودشان و برای ملتشان کار کنند. این آقایانی که اشکال می کنند در این معانی و کنار نشسته و اشکال می کنند، اینها گمان می کنند که اعضای شورای انقلاب نمی فهمند به اینکه معنی اسلامی کردن این نیست که دوتا در همه علوم دو قسم ما داریم، یک قسم هندسه اسلامی داریم، یک قسم هندسه غیر اسلامی. اشکال می کنند نمی دانند که اعضای شورای ما که بعضی از آنها دکتر هستند و بعضی از آنها مجتهد هستند، نمی فهمند اینها که علوم اسلامی جایی دارد در مدارس قدیمه هست و اینجا جای علوم دیگر است؟ لکن باید دانشگاه اسلامی بشود تا علمی که در دانشگاه تحصیل می شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد. ما می گوئیم که برنامه هائی که در دانشگاه ها هست، منتهی می کند جوانان ما را به اینکه طرف کمونیسم کشیده بشوند یا طرف غرب و نباید اینطور باشد. ما می گوئیم که جوانان ما را این معلمینی که یا اساتیدی که در دانشگاه ها بودند بعضی از آنها که هستند، نمی گذارند تحصیل حسابی بکنند، آنها را متوقف می کنند، مانع از پیشرفت آنها هست، در خدمت غرب هستند و می خواهند ما در همه چیز محتاج به غرب باشیم.

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من! ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است، ما از دانشگاه استعماری نمی ترسیم، ما از دانشگاهی می ترسیم که جوان های ما را آنطور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند، ما از دانشگاهی می ترسیم که آنطور جوان های ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند ما می خواهیم که دانشگاه ما مثل اشخاصی که (بعضی از این اشخاصی که) اشکال به این مسأله کردند، نباشند. اینها نمی فهمند معنای استقلال و معنای اسلامیت دانشگاه را.

من آن چیزی را که شورای انقلاب و رئیس جمهور گفته اند راجع به تصفیه دانشگاه و راجع به

اینکه باید دانشگاه از این جهاتی که در آن هست بیرون برود تا مستقل بشود تا بتوانیم ما استقلالش را حفظ کنیم ، پشتیبانی می کنیم و من از تمام جوانها ، از تمام جوان ها خواستارم که کارشکنی نکنند و مقاومت نکنند و نگذارند که اگر مقاومت کردند ، ما تکلیف آخر را برای ملت معین کنیم . از خداوند تعالی سعادت ملت اسلام را و سعادت جوان را خواستارم و امیدوارم که همانطوری که پیشنهاد شده است ، دانشگاه را از همه عناصر تخلیه کنند و از همه وابستگی ها تخلیه کنند تا اینکه انشاءالله یک دانشگاه صحیح با اخلاقی اسلامی و فرهنگ اسلامی تحقق پیدا بکند .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 55

پیام امام خمینی به مناسبت شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

با کمال تأسف حسب گزارش جناب آقای وزیر امور خارجه که از منابع متعدده و مقامات کشورهای اسلامی به دست آورده است و حسب گزارشاتی که از منابع دیگر به دست آمد، مرحوم آیت الله _ شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعه شهادت رسیده اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت های عزیز از موالیان خود برده اند و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف ستم پیشه خود می برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده اند به دست اشخاص جنایتکاری که عمری به خونخواری و ستم پیشگی گذرانده اند عجیب نیست، عجب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشه، دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند. عجب نیست که مرحوم صدر و همشیره مظلومه اش به شهادت نائل شدند، عجب آن است که ملت های اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجله و فرات و جوانان غیور دانشگاه ها و سایر جوانان عزیز عراق از کنار این مصیبت بزرگ که به اسلام و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و اله وارد می شود بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند که مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند و عجب تر آنکه ارتش عراق و سایر قوای انتظامی آلت دست این جنایتکاران واقع شوند و در هدم اسلام و قرآن کریم با آن کمک کنند.

من از رده بالای قوای انتظامی عراق مأیوس هستم لکن از افسران و درجه داران و سربازان مأیوس نیستم و از آنان چشمداشت آن دارم که یا دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند همان سان که در ایران واقع شد و یا از پادگان ها و سربازخانه ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند. من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مأیوس نیستم و امیدوارم که با ملت عراق دست به دست هم دهند و این لکه ننگ را از کشور عراق بزدایند. من امیدوارم که خداوند متعال بساط ستمگری این جنایتکاران را در هم پیچند.

اینجانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد که از مفاخر حوزه های علمیه و از

مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه سوم اردیبهشت به مدت 3 روز عزای عمومی اعلام می‌کنم و روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام می‌نمایم و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعه بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می‌باشم.

و السلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 57

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت دخالت نظامی آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت رزمنده ایران! دخالت نظامی آمریکا را شنیدید و عذرهای کارتر را نیز شنیدید. اینجانب که کرارا گفته ام کارتر برای وصول به ریاست جمهوری حاضر است به هر جنایتی دست بزند و دنیا را به آتش بکشد، شواهد آن یکی پس از دیگری ظاهر شده و میشود و اشتباه کارتر در آن است که گمان می کند با دست زدن به این مانورهای احمقانه می تواند ملت ایران را که برای آزادی و استقلال خویش و برای اسلام عزیز از هیچ فداکاری روی گردان نیست، از راه خودش که راه خدا و انسانیت است منصرف کند. کارتر باز احساس نکرده با چه ملتی روبروست و با چه مکتبی بازی می کند. ملت ما ملت خون و مکتب ما جهاد است. این شخص انساندوست برای رسیدن به چند سال ریاست و جنایت، جان گروهی را تباه کرد که محتمل است برای کم جلوه دادن جنایتش، هشت نفر را اقرار کرده باشد در صورتی که طبع واقعه شهادت می دهد که ده ها نفر جان خود را در راه شهوات او از دست داده اند و ده ها نفر هم در کویر لوت سرگردان و در معرض مرگند. ادعای اینکه همه مسافران هواپیما را برده اند، مخالف گزارشاتی است که به ما داده اند.

کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی آمریکا در تهران حمله کرده بودند اکنون از هیچ یک از آنها و از پنجاه نفر جاسوس محبوس در لانه جاسوسی خبری نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند. کارتر باید بداند که حمله به ایران حمله به تمام بلاد مسلمین است و مسلمانان جهان در این امر بی تفاوت نیستند. کارتر باید بداند که حمله به ایران موجب قطع نفت از تمام دنیا خواهد شد و دنیا را بر ضد او بسیج می کند کارتر باید بداند که این عمل احمقانه او در ملت آمریکا چنان اثری خواهد گذاشت که طرفداران او را مخالفان او خواهد کرد. کارتر باید بداند که با این عمل بسیار ناشیانه حیثیت سیاسی خود را به صفر رساند و از ریاست جمهوری باید قطع امید کند. کارتر با این عمل خود ثابت کرد که قدرت تفکر را از دست داده است و از اداره یک کشور بزرگ مثل آمریکا عاجز است. کارتر باید بداند که ملت سی و پنج میلیونی ما با مکتبی بزرگ شده اند که شهادت را سعادت و فخر می دانند و سر و جان را فدای مکتب خود می کنند. و کارتر باید بداند که تمام ساز و برگ های مدرن جنگی که آمریکا به ایران برای پایگاه خود در زمان شاه مخلوع داده است، اکنون موجود است و به دست ارتش بزرگ و سایر قوای انتظامی است و بالای جان اوست. اکنون که شیطان بزرگ دست به

کار احمقانه زده است ، ملت شریف و رزمنده ما باید برای خدای تبارک و تعالی با تمام توان خود و با اتکال به قدرت خدای متعال مهیا شود و آماده نبرد با دشمنان خود گردد . نیروهای انتظامی ، ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به حال آماده باش باشند و سپاه بیست میلیونی که خود را مجهز نموده اند امروز برای فداکاری اسلام مهیا باشند که در موقع لزوم از کشور اسلامی خود دفاع کنند و از این مانور احمقانه که به امر خدای قادر شکست خورد ، هراسی به خود راه ندهند که حق با ما و خدا پشتیبان ملت مسلمان است . اینجانب به کارتر اخطار می کنم که اگر دست به امثال این کار ابلهانه بزند ، کنترل این جوانان مسلمان و مبارز و غیوری که نگهبان جاسوسان جاسوسخانه هستند برای ما و دولت امکان ندارد و مسؤول جان آنان شخص اوست و من اخیرا باید تذکر دهم که در قضایای کردستان که گروه های منحرف چپ و مخالف با اسلام به آشوبگری برخاسته اند و در قضایای دانشگاه ها که گروه های چپ امریکائی در آن مکان های مقدس دست به آشوب زده اند و آشوبگری های دولت غیر قانونی عراق در مرزهای ایران با حمله کارتر و دخالت نظامی در ایران رابطه ملموسی دارد و در این موقع حساس اگر این گروه های منحرف در دانشگاه ها و یا خارج آنها دست به آشوب بزنند ، ملت رابطه مستقیم سران آنان را با امریکای جهانخوار خواهد فهمید و تکلیف خود را با آنان روشن خواهد کرد و اغماض و عفو مخالف سیاست اسلامی خواهد بود . و اینجانب به همه جوانان نصیحت می کنم به ملت پیوندند و از کشور خود دفاع کنند و مکتب های اغراضی را کنار گذارند که وحدت صفوف به مصلحت همه است . از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و قطع ید مفسدین و جباران را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 59

فرمان امام خمینی به رئیس جمهور در مورد رسیدگی به جنایات آمریکا

جناب آقای بنی صدر رئیس جمهور ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

مقتضی است برای رسیدگی به جرائم آمریکا در حمله نظامی به ایران، از گروه های مختلف کشورهای جهان دعوت شود که مشاهده کنند آمریکای جهانخوار با ادعاهای طرفداری از حقوق بشر و صلح دوستی و انساندوستی با یک ملت مستقل چه معامله ای کرده است و می کند تا مشاهده کنند آثار جرم این رژیم آدمخوار را که مع الاسف دولت های غربی، جمعیت های طرفدار حقوق بشر و سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل متحد همگی طرفداری از او می کنند و به عیان ببینند تا آنچه اینجانب مکرر گفته ام که تمام این سازمان ها و گروه ها برای طرفداری از قدرتمندان بوجود آمده است و این جمعیت ها به دست قدرتمندان برای سلطه بر ضعیفان و مکیدن خون محرومان جهان بوجود آمده است، تا ببینند که به بهانه نجات جاسوسان چه نقشی ای برای ملت مظلوم ما طرح کرده اند، تا ببینند و باور کنند که سازمان های کذائی آنجا که به نفع قدرتمندان و سرمایه داران بین المللی است حقوق مستضعفین را نادیده گرفته و جز برای سلطه آنان عملی انجام نمی دهد.

دولت غاصب عراق به دستور آمریکا مدت هاست به ایران تجاوز می کند و ما ندیدیم این جمعیت ها و سازمانها ولو برای یک مرتبه هم که شده است اعتراض کنند، لکن برای 50 نفر جاسوس که با کمال انسانیت با آنها عمل می شود هر روز اعتراضات و فریاد نقض حقوق بشر از حلقوم آنان طنین انداز است. ما ندیدیم که طرفداران حقوق بشر از حق دولت ضعیف و ملت مظلوم ما دفاع کنند.

این سازمان ها نه تنها این تجاوز واضح به یک کشور مستقل را نادیده می گیرند، بلکه ما را به نقض قراردادهای بین الملل محکوم می کنند، در صورتی که ما جز جاسوسان را که برای توطئه به ایران آمده اند کسی را توقیف نکردیم و ببینید که آنان که به طرفداری از آمریکای متجاوز ما را می خواهند در حصر اقتصادی قرار دهند، با اینکه کارتر آنان را در جریان خیانت هولناکش قرار نداده و نقض حاکمیت یک کشور مستقل را کرده است، باز از او طرفداری می کنند و خواهند کرد و ما را به حصر اقتصادی می کشند و باز برای طرفداری ظالم هیاهو می کنند. شما به طرفداران آمریکا که مع الاسف در این به اصطلاح روشنفکران خودمان فراوانند و به جوانانی که فریب این گروه ها را خورده اند تذکر

دهید که خود را عوض کنند و به ملت خود بپیوندند و برای دیگران و اجانب جان خود را تباه نکنند و به نصیحت ما گوش دهند که خیر و صلاح خودشان در این است . شما به قشرهایی مثل خرابکاران کردستان و آشوبگران دانشگاه ها تذکر دهید که در این موقع حساس از این اعمال خلاف ملیت و اسلامیت و انسانیت که کشور را ممکن است به تباهی کشد دست بردارید که امروز هر صدائی و هر عملی بر خلاف جریان انقلابی ایران خدمت به جهانخواران است و دلیل بر وابستگی اینان به آنان است .

و السلام علیکم و علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 61

پیام امام خمینی به فیدل کاسترو

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای فیدل کاسترو رئیس جمهوری کشور دموکراتیک کوبا هاوانا

تلگرام پشتیبانی آن حضرت از انقلاب عظیم ملت شریف ایران واصل گردید . از اظهار همدردی و حمایتی که در این موقع حساس از ملت مظلوم ورنجدیده ما نموده اید متشکریم . آقای کارتر با تجاوز آشکار خود به خاک ایران چهره واقعی خود را به مردم دنیا نشان داد و ادعاهای دروغین دفاع از حقوق بشر و انساندوستی خود را با این عمل وحشیانه به اثبات رسانید و ما به یاری خدا تا نابودی کامل دشمنان اسلام و ملت های مستضعف جهان در برابر آنان و بخصوص در مقابل آمریکای جهانخوار ایستادگی خواهیم کرد و همان ایمان به خدا ضامن پیروزی ما بر همه دشمنان خواهد بود . تأیید آن حضرت و ملت شما را خواهانم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 62

فرمان امام خمینی به دکتر ابراهیم یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی ایده الله تعالی

با اهمیتی که مطبوعات و نقشی که در ساختن جامعه دارند، با گذشت بیش از یک سال از برقراری جمهوری اسلامی باز دیده می شود که بسیاری از مطبوعات در خط انقلاب اسلامی نیستند و اصلاحاتی بنیادی در آنها باید تحقق یابد که اشخاص منحرفی که موجب این امور انحرافی می شوند دستشان از این رسانه های گروهی کوتاه شود. لهذا جنابعالی که شایستگی و قدرت اداریتان محرز است، برای این امر حیاتی و اصلاح امور به سرپرستی مؤسسه کیهان که از مؤسسات مربوط به مستضعفین است منصوب هستید که با کمک کارمندان محترم و متعهد، این مؤسسه را هر طور صلاح می دانید، به طور اسلامی و مناسب با جمهوری اسلامی اداره نمایند.

از خداوند تعالی توفیق و تأیید جنابعالی را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 63

پیام امام خمینی به آیت الله صدوقی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب عمدة العلماء اعلام و حجت الاسلام والمسلمین آقای صدوقی دامت افاضاته

مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود و اصل و موجب تشکر گردید مطالبی که مرقوم شده بود انشاء الله تعالی مورد توجه قرار خواهد گرفت. آنچه که امروز لازم است با کمال کوشش به آن توجه شود قضایایی است که اخیراً برای کشور و ملت اسلامی ایران به دست آمریکا و عمال داخلی و خارجی آن پیش آمده و ناچار خواهد آمد. حمله نظامی آمریکا که مخالف جمیع موازین و قراردادهای بین المللی است و اگر با شکست مفتضحانه در هم کوبیده نشده بود منطقه را به آتش کشیده بود و دست و پا زدن عمال داخلی و چپ نماهای امریکائی و درباری در دنبال آن و انفجارهای متعدد که در تهران در مجامع عمومی با دست این عمال خبیث موجب شهادت بعضی از کارگران و زحمتکشان مظلوم گردیده باید با دقت مورد بررسی مقامات مسؤول و بیداری و توجه دقیق عموم ملت قرار گیرد.

جنابعالی که سوابق ممتدی در خدمت به اسلام و حوزه های علمیه دارید و از شناخت و آگاهی خاص بر خوردار هستید لازم است به عموم برادران محترم آن ناحیه هشدار دهید و راهنمایی های لازم را بنمائید که همگان با تمام توان و قدرت اسلامی مهیا و در حال آماده باش باشند و از این خرابکاری های ناجوانمردانه که صد درصد به ضرر خلق بپا خاسته ایران و به نفع جهانخواران خصوصاً امریکای شکست خورده است نهراسند که خداوند عادل با ماست.

اینجانب از اهالی محترم یزد و خصوصاً جوانان عزیز اسلامی می خواهم که از توطئه ضد روحانی که مقدمه توطئه ضد اسلامی است و با دست عمال اجانب در دست اجراست، جداً جلوگیری نمایند و به پشتیبانی از علمای اعلام ناحیه خصوصاً حضرت آقای صدوقی که حقاً غمخوار اسلام و ملت هستند برخیزند و به ارشاد آنان توجه نمایند.

از خداوند متعال توفیق و سعادت همگان خصوصاً جنابعالی را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی کارگر

بسم الله الرحمن الرحيم

روز کارگر را به ملت های زحمتکش و خصوص کارگران به واژه اعم ، تبریک عرض می کنم . کارگران از ارزشمندترین طبقه و سودمندترین گروه در جامعه ها هستند . چرخ عظیم جوامع بشری با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است . حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است . کار خلاصه نمی شود به جنبش مخصوص و کارگر خلاصه می شود و به گروهی خاص و به این انگیزه ، روز کارگر روز همه ملت است نه بخش خاصی از آن از این عموم استثناً می شود کارهای تخریبی و کارگران مخرب ، همان ها که به اسم طرفداری از کارگران از کار آنان جلوگیری می کنند و پشت نقاب طرفداری از دهقانان خرمن های آنان را که حاصل دسترنج یکساله آنان است به آتش می کشند و زیر ماسک خدمت برای کارگران در کارخانه ها با تمام توان اخلال می کنند ، این روز از آنان نیست و از دشمنان آنان است . آنان که در نقاب خدمت به خلق ، مسلحانه بر ضد خلق قیام می کنند و ناجوانمردانه دست به انفجار در مجامع عمومی که اکثراً خلق زحمتکش و کارگر مستمند در آنجا حضور دارند می زنند و ملت شریف دید که در انفجار تهران آن که شهید شد کارگر بود و ناچار زخمی ها هم اکثراً از این طبقه هستند . در این قیام های مسلحانه در اطراف کشور و در دانشگاه ها و در این انفجارهای متعدد در اهواز و غیره دست جنایتکار آمریکا پیداست و از ماهیت این گروه ها که در خرابی و ضدیت با توده های مستضعف پیشگام هستند پرده برداشته می شود .

روز کارگر روز دفن سلطه ابر قدرت هاست که با کار با واژه اعم ، استقلال در همه ابعادش به مستضعفین جهان برگردد و ابر قدرتهای آدمخوار و عالمخوار خلع سلاح می شوند و گوئی که در آستانه روز کارگر ، این انفجارهای پی در پی بی رابطه با این روز نباشد . ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین بر آرد و به کار بپردازد . از متن دانشگاه ها تا بازارها و کارخانه و مزارع و باغستان ها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد . ملت اسلامی ما باید به قدرت الهی خود اتکا کند و از این انفجارهای خائنانه که به دست گروهک های بی فرهنگ و وابسته به اجانب وجود پیدا می کند نهراسد که اینان با این خرابکاری ها و شرارت ها گور خود را و اربابان جهانخوار خود را می کنند . نویسندگان و گویندگان ما ملت را با قلم ها زبان های خود به پیش ببرند و جوانان برومند ما را از این پیشامدهای ناچیز نترسانند که جوانان ما مرد شهادت و شهامتند و

از قلم های مزدور آسیب بر نمی دارند .

کار آقای کارتر که از رزمندگی به راهزنی و از دخالت نظامی به پنهانکاری و انفجار کشیده است او را به صورت یک موجود مفلوک در آورده که همکاران متوجه خودش به او پشت کرده اند و در قدرت نظامی او تردید نموده اند و چنین موجودی ملت شجاع ما را نخواهند ترساند . ای ملت عزیز! بهوش باشید و هوشمندانه این ریشه های پوسیده رژیم سابق را شناسائی کنید و به کمک شهربانی و سپاه پاسداران و کمیته ها در این شناسائی بشتابید و به خدای بزرگ اتکال کنید و از تفرقه و تشتت پرهیزید که خدا با شماست و دست خدا فوق دست هاست .

اینجانب اخیرا از تمام قشرهای متعهد تقاضا می کنم در این لحظات حساس دست از انتقاد نهادهای اسلامی ، خصوصا قوای انتظامی بردارند و برای تربیت روحی آنان کوشش کنند . از خداوند متعال وحدت کلمه ملت های اسلامی و قشرهای ملت مبارز ایران را خواستارم .

و السلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 66

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

خوف مرگ برای دنیا پرستان جنایتکار است، نه پویندگان راه حق

بسم الله الرحمن الرحيم

من وقتی شما جوان ها را می بینم که با صداقت، با سلامت روح فعالیت برای اسلام می کنید و خودتان را در معرض خطر مرگ قرار می دهید مباحثات می کنم. افتخار می کنم که در بین مسلمان ها یک همچو جوان های رشید متعهد هست. از این جهت ما نباید از قدرتمندهائی که اتکال به خدا ندارند، اتکال به مسلسل دارند، ما نباید بترسیم. ترس مال آن است که برای شهادت حاضر نباشد.

در روایتی است که حضرت علی ابن الحسین (علیه السلام) در کربلا که بودند به پدرشان گفتند که (قریب به این معنا که به آنها گفته بودند که شما کشته می شوید) عرض کرد به سید الشهداء که مگر ما بحق نیستیم؟ فرمود چرا. گفت دیگر مبالغات از مردن نداریم. کسی که بحق است و کسی که قائل است به اینکه این عالم تما یک مدبر دارد و او خداست و عالم طبیعت پایین ترین عوالم است (در قرآن از او به دنیا تعبیر شده، دنیا یعنی پائین) وقتی بنا باشد که شهید منزلش در ملأ اعلی باشد، این چه خوفی دارد؟ خوف را باید امثال کارترها داشته باشند که اعتقاد به این مسائل ندارند، اینهایی که همه مقصدشان این است که در اینجا چند روزی به یک قدرتمندی برسند یا به یک جنایتکاری برسند آنها باید بترسند اما جوان های ما که اعتقاد به ماورأ طبیعت دارند و شهادت را برای خودشان یک فوزی می دانند اینها ترس ندارند. ما فرض می کنیم که همچو قدرتی برای آن قدرتمندان باشد که بریزند بکشند و همه چیز را از بین ببرند، معذک ما چون بحق هستیم نباید بترسیم.

حمله نظامی کارتر به طیس نمونه ای آشکار از نقض قوانین بین المللی

در صورتی که نه اینطور هم نیست مسائل، آقای کارتر از روز اول هی با فریاد و با صدا می خواست تحمیل کند. اگر شما یادتان باشد اولی که این جوان های ما رفتند و این لانه جاسوسی را گرفتند، هی مسائلی را اینها پخش می کردند، یعنی آنها تعلیم می دادند و اینهایی که در ایران داشتند اینها پخش می کردند (بناست که بیایند به لانه جاسوسی و چتر بازها بیایند و اینها را بیهوش کنند و عرض می کنم که وارد بشوند و چه بکنند یا همه تهران را بیهوش بکنند). وقتی که اعتنا به این حرف نشد معلوم شد مسأله این نیست. حالا هم که اینها امتحان کرده اند که آمدند و با آن تجهیزاتی که می گویند

زیاد بوده است آمدند و در ایران هم پیاده شدند ، خوب ضربه سیاسی خوردند ، ضربه روحی خوردند ، جوان های مردم را آوردند اینجا به کشتن دادند و به نظر من آید که بیشتر از این مقداری است که اینها می گویند . اینهایی که ، بعضی از اینهایی که رفته اند و آنجا را دیده اند می گویند نخیر یک مقداری از اینها همچو سوخته شده اند که از آنها اثری خیلی باقی نمانده است یک همچون جنایتکاری که جوان های مملکت خودش را برای جنایت می فرستد به اینجا ، این آقای که می فریاد می زند که شما نقض قراردادهای اجتماعی و بین المللی را کردید ، خودش همین نقض قرارداد بین المللی را کرده است که نظامی وارد کرده در یک مملکتی که مستقل است . این یکی از چیزهایی است که نقض حقوق بین المللی است ، نقض قراردادهای بین المللی است . این نقض قرارداد بین المللی را که ایشان آنجا می فریاد می زند ، خودش نقض می کند و اینقدرها هم این مجالسی که در دنیا هست از او انتقاد نمی کنند ، البته در این وضعیت که حالا شکست خوردند انتقادات زیاد است لکن بدانید که اگر این توفیق پیدا کرده بود ، همه این انتقادهایی که اینها می کردند بر می گشت به تعریف و ثنا خوانی .

منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است

در هر صورت ما از اینطور ارباب ها نمی ترسیم . من نمی گویم که ما یک قوه سلاح زیادی داریم که نمی توانیم با همه قدرت ها طرف بشویم ، همچو چیزی ما نمی گوئیم . آنها شاید به اندازه جمعیت ایران قوای انتظامی داشته باشند فرض کنید ما می گوئیم که ما اتکال به یک مبدایی داریم به اتکال به آن مبدأ ، از مردن نمی ترسیم ، شما هم آخر کارتان این است که بیایید همه ما را بکشید همانی که جوان های ما کرارا از من خواستند که شما دعا کنید ما شهید بشویم کسی که می گوید دعا کنید شهید بشویم دیگر نمی ترسد از اینکه آقای کارتر بفرستد اینها را به شهادت برسانند . بنابراین ابدای خوفی از این مسائل نیست . قوی باشید ، قدرتمند باشید ، اتکال به خدا بکنید . یک نفر شما وقتی اتکال به خدای تبارک و تعالی دارد ، با عده ای از آنها می تواند مقابله بکند . اینها اگر هم یک وقتی بی عقلی کنند و فرض کنید بریزند به ایران ، این جوان های ما آنها را با چنگ و دندان از بین می برند ، نمی گذارند اینها یکی شان هم بروند . اگر هم این کاری که کرده بود رسیده بود به آنجایی که بیایند در تهران و بیایند در این لانه جاسوسی آنوقت می فهمیدند که با چه اشخاصی طرف هستند . در هر صورت من از شماها تشکر می کنم که خودتان بدون اینکه غیر از خدا یک کسی و ادارتان بکنند (این چیزی است که از مبدأ الهی جوشش پیدا کرده) خودتان وارد این میدان شدید ، اینطور نبوده است که یک کسی بیاید شمارا وادار بکند . سرتاسر ایران یکدفعه سپاه پیدا شد ، نه یک جمعیتی بودند که بروند یکی یکی اینها را اسم نویسی کنند و چه ، نه مسأله الهی بود . وقتی که دیدند یک مطلبی است که برای حفظ مملکت اسلامی است و این اطاعت خداست ، از سر تا ته ایران دیدیم که یکدفعه جوشش پیدا کردند ، از متن ملت اسلامی جوشش پیدا کردند و خودشان هم تنظیم امور را کردند و خودشان هم کارها را درست کردند .

ولی آن چیزی که باید من عرض کنم به شما آقایان که سران این جمعیت هستید، این است که کاری نکنید که این نهضت لکه دار نشود. شما الان جزء جنود الهی هستید، جندالله شما هستید، شما لشکر خدائید، کسی که لشکر خداست اگر خدای نخواستہ یک کاری بکند که مرضی خدا نباشد و آنوقت یک جوری باشد که گفته بشود که خوب، اینها هم مثل سابق، اینها حالا دستشان رسیده به یک چیزی اینها هم زور می گویند به مردم، اینها هم اذیت می کنند مردم را، اینها هم مثلاً مال مردم را خدای نخواستہ بر می دارند، اینطور نباشد. به جوان هایتان سفارش کنید، از قول من سلام به همه برسانید، سفارش کنید که شما جوان ها جند خدا هستید، شما دست خدا هستید، شماها کاری نکنید که ایران سربلند باشد در دنیا، ما پیش خدا سربلند باشیم، خود شما پیش خدا آبرومند باشید. یک وقتی کاری نشود که ملت ها، دیگران ما را تعیب کنند به اینکه شما دستتان نمی رسید، حالا که دستتان رسید شما هم همان هستید. بفهمانید به آنها که نه، ما برای دنیا پانشیدیم راه بیفتیم و گرنه معقول نیست که آدم جانش را بدهد برای دنیا. کسی که دنیا را می خواهد جانش را می خواهد حفظ کند تا دنیا را ببلعد، شمائی که جانتان را در معرض خطر قرار دادید اگر یک وقتی در بین تان یک جوانی، یک جاهلی پیدا شد که یک کاری انجام داد خلاف موازین، خودتان جلوش را بگیرید، نصیحت شان کنید، نگذارید یک طوری بشود که در دنیا منعکس بشود که ایران وقتی که به نوا رسیدند خودشان ریختند و چه کردند و چه کردند. من امیدوارم که خداوند مؤید شما باشد، خداوند پشتیبان شما باشد با قدرت جلو بروید، انکالتان به یک مبدأ قدرتی است که هیچ قدرتی در مقابل او چیزی نیست، با همان قدرت جلو بروید و شما پیروزید بحمدالله.

اشاره به ماهیت بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در طول تاریخ

من امیدوارم که تا آخر پیروز باشید و شما بدانید که در تمام تاریخ یک همچو قضایایی که در ایران واقع شد، واقع نشده است. در تمام این انقلاباتی که در دنیا واقع شده است مثل انقلاب اکتبر، مثل انقلاب فرانسه، سایر انقلاباتی که در ممالک کوچکتر پیدا شده است اینطور نبوده است که به این آسانی و سهلی. اولاً- مرحوم قرنی خدا رحمتش کند به من گفت که (بعد از پیروزی گفت) مبارزه ما بین ملت و دولت سه ساعت و نیم بود، سه ساعت و نیم، اینها غلبه کردند. این یک مسأله خیلی نادری است در دنیا یا غیر واقع است. آنوقت بالاتر از اینکه، دنبال اینکه شما غلبه کردید آن کارهایی که در انقلاب های دیگر می شد هیچ نشد. انقلاب که می شد، اول می ریختند و یک عده زیادی را شاید گاهی یک میلیون جمعیت را می کشتند. اینها در این صورتی که به من داده بودند حالا یادم نیست اما در آن بود که در انقلاب فلان یک میلیون جمعیت کشته شد، یک میلیون و نیم حبس شد، تمام مطبوعات، تمام

رادیوها، تمام چیزها کنترل شد، تمام احزاب را درش را بستند. اول کاری که می کنند، اینهایی که احتمال می دهند که یک صدایی بکنند، این را خفه می کنند. ایران وقتی که انقلاب کرد تقریباً تا پنج ماه به تمام احزاب و به تمام روزنامه ها و به تمام چیزها اجازه داد که هر چه بخواهید بگوئید، تمام راه ها باز بود برای همه بیایند و بروند. این در دنیا سابقه ندارد، این برای این بود که این انقلاب، انقلاب اسلامی بود، خود ملت بودند که انقلاب کرده بودند، خود ملت مسلمان بودند که انقلاب کرده بودند، اینجور نبود که یک کودتایی واقع بشود، یک قدرتمندی بیاید و یک قدرتمند دیگر را بیرون کند، یک امیر لشکری بیاید مثلاً رئیس جمهور را از بین ببرد. اینجور نبود. خود این ملت بودند همه کارها هم دست خود ملت بود، ملت ما هم مسلمان بودند و آداب اسلامی داشتند از این جهت نه جلو گرفتند، دولت ما هم همین طور آداب اسلامی داشتند نه جلو گرفتند و نه عرض می کنم که آن حرف ها و آن کشتارها و اینها واقع شد. یک عده معدودی که همه می شناختندشان آنها چکاره بودند یک عده شان فرار کردند، یک عده شان که این جا ماندند اینها را گرفتند محاکمه کردند و در حبس هم من وقتی سؤال می کردم می گفتند خیلی حالشان خوب است و در حبس، جایشان هم خوب است. محاکمه کردند، هر کدام اشخاصی را کشته بودند یا اینکه بساط و آنطورها کرده بودند، به جزائشان رساندند، اینها چیزهایی است که سابقه ندارد در دنیا.

لزوم ملاحظه آداب اسلامی و جلوگیری از شرارت بقایای رژیم سابق

از آن طرف ما یک سال و دو سه ماه است که از پیروزی می گذرد، در این یک سال و دو سه ماه همه کارها اطلاع شده، همه کارها، در بین خودمان البته یک دسته شیطان، یک دسته فضول هست که در ایران که اینها تتمه همان ها هستند، تتمه همان جمعیتی که کشته شدند یا فرار کردند، طرفدارهای شاه مثلاً هستند، یک عده ای هستند اینها، منتها یک عده ای هستند که چون چیزها از آنها گرفته شده، قدرت ها از آنها گرفته شده، منابع انتفاعات از آنها گرفته شده است فعالیت زیاد می کنند. باید همه، خود ایران، خود ملت اینها را شناسایی کنند، جلوییشان را بگیرند تا تمام بشود قضیه، همه کارهایی که در مملکت های دیگر بعد از سی سال، چهل سال، پنجاه سال که انقلاب کردند نتوانستند درست کنند، قانون اساسی نتوانستند درست کنند، ایران، هم رئیس جمهور تعیین کرد، هم قانون اساسی تعیین کرد، هم رأی به جمهوریت اسلامی داد و هم مجلس عرض کنم خبرگان درست کرد و هم قانون نوشت و همه کارها را کرد و انتخابات هم می بینید کرده است و یک قدریش را هم یک چند وقت دیگر، چند روز دیگر تمام کند. این کارهایی است که در بعضی جاهای دیگر بعد از 20 سال یا ده سال پیروزی باز قانون ندارند، همین طوری دور هم می نشینند یک چیزی درست می کنند ما نباید از این چیزها بترسیم اینها هم فرض کنید که در کردستان فضولی می کنند یا دولت عراق هم که در آنجا هی تأیید می کند و هی هجوم می کند اینها چیزی نیستند اینها، اینها قابل ذکر خیلی نیستند، شیطنت هائی می کنند. شمائی که یک همچو قدرتی را از ایران بیرون کردید و تمام قدرت های دنیا هم

پشت سرش بود و اعتنا نکردید و بیرون کردید ، دیگر از این چهار نفری که فضولی می کنند و یک خلافتکاری می کنند یا توی دانشگاه می روند بچه بازی در آورند یا شرارت می کنند ، اینها دیگر هیچ خوفی ندارند . البته باید ما آدابمان آداب اسلامی باشد ، همه جهات اسلامی را ملاحظه بکنیم ، همه تان ملاحظه کنید و انشاءالله خداوند به شما سعادت بدهد ، پیروزی بدهد و همه کارها اصلاح بشود و مملکت مان یک مملکت اسلامی باشد که همه قشرها در آن راحت باشند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 71

پیام امام خمینی به مناسبت روز زن

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخار آمیزتر از روز ولادت باسعادت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست، زنی که افتخار خاندان وحی و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می درخشد، زنی که فضائل او همطراز فضائل بی نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود، زنی که هر کسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده، که احادیثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه ای نتوان گنجانند، و دیگران هر چه گفته اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او. پس اول آنکه از این وادی شگفت در گذریم و به فضائل زن رو آوریم که قلم های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی فرهنگ در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی زن را به منزله کالائی خواستند در آوردند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکز کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست. هر کس بخواهد شمه ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه ها و مجله ها و شعرهای اوپاش و اراذل زمان رضاخان از روزگار تباہ کشف حجاب الزامی به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه و شکسته باد قلم های روشنفکرانه آنان و گمان نشود که آن جنایات با اسم آزاد زنان و آزاد مردان بدون نقشه جهانخواران و جنایتکاران بین المللی بود. یکی از نقشه های آنان کشیدن جوانان به مراکز فحشا بود که موفق شدند و کشور ما را از جوانانی که عضو فعال جامعه اند، تهی کردند و مغزهای آنان را از قوه تفکر خلع سلاح نمودند که هر چه از این کشور آفت زده و غریزده بچاپند و به یغما ببرند، همگان بی تفاوت باشند. امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو موثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است. از یک عده معدود در رده بالا که میراث زمان سیاه رژیم منحط سابق است و مقام زن را به خود آرائی و حضور در مجالس عیش و عشرت می دانند و خود را به صورت کالائی در آورده اند و پیرو و عمال همان رژیم هستند و پیاده کنندگان همان نقشه اجانب می باشند و کمک کاران سیا و ساواک هستند که بگذریم، دیگر زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند و شما شهر و روستائی را نمی یابید جز آنکه در آنها جمعیت هائی فرهنگی و علمی از زن های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند بوجود آمده است. و نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه بوجود آورده که ره صد ساله را

یکشنبه طی نموده است و شما ملت شریف دیدید که زن های محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم و پس از شکست ابر قدرت ها و ریشه های فاسد آنان می توانیم بحق ، روزی را روز زن قرار دهیم و به جهان و جوامع بشری با افتخار و سرفرازی از زن و پیشرفت آن در جمهوری اسلامی گفتگو کنیم .

امروز زنان در جمهوری اسلامی ، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان ، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می شد ، که آزادی آنان در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود . اینجانب به زنان توصیه می کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که از خودشان و فرزندان شان است ، به طور شایسته بسازند که باهمت همه قشرها از وابستگی ها به تمام ابعادش نجات یابیم . من به زنان متعهد ، روز بیستم جمادی الثانی را که روز مبارک زن است تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال سلامت و سعادت آنان و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 73

تاریخ: 16/2/59

نامه بنی صدر به محضر امام خمینی

بسمه تعالی

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران دامت ظلّه العالی

نظر به اوضاع کشور و مقابله قاطع با توطئه ها و حوادث ضروردید بر اساس گفتگوهای مفصلی که حاج آقا به عرض می رسانند خواهان سه امر زیر بشوم:

1_ انتخاب نخست وزیر با تصویب امام .

2_ قوای انتظامی در اختیار و به دستور عمل کنند .

3_ دستگاه های تبلیغاتی باید برخلاف مصالح کشور و مخالف سیاست جمهوری اسلامی نباشد و آزادی آنان در حدود قوانین اسلامی باید مراعات شود . اطمینان می دهد که با وجود همه مشکلات در صورتی که وسائل کار در دسترس و به اختیار باشند ، هیچ گونه خطری متوجه انقلاب اسلامی و کشور عزیز نخواهد شد .

ابوالحسن بنی صدر

تاریخ: 17/2/59

پاسخ امام:

بسمه تعالی

موافقت شد .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 74

پیام امام خمینی به ملت ایران (در آستانه دومین مرحله انتخابات مجلس شورای اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحيم

روز جمعه نوزده اردیبهشت روزی است که ملت شریف مسلمان که به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده اند، برای تعیین کاندیداهای معتقد به اسلام و احکام خداوند متعال و متعهد به جمهوری اسلامی به پای صندوق های رأی می روند و یا با اخلاصگران و معتقدان به مکتب های ضد اسلامی در مجلس اسلامی مواجه می شوند و اسلام و قرآن را در معرض خطر قرار می دهند. باید ملت شریف ایران بدانند که اسلام عزیزتر از آن است که برای هواهای نفسانی و جلب توجه گروه ها یا اشخاصی پشت به آن نموده و مقاصد فانی خود را بر مقاصد عالی و باقی حق تعالی مقدم دارند. در این گروه که اولین مجلس اسلامی است و سرنوشت مجالس دوره های بعد هم امروز باید تعیین شود، هر خشت کجی که در این مجلس به دست کسانی که اسلام را می خواهند پیاده شود و یا از روی جهالت با مسائل برخورد می کنند گذاشته شود، سنتی می شود برای همیشه و کسی که سنت کجی را بنا گذارد تمام گناہانی که به واسطه آن ارتکاب شود به عهده اوست. ملت عزیز در این روز امتحان الهی باید توجه به اموری داشته باشد:

1 _ کسانی را انتخاب کنند که صد در صد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و معتقد به اجرای احکام اسلام و مخالف با مکتب های انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشند.

2 _ شناخت این اشخاص یا با آشنائی به اعمال و رفتار آنان از زمان رژیم طاغوت تاکنون است و یا به معرفی روحانیون متعهد در شهرستان ها یا اشخاص متدین موجه که گرایش به چپ و راست یا دسته ای نداشته باشند.

3 _ باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می رود رأی ندهند، چه احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی و یا اخلاقی باعث می شود که به چنین اشخاص اعتماد نمی شود کرد و رای به آنان موجب مسؤلیت خواهد بود.

4 _ تحت تاثیر تبلیغات واقع نشوند و خودشان با موازین اسلامی اشخاص صحیح را انتخاب کنند.

5 _ ممکن است بعضی شیاطین مطالبی را بین مردم ناآگاه پخش کنند و آنان را در رأی دادن یا رأی به اشخاص صحیح دادن منحرف کنند. یک آنکه گفته شود کسانی که در مرحله اول رأی دادند

نباید در این مرحله رأی دهند ، در صورتی که این مرحله با مرحله اول فرقی ندارد و مقتضی است همه ملت در رأی شرکت کنند ، دوم آنکه گفته شود خوب است به همه گروه ها چه چپی و چه انحرافی رأی دهید که مجلس شورا جامع همه گروه ها باشد ، این یک مطلب غلطی است که منحرفین درست کرده اند تا در مجلس با خدعه شرکت کنند و ملت به این مطالب انحرافی گوش فرادهد و به اشخاص با شرایط فوق رأی دهد .

6_ امید است ملت مسلمان ایران در این امر حیاتی که سرنوشت جامعه بدان مرتبط است شرکت کنند و روز جمعه همه قشرها زن و مرد بپا خیزند و به سوی صندوق ها بروند و رأی خود را بدهند .

7_ در این روز افرادی فرصت طلب در حوالی صندوق ها جمع می شوند و به مردم پیشنهاد افرادی خاص را می کنند ، به حرف های آنان گوش ندهید و آرای خود را به اشخاص صحیح بدهید .

8_ اشخاص بیسواد قبلا با مشورت اشخاص مطمئن متدین ، کاندیداهای خود را در تهران 12 نفر و در شهرستان ها به تعدادی که لازم است می باشد ، به وسیله شخص متدینی بنویسند و باز به شخص دیگری که مطمئن است بدهند بخواند و خودشان با دست خودشان رأی خود را به صندوق بیندازند و اختیار نوشتن رأی یا به صندوق انداختن را به هیچ کس ندهند .

من از خدای تعالی توفیق و تأیید همگان را خواهانم ، سعادت و عظمت اسلام و مسلمین را امیدوارم .

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخ : 19/2/59

بیانات امام خمینی به هنگام رأی دادن

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک کند انشاءالله . مبارک آن روزی است که ایران از سلطه اجانب مستخلص بشود و مجلس شورای اسلامی به وظایف خطیر خود عمل کند و ایران استقلال پیدا کند و همه دشمنان ایران ذلیل و نابود شوند و مسلمین همه با هم پیوند کنند . خداوند همه دوستان ، همه مسلمانان را موفق و مؤید کند .

ص: 77

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام و المسلمین سید علی خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای دامت افاضاته برای تشکیل شورای عالی دفاع ملی بر مبنای اصل یکصد و ده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جنابعالی به عنوان مشاور از طرف اینجانب منصوب می شوید و در این موقع چون در وضع استثنائی هستیم لازم است هر هفته با بررسی کامل دقت رویدادهای داخلی ادارات مختلف ارتش را برای اینجانب ارسال دارید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 78

تاریخ: 20/2/59

فرمان امام خمینی به دکتر مصطفی چمران

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر مصطفی چمران ایده الله تعالی

برای تشکیل شورای عالی دفاع ملی بر مبنای اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جنابعالی به عنوان مشاور از طرف اینجانب منصوب می شوید و در این موقع چون در وضع استثنائی هستیم لازم است هر هفته با بررسی کامل و با کمال دقت رویدادهای داخلی ادارات مختلف ارتش را برای اینجانب ارسال دارید.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 79

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام دعائی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمود دعائی دامت افاضاته

از آنجا که مطبوعات کشور در ساختن جامعه نقش مؤثری را ایفا می نماید جنابعالی را به خاطر شایستگی و لیاقتی که در اداره اینگونه امور دارید به سرپرستی روزنامه اطلاعات که مربوط به مستضعفین است منصوب می نمایم و البته متوجه هستید که مطبوعات باید همیشه در خدمت اسلام عزیز و مردم و کشور باشند و آزادی ها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین شود . امید است به یاری خدا و با همکاری کارمندان متعهد ، این روزنامه را در راه تحقق بخشیدن به آرمان های انقلاب اسلامی اداره نمایند . از خدای تعالی و توفیق همگان را در این راه مسئلت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 80

بیانات امام خمینی در جمع پرستاران و پزشکان بنیاد خدمات پزشکی امام خمینی

پزشکی و پرستاری از شغل های بسیار ارزنده است

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان در انتخاب شغل ها و سایر انواع انتخابات آزاد است، آزاد خلق شده است و در اسلام آزادی به او اعطا شده است، لکن خود انسان ها در انتخاب شغل، مختلف هستند و این اختلاف تابع آن اختلاف نفسانی خودشان و اختلاف باطنی خودشان است. یکی دزدی را انتخاب می کند شغل، یکی غارتگری را برای خودش شغل انتخاب می کند، یکی شغل هرئین فروشی و مواد مخدره فروشی و امثال اینها را انتخاب می کند. انتخابات، یک انتخاب آزادی است که تابع آن نفسیت اشخاص است. نفوس انسان در این عالم به حسب خلقت اختلاف دارد و به حسب تربیت هائی هم که در محیطها می شود باز یک اختلافات زیادی در این تربیت ها حاصل می شود. در یک محیط می بینید که تربیت ها، تربیت های ضد انسانی است، ضد اخلاقی است و در یک محیط تربیت های انسانی است.

از جمله شغل های بسیار مقدس پزشکی است، شغلی است که اگر پزشک ها به تکالیف خودشان، تکالیف انسانی خودشان عمل نکنند، این شغل بسیار شریف و یک عبادتی است. و همین طور پرستاری، این شغل پرستاری از شغل های بسیار شریفی است که اگر چنانچه انسان با وظایف انسانی و شرعی خودش عمل نکند، این یک عبادتی است که در فراز عبادت های درجه اول است. البته مسوولیت هائی هم دارد، هم در پزشک و هم در نرس ها و هم در همه قشرهائی که در بیمارستان ها هستند یک مسوولیت بزرگی هست برایشان. پزشک ها همچو نباشد که برای جمع آوری مال و منال این خدمت را انجام بدهند. خدمت بکنند، خدمت بکنند و نظرشان خدمت به انسان ها که بندگان خداست باشد تا این شغل عبادت بشود، آن منافی هم که پیدا می شود، منافی است که از این عبادت برایشان پیدا شده است و اما اگر بنا باشد که آنها خدای نخواستہ انحراف داشته باشند و گاهی انحرافات به جائی برسد که جان های مردم را در خطر بیندازد، این یک جنایتکار است مثل همان جنایت هائی که ساواکی ها می کردند، یا یک قدری بدتر. و همین طور پرستارها، پرستاری از بیمار امر بسیار مشکلی است لکن خیلی ارزشمند است. انسان با یک بیماری به طور محبت، به طور برادری، به طور خواهری مراعات احوال او را بکند و این برای انجام یک وظیفه انسانی الهی باشد، از عبادات بسیار ارزشمند است. شما متوجه باشید که شغل شما شغل بسیار شریفی است و از

آن طرف مسؤولیتش هم زیاد است، مسؤولیتش را خود شما می توانید جبران بکنید، به محبت کردن به مرضی. اینها احتیاج دارند به محبت بیش از آن که احتیاج به دوا دارند. یک مرضی که از خانه اش آمده است در بیمارستان، این مرضی خودش را مثل اینکه یک غریب می داند، اگر چنانچه این پرستارها با او با ملایمت، با رفتار انسانی، با محبت، مثل برادر و خواهر با او رفتار کنند، این حس غربت از او منفصل می شود و آرامش برایش حاصل می شود و این آرامش روحی در بهبودی او کمک می کند، کمک طیب است، کمک پرستار است. شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ آلوده نکنید به جهات مادی، به جهات دنیائی، که هم کار کرده باشید و هم اجرا الهی نبرده باشید. شما کاری بکنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد. منافات ندارد اینکه برای خدا باشد لکن به شما هم مثلاً اجری بدهند. اینها منافات با هم ندارند. شما توجه داشته باشید به اینکه با این بیماران خوشرفتاری کنید، کمک کنید آنها را، دلجوئی کنید از آنها. اینها افسرده هستند، باید دلجوئی کنید. این شغل شما از آن شغل های بسیار ارزنده است.

غار تگران در کردستان در صده هستند راه را برای اجانب باز کنند

لکن ما می بینیم که اشخاص دیگری هم در این دنیا هستند که انتخاب می کنند یک شغل های بدی را، مثلاً شما ملاحظه کنید در کردستان یک دسته ای از مردم هستند که اینها تابع اجانب هستند و به مملکت خودشان خیانت می کنند و به افرادی که در محیط خودشان و از جنس خودشان هستند، خیانت می کنند و دسته بندی می کنند برای اینکه مردم را ناراحت کنند و دیدید که در این مدتی که گذشت بر اینها، چه جنایاتی کردند و چه غارتگری هائی از همان هائی که می گویند ما طرفدار آنها هستیم، ادعا می کنند که ما طرفداریم، طرفدار خلق هستیم، لکن روند خرمن های آنها را آتش می زنند، خانه های آنها را خراب می کنند. حالا هم که شکست خورده اند، از قراری که اطلاع می دهند شروع کرده اند به اذیت و آزار مردم و غارتگری و کارهای رذالت دیگر. یکی هم شغل پاسداری را برای خودش انتخاب می کند، یکی هم شغل ژاندارمری را برای خودش انتخاب می کند، یکی هم شغل ارتشی را انتخاب می کند. اینها اگر چنانچه به وظایف خودشان عمل کنند، به وظایف انسانی خودشان عمل کنند، به اعتبار اینکه خدمتگزار اسلام هستند، خدمتگزار مملکت اسلامی هستند، حافظ کشور هستند، شغلشان یک عبادت است، و اگر خدای نخواستہ کشته شدند، یک شهادت. اشخاصی که الان در این کردستان کشته شده اند و مع الاسف زیاد هم هستند از سپاه پاسداران، از ژاندارمری، از لشکری ها و آنها و از سایر مردم، این بسیار موجب تأسف من است که یک دسته ای اینطور از انسانیت دور باشند که جمعیتی که، ارتشی که آمده است برای حفاظت آنها، برای حفاظت کشور آنها و پاسدارانی که آمده اند برای حفاظت شهر آنها، برای حفاظت مملکت آنها، آنها در عین حالی که در گفته هایشان می گویند که ما می خواهیم با ارتش همراه باشیم و برویم و سرحدات را حفظ کنیم، راه نمی دهند به این ارتش برود سراغ سرحدات که سرحدات در خطر هست. این چه جور جمعیتی هستند؟ چقدر انسان باید متأسف

باشد از این مردم که اینطور تربیت شده اند و اینطور از انسانیت دور شده اند و یک حال سببیت به خودشان گرفته اند که اصلاً نصیحت به آنها هیچ اثر ندارد. من از اول این بساطی که اینها در آورده اند نصیحت کردم آنها را، سفارش کردم به ارتش، به سران ارتش سفارش کردم، به سران ژاندارمری که با مسالمت رفتار کنید با آنها با خشونت رفتار نکنید و عمده هم نظر این بود که خوب، اشخاص بیگناهی در این محیطها هست، لکن ژاندارمری و لشکری و پاسداران یک قدری که دست نگه داشتند آنها حمله کردند. دائماً در صدد این هستند که گول بزنند طرف را، دائماً در صدد این هستند که در قراردادهایشان خیانت بکنند، دائماً در صدد این هستند که راه را باز کنند برای اجانب، راه را باز کنند برای آمریکا یا برای شوروی، فرق ندارد. این چه جور جمعیتی هستند؟ من متأسف هستم از اینکه چرا باید انسان اینقدر منحط باشد، اینقدر بد طینت باشد که در کشور خودش، اهل مملکت خودش، اهل دین خودش را اینطور در زحمت واقع کند و اینطور خرابی بار بیاورد و مملکت را بخواهد به باد بدهد و به دست دشمن های اسلام بسپارد، دشمن های ایران بسپارد. من تأسفم از آنها از باب این است که چرا آدم نیستند و تأسف دیگرم راجع به این کشتن هائی که، این شهدائی است که در راه اسلام شهید شدند که عده شان خیلی زیاد است در همین کردستان و در سایر مناطق عده شان هم خیلی زیاد است. هر روز به ما اطلاع می دهند که در کجا کی را کشته اند، چند نفر، در کجا چند نفر. و این اسباب تأسف است از طرفی و اسباب مباهات است از طرف دیگر. این نهضت اسلامی برای این دسته این تحول را به بار آورده است که اشخاصی که اصلاً وارد در این کارهای جنگی نبوده اند یکدفعه متحول شده اند و اشخاصی که جنگی شده و اشخاصی که در راه اسلام فداکاری کرده اند و شهید داده اند و من در عین حالی که بسیار متأسف هستم از این عزیزانی که از دست ما رفته است و لیکن مباهات می کنم به این تحولی که از برای آنها پیدا شده و آنها بحمد الله به وظایف شرعی و دینی خودشان عمل کرده اند و جان خودشان را برای خدا فدا کرده اند و خدای تبارک و تعالی به آنها هر چه بخواهند در آن عالم می دهد برای اینکه هر چه داشته اند داده اند و خدا هر چه بخواهد به آنها خواهد داد. و من باز بر می گردم سراغ شما خواهران و عزیزان که توجه داشته باشید در این محیطی که هستید رعایت احکام اسلام را بکنید. مملکت اسلامی است، جمهوری اسلامی است، باید در همه شوونش تحول حاصل بشود. همانطور که می بینم تحول روحی از برای شما حاصل شده است، همین طور باید در اعمال هم یک تحولی زیاد حاصل بشود، تخلف از موازین الهی نشود و با رحمت و عطوفت با این کسانی که در زیر دست شماها، چه پزشکان و چه نرس ها و چه سایر قشرهائی که در آنجا خدمت می کنند. خدمت شما یک خدمت بسیار با ارزشی است، خدمت مشکلی است. پرستاری، پزشکی، هر دو مشکل است و اما بسیار شریف است در صورتی که به آن وظایفی که باید بشود عمل بکنند و من دعاگوی شما همه هستم و آنقدری که از من می آید این است که برای مرضای شما دعا کنم که کمک شما باشند و برای شماها هم دعا کنم و برای پزشکان هم دعا کنم و برای همه اهالی کشور عزیزمان دعا کنم. خداوند همه شما را با سعادت و سلامت و رفاه قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی خطاب به مدیر عامل و سرپرست صدا و سیما جمهوری اسلامی

جدیت در اسلامی کردن جو رادیو و تلویزیون و تصفیه عناصر منحرف و خود باخته به شرق و غرب

بسم الله الرحمن الرحيم

از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد راجع به آن نگرانی داشتم، برای اینکه این سازمانی است که اگر خوب باشد مملکت ما خوب می شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند، از این جهت تذکراتی باید به شما بدهم. یکی اینکه این دستگاه رادیو تلویزیون که در خانه حتی روستاها، در همه جا نفوذ دارد، اگر صد درصد اسلامی نشود، معنایش این است که اسلام در ایران پیاده نشده است. اگر بنا باشد رادیو تلویزیون در خدمت دسته ای و یا گروهی که منحرف هستند و اعوجاج دارند قرار داده بشود، ممکن است که سرتاسر مملکت را به فساد بکشد. از این جهت شما موظفید، هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو تلویزیون را از گروه هائی که منحرف هستند و یا ارتباط با رژیم سابق داشته اند و در خدمت آنها بوده اند تصفیه کنید و اشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد می شوند را هم تصفیه کنید، شما باید اینها را با کمال قدرت بدون هیچ ملاحظه ای از رادیو و تلویزیون تصفیه کنید و مهمتر از همه، قضیه اخبار است که باید کاملاً دقت شود که اشخاص منحرف در آن راه نیابند، آخر جمهوری اسلامی فقط لفظش که نیست، باید واقعیت پیدا کند. الان ما به هر کجا که سر می زنیم می بینیم که فساد هائی در آن هست، باز اسلام به صورتی درست پیاده نشده است ولی چون این مهمتر از همه است پافشاری من نسبت به رادیو تلویزیون بیشتر از چیزهای دیگر است برای اینکه این فسادش موجب فساد ملت و جامعه می شود، برای اینکه چیزی که در اینجا گفته می شود، سرتاسر مملکت آن چیز پخش می شود و انحراف در سطح مملکت و همچنین در خارج پیدا می شود از این جهت این سازمان باید صد درصد به صورتی باشد که با نهضت اسلامی بسازد نه اینکه ما بگوئیم رادیو تلویزیون اسلامی هست ولی ببینیم یک حرف هائی در آن می زنند که به اسلام و به انقلاب اسلامی لطمه وارد می آورد باید کاملاً توجه داشت که به هیچ وجه ما نباید مقلد شرق و غرب باشیم زیرا تقلید از شرق و غرب با رادیو تلویزیون اسلامی نمی سازد، باید کاملاً مراقبت کنید و خوف از گفته ها و نوشته های این روشنفکران غربزده ادا نداشته باشید. این روشنفکران در فکر این هستند که مملکت را به خواست خودشان یک مملکت لوکس

درست بکنند و دیگر هر چه خرابی هم باشد مانعی ندارد. آنها دلشان می خواهد یک مملکت غربی درست بشود و حال اینکه مردم اینجا همه جدیت کردند برای اینکه اسلام در ایران پیاده شود، نه فقط یک صورت اسلام و وقتی سر به هر اداره اش می زنیم اسلام در کار نباشد. باید شدیداً با روشنفکران غربزده مبارزه کرد. از این جهت شما مأموریت دارید با همکاری کارمندان مسلمان و متعهد و غیر منحرف این سازمان را تصفیه کنید بدون اینکه خوفی از کسی و یا گروهی داشته باشید. باید توجه داشته باشید که در این سازمان مسلمانان متعهد حتی یک نفرشان نباید بیرون بروند مگر تخلفاتی کنند که این مسأله دیگری است و فرقی با دیگران ندارند اما یک وقتی گفته نشود اینها مثلاً یک قدری ارتجاعی هستند، از این حرف هائی که شاه هم به مسلمانان مبارز و متعهد در آن دور می زد. مسلمانان مبارز و متعهد باید آنجا باشند و دیگرانی هم که تصفیه می شوند باید جایشان را افراد مسلمان مبارز غیر منحرف گذاشت. ما بحمد الله گویندگان و نویسندگان خوب داریم، ما همه چیز داریم. من غالباً فیلم هائی که خود ایرانی ها درست می کنند به نظرم بهتر از دیگران است مثلاً فیلم گاو آموزنده بود اما حالا این فیلم ها باید حتماً از آمریکا یا از اروپا بیاید با یک بی بند و باری، تا روشنفکران غربزده شاد شوند. فیلم هائی که از خارج به ایران می آید اکثراً استعماری است لذا فیلم های خارجی استعماری را حذف کنید، مگر صد درصد صحیح باشد در هر صورت این به عهده شما و مسئولین آنجاست. بار دیگر تذکر می دهم که آنجا را از وابستگان رژیم سابق تصفیه کنید. البته مصاحبه اشکالی ندارد ولو یک کمونیست بیاید و حرفش را بزند و در همانجا از شخص دیگری جواب بگیرد، این مانعی ندارد. خلاصه رادیو تلویزیون نباید در دست یک عده مفسده جو باشد. با کمال تأسف هنوز ریشه های رژیم سابق هستند، حالا یک قدری جلوی منافعشان گرفته شده اخلاص می کنند و می خواهند همان عیاشی ها را بکنند و رادیو تلویزیون را برای خودشان دکان کنند. من صریحاً می گویم ما می خواهیم نه غرب و نه شرق از ما تعریف کنند. نمی خواهیم روشنفکران غربزده و قلمداران خود فروخته از ما تعریف کنند ما می خواهیم یک مسأله ای را که اسلام می فرماید عمل بکنیم و برای کشورمان خدمت بکنیم، نه یک دستگاهی درست بشود که همه اش خراب و فاسد باشد و بچه های ما را به فحشا بکشند و افراد را بی تفاوت کنند که اگر همه چیزشان را ببرند، اینها اصلاً ککشان نگزد و هیچ توجه به این مسائل نداشته باشند. ما می خواهیم ادارات را متحول کنیم، همین طور که الحمدلله الان همه مردم متحول شده اند. باید توجه به این مسائل داشت من دعا می کنم که انشاءالله موفق باشید.

تلاش در جهت حفظ استقلال رادیو تلویزیون و پیاده کردن محتوای اسلام

من بارها گفته ام رادیو تلویزیون باید کاملاً مستقل باشد و باید استقلالش محفوظ باشد و هیچ کس در آن دخالت نکند. شما فقط در هر چه اسلامی شدن آن کوشش کنید تا مطابق با خواست مردم باشد. مردم خونشان را داده اند، نمی شود که مسلمان ها خونشان را بدهند و بعد اشخاصی منحرف بیایند و نتیجه اش را ببرند و مسأله این است که هیچ عقل شرعی این را نمی گوید. مردم

مسلمان ریختند در خیابان ها ، الله اكبر گفتند ، جانشان را فدا کردند و گفتند ما جمهوری اسلامی می خواهیم جمهوری اسلامی محتوایش این است که همه چیزش اسلامی باشد . یکی از مهمات ، همین قضیه رادیو تلویزیون است که از همه چیز اهمیتش بیشتر است . این دو دستگاه است که باید اسلامی بشود . استقلالش را حفظ کنید ، کسی اگر آمد خواست یک چیزی را تحمیل کند ، ابدًا به آن اعتنا نکنید و با استقلال و با قدرت این دستگاه را راه بیندازید . مؤید باشید .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 86

بیانات امام خمینی در دیدار با سرهنگ صدری (فرمانده لشکر 28 کردستان)

اشرار باید از کردستان تصفیه شوند

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که به خواست خدا و همت ارتش و پاسداران، کردستان به زودی تصفیه و درست شود. من از فداکاری های شما برای کشور خود و برای اسلام تشکر می کنم. حال که اشرار را از آنجا راندید باید توجه به این معنا داشته باشید که آنان شما را رها نخواهند کرد. من به شما ارتشیان دلیر و سپاه پاسداران و شورای انقلاب و فرمانده کل قوا هشدار می دهم که اشرار باید از کردستان تصفیه شوند، آنان کردستان را به فساد کشیدند و مردم کردستان را به طرز وحشتناکی اذیت و آزار کردند، آنان مردم را غارت کردند و همه را کشتند، دیگر نباید به اینها مهلت داد، باید منطقه درست پاکسازی شود تا دست آنها کوتاه و امیدشان قطع شود.

با وجود انسجام، هیچ قدرتی نمی تواند به شما زور بگوید

البته مسأله مهم این است که ارتش و پاسداران و ژاندارمری ما با یکدیگر هم زبان و هم پیمان باشند و مهمتر اینکه در عمل با هم هماهنگی داشته باشند زیرا در هماهنگی است که پیروزی میسر می شود، باید سران با هم تفاهم داشته باشند که بحمدالله دارند، باید سلسله مراتب محفوظ باشد، باید اطاعت بی چون و چرا انجام گیرد ولی درست مثل صدر اسلام، اطاعت بدون هیچ اغماض باید باشد و محبت و دوستی و برادری هم باید باشد. حضرت امیر علیه السلام رئیس کل قوا بودند ولی نسبت به سایر افراد ارتش اسلام هم عطف داشتند. هرگز در سپاه اسلام تحمیل نیست یعنی درست یک عده برادر هستند که در کنار هم برای خدا می جنگند، که یکی فرمانده و دیگری فرمانبردار است و تخلف از دستور فرمانده جایز نیست. باید نظم کاملاً رعایت شود، باید فرماندهان به سربازان بفهمانند که همه با هم برادریم و همه با هم می خواهیم کاری را انجام دهیم، ولی ارتش هم باید از فرمانده کل قوایش که آقای بنی صدر است اطاعت کند. خلاصه امروز که ما از طرف قدرت ها در خطر هستیم، البته به نظر من بعید به نظر می رسد، باید منسجم باشیم زیرا اگر انسجام بوجود آید، هیچ قدرتی نمی تواند به شما زور بگوید و پیروزی از آن شماست. امروز ارتش پشتیبان بسیار قوی دارد و آن ملت است ملت با ارتش است و ملت با ارتش عزیز ما همراه است. امید است که دولت و ملت و ارتش و گروه های متعهد با هم

منسجم و یکدست شوند تا نیروئی به دست آورید که هیچ کس نتواند در مقابل آن بایستد. من از ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و سایر نیروهائی که برای اسلام زحمت کشیده اند، خصوصا در کردستان فعالیت کردند تا کفار را شکست دادند، تشکر می کنم. و به خانواده های شهدای بزرگ خود تسلیت می گویم و از خداوند می خواهم که به شما و سایرین قدرت عنایت فرماید. شما الان سرباز اسلام هستید، درست مثل سرباز زمان حضرت رسول با شما عمل می کنند و مقامتان عالی است و پیش خدای تبارک و تعالی ارجمند هستید. این مملکت مال شماست و خودتان هم باید نگهش دارید، مهم رضایت خداست، که عمل شما موجب رضایت خداست. انشاءالله خداوند همه شماها را در پیشرفت و پیروزی تأیید کند.

سر پیروزی صدر اسلام، ایمان به خدا بود

خداوند انشاءالله همه شما را تأیید کند و سر پیشرفتگی که در صدر اسلام شد این است که سربازان اسلام با تعداد کمی که داشتند در مقابل تعداد زیادی از سربازان دشمن که یکی ایران و یکی روم بود و بسیار هم مجهز بودند، ایستادند و پیروز شدند، زیرا سلاح معنوی داشتند یعنی اعتقادشان بر این بود که ما اگر برویم و کشته شویم، باز هم سعادت مند هستیم و اگر بکشیم هم ما سعادت مندیم، آنوقت دشمن برای دنیا بود که آن هم با فشاری بر آنها که می آوردند می جنگیدند. ببینید در جنگ ذات سلاسل، دشمن، سربازان خود را به زنجیر بسته بود که فرار نکنند. آیا با این اعتقاد می شود جنگید؟ سر اینکه لشکر اسلام پیروز شد و آنها شکست خوردند همین بود که آنها روحیه شان را به واسطه اینکه ایمان به خدا نداشتند، بکلی از دست داده بودند. آخر آنها برای چه کسی کار بکنند و برای چه منظوری خود را بکشند؟ آیا خودشان را بکشند که یک نفر، فرض کنید شاه و یا پسر شاه آنهمه بساط داشته باشد؟ برای چه این سربازها آنطور فداکاری کنند؟ اما اینجا اینطور نیست، اینجا فداکاری برای اسلام است.

بنابراین سر پیروزی صدر اسلام همین دو کلمه بود، ایمان به خدا و ایمان نداشتن به خدا. آنهایی که ایمان نداشتند، ضعیف بودند و اینهایی که ایمان داشتند، قوی. ما باید با یک همچو قدرت و روحیه ای که شما می گوئید که آنها می گفتند ما می خواهیم شهید بشویم به پیش برویم. من از آنوقتی که این نهضت شروع شد مکرر هر چند روز یک مرتبه، زنان و مردان می آمدند پیش من و اصرار می کردند که شما دعا کنید تا شهید بشویم، من دعا می کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت داشته باشید. برای اسلام خدمت کنید، این روحیه موجب پیشرفت است، جدیت کنید که این روحیه محفوظ باشد. جوان هائی که در ارتش و سپاه پاسداران هستند، تقویت روحی بشوند، الحمدلله از نظر روحی قوی هستند، ایمان آنها را تقویت کنید. یک سرباز مؤمن می تواند یک گروه را در هم بشکند. انشاءالله من امیدوارم این شهیدانی که برای خدا به شهادت رسیده اند، نزد خدای تبارک و تعالی مقاماتی داشته باشند که لشکر امام در جنگ احد و در سایر جنگ داشتند. خداوند انشاءالله خانواده های آنها را

سلامت بدارد و من هم به آنها تسلیت می گویم . اینها از خود ما هستند ، مثل اینکه فرزندان خود من باشند ، متأثر هستم و مفتخر به اینکه همچو روحیه ای در تمام سربازها پیدا شده ، امیدوارم که با همین روحیه بر مشکلات غلبه کنید و مملکتتان یک مملکت مستقلی برای خودتان باشد ، دیگر نه ابرقدرت ها بر شما غلبه کنند و نه هر چه دارید در طبق بگذارید و به آنها بدهید و خداوند انشاءالله همه را تأیید کند . من به همه سربازهایی که در کردستان برای اسلام سربازی کرده اند و همه پاسدارانی که برای اسلام پاسداری و فداکاری کرده اند ، دعا می کنم و از همه آنها متشکرم . من خود را منفعل می دانم که چرا نمی توانم بروم و همراه آنان جنگ کنم برای اینکه من ضعیف هستم امیدوارم که آنها موفق و مؤید باشند و پیش خدا روسفید ، چنانچه هستند و در پیشگاه اسلام از سربازها و پاسداران اسلام محسوب می شوند . با سلامت و سعادت و عظمت ، مملکت خود را اداره کنید و به پیش بروید ، انشاءالله مؤید باشید .

بیانات امام خمینی در دیدار با شمس آل احمد سردبیر روزنامه اطلاعات

بسم الله الرحمن الرحيم

من با خانواده شما سابقه دارم و با مرحوم پدر شما آقای حاج سید احمد آقا، با مرحوم آقا سید محمد تقی - خدا رحمتش کند که در خدمت اسلام فوت شد - سوابقی دارم منتها آقای جلال آل احمد را جز یک ربع ساعت بیشتر ندیده ام. در اوایل نهضت یک روز دیدم که آقای در اتاقی نشسته اند و کتاب ایشان (غریب دگی) در جلو من بود ایشان به من گفتند چطور این چرت و پرت ها پیش شما آمده است (یک همچو تعبیری) و فهمیدم که ایشان هستند مع الاسف دیگر او را ندیدم. خداوند ایشان را رحمت کند. شما را هم در تلویزیون گاهی می بینم.

آنگاه شمس آل احمد در پاسخ امام گفت:

من سعادت داشتم یک بار در مجلس بزرگداشتی که برای مرحوم پدرم در سال 1341 در قم گذاشته بودید و یک بار دیگر نیز خدمت شما رسیدم و ضمن دست بوسی زیارت تان کردم و پس از آن همین طور به شوق دیدارتان انتظار کشیدم.

آنگاه امام فرمودند:

از قراری که احمد گفت جنابعالی در موسسه اطلاعات رفته اید. شما بهتر می دانید این اطلاعات و این کیهان وضعیتشان در سابق چطور بود و حالا چگونه می باشد مع الاسف همانطور که شما می دانید ما مبتلا به یک طایفه روشنفکر هستیم که هر اصلاحی در کشور خواهد بشود نمی گذارند. در گذشته شاه نمی گذاشت، حالا اینها. اینها ولو همان ها نباشند اما کار همان ها را می کنند. اگر ما بخواهیم یک روزنامه را بگوئیم که به خط ملت باشید، تو روزنامه ای هستی که از ملت هستی و ملت هر چه می خواهد شما باید در روزنامه هایتان بنویسید، تا یک همچو حجتی می شود و یک روزنامه ای که برخلاف مقاصد ملت و مقاصد اسلام است و بی اذن هم منتشر می شده، جلوش گرفته می شود یک دفعه می بینیم در روزنامه همان طایفه از روشنفکران شروع می کنند به اعتراض که خیر. خوب قلم آزاد است، اما هر قلمی؟! بیان آزاد است، اما هر بیان؟! یک بیان است که مملکت را به دامن ابر قدرت ها اندازد، آیا این بیان آزاد است؟! این را ما می گوئیم آزادی که مملکت ما را به فساد بکشید؟! یک قلمی است که با صهیونیسم و امثال اینها روابط دارند، یک روزنامه ای که با بودجه آنها اداره می شود و خودش تیراژی ندارند تا خود را اداره کنند، ما باید به اینها بگوئیم آزاد هستید؟! کجای

دنیا وجود داشته که یک انقلابی بشود و اینهمه روزنامه داشته باشد . همه روزنامه ها را می بستند و یک ، تنها یک روزنامه ارگان خود حزب مثلا- یا خود دولت را می گذاشتند باشد کجای دنیا اینطور آزادی به مردم داده بودند که به مجرد اینکه انقلاب پیروز بشود همه به میدان بیایند و هر چه می خواهند به هر کسی بگویند و تا پنج شش ماه هم هیچ کس به کسی حرف نزد تا فهمیدند به اینکه اینها دسته ای هستند در داخل که با خارج مرتبط هستند و بر ضد کشور و مصالح کشور دارند عمل می کنند . باز هم ما بگوئیم که شما آزادی؟ ! به واسطه کلمه آزادی باید حدود آزادی آن چیزی باشد که ملت می خواهد ، نه آنی که به خلاف ملت آدم آزاد است . خوب من آزادم ، یک تفنگ هم دستم است بزنم یک کسی را بکشم ، این چه آزادی است ؟ آزادی موازین دارد و بحمدالله شما اینطور که من تا حالا دیده ام و حرف شما را شنیده ام از روی میزان حرف می زنید ، حالا که در مؤسسه اطلاعات وارد شده اید باز هم همان میزان که از آزادی پیش شما هست و همان میزان که در نشریات می باشد که نشریات در خدمت این ملت باشد ، نه نشریات برضد ملت ، با کمال قدرت و پشتکار مشغول شوید و شما قدرتش را دارید . به شما کسی نمی تواند بگوید مرتجع هستید . دیگران اگر یک وقت بخواهند یک کاری بکنند ، ممکن است ارباب قلم یک همچو حرفی را به او بزنند ، اما نسبت به شما نمی توانند این حرف را بزنند . شما با قدرت عمل کنید و این عناصری که بر ضد نهضت و انقلاب و مصالح کشورند تصفیه و پاکسازی کنید . خداوند انشاءالله شما را موفق کند .

بیانات امام خمینی در جمع اهالی جماران

با کمال قاطعیت و به خواست خداوند در مقابل ابرقدرت ها ایستاده ایم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار مسرور هستم که با برادران و خواهران خودم در اینجا مواجهم . من از زحمت اهالی این محل جماران تشکر می کنم که زحمت زیادی کشیدند در صورتی که من خدمتی به آنها نکردم ، امیدوارم خداوند همه آنها را از همه بلیات حفظ کند و از شر شیاطین خصوصا شیطان بزرگ حفظ کند . برادرهای من ! خواهرهای من ! ما در یک موقعیتی واقع هستیم که باید هوشیارانه با آن مواجه باشیم ، ما با یک ابرقدرتی در طرف غرب و یک ابرقدرتی در طرف شرق مواجه هستیم که هر دوی آنها می خواهند ما را ببلعند . ما به خواست خدای تبارک و تعالی و همت برادرها و خواهرهای ایمانی ایران در مقابل همه آنها با کمال قاطعیت ایستادیم و اجازه نخواهیم داد که هیچ قدرتی با ما مواجهه کند و تصرف در مقدرات ما کند و شما هیچ از این قدرت های بزرگ نترسید که شما در پناه خدا هستید و قدرت ها همه فانی هستند در مقابل قدرت خدای تبارک و تعالی .

از محاصرات نظامی و اقتصادی ابد باکی نداریم

اگر چنانچه گفته می شود که دولت آمریکا می خواهند نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد ، باور نکنید او با و ثنایا اگر بیاید ، خواهد سزای خودش را ببیند . ما از محاصرات اقتصادی و محاصرات نظامی و دخالت های نظامی ابر قدرت ها نمی ترسیم ، فرضا که آنها وارد بشوند در اینجا ، ما با قدرت در مقابلشان ایستادگی می کنیم و سایر ملت های اسلامی هم در مقابلشان هستند . با قدرت ، ما باید به پیش برویم تا اینکه احکام اسلام را در مملکت مان بلکه در منطقه ، بلکه در دنیا پیاده کنیم .

تکلیف ما مبارزه با ظلم هاست

و من امیدوار هستم که خداوند تأیید کند ما را در این مقصدی که داریم ، لکن مهم این است که ما تکلیفی ادا می کنیم ، تکلیف ما این است که در مقابل ظلم ها بایستیم ، تکلیف ما این است که با ظلم ها مبارزه کنیم ، معارضه کنیم ، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر و اگر نتوانستیم ، به تکلیف خودمان عمل کردیم . اینطور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم ، اولاً که

شکست نمی خوریم ، خدا با ماست و ثابا بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی خوریم و پیروزی معنوی با اسلام است ، با مسلمین است ، با ماست . شما قدرتمند باشید و در مقابل همه مشکلات قیام کنید و وحدت خودتان را حفظ کنید ، توجه به خدا را حفظ کنید . از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه شما را خواستارم و امیدوارم که با صحت و سلامت پیروزی پیدا بکنید و بر همه مشکلات غلبه کنید .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

ص: 93

تاریخ: 28/2/59

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام عبدالله نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای عبدالله نوری دامت افاضاته

جنابعالی به نمایندگی از طرف اینجانب در انجمن نظارت بر انتخاب سه نفر اعضای شورای عالی قضایی تعیین می شوید تا بر جریان این انتخاب بر طبق مقررات نظارت نمائید. انشاءالله تعالی موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 94

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام دانش آشتیانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی دامت افاضاته

پیرو درخواستی که اهالی محترم آشتیان در مورد اقامه نماز جمعه در آن شهرستان از جنابعالی نموده اند ، مقتضی است دعوت آنان را بپذیرید و به همین منظور اینجانب جنابعالی را به سمت امام جمعه در آن منطقه منصوب نمودم که انشاءالله تعالی ضمن انجام این فریضه بزرگ الهی مردم را به وظایف خطیری که بخصوص در این برهه از زمان دارند آشنا سازید . از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 95

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

با قاطعیت باید عمل کرد، هیچ کس نباید اظهار یاس کند، هر کس اظهار یأس کند نمی داند ایران در چه وضعی است. انقلاب ما با کودتا فرق دارد، ایران مثل افغانستان نیست، مردم ایران باید بدانند که حتی فکر کودتا در مغز احدی امکان ندارد وارد شود زیرا به محض اینکه این خیال در سرش بیاید اول خودش نابود می شود. مگر ملت ما خواب است؟ کودتا مقدماتی می خواهد که یکی از آنها خواب بودن ملت است و دیگر اینکه ارتشی می خواهد که آلت دست باشد، نه ارتش ایران که اکثریت قریب به اتفاقش همراه و همدل ملت است. با چهار نفر مخالف که نمی شود کودتا کرد. این از شایعات دشمن است و عده ای هم ساده اند و گول خورده اند. ملت ما تمام خائنین رژیم سابق را به جزایش رسانده و یا آنها را بیرون کردند، اگر کسی در ذهنش این مسأله بیاید، ملت ما با چنگ و دندان آنان را خرد می کند. الحمدلله ارتش و سپاه و ملت همه با هم هستند و اجازه نمی دهند که کسی علیه خودشان قیام کند، 35 میلیون جمعیت است، به حرفهای ابلهانه عده ای که در اطاق های در بسته حرف می زنند، گوش ندهید. من اطمینان می دهم که این ملت آسیب پذیر نیست. روزی سفیر شوروی آمد پیش روی من و گفت افغانستان از ما کمک خواسته است و ما می خواهیم وارد افغانستان شویم. من گفتم البته می شود افغانستان را گرفت ولی بدانید که نمی توانید دوام بیاورید، تا ملت چیزی را بخواهد نمی شود کاری کرد. حالا فهمیده اند ولی پایشان گیر کرده است و مسأله همانطور که من گفتم خواهد شد. دولت افغانستان غاصب است و موافق خارجی هاست و مخالف مردم است ولی در ایران دولت و ملت و ارتش و سپاه همه و همه از هم می باشند. امریکا آمدن و نظامی پیاده کردن همان و مردم آنان را از بین بردن همان. و اکنون هم باید بدانند که قضیه ایران غیر از افغانستان است. در ایران همه مردم با هم همصدا هستند. در هر صورت من از ارتش، سپاه و ژاندارمری تشکر می کنم و امیدوارم همه شماها با هم همکاری کنید و بدانید که اگر شهید شوید، موفقیید و اگر هم بر دشمن پیروز شوید، موفقیید. این سر پیروزی صدر اسلام است. دشمنان شما نمی توانند این چنین فکر کنند چون جانشان را دوست دارند و دنبال مال و غنیمت هستند. لشکر روم و ایران را عده ای از اهل ایمان با سلاح های شکسته و با تجهیزات کمشان و تعداد قلیلشان شکست داده اند.

انشأالله موفق و مؤید باشید.

بیانات امام خمینی در جمع سرپرستان کمیته های انقلاب اسلامی

در این انقلاب سپاه و کمیته به طور خودرو از متن ملت جوشیدند

بسم الله الرحمن الرحيم

اول باید تشکر کنم از آقایان که آمدند اینجا و از نزدیک با هم مواجه می شویم. از ویژگی هائی که انقلاب اسلامی ایران داشت این است که به مجرد اینکه پیروز شد، تمام افرادی که در اطراف این کشور، جوانانی که در اطراف این کشور بودند، چه قشر روحانی و چه دانشگاهی و چه سایر قشرها برای خودشان یک احساس وظیفه کردند، بدون اینکه یک سازمان مرکزی در اول باشد هر گروهی در هر جا که بودند به طور خودرو و از متن ملت کانه جوشیدند و سازمان هائی را ایجاد کردند مثل کمیته ها که آقایان از اجزای سرپرستان آن هستند و مثل سپاه پاسداران. اینطور نبود که از اول سپاه پاسداران با کمیته ها را یک مرکزی باشد که آن مرکز همه را دعوت کرده باشد و التیام داده باشد، بلکه احساس یک وظیفه انسانی اسلامی بود که همه برای اسلام و برای کشور اسلامی خدمتگزار باشند. این یکی از ویژگی هایی است که برای این نهضت و برای این انقلاب بود و از ویژگی های اسلام است. همه افراد خودشان را موظف دیدند که به این انقلاب خدمت بکنند، هر کس به یک ترتیبی. جوان هایی که قدرت داشتند که پاسداری بکنند، مجهز شدند برای پاسداری، آقایانی که قدرت داشتند که ایجاد کمیته ها را بکنند، در سرتاسر ایران کمیته ایجاد کردند و هکذا سایر قشرهایی که کانه خودرو و با تعلیم اسلامی مشغول فعالیت شدند و این نهضت مرهون این جوان های برومند، چه آنهایی که در پاسداری مشغولند و چه آنهایی که در کمیته ها هستند و اشتغال به کارهای کمیته ها را دارند، مرهون این قشرهاست و خداوند انشاءالله همه آنها را برای اسلام نگه دارد و همه را پیروز کند در این جهاد اسلامی.

امروز همه قشرها مسؤولیت حفظ آبروی اسلام و انقلاب اسلامی را دارند

لکن مسأله ای که باید من عرض کنم و کرارا هم عرض کرده ام، این است که این انقلاب در اول که واقع شد به طور سرعت و به طور غیر مترقب، یکدفعه مثل یک جامی که بترکد یک دفعه هجوم کرد و قدرت های بزرگ را از بین برد لکن بعد از اینکه این پیروزی حاصل شد، کم کم یک سستی های مختصری، یک چیزهای کمی در همه جا، هم در کمیته ها و هم در دادگاه ها و هم در پاسداران و هم در

قشرهای دیگر یک کمبودهایی پیدا شد. من باید به شما آقایان و همه ملت ایران خصوصا آنهایی که مشغول فعالیت هائی برای نهضت و انقلاب هستند عرض کنم که همانطور که پیروزی انقلاب مرهون شماهاست، حفظ حیثیت انقلاب هم بسته به شماهاست. انقلاب، یک دفعه انقلاب ملی است، نه اسلامی، یک انقلاب حزبی است، نه اسلامی، آن یک وضعی دارد، یک وقت مثل انقلاب ایران که یک انقلاب اسلامی است و همه دیدیم و دیدید که جز فریاد الله اکبر و اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم، هیچ صدای دیگری نبود. تمام ملت در سرتاسر کشور فریاد می زدند که (جمهوری اسلامی)، (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی). این یک مسأله اسلامی است و ملت ما عاشق اسلام بود که در همه اطراف با دست تھی سینه های خودشان را سپر کردند، جوان های خودشان را بردند در میدان، زن ها و مردها رفتند و مبارزه کردند و پیروز شدند. این قدرت اسلام بود والا نه حزبی می توانست این کار را بکند و نه ملیتی می توانست این کار را بکند. و اگر ملاحظه کنید، جنبش های ملی و جنبش های حزبی، هیچ وقت اینطور نبوده است که تمام ملت، بچه، بزرگ، زن، مرد همه یکصدا دنبالش باشند، این قدرت اسلام بود که همه را با هم همصدا کرد و همه را با هم بسیج کرد برای اینکه پیروز بشود و پیروز شد. ملت ما اسلام را می خواهد و نه چیز دیگری را. اگر ملیت را می خواهد، در پناه اسلام می خواهد. خیال می کنند که اگر یکصد نفر، دویست نفر، پانصد نفر را دور خودشان جمع کردند و یک عده هم نشریات برای خودشان درست کردند، اینها می توانند یک کاری در مقابل ملت بکنند. ملت اسلام را می خواهد و اسلام و ملت، روحانیت را به رسمیت شناخته است و خواهد. الان حفظ این آبروی این نهضت بسته به روحانیت است و بسته به پاسداران که پاسدار این نهضت هستند و دادگاه ها و همه نهادهایی که در خدمت این نهضت هستند، در خدمت این انقلاب هستند. اسلام الان نظر دوخته است به ایران، ببیند که اینها با اسلام چه می کنند، آیا وفادار هستند به اسلام و روی مصالح اسلامی کار می کنند. چه در دادگاه ها، چه در کمیته ها و چه در پاسداران انقلاب و چه در قوای انتظامی دیگر و چه در شورا و چه در هر جا، در همه ادارات، اسلام الان متوجه این است و نظر به این دارد که اینها چه می کنند. اینها با قدرت اسلام پیروز شدند، امروز که پیروز هستند با اسلام چه می خواهند بکنند؟ آیا در خط اسلام هستند و اسلام را می خواهند پیش ببرند و احکام اسلام را در ایران جاری کنند و انشاءالله در جاهای دیگر هم این احکام محقق بشود و نهضت صادر بشود و یا اینکه خدای نخواستہ یک راه دیگری را پیش دارند؟ امروز، همه ما، همه شما، همه ملت، همه قشرها و خصوصا قشرهایی که در خدمت انقلاب هستند و مشغول فعالیت هستند، مسؤولیت بزرگ دارند مسؤولیت حفظ انقلاب اسلامی و حفظ آبروی اسلام و آبروی انقلاب اسلامی. اگر خدای نخواستہ در قشر روحانی، چه آنهایی که در کمیته ها هستند و چه آنهایی که در مدارس هستند و چه آنهایی که در شهرستان ها هستند، اگر خدای نخواستہ یک کار اشتباهی واقع بشود، این اینطور نیست که بگویند فلان فرد این کار را کرده است، به جامعه روحانیت نسبت می دهند می گویند آخوندها اینطورند. اینهایی که غرض دارند، اینهایی که می خواهند روحانیت را بشکنند و اصل هدفشان اسلام است و می خواهند اسلام را بکشند

و چون اینها را قشری می دانند که خدمتگزار نگهدار اسلام هستند به اینها حمله می کنند . اگر یک بهانه ای روحانیت دست اینها بدهد ، اسباب این شود که یک مطلب کوچک را بزرگ بکنند ، آن هم اگر از یک نفر صادر شده باشد ، به مطلق روحانین نسبت بدهند اگر در این کمیته های شما خدای نخواستہ یک امری واقع بشود که بر خلاف موازین اسلامی است ، می گویند که آخوندها کمیته ها را گرفته اند و مشغول کارهای مثلا خلاف هستند . نمی گویند که فلان آدم اینطوری است ، می گویند روحانیت اینطوری است . آنهایی که می خواهند بشکنند روحانیت را و نمی توانند ببینند که روحانین مشغول اصلاح امور هستند و دیده اند که تاکنون آنها بوده اند و هیچ کاری نتوانسته بکنند ، حالا که روحانین آمده اند و سرتاسر ایران روحانی و کسانی که بسته به روحانین هستند ، مثل پاسدارها و امثال اینها و کمیته ها و همه قشرهای فعال ، این اشخاصی که روشنفکر غربزده هستند ، چون دیدند آنها نتوانسته اند هیچ وقت یک کار مثبت صحیح بکنند ، حزب نتوانستند یک کاری انجام بدهند ، حالا که این قشرهای اسلامی و روحانی ، این قشرهایی که برای خدا بپا خاستند و جان خودشان را برای خداوند دارند فدا می کنند ، اینها دارند حفاظت از اسلام می کنند ، اینها به واسطه اینکه برای خودشان یک کمبودی متوجه شدند مشغول فعالیت شدند که این قشر را ، چه روحانی ، چه پاسدار ، چه کمیته ها و چه سایرین بشکنند که آن چیزی را که خودشان نتوانستند و اینها نتوانستند ، اینها را ناتوان عرضه بکنند . امروز روحانیت و سایر قشرهای ملت مسؤولند در مقابل خدا که حفظ کنند آبروی اسلام را ، حفظ کنند آبروی انقلاب را ، حفظ کنند آبروی نهضت را و این مسؤولیت بزرگی است ، خدمت شماها خدمت بزرگی است و مسؤولیت تان بزرگتر ، باید متوجه باشید .

شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید که این عبادت است

خدای تبارک و تعالی حاضر است همه جا ، شما باید حاضر بدانید او را ، در حضور خدای تبارک و تعالی خدای نخواستہ چیزی که بر خلاف مشیت اوست ، بر خلاف دستور اوست عمل نکنید . به راه اسلام باشید ، برای اسلام خدمت بکنید تا اگر خدای نخواستہ شکست خوردیم ، به شهادت رسیدیم ، برای اسلام باشد و شهید باشیم و اگر انشاءالله پیروز شدیم ، اسلام را پیروز کرده باشیم و سرفراز باشیم در همه جا و اسلام را در همه جای دنیا ، در همه کشورها ، اسلام را پیاده کنیم و بیرق اسلام را به اهتزاز در آوریم . آقایان عزیز من ! متوجه جهات مادی نباشید . شما نهضت که کردید برای شکم نهضت نکردید ، شما خون دادید ، نه برای اینکه پستی پیدا بکنید ، در ذهن شما اینها نبود . شما آنوقت که در میدان ها می رفتید و در خیابان ها می رفتید و با توپ و تانک مواجه می شدید اصلا در فکر این نبودید که ما پیش ببریم تا بشویم رئیس یک چیزی ، تا بشویم دارای کذا . شما برای خدا بود و پیش بردید ، برای خدا باشد و به پیش بروید . اگر یک کمبودی مادی برای شما باشد ، اعتنا به آن نکنید برای اینکه شما برای مادیات قیام نکردید و برای مادیات عمل نمی کنید ، همانطوری که در صدر اسلام آنهایی که سربازان اسلام بودند برای خدا کار می کردند ، با یک خرما در شب و روز ، گاهی با یک دانه

خرما شب و روز گاهی زندگی می کردند و برای اسلام خدمت می کردند و بعد هم که پیروز می شدند در صدد این نبودند که رئیس یک جایی باشند و یک پستی برای آنها باشد. شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید، برای خدای تبارک و تعالی عمل کنید. این عبادت است، خالص باشید در این عبادت. این نهضت تمامش عبادت بود، این انقلاب تمامش عبادت است و شما خالص باشید در این عبادت، خداوند همراه شماست. اگر چنانچه مسائلی دارید، البته باید رسیدگی بشود و به نظر من تمام این مسائل در مجلس شورای اسلامی باید حل شود و انشاءالله موافق میل های شما که همان میل اسلام است و خواست های همه که خواست اسلام است تمام کارها انشاءالله درست بشود و اصلاح بشود و امیدوارم که تا زمانی که مجلس به کار خودش ادامه بدهد و باز بشود مجلس، دیگر وقت زیادی نمانده باشد و طرح هایی که شما می دهید طرح ها در مجلس باشد که یک امر ثابت مستدام باشد و بحمدالله افرادی که در مجلس انتخاب شده اند به حسب غالب، اکثریت قاطع، اکثریت اسلامی و متعهد است. و من امیدوارم که همه ما موفق بشویم به اینکه با قصد خالص برای اسلام خدمت بکنیم همانطوری که خدای تبارک و تعالی هر چه ما داریم از اوست، ما هیچ نداریم، الا از جانب خدای تبارک و تعالی ما هیچ هستیم آنچه هست اوست و ما هیچ ها باید ما هیچ ها، ما اشخاصی که نیستیم و به اراده او چیز پیدا کردیم و باز همه مال اوست جدیت کنیم که این امانتی که خدای تبارک و تعالی به ما سپرده است و آن امانت روح است، امانت زندگی است، امانت حیات است، امانت اسلام است، امانت قرآن است، اینها را پاسداری کنیم از آن، و وقتی که وارد می شویم در محضر خدای تبارک و تعالی با روی سفید وارد بشویم. خداوند تعالی همه شما را نصرت بدهد و خدای تبارک و تعالی دشمنان اسلام را هدایت کند، و اگر نمی شود شکست بدهد و نابود کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی جماران و سایر مناطق شمیرانات

باید با اتکا به خدا و صرف نظر از امیال شخصی بیرق اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز در آوریم

بسم الله الرحمن الرحيم

من این چهره های نورانی مصمم را هر وقت می بینم، این چهره های نورانی مسلمانان متعهد را هر وقت مشاهده می کنم غرق سرور و مباهات می شوم. شما برادران جوان و خواهران، امید ملت هستید. نهضت را شما جوانان، خواهران و برادران با نثار خون خودتان به پیش بردید. انقلابی کردید که در دنیا بی نظیر یا کم نظیر بود، انقلاب اسلامی، انقلاب گروهی که متعهد به اسلام بودند. من هر جا باشد خدمتگزار همه هستم و آنقدر خدمتی که از من می آید و آن دعاست در حق شما جوانان، برادران، خواهران می کنم. من امیدوارم که شما جوانان، خواهران و برادران همانطور که از اول نهضت با کوشش، انقلاب بزرگ را تحقق بخشیدید از این به بعد هم با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی این نهضت را ادامه دهید. ما در بین راه هستیم و باید راه طولانی را طی کنیم و آن راه طولانی این است که بیرق اسلام را در همه قطب های زمین به اهتزاز در آوریم. من امیدوارم که موفق شویم و با همت و اتکال به خدای تبارک و تعالی این راه طولانی را به آسانی طی کنیم و مهم این است که از آمال شخصی، گرفتاری شخصی، خواست های شخصی دست برداریم و به خواست های اسلام و به خواست های بلند پایه قرآن کریم، دنبال خواست بزرگ خدای تبارک و تعالی باشیم و اطاعت اوامر خدای تبارک و تعالی را بکنیم که ما را دعوت به اتحاد، دعوت به اجتماع فرموده است و دعوت به اخلاص و دعوت به فعالیت برای پیشبرد اسلام فرموده است. ما باید اسلام را به پیش ببریم و در همه جای دنیا انشاءالله اسلام را صادر کنیم و قدرت اسلام را به تمام ابرقدرت ها بفهمانیم و شما برادران و خواهران که در اینجا مجتمع هستید، من از همه تان تشکر می کنم و من در هر جا هستم، برای شما زحمت هستم لکن دعاگو هم هستم.

من در اینجا که آمده ام در این چند روز هم زحمت به آقای امام (حجت الاسلام سید مهدی امام جمارانی) دادم که از دوستان عزیز است و هم به آقای موسوی که از دوستان عزیز است و هم به سایر اهالی این مرز من امید آن را دارم که بتوانیم انشاءالله این خدمتی را که شروع کردیم به آخر برسانیم و بتوانیم با وحدت کلمه، با اتکال به خدای تبارک و تعالی بیرق اسلام را در همه جا به اهتزاز در آوریم.

امر بر مقابله دادگاه ها و مردم با مفسده جوئی های سرسپردگان اجانب

و شما دوستان باید متوجه باشید که در داخل کشور ما گروه های مختلفی هستند که فساد می کنند و تشتت بین برادرها ایجاد می کنند . گروه های هستند وابسته به رژیم سابق ، گروه های هستند وابسته به امریکا یا احيانا به شوروی و شما باید با هوشیاری و با تسلیم الهی توطئه های اینها را خنثی کنید و نگذارید این عده قلیل زحمت برای نهضت ما و انقلاب ما ایجاد کنند . الان وقت خرمین است ، وقت برداشت محصول این خلق مستمند است و همین ها که ادعای این را دارند که ما فدایی خلق هستیم ، همین هایی که ادعای این را دارند که ما برای مستمندان خدمت می کنیم ، مشغول آتش زدن خرمین ها شده اند و در یک روزنامه ای خواندم که صد خرمین در یک ناحیه ای آتش زده اند . اینها اگر چنانچه قدرت پیدا بکنند ، همه چیز را آتش می زنند . مقصد آنها و اساس تفکر آنها تفکری است که با تفکر اسلامی نمی سازد و چون می بینند که اسلام دارد شکوفا می شود و احکام اسلام دارد در ایران و انشاءالله سایر مناطق پیاده می شود ، اینها به دست و پا افتاده اند ، در بین مردم ایجاد تفرقه می کنند ، زراعت های مردم را می سوزانند ، کارخانه ها را نمی گذارند که به کار خودشان مشغول باشند . باید همه شما متوجه باشید که این اشخاصی که مفسده می کنند ، انفجار ایجاد می کنند در بازار مسلمین ، انفجار ایجاد می کنند در لوله های نفت که مال مستمندان است ، انفجار ایجاد می کنند در جاهائی که گروه های زیادی از مسلمانان هستند ، اینها در اصل مفسد فی الارض هستند و باید با تمام قدرت اینها را سرکوب کرد و دادگاه ها در هر جا باشند اینطور اشخاص را باید محکوم به مرگ کنند . اینها حیاتشان جز رحمت برای جامعه و جز تفرقه اندازی و جز خوردن مال مردم و ایران را به اغتشاش کشیدن برای اینکه باز ابرقدرت ها تسلط به ما پیدا کنند ، هیچ کار دیگر ندارند . شما جوان ها همه مراقبت کنید ، جوان های مملکت همه مراقبت کنند و جلوگیری کنند از این فسادهایی که اینها می کنند . مراقبت خرمین هایی را که با خون دل مردم جمع کرده اند ، مراقبت باغاتی را که مردم ایجاد کردند ، مراقبت همه چیز به عهده خود شماست . اتکال به دولت تنها نکنید ، اتکال به قوای انتظامی تنها نکنید . آنها هم مشغول خدمت هستند ، شما هم باید مشغول خدمت باشید و همه با هم دست به هم بدهیم و برای اسلام و مسلمین خدمت کنیم . خداوند همه شما را اجر عنایت کند و سلامت ، و کشور شما را از اشخاصی که فاسد هستند و ریشه های فساد هستند پاک همه شما را به سعادت دنیوی و اخروی برساند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با مدیر واحد اطلاعات و اخبار صدا و سیما جمهوری اسلامی

تلویزیون باید بنگاه تعلیمات اسلامی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

من همیشه از این رادیو و تلویزیون نگرانی داشته ام برای اینکه این رادیو و تلویزیون یک بنگاهی است که از تمام رسانه های گروهی مهمتر است و برای اینکه الان در تمام دهات و شهرستانها تقریبا رادیو تلویزیون عمومی شده است و آنها هر مطلبی واقع می شود، همه جای ایران و خارج متوجه می شوند. و این رادیو و تلویزیون باید اصلاح بشود، یعنی باید متحول بشود به یک بنگاه تعلیمی آن هم تعلیمات اسلامی.

اخباری که در آنجا گفته می شود باید بر خلاف موازین اسلام نباشد که هر گروهی بخواهند توطئه کنند، بیایند در رادیو و تلویزیون حرف هائی بزنند که توطئه آمیز باشد. البته نه اینکه ما می گوئیم باید سانسور باشد، ما می گوئیم باید بر طریق اسلام و ملت باشد.

ملت، اسلام را می خواهد و همه نهادهائی که در ایران هست باید اسلامی باشد. معنی آزادی این نیست که کسی بخواهد توطئه کند. در توطئه هم آزاد است؟! نه، در توطئه آزاد نیست. یا حرف هائی را بزنند که شکست ملت است، شکست نهضت است، این آزادی نیست. در چهار چوب این نهضت، انقلاب اسلامی، همه مردم آزاد هستند، کسانی که حرف دارند، حرف هایشان را می زنند حتی هر فرقه ای هم که باشند، اما اگر بخواهند توطئه کنند و بخواهند اسلام را بشکنند، بخواهند نهادهائی را که الان مشغول فعالیت اسلامی هستند اینها را بشکنند، یک همچو چیزی نمی شود باشد.

شما هم از این تیپ روشنفکری که همیشه با سر قلمشان مشغول یک فساد کاری هستند، از اینها هیچ وقت نترسید، اینها می خواهند بهانه ای دستشان بیاید، هر چه دلشان می خواهد بگویند. از اولی هم که این نهضت شروع شد که رو به رشد و ترقی گذاشت، این طایفه (البته نه همه شان اما آنهایی که سوء قصد دارند و غریزه هستند)، آنها مشغول فعالیت بر ضد انقلاب بودند، هر مطلبی پیش می آید اینها یک سنگی جلوی پا می انداختند. باید از اینها شما هیچ ملاحظه ای نکنید و از اینکه یک دسته ای مثلا مخالفت با شما بکنند ابا باکی نداشته باشید. البته هر کار مهمی یک دسته مخالف دارد. شما با قاطعیت در آنجا اشخاصی که می بینید در آنجا فاسد هستند، اشخاصی که در آنجا توطئه گر هستند، باید با شرکت همه این نهادهای اسلامی، آنها را کنار بگذارید و نگذارید فعالیت بکنند.

و بالاخره یک رادیو تلویزیون اسلامی و مربی جامعه در طول مدتی که محمد رضا شاه مخلوع، این تلویزیون را در تحت سیطره خودشان داشتند کوشش می کردند که جوان های ما را منحرف کنند یعنی نگذارند این قوه ای که باید برای کشور خدمت بکند، اینها راهشان را کج می کردند که در خدمت دیگران باشند این باید درست بشود، باید متحول بشود، باید رادیو و تلویزیون مربی جوان های ما، مربی مردم کشور باشد، نه اینکه مطالبی در آن گفته شود که مخالف وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است و جوان های ما را جوری بار می آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند. جوان ها را یک قسمشان را اینطوری بار می آوردند که به مراکز فساد می کشاند، همه جای ایران را به صورت مراکز فساد درست کرده بودند و فاسدشان می کردند. از راه شهوات یک دسته شان را می کشیدند دنبال مواد مخدره، از این راه فاسدشان می کردند و تمام نقشه این بود که این قوه فعاله ای که همه کار از آن باید بر آید و مملکت خودش را اداره کند، این، یا لاقید بشود و یا اینکه مخالف بشود با کشور خودش (من حیث لایشعر) و بعضی هم با توجه. و یکی از موارد و بنگاه هایی که در این مطلب خیلی کوشش می کرد رادیو و تلویزیون بود که اول از پخش کردن چیزهایی که مخدرات خودش بود، این موسیقی ها همه مخدر هستند، یعنی جوان های ما را، جوانی که عادت به موسیقی کرد دیگر نمی تواند کار انجام بدهد، دیگر نمی تواند قاطع باشد. رادیو و تلویزیون تقریبا اکثر اوقات جوان های ما را به گوش کردن اینطور چیزها و می داشت. از طریق چشم جوان های ما را فاسد می کردند، زن های کذا و کذا را پشت تلویزیون نمایش دادند و جوان ها از این راه فاسد می شدند و همه مقصد این بود که در ایران یک قوه فعاله ای که بتواند که در مقابل دشمنان اسلام و ایران که هستند بایستد، نباشد تا هر کاری که دلشان می خواهد بکنند. این رادیو و تلویزیون باید متحول و همچو باشد که جوان ها را طوری بار بیاورد که مستقل، دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند آن مسائل شهوانی یا این مسائل دیگری مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادیو و تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترز کنند از آنها، بترسانند آنها را از آنطور مسائل. و همین طور باید فیلم هایی که در رادیو و تلویزیون نمایش داده می شود آموزنده باشد، فیلم هایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد یا فیلم هایی که از خارج می آید درست تفتیش بشود که چنین نباشد. آنها ممکن است با شیطنت فیلم هایی را به ایران بفرستند که بخواهند جامعه ما را فاسد کنند. باید وضع آنجا درست و اسلامی بشود، روی مصالح و مقصد کشور باشد، در خدمت خود کشور باشد، نه در خدمت دیگران.

امیدوارم که شما موفق باشید و با قدرت و با تصمیم و اراده به آنجا بروید، اصلاح کنید آن قسمت را و بخش اخبار را در اختیار بگیرید و نگذارید یک اموری که برخلاف مصالح کشور است پخش بشود. من دعا می کنم که انشاءالله موفق و موید باشید و سایر نهادهای اسلامی هم با شما انشاءالله همفکر هستند و انشاءالله همه با هم این مرکز را یک مراکز اسلامی، یک مرکزی که برای تربیت جوان های ما باشد و مربی باشد بسازند. اما راجع به افراد، از قراری که من شنیده ام بعضی از افرادی

که متعهد بودند و مسلمان بودند و برای کشور خودشان دلسوز بودند را از آنجا کنار گذاشتند و بعضی افرادی که باید تصفیه بشوند، اینها باز سر کارها هستند. شما باید با سایر آقایان که در آنجا هستند و متعهد، با هم این افرادی را که الان برای مملکت ما مضر هستند، این چپی ها، اینهایی که به این طرف و آن طرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید و بدون اینکه بترسید تصفیه کنید اینها را و به جای آنها جوان های متعهد و اسلامی را بیاورید و آنهایی که متعهد بودند و بیرون کردند باز ببینید اگر کسانی هستند که به درد می خورند اینها را وارد کنید. کسانی که مضر هستند برای این مرکز ولو فرض کنید متخصص هم باشند، متخصص مضر، ضررش بیشتر از غیر متخصص است، اینها باید کنار بروند و انشاءالله رادیو و تلویزیون تصفیه بشود. انشاءالله تعالی موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 105

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور و اساتید دانشگاه و حوزه و طلاب حوزه عملیه قم

در رأس برنامه های رضاخان تضعیف روحانیت بود

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید یک تاریخچه ای برای شما آقایان که درک زمان رضاشاه را نکردید عرض کنم تا بفهمید که این دست هائی که در کار است چه دست هائی است. رضا خان بعد از اینکه کودتا کرد و آمد تهران را گرفت، به صورت یک آدم مقدس اسلامی خدمتگزار به ملت در آمد. حتی در جلسه هائی که در محرم انجام می گرفت در تکیه های زیادی که در تهران بود آن وقت، می گفتند او می رود و شرکت می کند و دستجاتی که از نظامی ها در تهران بیرون می آمد من خودم دیده ام و مجلس روضه ای که از طرف خود رضاخان با شرکت خودش تأسیس می شد من یکی اش را خودم دیده ام، این بود تا وقتی که حکومتش مستقر شد. اغفال کرد ملت را، اغفال کرد همه قشرها را تا اینکه جای پایش محکم شد، وقتی که جای پایش محکم شد هدف اول و آن چیزی که در رأس برنامه ای بود که برای او تنظیم کرده بودند تضعیف روحانیت بود. شروع شد برنامه به تضعیف این قشر. برنامه این بود که این قشر در بین ملت حیثیت خودش را از دست بدهد تا اینکه بتوانند آن کارهائی که می خواهند انجام بدهند. روزنامه نویس های آن وقت و رسانه های گروهی آن وقت و قلمداران آن وقت مجهز شدند و همه به ضد روحانیت مشغول کار شدند. طوری کردند که روحانیت را منزوی کردند و حتی در ماشین ها و تاکسی سوار نمی کردند اینها را. تبلیغات به طوری دامنه دار بود که جوان های ما را حتی جوان های متدین را منحرف کردند. اول، هدف روحانیت بود. این مدرسه فیضیه را که ملاحظه می کنید که آن وقت شاید ششصد، هفتصد نفر طلبه در خود مدرسه فیضیه ساکن بود، روز نمی توانستند در مدرسه باشند، فرار می کردند به باغات شهر و آخرهای شب می آمدند برای اینکه مأمورها دنبال این بودند که اینها را بگیرند و ببرند و عمامه هاشان را بردارند. علمای تهران را تعقیب می کردند و بعضی از اشخاص موجه از علما را در کلانتری می بردند و همانجا لباسشان را می بریدند که بلند نباشد، لباس روحانی نباشد، همانجا قیچی می کردند. آن چه دستی بود که روحانیون را در آن روز سرنگون کرد و کوبید؟ و در عین حال که آنهمه کوبیدند روحانیون را، معذلتک گروهی که فقط قیام کرد در مقابل رضاخان، همان روحانیون بودند. یک دفعه از تبریز علمای تبریز، یک دفعه از خراسان علمای خراسان، یک دفعه از

اصفهان که این از

همه دامنه اش زیادتر بود . علمای اصفهان آمدند به قم و علمای بلاد هم به اینها متصل شدند و مع الاسف همه قیام ها را شکستند . قم هم که قیامش اساسی تر بود بسیار از اینها را آمدند بازی دادند ، اغفال کردند و از قرار که می گفتند در راس آنها که مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی بود از قراری که می گفتند او را هم مسموم کردند و همان قم فوت شد . آن چه دستی بود که روحانیون را اینطور کوبید و روی چه مقصدی بود ؟ آن چه دستی بود که روحانیون را با قشر دانشگاهی آنطور از هم جدا کرد که در دانشگاه اسم روحانی را نمی شد ببری و در مدرسه فیضیه هم دانشگاهی را ؟ این چه دستی بود که اینها را از هم جدا کرد و با هم دشمن کرد ؟ و این چه دستی بود که دانشگاه ما را به آن صورت در آورد که اشخاصی که از آن بیرون آمدند ، مگر یک دسته متعهد ، انحرافی بودند و گرایش به مکتب های دیگر داشتند ؟ و آن چه دستی بود که در همان زمانی که انقلاب پیروز شد دانشگاه را به صورت یک دژ جنگی در آورد ؟ و آن چه دستی است که الان مشغول کاراست و می خواهد باز روحانیت را بکوبد ؟ اینها چه دیده بودند از روحانیت و اخیرا چه دیدند که اینطور در فکر اینند که در بلاد شروع کردند که باز همان مطالبی که زمان رضاخان بود اعاده کنند و به روحانیون و معممین جسارت کنند و اهانت کنند ؟ روحانیون مگر چکاره اند و آنها چه دیده بودند ؟ این چه دستی است که این دو قشر را از هم اینطور جدا کرده بود و حالا هم جدا کرده است ؟ مگر انشاءالله به فضل الهی اینها با هم پیوند کنند .

اگر بخواهند ملت را تحت سلطه بیاورند باید مردم را از روحانین جدا کنند

اینها با مطالعه های طولانی که از مردم شرق و مسلمانان و بلاد اسلامی دارند و داشته اند و کارشناس های آنها در این بلاد اسلامی با شکل های مختلف آمده اند و مطالعه کرده اند و بررسی کرده اند ، این را یافتند که توده های مسلمین با روحانین نزدیکند و روحانین در آنها نفوذ دارند . در هر شهری ملای آن شهر ، امام جماعت آن شهر با مردم روابط دارد و مردم از او حرف شنوی دارند ، پس اگر بخواهند این ملت را بشکافند و تحت سلطه بیاورند باید مردم را از این روحانین جدا و آنها را از آنها جدا کنند . خوب ، بین دانشگاه و روحانی چرا اینطور اختلاف ایجاد کردند که در دانشگاه نشود اسم روحانی را برد و دانشگاهی که بخواهد نماز بخواند به طور قاجاق نماز بخواند و در مدرسه های ما هم اگر اسمی از دانشگاه بیاید ، او را به خوبی دریافت نکنند ؟ این هم روی همان مطالعاتی که آنها دارند و این دیگر واضح تر است که این دو قشر مغز متفکر جامعه هستند ، این دو قشر را اگر از هم جدا کنند می توانند کارهائی را که می خواهند انجام بدهند و این دو قشر اگر با هم اتصال پیدا بکنند ، اینها نمی توانند مقاصد خودشان را انجام بدهند و لهذا قلم ها و نطق ها و رسانه ها و اینها که در خدمت اجانب بود ، به کار افتادند ، اینها را از هم جدا کردند و دشمن کردند و در هر قشری هم ایجاد اختلافات کردند . حالا که اینها دیدند ، آن قدرت اسلام را دیدند و قدرت روحانیون را دیدند و قدرت دانشگاه را دیدند که یک همچو قدرت شیطانی را اینها با هم وقتی که شدند سرنگون کردند که در دنیا کسی احتمال این را نمی داد که بتواند ایران این مرد خائن را بیرون کند زیرا همه قدرت ها پشت سر او بودند ، همه قدرت ها ،

چه قدرت های غیر اسلامی که مهم امریکا بود ، برای شوروی هم و چه حکومت های انحرافی بلاد مسلمین ، تمام اینها طرفدار او بودند . شاهدید که ما وقتی در عراق خواستیم که شروع کنیم به طور بارزی به مقابله با شاه ، عراق نگذاشت ما آنجا بمانیم و وقتی خواستیم به کویت برویم کویت هم نگذاشت که ما وارد بشویم و من دیدم که ما در هر یک از بلاد مسلمین برویم ، همین حرف است . و خدا خواست که بهتر بشود و ما رفتیم به یک محلی که تحت سیطره ایران نبود گرچه آنجا هم ابتدائاً با ما مخالفت هائی شد ، لکن کم کم آن مخالفت ها تخفیف پیدا کرد . اینها امروز از زمان رضاشاه بیشتر در فکر هستند . زمان رضاخان مطالعات بود و دهنیات که اگر چنانچه روحانی با دانشگاهی پیوند کند و اگر روحانی قدرت روحانیت خودش را دارا باشد نمی گذارد که ما آنطور که می خواهیم استفاده کنیم از ایران ، این یک ذهنیتی بود مطابق با واقع هم بود اما ذهنیت بود . امروز آن ذهنیت دیگر برای آنها عینی شد ، دیدند که از روحانیت شروع شد و دانشگاه هم آنقدری که متعهد بودند پیوند کردند و آنها هم که نبودند ، الزام پیدا کردند به اینکه همصدا باشند و سایر قشرها هم ، همه ملت . اینها دیدند که این روحانین در عین حالی که آنها خیال می کردند که نفوذ دارد لکن نمی دانستند اینقدر نفوذ دارد . آن وقتی که شاه به عذر خواهی افتاد ، شاه مخلوع به عذر خواهی افتاد و شریف امامی را آورد روی کار ، اینها می گفتند که خوب ، ما اشتباه کردیم ، ما نمی دانستیم که مردم اینطور روحانیت را می خواهند و ما این اشتباه را بر می گردانیم ، ما خدمت می کنیم به روحانیون . از این چرندها شروع کردند گفتن برای اغفال ، لیکن خوب ، دیگر گوش ها نمی شنید .

هیچ ارگانی نباید در کار ارگان دیگر دخالت کند

اینها امروز دیده اند قدرت اسلام را ، دیده اند که یک جمعیت سی و پنج میلیونی که این جوان هائی که بتوانند کار بکنند شاید پانزده میلیون ، هیجده میلیون ، بیست میلیون باشد بدون اینکه دارای یک تجهیزاتی باشند و بدون اینکه تربیت نظامی دیده باشند اینها با مشت غلبه کردند بر همه قدرت ها و آن کسی را که آنها همه می خواستند نگه دارند نتوانستند ، اینها عینی شد بر ایشان که اسلام چقدر قدرت دارد ، حالا بدتر و بیشتر درصدد این هستند که اسلام را نگذارند تحقق پیدا کند . این سنگر بندی ها که در دانشگاه ها شد برای چی بود و کی بودند ؟ آنهائی که میل داشتند که دانشگاه که تبدیل شده بود به یک غرب ساختگی ، غریزه ساختگی ، برگردد به یک دانشگاه اسلامی که وقتی ولیده او می آید ، نتیجه او بیرون می آید ، افراد مسلم و متعهد باشد ، اینها بودند که سنگر گرفتند ؟ یا همان ها بودند که همان قلم و همان قدم و همان چیزهائی که زمان رضاخان می خواستند بشکنند این اسلام را و این قدرت را ؟ اینها هستند که سنگرگیری کردند . ما که می گوئیم انقلاب فرهنگی و البته در همه چیز باید باشد ، لکن باید مخلوط نکنیم امور را به هم . اینهائی که در انقلاب فرهنگی می صحبت می کنند و صحبت کردند و من شنیدم اینها مخلوط می کنند امور را به هم و این راه را دور می کند . دانشگاه و فیضیه ، باید فقط راجع به دانشگاه شروع کنند . کار به این نداشته باشند اقتصاد ملت

چیست . اگر دانشگاه بیاید راجع به اقتصاد بخواد فرهنگ را جاری کند و فرهنگ اسلامی درست کند ، از فرهنگ اسلامی دانشگاه هم باز می ماند ، و اگر قشری دیگری که می تواند انقلاب فرهنگی در مثلا ارتش بکند بیاید بخواد مخلوط کند و انقلاب فرهنگی را در دانشگاه بخواد بیاید عمل کند ، این کار خودش هم از دستش می رود . باید هر قشری در همان محل خودش و در همان بنگاهی که آنها جزئیات دارند در آنها و عضویت دارند در آنجا ، همان را مشغول بشوند ، نه شما انقلاب اقتصادی را دنبالش بروید ، نه آنهایی که می خواهند انقلاب اقتصادی درست کنند بیایند دنبال دانشگاه ها . و من به شما حالا دارم عرض می کنم که این اختلاطها البته افرادی هم که این اختلاط را می گویند من سراغ ندارم که افرادی باشند که خدای نخواستہ خیانتکار باشند ، اغفال می شوند . اینهایی که می خواهند ، آن گویند همه را باید با هم درست کرد و جدا نمی کنند ، قسمت قسمت نمی کنند ، همه چیز را یعنی این دستگاه را با آن دستگاه ، آن دستگاه را با این دستگاه و روی هر یک علیحده متخصصان خودشان ، متخصصان آن بنگاه مشغول کار نمی گذارند بشوند ، اینها متحمل است که اغفال شده باشند . نباید ما وقتی می خواهیم دانشگاه را درست بکنیم و یک انقلاب فرهنگی در دانشگاه درست بکنیم بیائیم همه چیز را با هم مخلوط بکنیم ، همه جا باید چه بشود اما هر کدام در محل خودش . بازار باید درست بشود ، لکن دانشگاهی به بازاری کاری نباید داشته باشد . بازار یک دسته ای باید بروند و آنجا انقلاب اسلامی و فرهنگی را در آنجا پیاده کنند ، اینها یک دسته بازاری متعهد باید باشند . ارتش هم باید انقلاب در آن پیدا بشود و امید است که بسیار وقتش شده باشد لکن ارتش نباید کار داشته باشد که دانشگاه چه می گذرد در آن ، به او چه ربطی دارد . در عین حالی که همه با هم پیوند هستند ، لکن هر کدام کار خودشان را باید انجام بدهند . پیشتر می گفتند که در آن تعزیه هایی که در می آوردند سابقا ، می گفتند که شمر خوب این است که شمر باشد ، اگر بنا باشد که شمر هم وقتی صحبت می کند یا شعر می خواند مثل امام حسین بخواند این شمر نیست ، در عین حالی که همه بنگاه واحد بودند و همه با هم می خواستند یک صحنه ای را درست کنند ، لکن هر کس کار خودش را باید خوب انجام بدهد ، نباید او دخالت کند در کار دیگری . اگر هر کدام دخالت کنند در کار دیگری ، این صحنه ، صحنه خوب نمی شود . ما هر کدام باید کار خودمان را خوب انجام بدهیم اگر هر کسی در هر کاری دخالت بکند هیچ کدامش را نمی تواند انجام بدهد .

با هم اجتماع کنید و مواظب باشید قلم های مسموم شما را بازی ندهند

و من حالا به شما عرض می کنم که قلم ها ، قدم ها ، نطق ها ، شیطنت ها دنبال این است که نگذارند شما ادامه بدهید به این چیزی که مشغول شده اید ، اینها می خواهند نگذارند که قشر روحانی با قشر دانشگاهی یکی بشود . شما الان اول کارتان است ، تازه شروع کرده اید . ممکن است به حسب حدسی که من می زنم که بیایند بیخ گوش اشخاصی که در فیضیه و در جاهای دیگر ، در مراکز علمی هستند ، بیخ گوش اینها چیزهایی بخوانند که نتیجه اش این باشد که شما با این دسته کنار بروید ، و بیایند بیخ گوش

دانشگاهی ها مطالبی بگویند که شما را از آنها جدا کنند . اینها صدمه دیده اند از اتحاد این ملت ، اینها از اسلام الان ترسیدند به طوری که دیدند خارجا چه جور واقع شد . اینها می بینند این تظاهرات شما را ، اینها می بینند این اجتماعات شما را و این فریاد اسلامی شما و ناراحت می شوند .

چند روز پیش از این در یک نوشته ای دیدم که می گوید که چرا از ملی می ترسید شماها ؟ چرا نمی گوئید مجلس شورای ملی ؟ من به آن آقا می گویم شما چرا از اسلامی می ترسید ؟ ! ما این ملی که مجلس شورای ملی باشد ، حالا بیش از پنجاه سال هم از آن می گذرد و ما یک اثر صحیحی از این ندیدیم . هر وقت یک آدم صحیح پیدا می شد ، یک پنجاه نفر هم از نوکرهای استعمار پیدا می شدند و او را می کوبیدند . من می گویم به اینها که ما تابع این ملت هستیم ، این جمعیت . ما که خودمان برای خودمان یک کاره نیستیم ، ما می خواهیم بینیم خواست این سی و پنج میلیون جمعیت چی است . ما دیدیم که خواست این سی و پنج میلیون جمعیت این بود که ما اسلام را می خواهیم ، در تمام صحبت ها از اول تا آخر این نبود که ما ملی گرا هستیم ، ملی گرایی بر خلاف اسلام است . اسلام آمده است که همه را یک نحوه به آن نظر بکند ، همه جوامع را . ملی گرایی این است که الان در آمریکا بین سیاه و سفید دارد واقع می شود و این کارتری که دعوی این را می کند که من طرفدار بشر هستم این سیاهان را اینطور می کشد و این طور آزار می دهد . ملی گرایی اینست که بعضی از این دولت های عربی می گویند عربیت و نه غیر . ملی گرایی این پان ایرانیسم است ، این پان عربیسم است . این بر خلاف دستور خداست و بر خلاف قرآن مجید است ما که می گوئیم جمهوری اسلامی ، مجلس شورای اسلامی ، برای اینکه از آن امامزاده ما معجزه ای ندیدیم ! پنجاه سال است ، بیشتر ، ما را عقب ، عقب راندند ، پنجاه سال بیشتر که اینها کارشکنی کردند . در طول مدتی که مجلس شورای ملی آنها بود حتی یک دفعه نشد که مردم ، مردم سراسر کشور آزاد رای بدهند . آن وقتی که رضا خان نبود و محمدرضا خان نبود و زمان قاجار ، من یادم هست ، آن وقت خان ها بودند ، شاهزاده ها بودند ، خان ها دسته دسته این مردم را به زور می آوردند و به صندوق ها رای برای خودشان می گرفتند ، مردم هیچکاره بودند ، نمی دانستند که چیست ، یک ورقه ای را به آنها می دادند ، اینها هم می آوردند در صندوق می انداختند . زمانی که رضاخان سلطه پیدا کرد و محمدرضا سلطه پیدا کرد که همه می دانید که یعنی زمان محمدرضا را اکثرا دیدید که به مردم ارتباطی نداشت . خود محمدرضا گفت ، در یک گفتگویی گفته است به اینکه لیست این وکلا را از سفارتخانه ها می فرستند پیش ما می فرستادند می خواهد بگوید حال اینجور نیست ، می فرستادند پیش ما و ما همان ها را ملزم بودیم که تعیین کنیم . این یک اقراری است از یک کسی که به غصب سلطنت برای این مملکت می کرد و مطلع بود بر مسائل . و این ما را شناساند که به ما می فهماند که افرادی که آن وقت در این مجالس بود چه اشخاصی بودند . افرادی بودند که با لیست سفارت آمریکا یا با لیست سفارت شوروی تحمیل می شدند ، این حرفی است که محمدرضا گفت که لیست ها را می فرستادند . این را برای این تعریف کرد که می خواست بگوید من دیگر اینطور نیستم . حتی پدرش را تضعیف کرد که خودش رو بیاید و مردم به خودش توجه پیدا کنند . این اقراری بود که ایشان کرد که

لیست را می فرستادند و ما مجبور بودیم که همان لیست را، افراد را تعیین کنیم. این نمایانگر این است که اینهایی که در مجلس شورای ملی بودند نه شورای اسلامی، اینها چه اشخاصی بودند، اینها نوکرهائی بودند که نوکرهای خارجی بودند و با زور این نوکر بزرگ اینها می رفتند در مجلس. در طول تاریخ مشروطیت نمی توانید پیدا کنید که همه ایران خودشان رای داده اند، حتی در آن دوره های اول، بله، تهران در آن دوره های اول خودشان رای می دادند لکن در تهران خان ها نمی توانستند کاری بکنند اما در شهرهای دیگر و در دهات و در اینطور چیزها این خان خانی بود و همان اشراف و همان خان ها مردم را می بردند به آن کسی که نظرشان بود رای می دادند. شما امروز. . . یا یک انحرافی حاصل شده، آن هم آن مقداری است که دیده اند چیز ناچیزی بوده، اینطور آزاد مردم بروند و آنطور زن و مرد، بچه و بزرگ، آنهایی که می توانستند رای بدهند، آزاد بروند آنجا رای خودشان را بریزند. خوب، شما تهران را دیدید، قم را دیدید، بعضی جاها را هم دیده اید و از بعضی جاها هم شنیده اید، اینها نمی خواهند که یک همچو مجلسی که مال ملت است و مال اسلام است و افرادی که به حسب غالب، اسلامی هستند الا آنهایی که قالب زده اند، نمی توانند ببینند این را. اینها نمی توانند ببینند که دانشگاهی و روحانی زیر یک سقفی جمع شدند با هم مخلوطند. اینها، من تبه به شما می دهم که اینها مشغولند که شما را از هم جدا کنند. شما الان یک نهال کوچکی هستید که تازه، این ارتباطتان تازه رس است، باز شروع شده است الان، نرسیده است به جایی و شما همه در هدف آنها واقع هستید که نگذارند، نگذارند در دانشگاه یک کار مثبتی انجام بگیرد، اگر شد با تفنگ و با سنگگیری و اگر این نشد، با شیطنت. آن چه دستی است که در دیوارهای دانشگاه آن شعارها را می نویسند؟ او چه می خواهد بکند؟ آئی که جمع می کند جمعیت را، یک بر خلاف اسلام چیزی می گوید، چه نظری اینها دارند؟ اینها واقعا اشخاصی هستند که می بینند دانشگاه و روحانیون مضر به ملت هستند و چون اینها ضرر برای ملت دارند، می خواهند ما را از بین ببرند.؟ خوب، همین طایفه ای هستند که روبروی این ملت تفنگ می کشند و اسلحه دارند و الان هم اسلحه هایشان در محل هایی هست برای وقتی که فرصت پیدا کنند. همین هایی هستند که می خواهند کردستان به همان انقلاب و اینطور چیزها باشد و بحمدالله آنجا تصفیه شد و تصفیه می شود. همین هایی هستند که تفنگ هایی که دارند و چیزهای که دارند، مارک هایی که دارد معلوم است از اسرائیل هست، از شوروی هم هست، از طرفین قضیه. اینها اسلام را می بینند که مقابلشان می ایستد، آن بزرگترها، اینها که بچه اند، آن بزرگترهایی که اینها را هدایت می کنند و اینها را وادار می کنند به امور، اینها دیدند که اسلام اگر چنانچه باشد، روحانی و دانشگاهی اگر با هم باشند، این دو مغز متفکر با هم جوش بخورند قهرا سایر مردم هم با اینها جوش می خورند، نمی توانند دوباره برگردند به اینجا و کارهایی را که می خواهند بدهند، انجام بدهند. اینها می دانند حالا که هیچ کودتایی در ایران نمی تواند درست باشد، کسی هم فکرش نمی تواند باشد، از خارج هم هیچ کسی نمی تواند در اینجا بیاید و دوام هم بیاورد. اینها از افغانستان هم یک درسی گرفته اند که همه سلاح های مدرن را آوردند و همه هلیکوپترها و طیاره ها و حتی نظامی های

تدریب شده

را آوردند افغانستان، لکن نتوانستند ملت افغانستان را خاضع کنند و هر روز رو به شکستند. افغانستانی که دولتش با آنها موافق است و آن اشخاصی که تبع دولتش هستند با آنها موافق هستند، ایرانی که دولت و ملت دیگر نیست و همه باهمند، همه دستشان توی دست هم است، اینها نمی توانند در اینجا بیایند و یک مثلا کاری انجام بدهند. علاوه خدای تبارک و تعالی با ماست. ما برای خدا می خواهیم این اجانب را از کشورمان بیرون کنیم و اینهایی که خلاف اسلامند عذرشان را بخواهیم یا هدایتشان کنیم. وقتی ما برای خدا می خواهیم این انجام بگیرد، خدای تبارک و تعالی با ما همراهی می کند، لکن به این شرط که ما همانطوری که اول انقلاب و در جوشش انقلاب همه مقصدها را کنار گذاشته بودیم و یک مقصد داشتیم و آن جمهوری اسلامی و اسلام، و هیچ یک از ما دنبال این نبودیم که شب شاممان چیست یا در اداره منصبمان چیست، همانطور پیش برویم. شما خیال نکنید که ما، دیگر حالا گذشت و تمام شد و حالا برویم سراغ زندگیمان، نخیر. اگر بخواهید یک زندگی با شرافت داشته باشید، با عزت داشته باشید، باید از این چیزهایی که القا می کنند به شماها، یعنی به ملت، القا می کنند به اینها که جمهوری اسلامی هم آمد و کاری انجام نداد، این برای این است که دلسرد کند شما را از جمهوری اسلامی، نقشه است که شما کنار بروید جمهوری اسلامی را بکوبند و تمام کنند. در صورتی که در این یک سالی که جمهوری اسلامی بوده است با همه کارشکنی هایی که از همه جا شده است، به قدر طول سلطنت این دو مرد خائن خدمت شده است به این مردم. دهاتی که هیچ نداشتند در طول سلطنت غاصب این دو خیانتکار، همه را از همه چیز محروم کرده بودند، الان در بسیاری از جاها خدمت مشغول شده است و مردم، خود ملت و دستگاه های دولتی و ملی با هم دست به هم گذاشته اند و آباد کرده اند آنجاها را. ملت ما نباید گوشش به حرف این اشخاصی باشد که بر خلاف اسلام شعار می نویسند، نباید حرف های آنها را گوش کند که کاری انجام نگرفته. اگر هیچ کاری انجام نگرفته بود الا اینکه من و شما حالا آزاد می توانیم اینجا بنشینیم صحبت کنیم، از آزادی بهتر یک چیزی ما داریم در دنیا؟ اگر هیچ کاری انجام نگرفته بود الا اینکه دست اجانب از مملکت ما قطع شد، ولو حالا ریشه هایش یک قدری هست اگر هیچ نشده بود، اینها را نباید ما چیز حساب کنیم؟ ما نباید رفتن محمدرضا را که با آنهمه قدرت بود یک چیزی حساب کنیم؟ جمهوری اسلامی آمد و هیچ کاری نکرد؟ پس این چیست؟ حالا باز محمدرضا توی مملکت ماست و سلطنت می کند و ساواک هم مشغول به نانجیبی های خودش است؟ اینها جوان ها را می خواهند گول بزنند و جوان ما الحمدلله بیدار شده اند و گول نمی خورند به این زودی. اینهایی که شما را می خواهند سرد کنند و اینکه کاری انجام نشده است، و چیزی نشده است، شما می خواهید چه کاری انجام بشود؟ در ظرف یک سال و چند ماه تمام نهادهایی که برای یک کشور اسلامی است تمام تحقق پیدا کرد. در هیچ جای دنیا همچو چیزی نبوده، جاهای دیگر بیست سال، سی سال، پنجاه سال وقتی انقلاب کردند باز نتوانستند قانون اساسی داشته باشند. عراق الان هم قانون اساسی ندارد، الان هم چند نفر دور هم نشستند با زور به مردم حکومت می کنند. اما ایران از باب از خود مردم بود این جوشش، از متن جامعه بود این انقلاب، و

همه هم اسلامی بودند، همه آن چیزهایی که باید برای یک مملکتی اساس مملکت باشد انجام گرفته. ما دیگر چیزی، معطلی در این باب نداریم، بعد باید سازندگی‌ها بشود که انشاءالله مشغولند و خواهد شد. شما را بازی ندهند این قلم‌های مسموم، این مجله‌ها و بعضی روزنامه‌هایی که در خدمت دیگران هستند و مع الاسف به آنها اجازه نشر می‌دهند هر روز، اینها شما را اغفال نکنند. آن چیزهایی که بیخ گوش شما در دانشگاه می‌خوانند، یا در مدرسه مثلاً فیضیه می‌خوانند به گوشتان نرود. این اجتماعی که شما با هم کردید الان هدف واقع شدید از برای آنهایی که با اسلام مخالفند و با دانشگاه مخالفند و با فیضیه مخالفند. الان شما هدف آنها هستید. ادامه دادن کار بالاتر از ایجادش است، ایجاد را می‌شود، سه روز رفتید در قم و بحمدالله با هم صحبت کردید و تفاهم کردید و الحمدلله با هم نزدیک شدید، لکن ادامه این مهم است. باید شما قرار بدهید هر چند روز، هر چند وقت یک دفعه با هم اجتماع کنید و با هم یکصدا باشید.

اگر دانشگاه از اول در خدمت مردم بود حالا ما محتاج نبودیم

و من امیدوارم که این ائتلاف شما با هم یک امر بسیار مبارکی باشد و با این ائتلاف بتوانید دانشگاه‌ها را، مراکز علمی را به صورت اسلامی در آورید که اشخاصی که از، ما هر بنگاهی را که، هر کارخانه‌ای را، از آن چیزی که بیرون می‌دهد می‌فهمیم چیست. آن کارخانه‌ای که شکر بیرون می‌دهد می‌بینیم شکرش چطور است بعد می‌فهمیم کارخانه‌اش چطور است. آن که فرض کنید که فاستونی بیرون می‌دهد ما می‌فهمیم چطور است. ما از این محصول کارخانه دانشگاهمان باید بفهمیم چی بوده، این محصولش چه بوده. این آقایانی که می‌گویند که ما خودمان در این یک سال دانشگاه را چه کردیم، در این یک سال ما ببینیم این آقایان چه کرده‌اند؟ محصولش چه بوده؟ در این پنجاه سال محصولش چه بوده؟ در این پنجاه سال مثلاً یک میلیون دانشگاهی ملت برای ملت خدمت بکنند نه برای دیگران، درست شده است؟ دانشگاه بیرون داده است افرادی که نظرشان این باشد که برای ملتشان کار بکنند و به دیگران مربوط نباشند؟ این کمونیست‌ها از کجا آمده‌اند؟ این مارکسیست‌ها از کجا آمده‌اند؟ از توی دانشگاه‌ها. ما معلم‌ها را از اینها می‌فهمیم، که دانشگاه داخلش چه بوده برای اینکه محصولش این است. یک عده‌ای البته متعهد هستند، در هر جا هستند اما دانشگاهی که چند میلیون جمعیت در آن باید باشد و در عرض این پنجاه سال باید بیشتر از صد میلیون جمعیت از آن بیرون آمده باشد و آمده و رفته باشد، اگر بنا بود که این دانشگاه یک محصول دلخواهی داده بود بیرون، حالا- گلستان بود مملکت ما، محتاج به جنگ نبودیم، محتاج به نهضت نبودیم، محتاج به انقلاب نبودیم. محصول آنجا یک محصول نامطلوبی بود که در هر پستی وارد شدند برای اجانب کار کردند. اینهایی که در این پستها وارد شدند، برای کی کار کردند؟ برای ملت کار کردند؟ اینها محصول همین دانشگاه بودند و از دانشگاه آمدند در وزارتخانه‌ها در راس امور وارد شدند و همه‌اش برای اجانب کار کردند. اگر اینها برای ایران کار کرده بودند، اگر دانشگاه در خدمت ایران بود حالا ما دیگر محتاج نبودیم که

جنگ و نزاع کنیم؟ دانشگاه دیگر مرکز این سنگربندی ها می شد؟ ادارات ما به این صورت در می آمد که نکنند کار را، کم کاری بکنند؟ دانشگاه نتوانسته آن خدمت خودش را بکند به این ملت، دانشگاه در خدمت دیگران بوده است، جوان های ما را دانشگاه ها اینطور کردند. الان هم دنبال این هستند که نگذارند این دانشگاه یک دانشگاه در خدمت خود مردم باشد. ما که می گوئیم دانشگاه اسلامی، ما می خواهیم که یک دانشگاهی داشته باشیم که روی احتیاجاتی که این ملت داشته باشد، کرسی داشته باشد و برای ملت باشد. تربیت نبوده است در این دانشگاه، تربیت بر ضد بوده است.

آموزش و پرورش لفظی بوده است که وزارت آموزش و پرورش! نه آموزش، آموزش بوده است، نه پرورش، پرورش. آموزش این بوده است که جوان های ما را گرایش غربی و شرقی می دادند و پرورش هم این بوده است که لاابالی بار می آورده اند و همین چیزهایی که می بینید. حفظ کنید این وحدت خودتان را. اینها الان هجوم می آورند که از دستشان بگیرند این را. بخواهید کشورتان کشور مستقل و خودتان اشخاص آزاد باشید، این را تعقیب کنید و شما دوقشر با هم ارتباط دائم داشته باشید و برنامه ها را خود دانشگاهی ها و خود علمای حوزه برنامه ها را تنظیم کنند که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت، نه این چیزهایی را بخوانند که اصلا به درد ما نمی خورد، خیلی از چیزهاست که اصلا به مملکت مربوط نیست و یک پرورش صحیح، که از دانشگاه وقتی بیرون می آیند مستقل در فکر باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تاثیر گرایش های شرقی و غربی نباشند، خدمتگذار به کشور خودشان باشند نه خدمت به دیگران بکنند. این معنی انقلاب دانشگاه است. ما انقلاب دانشگاه را از محصولش باید بفهمیم، اگر انشاءالله بعد از چند سال دیگر محصول، محصولی شد انسانی، محصولی شد اسلامی، محصولی شد که برای کشور خودشان زحمت می کشند و کار می کنند، می فهمیم تحول پیدا شده و اگر چنانچه همان باشد و از آن کمونیست بیرون بریزد و مسلمان ها را از آن طرف بریزند، کمونیست از آنجا در بیاورند، اگر اینطور باشد ما تا ابد لنگ هستیم و منتظر بدترش باید باشیم. لکن ما امیدواریم که خدای تبارک و تعالی با ما همراهی و کمک کند و به زحمت های شما علما و شما دانشمندان، انشاءالله ما به واسطه زحمات شما مملکتمان اصلاح بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی

مجلس محل طرح مسائل دلخواه اسلام و مردم است

بسم الله الرحمن الرحيم

من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید بیان کردند.

من چند کلمه ای که می خواهم در حضور آقایان عرض کنم از باب اینکه امر شده است به تذکر، (فان ذکری تنفع المومنین). تصادف خوبی است که امروز که آقایان در اینجا تشریف دارند و با هم مواجه هستیم - که - مواجه با ملت هستیم، تمام ملت خلاصه در وجود شما آقایان است، تصادف خوبی است که با روز عید مبارکی مصادف شده است و از آن بهتر این است که روز گشایش مجلس اسلامی در روزی است که عدالت در عالم متولد شده است، روزی است که امیرالمومنین سلام الله علیه به دنیا آمدند، این مظهر همه عدالت ها و اعجوبه عالم هستند و از صدر عالم تا ابد به جز رسول اکرم کسی به فضیلت او نیست. این را ما به فال نیک می گیریم و این فکر را می کنیم که آقایان که در یک روزی که مظهر عدالت خدا، پرتو عدالت انسانی در آن روز متولد شده است و شما مجلس را در آن روز افتتاح می کنید بدانید که باید همان رشته را، همان رشته علی علیه السلام را پیروی کنید. من در بعضی مجالس زمان رضاخان رفته ام در مجلس، به عنوان تماشاگری و مجالس دیگری هم که از آن زمان تا اخیر بوده است شنیده ام. آنجائی که من دیده ام، مجلس، مجلس شورا نبوده است، مجلس مبارزه بین افراد در آمال خودشان بود، جنگ و نزاع بود، حتی بعضی اشخاص که اشخاص صحیحی بودند و در خارج از مجلس حدود را حفظ می کردند در مجلس که وارد می شدند مثل اینکه ملزم می شدند به اینکه نظیر آنها دیگری که به طور غیر اسلامی رفتار می کردند، گاهی هم بعضی از آنها منحرف بشوند. مجلس شورای اسلامی مجلس مشورت است، مجلسی است که باید متفکرین، آقایان مسائلی که مایحتاج ملت است و کشور است در میان بگذارند و با هم مشورت کنند، مباحثه کنند فقط

آن چیزهایی که مربوط به ملت است و به اسلام . مجلس شورای اسلامی که شما آقایان وکیل هستید از طرف ملت برای خدمت در آن بنگاه باید آنکه دلخواه ملت است در آنجا طرح بشود و آنچه دلخواه اسلام است بحث و مشورت بشود و به تریبی که مقرر است تصویب بشود و همه چیزش اسلامی باشد . اغراض شخیصه را باید همه ما کنار بگذاریم . فرضا که من با شما خدای نخواستہ یک حساب و خرده دارم این در مجلس نباید ، در مجلسی که مجلس اسلامی است نباید این خرده حساب ها را آنجا به آن رسید . مجلس شورای اسلامی در یک محفظه سر بسته نیست که اگر خدای نخواستہ انحرافی در آن پیدا شد همان اجزاه خود مجلس بفهمند ، این سرباز است و رادیو و تلویزیون این را منتشر می کند همه ایران می بینند و می شنوند و خارج از ایران هم تا آنجائی که موج اینها می رود آنها هم می شنوند و می فهمند که چه شده است . اگر بنا باشد که خدای نخواستہ از اول صف آرائی بشود برای جنگ اعصاب و آن مجالسی که در زمان طاغوت بود ، آن مجالس ، باز محتوایش تکرار بشود ، این مجلس اسلامی نیست و آقایان به وظیفه شرعی و الهی خودشان عمل نکرده اند . من امیدوارم که آقایان بدون اینکه جهات نفسیت را در نظر داشته باشند و بدون اینکه اغراض خودشان را و مخالفت های شخصی که با اشخاص دارند در نظر داشته باشند ، به آن چیزی که وکیل او ، به آن چیزی که در آن چیز وکیل هستند ، اندیشه کنند و مباحثه کنند و شور کنند . شوری که در محیطی واقع شد که اسلامی است و اخلاق اسلامی است منتهی به جنگ نمی شود ، منتهی به آن مسائلی که در آن مجلس ها و بعضی از آن مجلس ها واقع می شد که انصافا شرم آور است نمی شود باید همانطوری که تا حالا تحولات زیادی پیدا شده است در این ملت شما که وکیل از جانب ملت هستید و عصاره فضائل ملت هستید ، باید در آنجا همان معنائی که مامور آن شدید از طرف ملت ، همان معانی باشد . ملت یک ملت اسلامی است و اسلام را می خواهد و احکام اسلام را می خواهد شما وکیل نیستید که بروید آنجا بنشینید و حساب هائی که خودتان با هم دارید صاف کنید اگر یک همچو کاری بشود ، این انحراف است و غضب است آن محل برای شما . شما باید (انشاءالله همین طور هم هست) شما باید در آنجا معلم اخلاق باشید و از برای همه کشور ، برای اینکه مطالب شما به همه کشور بسط پیدا می کند . وقتی که همه مردم در تمام کشور دیدند که این وکلایشان با راستی و صداقت در خدمت کشور هستند و در خدمت اسلام هستند و مناظره هائی که می کنند مناظره های اسلامی است و بحث و تفتیش اسلامی است ، این یک تعلیمی می شود به همه افرادی که در این کشور هستند و به آنجائی که این موج ها می رسد در خارج کشور . ماباید همه قشرها را تربیت کنیم . شماها باید در مجلس که می روید علاوه بر اینکه مسائلی که طرح می شود که مورد احتیاج ملت است باید آنها را در آن طرح کنید ، با سلاح اخلاق اسلامی وارد بشوید و با آن سلاح مردم را تربیت کنید که وقتی چند سال از مجلس گذشت ، در مردم آثار گفتگوهای شما و مناظرات شما پیدا باشد . از مجلس منعکس می شود کارهای شما ، علاوه بر اینکه خدای تبارک و تعالی حاضر است در همه جا و ناظر است در همه جا و پرونده های همه شما پیش اوست و همه عالم ، علاوه بر اینکه باید ملاحظه کنید که در حضور خدای تبارک و تعالی هستید و هر نفسی که می کشید در

حضور او هست و هر کلمه ای که ادا می کنید در محضر مبارک خدای تبارک و تعالی هست و در محضر خدای تبارک و تعالی و برخلاف دستور او جرم عظیمی است و باید ناظر بدانید خدا را بر اعمال خودتان، باید شما دیگران را هم تربیت کنید همه اشخاصی که در هر مرکزی هستند باید آن مرکز را به صورت یک تعلیم گاه در آورند همانطوری که در صدر اسلام آن که رئیس دولت بود و آن که سردار بود، سردار لشکر بود با اعمال خودشان مردم را تربیت می کردند، با حرف های خودشان، با کردار خودشان مردم را تربیت می کردند. باید ما که دعوی این را داریم که مسلمان هستیم و تابع اولیای اسلام هستیم، باید ما هم با کردار و رفتار خودمان تربیت کنیم مردم را. اگر خدای نخواستہ انحرافی در مجلس پیدا بشود، چون منعکس می شود به همه جا ممکن است که انحراف در سطح گسترده ای پیدا بشود و مسوولیت بزرگ باشد. چنانکه اگر انحرافات را شما به واسطه اعمال و افعالتان از ملت سلب کنید، اجر بسیار بزرگی را دارید، اجر انبیا را دارید. از الان بنای بر این نگذارید که ما یک جبهه کذا و یک جبهه کذا، از اول بنای مبارزه باشد، مبارزه نیست، مباحثه است، مباحثه، مباحثه نرم اسلامی. می خواهید هر کدام مسائلی که دارید به دیگری بگوئید با برهان، با بیان، البته باید بگوئید اما مبارزه ندارید با هم. همه برای اسلام هستید و خدمتگزار اسلام هستید و می خواهید برای اسلام خدمت بکنید. از حالا بنا نگذارید به اینکه یک جبهه بندی کنید، یک دسته این طرف، یک دسته آن طرف و همان کارهایی که در مجالس سابق می کردند و همان دعوای و نزاع هایی که به انحطاط می کشید خودشان و ملت را و من نمی دانم آیا در مجالس خارج از این کشور یک همچو نزاع ها و داد و قال ها و بدگویی هایی بوده است که تقلید کردند اینها از آنها یا نه ابتکار بوده، این را من اطلاع ندارم، لکن علی ایحال، چه تقلید از دیگران بوده است و چه ابتکار خودشان بوده است، یک امر بسیار مشوه بدی بود که تلخی او در ذائقه باید بماند تا آخر و من امیدوارم که کارهای شما آن تلخی ها را از ذائقه ها بزداید.

کفران نعمت، کار شکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می شود

و یک مطلبی که باز می خواهم عرض بکنم که دنباله همین است، این است که الان کشور ما اول عملش و اول کارش است. بحمدالله تا حالا تمام آن چیزهایی که یک حکومت لازم دارد، محقق شده است، لکن باز اول کار است در این کار یک ویژگی ای هست که بعدها آن ویژگی دیگر ممکن است نباشد. حالائی که از خارج و داخل به کشور ما هجوم می شود، در داخل با طرح مختلف، قلم های مختلف، مجله های مختلف و گویندگان مختلف و اشخاصی که شلوغ می کنند در این مملکت، ابتلاً هست و از خارج هم که با قدرت های بزرگ، محل ابتلای ما هست، ما اگر بخواهیم برای کشورمان، برای اسلام پیروزی حاصل بشود، باید کارشکنی نکنیم از هم، باید همه یکصدا باشیم. قضیه هدایت مساله ای است، قضیه کارشکنی مساله دیگر، هدایت باید کرد. مرکز همه قانون ها و قدرت مجلس است. مجلس هدایت می کند همه را و باید بکند، اما بنای بر این نباشد که مجلس دولت را ضعیف کند و بنای بر این هم نباشد که دولت مجلس را ضعیف کند، تضعیف هم یک، تضعیف خودش

هم هست. اگر رئیس دولت، رئیس جمهور تضعیف کند مجلس را، خودش قبل از مجلس سقوط می کند و اگر مجلس تضعیف کند دولت و رئیس جمهور و آنهائی که اجرا می خواهند بکنند، این خودشان هم تضعیف می شوند و امروز صلاح نیست. اگر چنانچه در یک وقتی هم یک همچو مطلبی واقع بشود، آن هم یک جرم است، امروز این مسأله جرم بسیار بزرگ است برای اینکه در آن مواقعی که مملکت ما ابتلاً به این مصائب ندارد، خوب یک کار خلاف است اما کار خلافی نیست که مملکت ما را تهدید به نابودی و شکست بکند اما امروز که مملکت ما وضعش اینطوری است و نمی توانند آنهائی که عمال خارجی هستند و خود خارجی نمی توانند ببینند که در ظرف یک سال و دو سه ماه، چند ماه، تمام کارهائی که در چندین سال انجام نگرفته اینجا انجام گرفت، این را نمی توانند ببینند، اینها از اول هی خیال می کردند که خوب، به خودشان وعده می دادند که اصلاً جمهوری اسلامی، این پا نمی گیرد اصلش با او مخالفت می کردند (جمهوری، نه، لازم نیست اسلامی باشد، جمهوری ملی باشد) ما از این ملی ها هیچی ندیدیم جز خرابکاری، اگر یک نفرشان آدمی بود که صحیحی بود، اسلامی بود که صحیح بود، ما ندیدیم چیزی از اینها. همه ما اسلامی پیش برویم، با برنامه اسلامی پیش برویم. پیروزی ما مرهون اسلام است، نه مرهون من است نه مرهون شما و نه مرهون هیچ قوه ای، مرهون اسلام است. اسلام به ما این پیروزی را داده است این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا کرده است و این نعمت را اگر چنانچه شکرگزاری نکنیم ممکن است که یکوقتی خدای نخواستہ از ما بگیرند. شکرگزاری به این است که همانطوری که در اول همه دست ها بلند شد که ما اسلام را می خواهیم، جمهوری اسلامی را می خواهیم، خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود و اعطا کرد، اگر ما از حالا این دست ها را کنار بزنیم، یکی از این طرف برود و یکی از آن طرف برود و یکی یک چیزی بگوید و یکی یک چیز دیگری بگوید و جبهه بندی بشود و دولت با مجلس، مجلس با دولت و همه با هم به هم بریزند ممکن است که عنایت خدا به واسطه کفران نعمت برداشته بشود و ما انحطاط همه چیز پیدا بکنیم و کشورمان باز برگردد به حال سابق، به همان ظلم ها و همان ستم هایی که همه دیدید و همه دیدیم. شکرگزاری به این است که شماهائی که وکیل ملت هستید کارشکنی برای دولت نکنید، هدایت کنید، هر جایی که پا را کنار می گذارند هدایتش بکنید، دولت هم هر کس شود و هر کس هست و نخست وزیر هم هر کس هست، دولت هم هر کس هست، آنها هم کارشکنی برای مجلس نکنند، آنها قوه مجریه هستند همه روی قانون عمل بکنند. این قانونی که ملت برایش رای داده است، همین رای نداده است که روی طاقچه بگذارید و کاری به آن نداشته باشید، بروید مشغول کار خودتان بشوید. این قانون باید دست همه باشد و همه حدود را قانون معین بکند. قانون برای مجلس حدود معین کرده است، تخلف از این حدود نشود. برای رئیس جمهور تحدید کرده، حدود قرار داده، او هم تخلف نکند. برای نخست وزیر و امثال اینها و دولت ها حدود معین کرده، آنها هم نباید خارج بشوند. هر که خارج بشود از حدود، باید این را تنبه بدهند، هدایت کنند او را.

تکلیف بر حرکت در مسیر خدا بدون خوف از چپ و راست

و شماها هم من امید این را دارم که چهره های نورانی که در مقابل من واقع شده اند بدانند که در پیشگاه خدای تبارک و تعالی هم هستید و باید برای اسلام و برای احکام و برای احکام اسلام (که به ما منت گذاشته است و همه پیروزی های ما به واسطه اوست) خدمت بکنیم و با کمال قدرت خدمت بکنیم. خوف این معنا را نداشته باشید که اگر در مجلس شما یک مطلبی را بگوئید، پیش روشنفکرها این خوب نیست. شما نماز هم اگر بخوانید بعضی از این روشنفکرها پیششان خوب نیست، شما اگر دعا هم بخوانید بعضی از اینها پیششان خوب نیست. من نمی گویم همه روشنفکرها، روشنفکر خوب در همه طبقات هست اما آنهایی که از اولی که این جمهوری اسلامی خواست پایش را بگذارد در این مملکت مخالفت کردند و آنهایی که به اسم خدمت به خلق می خواهند نگذارند این جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند. شما خوف هیچ کس را نداشته باشید، نه خوف چپی ها را داشته باشید، نه خوف راستی ها را داشته باشید. شما در مسائل قانون اساسی است و اسلام و قانون اساسی هم تابع اسلام است باید به اسلام فکر بکنید، نباید فکر کنید که حالا که در فلان کشور کذا چه جور واقع شده ما هم خوب است که التقاطی باشیم، یک قدری بگوئیم خدا، یک قدری هم بگوئیم چیز دیگر. مستقیم باشید و با استقامت کارتان را پیش ببرید پشتیبان شما خداست. از هیچ چیز، از هیچ قوه نترسید من نمی گویم که شما بر همه قوه ها غلبه می توانید بکنید. ما که چیزی نداریم، همه چیز ما دست دشمن ماست. من عرض می کنم که وقتی بنا شد که ما به تکلیفمان عمل بکنیم و ما آن راهی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای ما گذاشته است آن راه را برویم برای ما شکست هیچ نیست برای اینکه از دو حال خارج نیست یا این است که ما پیش می بریم که شکست هیچ نیست و یا این است که نه، می آیند و ما را عقب می زنند، ما تکلیفمان را عمل کرده ایم، چه شکستی است؟ سیدالشهدا هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این، کشته شد و زنده کرد یک عالمی را. امیر المومنین هم در جنگ ها، در جنگ صفین شکست خورد لکن شکست نبود این، او به خدمت اسلام بود و برای خدا کار می کرد، کسی که برای خدا کار بکند، هیچ وقت شکست در آن نیست، برد با آنهاست. شما خوف این را نداشته باشید که اگر چنانچه یک چیزی برخلاف مثلا مسلک مارکسیست بگوئید، بگویند که اینها چه عقب مانده هستند، خود آنها عقب مانده اند. همان هائی که ادعای نمی دانم کمونیستی و کذا می کنند خود آنها از همه قلدرتر و از همه دیکتاتورترند و ملت هایشان را همه به بند کشیده اند، آزادی در آن ممالک نیست برای کسی، همانطوری که در ممالک غربی هم آزادی نیست در کار، صحبت آزادی، حرف آزادی است. اگر آزادی باشد، این سیاه های بیچاره چه کرده اند که اینطور تحت فشارند؟ در هیچ جای دنیا شما خیال نکنید که این طرح هائی که می دهند و این بساطی که درست می کنند یک واقعیتی باشد و بخواهند روی آن رفتار بکنند. این مجلس های کذا که در دنیا درست شده است و به دست قدرتمندها درست شده است و لهدا حق و تو دارند، همه از آن قدرتمندها، اینها همه بازی است برای بلعیدن ماها، این یک مانور سیاسی است که با آن ماها را اغفال کنند و ماها با ببلعند. شما نباید گول از اینها بخورید و تحت

تأثیر نه شرقی ها واقع بشوید و نه غربی ها وارد بشوید ، شما آنطوری که اسلام مقرر فرموده است عمل بکنید ، اگر هر کس هم هر چه به شما بگوید اعتنا به او نکنید . اسلام مدنظر شما باشد و این را بدانید که آنهایی که با این مجلس مخالفند و آنهایی که با این انقلاب مخالفند و آنهایی که با اسلام مخالفند هر کاری بکنید آنها به مخالفت خودشان ادامه می دهند منتها یک وقتی با یک بهانه است بعد یک بهانه دیگر پیدا می کنند . شما توجه داشته باشید که اسلام به اسلام خدمت کنید و به کشور خودتان خدمت کنید . شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می خواهند و همه کشور خودشان را می خواهند و شما باید برای این ملت خدمت بکنید ، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید ، اگر انحراف پیدا کنید برخلاف ملت ، خیانت کرده اید به وکالتی که دارید . و من امیدوارم که انشاءالله شما با کمال قدرت ، با کمال عزت و عظمت این نهضت را به پیش ببرید و مجلس ، یک مجلس اسلامی اخلاقی همه چیز تمام باشد و شما معلم اخلاق جامعه باشید و همه جامعه هم پشتیبان شما باشد و همه تان یک هویت بین دولت و ملت و ارتش و مردم همه یک هویت باشید ، همه اعضای یک انسان باشید ، همه در خدمت انسان کامل که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است باشید و همه به منزله اعضای او باشید برای خدمت و اگر اینطور شد ، پیروزی نصیبمان هست و اگر خدای نخواستہ انحرافات پیدا شد و اغراض شخصیه پیش بیاید و نمی دانم مسندها بحث بشود و مقام ها طرح بشود و امثال اینها ، این اولاً- انحطاط اخلاقی زیاد است و انحطاط در پیشگاه خداست و ثانیاً خوف این است که نتوانید این بار را به منزل برسانید .

خداوند انشاءالله همه شما را تایید کند و همه ما را و همه مسلمین را تایید کند و همه را از شر شیطان بزرگ و آنهایی که دنباله او هستند حفظ کند و ما را از شر نفس اماره بالسوء حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

با خواست خداوند متعال و به مبارکی و میمنت در روزی بسیار بزرگ مجلس شورای اسلامی افتتاح می شود. سیزدهم رجب که روز ولادت با برکت و سعادت بزرگمرد تاریخ و معجزه دهر امیرالمومنین علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه، مجلس مقدس شورای اسلامی که اولین مجلس جمهوری اسلامی است و اولین مجلس است که با انتخابات آزاد انجام گرفت، گشایش می یابد و من امیدوارم که این مجلس به برکت این روز مبارک، مجلس عدالت و پیرو اسلام و به نفع مسلمین و کشور اسلامی باشد. سپاس خداوند بزرگ را که در مدتی کوتاه ملت ایران موفق شد که اساس جمهوری اسلامی را با آزادی و آرامش بنیان گذارد و این از برکت اسلام و وحدت کلمه قشرهای متعهد اسلامی است. اینجانب طلیعه این مجلس مبارک را به ملت بزرگ ایران و شما نمایندگان محترم تبریک عرض می کنم و تذکراتی را که دوستان من خود نیز توجه دارند تکرار می نمایم:

1_ شما دوستان محترم نماینده ملتی هستید که جز به اسلام بزرگ و عدالت الهی اسلامی فکر نمی کنند و انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند، رژیمی که ثروت سرشار کشور را به خود و هم پیمانان نامیمون خود اختصاص داد و برای ادامه سلطه جبارانه خود به جیب ابر قدرت ها ریخت و ملت مظلوم را در سطح بسیار وسیعی از اولین احتیاجات محروم و به خاک سیاه نشاند و کشور را در تمام زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب و خصوصا آمریکا کرد. ببینیم شما و دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به حرکت انقلابش همه ما را از انزوا خارج نمود چه خواهید کرد.

2_ امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در راس برنامه ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح هائی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آورده اند، ادا کرده باشید.

3_ شما منتخبین مجلس که از پشتیبانی جدی ملت عزیز برخوردارید، باید با کمال قدرت در

مقابل قدرت های شیطانی که در رژیم دست نشانده سابق، حاکم بر سرنوشت ما بودند بایستید و از هیچ قدرتی غیر از قدرت خداوند قادر نهراسید و جز به مصالح کشور به چیز دیگری فکر نکنید. متوجه باشید که در خارج از مجلس با صحنه سازی ها و اغفال، چه بسا چپگرایان و یا راستگرایان و یا ریشه فاسد رژیم سابق طمع کنند که با نفوذ در مجلس مقاصد شوم اجانب را تحمیل نمایند. باید همه با هوشیاری در طرح ها و مسائل روز دقت فرمائید و از کید دشمنان به خدای تعالی پناه ببرید. خداوند متعال همه ما را از لغزش ها ننگه دارد.

4_ بحمدالله در مجلس، دانشمندان و علمای آشنا به احکام شرع مطهر حضور دارند و فقهای نگهبان حاضرند، لیکن لازم است طرح هایی که در مجلس می گذرد مخالف با احکام مقدسه اسلام نباشد و با کمال قدرت، با پیشنهادهای مخالف با شرع مقدس که ممکن است از روی ناآگاهی و غفلت طرح شود شدیداً مخالفت نمائید و از قلم های مسموم و گفتار منحرفین هراسی نداشته باشید و سخط خالق را برای رضای مخلوق تحصیل نکنید و خداوند قاهر و قادر را حاضر و ناظر بدانید.

5_ این مجلس که اولین دوره در جمهوری اسلامی است، الگویی است برای مجالس آینده و هر سنت حسنه و یا سیئه ای ممکن است هر مجالس دیگر اثر گذارد و برای شما اجر جزیل و یا خدای نخواستہ وزر و وبال به بار آورد. لازم است در مذاکرات و برخورد آرا به طور آرام و با احترام متقابل عمل شود، نه مثل دوره های رضا خان و بعد از آن و لازم است از دسته بندی ها و جهت گیری های غیر اصولی برای کوبیدن طرف مقابل جدا احتراز شود که تنها حل مسائل در محیط آرام امکان پذیر است.

6_ ویژگی این مجلس و محیط کشور در این دوره ایجاب می کند که مجلس و دولت هماهنگ شود تا بر مشکلات کشور فائق آیند و هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی خصوصاً مجلس و رئیس جمهوری و دولت برای یکدیگر و دیگران کارشکنی نکنند و خود را به طور جدی در خدمت اسلام و کشور در آورند تا خدای متعال آنها را پشتیبانی فرماید و ندای آسمانی انسان ساز (واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا) را در نظر داشته و اطاعت نمایند و از منازعه و تفرقه اجتناب نمایند و به امر آموزنده الهی گوش فرا دهند و (و لاتنازعوا فتشلولوا و تذهب ریحکم) که دنباله آن تنازع، فشل و شکست و رفتن رنگ و بو و آبروست.

7_ سیاست نه شرقی و نه غربی را در تمام زمینه های داخلی و روابط خارجی حفظ کنید و کسی را که خدای نخواستہ به شرق و یا به غرب گرایش دارد هدایت کنید و اگر نپذیرفت، او را منزوی نمائید و اگر در وزارتخانه ها و نهادهای دیگر کشور چنین گرایشی باشد که مخالف مسیر اسلام و ملت است اول هدایت و در صورت تخلف، استیضاح نمائید که وجود چنین عناصر توطئه گر در راس امور یا در قطب های حساس موجب تباهی کشور خواهد شد.

8_ طرح ها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته سنجی ها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید و از وزارتخانه ها و ماموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازی ها و غلط کاری های

زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگی های آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند .

9_ در ادارات دولتی قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق و یا تعطیل امور شده و می شود و جامعه را به تنگ آورده است به طور انقلابی لغو کنید (گر چه خود لغو است) و به جای آنها قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد جایگزین گردانید .

10_ مجلس جمهوری اسلامی همان سان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می نماید ، برای رفاه و آسایش اقلیت های که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند اقدام و فعالیت می نماید و اساسا آنان با مسلمانان در صف واحد و برای کشور خدمت می کنند و در صف واحد از تمام ارزش ها و مآثر آن برخوردار باشند .

11_ از حضرات فقهای نگهبان تقاضا می شود که در مأموریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص و یا گروه های انحرافی را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خود قیام و اقدام نموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایند و خدمت خود را با قدرت تمام در پیشگاه خداوند متعال و ولی مطلق او حضرت ولی الله اعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه دارند . از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور عزیز را خواستارم .

والسلام علی المسلمین و علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 123

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

میزان حاکمیت الله در نفوس، محکی برای سنجش ایمان

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان متشکرم که در اینجا مجتمع شدند و با من مواجه شدند تا چند کلمه ای عرض کنیم. خدای تبارک و تعالی یک میزانی در قرآن کریم قرار داده است که با آن میزان ما باید خودمان را و دیگران را بشناسیم. می فرماید که: (الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاً هم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات). میزان در مؤمن و غیر مؤمن، مؤمن واقعی و غیر مؤمن این است که کتاب خدا می فرماید که اگر چنانچه مؤمن است، خدای تبارک و تعالی ولی اوست و مومنین را خدای تبارک و تعالی از همه ظلمت ها، از همه تاریکی ها، از همه چیزهایی که انسان ها را محجوب می کند از حق تعالی، از همه اینها اخراج می کند و در نور وارد می کند. این انسانی که در اینجا غرق حجاب هاست، غرق ظلمات است، اگر چنانچه ایمان واقعی بیاورد، از همه انواع ظلمات، خداوند او را خارج می کند و به نور وارد می کند. یک قلب ظلمانی که در این عالم تمام چیزهایش حجاب است برای او، این حجاب ها را خدای تبارک و تعالی یکی پس از دیگری بر می دارد و نور را به جای آنها می گذارد که نور مطلق همان جمال خودش هست. ما اگر بخواهیم خودمان را بسنجیم و کسانی که مدعی هستند بسنجیم، باید ببینیم که این میزان، این دو تا میزانی که خدای تبارک و تعالی برای معرفی مومن ها و غیر مومن ها فرموده است، در خودمان هست یا نیست. به مجرد اینکه من یا شما ادعا کنیم که ما مؤمن بالله هستیم، تا آن محکی که خدای تبارک و تعالی قرار داده است در ما نباشد یک ادعای پوچی است. ببینیم که ما از اولیای خدا هستیم و خدا ولی ماست، یا از اولیای طاغوت هستیم و طاغوت ولی ماست. اگر چنانچه از این گرفتاری های عالم طبیعت، از این ظلمت های عالم طبیعت شما شما دیدید که خارج شدید، علاقه هایی که انسان به این عالم طبیعت دارد، این علاقه ها برداشته شده است یا کم شده، اگر شما خودتان را یافتید که هر کاری می خواهید بکنید برای خدا می خواهید بکنید، حکومت الله در شما و در قوای شما سلطه دارد، شما همه چیزتان، تمام اعضا و قوایتان فرمانبردار حکم خداست. چشم شما احتراز کند از آن چیزهایی که موجب ظلمت قلب می شود، الله ولی است. محک بزرگی است که هرکس خودش را می تواند بشناسد، می تواند بفهمد که این ایمانی که ادعا می کند، همان ادعاست یا خیر نور ایمان در قلب او وارد شده است و ظلمت ها همه بر کنار شده

است. ما، هر کس، در هر جا که هستیم و شما در هر محلی که هستید، چه در بازار باشید و چه در مدرسه و چه سپاه پاسداران باشید و چه قوای انتظامیه دیگر و چه رئیس جمهور باشید یا وزیر باشید یا وکیل باشید یا سایر قشرهای دیگر، این حکم عمومی، این میزان عمومی، این محکی که برای عموم است در این معنا، این محک را باید ما خودمان پیش خودمان وقتی که آن در شب خلوت هست و شما فارغ هستید، فکر کنید که آیا قلب شما یک قلب نورانی متوجه به نور است یا یک قلب ظلمانی متوجه به آمال شیطانی یا الله است یا طاغوت، این از این دو حال خارج نیست، یا حکومت در ما، حاکم در ما الله است یا حاکم در ما طاغوت است. اگر چنانچه ما توجه مان به این دنیا و به این مسائلی که بر ما عرضه می شود در دنیا، توجه مان به عالم طبیعت است، هر چه می خواهیم برای خودمان می خواهیم، هر کاری می کنیم خدا در کار نیست، ما از طاغوتیم و اولیاً ما هم طاغوت است و اگر چنانچه خودمان را تهنید کنیم، خودمان را تربیت کنیم و از این غلاف هائی که هست خارج کنیم و به مبدأ نور برسیم و قلب ما متوجه به حق تعالی باشد، به نور مطلق باشد، خدمتگذار حق باشیم هر چه نعمت خدا به ما داده است در خدمت او صرف کنیم، این علامت این است که ما از ظلمت ها یا از بعضی ظلمت ها خارج شدیم و به نور و بعضی مراتب نور وارد شدیم. شما آقایان که در راس سپاه پاسداران هستید، خودتان را، توجه کنید به خودتان، توجه کنید ببینید که در این خدمت، اخلاص دارید برای خدا، برای خدا خدمت می کنید، برای احکام خدا خدمت می کنید، برای جمهوری اسلام خدمت می کنید یا اینکه نه، مقصدتان چیزهای دیگری است و این بهانه است. این محک را در خودتان آزمایش کنید، اگر دیدید اغراض خیلی دنبال هم اغراض است که پیش می آید، غرض های نفسانی است، این (من باید چه باشم، او باید چه باشد) غرض های حیوانی است، اگر دیدید اینطور است، باید خودتان را از این ورطه ای که مهلک است نجات بدهید. مبادا یک وقت تمام عمر انسان در خدمت طاغوت بوده و خودش نمی فهمیده. این از اموری است که اینقدر دقیق است که خود انسان هم خودش را نمی تواند بفهمد. گاهی انسان از اول عمرش تا آخر عمرش دارد رو به جهنم می رود و نمی فهمد. از اول عمر تا آخر عمر دارد روی اغراض نفسانیه عمل می کند، پاسداری هم اگر می کند، روی اغراض نفسانیه است و به خدا ارتباط ندارد، در ارتش هم که هست، خدمت نظامی هم که می کند روی اغراض نفسانیه است و ارتباط به خدا ندارد، طلبه هم هست و درس هم که می خواند روی اغراض نفسانیه است به خدا ارتباط ندارد، ملا هم هست و فتوا می دهد روی اغراض نفسانیه است به خدا ارتباط ندارد. این معیاری که خدا تعیین فرموده است اینهاست که (والذین کفروا و اولیاهم الطاغوت) میزان ایمان و غیر ایمان، ممکن است که ما بلفظ و با شهادت به آن چیزهائی که میزان است در اسلام، شهادت بدهیم، شهادتمان هم جدی باشد لکن باز در آن محکی که خدا قرار داده است ببینیم که ما در آن، در آن جمعیتی که دو دسته کرده خدا، (الذین امنوا و الذین کفروا) بخواهیم بفهمیم که ما از سنخ کفار هستیم ولو در مسلمین، مسلمین و احکام اسلام به ما ما مسلمانی، مسلمان هم این است که شهادتین را بگویند و آدابش هم بجا بیاورد لکن ایمان یک مسأله فوق این است، یک مطلبی بالاتر از این است. ما باید خودمان را امتحان کنیم به همین میزانی که

خدا قرار داده، بفهمیم ولی ما خداست یا ولی ما طاغوت است، ما داریم خدمت به شیطان می کنیم یا خدمت به خدا می کنیم. ما که داریم درس خوانیم، برای خدا درس می خوانیم یا برای هواهای نفسانی که همان شیطان است. ما که داریم فتوا می دهیم، برای خدا فتوا می دهیم یا برای هواهای نفسانی که همان شیطان است. ما که در ادارات کار می کنیم، برای خدا کار می کنیم یا برای هواهای نفسانی که همان طاغوت است و شیطان است. این محکی است که خدا قرار داده. برادرها! اینجا یک منزلی است که شما هستید، از این منزل باید بروید، این خرقة را باید تهی کنید، زود و دیر دارد اما اینطور نیست که نباشد، هست، ممکن است یکی صدسال هم زنده باشد لکن خواهد رفت. آیا وقتی می رود در نور وارد می شود، یا در ظلمت؟ میزان همین جاست. شما که پاسدارهای اسلام هستید و رفقایان پاسدار اسلام هستید، ببینید که اغراض هست که شما را وادار کرده به اینها و هر روز یک بهانه ای می گیرند و یک کار مثلاً خدای نخواستہ می کنید یا نه شما یک راه مستقیم را، یک صراط مستقیم را دارید می روید، انحراف از این طرف و آن طرف نیست؟ صراط مستقیم آن صراطی است که یک طرفش اینجاست و یک طرفش خداست، مستقیم که راه صاف است، هر انحرافی از هر طرف، انحرافی است که انسان را از راهش باز می دارد و می کشدش به طرف ظلمت ها.

ولایت خدا و روحیه الهی زاینده از نهضت را حفظ کنید

شما کوشش کنید که اغراضتان را کم کنید حتی الامکان تا انشاءالله موفق بشوید که اغراض در شما بمیرد، شما خدمت برای اسلام می خواهید بکنید، از اول هم همین طور، وقتی که این نهضت و این انقلاب اسلامی بپا شد همه گروه هائی که در ایران بودند (الا آن منحرف هائی که همیشه منحرفند) اینها همین طور به طور خودکار، هیچ کس نیامد به شما بیخ گوشتان بگوید بیا برویم چه، خودتان اصل فهمیدید که باید این راه را رفت، این راه، راه خداست، شما یک مرتبه اش را طی کردید و او اینکه موانع را که برای پیشرفت اسلام بود و برای پیشرفت احکام اسلام بود، از بین برداشتید، البته بعضی موانع هست اما مهمش را از پیش برداشتید و همه تان با هم، همه اهالی این مملکت با هم یکصدا شدند و در آن حالی که همه با هم یکصدا مشغول به فداکاری بودند، هیچ طاغوت در کار نبود، الله بود، یک تحول عجیب معجزه آسایی در شما و در سایر قشرهای ملت پیدا شده بود که اصلاً "فکر اینکه ما یک مقامی داشته باشیم یا این کار را می کنیم برای مقامی، این کار نبوده است. آن کسی که با مشت گره کرده جلوی تانک می رود و زیر تانک می رود این برای مقام دیگر نیست، این برای خداست. آن کسی که بدون اسلحه حمله می کند به اسلحه دارهائی که آنها بدون ملاحظه می زنند، این دیگر برای این نیست که برسد به یک نوای دنیائی، دارد جانش را می دهد، کسی که از دنیا می خواهد بگذرد، دیگر نمی شود برای دنیا باشد. در آن تحول همه تان، تقریباً همه آنهائی که در میدان وارد بودند زن ها، مردها، بچه ها، بزرگ ها، زن ها با بچه های کوچکی که در آغوش شان بود، در آن حال هیچ ابداً شبهه شیطانی نبود، هیچ آمال شیطانی توی آن نبود، آن حالتان را یاد بیاورید. آن حالی که بالای پشت بام ها می رفتید و

الله اکبر

می گفتید و شیاطین در اطراف بودند که شما را نشانه بگیرند. در خیابان ها می ریختند و مقابله می کردید با آنهایی که از خدا نمی ترسیدند و شما را زیر تانک می خواستند بگیرند. آن حالتان را یاد بیاورید. آن حال _ حال _ حالی است که ولی شما خدا بود یعنی همه چیزتان الهی بود، همه حرکت، حرکت الهی بود، شماها یدالله بودید در آنوقت و این جماعت، این جماعت هائی که با هم یکصدا فعالیت کردند اینها یدالله بودند (یدالله مع الجماعه) آن حال را یادتان باشد، همان حال را حفظش کنید، نگوئید حالا تمام شد قضیه و حالا بیائیم سر تقسیم، تقسیمی توی کار نیست، تقسیمی که نیست، تقسیم مال آنهایی است که برای آمال دنیایی کار کردند، شما رفتید جانتان را در طبق اخلاص گذاشتید و هدیه کردید، برای شکم رفتید این کارها را کردید که حالا می خواهید تقسیم کنید؟! تقسیمی توی کار نیست، از خدا بخواهید، از خدا اجر بخواهید. آن چیزهائی که در دنیاست اجر این نیست که شما جانتان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید حالا عوض اینکه جانتان را فدا کردید یک خانه می خواهید، یک دکان خواهید، یک پست می خواهید، اصلاً می شود این عوض او باشد؟! کسی که همه چیزش را، خودش را، جوانش را، همه چیزش را فدا کرده است این حالا بیاید بگوید که یک خانه ای بدهید عوض این، این عوض دارد اصلش؟! این فداکاری جز خدا کسی نمی تواند عوض بدهد، اگر همه این دنیا را به شما بدهند، عوض او نیست. آن حال را حفظ کنید، برگردید به آن حال، دوباره شما تحت رهبری شیطان نباشید، ولی شما طاغوت نباشد. آن حال اگر حفظ بشود، الان هم شما، همان ولایت خدا در شما حکومت می کند و هیچ چیز هم عوض این نمی شود. شمائی که می روید در کردستان و فداکاری می کنید، این فداکاری در دنیا عوض ندارد که شما عوض بگیرید. اگر توی ذهن تان آمد برویم یک عوضی بگیریم، معلوم می شود برای خدا نبوده، برای دنیا بوده اگر قضیه تقسیم اموال است این معلوم شد مال دنیا بوده که حالا می خواهند تقسیم اموال بکنند. در جنگ حنین که مسلمین پیش بردند و غنائمی به دست آوردند، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام این غنائم را داد به همین اهالی مکه و ابوسفیان و امثال اینها، همه غنائم را به آن کسانی که مخالفش بودند داد بعضی ها گله کردند که آخر مثلاً چه، ما هم بودیم فرمود که شما حاضر نیستید که آنها شترها را ببرند و شما پیغمبر همراهتان باشد آنها شتر بردند، قسمت شما پیغمبر است. حیف است انسان فداکاری بکند آنوقت شتر بخواهد. شمائی که الان بعضی تان در، شاید خودتان هم بودید در کردستان و آن وقایع کردستان و آن فداکاری ها، حالا که برگردید شتر می خواهید؟! برای خودتان یک چیزی می خواهید؟! چیزی می تواند مقابل این فداکاری باشد؟! بگذرید از این علائق، اینها، این علائق همه اش ظلمت است، همان ظلماتی است که خدا می فرماید و (الذین كفروا اولیاً هم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات). فطرت همه بر نورانیت است. فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است، به دست خود ما این فطرت به جهالت ها، به ظلمات کشیده می شود و ما باید خودمان را مواظبت کنیم، باید مجاهده بکنیم خودمان را، باید حساب خودمان را بکشیم قبل از اینکه آنجا حساب از ما بکشند. خودتان حسابتان را بکشید قبل از اینکه حسابگرها حساب شما را بکشند. همه لحظات چشم های شما، همه خاطرات ذهن

شما، تمام تفکرات باطن شما در حضور خداست و در نامه ها هم در پرونده ها ثبت است. هر لحظه ای که در لحظات چشم شما بر خلاف آن چیزی که دستور است واقع بود، در حضور خداست و ثبت است و در روایات هم هست که اینها هفته ای دو مرتبه اعمال عرضه می شود بر ولی امر، بر امام زمان سلام الله علیه. توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان سلام الله علیه خدای نخواستہ آزرده بشود و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشود که اینها شیعه های من هستند، اینها دوستان من هستند و بر خلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعل می شود. ای پاسدارهای عزیز و ای سربازهای اسلام! در هر جا هستید از خودتان هم پاسداری کنید تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نائل شوید. من امیدوارم که شماهایی که در این نهضت با آن جوش و با آن خروش و با آن فداکاری شرکت کردید، در این بین راه، یک کسی نباشید که نارفاقتی بکنید و بین راه رها کنید. این قافله راه افتاده است و دارد طرف خدا می رود، همه با هم باشید در این راه، وقتی همه با هم شدید در این راه، خداوند با شماست، تفرقه نکنید، با هم برادرند همه (انما المومنون اخوه) برادرید. باید باز این یک محکی است که ما بینیم که به دیگران به چشم برادری نگاه می کنیم و برادروار با هم هستیم یا نه خدای نخواستہ یک خصومتی توی کار هست و یک گرفتاری هائی هست. مؤمن آن است که با مؤمن دیگر برادر باشد، این عقد برادری را خدا در اصل برای شما ایجاد کرده. برادرها! ما بین راه هستیم و دشمن در کمین. یک راهی است که شخصی ما داریم می رویم که این صراط الهی است دشمن ابلیس است و می خواهد نگذارد شما این راه را طی کنید، مراقبت از خودتان بکنید که این راه را با سلامت طی کنید و در آنجا که می روید با سلامت وارد بشوید. یک راهی هم، راهی است که اجتماعی باید برویم و بروید و او پیشبرد اهداف اسلامی است که بحمدالله تا اینجا که آمدید، خوب آمدید و از اینجا به بعد هم با سلامت و خوبی پیش بروید. اگر چنانچه همان حالی که در زمان انقلاب و آنوقتی که همه تان در خیابان ها و در میدان ها وارد می شدید آن حال را به نظر بیاورید، حالا- هم همان حال را در خودتان احیاً کنید، ایجاد کنید آن حال را اگر چنانچه در خودتان ایجاد کنید، همه با هم برادر خواهید بود و این آمالی که در همه ممکن است خدای نخواستہ باشد اینها از بین می رود و به جای او صفا، برادری می نشیند.

جمهوری اسلامی امانتی در دست ملت

شما الان یک امانتی دست تان هست باید حفظش کنید، آن امانت جمهوری اسلامی است این را خدا داد به ما، ما نباید خیال کنیم که ماها چه کردیم. اگر ما بگوئیم ماها چه کردیم، این همان حرف های شیطان است، این را خدا به ما داده. یک جمعیت کمی که هیچ چیز نداشت، خدا به او عنایت کرد که آن قدرت های بزرگ را شکست و جمهوری اسلامی را هم با همه نهادهائی که دارد بحمدالله تعالی تحقق پیدا کرد. الان جمهوری اسلامی امانتی است دست ما، اگر ما در اینجا یک وقتی خدای

نخواستہ با ہم خلاف بکنیم ، سپاہ پاسداران بین خودشان اختلافی باشد ، بین خودشان با سایر قوای انتظامیہ خلافی و اختلافی باشد ، آنها با شما خلاف و اختلافی بکنند ، قشرهای دیگر ملت با ہم سر دنیا ہی خلاف کنند ، اگر اینطور بشود ، این امانت را ما نمی توانیم به صاحبش رد کنیم . باید امانت را به اهلش رد بکنیم ، جمهوری اسلامی را به آخر برسانیم و احکام اسلام را در کشور خودمان اول و انشاء اللہ در همه کشورها بسط بدهیم . این امانتی است کہ باید حفظش بکنیم . نروید دنبال آمال و آرزوها و مسائل دیگری کہ پست هست و شیطانی . باید علو همت داشته باشید . همانطوری کہ جان را کہ می خواستید فدا کنید بالاترین علو همت بود ، حالا ہم علو همت پیدا بکنید و از اینکه یکی جلو و یکی عقب ، هیچ ابداعتنایی به این مسائل نکنید ، همه در محضر خدا با ہم هستند و همه انشاء اللہ از جنود خدا و ولی همه انشاء اللہ خدای تبارک و تعالی است و شما را از همه انواع ظلمات انشاء اللہ خارج می کند و به نور مطلق می رساند . خداوند همه تان را تایید کند ، موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 129

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر قوای انتظامی

شما باید همچون علی (علیه السلام) در مقابل دشمن کوبنده و در بین خودتان رحیم باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

من این عید سعید را به همه ملت ایران و بخصوص سپاه پاسداران و سایر قوای انتظامی تبریک عرض می کنم . این روزی است که به واسطه تولد مولا علیه السلام که تولد عدالت مطلق و تولد رحمت الهی است ، به همه شماها تبریک عرض می کنم . من امیدوارم که این عدالت که به چهره تابناک علی بن ابیطالب سلام الله علیه ظاهر شده است ، در ملت ما و بخصوص قوای انتظامیه جلوه گیر شود . شماها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و پاسدار اسلام و قرآن هستید باید به همان نحو که مولا علیه السلام مظهر عدالت بود و مظهر رحمت ، شما هم اقتدای به آن حضرت کنید و با عدالت با مردم و بین خودتان رفتار کنید و با عطفوت . از خاصه هائی که خدای تبارک و تعالی برای مؤمنین ذکر می فرماید ، این است که (اشدأ علی الکفار رحماً بینهم) بر کفار شدید هستید و کوبنده ، و در بین خودشان رحیم و با رحمت رفتار کنید . ما اگر بخواهیم بفهمیم که مؤمن هستیم و تابع دستورات اسلام هستیم ، باید این میزان را در خودمان ببینیم هست و برای مشرکین توفنده و کوبنده و برای مسلمین رحمان و رحیم و با رحمت . من امیدوارم که این عدالتی که به یمن وجود اسلام و اولیاء اسلام در بین بشر آمد ، ما بتوانیم بعد از دو هزار و پانصد سال ظلم و رژیم ظالم و بعد از پنجاه سال خیانت و ظلم ، ستم و چپاولگری بتوانیم انشاءالله تعالی در ایران اولاً و در سایر جهان بعدها پیاده کنیم .

این تحول روحی معجزه آسا را حفظ کنید

برادران باید متوجه باشند که هر صفت کمالی که در دنیا بخواهد باشد ، هر شخصی باید از خودش شروع کند . شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد ، روح شما منقلب بشود و بحمدالله تعالی در این نهضت و در این انقلابی که واقع شد ، روح ملت ما و خصوصاً جوان پاسداران ، سربازان ، انقلاب پیدا کرد . انقلاب معجزه آسا آنکه ، آن روحی که با سالها مجاهدت نمی شد متحولش کرد به یک روح انسانی ، فداکار برای انسان و اسلام ، کان در یک شب واقع شد . جوانان ما را که در طول تاریخ و خصوصاً در این اواخر کشانده بودند به مراکز فساد و نقشه این بود که جوانها به مراکز فساد کشیده بشوند تا میدان

خالی بشود برای چپاولگران، در این انقلاب به طور معجزه آسا از مراکز فساد کشیده شدند به میدان مبارزه. آنهایی که فکر نمی کردند جز برای عیاشی و امثال ذلک، یکدفعه متحول شدند به یک انسان هائی که پشت کردند به آن رژیم و به آن پیوندهائی که رژیم در این عالم در ایران درست کرده بود، به آنها پشت کرده و روی به قرآن کریم و به اسلام آوردند. مبارک باد بر شما این روز و مبارک باد بر شما این تحول. لکن از حالا به بعد هم ما احتیاج داریم که این تحول روحی محفوظ بماند، احتیاج داریم همه ما به اسلام و تعالیم عالیه اسلام، به اینکه این تحول روحی که در اول حاصل شد و معجزه آسا بود، این را حفظ کنید، در فکر پیشرفت باشید، در فکر این باشید که به جلو بروید، بر نگرید به عقب. اگر انحطاط اخلاقی یا فکری حاصل بشود، این برگشت به عقب است و ارتجاع و اگر پیش بروید و با همان خلقی که در مبارزه برای شما پیدا شد و همان تحولی که در اول انقلاب برای شما پیدا شد و با همان تحول، بساط ظلم را به هم پیچیدید، انشاءالله روبرو قرآن می روید و روبرو به اسلام و روبرو به خدا، صراط مستقیم، همان راه اسلام و خدا را طی کنید که صراط انسانیت است. راه همین است، راه مستقیم همین است. آن راهی که شما در سوره حمد در نماز می خوانید که (اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین) صراط مستقیم همین صراط اسلام است که صراط انسانیت است، که صراط کمال است که راه به خداست. سه راه هست، یک راه مستقیم و یک راه شرقی مغضوب علیهم و یک راه غربی ضالین. شما به همین راه مستقیم که راه انسانیت، راه عدالت، راه جانبازی برای اسلام و عدالت اسلامی است بروید. این راه مستقیم را اگر چنانچه بدون انحراف به این طرف و آن طرف، بدون انحراف به شرق و غرب، بدون انحراف به آن مکتب های فاسد طی کردید، این راه مستقیم، منتهی به خدا می شود. آن صراطی که تا جهنم کشیده شده است، اگر مستقیم در این عالم حرکت کنید، از آن صراط مستقیم رد می شوید. جهنم باطن این دنیا است. اگر مستقیم از این راه رفتید و طرف چپ یا راست منحرف نشدید، از صراط در این عالم هم مستقیم عبور می کنید و به چپ یا راست متمایل نمی شوید، که اگر به چپ متمایل بشوید به جهنم است و اگر به راست متمایل شوید جهنم است. راه خدا مستقیم است. (صراط الذین انعمت علیهم) صراط، راه آنهایی که خداوند به آنها منت گذاشته است و نعمت عطا فرموده است، نعمت اسلام، بزرگترین نعمت، نعمت انسانیت، بزرگترین نعمت شما به همین راه مستقیم، در همین راهی که آمیدید و برای اسلام آمیدید و برای پاسداری از اسلام آمیدید و همه ما و همه ملت باید پاسدار باشد و پاسدار از اسلام و قرآن کریم باشد، این راه مستقیم است. راه پاسداری از اسلام، راه مجاهده در راه اسلام، در راه خدا، این راه مستقیم است. این همان صراط مستقیمی است که شما در نماز از خدا می خواهید. انحراف پیدا نکنید که انحراف یک طرفش مغضوب علیهم است و یک طرفش الضالین است. گمراهان، آنهایی که خدای تبارک و تعالی به آنها غضب کرده و آنهایی که گناهکار هستند، هر دوی آنها راهشان به جهنم است، برادران! تا اینجا خوب آمیدید و خدا به شما توفیق بدهد. از اینجا به بعد هم خوب بروید و خداوند شما را تأیید کند. شما با خودتان، با خدای خودتان قرار بدهید

که این راه را به آخر برسانید و قرار بدهید که سربازان اسلام باشید تا آخر و انشاءالله دست تمام مغضوب علیهم و الضالین را از این مملکت کوتاه کنید . خداوند همه شما را موفق و مؤید کند و من خدمتگذار همه شما و دعاگوی همه شما هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 132

پیام امام خمینی در رابطه با کنفرانس رسیدگی به جنایات آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که نمایندگان بعضی از ملت ها و احزاب سیاسی برای رسیدگی به جرائم دولت آمریکا و وابستگان آن از آن جمله محمدرضا شاه مخلوع به ایران، این کشور غارت زده و مظلوم آمده اند با تشکر از زحمات آنان باید تذکر دهم که ملت و دولت ایران قادر نیستند که جمیع اسناد جرائم پنجاه ساله رژیم سابق و جرائم بیش از سی سال دولت آمریکا را به شما نمایندگان محترم عرضه دارند.

چطور ممکن است اسناد قتل ها و شکنجه های وحشیانه و زندان های رژیم سفاک گذشته را در طول پنجاه سال از سراسر کشور جمع آوری کنند و چگونه می توانند اسناد و اسامی شهدای مسجد گوهرشاد و قتل عام های مکرر در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا و از 15 خرداد 42 تا زمان سقوط رژیم را خصوصا در دو سه سال اخیر را جمع آوری کرده و عرضه نمایند و چطور می توانند تمام قراردادهای تحمیلی از طرف دولتمردان آمریکا توسط شاه خائن علیه ملت مظلوم ایران را مفصلا ارائه دهند. و چطور ممکن است قبرستان های شهدای ما را که در سراسر ایران بر اثر کشتارهای دسته جمعی بوجود آمده است ارائه دهند.

و چگونه ممکن است معلولین از 15 خرداد 42 تا سال های اخیر را که در شهرهای سراسر کشور متفرقند به شما ارائه دهند.

آنچه دولت می تواند ارائه دهد اسناد ناچیزی است که عمال دولت آمریکا نرسیده اند تا آنها را محو کنند و اسنادی است که حتی بعد از سقوط شاه در اصطلاح سفارت آمریکا موجود است. با آنکه اکثر اسناد مهم به دست کارمندان این به اصطلاح سفارتخانه پودر شده است که امکان استفاده از آنها دیگر نیست ولی آنچه به دست آمده است دخالت آمریکا را در کشور ما ثابت می کند.

مستشاران آمریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالت های مستقیم داشتند. تحمیل کاپیتولاسیون بر ملت مظلوم ما به وسیله شاه مخلوع سابق از بزرگترین جنایات آمریکا بود که با مخالفت روحانیون و ملت متدین مواجه گشت و از آن پس چه ستم ها و چه جنایات که بر ملت ما وارد نشد.

شما آقایان نمایندگان بدانید سفارت آمریکا که به دروغ نام آن را سفارتخانه گذاشته اند دارای دستگاه هائی است که مخصوص جاسوسی در ایران و منطقه است و این محل برای جاسوسی و دخالت در مقدرات کشور ما تأسیس شده بود.

پیاده کردن قوای نظامی در کشوری مستقل جرمی است نابخشودنی و بار دیگر کارتر گفته است دوباره در ایران دخالت نظامی می کنیم . باید بگویم ملت ما آنچه تاکنون از اکثر دولت ها دیده است طرفداری از ظالم و محکوم کردن مظلوم می باشد . ملت ما اکنون چشم به شما نمایندگان دوخته اند که برای رسیدگی به جرائم و شاه مخلوع به ایران آمده اید و از شما امید عدل و انصاف دارد . ما امیدواریم که نتیجه این بررسی محکوم نمودن ظالم باشد .

از خداوند متعال نجات مستضعفان جهان را خواستارم .

والسلام علی من اتبع الهدی

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 134

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت کننده در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران

وحشت کارتر از بررسی مداخلات آمریکا در ایران دلیل مجرم بودن اوست

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید تشکر کنم از آقایانی که زحمت کشیدند و به کشور خراب مظلوم ما آمدند . انشاءالله خداوند توفیق بدهد به همه که به راه حق بروند و از مظلوم ها طرفداری کنند در تمام کشورها . من یک سؤالی دارم و آن اینکه چرا آقای کارتر از آمدن این هیأت ها به ایران اینقدر وحشت دارد و چرا برای کسانی که از مملکت خودشان هستند و از شخصیت های بارز هستند ، برای آمدن ایران جریمه قرار داده است و چرا از آمدن شاه به ایران اینقدر وحشت دارد و چرا از محاکمه این اشخاصی که در سفارت اینجا که به اصطلاح ما لانه جاسوسی است وحشت دارد ؟ اگر ایشان دخالتی در مقدرات مملکت ما نکرده است و اگر دولت آمریکا با سرنوشت مملکت ما کار نداشته است و سفارتخانه او مثل سفارتخانه های صحیح هست ، این باید پیشقدم بشود به اینکه هیأت هائی بیایند رسیدگی کنند . چرا اینقدر وحشت دارد از اینکه رسیدگی بشود ؟ مگر چه کرده است ؟ مگر دولت آمریکا با مملکت ما چه کرده است که ایشان وحشتناک است ؟ اگر آنطوری که ایشان مدعی هستند و طرفدارهای ایشان مدعی هستند ، با کمال خوبی رفتار کرده است و به قوانین بین المللی احترام گذاشته است و با ایران به طور ظلم و جور رفتار نکرده است ، باید ما که ادعا می کنیم ، او بفرستد یک عده ای خودش ، تجهیز کند یک جمعیت هائی از همه اطراف دنیا که بیایند اینجا و ببینند که او چقدر رفتار خوب کرده است ، چقدر با مردم ایران به انسانیت رفتار کرده است و این ایرانیانند که نمک شناسند! ما اگر دلیل دیگری نداشتیم برای مجرم بودن آمریکا جز این جلوگیری کردن از افرادی که از ملت خودش است و از شخصیت های بزرگ ملت خودش هستند و او برای آنها جریمه قرار داده است پنجاه هزار دلار و ده سال حبس . مگر چه شده است ؟ مگر چه کرده است در اینجا که برای افرادی که می خواهند بیایند رسیدگی کنند جریمه قرار می دهد ؟ ما اگر هیچ دلیلی نداشتیم الا این ، کسانی که اطلاع نداشتند می فهمیدند که یک مسأله ای در کار هست که این وحشت را دارد ، کارهائی انجام شده است که این وحشت را دارد .

کشورهای ضعیف میدان همیشگی تاخت و تاز ابرقدرت ها

مع الاسف ملت های ضعیف ، کشورهای ضعیف در حال جنگ و در حال صلح ، اینها پایمال

می شوند. گفته می شود که خروس، هم در عزا و هم در عروسی ذبح می شود، ملت های ضعیف هم اینطورند. من هر دو جنگ بین المللی را یادم هست و گمان ندارم هیچ کدام از شما جنگ بین المللی اول را یادش باشد. ما در جنگ بین المللی هم مشاهده می کردیم، من کوچک بودم لکن مدرسه می رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم در خمین، من آنجا آنها را می دیدم و مورد تاخت و تاز ما واقع شدیم در جنگ بین المللی اول. جنگ بین المللی دوم را بسیاری از شماها یادتان هست که ما مورد تاخت و تاز این سه قوه واقع شدیم، آمریکا، انگلستان، شوروی. سربازهای آنها در همه کشور ما تقریباً پخش بودند. شوروی تقریباً از بیرون تهران تا خراسان، انگلستان در قم و آنجاها و کسان دیگر هم جاهای دیگر. ما مورد تاخت و تاز بودیم به عنوان پل پیروزی. ما باید مورد تاخت و تاز بشویم تا آقایان پیروز بشوند بعد هم که پیروز شدند و حال صلح پیش آمد باز ما ذبح شدیم. کشورهای ضعیف اینطورند، در حال صلح مورد تاخت و تازند و ذبح و در حال جنگ هم همین طور. ما حال صلح مان بدتر از حال جنگ مان بود و در حالی که دنیا در صلح به خیال خودشان آرامش و صلح بود، این قوای بزرگ جنگ نداشتند، فرصت داشتند که همه چیز ما را از دست بدهند، ببرند، بگیرند از ما، ما در طول مدتی که انگلستان و آمریکا در اینجا دخالت مستقیم داشتند، هیچ چیز نداشتیم، نه فرهنگ ما یک فرهنگ سالم بود و فرهنگ خودمان بود، نه تربیت می شد در دانشگاه های ما اشخاصی که برای خود ملت باشند و به درد خود ملت بخورند و نه قوای نظامی ما از ما بود و برای ما بود و نه جهات اقتصادی ما مربوط به خودمان بود، تمام طرح هائی که ریخته می شد از آنجا بود. شاه مخلوع در یکی از کتاب هایش که بعد جمع کردند، این کلمه بود که بعد از اینکه این قوای ثلاثه آمدند و اجتماع کردند سرانشان در تهران، او نوشته است که اینها صلاح دیدند که من باشم، ما باشیم در ایران. بعد آنهایی که اطرافش بودند، لابد به او فهماندند که بد غلطی کردی. آن کتاب را با آن جمله را دیگر محو کردند و جمع کردند از قراری که گفتند. این یک سندی است از زبان یک نفری که در اینجا به طور ظلم سلطه داشت، این یک اقراری است (که) از او به اینکه آنها من را در اینجا قرار دادند. قبل از او برای پدرش هم همین مسأله بود منتها آن را خود انگلیس ها در رادیوی دهلی اقرار کردند، گفتند ما رضاخان را آوردیم در ایران و سلطنت به او دادیم لکن به ما خیانت کرد و او را بیرون کردیم. این هم اقراری بود که انگلستان کرد آن هم اقراری بود که همان کسی که دست نشانده خود آنها بود کرد. در یکی از صحبت هایش محمدرضا گفت که لیست وکلا را از سفارتخانه می نوشتند و پیش ما فرستادند و ما ملزم بودیم که آنها را وکیل کنیم. ما، هم وکلا را با این کلمه می شناسیم و هم محمد رضا را و دستگاه های دولتی را با این کلمه می توانیم بشناسیم و هم آمریکا و شوروی و انگلستان را. اینها شواهدی است که هست.

ما نمی توانیم صدای مظلومیت این ملت را به دنیا برسانیم

ما می خواهیم ببینیم که این ملت چه می گفتند. از اول که رضاخان سرکار آمد و مشغول به

فسادکاری شد و قیام کردند علمای اسلام، از آذربایجان یک دفعه، از خراسان یک مرتبه، بعدش هم باز یک دفعه دیگر و از اصفهان یک دفعه که علمای ایران هم تقریباً از بسیاری جاها به اینها ملحق شدند، اینها میخواستند جنگ بکنند؟ چه می گفتند اینها؟ مردم در پانزده خرداد چه می گفتند؟ این پانزده خردادی که فردا سالروزش هست، مردم چه می گفتند که مستحق این بودند که آنطور که گفتند پانزده هزار مظلوم را اینها به خاک و خون کشیدند و از قراری که می گفتند هدایتش هم خود شخص شاه مخلوع می کرده، اینها چه می گفتند که مستحق این مسائل شدند؟ ملت ایران در طول این قریب بیست سال که از اول پانزده خرداد تا حالا هست، اینها چه می گفتند؟ چه می گویند؟ مع الاسف تمام رسانه های گروهی خارج و بعضی از داخلی ها همه در خدمت ابرقدرت ها هستند ما می توانیم صدای مظلومیت این ملت را به دنیا برسانیم، ما وسیله نداریم. همه روزنامه های خارج به ضد ما چیز می نویسند، همه رادیوها و تلویزیون های خارج به ضد ما پخش می کنند اکاذیب را. در دنیا ایران را مثل یک جنگلی که تویش یک دسته وحشی جمع شده اند و ریخته اند به جان مردم و دارند قتل عام می کنند همه را و پستان های زن ها را می برند و چه می کنند و چه می کنند. ما چطور ندای مظلومیت این ملت را به دنیا برسانیم؟ کی می رساند این ندا را به دنیا؟ همه در خدمت آنها هستند. حالا ببینیم که شما آقایان و خانم ها که آمدید و رسیدگی کردید اینجا، می توانید، همچو قدرتی دارید که این مسائل ایران را برسانید. ما می خواهیم که آئی که حقیقت است، هیچ نمی خواهیم طرفداری از ما بشود، ما می خواهیم طرفداری از حقیقت بشود، آنچه که حقیقت است شما به ممالک خودتان برسانید، آنجا بگوئید قضیه پانزده خرداد را که چه بوده است و فردا مشاهده می کنید که این ملت که پانزده خرداد را همیشه عزادار خواهد بود می بینید که این ملت چه می گوید، پانزده خرداد با آنها چه کرده است، هفده دی با آنها چه کرده است. ما هر روز در طول این قریب دو سال که نهضت بالا گرفته بود، ما هر روز یک مسأله ای داشتیم، یک مسأله قتل عامی. آیا هیچ شما اطلاع از این حبسی های زمان رضاخان و محمدرضا، خصوصاً زمان محمدرضا هیچ اطلاعی از اینها پیدا کردید؟ هیچ می توانید تصور کنید که در این زیرزمین هائی که در محبس های اینها موجود است با این جوان های ما چه کردند اینها؟ شما به تلویزیون در دیشب، پریشب که دادگاه را نمایش می داد نگاه کرده اید ببینید که آنهایی که خودشان را نشان می دهند یکی دو تا مورد است این فعل که چه بوده است قصه؟ شما می دانید که پای بعضی از روحانیین ما را در حبس اهر کردند؟ شما می دانید که در تاوه گذاشتند این جوان های ما را و بو دادند؟ ما چطور مطالبمان را به دنیا برسانیم؟ من گمان می کنم که شما هم نتوانید. فردا وقتی که رفتید در محل های خودتان، شروع کنند آن قلم های اجیر و آن خیانتکارهای به همه بشریت شروع کنند بر ضد شما یک چیزهائی را نوشتن که حرف های شما را خنثی کنند، لکن به اندازه قدرت تان حق را بگوئید.

ملتی که شهادت آرزوی اوست از دخالت نظامی و حصر اقتصادی باکی ندارد

ملت ما الان قیام کرده است و نهضت کرده است و من امیدوارم که پیش ببرد و هیچ قدرتی

نتواند در ایران دیگر آن کارهایی را که می کرد بکند. آقای کارتر و امثال او الان تمام همشان این است که دوباره آن مسائل را برگردانند که در زمان شاه مخلوع بود لکن این یک آرزویی است که این ابرقدرت ها باید به گور ببرند. ایران دیگر اجازه نمی دهد که اینها دخالت در آن بکنند. اگر چنانچه آنها خیال کرده اند که نظامی زیاد دارند و وسائل جنگ و آدمکشی زیاد دارند، ما هم مظلوم زیاد داریم و مشت گره کرده، و یوم مظلوم از یوم ظالم شکننده تر است. ما را اینها می خواهند در تنگنای اقتصادی قرار بدهند و قرار داده اند و مع الاسف این دولت هائی که ادعا می کنند که ما متمدن هستیم و ادعا کنند که ما مستقل هستیم، از همین مسأله فهمیده می شود که اینها چکاره اند. کارتر آنجا نشسته و حکفرمائی می کند و این ملت ها، دولت ها یعنی، این دولت هائی که تحمیل شده اند بر ملت ها اینها هم فرمانبرداری می کنند، اینها هم استقلال ندارند. نه اینکه همین دولت های ضعیف استقلال نداشته باشند، معلوم شد دولت های قوی هم استقلال ندارند. اینها نمی توانند، می ترسند از آمریکا که مخالفت با ما را نکنند، نه اینکه بخواهند مخالفت کنند، برای اینکه مخالفشان برای خوشان هم ضرر دارد، شاید بیشتر هم ضرر داشته باشد. بسیاری از دولت ها به ما گفته که ما همان چیزهائی که از دیگران می گیرید ما به شما می دهیم. ما کسی هم به ما ندهد ما یک مردمی هستیم مظلوم و استقلال خودمان را حفظ می کنیم. ما اگر امر دایر بشود به اینکه برگردیم به حال سابق بشریت و با الاغ از این طرف به آن طرف برویم و آزادیمان را حفظ بکنیم یا خیر، بنده آقای کارتر و امثال او از ابرقدرت ها باشیم و زندگانی های فلان و کذا داشته باشیم، ما آن را ترجیح می دهیم، ملت ما آن را ترجیح دارد می دهد. ملت ما شهادت را دارد ترجیح می دهد و می گوید که ما می خواهیم شهید بشویم. از اول نهضت تقریباً (من در نجف بودم آنوقت) تا حالا زن، مرد، جوان ها می آیند و از من استدعا می کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم، من دعا می کنم ثواب شهید پیدا کنند. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش از این در همین تهران داشتیم آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند بعد آن زن یک کاغذی به من داد خواندم دیدم می گوید که شما دعا کنید من شهید بشوم. زنی که تازه عروسی کرده، شوهر کرده می گوید شما دعا کنید من شهید بشوم. یک ملتی که شهادت را می طلبند و دعا می خواهند برای شهادت، اینها از دخالت نظامی می ترسند؟ اینها از حصر اقتصادی می ترسند؟ همه عالم درهای ممالک شان را به ما ببندند همه و ما باشیم، این عده ای که، سی و چند میلیونی که در این ایران زندگی می کنیم یک دیواری دور ایران بکشند و ما را در همین ایران حبس بکنند، ما این را ترجیح می دهیم به اینکه درها باز باشد و چپاولگرها بریزند به مملکت ما. می خواهیم چه بکنیم که به این تمدنی که از توحش بدتر است، این تمدنی که حیوانات بیابان در رفتارشان از آنها بهتر است ما می خواهیم چه بکنیم به این تمدن برسیم؟ این دروازه تمدنی که شاه مخلوع می خواست به روی ما باز بکند یعنی قدرت ها را بر ما مسلط کند و همه دارائی ما را ببرد و چند تا عروسک برای ما بفرستد، نفت ما را ببرند و برای ما پایگاه برای خودشان درست بکنند، ما این تمدن بزرگ را می خواهیم چه بکنیم؟ این تمدن است؟ این پدر و پسر و خصوصاً این پسر کشور ما را به عقب راند و همه چیز ما را به باد داد به طوری که اگر الان همه ملت

دستشان را به هم بدهند و دستشان را به همه داده اند بحمدالله و خواهند تعمیر کنند آن چیزی که در این قریب پنجاه سال بر ما گذشته است و آن چیزی که از بیست و چند سال پیش از این به وسیله آمریکا بر مملکت ما گذشته است، سال های طولانی لازم است تا ما ترمیم کنیم اینها را. ما می خواهیم چه بکنیم روابط داشته باشیم با آنهایی که می خواهند ما را بچاپند؟ رابطه ما با آنها غیر از این است که رابطه چپاولگر و چپاول بشو است؟ برای چه ما می خواهیم این را؟ درها را همه را ببندند و ما را محاصره اقتصادی بکنند، ما خودمان در اینجا مملکت وسیعی داریم، آب هم داریم، خدا باران هم به ما می دهد، خودمان می کاریم و می خوریم و هیچ احتیاجی به این مسائل نداریم. آنها نترسانند یک ملتی را که می خواهد خودش را به کشتن بدهد تا استقلالش را حفظ بکند. این استقلالی که ما پیدا کردیم و این آزادی که ما پیدا کردیم یک هدیه آسمانی است، یک هدیه الهی است به ما رسیده و ما مکلفیم این را حفظش کنیم. اگر ما این را حفظش نکنیم قدردانی از نعمت خدا نکرده ایم کفران کرده ایم نعمت خدا را. ما باید این را حفظش بکنیم. ما از این تهدیدهایی که می کنند و کشتی هایشان را می آورند در مثلا خلیج و امثال اینجا و از آن طرف و از آن طرف و اینها، حالا دیگر این حرف کهنه شده. پیشتر بله، زمان سابق اینطور بود که تا یک قراردادی را می خواستند تحمیل کنند یا یکی یک مثلا ناله ای می زد یک کشتی از انگلستان می آمد در آب های خلیج، تمام می شد مساله.

امدادهای غیبی خداوند عامل شکست ظالمین و پیروزی مسلمین

حالا همه کشتی هایتان را هم بیاورید اینجا، همه طیاره هایتان را هم بفرستید اینجا، مسأله حالا غیر سابق است، ما اتکال به خدا داریم، ما برای این جهان یک مدبر را می دانیم هست. آنهایی که تاکنون توجه نداشتند خوب توجه پیدا بکنند که یک ملتی که هیچ نداشت جز الله اکبر و او همه چیز است چطور همه قوا را کنار زد و این قوای شیطانی که همه پشتیبانش بودند، نه فقط ابرقدرت ها، قدرت های پائین دست هم دنبال او بودند و ما را نمی گذاشتند در یک مملکتی زندگی کنیم و فعالیت کنیم، همه موافق با او بودند. این چه بود که این ملت ضعیف بدون تجهیز بدون تدریب نظامی را بر اینهمه قدرت ها غلبه داد؟ این جز این بود که رعبی را که خدا در دل های این سران انداخت، ما را به رعب، به رعبی که خدا در قلب اینها انداخت پیروز کرد؟ این جز همان است که در صدر اسلام هم یک عده قلیل را بر عده های کثیر پیروز کرد و همچو رعبی در قلب انداخت که نتوانستند مقاومت کنند در مقابل سی هزار جمعیت عرب که هر چندتایشان یک شمشیر داشت و هر چندتایشان یک شتر داشت و آنها هفتصد هزار جمعیت بودند که شصت هزارشان طلوعه بود و غلبه کردند اینها بر آنها، چه بود؟ این جز این بود که یک دست غیبی در کار است؟! نباید بیدار بشوند آنهایی که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده اند؟ نباید بیدار بشوند؟ کی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که

می خواستند به ایران بیایند ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن ها ساقط کردند، شن ها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست، قوم عاد را باد از بین برد. این باد مأمور خداست، این شن ها همه مأمورند. تجربه بکنند باز.

مشت های گره کرده را که مشت های الهی است حفظ کنید

لکن ما نباید مغرور بشویم. من به ملت ایران عرض می کنم که مغرور نشوید. تمام قدرت، قدرت خداست و باید اتکال به او بکنید و خودتان را فانی بکنید در آن قدرت بزرگ. مادامی که ملت ایران همان قدرت اول را که قدرت معنوی بود و با الله اکبر پیش برد، مادامی که این حفظ بشود شما بیمه هستید، بیمه الهی هستید. خدا نکند که دست هائی که الان در کار هست و می خواهند شما را مأیوس بکنند، اینها در این شیطنت شان پیروز بشوند و شما را از آن حالی که در اول انقلاب داشتید منحرف کنند که آن روز، روزی است که خدای تبارک و تعالی عنایتش را خدای نخواستہ از شما برمی دارد و شما به همان حال ها می افتید. حفظ کنید، حفظ کنید آن حالی که در اول نهضت داشتید، شما نهضت برای شکم نکردید، شما نهضت برای اطاق و حیاط نکردید، شما نهضت نکردید برای اینکه یک مقامی پیدا بکنید، شما آرزوی شهادت نمی کنید به اینکه برسید به یک مثلاً فرشی و یک نوائی. این حال را که حالی است الهی حفظ کنید و مادامی که این حفظ بشود شما پیروز هستید و من وعده پیروزی به شما می دهم و خدای تبارک و تعالی وعده پیروزی داده است به شما (ان تنصروا الله وینصرکم) اقدامتان را ثابت نگه دارید و مشت های گره کرده را که مشت های الهی است حفظ کنید و از هیچ ابرقدرتی نترسید و از هیچ تبلیغاتی، هیچ خوفی نداشته باشید ما راه خودمان را می رویم و آن راه خداست.

بیداری مستضعفین اولین گام در مقابله با مستکبرین

و من امیدوارم که این هیأت هائی که آمدند و رسیدگی کردند گرچه نمی توانند رسیدگی کنند، آنها نمی توانند به همه دردهای ما برسند اسناد را به شما داده اند و اگر رفتید آن محل را هم دیدید و آن چیزهائی که در آنجا هست که هیچ شباهتی به سفارتخانه ندارد آنوقت تصدیق می کنید که مسأله، مسأله گروگان گرفتن یک عده دیپلمات نیست این چیزی است که قلم خارج و مطبوعات خارج به شما تحمیل کرده است که بگوئید دیپلمات ها، والا اگر اینها را ببینند می فهمید که این محل، محل دیپلمات نیست و این اشخاص، اشخاص دیپلمات نبودند. من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه ما و به همه مظلومین عالم و به همه مستضعفان جهان پیروزی عنایت کند تا همه از زیر بار این ابرقدرت ها خارج بشوند و مسأله ای است که باید بشود. مسأله اینطور شده است که دیگر مستضعفین در مقابل مستکبرین قیام کرده اند، بیداری اول قدم است، او قدم یقظه است. در سیر عرفانی

هم يقظه اول قدم است . در این سیر ، این هم سیر الهی و عرفانی است . بیداری اول قدم است و کشورهای اسلامی ، ملت های مسلم ، ملت های مستضعف در سرتاسر جهان ، اینها بیدار شده اند و سیاه های آمریکائی کتک این بیداری را می خورند و انشاءالله پیروز خواهند شد .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 141

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی

جمهوری اسلامی امانتی است الهی به دست همه ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

اول من دعا می کنم که خدای تبارک و تعالی به شما جوان های محترم، بانوان و جوانان عزیز سلامت و سعادت و دید اسلامی عنایت کند. هر قدر که این انقلاب اسلامی جلو می رود، هر قدمی که برمی دارد بر جلو، دشمن ها که هر قدمی یک شکست می خورند بیشتر مجهز می شوند. در قدم های اول شاید امید داشتند به اینکه این نهضت و این انقلاب به طور نارس در همان اول از بین برود، با این امید مخالفان ما و انگل های جامعه ما بودند تا اینکه شما قدم اول را برداشتید و رأی خودتان را به صندوق انداختید و جمهوری اسلامی را به آن رأی دادید با همه مخالفت هایی که از این گروه هایی که وابسته به رژیم سابق یا به چپ و یا به راست می شد. حالا که همه قدم ها برداشته شد و دیگر از حیث اساس حکومت جمهوری و جمهوری اسلامی ما دیگر کسری نداریم، اساس درست شده است، یأس آنها بیشتر شده است و ممکن است فعالیتشان هم، برای اینکه نگذارند یک کارهایی که حالا دیگر در جمهوری اسلامی که تمام اساسش ریخته شده است، نگذارند در مقام اجرا پیشروی کند. حالا شما و ما و همه ملت ایران بیشتر تکلیف داریم، حالا این جمهوری اسلامی با همه محتوایی که اساسش دارد و تحقق پیدا کرده است، یک امانتی است الهی به دست ملت ایران و همه ماها، همه شماها بی استثنا ملت ایران نگهبان آن باید باشند.

و شما دانشجوهای محترم و سایر دانشجویها که برای اسلام دلتان می تپد و می خواهید فرهنگتان فرهنگ اسلامی باشد تا افرادی که از او بیرون می آیند امثال آن افرادی که در رژیم سابق بودند، نباشند. حالا بیشتر دنبال این هستند که نگذارند اینطور امور واقع بشود، نگذارند دانشکده ها، دانشگاه ها، حتی دبستان ها و دبیرستان ها، نگذارند که اینها که یک همچو خیالی دارند و تصمیم بر این گرفتند که اساس فرهنگ را اسلامی کنند تا نتیجه اسلامی از آن بگیرند، اساس فرهنگ را طوری کنند که وقتی که افراد از آن بیرون می آیند افرادی باشند که به درد جامعه بخورند و به درد اسلام و کشور اسلامی، اینها تمام کوشش شان این است که جلوگیری کنند از یک همچو مقصدی که ملت ما و شما دانشجوهای محترم دارید. الان بسیار لازم است که با هوشیاری تمام توجه به دسیسه های آنها بکنید چه بسا که بیاند و عمال خارجی ها و ساواکی ها که آنها هم همان عمال خارجی هستند و گروه های منحرف که همه در یک

صف هستند بیایند در بین شما دانشجویها در دانشگاه ها ، در دانشکده های بیایند و آن وسوسه شیطانی را بکنند که شما را از آن مقصدی که دارید دلسرد کنند .

نصرت و عنایت الهی از موجبات پیروزمندی ملت ایران

این را کرارا من عرض کردم که آن چیزی را که دستگاه های جبار قدرت های بزرگ از آن می ترسند آن عبارت از اسلام است ، از اسلام اینها می ترسند و خصوصا حالا که آسیب دیدند از اسلام . پیشتر تصورات بود و اعتقاداتی که اعتقاد داشتند که اگر اسلام در این مملکت و در ممالک اسلامی تحقق پیدا کند آنطوری که باید باشد ، ممکن است که به آنها صدمه بزند و آن غارتگری هائی که می خواستند بکنند نتوانند بکنند . اما حالا آسیب را به عیان دیده اند ، اینها دیدند که یک قدرت بزرگ شیطانی ، یک قدرتی که همه قدرت ها هم همراه او بودند نتوانستند اینها را نگه دارند ، این قدرت داخلی را نتوانستند با همه قدرت های خارجی که پشت سرش بود نتوانستند نگه دارند . ملت ما این سد بزرگ را شکست . خوب ، آنها توجه به این دارند ، از ما بهتر هم توجه دارند که ملت ما یک ملتی بود که دستش از اسلحه های مدرن و اینها خالی بود ، حالا چند تا تفنگی که به دست پاسدارهای ماست اینها غنائم حربی است که به دست اینها افتاده است . کی همچو چیزهائی بود ؟ پیشتر سنگ بود و آجر و بیل و کلنگ مثلا ، بعد هم یک چیزهای مختصری ، کم کم پیش رفتند و یک چیزهائی درست کردند . این در مقابل آن چیزهائی که دست دشمن ما بود چیزی نبود .

آنها می توانستند با یک یورش بیایند و تهران را بمباران کنند و این نهضت را جلویش را مثلا بگیرند ، آن که نگذاشت این امور بشود ، آن که منحرف کرد همه را ، همه قدرتمندان را از اینکه دخالت حاد بکنند ، آن کی بود ؟ آن کی بود که مشت را بر مسلسل و تانک پیروز کرد ؟ غیر از خدا همچو قدرتی بود ؟ من و شما همچو قدرتی داشتیم ؟ آن کی بود که از مرکز تا سرحدات و همه اطراف تمام افراد کشور سی و چند میلیونی را به یک طرف بکشد و همه را یکصدا بکند ، از بچه های کوچک 7 ساله و 6 ساله ای که تازه یک صحبتی می توانند بکنند تا آن پیرمردهای 80 ساله ای که افتاده اند و دیگر نمی توانند کاری انجام بدهند همه اینها را یکصدا کرد . آن که این قلوب را با هم نزدیک کرد و این مشت ها را به یک طرف بسیج کرد ، آن کی بود ؟ کدام قدرت می توانست یک چنین معجزه ای را بکند ؟ در آن دهات دور افتاده از قراری که برای من در پاریس که بودم نقل کردند کسی آمده بود و گفت من دهات دورافتاده ای مثل چاپلق و بوربور (طرف های ماست این هم) و کمره و اینها رفتند ، صبح که می شود مردم دنبال آخوندشان می افتند و راهپیمائی می کنند . آن کی بود که یک همچو قدرتی داشت که سرتا ته کشور را افراد با همه گرفتاری هائی که داشتند از گرفتاری های خودشان منصرف کند و بیاورد در میدان مقابل توپ و تانک به مبارزه ؟ این کی بود که جوان های ما ، چه در مراکز فحشا در عصر تاریک پهلوی کشیده شده بودند در این شمیران و تمام بقعه هائی که در اینجاهاست مرکز اینطور گرفتاری ها برای جوانهای ما بود ، این کی بود که این جوان ها را از مراکز فساد به میدان مبارزه

کشاند؟ آن کی بود که این تحول را در کشور و در افراد ما این تحول را ایجاد کرد که اشخاصی که از یک پاسبان، یک بازار از یک پاسبان می ترسید، یک بازار! شماها دیده بودید اگر یک پاسبان می آمد در بازار تهران، بزرگترین بازار ایران و می گفت که باید بیرق بزنید کسی به خودش اصلاً چنین اجازه ای نمی داد که نخیر نباید. ابتدا چنین چیزی در کار نبود. آن کی بود که آن جمعیتی که اینطور بودند متحول کرد به یک جمعیتی که آمدند در میدان ها و فریاد زدند مرگ بر رژیم پهلوی؟ آنهایی که نمی توانستند یک کلمه ای راجع به این رژیم صحبت بکنند، نه راجع به رژیم، راجع به یک نخست وزیری، راجع به یک پاسبانی، آن کی بود که این تحول را یکدفعه ایجاد کرد؟ مدارس ما داشتیم که در مدارس بیابند تزیقاتی بکنند و از آن حال به حال دیگر؟ با مدارس با یک قرن هم نمی شود این کار را کرد. تبلیغات اینطور بود؟ تبلیغات، یک قرن تبلیغات هم این کار از آن نمی آید که به این معجزه آسانی، با وقت کم یک همچو کار بزرگی بکند. این، آن بود که مقلب القلوب است. آن دعائی که در تحویل وارد شده است تحقق پیدا کرد در ملت ما: (یا محول الحول و الاحوال یا مدبر الیل و النهار یا مقلب القلوب و الابصار، حول حالنا الی احسن الحال)

این تحقق پیدا کرد یعنی متحول شد حال ما از آن خوف به یک قدرت، از آن ضعف به یک قدرت بزرگ، از آن خوف ها به یک شجاعت، تمام گرفتاریها را همه از یادشان رفت، تمام خودبینی ها، همه از بین رفت یکدفعه یک ملت سی و چند میلیونی از یک حالی که در طول مدت شاهنشاهی اینها داشتند و در این آخر تقویت شده بود، روح یأس و روح بدبینی، روح ترس و اینها که جرأت نمی کرد یک آدم که در داخل منزل خودش راجع به ساواک فرضاً راجع به اعلیحضرت همایونی باشد، در داخل منزلش پیش اولادش جرات نمی کرد یک کلمه بگوید، پسر از پدر می ترسید پدر از پسر، برادر از برادر، این چی بود، این کی بود که ما را اینطور شجاع کرد؟ ما بعد از آنهمه ترس و خوفی که همه مان داشتیم چه شد که یکدفعه متحول شدیم به یک روح شجاع؟ آن کی بود که بازار و بازاری که دنبال کسب است و دنبال منافع خودش است همچو کرد که ایثار کرد و یک ماه بازار را گاهی در بعضی شهرستان ها می بستند و هیچ فکر این نبودند که به ما ضرر خورده است؟ آن کی بود که این معجزه ها را کرد؟ غیر از خدا کسی دیگری قدرت دارد؟ آن کیست که ما را، تا انقلاب ما گاهی وقت ها وقتی انقلاب به یک مقدار از پیروزی رسید دیگر رها می کنند آن کیست که ما را باز نگه داشته است به یک حالی که باز همه فریاد می زنند و جمهوری اسلامی را می خواهند؟

بیداری و توجه به خدا مایه نجات و فلاح

از خدا غافل نباشید، از یک قدرت مافوق الطبیعه، قدرت بزرگ غافل نباشید انکأ کنید به آن قدرت، پشتیبان شما یک همچو قدرتی است، پشتیبان شما یک همچو قدرتی است که الان با تمام قدرتی که امریکا دارد و با تمام تجهیزاتی که امریکا دارد و شاید هیچ قدرت دیگر هم مقابل او نباشد حتی قدرت شوروی، با تمام قدرت حالا دارد مخالفت با شما می کند با شمائی که اینجا نشستید و هیچ

هم ندارید، وقتی هم دست به تفنگ بشوید یک تفنگ معمولی سابقی را دارید، با تمام قدرتش دارد همه را تجهیز می کند بر ضد شماها و باز زورش نمی رسد، این چیست؟ ما همچو قدرت بزرگی داریم که امریکا که دنیا را می تواند بخورد از ما وحشت بکند؟ ما هستیم که این کار را کردیم؟

همین آقای کارتر که همیشه از اول نهضت تا حالا می فریاد می زند و می مخالفت می کند، می ارباب می کند می ماها را می ترساند، در امریکا اعلام کرد که کسی نباید از امریکا بیرون برود به ایران و در این هیاتی که آمدند، هیأت هائی که آمدند دخالت کند از خود امریکا وزیر دادگستری سابق شان و اشخاص سرشناس شان اعتنا نکردند به اینکه 10 سال حبس و پنجاه هزار دلار هم جریمه، لکن اعتنا به آن نکردند و بلند شدند آمدند و حالا هم در اینجا می گویند که این بیخود دارد می گوید، یاوه می گوید اینها حالا فهمیدند که یاوه می گوید، ما از اول می دانستیم که ایشان یاوه گوشت. ما در پاریس که بودیم، در یکی از نطق هائی که ایشان فرمودند این بود که شاه به ایرانی ها زیاد آزادی داده! در وقتی بود که البته آن اختناق را مردم شکسته بودند، این خیال می کرد که اعلیحضرت اعطا کرده آزادی را به مردم، نمی داند که مردم گرفتند از او، به غنیمت از او گرفتند نه اینکه او به ما چیزی اعطا کرد او با همه تشبث ها هر جور تشبثی که می توانست بکند کرد، قتل عام ها را کرد دید فایده نکرد بعد تغییر وزیری به وزیر دیگر که او بیاید یک قدری یاوه بگوید و مردم را خیال کند غفلت می تواند بکند، اغفال بکند این کار را هم کردید نخیر مردم باز همان هستند، آمد توبه هم کرد همان آدمی که در یک سال، دو، سه سال قبل، چند سال قبل در یکی از نطق هایش گفت این روحانیون مثل حیوان نجس می مانند و به آنها نباید چیز کرد، و آمد در محضر همه گفت ای علما اسلام! ای مراجع عظام من جدا متأسفم.

این هم یک حقه ای بود که زد و نشد برای اینکه ملت 50 سال یاوه سرایی از اینها دیده است، 50 سال فشار دیده، 50 سال حبس و تبعید، قتل و غارت دید بعد از 50 سال که همه چیز را این مردم دیدند، از بچه ای که چشم هایش را باز کرده و فحاشی اینها را و یاوه گوئی اینها را دیده اند دیگر اینها باور نمی شود بکنند. ملت ما متحول شد به یک ملتی بیدار، آشنای به همه امور و شما مطمئن باشید که این بیداری انشاءالله با شرط اینکه توجه تان را به خدا مستحکم کنید این بیداری هست و شما را نجات می دهد انشاءالله.

هراس دشمنان از قدرت عظیم روحانیت و ائتلاف آنان با قشر دانشجو

پیشترها مجلس شورای ملی آقایان اگر یک کلمه از طرف دولت انگلستان می شد که باید فلان کار را انجام بدهید احتمال اینکه بتوانند مخالفت بکنند نداشتند، همچو عرضه ای نداشتند. بله گاهی در بین آنها یک اشخاصی پیدا می شد آن داشت که مثل مرحوم مدرس، مرحوم مدرس یک کسی بود که در مقابل همه می ایستاد و مع الاسف اینها می گویند روحانیون نقشی نداشتند. یک روحانی در یک مجلسی رضاخان می خواست که جمهوری درست کند و مدرس مخالفت می کرد، می دانست که این می خواهد حقه بزند و مردم را بچاپد، فقط مدرس ایستاد و جلوی او را گرفت معذک می گویند روحانیون هیچ

نقشی نداشتند. در طول مدتی که از اولی که رضاخان آمد و اول سالوسی خودش را کرد و پایش را محکم کرد و شروع کرد با اسلام مخالفت کردن، این کسی که در مقابل اینها ایستاد و مشتش را گره کرد همین روحانیون بودند، همین علما بودند که از مشهد و از تبریز و از اصفهان و از سایر بلاد مخالفت کردند و این احزاب و این نهضت ها و اینها هیچ کدام با آنها مخالفت نکردند. آنها نشسته بودند و منتظر بودند که کار را دیگران انجام بدهند و اینها میوه اش را بکشند حالا هم الان شما این را بدانید که هدفی که برای اینها هدف صحیح است روحانیت است و قشر دانشگاه و دانشجو. اینها الان وحشت دارند از اینکه دانشجو با روحانی گیرم با هم می خواهند مربوط بشوند و با هم ائتلاف کنند. این یک وحشی است الان برای اینها، ائتلاف این دو قشر یعنی ائتلاف همه ملت.

اینها سال های طولانی زحمت کشیدند که این دو قشر را از هم جدا کردند، نقشه بود نه اینکه همین طور من باب اتفاق در دانشگاه به روحانین فحش می دادند و در محیط روحانی به دانشگاهی. مسأله اتفاقی نبود مسأله ای بود که در گوش ها خواندند هی تمام رسانه ها که به خدمت آنها بود در مقابل روحانیون هی ایستاد و هی فحاشی کرد. شعر، ایشان این شعرها را گفتند تا آخوند در این مملکت هست این مملکت درست نمی شود، یکی از شعرهای این مرد نانجیب را اینها در گوش همه خواندند، همه رسانه ها همه مطبوعاتشان همه چیزها و مقصد این بود که این دو تا طایفه از هم جدا بشوند دانشجو پهلوی آخوند نشینند. آنها را مقابل هم قرار دادند برای اینکه می دیدند که اگر اینها با هم باشند کارشان زار است حالا هم از آن خیال اینها منصرف نشدند شما خیال نکنید که حالا عمال اینها منصرف هستند. الان هم مثل همان اوایل زمان رضاخان شروع شده است به حمله کردن به روحانی در هر جا که هست. در شمال که این چپی ها زیادتر هستند زیادتر و در جاهای دیگر هم ملایمتر، لکن مشغول هستند. اینها با عمامه دعوا ندارند اینها اساس را می بینند که اینها درست می کنند. اینها دیده اند که این ملت با روحانی و دانشگاهی، بازاری و کارگر و اینها با هم شدند و در ظرف یک سال و نیم تمام چیزهایی که یک حکومتی لازم دارد اینها درست کردند و این یک چیز بی سابقه ای در دنیا است، یک چیزی که دیگران در 50 سال هم نمی توانند درست بکنند و در 50 سال هم قانون اساسی نداشته و ندارند، اینها در یک سال و نیم تقریبا همه اینها را درست کردند. اینها از یک همچو اجتماعی می ترسند، اینها خودشان را شکست خورده می بینند و چون می بینند که این شکست از ناحیه روحانی و دانشگاهی که اینها مردم دیگر را بسیج کردند، هر آخوندی در محلس، در مسجدش بسیج کرد مامورین خودش را، اینها از این می ترسند. از اول هم هدف روحانی بود، قضیه برداشتن عمامه روحانی که نمی توانست یک آخوند از توی خیابان بیاید برای اینکه می ریختند و عمامه اش را می خواستند بردارند و یا برمی داشتند، این یک چیزی نبود که من باب اتفاق شده باشد، یک نقشه ای بود که می دیدند که این عمامه خیلی کار از آن می آید. مردم عقیده دارند به اینها، اینها وقتی یک چیزی را بگویند از آنها گوش می کنند. از اول دنبال این افتادند که اینها را به زمین بزنند تا وقتی که بخواهند همه نفت ما را ببرند و همه چیزهای زیرزمینی

ما را ببرند و جوان های ما را هم به نابودی بکشند ، یک کسی نباشد بگوید چرا .

اینها دیدند که (چرا) از دهان روحانی هی در می آمد ، توی مجلس هم که بود یک روحانی پا می شد و می گفت چرا ، زمان رضاخان هم که همه نفس ها قطع شده بود باز روحانی بود که قیام می کرد و چرا می گفت ، منتها چون این بسیج عمومی نشده بود و اوایل امر بود هی با شکست مواجه می شد ، سرکوبی می کردند اینها را اما حالائی که دیدند یک بسیج عمومی شده است و مردم یک تحولی پیدا کرده اند دانشگاهی دیگر از آخوند رم نمی کند و آخوند هم از دانشگاهی ، هر دو نشسته در یک محیط مدرسه فیضیه و با هم دارند نقشه می کشند که دانشگاه را درست بکنند و عرض می کنم که جهات دیگر را درست بکنند ، اینها الان وحشت برشان داشته است ، اینها می گویند که اگر این دو تا قشر را از هم جدا بکنیم بعد آخوند را از مردم جدا بکنیم کار دیگر تمام است ، دیگر یک همچو اجتماعی نمی شود پیدا بشود . از این جهت الان در هر جا که شما بروید همان حرف های زمان رضاخان دارد زمزمه می شود ، از حلقوم اینهایی که ساواکی هستند و یا مثلاً فدای خلق هستند همه زمزمه ها شروع شده است و هی هر که از هر جا می شود به آخوند می گوید ، به آخوند می زند . اینها دیدند که راه این است ، راه برای اینکه این ملت را زیر بار بکشند و همه ذخایر اینها را ببرند جز این نیست که این قشر را از نظر مردم بیندازند . همانطوری که زمان رضاخان این کار را کردند و این کار ماسید در آنوقت ، الان مشغول شدند .

من تکلیفم این است که به ملت ایران اعلام کنم این را ، الان مسجدها را همین هرزه ها ، مسجدها را خالی کرده اند ، اینطور که به من اطلاع می دهند . همین مسجدها که ستاد اسلام است و اسلام از توی این مسجدها ، در صدر اسلام از مسجدها لشکرها بیرون می رفت ، یعنی نماز جمعه وقتی که پیا می شد ، در نماز جمعه بسیج می کردند طوایف را برای مقابله با دشمنان اسلام ، مسجدها ستاد بود اینها از مسجد صدمه دیدند و لهدا می بینید خوب آقائی در مسجد می خواهد نماز بخواند یک عده هم نماز خواندند یک دسته ای که اصل نماز را نمی خواهند و می خواهند بازی درست کنند یک دسته ای جلو می آیند و می آیند آن طرف می ایستند ، یک مردکه ای که معلوم نیست وضو اصلش دارد می ایستد آنجا در مقابل این آقا که مردم به او اقتدا کردند و می ایستند و ده ، بیست تا از این رفقاییش اینجا می ایستند و نماز می خوانند ، این نماز است ؟ اینها می خواهند نماز بخوانند ؟ اگر می خواهند نماز بخوانند خوب این هم نماز است ؟ می خواهند نماز را بشکنند ، عین همان که قرآن را سرنیزه کردند و امیرالمؤمنین را شکستند . هر چه حضرت فرمود که من قرآن هستم من قرآن ناطق هستم به من گوش کنید ، این حيله است . آن احمق شمشیرها را کشیدند و گفتند که اگر نگوئی برگردند می کشیم . برگرداندند لشکر اسلام را و نگذاشتند که پیروز بشوند . الان همان قضیه است نماز می خوانند و این نماز برای شکستن مسجد است مسجد را می خواهند بشکنند مسجدها را من شنیدم خلوت شده است و این تأسف دارد .

نماز، بالاترین فریضه و کارخانه انسان سازی است

شما انقلاب اسلامی کردید که اسلام را ترویج کنید که اسلام و احکام اسلام را پیاده کنید. در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست. چطور نماز را اینقدر سستی می کنید در آن؟ از نماز همه این مسائل پیدا می شود. شما پرونده هایی که در دادگستری ها در جاهای دیگر، دادگاه ها هست بروید ببینید، از نمازخوان ها ببینید پرونده هست آنجا؟ از بی نمازها پرونده هست، هر چه پرونده پیدا کنید، پرونده بی نمازها هست. نماز پشتوانه ملت است. سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند وقتی یکی از اصحاب گفت که ظهر شده است فرمود که یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. امیرالمؤمنین وقتی که یک مسأله ای یک چیزی از او پرسیدند در همان بحبوحه جنگ ایستاد و جواب داد گفت که حالا... من شمشیر برای این می زنم. جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش یک مطلبی باشد، یک چیزی باشد که طرحی باشد. جنگ برای این است که آن زباله هایی که هستند، آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند، مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. نماز یک کارخانه انسان سازی است.

فحشا و منکر را نماز، نماز خوب فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می کند. اینهایی که در این مراکز فساد کشانده شده اند اینها این بی نمازها هستند. نماز خوان ها در مساجد هستند و مهیا هستند برای خدمت. مسجدها را خالی نکنید، تکلیف است امروز. امروز، یک روزی است استثنایی ما در یک مقطعی از عصر واقع شده ایم که استثنایی است.

مساجد را پر کنید و نماز را به جماعت بخوانید

ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست. اگر در نماز کوتاهی بشود و هر کس بگوید خوب من خودم تنهایی می روم در خانه ام می خوانم، خیر نماز را در جماعت بخوانید اجتماع باید باشد. مساجد را پر کنید، اینها از مساجد می ترسند. اینها بیخ گوش شما می گویند که این آخوند که از او کاری نمی آید، مسجد می روید چه کنید خودمان می رویم و فلان جا نماز می خوانیم. نماز نمی خواهند بخوانند، می خواهند نماز را بشکنند نماز می خوانند، با این نمازهایی که در مسجدها می روند و نمی گذارند که مسلمان ها نماز درست خودشان را بخوانند، با این نمازها می خواهند نماز را بشکنند.

اینها از مسجد می ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم، شما دانشگاهی ها! شما دانشجوها! همه تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد. محراب به آن می گویند یعنی آنجائی که حرب از آنجا شروع می شود، محل حرب. امروز از همه روزها برای ما یعنی امروز مقصود اینوقت است این عصر است، از همه وقت برای ما حساستر هست برای اینکه همه چیز

درست شده است و شیطان ها از اطراف جمع شده اند و می خواهند حالا که همه چیز درست شده و مایوس شدند نگذارند اجرا بشود کارها باز تهیه بینند ولو 10 سال دیگر ولو برای 10 سال دیگر تهیه بینند برای اینکه مسجدها را کم کم خالی کنند و آخوند مسجد را کنار بگذارند و یک کسی که وضو ندارد و به هیچ چیز معلوم نیست اعتقاد داشته باشد، بیاورند آنجا پهلوی آخوند و نگذارند نمازش را بخواند و خالی کنند این سنگرها را و بعد از خالی کرده این سنگرها حمله کنند. این دژهای محکم را محکم نگاه دارید نگویید که ما انقلاب کردیم حالا باید هی فریاد بزنیم، خیر نماز بخوانید از همه فریادها بالاتر است.

اجتماع کنید، نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم که شیطان ها از نماز می ترسند از مسجد می ترسند، و این دانشجویها و دانشگاهی ها و معممین و علما و روحانیون و همه این قشرهایی که مغز متفکر هستند، با هم ائتلافشان را زیاد کنند و متوجه باشند به اینکه می خواهند این ائتلاف را بشکنند. اگر آمدند تو دانشگاه و گفتند ما با دانشگاهی ها کار نداریم اما آخوند بازی درست نکنید و رفتند توی مدرسه ها و گفتند ما به علما که کار نداریم لکن این دانشگاهی ها را راه ندهید به خودتان، بدانید که این حيله ای است برای اینکه شما را از هم جدا کنند و راه را برای خودشان باز کنند. بیدار باشید، متوجه باشید، امروز همه چشم ها به شما دوخته شده است. اینهایی که، هیأت هایی که از خارج آمدند بعضی شان گفتند ملت ها اطلاع ندارند از اوضاع ایران برای اینکه همه رسانه های گروهی دست دشمن ماست و مع الأسف در داخل ما هم اینقدر مجله است، اینقدر روزنامه است و نه اینکه یک روزنامه ای برای خودش یک تیراژی دارد، نخیر هیچ تیراژی هم ندارد اما درست کنند و به مردم می دهند، چنانچه کتاب هائی که با کامیون از شوروی حمل می شود و دم دانشگاه ها می ریزند. بیدار باشید که شما را اغفال نکنند اینها، از شما صدمه دیدند اینها و آسیب دیده اند از شما، می خواهند تلافی کنند. نگذارید دست اینها باز بشود، نگذارید اینها رشد بکنند.

اگر دانشگاه اسلامی داشتیم خون جوان های ما ریخته نمی شد

اجتماعاتتان را حفظ کنید، مساجدتان را محکم نگاه دارید و دانشگاه را باید تغییر و تبدیل بدهید متحول بشود به یک دانشگاهی که برای خودمان باشد. اگر ما دانشگاهمان برای خودمان بود، از اول این دانشگاه یک دانشگاه برای خودمان بود، اسمش را دانشگاه ملی گذاشتند اما ابدًا از ملت اسلام هیچ حرفی در آن نیست، اگر ما یک دانشگاه اسلامی داشتیم، اگر یک دانشگاهی که به درد بخورد داشتیم، ما دیگر اینقدر خونریزی نمی کردیم، در ایران اینقدر خون جوان های ما ریخته نمی شد. این برای این بود که ما دانشگاه نداشتیم. از دانشگاه هر که بیرون آمده بود یک پستی می گرفت و به مردم زور می گفت. هر که بیرون می آمد برای دیگران خدمتگزار بود. وقتی که آن راس باطل شد و غلط شد، تا آخر غلط می شود. وقتی آن نوکر اول حسابش را با بالائی ها درست کرد دیگر همه را می چاپند، کدخدا را می بینند و ده را می چاپند. بیخود بود که آن سلطنت عثمانی را با آنکه آنها هم

خراب بودند لکن معذک یک قدرت بزرگی بود، بعد از جنگ عمومی آن را تکه تکه کردند، هر جایش را دادند به یکی از نوکرهای خودشان. الان هم عراق دست یک نوکر است و مصر هم دست یک نوکر هست و نمی دانم کجا هم مال این نوکرهای خودشان گذاشتند و یک دیکتاتور گذاشتند بالای سر ملت و ملت را خفه کردند.

بترسید از آن روزی که باز یک دیکتاتور را بیاورند و بالای سر شما بگذارند و من امیدوارم که نشود یک همچو روزی. باید ما غفلت نکنیم، هیچ اینطور نباشد که ما هی غرور پیدا کنیم که نه دیگر کسی به ما کاری نمی تواند بکند. البته محاصره اقتصادی را خیلی ازش نترسید و دخالت نظامی هم نترسید، کارتریک غلطی کرد و حالا شاید پشیمان هم باشد. اما از این وسوسه ها بترسید، از این شیاطینی که توی جمعیت ها می آیند و بیخ گوش ها وسوسه می کنند، از اینها بترسید. از اینها که می آیند بیخ گوش شما و می گویند که جمهوری اسلامی هم مثل زمان رژیم سابق، از اینها بترسید. رژیم سابق شما می توانستید اینجا بنشینید؟ می توانستید این اجتماع را بکنید؟ از اینها که می گویند هیچ نشده، بترسید. از اینهایی که خرمن ها را آتش می زنند و می گویند ما برای خلق خدمتگزاریم، بترسید، از اینها بترسید. اینها افتادند توی جمعیت و می خواهند وسوسه کنند و شما را منحرف کنند از راه راست. خداوند شما را به همین صراط مستقیم راهبر باشد و هدایت کند و ما همه را هدایت کند به راه مستقیم و از چپ و راست منحرف کند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

«... از هیچ راهی تا کنون نتوانسته اند توفیق پیدا، بکنند هر جور اقدامی کردند اقدام نظامی می کردند، هجمه به کشور ما کردند، جنگ ایجاد کردند، در داخل جنجال ها و کارهایی راه انداختند، ترورها را کردند و انفجارات را انجام دادند و دیدند که با این ملت ما مستحکم تر شده است و از میدان خارج نمی شود و البته هم باید خارج نشود برای اینکه ملتی که برای خدا قیام کرده است و برای اسلام قیام کرده است و حکومت اسلامی را به دست آورده است با این مسائل کنار نخواهد رفت...»

فراز بالا، یکی از رهنمودهای حضرت امام است، که در دمندانه اما پر از حماسه و سطوت در مورد مصائب این انقلاب بیان فرموده اند به راستی هم چه بر سر انقلاب ما نیامد؟ انواع خدعه ها، نیرنگ ها، ترفندها، قیامهای مسلحانه خنجرها که از پشت زده شد، تحریکات، تبلیغات، ترور پیکرهای ارجمند ترور حیثیت انسانهای آبرومند حصر، اقتصادی آتش زدن خرمنها خرید کلی مایحتاج عمومی و خارج کردن آن از رده مصرف با دور ریختن با احتکار، نفوذ در ارگان های خوشنام و والای

انقلاب و ایجاد نارضایی برای ضربه زدن به حیثیت آن ارگانها، گسیل جاسوس در لباس خبرنگار و امثال آن ایجاد جوهای کاذب داخلی یا بین المللی و مظلوم نمایی برای ضربه زدن به حیثیت انقلاب، چاپ یا وارد کردن کامیون کامیون کتاب فارسی از آن سوی مرزها رویاندن قارچوار حزیکهها و گروهکها راه انداختن روزنامه های آنچنانی با مطالب کذایی ... ایجاد پدیده کاذب شکایت نویسی به مقامات و جهت القاء سراسیمگی در آنها و سنگ اندازی و ایجاد تراکم کاذب و نارسایی در انجام امور....

سعی در ایجاد تفرقه تشیع و تسنن و امثال آن برای بهره گیریهای سیاسی و تضعیف نیروهای مردمی انقلاب پراکندگی شایعه های رنگ برنگ انتخاب و گزینش مهره های مناسب یا کشاندن برخی مهره های مستعد به سوی جبهه ضد انقلاب و سرانجام در این مقطع (تابستان 59) راه انداختن کودتای نوژه و دهها صدها ترفند و توطئه پنهان و آشکار دیگر....

این شعر را به النسبة حوراء حضرت فاطمه زهرا سلام الله وصلواته علیها نسبت میدهند که از شدت تحمل مصائب می فرموده اند:

صبت علی مصائب لوأنها

صَبْتُ عَلَى الْإِيَامِ، صِرْنَ لِيَالِيًا

مصیبت ها بر من چنان فرو بارید که اگر بر تن روزهای روشن می ریخت از تیرگی غم به شبهای سیاه مبدل می شدند .

اگر انقلاب زبان می داشت، با تاسی به دختر پیامبر مگرم، خویش در مورد رنج هایی که بر سرش آمده است همین شعر را در وصف حال، خود می سرود، اما انقلاب مقدس اسلامی ما نیز همچون پیشوای خویش فاطمه سلام الله علیها و با رهبری فرزند برومند فاطمه (ص)، چون «بنیان مرصوص» زیر بار مشکلات نستوه و استوار ایستاده است و با پشت سر گذاردن آنها، سر بلند و دلیر، جاودانه خواهد ایستاد. انشاء الله.

ص: 152

بیانات امام خمینی به مناسبت فرا رسیدن 15 خرداد**پانزده خرداد مبارک بود چون منتهی شد به استقلال و آزادی کشور**

بسم الله الرحمن الرحيم

پانزده خرداد نزدیک است و این روزی است که ملت ما نباید از یاد ببرد و نمی برد. پانزده خرداد یک نقطه عطفی است در تاریخ کشور ما که از همان وقت شروع به فعالیت سیاسی شد و روحانیون از همان وقت خودشان را مجهز کردند. روز پانزده خرداد آنطوری که من بعد از اینکه از حبس بیرون آمدم برای من نقل کردند، عمال شاه در بسیاری از شهرستان ها که قیام کرده بودند دست به کشتار زدند و آنطوری که به من می گفتند حدود پانزده هزار شهید داشتیم در پانزده خرداد و ما این قلم را آنوقت خیلی بزرگ می شمردیم و بزرگ هم بود لکن بعدها جنایاتی که از طرف شاه، شاه مخلوع به کشور ما وارد شد بیشتر از این معانی بود. ما نمی توانیم تصور کنیم این جنایاتی که از پانزده خرداد تا رفتن بختیار از این مملکت به دست عمال شاه و به دست عمال آمریکا در این کشور واقع شد، قدرت اینکه احصاً کنیم آنها را نداریم. ما اجمالی از این جنایات را می توانیم بگوئیم یا تصور کنیم، تفسیر این جنایات اصلاً قابل احصاً نیست. ما چطور می توانیم پانزده خرداد - معلولینش - را بفهمیم چقدر بود، معدومینش و شهدا می گویند پانزده هزار بوده است، لکن مصدومین و معلولین، کسانی که اعضای خودشان را در آن گیرودار از دست دادند ما چطور می توانیم بیان کنیم یا تصور کنیم. لکن در عین حالی که پانزده خرداد یک مصیبتی بود برای ملت ما، لکن مبدأ جنبش بود. از همان وقت و جلوتر از آنوقت روحانیون قیام کردند و به دست روحانیون نهضت شروع شد، از قم شروع شد و پانزده خرداد یک انعکاسی بود از همان قیام، روحانیت را گرفتند و قریب تمام - تقریباً - علماً تهران را گرفتند و حبس کردند و شاید مدتی هم علماً تهران، وعاظ تهران در حبس بودند و بعد به تدریج رها شدند و از آنجا شروع شد به نهضت و مخالفت. در عین حالی که پانزده خرداد مصیبت برای ما بود لکن این موهبت را هم خدای تبارک و تعالی به ما عطا کرد که مردم بیدار شدند و لیک گفتند به صدای روحانیون و در همه جا، در همه مملکت این نهضت شروع کرد و مبداش از همان پانزده خرداد بود و بعد کم کم تدریجاً ریشه گرفت و بعد که در این آخری دیگر زیادتر شد و بیشتر شد نهضت مردم، بیشتر رفت نهضت مردم و قیام همگانی شد و بحمدالله ریشه اجانب از این مملکت کنده شد و شاه سابق از ایران رفت، گرچه آمریکا او را پناه داد و الان هم در پناه آمریکاست منتها در مصر یا در حوالی مصر

بسر می برد که آنها هم در قبضه آمریکاست. بنابراین پانزده خرداد در عین حالی که مصیبت بود لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت.

بدانید که دخالت نظامی آمریکا و شوروی در اراده ملت ما اثری ندارد

آزادی را ما و ملت ما با قیمت گران به دست آورد و لیکن ارزشش بیشتر از این معانی بود. الان هم اشخاصی که طرفدار آمریکا یا رژیم سابق هستند، الان هم دنبال این هستند که باز این مسائل سابق را به کشور ما برگردانند لکن این دیگر یک خیال باطلی است آمریکا اخیراً هم گفته است که کارتر گفته است که اگر چنانچه هیچ کس هم از دولت ها با من همراهی نکنند من خودم دخالت می کنم و برای اشخاصی که در ایران هستند و محبوسند من دخالت می کنم و این یک امری است که برای رئیس جمهور یک کشوری که ادعای این را دارند که ما حقوق بشر را می شناسیم، این یک جرمی است، یک نفر قلدر بگوید من دخالت می کنم در یک کشور دیگری و دخالت هم کرده است، این یک جرمی است که باید محاکمه بشود، کارتر باید در دادگاه های عمومی دنیا محاکمه بشود و اینهایی که ادعای این می کنند که ما استقلال همه ممالک را، همه کشورها را به رسمیت می شناسیم اینها کجا هستند که جلوی کارتر بایستند و بگویند که تو می گویی من خودم تنها دخالت در این کشور ایران می کنم، دخالت در یک مملکت مستقلی می کنم. نظامی پیاده کرده است و می خواهد باز پیاده بکند. اینها کجا هستند که یک همچو مجرمی را طرفداری از او می کنند. ما به کجا باید شکایت کنیم از این کشورهایی که دنبال آمریکا و دست نشانده آمریکا هستند و دنبال او هستند در جرایمی که آمریکا دارد مرتکب می شود. ما به چه دستگاهی، به چه دادگاهی شکایت ببریم از این قلدرها و از اینها که زمام امور کشورهای بیچاره مظلوم را به دست گرفتند و مع الاسف آن کشورهایی هم که ادعای استقلال می کنند دنبال او هستند، دنبال یک همچو جرمه ای. باید از این دولت ها پرسید که محاصره اقتصادی که شما می کنید و یک ملت مظلوم را می خواهید در تنگنای محاصره قرار بدهید این با چه اصلی از اصول دنیا، از قوانین دنیا منطبق است، مجرد اینکه آمریکا قدرت دارد و به شما امر می کند، همین عذر است برای شما که محاصره اقتصادی بکنید؟! و شما گمان می کنید که با محاصره اقتصادی ملت ما شکست می خورد و ملت ما قانع خواهد شد و خاضع خواهد شد؟!!

شما باید بدانید که دخالت نظامی آمریکا و همه شماها، دخالت نظام شوروی و همه وابستگان به او، دخالت شماها همه در کشور ما و حصر اقتصادی شماها، در آن اراده ملت ما، آن تصمیم و اراده ملت ما اثری نخواهد کرد و ما مهیای مرگ هستیم. شما ما را از چه می ترسانید؟! ما که مهیای شهادت هستیم، شما ما را از اقتصاد می ترسانید، از دخالت نظامی می ترسانید؟! شما کسانی را که از مرگ می ترسند باید بترسانید، نه مملکتی که حاضر شده برای شهادت و شهادت را یک فوز برای خودش می داند. بنابراین هیچ ما از این مسائل خوفی نداریم و آمریکا چه با همه کشورها دست به هم بدهند و بخواهند دخالت کنند یا خودش به تنهایی به قول کارتر دخالت بکند، دخالت بکند تا بفهمد قضیه

چیست ، دخالت نظامی بکند تا بفهمد که مطلب چیست . خوب است که از افغانستان آقای کارتر عبرت بگیرد، افغانستان که دولتش با او ، با شوروی موافق است ، حزب های کمونیستی و چپگرا با او موافق است ، یک عده ملت که نداشتند و ندارند اسلحه مدرن ، آنها اسلحه های خود شوروی را گرفتند و سربازها و صاحب منصب خود شوروی را با اسلحه های خودشان کشتند و الان هم آنها مشغول هستند و شوروی هر روز می فرستد و سلاح های مدرن را می فرستد ، سرباز می فرستد لکن نتوانسته تا حالا ملت افغانستان را ، ملت شجاع افغانستان را خاضع کند . آن افغانستان است که احزابش ، احزاب کمونیستی و چپگرا با شوروی دست به هم دادند ، با دولت دست به هم دادند لکن ملت را نتوانستند خاضع کنند .

ایران بحمدالله دولتش موافق است و چپگرایان اینجا که تابع آمریکا هم هستند عددی نیستند که قابل ذکر باشند آنها را ما با آنها مسامحه می کنیم والا یک روز تمام آنها از بین خواهند رفت . آمریکا خیال نکند که با دخالت نظامی می تواند کاری بکند یا با حصر اقتصادی می تواند کاری بکند . ملتی که روزه می گیرد ، ملتی که شهادت را قبول کرده ، از این چیزها دیگر نمی ترسد . بنابراین ، این روز مبارک پانزده خرداد که در عین حال که شهیدهای زیاد ما داشتیم لکن مبارک برای ملت ما بود ، من به همه ملت تبریک می گویم و امیدوارم که همانطوری که تاکنون از پانزده خرداد تاکنون ملت ما ادامه داده است به نهضت خودش ، از این به بعد هم ادامه بدهد و همه قدرتمندان را مأیوس کند از دخالت در کشور ما . خداوند انشاءالله همه را توفیق بدهد و همه را سلامت و اسلام را قوت بدهد و امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا بکند و این مکتب ، مکتب همه مسلمین است بلکه همه مستضعفین . خداوند مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون ببرد و بحمدالله طلیعه اینک مستکبرین به جای خودشان بنشینند ، طلیعه این در دنیا پیدا شده است ، فقط ایران نیست ، همه دنیا تقریباً مستضعفین بیدار شده اند و جمعیت ، اکثریت قاطع با آنهاست و من امیدوارم که به زودی بساط ظلم برچیده شود . خداوند همه را توفیق عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده افسری

نیروهای مسلح آن روزها اشدأ بودند بر خود مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

از این مسرورم که در روز پانزده خرداد که دیدید و دیدیم بر ملت ما چه گذشت و برای چه این ملت پایمال شدند و امروز هم پانزده خرداد است و می بینم که شما امید آتیه ملت، در اینجا با هم مجتمع هستیم که چند دقیقه ای صحبت کنیم و مطالبی که گذشته است و انشاءالله می گذرد در میان بگذاریم. این کلماتی که این آقا گفتند مضمون یک آیه نیم سطری است که راجع به مؤمنین، خدای تبارک و تعالی می فرماید که اگر کسی بخواهد خودش را بفهمد که مؤمن و مسلم است (اشد اعلی الکفار رحماً بینهم) وقتی با اجنبی ها مواجه می شوند با شدت و کوبندگی مواجه می شوند، وقتی بین خودشان هستند با رحمت و عطفوت مواجهند.

من از اول آمدن رضاخان به تهران و کودتا کردن تا حالا مشاهد مسائلی که بر این ملت گذشته است تا حدودی بودم در زمان رضاخان سرکوبی هر چه بود سرکوبی ملت بود، زمان پسرش هم همین طور نسبت به ملت خودشان با شدت و با قدرت شیطانی عمل می کردند و سرکوب می کردند ملت را، سرکوب می کردند دانشگاه را، آن وقت دانشگاه نبود لکن محصلین را سرکوب می کردند، علمای، اسلام را. بین خودشان بعکس آنکه خدای تبارک و تعالی می فرماید، بین خودشان شدت بود، خداوند می فرماید، بین خودشان عطفوت است لکن در زمان این دو نفر بین خودشان یعنی در وطنشان و بین ملتشان شدت و کوبندگی بود و وقتی که این قوای ثلاث، انگلستان و شوروی و آمریکا از سرحدات ما، آمدند به سرحدات و هجوم کردند به ایران، از قراری که گفتند یکی از صاحب منصب ها آن وقت گفته بود که، یعنی رضاخان از او پرسیده بود که مقاومت چقدر بود، گفته بود سه ساعت، آنهم دروغ گفته بود. بعد، چرا گفته بود، چرا اینجور شد؟ گفته بود این هم مهم بود، اینها که آمدند ما، من خودم شاهد این بودم در سرحدات وقتی که این اجنبی ها وارد شدند در تهران، صاحب منصب ها گذاشتند و فرار کردند یعنی تمام پادگان ها را رها کردند، سربازها را من می دیدم که توی کوچه ها، توی خیابان، سرخود دارند می گردند و حتی چیزی هم که بخورند نداشتند، یک شتری عبور می کرد، غافله شترهائی عبور می کردند، مثل اینکه خریزه بود، اینها که می افتاد از رویشان، اینها حمله می کردند که بخورند و صاحب منصب هایشان بارهایشان را بستند و فرار کردند، این وضع ما، نه، این خوب نمی توانیم ما بیان کنیم

مسائل را، اما این اجمالی بود از ارتش آن روزی ما و همین طور شهربانیمان و همین طور ژاندارمریمان، اینها بعکس آنکه در قرآن است اشدأ بودند بر خود مردم، خدا می فرماید که مؤمنین اشدأ ناند بر کفار، اینها اشدأ بودند بر خودی ها و آن اشخاصی که در مملکت خودشان بود، بر مسلمین .

ارتش در برابر مردم باید رؤف و در مقابل اجانب کوبنده باشد

من باز این ناراحتی که برایم پیدا شد در ملاقاتی که محمدرضا با یکی از رئیس جمهورهای آمریکا بود، گمان می کنم نیکسون بود، من آن تلخی در ذائقه ام باز مثل اینکه هست که می دیدم که این آدمی که وقتی که در ایران است با مردم رفتار می کند، آنطور سرکوب می کنند مردم را، آنجا جلوی میز آن رئیس جمهور ایستاده بود و او عینکش را برداشته بود و به او نگاه نمی کرد، از این طرف نگاه می کرد و این مثل یک بچه مکتبی، آنوقت من تشبیهش کردم به یک بچه مکتبی های زمان سابق که مقابل معلمشان که خیلی از او می ترسیدند و وحشت داشتند، یک همچو صحنه ای بود و من اینقدر ناراحت شدم که تلخی اش الان هم وقتی فکر می کنم در ذائقه ام هست که ما مبتلای به چه وضعی بودیم، چه اشخاصی به ما حکومت کردند و چه اشخاصی به این ملت حکومت کردند. اشخاصی که در مقابل اجنبی ها و کفار آنطور بودند و در مقابل ملت خودشان آنطور سرکوبی می کردند. شما که برای آتیه این مملکت انشاءالله امید هستید، باید همین دستوری که از جانب خدای تبارک و تعالی برای شناخت مؤمن وارد شده است مد نظرتان داشته باشید، با ملت خودتان، با ملت مسلم رحیم باشید، لطیف باشید، رؤف باشید، در مقابل اجانب توفنده و کوبنده باشید عکس زمان رژیم سابق و مثل زمان صدر اسلام. صدر اسلام وقتی که مسلمین مواجه می شدند با کفار، طوری رفتار کرده بودند با آنها که از قراری که گفته می شود بین آنها معروف شده بود که این عرب ها آدم را می خورند، بین خودشان آنطور رؤف و مهربان بودند که سردار بزرگ، مالک اشتر از بازار عبور می کرد، یک کسی نشناخته به او فحاشی کرد ایشان هم سرش را زیر انداخت و رفت. کسی به او گفت که تو شناختی این را؟ گفت نه. گفت این مالک اشتر است، دوید، دنبالش دوید، دید که رفته توی مسجدی ایستاده نماز می خواند آمد پیشش عذرخواهی، گفت نه، عذر خواهی نکن من آمدم اینجا نماز بخوانم و برای تو طلب مغفرت بکنم از خدا، این تربیت اسلامی است.

تحقق ادب و فرهنگ اسلامی عامل جلوگیری از آسیب پذیری

اگر چنانچه ارتش ما که یک ملت است به ادب اسلامی درآید، امکان ندارد که یک هجومی بر آنها بشود، متزلزل بشود. برای اینکه متزلزل مال آن کسی است که ایمان ندارد، اینکه ایمان دارد متزلزل نیست. اگر چنانچه ادب اسلامی در بین ملت ما متحقق بشود، همه قشرها یک قشرهای اسلامی بشوند، آسیب دیگر در این ملت نخواهد تحقق پیدا کرد، آسیب پذیر نخواهد شد. کوشش کنید که در این دانشکده ها و دانشگاه ها که هستید ایمان را در خودتان تقویت کنید ایمانی که هم در اینجا شما را

شرافتمند می کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می شوید به حق تعالی کوشش کنید که عادت بدهید خودتان را بر اینکه با اهالی کشور خودتان حکمفرمایی بر خلاف حق نکنید، رحیم باشید، اگر چنانچه یک کسی هم خلاف کرد شما به طور خشونت با او عمل نکنید. به قانون باید عمل بشود همانطوری که سربازهای صدر اسلام بودند و با عدد کمی فتح های بزرگی کردند سر اینکه این عدد کم به امپراطوری ایران غلبه کرد، این بود که آنها ایمان داشتند از روی ایمان و با این روحیه که ما اگر هم کشته بشویم شهید هستیم و پیش خدا می رویم و آبرومندیم اقدام می کردند و آنها به این مبانی اعتقاد نداشتند و با زور آورده بودند آنها را برای جنگ و با فشار آنها آمده بودند برای جنگ و وقتی که وضع اسلام را می دیدند، ایرانی ها وقتی دیدند که لشکر اسلام وقتی آمد اینجا یک وضع دیگری دارد، غیر امپراطوری ایران است، مردم اقبال کردند با آنها، این سر پیروزی مسلمین شد بر آن لشکر مجهز ایران و همین طور در روم، همین طور اگر چنانچه ما ارتشمان یک ارتش صحیح اسلامی ملی بود نمی توانست کسی از خارج به ما تحمیل شود، اینکه مستشاران آمریکائی بر ما تحمیل شد برای اینکه سردمداران آن وقت همه شان از آنها بی بودند که ایمان نداشتند و هر چه می خواستند، می خواستند یک روزگاری را با خشونت به مردم بگذرانند و یک نوائی هم در اینجا با دله و دزدی و امثال ذالک پیدا بکنند.

ارتش ما مردمی است، نه طاغوتی، که سرکوب کند

اگر امروز بخواهد آمریکا یا شوروی یا هر کس برای شما یک مستشاری بفرستد، خود شما جلوی او را می گیرید و خود شما مانع می شوید. اگر یک صاحب منصبی هم فرض کنید یک سرلشکر یا ارتشبدی هم بخواهد یک همچو کاری بکند خود سربازها و خود درجه دارها و خود افسرهای زیر دست زیر این بار نمی روند و جلوگیری می کنند برای اینکه متحول شده اند این جوان های ما، ارتش های ما متحول شده اند به یک چیز دیگری، غیر زمان سابق است، اینها حالا یک موجود دیگری شده اند. برادرهای من، اگر بخواهید آبرومند بشوید در دنیا و آخرت و شرافتمند زندگی کنید، باید با قدرت و شدت در مقابل دیگران بایستید و در بین خودتان رحیم و رؤف و دوست باشید و اگر یک ارتشی پشتوانه ملی نداشته باشد، مثل همان ارتش سابق می ماند که اینها می دیدند که اگر چنانچه صاحب منصب ها می دیدند که اگر چنانچه در تهران هم بخواهند بمانند و وضع اینطور باشد خود مردم آنها را چه خواهند کرد لهذا چمدان ها را بستند و فرار کردند اما شما انشاءالله پشتوانه ملت را دارید و شما عددتان فرض کنید چند هزار باشد لکن پشتوانه تان سی و چند میلیون است، همه مردم است. ارتش، ارتش مردمی است نه ارتش طاغوتی که سرکوب کند، ارتشی است که با مردم زیر یک سقف جمع می شوند و مردم برای آنها تظاهر می کنند و اینها هم برای مردم تظاهر می کنند، این یک چیز تازه ای است که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کرده و این را حفظش کنید. این پشتوانه را حفظ کنید، که این پشتوانه آنچنان قدرتی به شما خواهد داد که یکی تان در مقابل صد تا، در مقابل چند صد تا

خواهید بود. وقتی شما خودتان را در آن طرف مواجه با دشمن دیدید، در این طرف مواجه با ناراضی دیدید، نمی توانید خودتان را حفظ کنید. ارتشی که ملت از آن ناراضی است، ارتشی که می بیند ملت پشت به او کرده، اگر یک دشمنی از آن طرف بیاید پناهگاه دیگر ندارد این، این نمی تواند دیگر مقاومت کند به خلاف ارتشی که می بیند آن طرف دشمن است و این طرف بیست و چند میلیون، سی و چند میلیون دوست است و پشتیبان اوست همانطوری که او در میدان جنگ، جنگ دارد می کند اینها هم بزرگ و کوچکشان، زن و مردشان دنبال او جنگ می کنند، یک همچو ارتشی پیروز است، سعی کنید اینطوری باشید. آیا آن پانزده خرداد بهتر بود که از ارتش ما به جان مردم ریخت و همین ملت بیچاره را آنطور قتل عام کرد یا این روز پانزده خرداد و سالروز پانزده خرداد که شما با ملت در آغوش هم هستید و آمده اید با هم صحبت می کنید؟ حفظ کنید این موهبت الهی را، این یک موهبت الهی است که خدا به ما داد که ارتش و ملت و ژاندارمری و ملت و پاسدار و ارتش و همه با هم دوست باشند و با هم در مکروهات و در خوشی ها شریک باشند. ارتش هماهنگی داشته باشد با ژاندارمری و پاسدار، پاسدار هماهنگی داشته باشد با ارتش و ژاندارمری، ژاندارمری هم همین طور، همه قوای انتظامی اینطور باشند که هماهنگ باشند، با هم کار را انجام بخواهند بدهند. اگر بنا باشد که پاسدارها از یک طرف بکشند و ارتش از یک طرف و ژاندارمری از یک طرف و شهربانی از یک طرف، این یک مملکتی می شود که لازم هم نیست از خارج به این یک آسیبی برسد، خودش آسیب دیده است و خودش مثل خربزه کرم می ماند که از باطن خراب است. شما که رمز پیروزی تان را دیدید و دیدید که به همه قدرت هائی که پشتوانه این قدرت شیطانی بود پیروز شدید و دیدید که رمزش این بود که ایمان داشتید و الله اکبر همراه شما بود و وحدت داشتید و همه یک وجهه داشتید، اینطور نبود که یکی از این راه برود و یکی از آن راه برود، همه از یک راه می رفتید. ملت و آن ارتشی که آن پایین هایشان که مؤمن بودند و ژاندارمری و اینها همه ملحق شدند به هم و همه یک راه رفتند و همه هم ایمان داشتند، هیچ در آن وقت مطرح نبود که من می خواهم یک منصبی پیدا کنم همه روی ایمان به خدای تبارک و تعالی و فریاد الله اکبر و اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم، این رمز پیروزی شماست. این سند پیروزی ملت ایران است، پیروزی که باز ملت ایران نمی داند در خارج کشور چه نظری به ایران دارند. باز، ملت ما باز داند که آنجا بیشتر از خود ایران احترام به ما می گذارند، احترام به ملت می گذارند، آنها که در خارج هستند و زیر بارهای ستمگران هستند می فهمند که ما چه کرده ایم و ملت ما چه کرده است و چه شده است.

پیروزی ما آن روزی است که مستضعفین از بندرها شوند

باید همه همانطوری که از اول آن رمز را خدای تبارک و تعالی تعلیم شان کرد و با الهام خدای تبارک و تعالی همه با هم مجتمع شدند و با یک ایده و با یک حرکت، حرکت کردند و همه بساط را به هم زدند، این رمز را باید نگه داشت. اگر بنا باشد که شما خیال کنید ما حالا پیروز شدیم و دیگر باید

برویم سراغ کارهای خودمان، نه، ما پیروز نشده ایم، باز ما مورد تهدید اقتصادی و نظامی بزرگترین امپراطوری های دنیا هستیم و آن امریکاست که قضیه رئیس جمهور نیست، قضیه امپراطوری است، قضیه استبداد است. ما الان در مواجهه با یک همچو قدرتی هستیم و سایر قدرت ها، ما در این طرفمان یک قدرت واقع شده، آن طرف یک قدرت، آن طرف یک قدرت و همه هم می خواهند وضع ایران را از اینکه هست به هم بزنند. ما پیروز نیستیم الان، پیروزی ما آن روزی است که ایران و انشاءالله سایر ممالکی که مستضعفین در بند هستند همه رها بشوند و این ریشه های فاسدی که بین مردم افتاده اند و می خواهند آنها را از جمهوری اسلامی و از اسلام دلسرد کنند اینها هم با قدرت شماها از بین بروند، آنوقت پیروز هستیم و آنوقت هم باید با هم باشیم.

مسلمین باید در مقابل آسیب ها (ید واحده) باشند

مسلمین به حسب دستور خدای تبارک و تعالی (یده واحده) نه دو تا دست، (ید واحده علی من سواهم) همه مثل اینکه یک دستیم، باز دو دست هم نفرموده است برای اینکه دو دست هم ممکن است این از این طرف برود، این از آن طرف، دست واحد همه شان مثل دست واحد می مانند، مسلم اینطوری است و اگر چنانچه مسلمین اینطور باشند که آنطور وحدت با هم داشته باشند که مثل یک دست باشند، ید واحده باشند، این دیگر آسیب بردار نیست آسیب از داخل خود آدم، داخل خود ملت و کشور بر ما وارد می شود و بر شما، از خارج هیچ ترسی نداشته باشید، از داخل خودمان بترسید، از اینکه با توطئه ها شماها را از هم جدا کنند و شماها را از پاسدارها و پاسدارها را از شما و ژاندارمری را از دیگران و شهربانی را از دیگران و ملت را از آنها. این آسیب یک آسیب بزرگی است که خود به خود، ما تحلیل می رویم ولو اینکه از خارج هم به ما حمله ای نشود و نمی شود، این آسیب، آسیب مهم است.

از وسوسه هائی که در داخل می شود غفلت نکنید

و شیاطین شروع کردند از اینجا شروع کردند. آن هیاهوی خارجی احتمال بدهید که برای اغفال ما از داخل باشد، آن هیاهو که در خارج می کنند و آن تهدیداتی که از خارج می کنند احتمال بدهید که برای این باشد که ما جهت را گم کنیم و متوجه به خارج بشویم، از داخل غفلت بکنیم. از داخل غفلت نکنید و از وسوسه هایی که در داخل واقع می شود، در داخل مثلا پادگان ها، در داخل ارتش و ژاندارمری، که مانع می شود از اینکه یک نظم صحیحی در کار باشد از این بترسید، از اینکه بین خود ارتش اختلاف باشد و آن بگوید صاحب منصب اوست، آن بگوید او و آن بگوید او، که هرج و مرج درست بشود، از این بترسید که یک ارتش را متزلزل می کند، نظام از دست گرفته می شود.

ارتش اگر نظم نداشته باشد ارتش نیست و شیاطین که ممکن است نفوذ کرده باشد هم در ارتش، هم در ژاندارمری و هم در سایر قوای انتظامی و غیر انتظامیه، آنها در هر جا به یک صورتی دامن می زنند به اینکه نظم را از ارتش و ژاندارمری و سایر قوای انتظامیه بگیرند و در باطن خود ارتش، هرج و مرج ایجاد کنند. اگر یک ارتشی با هرج و مرج بخواهد مواجه باشد و بپذیرد این هرج و مرج را، معنایش این است که ارتش نیست، هیچ امکان ندارد که او بتواند با یک قدرتی هر چه هم باشد مقابله کند. اگر نتواند ارتش خودش را اصلاح کند و قدرت خودش را و پیوند خودش را و نظمی که در باطن باید باشد این را ایجاد بکند، این نمی تواند در مقابل غیر، هر غیر باشد، مقاومت کند. اینهایی که می آیند به جوان ها از راه دلسوزی می گویند که چرا باید شما مثلاً، این مثل زمان طاغوت می ماند که شما اطاعت کنید، خیر، این مثل زمان امیرالمؤمنین می ماند، اطاعت از طاغوت بد است نه اطاعت از ارتشی که مال اسلام است، اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است واجب است به حسب حکم اسلام، تخلف حرام است، طاغوت برای طاغوتیش بد بود نه برای نظمش. اگر شما بخواهید که به هم بزیند اوضاع را و یک دسته جوان نپخته و بی تفکر بیایند در اینجا و بخواهند به هم بزیند اوضاع را، تمامتان آسیب پذیر خواهید شد، نه فقط صاحب منصب ها، خیر، همه آسیب پذیر خواهید شد اگر بنا باشد در جه های بالا، البته آنهایی که انشاءالله اسلامی حالا هستند و می شوند، اینها را از آنها اطاعت نکرد و از فرمانده کل قوا اطاعت نکرد اگر بنا شد یک همچو چیزی باشد هیچ وقت نمی تواند ارتش، ارتش باشد. زمان حضرت امیر هم اطاعت واجب بود بر ارتش نسبت به فرماندار، حکم اسلام است، البته فرماندار هم باید با نظر طاغوتی نگاه نکند به آنها، با نظر عطوفت، مهربانی باشد. باید همه شما قوه واحده باشید، یه واحد، (ید واحد، واحد علی من سواهم) باید همه شما نظم را حفظ کنید، همه قوای انتظامیه نظم را در باطن خودشان حفظ کنند تا یک ارتش صحیح باشد، یک ژاندارمری صحیح باشد، یک سپاه پاسداران صحیح باشد اگر بنا باشد که سپاه پاسداران به طور هرج و مرج کار بکنند، هر که، هر جا چهار نفر باشد برود به مردم تعرض بکنند و مال مردم را خدای نخواستگه بگیرد، این پاسدار اسلام نمی شود، این طاغوت است به صورت دیگر درآمده مگر طاغوت چی بود؟ طاغوت همین بود که جان و مال مردم در امان نبود در زمان او. اگر بنا باشد که جان و مال مردم در این زمان هم از قوای انتظامیه در امان نباشد این هم طاغوت است، منتها با صورت دیگر آمده بیرون و طاغوتی که به صورت مسلم بیرون بیاید خطرش از آن طاغوت بدتر است، این منافق است. عذاب منافق ها بیشتر از عذاب کفار است. سعی کنید همه تان، همه قوای انتظامیه سعی کنند که هماهنگ بشوند، سعی کنند که به آن موازینی که در ارتش هست، موازینی که در سپاه پاسداران هست، موازینی که در سایر قوای انتظامیه هست عمل بکنند، خیال نکنند که اطاعت از مافوق، خیر، این طاغوتی است، خیر اطاعت از مافوق در جمهوری اسلامی و در لشکر اسلام حکم اسلام است، حکم خداست، اطاعت از فرماندارها که به یک تعبیر اولی الامر هستند این در قرآن واجب شمرده می شود و واجب است این. این

جوان های دلپاک و صاف ما گول نخورند از شیاطینی که می آیند با آنها صحبت می کنند ، هر که با شما صحبت کرد راجع به بی نظمی و بی اطاعتی ، دنبالش بروید ببینید این کی است و از کجا آمده و الهام از کجا می گیرد . بدانید که این الهام از غیر مسلمین می گیرد ، این الهام از اشخاصی می گیرد که می خواهند و نمی توانند ببینند که یک کشوری روی پای خودش ایستاده و می ایستند . شما الان مورد حسادت همه اجنبی هایی که می خواستند ایران را و می خواهند ایران را ببلعند ، شما مورد حسادت آنها هستید ، آنها توطئه می کنند که شما را از هم جدا کنند پاسبان ها را از ژاندارمری ، ژاندارمری و پاسبان را از ارتش و هم ارتش ، هم بین خودشان از هم گسیختگی پیدا بکند ، اگر اینطور باشد ، خطر برای همه تان هست . و من دعا می کنم که همه شما انشاءالله و همه ملت ایران و همه قوای انتظامی سلامت و سعید باشند و همه با هم هماهنگ باشند و حفظ مراتب را بکنند و انشاءالله شماها که در تحصیل هستید خودتان را مجهز کنید برای خدمت مردن به کشور خودتان ، خدمت کردن به اسلام که آن هم خدمت به کشور است و انشاءالله با قدرت ملت ما پیش برود و از این حرف هایی که در خارج و داخل گفته می شود هراس نداشته باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و معاونین وزارت کشور و استانداران سراسر کشور

ناسازگاری بین ارگان ها باعث تزلزل و آسیب کشور می گردد

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طول این مبارزه از قبل 15 خرداد 42 تا وقتی که بساط شاهنشاهی به هم خورد، هیچ وقت نگران نبودم برای اینکه می دیدم ما مقابل هستیم با یک دستگاه جبار و ظالم و اجنبی ها، و ما مکلف هستیم کوشش کنیم برای اینکه این مسائل تبدیل بشود و اگر هم پیش نبرسیم، پیش من هیچ اهمیتی نداشت برای اینکه ما به تکلیف خودمان عمل کرده بودیم و پیش خدا مسؤولیت نداشتیم. بعضی از آقایانی که در پاریس پیش من می آمدند، اظهار می کردند که نمی شود این کار را انجام بگیرد. شما مثلاً بخواهید بعضی از اینها را اجازه بدهید بعضی از اینها بیایند و فلان. و بعد از رفتن شاه هم من به آنها می گفتم که ما یک تکلیفی داریم و داریم عمل می کنیم. کسانی که تکلیف عمل می کند، دنبال این نیستند که ببینند آیا غلبه می کنند یا مغلوب می شوند. ما غلبه کنیم، خوب بهتر، اگر مغلوب هم شدیم که حضرت امیر (علیه السلام) هم مغلوب شد در جنگ با معاویه، امام حسین هم کشته و مغلوب شد اما تکلیف را عمل کردند و ما هم تکلیف را انجام می دهیم. من در تمام طول این مدت از باب اینکه مقابله بین ما و دستگاه جبار و کفر و اینها بود نگرانی نداشتیم، لکن حالا نگرانم. در وقتی که جمهوری اسلامی بنا داشتیم که تحقق پیدا بکند، بحمدالله خیلی چیزهایش هم تحقق پیدا کرد، لکن نگرانی من از داخل خودمان است از دو جهت که یک جهتش سبک است و جهت دیگر سنگین. این جهت سبک آن کارهایی که مخالفین، توطئه ها و دسته بندی هائی که مخالفین دارند، این چیز مهمی به نظر من نیست، آنچه مهم است این ناسازگاری هائی که در ارگان های اسلامی است، مملکتی اسلامی و تا به هنگامی که همکاری همه طبقات به هر کجا که بروی با هم توافق ندارند و مرتباً دعوت به توافق می کنند همه لکن خودشان هم توافق ندارند، این موجب نگرانی است برای اینکه این اسباب این می شود که کشور به حال تزلزل باقی بماند و اگر یک مدتی به حال تزلزل باقی بماند، آسیب از خودش پیدا می شود و از داخل آسیب می بیند و محتاج به این نیست که از خارج بیایند و به ما آسیب برسانند، ما خودمان به جان هم می افتیم و خودمان را از بین می بریم. آنچه که الان موجب نگرانی است این است که ما از یک طرف دستمان بسته است برای اینکه ما بخواهیم انگشت بگذاریم روی افراد، بگوئیم این خرابکار است یا آن خرابکار است، یک افرادی هستند که ما نمی توانیم بگوئیم اینها خرابکار هستند و اشتباه

کارند و نمی شود که ما اشخاصی که ، از استاندارهایی که در اطراف هستند یا وزرائی که در فلان وزارتخانه هستند یا اشخاصی دیگر و اینها را بگوئیم که نه ما با اینها مبارزه کنیم . اینها از خودمان هستند . ما قبلا مبارزه می کردیم ، مبارزه یا شکست است یا پیشرفت که ما هر دویش را برده ایم ، اما حالا دیگر مبارزه نداریم ، ما با هم باید حالا سازش بکنیم تا اینکه این مملکتی که اینطور در هم و برهم است و از همه اطراف به آن هجوم است ، خودمان این را پیش ببریم . لکن مع الاسف آدم می بیند که به هر جا دست می گذارد اختلاف است . اختلاف بین استاندار با کسان دیگر ، ژاندارمری با کسان دیگری ، ارتش ، پاسدار ، چه و چه ، همه بنگاه هائی است که با هم اختلاف دارند و ممکن است که بسیارش از روی اشتباهات باشد ، لکن اشتباه بزرگتر این است که این اشتباه را رفع نکنند که مطلب واضح این است که ما اگر چنانچه به این حال باقی بمانیم ، نمی توانیم این مملکت را اداره بکنیم و هیچ کسی نمی تواند ، تا یک نظامی در کار نباشد و یک هماهنگی بین حوزه و بین استان ها نباشد ، این مطلب پیش برده نمی شود و مع الاسف این معنا تاکنون درست بین مردم ، بین آقایان ، بین عرض می کنم که بین سردمدارها و دولتمنداها ، اینها تا حالا ، به طور دقیق شناخته حتی نشده است و اگر شده است عمل به آن نشده است .

باید هر کس که در هر جا هست آنجا را درست کند

این مسأله نیست که شما حالا بگوئید فرض کن فلان وزارتخانه ای یک اشکال دارد . هر وزارتخانه ای که بروید الان در داخل آن یک افرادی و اشخاصی هستند که با هم سازش ندارند . بین این وزارتخانه ها و وزارتخانه دیگر هم ممکن است همین طور باشد ، همه دستگاه ها الان در هم و بر هم است و این را باید کی درست کند ، به غیر از این است که باید هر کس که در هر جا هست آنجا را درست کند ؟ مثلا فرض بفرمائید شماها که در شهرستان ها هستید ، در استان ها هستید باید کوشش کنید که این استانی که هستید آنجا را درستش کنید ذهنتان را متوجه نکنید که یک جای دیگر خراب است . اگر بنا باشد که ذهن آدم متشتت بشود ، شمائی که استاندارید بروید و بگوئید که در فرض کن در فلان وزارتخانه ای کجا هم یک همچو اشکالاتی هم هست ، شما کار خودتان را هم می توانید انجام بدهید . باید وزارتخانه ها را اشخاصی که در آن وزارتخانه هستند اداره کنند . فرض کنید بعد انشاءالله مجلس تحقق پیدا کند ، به وسیله مجلس باید اینطور مسائل حل بشود . انشاءالله امید است که حل بشود انشاءالله لکن این مسأله است که باید هر کسی مثلا یک کسی که خانه اش ، یک اختلافاتی در داخل خانه خودش است اگر بنا باشد که این آدم آنجا را کار نداشته باشد برود سراغ همسایه ها که ببیند که همسایه ها چطور هستند ، این نمی تواند اداره کند . این کسی که در خانه اش اختلاف است باید تمام همش را ، این اختلاف خانه اش را بردارد و بعد اگر هم یک جای دیگر هم خرابکاری است کار صحیحی است که برود آنجا هم امر به معروف کند .

شما آقایان استانداران اگر چنانچه که یک استانی که به منزله خانه خودتان است ، تمام توجه تان

را متوجه خودتان بکنید که اولاً خود استناداری چه اشخاصی در آن است اشخاصی همه اشخاص صحیحند یا غیر صحیح ، شما خودتان می توانید آن اشخاص را تغییر بدهید . شما به عنوان اینکه در وزارت نفت مثلاً یک کسی خراب است ، نباید از کاری که خودتان الان در استناداری خودتان هست کوتاهی کنید و بروید سراغ آن . شما هم همه تان ، هر فردی در هر مقامی که هست ، ملاحظه کنید آن محلی که هست ، آن همان مثل خانه خودتان ، اول داخل همان استناداری چه جوری است ، آنها را تصفیه کنید بعد جاهای دیگر که تحت نظارت شماست ، مثل فرماندارها و اینها که هستند ، اینها را شما باید وادار کنید به اینکه درست بکنند و مسائلی هم که در فرض کنید در وزارتخانه ها می گذرد ، آقای کنی در وزارت کشور هستند . ایشان آن وزارتخانه را ببیند که چه جور می شود اصلاحش بکنند و یک کسی هم که در وزارتخانه دیگری است ، باز او هم دنبال آن بگردد و اصلاح بکند . اگر هر کسی که در هر محلی است همان محل را اصلاح بکند ، مملکت عبارت از همین جامعه است ، اگر این جامعه هر کدام در هر محلی که هستند در صدد این باشند که اصلاح بکنند کار را و همان محلی که خودشان هستند اصلاح بکنند ، جامعه اصلاح می شود .

با حفظ تفاهم و برادری از شکست نهضت جلوگیری کنید

در هر صورت آنچه موجب نگرانی است آن است که جمهوری اسلامی شکست بخورد . ما قبلاً- با طاغوت مقابل بودیم طاغوت ما را شکست می داد ، بسیار خوب خیلی از جاها طاغوت غلبه کرده است و حالا هم در عالم ، طاغوت باز غالب است اما جمهوری اسلامی و جایی که ما ادعای این را داریم که این اسلام درش است ، احکام اسلام در آن است ، این بخواهد شکست بخورد به واسطه اشخاصی که خودی هستند ، فرق نمی کند بین فرض کنید روحانیون همه سرتاسر مملکت ، اگر روحانیون سرتاسر مملکت خدای نخواستہ یک کاری بکنند که ضررش به جمهوری اسلامی برسد ، دادگاه همه مملکت آنها یک کاری بکنند که ضررش به جمهوری اسلامی برسد و یا اینکه وزارتخانه و همه جا اگر اینطور باشد ، آنوقت ما اسلام را به دست خودمان لطمه زدیم . آنچه موجب نگرانی است ما خودمان ، فرض کنید که ما فعالیت خودمان و اسلام را به هم بزنیم ، تا حالا داد می زدیم جمهوری اسلامی ، حالا که جمهوری اسلامی ارکانش هم تحقق پیدا کرده است ، محتوایش را ما نتوانیم اسلامی بکنیم ، علاوه بر این هی به همش بزنیم ، هر کسی یک طرف را بگیرد ، آن از آن طرف بکشد ، هر کس هر وقت صحبت می کند به ضد دیگری صحبت بکند ، آن یکی اگر صحبت کند ، بر ضد دیگری صحبت بکند ، این یک مملکت آشفته می شود . همه گناه را به گردن دیگری می گذارند . نه ، گناه گردن همه ما هست ، همه ما مسؤول هستیم پیش خدا (کلکم راع و کلکم مسؤول) همه ما باید مراعات بکنیم و راع بکنیم و همه ما مسؤول هستیم از این کاری که می کنیم . نباید من بگویم که همه گناه ها گردن کس دیگر است و او هم بگوید که گردن یک کسی دیگر است . خیر باید همه ما اعتراف بکنیم که رشید نیستیم ، رشد نداریم . این مردم ، این توده مردم ، مردمی بودند که ریختند و کارها را انجام دادند ، حالا

به عهده شماهاست ، به عهده همه ماست که اینکه اینها گرفتند ما نگهش داریم . توده که دیگر نمی تواند مملکت را اداره کند ، توده راه افتاد همه کارها را توده مردم انجام داد و سپرد آن را دست شما آقایان که در راس امور هستید ، اینها حالا باید نگاهش دارید ، این یک امانت الهی است که باید ماها نگهش داریم . اگر بنا باشد که ما هر کدام در محلی که هستیم هر یکی طرفدار یکی دیگر و طرفدارش مخالف باشد ، هر قدرتی باید از دیگری اطاعت نکند ، از تهران گرفته تا سرحدات اینطور باشد ، یک مملکت هرج و مرجی است که مستوجب یک قیمی است ، بعد هم برای ما یک قیم معین بکنند . اگر ما خودمان رشید باشیم و حالائی که ما پیروز شدیم ، نسبت به این مسائلی که تا حالا بوده است اگر بنا باشد که ما رشد نداشته باشیم که اداره کنیم مملکتمان را ، بتوانیم اداره کنیم مملکتمان را ، بتوانیم که آن چیزی که امانت دست ماست حفظ بکنیم ، اگر همچو رشدی نداشته باشیم که مساوی با قیم هستیم و دنیا می گوید اینها قیم می خواهند و یک وقتی یک قیم می خواهند ، فرقی نمی کند یا آمریکا باشد یا شوروی . ما باید از اول متوجه این معنا باشیم که خودمان هستیم ، خودمان را گم نکنیم که اگر انسان نیست دیگر ، یک کس دیگر باید ما را اداره کند . شماها باید اداره کنید ، شماها که در استان ها هستید و آقایان دیگر هم هستند در استان ها ، استان ها را باید شماها اداره کنید و شماها اداره کنید . استان ها را درستش بکنید و با قدرت درستش بکنید . این نقصی که پیدا می کند و عرضه می کند به مجلس ، درست می کند اینها را . در هر صورت آنچه موجب نگرانی بزرگ است این است که یک وقت نهضت ما شکست بخورد . شکست شخص چیزی نیست ، کشتن شخص چیزی نیست ، اما نهضت را ما کاری بکنیم که با اعمال ما این نهضت ما به هم بخورد!! ما باید یک کاری بکنیم . هر کس به کشورش اعتقاد دارد ، به دیانتش اعتقاد دارد ، به خدا اعتقاد دارد ، امروز باید این را حفظش بکند و اختلافات جزئی که بین افراد است ، این را کنار بگذارد و اینطور نباشد که تمام هم ما صرف این شود که او را کنار بزنیم و خودمان جلو بیائیم ، این نباشد . همه ما هممان این باشد که صرف این شود که اگر کسی هم خلاف کرد ، برادرانه به او بگوئید و حالی کنید که این کار شما غلط بوده است ، اگر باورش نیامد و دیدید آدم صحیح نیست ، باید آنوقت به مقامات گفته شود تا جلوی او را بگیرند .

در هر صورت این مرا نگران می کند و من مدت هاست که برای این جهت نگرانم و به همه آقایان این نگرانی را گفته ام و ما نمی توانیم با اشخاصی که داخل خود جمعیت ما هستند مبارزه کنیم . مبارزه با خارج ، مبارزه با طاغوت خواهیم کرد . منظور ، مبارزه کنید ، ما نباید مبارزه با خودمان بکنیم ، باید با هم تفاهم کنیم و با هم برادر باشیم . همه اهل یک مملکت و یک ملت و همه ما ارادت به اسلام داریم ، اینطور نباشد که هر کدام بگوئید ما اسلامی هستیم و دیگران نیستند . نخیر ، همه ما اگر کارهائی که محول به خودمان است آن را به طور صحیح انجام ندهیم ، ما اسلامی نیستیم ، ما طاغوت هستیم . عین همان بود که کارها را بر خلاف مملکت خودش انجام می داد . حالا هم اگر بنا باشد هر کدام در یک محلی بر خلاف مصلحت کشور خودمان آنچه در تهران ، آنچه در شهرستان است اگر بنا باشد اینطور باشد باید ما کمر ببندیم به نابودی آن . نابودی که نهضت ما نابود نشود . خودمان نابود بشویم اشکال ندارد ،

کوشش کنید یک کشور اسلامی با محتوای اسلامی داشته باشید تا پیروز باشید

در هر صورت من امیدوارم که مسائلی که دارید خودتان کوشش کنید برای رفعش و انشاءالله وقتی که مجلس به کار افتاد مسائل در مجلس برود و از مجلس سایر جاها الهام بگیرد و قوای انتظامی اجرا بکند تا انشاءالله همه مسائل حل بشود . امیدوارم که حل بشود مسائل . در هر صورت حالا من همه اش را روضه خوانی نکنم . این را به شما عرض بکنم که شما ، این توده جمعیت سی و چند میلیونی ، آنها قیام کردند و یک قدرت بزرگی را شکستند و قدرت های دیگر هم نتوانستند هیچ کاری بکنند با اینکه همه به فکر این هستند که اینجا را چه بکنند .

دنیا ما را پیروز دانست و الان هم این امریکائی که دارد عربده می کشد دیگران الان دارند توی دهنش می زنند و از هیچ نترسید که شما پیروزید انشاءالله و امیدواریم که با همان پیروزی جلو بروید ، هر کسی نتواند در این مملکت به شماها تعدی بکند . یک مملکت اسلامی باشد ، محتوایش اسلامی باشد . کوشش کنید محتوای آن را اسلامی کنید . کار نداشته باشید که فرض کنید بندر کجا یک مسأله اسلامی نیست . شما همان ها را اسلامی کنید . اگر ما هر کدام هر جا که هستیم آنجا را تصحیح کنیم ، همه جا درست می شود . انشاءالله امیدوارم که با قدرت ، شماها پیش بروید و مملکت هم مال خودتان است بتوانید آن را اصلاحش بکنید و مصلحتش را در جهت ، خودتان هستید ، دیگر یک آقا بالا سر نیست که بیاید و به شما بگوید که این کار را بکنید و مملکت هم مال خودتان و مملکت خانه خودتان و خانه خودتان را باید اصلاح بکنید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع مدیران صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور

شریف ترین روز، از ازل تا ابد، بعثت پیامبر گرامی اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید بزرگ را به همه ملت ایران و تمام مسلمین و شما آقایان حاضر تبریک عرض می کنم .

زمان ها خودشان هیچ مزیتی ندارند بعضی بر بعضی ، زمان یک موجود ساری متحرک است ، متعین و هیچ فرق ما بین قطعه ای با قطعه ای دیگر نیست . شرافت زمان ها یا نحوست زمان ها به واسطه قضایائی است که در آنها واقع می شود . اگر چنانچه شرافت زمان به واسطه حادثه ای است که در آن زمان واقع می شود ، باید عرض کنم که روز بعثت رسول اکرم در سرتاسر دهر (من الازل الی الابد) روزی شریفتر از آن نیست برای اینکه حادثه ای بزرگتر از این حادثه اتفاق نیفتاده . حوادث بسیار بزرگ در دنیا اتفاق افتاده است ، بعثت انبیا بزرگ ، انبیا اولوالعزم و بسیاری از حوادث بسیار بزرگ ، لکن حادثه ای بزرگتر از بعثت رسول اکرم نشده است و تصور هم ندارد که بشود زیرا که بزرگتر از رسول اکرم در عالم وجود نیست غیر از ذات مقدس حق تعالی و حادثه ای بزرگتر از بعثت او هم نیست . بعثتی که بعثت رسول ختمی است و بزرگترین شخصیت های عالم امکان و بزرگترین قوانین الهی ، و این حادثه در یک همچو روزی اتفاق افتاده است و این روز را بزرگ کرده است و شریف ، و همچو روزی ما دیگر در ازل و ابد نداریم و نخواهیم داشت ، لهذا تبریک این روز را بر همه مسلمین و بر همه مستضعفین جهان عرض می کنم .

فقط انسان نامتناهی در کمال و بینش و صفات ، قادر به برداشت صحیح از اسلام است

از اسلام و بعثت رسول اکرم برداشت های مختلفی است به حسب آن چیزهایی که در برداشت کننده موجود است . انسان ها مختلفند در دید خودشان و به واسطه اختلاف در دید ، اختلاف در برداشت ها هم می شود . برداشت از رسول اکرم به حسب دیده های مختلفی که در جهان بوده و هست و خواهد بود مختلف است و برداشت از انسان هم به حسب اختلاف نظرها و اختلاف دیدها مختلف است و برداشت از قرآن هم به حسب همین اختلاف مختلف است و برداشت از احکام اسلام هم و اسلام هم مختلف . هر دیدی محدود به حدود آن کسی است که آن دید را دارد . انسان یک موجودی است محدود

لکن قابل حرکت الی غیر متناهی و دید انسان موجود محدود است مگر آنکه دید انسان غیر متناهی باشد. انسان غیر متناهی در کمال، غیر متناهی در جلال و جمال، دید غیر متناهی دارد و او می تواند از اسلام و از انسان و از بعثت و از رسول اکرم و از عالم، برداشت صحیح بکند. از انسان بزرگ که گذشت، از انسان کامل که گذشت، تمام دیدهایی که در بشر هست، در انسان ها هست، همه محدود است و برداشت صحیح نه از اسلام و نه از قرآن و نه از بعثت و نه از رسول اکرم و نه از انسان به طوری که هست می تواند برداشت کنند. محدود نمی تواند غیر محدود را در حیطه بیاورد مگر خودش هم غیر محدود بشود. انسان کامل غیر محدود، انسان کاملی که در همه صفات غیر محدود است و ظل ذات اقدس الهی است، این می تواند از اسلام آنطور که هست برداشت کند و از انسان آنطور که هست و از بعثت آنطور که هست و از قرآن آنطور که هست و از عالم آنطور که هست. دیگران به حسب مراتب وجودشان، به حسب مراتب کمالشان برداشت هایی دارند لکن محدود است، باید خودشان سیر بکنند و مراتب کمال را یکی پس از دیگری به آن برسند و به اندازه کمالی که پیدا می کنند از این حقایق و منجمله از بعثت برداشت به حسب آن مقدار از کمال که دارند بکنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم انسان کاملی است که در راس مخروطه این عالم واقع است. ذات مقدس حق تعالی که غیب است و در عین حال ظاهر است، مستجمع همه کمال به طور غیر متناهی است، در رسول اکرم متجلی است به تمام اسماً و صفات و در قرآن متجلی است به تمام اسماً و صفات. و روز بعثت روزی است که خدای تبارک و تعالی موجود کاملی که از او کاملتر نیست و نمی شود باشد مأمور کرد که تکمیل کند موجودات را، انسان ها را که ابتدائاً یک موجود ضعیف ناقص هست لکن قابل اینست که ترقی کند، انسان را مرفقی کند. ابعاد انسان ابعاد همه عالم است و اسلام برای تربیت انسان در همه ابعاد است برداشت های مختلفی که از اسلام شده است به حسب نظرهای مختلفی که صاحب نظرها داشتند و بینشی که داشتند بسیار اختلاف هست و هیچ کدامش نرسیده است به حدی که اسلام را بشناسد یا انسان را بشناسد یا رسول اکرم را بشناسد یا عالم را بشناسد همه شان در یک سطح محدود هستند، چه بسا اشخاصی که خیال می کنند که پیغمبر اکرم که آمده است یا سایر انبیائی که خدای تبارک و تعالی فرستاده است، برای این است که مردم را از این ظلم ها و بی عدالتی ها و امثال این نجات بدهد و مأموریت همین است که عدالت ایجاد کند در اجتماع و در افراد و مأموریت به همین قدر بیشتر نیست. چه بسا اشخاصی که اقتصاد را در یک مطلب با اهمیتی تلقی می کنند و مأموریت انبیا را محدود به این بکنند که اینها آمده اند مردم را به یک شکم سیر و یک زندگی رفاه برسانند و همین است مأموریت انبیا. و چه بسا اشخاصی که به حسب دید عرفانی که دارند بعثت انبیا را محدود می کنند به اینکه برای بسط معارف الهی است و غیر از این بعثت چیزی نیست. و همین طور فلاسفه یک طور فکر می کنند، فقهای اسلام، ملت ها یک طور فکر می کنند، روشنفکرها یک طور فکر می کنند و مومنین هم هر کدام به یک نحو فکری دارند و همه قاصرند از رسیدن به آنچه که هست. این روایتی که وارد شده است (من عرف نفسه فقد عرف ربه) این به ما می فهماند که انسان آنطور موجودی است که اگر چنانچه شناخته بشود،

شناسائی خدا با اوست . به هیچ موجودی این مطلب صادق نیست . رب انسان را کسی نمی تواند بشناسد الا اینکه خودش را بشناسد و خودشناسی که دنبالش خداشناسی است حاصل نمی شود مگر برای اولیاً خدا . و گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه این دنیا را اداره بکند یا آمده است فقط برای اینکه مردم را متوجه به آخرت بکند یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهیه بکند . محدود کردن هر چه باشد خلاف واقعیت است . انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است ، نه محدود به عالم طبیعت و ماده است ، نه محدود به عالم غیب است ، نه محدود به عالم تجرد است ، همه چیز است .

نوع انسان در خسارت است مگر آنان که در حصار ایمان و تربیت انبیا وارد می شوند

می گویند اول سوره ای هم که به پیغمبر وارد شده است (اقرا باسم ربک) است نگفته است اقرا باسم الله ، نگفته است اقرا باسم الناس ، فرموده است اقرا باسم ربک ، یعنی رب رسول ، یعنی آن که تربیت کرده است رسول اکرم را ، یعنی خدای تبارک و تعالی به تمام اسماً و صفات ، با تمام اسماً و صفات . اینکه رب رسول اکرم است ، انسان کامل است ، ذات مقدس حق تعالی با تمام اسماً و صفات است و اسماً و صفات حق تعالی احاطه بر تمام موجودات دارد و با یک تعبیر دیگر همه موجودات ظهور اسماً و صفات الهیه هستند . و خدای تبارک و تعالی که امر می فرمایند که (اقرا باسم ربک) یعنی به این اسمی که تمام اسماً و صفات در آن است و مربی به تمام معنای تربیت در عالم طبیعت ، تربیت در عالم ماورای طبیعت ، تربیت های مناسب با عالم مجردات ، با عالم جبروت ، با تمام عوالم ، این رب رسول است و پیغمبر هم مأمور است که قرائت بکند و اول چیزی که به او حسب این روایت امر شده است ، امر به قرائت است و تعلیم و تربیت . کانه می خواهد بفرماید که آن ربی که رب تو است و احاطه به همه موجودات دارد ، تو باید قرائت کنی و تربیت کنی مردم را به آن راه ، همان راه رب رسول ، آن هم رب رسول خاتم . پیغمبر مأمورند که مردم را دعوت کنند به رب رسول ، به رب رسول اکرم و رب رسول خاتم . و قرآن برای همین آمده است و اسلام برای همین آمده است که تربیت کند انسان ها را که اگر تربیت برایشان نباشد ، از همه حیوانات درنده تر و موذی تر است . انسان یک چنین موجودی است که اگر در تحت تربیت واقع نشود ، هیچ حیوانی در عالم ، هیچ موجودی در عالم به خطرناکی این موجود نیست و به موذیگری این موجود نیست . همه انبیا که آمدند ، برای تربیت این موجودند که اگر سر خود باشد عالم را به هم می زند و مع الاسف انبیا هم موفق نشدند به اینکه مأموریت خودشان را تحقق بدهند .

(والعصر ان الانسان لفی خسر) عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله علیه باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی سلام الله علیه است . قسم به عصاره موجودات عصر ، فشرده موجودات ، اینکه فشرده همه عوالم است ، یک نسخه ای است ، نسخه تمام عالم . همه عالم در این موجود ، در این انسان کامل عصاره است و خدا

به این عصاره قسم می خورد و می فرماید که (ان الانسان لفی خسر) انسان در خسارت است، انسان شقی است (الا الذین امنوا) یعنی الا آن اشخاصی که تحت تربیت واقع شده اند. نه اسلموا، آمنوا. غیر مومن ها، غیر اشخاصی که در تحت تربیت انبیا عظام واقع شدند و در این زمان در تحت تربیت رسول اکرم واقع شده اند، همه شان خسارت دارند، در زیان و خسر هستند، مستثنی فقط مومنینند که مومنین البته دارای این صفات هم هستند (و عملوا و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) این استثناست، ما بقی همه ما دیگر در خسران هستیم و اسلام آمده است که این همه خسارتمندها را، همه این ناقص ها را بیاورد در این جمعیت مومنین. اسلام نیامده است که جنگ بکند، اسلام نیامده است که کشورگیری بکند، نیامده است که فتح بکند، اسلام و سایر ادیان حقه آمده اند که مردم را از این خسران بیرون کنند و وارد کنند در این حصار ایمان و مع الاسف موفق نشدند، کوشش خودشان را کردند و موفق نشدند الا مقداری. این مقدار از کمال هم که در انسان ها در عالم هست به تبع انبیاست، اگر انبیا نیامده بودند، شاید همه مردم، الا نادری، همه شان مثل حیوانات جنگل و بدتر از او به جان هم می افتادند. حالا هم می بینید که آنهایی که به این حصار ایمان نزدیکترند از این جنایات دورترند. حالا هم که شما در دادگستری های عالم و در محکمه های قضائی همه جا مراجعه کنید، مومن ها پرونده ای اینجا ندارند پرونده مال آنهایی است که ایمان ندارند، پرونده های قتل و پرونده های در می زدی و فحشا و امثال ذالک مال آنهایی است که ایمان به اسلام یا ایمان به خدا ندارند. این مقدار هم توفیق زیادی است که گروه های زیادی از انسان را تربیت کردند ولو همین مقدار از تربیت و اگر این تربیت نبود، همه کارتر بودند و همه هیتلر بودند. تربیت های انبیاست که نجات داده این مردم را از حد حیوانیت و آن جنونی که انسان دارد در قدرت طلبی و شهوترانی باز یک مقدار زیادی توفیق حاصل شده لکن باز توفیقی که آنها می خواستند نشده است، این که انبیا می خواستند باز نشده، پیغمبر غصه می خورد برای اینکه دعوت می کند و اجابت کم می شود.

(فلعلک باخ نفسک) و یکی از غصه های انبیا هم همین است که تعلیماتشان را نتوانستند به ثمر برسانند به آن طوری که تعلیم اقتضا می کند. پیغمبر می خواست همه مردم را علی ابن ابیطالب کند ولی نمی شد و اگر بعثت هیچ ثمره ای نداشت الا وجود علی ابن ابیطالب و وجود امام زمان سلام الله علیه این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی پیغمبر را بعث می کرد برای ساختن یک چنین انسان های کامل، سزاوار بود لکن آنها می خواستند که همه آنطوری بشوند آن توفیق حاصل نشد. اسلام یک قوانینی است که انسان می خواهد درست کند، قرآن هم کتاب انسان سازی است می خواهد انسان درست کند، پیغمبر هم از اول که مبعوث شد تا آخر وقتی که از دنیا تشریف بردند در صدد این بود که آدم درست کند، در فکر این بود. تمام جنگ هائی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلی ها و وحشی ها را وارد کنند در حصار ایمان، قدرت طلبی توی کار نبود و لهذا در سیره نبی اکرم و سایر انبیا و اولیای بزرگ، حضرت امیر سلام الله علیه، اولیای بزرگ در سیره آنها می بینیم که اصل قضیه قدرت طلبی در کار نبوده و اگر برای ادای وظیفه نبود و برای ساختن این

انسان ها نبود، حتی این خلافت ظاهری را هم قبول نمی کردند، می رفتند، اما تکلیف بود، تکلیف خداست باید قبول کند تا بتواند آن مقداری که می تواند انسان درست کند، مع الاسف نتوانست معاویه را آدم کند چنانکه پیغمبر نتوانست ابوجهل و ابولهب و این صنف جمعیت را آدم کند، امیرالمومنین هم نتوانست معاویه و اتباع معاویه را آدم کند اما آمدند برای این کار، گمان نشود که اسلام شمشیر کشیده است برای این که قدرت پیدا کند مثل سایر حکومت ها، حکومت اسلامی اینطوری نیست، اگر کسی برای قدرت اقدام بکند و برای تحصیل قدرت شمشیر بکشد، این از اسلام دور است، این وارد در اسلام نشده است باز، ظاهراً مسلم است اما آن ایمانی که باید داشته باشد ندارد. انبیا آمده اند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند، این قدرت های شیطانی را سرکوب کنند و نبی اکرم هم آمده بودند، آمدند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند. این یکی از کارهایی است که انبیا دارند نه اینکه فقط این است. کار مهم انبیا این است که مردم را برسانند به آن نقطه کمال و سایر کارها وسیله است غایب، کمال مطلق است. انبیا می خواهند که همه مردم بشوند مثل امیرالمؤمنین سلام الله علیه، لکن نمی شود، توفیق پیدا نمی کنند. اینطور نیست که انبیا برای دنیا آمده باشند، دنیا یک وسیله ای است برای کمال، چنانکه اهل دنیا هم این وسیله را به ضد کمال استعمال می کنند. جنگ علی ابن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتاً فرق دارد، ذاتاً فرق دارد، یکی شمشیر می کشد و ظل الله است، ظل خداست، یکی شمشیر می کشد و ظل شیطان است، ماهیتاً این دو تا با هم فرق دارند. آن که برای قدرت طلبی و شیطنت فعالیت می کند با آن که برای خدا فعالیت می کند، ذاتاً این دو تا با هم فرق دارند و کارهایشان ذاتاً فرق دارد. انبیا برای ثروت و قدرت و دنیا و رسیدن به حکومت ابدی یک قدم برداشتند و اگر کسی گمان کند که انبیا یا اولیاً بزرگ قدمی برای مسند برداشتند، این نمی شناسد آنها را، این انبیا را نشناخته است. مسندها همه در نظر انبیا پوچ است و قدرت همه پوچ.

روش پسندیده قرض الحسنه باعث از میان رفتن ربا و حرکت آفرین است

در اعمالی که ما انجام می دهیم و شما آقایان هم یک مصداق خویش را دارید انجام می دهید و آن تکفل صندوق های قرض الحسنه است، گاهی عمل، خوب عملی است، نماز دیگر از اعمال بسیار بزرگ است لکن نمازگزار بد است، نماز خوب است، نمازگزار این را به ریا انجام می دهد، جهنم می رود، با نمازش جهنم می رود. صندوق قرض الحسنه خوب است، صندوقدار خیلی کارش مشکل است، جدیت کنید که صندوقدار امینی باشید که برای ملت خودتان، برای مستمندان خودتان با فایده باشید و قصد اینکه به آنها یک مثلاً چیزی هم بفروشید نداشته باشید، برای خدا کار کنید و امانت را حفظ. این پول هایی که مردم به صندوق قرض الحسنه می دهند اینها یک امانت هائی است دست صندوقدارها. من هیچ یک از آقایان را هم می شناسم بلکه بعضی آقایان را می شناسم نمی دانم که این بعضی آقایان واردند یا من باب اتفاق آمدند اینجا، لکن به عنوان صندوقدار کسی را نمی شناسم - شما همه خودتان می شناسید خودتان را، هر آدمی خودش را خوب می شناسد

یعنی نه به آن خوبی که مراتب کمال را بشناسد ، راجع به اعمال خودش می داند دارد چه می کند ، شماها هم می دانید که در این امانت آیا چه می کنید ؟ آیا به این طوری که رضای خداست عمل می کنید ؟ و انشاءالله امیدوارم عمل بکنید و اگر خدای نخواستہ قصوری در این امر دارید ، جبران کنید ، کار بسیار خوبی است ، مسؤولیتش هم بسیار زیاد است . کار هر چه بزرگتر باشد مسؤولیت هم به حجم آن بزرگ است .

قرض الحسنه از اعمال بسیار خوبی است و بهتر از همین طور پول دادن است و نکته اش هم ، شاید یکی از نکته هایش هم این باشد که در قرض الحسنه ، فعالیت دنبالش هست ، در مجانی ، شاید گدا درست کردن باشد ، از این جهت این یک فعالیتی ایجاد می کند ، آن کسی که قرض می کند و موظف است که بدهد این به فعالیت می افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم مازادی که پیدا کرده است ادامه بدهد به کار خودش لکن آن کسی که نشسته کنار کوچه و از مردم چیزی می خواهد ، آن هیچ وقت در فکر این نیست که یک کاری بکند برای اینکه مطالبی ندارد ، کسی نمی آید از او مطالبه کند که این که گرفتی بده . قرض بسیار اهمیت دارد و قرض الحسنه بسیار اهمیت دارد و در کمتر جاهائی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد و نکته اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد ، فعالیت کم می شود ، یکی از نکاتش در مقابل کار نیست این سودی که می برد ، این توی خانه اش نشسته و عیاشی می کند و پولش دارد می زاید ، یک همچو چیزی را که بخواهد ربا بگیرد آدم و تحمیل بکند به مسلمین ، این از یک طرف یک ظلمی است به حسب آیه شریفه که تعبیر ظلم کرده است و از یک طرف دیگر بیکاری درست می کند ، این پول باید راه بیفتد و کار انجام بگیرد از آن و رزق پیدا بکند . اینها پول را همین طور می گذارند آنجا دست یک کسی و می خواهند این پول بزاید برایشان بدون کار و این در جامعه فساد بزرگی است و این را ظلم گفته است قرآن شریف (لا تظلموا و لا تظلموا) و آنطور تشبیه کرده است (فادنوا بحرب من الله) این اهمیت زیاد دارد و به همان اندازه ای که قرض به ربا محکوم است به همان اندازه قرض به حسنه و بدون ربا و همین طور قرض دادن مطلوب است . و شما تکفل به یک امر بسیار بزرگی کردید و انشاءالله با اعمال شما و امثال شما ربا از مملکت اسلامی کوچ می کند لکن توجه به خودتان باید داشته باشید . هر شخصی باید خودش را محاسبه کند . یکی از مناطق سیر ، محاسبه آدم است ، نوع انسان مراقبت از خودش بکند در روز که مشغول عمل است که خلاف نکند ، شب هم که ، آخر شب هم که می رود از منزل خودش محاسبه کند ، مثل یک کسی که از او استنطاق می خواهد بکند ، بازرسی می کند ، خودش را بازرسی کند ببیند که امروز چه کرده است . شما از خودتان هر شب بازرسی کنید و ببینید با این صندوق چه عمل کردید ، آیا این بیچاره ای که آمده است قرض بگیرد با تلخی با او روبرو شدید ؟ خیلی این اهمیت دارد ممکن است که یک نفر آدم هم قرض بدهد ، جان هم بدهد ، قرض الحسنه بدهد لکن ترشروئی کند یعنی قلب این قرض گیرنده را آزرده کند یعنی قلب محل تجلی خداست ، قرض که می دهید با خوشروئی ، زود عملش را انجام بدهید هی مثل ادارات دولتی نباشد ، زود کار را

انجام بدهید با خوشروئی ، با بشاشت ، با احترام . آن که آمده است قرض می کند خوب یک نقیصه ای در خودش می بیند ، به واسطه این نقیصه شاید یک خجالتی برای خودش خیال بکند و حالا- آنکه نه فقر خجالت دارد و نه قرض خجالت دارد لکن خوب یک احساس حقارتی ممکن است بکند ، شما با اعمالتان رفع کنید این را ، شمائی که متکفل قرض الحسنه دادن هستید ، با خوشروئی و عمل خوب این نقیصه ای که آن آدم در خودش مثلا می بیند و حقارتی که شاید در خودش می بیند ، شما آن را رفع کنید ، این از قرض الحسنه دادن بهتر است حسنه او قرض الحسنه دادن بالاتر است . دلجوئی از مستمندان و از ضعفا و از مستضعفان از اعمال دیگر محتمل است بسیار بزرگتر باشد و شما در حالی که آن عبادت را انجام می دهید که متکفل شدید برای یک عبادتی که قرض الحسنه بدهید و صندوق را باز کنید به روی اشخاص احتیاج دار ، این مطلب ، این عبادت بزرگ را هم انجام بدهید ، این عبادت بزرگ که دلجوئی از یک نفر انسان ، از یک نفری که ممکن است از خود شما شریفتر باشد و شما نمی دانید ، ممکن است از خود شما ایمانش به خدا بالاتر باشد و شما مطلع نیستید ، دلجوئی از او از آن کار دیگران ، بالاتر است و اگر کسی صدقه بدهد و منت بگذارد ، مطرود است ، پیش خدا مطرود است این صدقه است اصلا مطرود است . باید انسان در فکر این باشد که خودش را مهذب کند ، تهذیب کند خودش را . و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ما ، همه ملت ما متوجه به اسلام باشند و همه منزّه باشند باشند از صفات بد .

با مشت گره کرده ، نهضت را تا رسیدن به مطلوب حفظ نمایند

و اخیرا عرض می کنم که سستی در این نهضت نکنید ، شما بین راه هستید و این راه با قدرت ، با تصمیم و با ارادت ، با مشت محکم به پیش ببرید این نهضت را و مادامی که مشت شما گره کرده است آسیبی به شما نخواهد رسید . مشت خودتان را باز نکنید . رفتن دنبال اینکه فلان کار را کی انجام خوب می دهد ، کی انجام بد می دهد و من چه می خواستم به من نرسید ، من خانه می خواستم به من نرسیده ، این مشت گره کرده را باز کردن است . مشت خودتان را پیش خدای تبارک و تعالی باز نکنید . به همانطوری که در اول نهضت گره کرده بودید مشت را و هیچ اعتنا نداشتید به اینکه به یک منصبی برسید و جوان ها را زن ها دادند و هیچ نظری نداشتند که برایشان یک چیزی بشود ، برای خدا بود و شما هم همه برای خدا عمل می کردید ، این را حفظش کنید ، این مشت گره کرده را همین طور گره کرده دارید و در مقابل قدرت هائی که هست ، از آن قدرت ها ترسید ، اینها قدرت هائی هستند که پیش آن قدرتی که شما اتکال به آن دارید هیچ نیست ، هیچ نیست ، اینهمه کوشش هم که دارند می کنند و از همه اطراف دارند کوشش ها می کنند برای اینکه این جمهوری اسلامی را نگذارند به محتوای حقیقی خودش برسد موفق نمی شوند ، ملت ما تصمیم خودش را گرفته است . اگر چهار نفر هم پیدا بشوند که بر خلاف مسیر ملت هستند اینها چیزی نیستند ، اینها قابل ذکر اصلا نیستند و با این همتی که ملت ما کرده است و الان هم بحمد الله محفوظ است آن اراده و عزمشان ، ما پیروزی را انشاء الله با تمام

حدودش ، با تمام وجودش ادراک می کنیم . شما بنای بر این داشته باشید که این نهضت را پیش ببرید ، پیش بردن نهضت برای آن اشخاصی که در کارخانه ها کار می کنند این است که کار کنند ، از کارشان ندرزند ، آنهایی هم که در صحراها و در محل زراعت کار می کنند کار کنند و ملت ما هم به این کشاورزها که زحمت کشیدند از قراری که می گویند بسیار زیاد امسال کار کردند لکن ممکن است نتوانند خودشان جمع بکنند یا شیاطین نگذارند که اینها جمع بکنند باید کمک بکنند ، این نهضت باید اینطور پیش برود . اگر شما توانستید که زراعت خودتان را و صنعت خودتان را و فرهنگ خودتان را و اینها را درست بکنید ، این نهضت را تا یک حدودی پیش بردید . و من امیدوارم که این نهضت ، یک نهضت نفسانی هم باشد ، روحانی هم باشد و همانطوری که کارهای زراعی و دیگر کارها انجام می گیرد مجاهده با نفس هم انجام بگیرد و همانطوری که در اول نهضت تحول بزرگی برای ملت ما حاصل شد ، این تحول محفوظ باشد و رو به کمال برود . از هیچ بوقی نترسید . اینها همه این حرف هائی را که آقای کارتر می فرمایند ، اینها یک بوقی است ، یک طبل میان تهی است ، دنیا اینها را محکوم کرده است ، دنیا الان ، دنیای آزاد و بیدار دنبال شماست ، نهضت شما پیش دنیا معجزه است این نهضت را با همین بعد اعجازیش حفظ کنید و با اتکال به خداوند و وحدت کلمه پیش بروید و من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر سلام الله علیه هست . خداوند همه شما را موفق و مؤید کند و ملت ما را به پیش برد و کسانی که با ما مخالف هستند تأدیب کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 20/3/59

پیام امام خمینی به آیت الله العظمی منتظری در مورد معرفی اعضای شورایعالی قضایی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته ، جنابعالی برای احراز مقام اجتهاد قضاتی که خود داوطلب شده و یا دیگران آنها را برای عضویت در شورایعالی قضایی معرفی کرده اند ، به هر نحو صلاح می دانید اقدام نمائید . از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 176

فرمان امام خمینی در مورد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی

بسم الله الرحمن الرحيم

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می باشد، اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد نگران آن هستند و نیز نگران اخلاص توطئه گران که هم اکنون گاه آثارش نمایان می شود و ملت مسلمان و پاینده به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواستہ فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کار فرمایان بی فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند که از دستاوردهای دانشگاه ها به خوبی ظاهر می شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علیرغم خواست دانشگاه ها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند و ادامه این فاجعه که مع الاسف خواسته بعضی گروه وابسته به اجانب است، ضربه ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی، خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است. بر این اساس به حضرات آقایان محترم محمد جواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبد الکریم سروش، شمس آل احمد، جلال الدین فارسی و علی شریعتمداری مسؤولیت داده می شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحب نظر متعهد، از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد و دانشجویان متعهد با ایمان و دیگر قشرهای تحصیلکرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورائی تشکیل دهند و برای برنامه ریزی رشته های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه ها، بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند. بدیهی است بر اساس مطالب فوق دبیرستان ها و دیگر مراکز آموزشی که در رژیم سابق با آموزش و پرورش و انحرافی و استعماری اداره می شد، تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند. از خداوند متعال توفیق آقایان را در این امر مهم مسئلت می نمایم و عظمت اسلام و کشورهای اسلام را خواهانم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی

بسم الله الرحمن الرحيم

من از زحمت های طاقت فرسای شما آقایان و خواهران مطلع شدم . آنچه که از دست من بر می آید این است که به شما خواهران و برادران دعا کنم امید آن دارم که همه در درگاه خدای تبارک و تعالی روسفید باشید و خدمت های شایان شما که با رنج و با فعالیت های زیاد انجام گرفته ، مورد نظر خدای تبارک و تعالی و امام عصر علیه السلام باشد . آنچه که این زحمت ها و رنج ها را آسان می کند و تسلیت به انسان می دهد این است که اینها برای خداست . آنهایی که سال های طولانی برای خدمت به طاغوت با ملت ما آن کردند که همه می دانید آنها زندگی هایشان بر فرض اینکه خیلی مرفه و طاغوتی بود لکن هم در دنیا مارک طاغوت و خیانت به جبین هایشان زده شد و هم در پیشگاه خدا که می روند به جزای خودشان می رسند . جزای بعضی از اشخاص در اینجا اصلا امکان ندارد ، مثل نصیری و امثال او که هزاران خانه را بی صاحب کرده اند و هزاران پدر و مادر را بدون جوان .

من امیدوارم که این زحمت که جوانان می کشند ، نظیر همان جوان هائی که در صدر اسلام زحمت می کشیدند که دنبال این نبودند از مردم اجرتی بگیرند . گاهی همین لشکرهائی که در صدر اسلام بودند ، آنقدر فقیر بودند که شبانه روز با یک خرما در حال جنگ زندگی می کردند و گاهی هم از این بدتر می شد ، ولی خدمت می کردند برای اسلام و اسلام را عظمت و گسترش دادند و حالا نوبت ماهاست ، پاسدارهای ما و شما آقایان هم از اینکه در اینجا جبرانی نمی شود ابد افسرده نباشید ، اعمالی که برای خداست جبران ندارد جز آنچه خدا می دهد . یک عمل صالحی که برای خدا باشد همه این دنیا هم جبران آن نیست .

الان کشور مال خود شماهاست و آقا بالاسر ندارید . در ظرف این پنجاه سال همه ما در اسارت بودیم و همه دیدیم از اولی که رژیم منحوس آمد روی کار ، من یاد دارم که چه تلخی هائی از این رژیم به ملت شریف ما رسیده است . مأمورهای آنوقت اصلا از انسانیت به دور بودند ، از یک حیوان جنگلی هم بدتر . در آنوقت مملکت از ما نبود فقط نوکری در اینجا گذاشته بودند ، - مثل اینکه هم اکنون یک نوکری در عراق و یک نوکری هم در مصر دارند - که هر کار می خواستند انجام می داد و ملت ما را به فقر و فلاکت می کشید و تمام ثروت این ملت را به جیب آمریکائی ها و انگلیسی ها و دیگران می ریخت .

(امام در پایان سخنانشان از زحمات این گروه تشکر کرده و موفقیت آنان را خواستار شدند) .

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی و مدیران واحدهای مختلف صدای جمهوری اسلامی

رادیو و تلویزیون باید تحت نظارت سه قوه اداره بشود

بسم الله الرحمن الرحيم

شما توقع این را نداشته باشید که یک مرکزی که پنجاه و چند سال است تحت سیطره یک حکومت جائر و به وسیله سازمان امنیت و امثال اینها اداره می شد و افراد هم منتخب خود اینها بوده است حالا به زودی بشود که یکدفعه برگردد به صورت اسلامی . البته من هم می دانم که خوب شده است لکن نه به آن خوبی که اسلام می خواهد و باید به طور جدی پاکسازی بشود یعنی در مرکزی که مرکز تبلیغات اسلامی است و مهمترین مرکز تبلیغات است نباید اشخاصی باشند که بر خلاف مسیر اسلام و از ریشه های سابق آن رژیم باشند . و رادیو و تلویزیون به طوری که در قانون اساسی مان هست این باید تحت نظارت مجلس و دولت و قوای اجرائیه ، با نظارت همه اینها اداره بشود . مجلس باز راه نیفتاده است به طوری که حالا بتواند مستقیماً در امور دخالت کند . از این جهت یک قدری باید شما تأمل کنید تا انشاءالله مجلس استقرار پیدا کند و به کار مشغول بشود و این مرکز را مجلس و سایر قوایی که باید اداره کنند یعنی باید نظارت کنند ، آنها نظارت کنند . و الان هم باید اشخاصی که متکفل هستند و خصوصاً آن که سرپرست است باید به خط اسلام باشد و اگر چنانچه انحرافی برای یکی از اینها یا خود سرپرست خدای نخواستہ یا آنهایی که در مراکز حساس این مرکز هستند پیدا بشود ، هیچ اشکال ندارد که باید کنار بروند و من او را کنارش می کنم . لکن باید یک قدری باز تحمل کرد و شما هم مشغول مطالعه باشید برای افرادی که لایق نیستند به جای اینها مطالعه کنید افرادی که لایق هستند پیدا بکنید تا وقتی که بناست شروع بشود به کار و بعداً شروع بشود به پاکسازی این مرکز - که از امور لازم است - دیگر اینطور نباشد که گفته بشود افراد متخصصی هستند که ما نداریم به جای او کسی بگذاریم . افرادی باشند که به جای اشخاصی که اگر خدای نخواستہ انحرافی دارند گذاشته بشود و انشاءالله اصلاح می شود این امور . البته انقلابی به این بزرگی نمی شود که یکدفعه متحول شود به یک جو سالم ، این باید به تدریج این جو سالم پیش بیاید و من امیدوارم که با کوشش کسانی که در اینجا هستند و اسلامی هستند و متعهد ، با کوشش آنها این اداره بشود و خوب اداره بشود و با پیدا شدن این و تحقق مجلس شورا حتماً با نظارت مجلس و نظارت دیگران که در قانون تعیین شده اینهمه اشکالات رفع بشود . و هیچ اشکالی نیست که باید این رفع بشود و من از اولی که این نهضت رو به چیز شد و

استقراری پیدا کرد، از اول راجع به رادیو و تلویزیون همیشه این مطلب را می گفتم که اینجا باید اصلاح بشود و با اصلاح این، خیلی از امور اصلاح می شود چنانکه با فساد این، خیلی از امور فاسد می شود. حالا هم شما کوشش کنید که در هر مرکزی که هستید خدمت خودتان را به طور اسلامی انجام بدهید و اشخاصی که اسلامی نیستند یادداشت کنید که وقتی که بنا شد انشاءالله به طور جدی عمل بشود و اشخاص نالایق کنار بروند، داشته باشید افرادی که به جای آنها بگذارید. من امیدوارم که انشاءالله زودتر اصلاح بشود این امور و البته یک قدری هم صبر لازم است در امور و همچو نیست که فقط در رادیو و تلویزیون اینطور باشد، همه نهادها یک همچو آشفتگی هائی الان در آن هست که باید با تدریج درست بشود و من امیدوارم که انشاءالله به تدریج این امور همه درست بشود و مطابق دلخواه اسلام و احکام اسلامی باشد. انشاءالله موفق و موید باشید شما و این خدمتی است که یک خدمت ارجمندی است که باید همه بکنید و انشاءالله آنجا را تصفیه کنید به طوری که یک بنگاه اسلامی بشود به همین معنا.

(آنگاه یکی از مسؤولین در مورد پخش سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود نظر حضرت امام خمینی را جویا شد. امام در پاسخ فرمودند:)

این جور سرودهایی که مهیج است و سرودهایی که مفید است، اشکال ندارد. از جمله سرودی که درباره آقای مطهری ساخته شده است اشکالی ندارد.

پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار (سوم شعبان)

بسم الله الرحمن الرحيم

روز مبارک سوم شعبان المعظم، روز پاسدار است و روز تحقق پاسداری از اسلام، از حقیقت، از مکتب الهی، روز تولد بزرگ پاسداری که با خون خود و فرزندان و اصحابش مکتب را زنده کرد، مکتبی که می رفت با کجروی های تقاله جاهلیت و برنامه های حساب شده احیای ملی گرایی و عروبت با شعار (لا خبر جأ و لا وحی نزل) محو و نابود شود و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رسل محمد مصطفی و سید اولیاً علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را بوجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید. سلام و صلوات خداوند بر روان پاک آن حضرت و خاندان و اصحابش که ما را ظلمت جاهلیت به نور اسلام هدایت فرمود. حال ای ملت اسلام و امت محمد! بر ماست که از امام بزرگمان پیروی کنیم و با فداکاری از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم و برای ادامه این مکتب عزیز که رهائی مستضعفان جهان و سرکوبی مستکبران است، از هواهای نفسانیه که میراث شیطان است بر حذر باشیم و توطئه دشمنان کشور اسلام را که ایجاد یأس و سستی است، در نطفه خفه کنیم. و ای پاسداران عزیز! که از متن ملت مسلمان متعهد بپا خاسته اید و از انقلاب اسلامی و نهضت مقدس پاسداری کردید و با فداکاری و خون پاک برادران جانباز مجاهد خود، انقلاب را به ثمر رساندید و با همت بزرگ خود و ملت غیور و قوای نظامی و انتظامی متعهد، ایران عزیز را از لوٹ رژیم منحط شاهنشاهی پاک و دست جنایتکار اجانب را از کشور اسلامی قطع کردید، بهوش باشید که دشمن در کمین است و طرفداران شیطان بزرگ و رژیم غاصب، دست اندر کار توطئه.

اینجانب در روز ولادت سید شهیدان و پاسدار عظیم الشان اسلام و حضور شهدای انقلاب تذکراتی می دهم، باشد که گوشه ای از تکلیف اسلامی خود را ادا نموده و به شما خیانت نکرده باشم:

1_ ممکن است در بین شما پاسداران عزیز در سرتاسر کشور، افرادی خیانتکار نفوذ کرده باشند و با کشیدن بعضی از جوانان پاکدل متعهد، به انحراف از قبیل سرپیچی از احکام دادگاه های انقلاب و عدم رعایت انضباط و مقررات و اقدام به مصادره اموال و بازداشت

اشخاص بدون مجوز

قانونی، شما را در بین ملت به غیر از آنچه هستید جلوه دهند و زحمات طاقت فرسای شما عزیزان را در پیشگاه ملت هدر دهند و باید بدانند اشخاصی که دعوت به هرج و مرج می کنند، دشمنان شما و انقلاب اسلامی هستند و در صورتی که به چنین اشخاصی برخوردید، به دادگاه ها معرفی نمائید تا با موازین اسلامی و قانونی آنان را مجازات کنند.

2_ لازم است از فرماندهان خود اطاعت کنید که عدم مراعات انضباط سربازی و پاسداری موجب تضعیف قوای مسلح است و کسانی که شما را به این نحو اعمال دعوت می کنند در صدد تضعیف شما هستند و اگر آگاهانه عمل کنند، از دشمنان انقلاب و اسلام هستند و لازم است آنان را معرفی نمائید تا قاطعانه با آنان برخورد شود.

3_ مراعات هماهنگی با سایر قوای نظامی و انتظامی و ارگان دولتی، از وظایف حتمی شما پاسداران محترم و سایر قوای مسلح است و اطاعت از فرمانده کل قوا که نماینده اینجانب است، از وظایف شرعی و اسلامی شما و همه قوای مسلح است.

4_ من می دانم که شما عزیزانم از طبقه محروم و حقوق شما ناچیز است، ناچار شما دلاوران که خود را به آب و آتش زدید و انقلاب را پیروز کردید و ادامه دادید، برای دریافت حقوق و رسیدن به زرق و برق دنیا نبود و اکنون نیز نیست و برای خداوند و در خدمت اسلام بوده و هست، توجه به وضع سربازان صدر اسلام که گاهی با یک دانه خرما روز خود را به سر می بردند و با دشمن به جنگ بر می خاستند و اجر خود را از خدای تعالی می خواستند، همه سختی ها را جبران می کند.

5_ آقای رئیس جمهور و دولت، لازم است در تقویت قوای مسلح خصوصاً پاسداران انقلاب، کوشش کنند و نقیصه و کمبود آنان را جبران نمایند و شورای انقلاب و پس از آن مجلس شورای اسلام بودجه نیروهای مسلح خصوصاً پاسداران را به طور شایسته تصویب، که تقویت اینان حافظ استقلال کشور و ادامه نهضت است.

6_ کمیته ها تا موقعی که محل احتیاج هستند و ضرورت اقتضا می کند باید باشند ولی تصفیه آنها لازم است و کسانی که بر خلاف مقررات اسلامی عمل می کنند باید اخراج شوند.

7_ اینجانب همانطور که در ارتش بعضی از آقایان را منصوب نموده ام تا گزارشاتی از ارتش در سراسر کشور تهیه و هر هفته اینجانب را از آنچه در آنجا می گذرد مطلع سازند، در سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی هم اشخاصی را تعیین خواهم کرد تا با اعضای مسلمان و متعهد و مسؤول ارتش و این ارگان ها، دست به تشکیل سازمان بررسی نیروهای نظامی و انتظامی زده و بر تمام این نهادها نظارت نموده و گزارشات جامعی تهیه و اینجانب را نیز آگاه گردانند. و من امیدوارم که تمام قوای مسلح که امروز در خدمت اسلام هستند هماهنگ و همصدا در حراست از کشور عزیز و اسلام بزرگ کوشش کنند و با پشتوانه ملت از هیچ آسیبی نهراسند.

8_ من از همه ارگان های دولتی و ملی و همه گروه ها می خواهم که از گروه گرائی و دسته بندی و فرصت طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار

دهند و از راهی که ملت می رود منحرف نشوند و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یکدیگر بر نیایند و با ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهائی نصیب آنان است . خداوند قادر ، حافظ همگان باد . درود خدا و بندگان صالحش بر روان شهدای انقلاب . و اخیرا لازم است تذکری که همگان بدان آگاهی دارند بدهم و آن لزوم تقدیر از شهدای انقلاب و خانواده آنان و معلولین و مصدومین می باشد و لازم است عموم دستگاه اجرائی اموری را که مربوط به شهدا و خانواده آنان و معلولین و مصدومین است با کمال سرعت عمل نموده و تسهیلات لازم را در مورد آنان معمول دارند که اینان بر ما و ملت شریف حق بسیار بزرگی دارند و اگر معلوم شود که کسانی در بعضی از ادارات و وزارتخانه ها برای اجرای امور شهدای انقلاب و خانواده آنها اشکال تراشی می کنند ، به عنوان ضد انقلاب باید مورد تعقیب واقع شوند . از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور عزیز را خواستارم .

و السلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 183

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام و المسلمین امام کاشانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد امامی کاشانی دامت افاضاته

جنابعالی به نمایندگی از طرف اینجانب در شهربانی منصوب می شوید تا با همکاری حضرات آقایان نمایندگان اینجانب در ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران و هیاتی از اعضای مسلمان متعهد و مسؤول نیروهای انتظامی که مورد قبول اکثریت آقایان محترم باشند ، سازمانی جهت بررسی امور نیروهای مسلح تشکیل دهید . این سازمان موظف است آنچه را که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری و سپاه پاسداران می گذرد ، به بهترین وجه و با کمال دقت بررسی نموده و گزارشات هفتگی را برای اینجانب ارسال دارد . افراد قوای انتظامی موظفند با کوشش و جدیت با آقایان همکاری نمایند .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ ابوالحسن شیرازی دامت افاضاته

بدینوسیله جنابعالی به سمت امام جمعه در شهر مقدس مشهد منصوب می شوید که انشاءالله تعالی ضمن انجام این فریضه بزرگ الهی اهالی محترم را به وظایف مهم اسلامی و انقلاب که در این برهه از زمان دارند آشنا ساخته و در حفظ اتحاد و همبستگی آنان بکوشید . بدیهی است اهالی محترم ایدهم الله تعالی نیز فرصت را مغتنم شمرده در انجام هر چه باشکوهتر نماز جمعه همکاری لازمه را خواهند نمود .

از خدای تعالی توفیق همگان را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی

مکتبی و مردمی بودن از امتیازات بی نظیر انقلاب اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

با اینکه جا تنگ است و شما آقایان در مضیقه هستید و هوا هم گرم است معذالک چند کلمه به آقایان عرض می کنم . انقلابهایی که در دنیا واقع شده یا پس از این واقع می شود ، یا از طریق ملت ها بوده است و یا از طریق حکومت ها که به یک نحو کودتا یک انقلابی انجام می دادند . اکثر انقلابات کودتائی بوده ، آن انقلاب هم که از قبیل ملت بوده است شاید کم انقلابی پیدا بشود که به هدایت احزاب و دستجات معین واقع نشده باشد . شما اگر بگردید در تمام انقلاباتی که واقع شده است ، نخواهید پیدا کرد انقلابی که این دو خاصیت را داشته باشد ، یکی اینکه از ملت واقع شده باشد بدون دخالت احزاب و گروه ها و دستجات سیاسی و امثال اینها و یکی دیگر اینکه مکتبی باشد و آن هم یک مکتب الهی . در همه انقلاباتی که در دنیا واقع شده است ، مثل انقلاب ایران پیدا نخواهید کرد . انقلاب ایران یک جهت اسلامی داشت و حالا هم دارد و آن اینکه سرتاسر ایران که مسلمان هستند (مگر نادری) اینها به همان ایده اسلامی قیام کردند . همه دیدند که در سرتاسر ایران آنوقت که هجوم از طرف رژیم فاسد به مردم بود مردم همه از پیر و جوان و زن و مرد با الله اکبر پیش رفتند و همه هم از رژیم طاغوتی منحرف بودند و رژیم اسلامی می خواستند . اینطور نبود که یک حکومت طاغوتی را بردارند و طرفدار یک حکومت طاغوتی باشند یا طرفدار یک حزب سیاسی ، هیچ ، ابدا این مسائل نبود و این انقلاب تبع ایده اسلامی بود . اسلام همه چیز دارد لکن اینطور نبود که ملت ما بریزند بیرون و بگویند که ما مثلاً فلان رژیم کذابی را می خواهیم . همه می گفتند ما اسلام را می خواهیم . همه اجتماع داشتید در کلمه اسلام و جمهوری اسلامی و هیچ یک از گروه های دیگر چه سیاسی و چه غیر سیاسی هیچ دخالتی در این نهضت نداشت و اینکه به طور معجزه آسا پیشرفت کرد همین قضیه اسلامی بودن بود . وقتی یک ملت همه شان قیام کردند و همه هم نظرشان خدا بود این ملت پیش می برد برای اینکه خوف از مرگ ندارد ، الهی است . کسانی که الهی هستند خوف ندارند از هیچ چیز ، از خداترسند و دنبال اینکه احکام خدا را در کشورشان ایجاد کنند و متحقق کنند بپا خاستند . هیچ حزبی ، هیچ گروهی ، هیچ شخصی حق ندارد که بگوید این را من ایجاد کردم ، ما ایجاد کردیم . این را ملت درست کرد و این را خدا درست کرد . معجزه ای بود که به اراده خدای تبارک و تعالی تحقق پیدا کرد و تا این جهت الهی و خدایی است این

نهادهای انقلاب کوشش کنند خدمت برای مستضعف باشد

و خاصیت یک نهضت اسلامی که از خود توده ها و خود ملت برخاسته همین هائی است که در ایران واقع شد . یکدفعه سرتاسر ایران بعد از اینکه انقلاب به پیروزی تا حدودی رسید سرتاسر کشور بدون اینکه یک نظمی در کار باشد و یک اشخاصی بخواهند مردم را آگاه کنند ، خودشان برداشتند و سازمان هائی درست کردند و گروه هایی درست کردند . سرتاسر ایران خود ملت دادگاه درست کرد و در هر شهری ، در هر ناحیه ای یک ملائی قاضی شد و چند نفری هم دادستان و امثال ذلک بدون اینکه از مرکز یک تعیین شده باشد و سرتاسر کشور نهادهای مختلف پیدا شد ، جوشید . یکی از نهادهایی که از خود ملت جوشید و متکفل آن خود ملت بود ، همین جهاد سازندگی بود . کمیته و پاسداران و همه این نهادهای تازه و جدید بدون اینکه یک سازمانی در کار باشد خود همان مردم درست کردند و مادامی که این معنا باشد که مردم خودشان موظف می دانند خودشان را برای ساختن ، آسیب نخواهند دید .

آن روز آسیب خدای نخواستہ به کشور ما و به ملت ما می رسد که این معنائی که در اول نهضت پیدا شد و سبب پیروزی شد ، این معنا از بین مردم برود یعنی به واسطه اختلافات و تشتتات و هواهای نفسانی طوری بشود که از آن معنای الهی که در بین ملت بود و موجب پیروزی شد تهی بشود و در آنوقت دست رحمت الهی از سر این کشور خدای نخواستہ برداشته بشود . کاری بکنید که این کلمه (ید الله مع الجماعه) از دستتان نرود . اگر جماعت ها همه با هم باشند و ایده اسلامی باشد دست خدا همراه شماست .

نهادهائی که در ایران از خود ملت پیدا شد اولش با یک قصد خالصی ، الهی پیدا شد و ظاهر شد . اگر این قصد خالص از پیش شما کوچ بکند دست خدا هم برداشته می شود . کوشش کنید که این نهادی که شما در آن خدمت می کنید و خدمت ارزنده ای است ، بسیار کوشش کنید که این خدمت در راه خدا باشد . خدمت به بندگان خدا ، خدمت به بندگان مستضعف خدا که مورد عنایت حق تعالی هستند . کوشش کنید خدمت برای مستضعف باشد ، نه برای هواهای نفسانی و کوشش کنید که این خدمت آلوده نشود به بعضی از کارهائی که ناپسند است . شیاطین در صددند که هر یک از این نهادهای اسلامی را لکه دار کنند . دست های خائنین در کار است ، توطئه ها در کار است که این نهادهای اسلامی را به دنیا بر خلاف آنچه که هست معرفی کنند . اگر خدای نخواستہ در این نهادها یک کارهای بر خلاف موازین انجام بگیرد فرصت دست بدخواهان می افتد و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند و شما که برای خدا مشغول کار هستید شما را بدنام می کنند . دادگاه های سرتاسر کشور توجه داشته باشند که در دادگاهی ، خدای تبارک و تعالی را در نظر بگیرند و از اشتباهات و خطاها و انحرافات پرهیز کنند و در اموال و نفوس مردم با احتیاط رفتار کنند که اگر خدای نخواستہ یک بیگناهی به دست اشخاص ، مجرم حساب بشود یا برای او جزائی تعیین بشود ، این در دستگاه الهی بسیار بزرگ است جواب ندارند بدهند .

شما آقایان هم که در جهاد سازندگی هستید توجه کنید که جهاد سازندگی، سازندگی باشد، در آن تخریب نباشد، در آن انحراف نباشد. اگر جهاد سازندگی در آن انحراف نباشد و برای خدا باشد این همان جهادی است که توام با جهاد اکبر هم هست.

من ضمن تقدیری که از تمام شما جوانان و جوانان سرتاسر کشور که در جهاد سازندگی هستید و زحمت می کشید، لکن از شما می خواهم که در ضمن جهاد سازندگی جهاد نفس هم داشته باشید. اگر این کاری را که انجام می دهید برای خدا خالص بشود جهاد نفس هم تحقق پیدا کرده است و من برای خاطر اینکه این ازدحام موجب زحمت جمعی از آقایان است مطلب را تمام می کنم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه شما پیش خدای تبارک و تعالی آبرومند باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 188

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فضل الله محلاتی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی دامت افاضاته

جنابعالی به نمایندگی از طرف اینجانب در سپاه پاسداران منصوب می شوید تا با همکاری حضرات آق^ع نمایندگان اینجانب در ارتش و ژاندارمری و شهربانی و هیاتی از اعضای مسلمان و متعهد و مسوول نیروهای انتظامی که مورد قبول اکثریت آقایان محترم باشند . سازمانی جهت بررسی امور نیروهای مسلح تشکیل دهید . این سازمان موظف است آنچه را که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری و سپاه پاسداران می گذرد به بهترین وجه و با کمال دقت بررسی نموده و گزارشات هفتگی را برای اینجانب ارسال دارید . افراد قوای انتظامی موظفند با کوشش و جدیت با آقایان همکاری نمایند .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام انواری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری دامت افاضاته

جنابعالی به نمایندگی از طرف اینجانب در ژاندارمری منصوب می شوید تا با همکاری حضرات آقایان نمایندگان اینجانب در ارتش و سپاه پاسداران و شهربانی و هیاتی از اعضای مسلمان و متعهد و مسؤول نیروهای انتظامی که مورد قبول اکثریت آقایان محترم باشند، سازمانی جهت بررسی امور نیروهای مسلح تشکیل دهید. این سازمان موظف است آنچه را که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری و سپاه پاسداران می گذرد، به بهترین وجه و با کمال دقت بررسی نموده و گزارشات هفتگی را برای اینجانب ارسال دارد. افراد قوای انتظامی موظفند با کوشش و جدیت با آقایان همکاری نمایند.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین اطلاعات و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران و شهرستان ها

بسم الله الرحمن الرحيم

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیشتر از چیزهای دیگر است این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا اینجا هم اسلامی هست و انشاءالله تا آخر هم اسلامی باشد و همه ما و همه شما و همه ملت و همه کسانی که در سپاه و ارتش و در ژاندارمری و در شهربانی و ادارات هستند و دولت و همه باید همشان این باشد که نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسیب نمی بینید. اگر چنانچه نهضت از اسلامیتش بیرون رفت، هر کس یک راهی دارد، راه ها مختلف خواهد شد. وقتی راه ها مختلف شد، آسیب می بیند. اما اگر ما همه زیر یک پرچم باشیم همانطوری که در صدر اسلام جمعیت ها کم بودند لکن زیر یک پرچم بودند و با یک ایده حرکت می کردند، اینها پیش می برند. الان ما در یک همچو محلی واقع شدیم که اسلام به دست ما سپرده شده است. خواهی نخواهی شما پاسدار اسلام هستید، حالا همه قوا، ارتش و شما، پاسدار اسلام هستید. پاسدار اسلام باید همه خودش اسلامی باشد و هم دیگران را اسلامی کند و هم مشی آن اسلامی باشد و اگر انحرافات که گاهی در بعضی از جوان ها، آنهایی که درست مسائل را ادراک نمی کنند واقع بشود و نیز شمائی که می خواهید با فعالیت خودتان جلوی این مسائل را بگیرید دیده شد، سعی کنید جلو انحرافات خودتان را هم بگیرید. مثلاً به پاسدارها نسبت می دهند که ببخود به مردم تعرض کردند، ببخود به خانه های مردم رفته اند و من هم نمی دانم که صحیح باشد اما کلی اش این است که ما باید بر اساس اسلام حرکت کنیم و بر اساس اسلام این نهضت را پیش ببریم و از اختلافات و این چیزهایی که اخیراً می بینید که به جان هم افتاده اند و روزنامه ها چه می کنند، باید از این اختلافات بری باشیم و باید همه تان با هم مجتمع و برادر و تحت لوای توحید پیش بروید و پیروزی هم نصیب شماست و اگر اینطور باشد، در همین حرکت پاسداری تان عبادت دارید می کنید، همانطور که در نماز وقتی می ایستید، باید همه جهات نماز را حفظ کنید تا نماز درست باشد، باید در اینطور مسائل عادی هم که شما الان پاسدار اسلام هستید، از همه جهات پاسداری کنید تا اینکه همه چیزتان در خدمت اسلام باشد. وقتی اینطور شد، شما یک لشکری هستید مثل لشکر اسلام، در این موقع، نه تنها نمازتان، بلکه همه کارهایتان عبادت است. این اموری که گفتید، به تدریج درست می شود و اموری که وقت می خواهد. من از خدای تبارک و تعالی توفیق و سعادت و سلامت شما را می خواهم.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهای اسلامی کارگران

آشوبگری های عمال امریکا در لباس گروهک ها به منظور جلوگیری از تحقق انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایانی که زحمت کشیده اند و آمده اند اینجا با من مواجه باشند چه آن آقایان کارگران و چه آن آقایان ارتشیان و چه اشخاص متفرقه تشکر می کنم، و اگر به من خدمتگزار بگویند بهتر از این است که رهبر. من امیدوارم که همه ما، چه شما آقایان کارگر و سایر رفقایان و چه آن آقایان ارتشی و سایر رفقایان و چه سایر قشرهای این ملت، توجه به یک مسئله قابل اهمیت داشته باشید و آن اینکه شما می دانید و خصوصاً شما کارگرا می دانید که از اول انقلاب تا حالا چه اشخاصی و چه قشرهایی بوده اند که مبارزه با انقلاب کرده اند با شکل های مختلف و مرام های مختلف که رویهمرفته همه شکل ها و مرام ها بر ضد این انقلاب و ضد اسلام بوده است. این گروه هایی که بعد از انقلاب هی جوشیدند و و بیرون آمدند و گاهی ادعای اسلامیت می کنند و از شما مسلمانتر می شوند و گاهی ادعای انقلابی بودن می کنند و از شما انقلابی تر می شوند و گاهی خودشان را مؤسس انقلاب می دانند و انقلاب را که این توده محروم ملت ما از کارگر و کشاورز و دانشجو و شما همه انقلاب را به پایان رساندید یعنی تا اینجا و آنها یا در خارج بودند و تماشگر و یا در داخل بودند و تماشا می کردند که ببینند کی غالب می شود، اگر شاه مخلوع و آن تیپ غالب شدند، اینها بروند آنجا و از آنها طلبکاری کنند و اگر شما غالب شدید و ملت، اینها بیایند و با اسم های مختلف طلبکار بشوند و بخواهند خودشان همه چیزها را داشته باشند حتی با اسم شما، با اسم کارگر، کارگر را به حساب نیاورند، با اسم های مختلف مشغول بشوند به اینکه نگذارند این انقلاب به ثمر برسد، یعنی این ثمر آخری که اسلام می خواهد و پیغمبر اسلام می خواسته است. اینها چون از اسلام لطمه دیده اند و ارباب های اینها از اسلام سیلی خورده است با اسلام اگر سابق کم مخالف بودند حالا دیگر صد در صد مخالفند. این گروه های مختلفی که مثل قارچ از زمین جوشیدند و آمدند و از اطراف کشورهای دیگری که متفرق در آنجا بودند و منتظر فرصت بودند، حالا آمدند به ایران و می خواهند نگذارند این انقلاب تحقق پیدا نکند، این یک خطری است از برای انقلاب ما، نه به آن معنا که اینها عرضه این را داشته باشند که یک کار مثبتی بکنند و این انقلاب را برگردانند لکن به آن معنا که ایجاد زحمت بکنند. شما ملاحظه کردید که در کردستان ایجاد زحمت

کردند نه اینکه توانستند غلبه بکنند ، لکن مدت ها ایجاد زحمت کردند ، در تهران ایجاد زحمت کردند ، نمی توانند کاری بکنند ، لکن غائله می توانند درست بکنند . در هر موقعی که یک اساسی می خواهد روی کار بیاید ، این جمعیت های مختلفی که الان در ایران هستند ، در همان موقع یک غائله ای درست می کنند . از اولی که جمهوری اسلامی را بنا بود که شماها و ملت ما رأی به آن بدهند ، آنوقت یک غائله هایی در اطراف درست کردند . این قدم که برداشته شد ، در هر مرحله ای که شما یک قدم پیش رفتید ، آنها هم در همان جا باز غائله درست کردند . در همان وقتی که مجلس شورای اسلامی تأسیس شد و مشغول به کار شدند ، باز غائله درست کردند . غائله درست می کنند و خودشان غائله درست می کنند و فریاد می زنند ، خودشان دیگران را کتک می زنند ، باز خودشان فریاد می کنند ، این یک جهتی است که در آنها هست ، یعنی روی این ترتیب ، اینها عمل می کنند که نگذارند شما کار بکنید ، نگذارند خرمن کشاورزها درست جمع بشود و در عین حال فریاد بزنند که ما برای ملت داریم فداکاری می کنیم . اینهایی که در کنار جمهوری اسلامی هستند و می خواهند به اسم جمهوری اسلامی ، به اسم اسلام ، به اسم خلق ، به اسم ملت کار بکنند ، اینها را ببینید چه می کنند . ممکن است من همی بگویم اسلام و همی بگویم فدای اسلام و فدای خلق و همی بگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق ، این حرف ها را بزنم ، لکن وقتی به اعمال من شما ملاحظه کنید ، ببینید که از اول ، من مخالفت کردم ، در هر جا تنگ کشیدم و مخالفت کردم ، هر جا بنا بود که یک اصلاحی بشود ، شما دیدید که من آمدم و مقابله ایستادم و مشتم را گره کردم و تفنگم را هم کشیدم ، می خواستند که دانشگاهی هائی که در خدمت استعمار بود و جزء مهمات این مملکت است که باید دانشگاهش اصلاح بشود ، همین که طرح اصلاح دانشگاه شد ، سنگربندی شد در دانشگاه که نگذارند این کار بشود . حالا هم باز پشت همان سنگرها ، نه آنجا در دانشگاه اما در خارج دنبال این هستند که نگذارند این اصلاح فرهنگی بشود ، انقلاب فرهنگی بشود . اینها می خواهند که فرهنگ ، همان فرهنگ باشد که از آن امثال این اشخاصی که وزیر و وکیل سابق بودند از آن اینها در می آیند و همین ها این کشور ما را به باد فنا بدهند ، چنانکه دادند . همان وکلانی که در سابق بودند و همان وزرائی که در سابق بودند و همان سردمدارهای سابق ، همان تحصیلکرده ها و روشنفکرهای دانشگاه داخل و خارج بودند و همان مصیبت هایی که به این ملت وارد شد ، به دست همین اشخاصی که با اسم ملت و با اسم مجاهدت و با اسم فدائی و با اسم چه وارد شدند و نگذاشتند که این ملت به حال خودش باشد و هر چه شما داشتید به جیب دیگران کردند و یک قدریش هم خوردند دار و دسته شاه مخلوع ، همین جمعیت ها بودند که الان بر خلاف این نهضت دارند فعالیت می کنند . هر روزی که بخواید این نهضت ، یک قدم بردارد ، مجلس شورا می خواهد مفتوح بشود ، می بینیم که یک بساطی در امجدیه پیش می آید ، یک غائله درست می شود و مع الاسف جوان های ما معطل نیستند که اینها چه دارند می کنند ، این اشخاص چه دارند می کنند و بعضی از اشخاصی که با من هم مربوط هستند اینها هم ملتفت نیستند که مسائل عمقش چی هست خیال می کنند که مسأله چماقدار است و تظاهر کننده ، مسأله این است . نه ، مسأله این نیست ، این یک ظاهری است برای آشوب درست کردن ، مسأله عمق دارد ، مسأله

امریکاست ، مسأله این است که باید آمریکا بیاید اینجا و مقدرات کشور ما را به دست بگیرد ، نه مسأله ، مسأله این است که یکی می خواهد تظاهر کند ، یکی می خواهد ضد تظاهر ، اینها مسأله نیست ، اینها غائله ایجاد کردن است برای اینکه نگذارند این مملکت به حال خودش باشد و روی میزانی که دارد حرکت می کند ، حرکت بکند .

شما آقایان کارگر که عضو مؤثر این کشور هستید ، برای اینکه دست دیگران را از آن کوتاه بکنید ، دیدید که در این یک سال و چند ماه آمدند هی در بین شماها هی یا نطق کردند ، یا وسوسه کردند ، یا یک دسته ای را وادار کردند به اعتصاب و امثال ذلک به اسم اینکه ما طرفدار شما هستیم . اگر کارگر در یک کشوری کار نکند و اعتصاب کند ، این کشور به هلاکت می رسد . اینها که با اسم اینکه ما با شما موافقیم و مثلاً شما چه جور و آنها چه جور ، نمی خواهند برای شما دلسوزی به حسب واقع داشته باشند ، با اسم دلسوزی می آیند و فلج می کنند کارخانه های مملکت را و با اسم دلسوزی می روند و فلج می کنند کشاورزی را ، همین ها هستند که وقتی کشاورزها خرمن هایشان را جمع می کنند ، آتش می زنند ، الان هم باز دارند آتش می زنند و اگر محافظت نشود ، محافظت صحیح نشود ، همه اش را آتش می زنند . ما دشمن نهضت و انقلاب را از این می فهمیم که آنهایی که با این انقلاب راه دارند می روند ، با این ملت راه دارند می روند ، با این کشاورز و کارگر دارند راه می روند و می خواهند کشور را از قید و بند خارجی ها آزاد کنند آزاد کردن هم به کار کردن است و کشاورزی کردن است و کار در کارخانه ها کردن است و کار در سایر جاها کردن . کشور ما اگر بخواهد آزاد باشد ، اگر بخواهد مستقل باشد ، وابسته به خارج نباشد ، باید خودش کار کند . آنهایی که می آیند در بین شماها و مانع از کارتان شوند ، یا یک دسته ای درست می کنند مانع از کارتان می شود یا اینکه پول ها را از خارج به ایشان می دهند که بیایند بدهند به بعضی از این کارگرهای غافل تا اعتصاب بکنند ، و آنها که در کشاورزی می روند ایجاد زحمت می کنند ، یا آنهایی که می افتند در کشور ، سرتا ته کشور و شلوغ می کنند کشور را به اسم اینکه مثلاً این آدم خانه دارد ، این آدم ملک دارد ، بدون یک میزان شرعی الهی می ریزند و خانه اش را غارت می کنند و خانه اش را از او می گیرند ، اینها ریشه همان رژیم سابق است و غافل هستیم از آن ، آنها نمی توانند به این زودی دست از ما بردارند ، آنها منافعشان ، منافع عظیمشان ، چه منافع مادی شان و چه منافع اینکه کشور ما در یک حالی است و در یک جایی هست که همه محتاج به آن هستند ، کشور ما آن است که پل پیروزی شد برای اشرار ، برای اجانب ، اینها به این زودی دست از ما بر نمی دارند و ما نباید غافل بشویم که حالائی که آزاد شدیم خودمان هم کمک کنیم برای شلوغ کردن ، برای اعتصاب کردن ، برای مخالفت کردن ها ما باید متوجه باشیم به اینکه یک مملکتی که انقلاب در آن پیدا می شود ، دنبال انقلاب خیلی آشفته گی ها هست . شما آقایان متوجه هستید که لااقل در این پنجاه سال و پنجاه و چند سال که همه اش را من یادم است و کمی از شما هست که تمامش را یادتان باشد و این کارهای اخیر شاه مخلوع را هم شماها یادتان است که با اسم تمدن بزرگ ، با اسم اینکه من می خواهم این مملکت را در دو سال ، سه سال دیگر ، مثل ژاپن بلکه مثل امریکا کنم ، با این اسم ، تمام حیثیت این

مملکت را از دست داد و تقدیم آنهایی که باید بخورند کرد. البته آن که می خواهد خرابکاری کند، نمی آید اعلام کند که من خرابکارم، او می آید اعلام کند که من دوست شما هستم، ما فدائی شما هستیم و این آخوندها ارتجاعی هستند و اینها حرف های بیخودی می زنند و اینها طرفدار مثلا سرمایه داری هستند. اگر یک کسی واقع مطلب را بیاید به ایشان بگوید که کارش پیش نمی رود، اینها باید بگویند که آخوندها مرتجعند و آخوندها چه اند و مائیم که برای شما می خواهیم خدمت کنیم، همان حالی که دارند می گویند مائیم که می خواهیم که خدمت کنیم، کردستان را درست می کنند، یکوقت می بینید که از همه اطراف این گروه ها، همه این گروه هایی که این مفسده ها و این میتینگ را درست می کنند، جمع می شوند در کردستان و آنجا فساد می کنند. همچو که کردستان یک قدری رو به آرامش می شود و می بینند آنجا نمی توانند، از آنجا جمع می شوند و می روند به بلوچستان آنجا را خراب می کنند. اگر بلوچستان هم درست بشود، می آیند مرکز، مرکز، بهتر مرکز فعالیت است برای اینکه یک جای بزرگی است. در مرکز می آیند با اسم اسلام و با اسم قرآن و با اسم کذا و کذا غائله ایجاد می کنند که نگذارند این مملکت یک آرامشی پیدا کند.

هدف اصلی حملات اجانب، اسلام و احکام آن است.

این یک سالی که، یک سال و چند ماهی که انقلاب اسلامی شما با دست توانای شما مللت اسلام به پیش رفت و تمام چیزهایی که مربوط به دستگاه دولتی و جریان امور مملکتی است درست کردید از جمهوری اسلامی اش تا مجلس شورایش، چندین دفعه رفتید به صندوق ها و رأی دادید و آزاد، آزاد رأی دادید، این یک تیری است در چشم این اشخاصی که اسلام را خواهند ببینند. اینها می دانند که اگر این نهضت اسلامی نبود، نمی شد به این زودی کارها انجام بگیرد، این کارها را قدرت اسلام است که پیش می برد. شما می بینید که بیشتر از بیست سال است که در عراق که نزدیک ما هست، به اصطلاح خودشان انقلاب کردند و حالا امسال برای تقلید از ایران برای اینکه بگویند ما هم بله، آدمی هستیم، امسال شروع کردند به انتخابات و آن هم بلا اشکال بدانید که آن انتخابات بدتر از انتخابات زمان شاه است، نه این است که مردم می روند آنجا رأی می دهند. همانطوری که زمان شاه مخلوع یک دسته ای را راه می انداختند یک جایی و فشار می آوردند یا با زور تطمیع می بردند پای صندوق ها برای خودشان رأی درست می کردند، آنها بدتر از اینها هستند. اینها می بینند که در ایران در ظرف یک سال و چند ماه تمام اصولی که باید در یک کشوری برای جریان امور باشد، تحقق پیدا کرد و خودشان بعد از بیست و چند سال نتوانستند یکی از این کارها را بکنند هی با سر نیزه و با زحمت و با کتک زدن، با حبس و با کشتار. اینها نمی توانند ببینند این انقلاب اسلامی شما را، و وقتی تحلیل می کنند که خوب، چه شد، آدم اینجا با آدم جاهای دیگر که هر دو آدمند، همه جا هم یکی دعوی رهبری می کند و می گوید من رهبر، همه جا یک حزبی پیدا می شود و می گوید که من حزب، لکن ایران چه بود که به این سرعت، به این سرعت معجزه آسا پیشبرد کرد؟ وقتی تحلیل می کنند همه چیزها را ببینند که مکتب بود

که این کار را کرد، این مکتب اسلام است که این کار را کرد. مردم برای خدا این کار را کردند. وقتی خدا آمد در بین مردم، یعنی مردم شدند دست خدا، وقتی برای خدا کار کردند و مشتش ها گره شد برای خدا و الان هم همین طور انشاء الله هست و تا آخر باشد. خوب، آنی که باید هدف قرار بدهند، باید اسلام باشد، و آنهایی که به اسلام نزدیکند، آنهایی که احکام اسلام را می خواهند برای مردم بگویند، آنها را باید هدف قرار بدهند تا کم کم این محتوایی که انقلاب دارد، از آن بگیرند، وقتی محتوا از آن گرفتند و یک ظاهری بی محتوا شد، ضربه آخر را بزنند. ضربه آخر اینکه برگردانند مطلب را به همان مسائل اول با یک صورت دیگری، البته با برگشت مثلاً شاه و اینها، نیست، این مطرح نیست پیش آنها، مطرح این است که اسلام نباشد هر چه می خواهد باشد، الان هم همین قشرهای بعضی از این روشنفکرها می گویند این مجلس ملی باشد، مجلس شورای ملی، چون اسمش توی قانون، ملی بوده، از اسلام می ترسند، مجلس اسلامی نباشد، شورای اسلامی نباشد، اینها نه اینکه ملی اش را می خواهند، اسلامی اش را می خواهند نباشد، در صورتی که در قانون همچو ماده ای ندارد که مجلس شورای ملی، همچو چیزی در قانون نیست. بلکه گفته اند از باب اینکه اسم باید ببرند یک چیزی را، مجلس شورای ملی گفته اند، اما نه اینکه قرار داده اند که اسم این مجلس شورای ملی، در ضمن مثل اینکه بگویند مثلاً در مجلس شورا، بگویند که در کاخ سنا چطور شده، این معنایش این نیست که الان قانون اسلامی ما کاخ سنا خواسته درست کند، این اسمی بوده آنوقت گفتند حالا باید مجلس شورای اسلامی باشد. اینها حتی از اسم اسلام هم می ترسند، هی نق می زنند که نه، ملی، ملی اینها نه این است که من باب اتفاق اینجور شده است که هر وقت شما خواستید یک مطلبی را درست کنید، یک اجتماعی درست کردند و به هم ریختند همه چیز را، اذهان را از یک جایی برده اند به یک جای دیگری، اینها می خواهند اذهان ملت را از این مسیری که خودش دارد برگردانند به یک مسیر دیگری، به یک راه دیگری، هر جا، هر راهی می خواهد باشد. یک غائله یک جایی درست می کنند که مردم متوجه بشوند ولو حالا یک ماه متوجه بشوند. یک غائله ای درست می کنند که ولو یک ماه مردم متوجه به آن غائله بشوند، لعل بشود در این یک ماه، کاری کرد.

شناسایی دشمنان اسلام از طریق عملکرد آنان

باید متوجه باشید، باید شما دشمنان را بشناسید، اگر شناسید، نمی توانید دفعش بکنید. دشمن شما، آنها هستند که از روز اولی که جمهوری اسلامی آمد توی کار، یا تحریم کردند رأی دادن را، یا رفتند صندوق ها را آتش زدند و بعضی از صندوق ها را که توانستند، آتش زدند یا شکستند. آنهایی که تحریم کردند جمهوری اسلامی را، حالا آمده اند جمهوری اسلامی شده اند، آنهایی که آتش می زدند صندوق های آراء مردم را، برای جمهوری اسلامی حالا آمده اند طرفدار شده اند. این طرفداری نیست، این یک حقه بازی است به صورت طرفداری. اگر بخواهند بگویند من به اسلام کار ندارم و من ضد اسلامم خوب، می دانند که مملکت ایران اسلام است و نمی گذارد که اینها کاری بکنند، چاره

ندارند جز اینکه بگویند که ما هم اسلامی هستیم، لکن ما اعمالشان را باید ببینیم چطوری است، غائله هائی که پیاپی می کنند، باید ببینیم چه جوری است، از اول تا حالا غائله پیاپی کردند، این گروه های مخالفی که هر کدام یک اسمی برای خودشان درست کرده اند هی غائله پیاپی کردند که نگذارند شما آن مسیری را که باید بروید، آن صراط مستقیمی را که باید بروید، آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای شما گذاشته است باید بروید نگذارند این کار بشود. آنهایی که وقتی محمدرضا در اینجا بود در دربارش خدمتگزار بودند، حالا ضد محمدرضا شده اند، این ضدیت نیست، این ضدیت برای این است که بازی بدهند من و شما را که ما خیال کنیم اینها اسلامی هستند، و یا بیطرف بشویم نسبت به آنها یا طرفدار بشویم. توانستند که جوان های پاک و صاف و صحیح ما را گول بزنند با تبلیغاتی که بلدند و خوب هم بلدند. باید توجه داشته باشد این ملت که گول نخورد از اینهایی که برای اسلام دارند سینه می زنند، ببینند اعمالشان چیست، ببینند اینهایی که می گویند اسلام، آیا در عمل هم اینطوری هستند یا یک سنگر بندهائی هستند که با اسم اسلامی می خواهند از بین ببرند اسلام را و لعل دزدهای سرگردنه هم اسم اسلام روی خودشان می گذارند لکن دزدی می کنند. باید ما با اسم گول نخوریم بلکه ببینیم چه می کنند، ببینیم سابقه اینها چی هست، ببینیم کتاب هایی که اینها می نویسند محتوایش چی هست، ببینیم تبلیغاتی که اینها می کنند چه تبلیغ می کنند، به مجرد اینکه بگویند من مسلم هستم که فایده ندارد با ادعا. الان همه می گویند ما مسلمیم، همه می گویند ما انقلابی هستیم، کسی نیست که بگوید من انقلابی نیستم، هر کس می گوید من انقلاب را درست کردم. این ملت بیچاره ما، این ملت بزرگ ما، این ملتی که با دست خالی رفت توی میدان ها و توی خیابان ها و مشتش را پر کرد و مخالفت کرد با رژیم سابق و با همه ابرقدرت ها و مطلب را به اینجا رساند، حالا من آمده ام می نشینم می گویم من رهبر شما. تو غلط می کنی که هستی، یا آن می گوید که نه، ما این کار را کردیم، آخر کجا این کار را کردید؟ اگر یک دزدی را یک جایی کشتند و از طایفه شما بود، آنوقت شما می شوید انقلابی؟! باید ببینیم چکاره اند این جمعیت هایی که افتاده اند توی این مملکت و دارند خرابکاری می کنند و مع الاسف بعضی از اشخاص هم که متوجه این مسائل نیستند، یکوقت آدم می بیند که طرفداری از اینها کردند یا یک چیزی گفتند که آنها از آن طرفداری استفاده کردند. اینها گول می زنند، همه را گول می زنند. اینها می خواستند من را گول بزنند، من نجف بودم، اینها آمده بودند که من را گول بزنند، بیست و چند روز بعضی ها می گفتند بیست و چهار روز من حالا عددش را نمی دانم بعضی از این آقایانی که ادعای اسلامی می کنند، آمدند در نجف، یکی شان بیست و چند روز آمد در یک جایی، من فرصت دادم به او حرف هایش را بزنند، او به خیال خودش که حالا من را می خواهد اغفال کند، مع الاسف از ایران هم بعضی از آقایان که تحت تأثیر آنها واقع شده بودند خداوند رحمتشان کند آنها هم اغفال کرده بودند آنها را آنها هم به من کاغذ سفارش نوشته بودند. بعضی از آقایان محترم، بعضی از علما، آنها هم به من کاغذ نوشته بودند که اینها (انهم فتیه) قضیه اصحاب کهف، من گوش کردم به حرف های اینها که

بینم اینها چه می گویند ، تمام حرف هاشان هم از قرآن بود و از نهج البلاغه ، تمام حرف ها . من یاد یک قصه ای افتادم که در همدان اتفاق افتاده بود ، ظاهراً زمان مرحوم آسید عبدالمجید همدانی ، یک یهودی آمده بود مسلمان شده بود خدمت ایشان ، ایشان دیده بود که بعد از چند وقت این یهودی خیلی مسلمان است و اینقدر اظهار اسلام می کند که ایشان تردید واقع شده بود برایش که این شاید قضیه ای باشد ، یک وقت خواسته بودش ، گفته بود که تو مرا می شناسی ؟ گفته بود که بلی ، شما از علماً اسلام هستید و چطور . می دانید پدرهای من چه کسانی اند ؟ بلی ، پیغمبر از اجداد شماست فلان . خودت را می شناسی ؟ بلی ، من پدرانم یهودی بودند و حالا خودم مسلمان شدم . گفته بود سر این را به من بگو که چرا تو مسلمانتر از من شدی ؟ مردک فهمیده بود که این آن چیزی را که می خواهد بازی کند فهمیده است ، فرار کرده بود . این که آمد بیست و چند روز آنجا و تماش از نهج البلاغه و تماش از قرآن صحبت می کرد ، من در ذهنم آمد که نه ، این آقا هم همان است و الا خوب ، تو اعتقاد به خدا و اعتقاد به چیز داری ، چرا می آیی پیش من ؟ من که نه خدا هستم ، نه پیغمبر ، نه امام ، من یک طلبه ام در نجف . این آمده بود که من را بازی بدهد من همراهی کنم با ایشان . من هیچ راجع به اینها حرف نزدم ، همه اش را گوش کردم ، فقط یک کلمه را که گفت ما نمی خواهیم قیام مسلحانه بکنیم ، گفتم نه ، شما نمی توانید قیام مسلحانه بکنید ، بیخود خودتان را به باد ندهید . اینها با خود قرآن ، با خود نهج البلاغه می خواهند ما را از بین ببرند و قرآن نهج البلاغه را از بین ببرند ، همان قضیه زمان حضرت امیر و قرآن را سرنیزه کردند که این قرآن حکم ما باشد . حضرت امیر مظلوم بود واقعا ، هر چه به این بدبخت ها گفت اینها حيله دارند می کنند ، بگذارید ، گذشت مطلب . الان آن مرکز راگیرند ، جمع شدند دورش شمشیر کشیدند ، گفتند می کشیمت اگر چنانچه نگویی برگردند _ قرآن اینطور نوشته _ مجبور شد حضرت امیر که امر کند که لشکری که الان فتح می کردند ، یک ساعت دیگر اگر مانده بود فتح می کردند برگردند ، برگشتند و شکست همان شد که خوردند و بعد از اینکه این مسائل واقع شد ، باز همین عده ای که آنجا شمشیر کشیده بودند ، باز شمشیر کشیدند بر ضد حضرت امیر . باید ما بینیم که عمل اینها چی هست آنها در پیشانی شان هم آثار سجده بود ، ابن ملجم در پیشانی اش آثار سجده بود بینیم چه کرد ، با این آثار سجده چه آمده بکند .

با اسم (اسلام) می خواهند اسلام را از بین ببرند

اسلام همیشه گرفتار یک همچو مردمی بوده است که با اسم اسلام ، می خواستند اسلام را بکوبند ، مگر محمدرضا قرآن طبع نمی کرد ؟ مگر سالی یک دفعه نمی رفت به مشهد ؟ مگر دائماً صحبت از عدالت اسلامی و عدالت چه نمی کرد ؟ مگر نمی گفت حضرت عباس مرا در یک قضیه ای نجات داد ؟ می گفت اینها را ، اینها یکی از قدرت های ، واقعا قدرت است ، قدرت بزرگی که دارند این است که همچو با جدی بدون اینکه هیچ پرده حیائی در کار باشد ، جدا می گویند که این کار را خدا کرده است ما هم این کار را ، دنبال خدا هستیم ، ما هم دنبال چه هستیم که شاید شماها هم اگر یکوقتی ببینید ،

باورتان بیاید. خیلی‌ها باورش‌ان آمده بود. خوب، یک شاهی است که دارد می‌گوید قرآن و دارد می‌گوید اسلام و دارد می‌گوید چه، خوب، چکارش دارید؟ ما مدتی باید زحمت این را بکشیم که آن چهره دوم این را به مردم بفهمانیم، این یک چهره است، یک چهره با اسم قرآن و اسم خدا و اسم نهج البلاغه و اسم اینها می‌آید توی میدان، خطرناک است، ما اگر بتوانیم آن چهره دوم این جمعیت‌ها را، این چهره دوم امثال محمدرضا را به مردم معرفی کنیم، آنوقت ما پیروز می‌شویم و این در قضیه محمدرضا شد، چهره دومش را به قاعده نشان داد.

ما در هر قصه‌ای که واقع می‌شویم می‌بینیم که روحانیت، هدف است، محمدرضا هم در نطق‌هایی که کرده بود و می‌کرد، اینها را ارتجاع، (اینها عمال ارتجاعند) حتی اینها می‌گفتند اینها عمال انگلیس‌ها هستند این را من خودم با گوشم، در یک اتومبیلی که در تهران یکوقت نشسته بودم دیدم که آن یکی به آن می‌گوید ما سه نفر بودیم که معمم بودیم من مدت‌هاست این هیکل‌ها را ندیدم، اینها را انگلیس‌ها درست کردند در نجف و قم برای اینکه ملت ما را چه بکنند، ما در آن دوره عمال انگلیس بودیم و ارتجاع، الان هم ما ارتجاعی هستیم، الان هم روحانیون ما ارتجاعی‌اند، روشنفکرها آنها هستند، در تمام مدتی که رضاخان آمد و کودتا را پیاپی کرد، تا آخر که ایستاد مقابلشان و مشتش را گره کرد، همین، همین مرتجعین بودند، همین آخوندهای مرتجع ما، همین‌ها قیام کردند بر ضد او، همین‌ها روشنگری کردند به مردم و مردم را خواستند بفهمانند. اینها از این جمعیت لطمه خوردند و می‌خواهند مردم را از اینها جدا بکنند، دانشگاهی را بیشتر جدا کرده بود و حالا می‌خواهند همه مردم را از این جمعیت جدا بکنند که هر کاری که می‌خواهند بکنند، یک کسی نباشد که بگوید چرا، که یک جمعیتی دنبالش چرا بگوید.

هشدار به رسوخ مفسدین در جمع مصلحین و لزوم هوشیاری ملت

من یک مطلبی را باید بگویم به همه ملت ایران و به همه روحانیین ایران، من خوف این را دارم که بعضی از این معممینی که در بین روحانیون، خودشان را جازده‌اند و خرابکاری دارند می‌کنند در بعضی از جاهایی که اینها یک چیزی دستشان آمده است، من خوف این را دارم که اینها چهره اسلام را برگردانند از آنی که هست. من به روحانیین ایران می‌گویم به اینکه این اشخاصی که خودشان را جازده‌اند یا رفتند در کمیته، یا رفتند در کجا، این اشخاص را شما به مردم معرفی کنید که اینها ربطی به ما ندارند، یکوقت ما می‌فهمیم که سرتا‌ته ایران کمیته درست شده است، این امام کیست که کمیته درست شده است؟ چه اطلاعی از این دارد؟ ما بی‌اطلاع بودیم، هر کس خودش خواسته یک کاری بکند با اسم فلان. چند روز پیش از این در حضرت عبدالعظیم غیر آن کاری که آقای خلخالی کرد، آن مطلب صحیحی بود یک شیخ دیگری کیست من نمی‌شناسمش، به اسم نماینده فلان، نماینده امام به قول خودش رفته یک مقبره‌هایی را خراب کرده و مقبره‌هایی که مال اشخاص بوده، ملک شخصی‌شان بوده، مقبره‌ای که موقوفه بوده، خانه‌ای که موقوفه بوده خراب کرده، اینها یک اشخاصی

هستند که یا نمی فهمند دارند چه می کنند و اگر خدای نخواستہ بفهمند ، اشخاصی هستند که می خواهند نهضت را به تباہی بکشند . من به سرتاسر کشور ایران ، به سرتاسر روحانیون ایران ، این خطر را که برای اسلام پیش آمده و برای روحانیت پیش آمده می گویم به شما و حجت را بر همه تمام می کنم . این آخوندهایی که خودشان را جازدند و می روند و مردم را آزار می دهند و اذیت می کنند ، بدون یک مجوز شرعی الهی ، اینها را از خودشان برانند ، اینها نماینده من نیستند ، اینها با اسم نماینده فلان می خواهند که حالا شلوغ بکنند تا اینکه ملت بگویند خوب ، این هم این ، به اصطلاح این اشخاص و باز باید بگویم که این پاسدارهایی که انصافا در این کشور خدمت کردند و دارند خدمت می کنند و وجودشان مغتنم است برای این ملت ، زحماتشان پیش خدا مغتنم است ، گاهی وقت ها در بینشان یک کسی جا می زند و آبروی اینها را از بین می برد . یک کسی می آید به اسم اینکه من پاسبان هستم ، یا اینکه خیر ، یک مقدس مایی هم می کند ، او را به عنوان پاسبان می شناسند ، می آید بعد می رود ، یک دفعه ما دیدیم که خانه کی را غارت کردند ، پاسبان ها کردند ، بابا این پاسبان نیست ، پاسبان اسلامی است ، آدم مسلمان که نمی رود خانه مردم را غارت کند ، آدم مسلمان که نمی رود ملک دیگری را مصادره کند ، اینها یک دسته دیگری هستند که آمده اند این کارها را دارند می کنند باید ما بفهمیم که ما این کاری را که تا اینجا آوردیم چطور به آخر برسانیم ، به هرج و مرج نکشد . البته که دولت اسلامی این زمینخوارهای بی انصاف را و این مفتخورهای بزرگ را ، سرچایش خواهد نشانند و محاسبه از آنها باید بکنند ، حسابشان را می کشد ، اما این معنایش این نیست که پاسبان ها بریزند هر کاری دلشان می خواهد بکنند ، یک جا بحق باشد ، ده جا هم بیحق ، صدای مردم را در آورند . اینها متوجه نیستند که یک اشخاصی توی اینها آمده اند و خودش را جازده ، مثل اینکه توی روحانیون آمده و خودش را جازده ، توی اینها هم آمده و خودش را جازده و دارد خرابکاری می کند تا به اسم (اسلام) خرابکاری بکند و اسلام را بکوبد .

باید توجه داشته باشید ، باید متوجه باشید که آنهایی که خرابکاری می کنند و آنهایی که به جان مردم می افتند و این کارهایی که می گویند دارند می کنند ، خوب ، یک دسته ای جهاد سازندگی است ، بسیار خوب ، بسیار خوب است و از اول هم همین معنا بود و خیلی هم زحمت می کشند و خیلی هم ارج می برند اما در بین همین جهاد سازندگی یک افرادی پیدا می شوند که برخلاف موازین قانون اسلامی ، بر خلاف مقررات دولتی و اسلامی ، یک کارهایی انجام می دهند که جهاد سازندگی را مردم صدایشان بلند شود که این جهاد سازندگی دارد پدر ما را در می آورد ، همین امروز هم یکی از علمای مشهد به من این را می گفت . بشناسید صالح و فاسد را ، بشناسید مفسد و مصلح را ، بشناسید ، توجه داشته باشید کی دارد خلاف می کند به اسم اسلام ، کی دارد خرابکاری می کند به اسم اسلام ، اگر عمامه سرش است بزیندش کنار ، خود معمین بزیندش کنار ، اگر توی پاسدارهاست ، پاسدارهای مسلم ، اسلامی که همه زحمت را به عهده دارند بزیندشان کنار ، اگر در ارتش است ارتشی ها بزیندشان کنار ، ژاندارمری است آنها بزیند ، توی بازار است بازاری ها بزیندشان کنار ، توی کارخانه هاست آنها بزیندشان کنار .

اینها در هر جایی می خواهند یک نفوذی بکنند و یک فساد بکنند به اسم اسلام و این خطر است برای نهضت شما، با اسم اسلام می خواهند این اسلام را در بین مردم خود مملکت مشوه نمایش بدهند، بد صورتش را نمایش بدهند و این یک جرم بزرگی است که آنها مرتکب می شوند و ما هم اگر ساکت باشیم جرم است برای ما، باید بگوئیم، باید شماها هم عمل کنید، کسانی که با اسم اسلام می آیند و می خواهند خرابکاری بکنند و مثلاً یک کارهای زشتی بکنند و خلاف اسلام بکنند، بدانید اینها اسلامی نیستند اینها ضد اسلام هستند، ضد انقلاب هستند، نفوذ کرده اند در بین جمعیت همه جا هست، ملت ما باید هوشیار باشد، الان هوشیاری بیشتر لازم است از اول، اول آن کسی که مخالف با اسلام بود می شناختندش مردم، سازمان امنیت را همه مردم می گفتند اینها برخلاف ملت و اسلام هستند، می شناختند این را، این سردمدارها هم مردم شناختندشان، چون می شناختندشان با آنها مبارزه می کردند. مبارزه با آنها آسان بود، منافق ها هستند که بدتر از کفارند. آنی که مسلمان می گوید هستم و به ضد اسلام عمل می کند و می خواهد به ضد اسلام عمل بکند، آن است که در قرآن بیشتر از آنها تکذیب شده تا دیگران. ما سوره منافقین داریم اما سوره کفار نداریم، سوره منافقین داریم که برای منافقین، از اول شروع می کند اوصافشان را می گوید. اسلام همیشه گرفتار یک همچو جمعیت هائی بوده است، در صدر اسلام زیاد. در زمان حکومت امیرالمومنین (علیه السلام) زیاد اینها بودند، در زمان خود پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) زیاد بودند و همین طور در طول تاریخ، اسلام گرفتار یک همچون مسائل بوده است و گرفتار اینکه اشخاص هم از خود مسلمان ها، مردم خوب، مردم اسلامی گول می خوردند از اینها، از این اشخاصی که با صورت اسلامی می آمدند و چی می کردند، گول می خوردند. یکی از این ثروتمندهایی که در یک زمانی آمد نجف پیش من، من که راجع به قضیه ایران صحبت می کردم، می گفت می ترسیم بدتر بشود. نه آقا، شما نمی ترسید بدتر بشود، شما از خویش می ترسید. آنوقتی که رضاخان عمامه های معممین را برمی داشت بعد هم یک حوزه امتحانیه گذاشته بود به اصطلاح خودش، یکی از علمای قم خداوند رحمتش کند به من فرمود که خوب، می خواهند بدها را از خوب ها جدا کنند چه اشکال دارد، من به ایشان عرض کردم که اینها با خوب هایش بد هستند، نمی خواهند بدها را بشناسند، می خواهند خوب ها را بشناسند، کمر خوب ها را بشکنند. حيله همیشه بوده است از اول اسلام تا حالا، از اولی که بشر بوده تا حالا، یک اشخاص حيله باز، چهره های مختلف بوده است در این ممالک اسلامی. چهره، چهره اسلامی بسیار خوب و نماز هم می آیند می خوانند و روزه می گیرند و در ظاهر، ولی چهره، چهره اسلامی است باطنش ضد اسلام، شناخت اینها مشکل است، شناختن اینها مشکل است و لهذا جوان های ما از اینها گول می خورند.

شما کارگرا که خداوند انشاءالله شما را حفظ کند برای مملکت ما و شما ارتشی ها که خداوند شما را هم حفظ کند برای ما، توجه داشته باشید که امروز اسلام یک امانتی است دست من و شما، در زمان محمدرضا ما معذور بودیم اکثرمان، می گفتند سرنیزه است ما چه بکنیم، با زور نمی توانیم، خوب، سر نیزه است ما چه بکنیم. خیلی ها همین عذرها را می آوردند و داشتند واقعا بعضی شان و اما امروز

سرنیزه در کار نیست ، امروز اسلام به دست ما سپرده شده است و از ما امانتداریش را می خواهند . اگر ما امروز به این گروه هایی که مخالف با اسلام هستند و با اسم اسلام پیش ما نفوذ دارند می کنند ، اگر امروز گول بخوریم از اینها ، یا خدای نخواستہ دنبال اینها برویم ، این امانتی که دست ما بوده است به آن خیانت کرده ایم . به این امانت ما نباید خیانت بکنیم ، ما باید امانتدار باشیم و اسلام را حفظ بکنیم و خداوند شماها را حفظ کند و موفق . و شما اسلامی هستید و با همین خط اسلام پیش بروید و این نهضت را به پیش ببرید .

والسلام علیکم ورحمة اللہ

ص: 202

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و معلولین و گروهی از پاسدارانواحد آموزش و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شهدا بودند که شما را به این مسندها نشانند

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستان سالروز ولادت پر برکت حضرت مهدی ارواحنااله الفداه این عید سعید بزرگ را بر همه مسلمین و بر همه مستضعفان جهان و ملت شریف ایران و شما برادرهای عزیز و خواهرهای محترم تبریک عرض می کنم و سلامت و سعادت تمام مسلمین را و تمام مستضعفین را در مقابل مستکبرین از خداوند تعالی مسئلت می کنم . من بعد از پانزده خرداد که از حبس بیرون آمدم و مطلع شدم بر وقایعی که در ایران اتفاق افتاده بود و بعد هم که به قم آمدم و مواجه شدم با بعضی کسانی که عزیزان خودشان را از دست داده بودند ، گمان نمی کردم که دنباله این معنا برای من ، این صحنه هایی که حالا می بینم باشد . من آنوقت مجروحین و شهدای پانزده خرداد را به اسم اینکه یک واقعه تاریخی بزرگ واقع شده است ، گرچه یک بار سنگینی به عهده من بود و وقتی مواجه می شدم با بعضی از کسانی که عزیزان خودشان را از دست داده بودند ، یک حال انفعال باید بگویم برای من دست می داد ، من نمی دانستم که بعد از پانزده خرداد هم ما مواجه خواهیم شد با یک همچو صحنه هایی و با یک برادران عزیزی ، خواهران محترمی که عزیزان خودشان را از دست داده اند و ما مواجه باشیم با خانواده های شهدا ، خانواده های مصدومین و مضرورین و خود آنها . و گرچه این یک مشتی از خروار است و در سراسر ایران این مسائل هست و من باید از همه شما عذر بخواهم به اینکه ما نتوانستیم و نمی توانیم این مصیبت هائی که شماها تحمل کردید و مصیبت برای همه ملت هم بوده است ، نمی توانیم ما جبران بکنیم . ما عاجزیم از اینکه به شماها تسلیت بدهیم ، لکن در آستان تولد حضرت مهدی ارواحنااله الفداه به ایشان تسلیت عرض می کنم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ظهور مسعود ایشان را نزدیک کند و تشریف بیاورند و ما هم جمال او را ببینیم و ایشان هم در میان ما ، شماها را از نزدیک ببینند ، گرچه ایشان مطلع هستند بر مسائل و مصائب ، ما مرهون زحمت های شماها و عزیزان شماها هستیم .

و همه ملت ایران مرهون این جوان هائی که با مشت گره کرده نهضت را به اینجا رساندند و باز هم حاضرند لکن من نمی دانم که آیا از این قشرهایی که امروز هم مخالفت با نهضت می کنند چه باید پرسیم . اینها شما را دیده اند ، اینها بی اطلاعند از اینکه به شماها چه مصیبت هائی وارد شده است .

اینهایی که طرفداری از رژیم سابق می کنند ، این قلم های مسمومی که با نوشته های خودشان می خواهند این انقلاب را عقب بزنند و شکست بدهند ، اینها هیچ وقت به فکر این افتاده اند که این شهدا ، این خانواده های شهدا ، در سرتاسر کشور ما که عزیزهای خودشان را از دست داده اند ، به آنها چه می گذرد ؟ اینها چه می گویند ؟ اینها چه می کنند ؟ اینها چه می کنند ؟ اینها برای کی با شماها مقابله می کنند و معارضا و آیا این ادارات دولتی و وزارتخانه ها و همه گروه هایی که در اداره این مملکت مشغول هستند ، جواب شماها را چه می دهند که باز هم در عین حالی که سفارش شده است که این کاغذبازی های مزخرف را و این کارهای ضد انقلابی را نکنید ، باز می شنویم که حتی برای شما کار شکنی می کنند ؟ اینها چه می گویند ؟ اینها چه هستند ؟ اینهایی که در راس هستند ، چطور توجه به این مسائل ندارند ؟ چطور آقای رئیس جمهور دخالت در این امور نمی کند ؟ چطور شورای انقلاب در این امور رسیدگی نمی کند ؟ چه شده است اینها را ؟ به کارهای دیگر مشغولند اینها ، ما مرهون اینها هستیم ، اینها بودند که شما را به این مسندها نشانند . اگر اینها نبودند ، نه من اینجا بودم نه شما آنجا بودید ، نه آنها آنجا و نه دستجاتی که مخالف با این نهضت می کنند در اینجا . آنها که مخالف نهضت هستند حسابشان علیحده است اما شمائی که با نهضت هستید و در امور این کشور دارید دخالت می کنید ، اداره این مملکت دست شماها هست ، چطور است که شما رسیدگی به این ادارات نمی کنید ؟ و این وزارتخانه ها ، این وزرائی که اشخاصی تحت اداره آنها هست و باز هم از این اشخاصی که از رژیم سابق مانده اند هست ، اینها چه می گویند ؟ به اسلام عقیده ندارند ؟ یا عرضه ندارند ؟ نمی توانند این اشخاصی که کارشکنی برای این افراد می کنند ، برای این معلولین حتی کارشکنی می کنند و برای این شهدا کار شکنی می کنند نمی توانند اینها ، نمی فهمند اینها که باید اینها نشود ؟ نمی دانند که ایران مرهون اینهاست ؟ نمی دانند که رژیم منحوس شاهنشاهی را اینها از بین بردند و شما را به اینجا رساندند ؟

اگر شاهنشاهی هستید بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم

این چه وضعی است در این مملکت ؟ همه که نمی شود ، همیشه نمی شود که با حرف مردم را قانع کرد . باز هم آرم های شاهنشاهی در کاغذهایشان هست ، من نمی فهمم که اینها چه اشخاصی هستند ، باز هم مریضخانه ها ، مریضخانه بنیاد فلان هست در ایران ، باز هم تذکره ها ، تذکره های شاهنشاهی هست ، باز هم کاغذهای اداره ، کاغذهای شاهنشاهی هست . اگر شاهنشاهی هستید ، خوب بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما تعیین کنیم . تا من بگویم ملت با شما چه کند و اگر نیست ، چرا این آرم ها را بر نمی دارید ؟ چرا این اشخاصی که در این ادارات مشغول فساد هستند ، چرا اینهایی که مشغول هستند که جوان های ما را تباه کنند ، در این ادارات تصفیه نمی کنید ؟ من نمی دانم این مملکت وضعش چه هست ؟ بیست سال است که این ملت ، ملت محروم دارد زحمت می کشد ، کشته می دهد . پانزده خرداد آنقدر کشته داد و بعد هم هی پانزده های خرداد برای ما پیش آمد ، اینهمه اینها به شهادت رسیدند ، ما تا کی باید مواجه با این چهره های افسرده باشیم ؟ ملت ایران تا کی باید منتظر باشند که شماها از آن

گرفتاری هایی که می گوئید داریم در ادارات، بیرون بیاید؟ تا کی صبر کند ملت ایران و تا کی شما می خواهید اصلاح کنید امور را؟ یک سال و نیم بیشتر گذشته است از این انقلاب و باز آرم های شاهنشاهی هست اگر شاهنشاهی هستید بگوئید. اگر تا ده روز دیگر، تا ده روز دیگر، در یکی از این چیزهایی که از ادارات صادر می شود، عکس همان آرم های شاهنشاهی باشد و اسم آنها باشد، من با ملت می گویم که با شماها آن رفتار کند که با شاهنشاه کرد. ما می سکوت می کنیم می خواهیم مطالب را خودشان حل بکنند، معذک به فکر این حرف ها کم هستند. چرا به فکر نیستید؟ چرا شورای انقلاب به فکر این مطلب نیست؟ چرا رئیس جمهور به فکر این افراد نیست؟ این امور نیست؟ به آن حرف هائی که می زنید، یکقدری هم عمل کنید. شما همه مخالفید با شاهنشاهی، راس شما، آنهائی که در راس هستند که من می شناسمشان، اینها همه مخالفند با این وضع، مخالفند با اوضاع سابق، اسلامی هستند، لکن مسامحه می کنند. من نمی فهمم این مسامحه چیست؟ در همین دو سه روز برای من یک چیزی آوردند که تذکره ای بوده است که همان آرم شاهنشاهی و همان کثافتکاری ها. در وزارت خارجه و در همه وزارتخانه ها همه مراکز، فساد، باید اصلاح بشود این امور، نمی شود اینطور، اگر عاجزند، کنار بروند تا ما افرادی پیدا بکنیم که عاجز نباشند و اگر عاجز نیستند، چرا عمل نمی کنند.

من از شماها عذر می خواهم، من از ملت ایران عذر می خواهم، من از ملت ایران عذر می خواهم، من از این مادرهائی که بچه های خودشان را از دست دادند، معذرت می خواهم، من از این برادرهائی که عزیزان خودشان را دادند، از دست داده اند، معذرت می خواهم، من از این ارتشی هایی که جوانان خودشان را از دست داده اند، از این پاسدارها که جوان های خودشان را از دست داده اند و برادران خودشان را، معذرت می خواهم که عرضه این را ندارم که کار را درست کنم. من از حضرت مهدی سلام الله علیه، من از پیشگاه پیغمبر اکرم معذرت می خواهم، من از پیشگاه ولی عصر امام مهدی سلام الله علیه معذرت می خواهم، من از پیشگاه ملت ایران معذرت می خواهم، من از شما برادران، برادران ارتشی، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام جوان های خودشان را دادند، معذرت می خواهم. ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدهیم، ما ضعیف هستیم، ما باز گرفتار کاغذ بازی هستیم، ما باز گرفتار آرم شاهنشاهی هستیم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهی است، وزارتخانه های ما، وزارتخانه های ما باز وزارتخانه های طاغوتی است و ما نتوانستیم اینها را اصلاح کنیم. باید به اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود به اسرع وقت اصلاح می کنیم.

خداوند! ملت ما را، ملت مظلوم ما را از همه گرفتاری ها نجات بده. خداوند! کسانی که دست اندر کار هستند، قوای تقنینی، قوای اجرائی، قوای قضائی و کسان دیگری که در راس این امور هستند، توفیق بده که بتوانند عمل کنند. خدایا! به این اشخاصی که با قلم خودشان، با قدم خودشان و با نطق های خودشان، کارشکنی برای این نهضت اسلامی می کنند، هدایت کن، آنها را به آغوش ملت برگردان، عطوفت به آنها عنایت کن که بفهمند در مقابل اینهمه مصائب چه دارند می کنند. خداوند شما

را و همه ملت ایران را در محضر مبارک امام زمان ارواحنا فداه آبرومند کند . شما غم نداشته باشید که پشتیبان شما خداست و امام عصر سلام الله علیه . در محضر او واقع شد همه این امور . خداوند انشاءالله به همه ملت اسلام در سراسر دنیا و به ملت شریف ما قدرت عنایت فرماید که ما و ملت ها بتوانند مقاصد اسلامی را پیاده کنند . خداوند به همه ما قدرت بدهد که در مقابل شیاطین و در مقابل کسانی که مخالف اسلام و مقاصد اسلام هستند ، با قدرت ایستادگی کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 206

پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان خطاب به ملت ایران

حضرت مهدی (عج) ذخیره خداوند برای هدایت بشریت

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید پانزده شعبان را به همه مسلمین و به همه ملت ایران تبریک عرض می‌کنم. ماه شعبان ماه بزرگی است که در آن، در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی موعود ارواحنا له الفدا پا به عرصه وجود گذاشت. و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند منجمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود سلام الله علیه که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر، هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند حتی رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجر خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت، انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان، اگر اخلاقش منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقائد یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود سلام الله علیه که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو

معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرا عدالت را بکند، نمی توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب ارواحنا له الفدا بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین.

اگر عید ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بزرگترین عید است برای مسلمین، از باب اینکه موفق به توسعه آن چیزهایی که می خواست توسعه بدهد نشد، چون حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی، باید ما بگوئیم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی سلام الله علیه بزرگترین عید است برای تمام بشر - تمام بشر را - وقتی که ایشان ظهور کنند انشاءالله (خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند (یملا الارض عدلا بعد ما ملئت جورا) همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکنند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی (یملا الارض عدلا بعد ما ملئت جورا) الان زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند در اخلاق ها انحراف هست، در عقائد انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است و ایشان مامورند برای اینکه تمام این کجی ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعا صدق بکند (یملا الارض عدلا بعد ما ملئت جورا) از این جهت این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است این عید، عید تمام بشر است، تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد انشاءالله و ظلم و جور را از تمام روی زمین بردارند به همان معنای مطلقش، از این جهت این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است.

و ما باید در اینطور روزها و در اینطور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که شخص اول است برای اینکه دومی در کار نیست، ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است، آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم انشاءالله به زیارت ایشان، طوری باشد که رو سفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند، باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت

رسالت خطیر رسانه های گروهی در حفظ آرامش کشور

رادیو تلویزیون را که من مکرر ذکر کرده ام از آن و گفته ام این باید یک مرکز آموزشی باشد و حالا هم می گویند که یک تحت دیگری هم در آن پیدا شده است، یک دستگاه دیگری، دوره دومی هم برایش هست، این باید به طور آموزشی، تربیتی مردم را تربیت بکند، باید ما متوجه این معنا باشیم که در یک زمانی داریم زندگی می کنیم، در یک وقتی داریم زندگی می کنیم که ملت ایران به بعضی از آرزوهای خودش که عبارت از عدالت باشد، عدالت اجتماعی فی الجمله باشد رسیده اند و دست اشرار را کوتاه کرده اند، حالا باید این دستگاه هایی که سابق در خدمت ظالم ها بودند و در خدمت حکومت جور بودند و برای آنها کار می کردند، اگر اشخاصی هم در این زمان هستند که آنوقت هم کار می کردند، برای جبران آن معصیت هایی که در آنوقت کرده اند در اینجا جبران کنند و این دستگاه را، دستگاه دومی که گفته می شود که باید باز اجرا بشود، یک دستگاه عدالتی، یک دستگاه آموزشی به حسب معنای واقعی، متوجه باشند که این جوان های ما در همه جایی که هستند، در پنجاه سال آموزش خراب داشتند نه فقط در دانشگاه ها که آنقدر خراب بوده، در همه جا، برای اینکه وقتی یک تلویزیونی، یک - عرض می کنم که - رادیویی، یک روزنامه ای، یک مجله ای، مجله ای باشد که، یا دستگاه هایی باشد که فاسد کننده است، این در تمام قشر ملت فساد ایجاد کرده است، جوان هایی هم که در صحراها بودند که به این چیزها گاهی گوش می کردند و این روزنامه ها را گاهی می خواندند، آنها هم به فساد کشیده شده اند، حالا باید جبران بشود این معانی، باید معصیت هایی که کرده اند جبران بکنند، باید دستگاه تلویزیون یا مطبوعات ما جبران بکنند آن کارهایی را که سابق شده است و کرده اند و باید دستگاه آموزشی باشند واقعا به تمام معنا و جدا دنبال این باشند که فیلم هایشان فیلم های فاسد نباشد، فیلم هایی باشد که برای مملکت ما الان به درد بخورد، آموزش باشد در آن، تربیت باشد در آن و همین طور مقالاتی که در آنجا گفته می شود، در روزنامه ها نوشته می شود و نطق هایی که در رادیو پخش می شود، همه اینها باید یک چیزهای آموزنده باشد. و یکی از مسائلی که الان لازم است من عرض کنم، ما الان در ایران احتیاج به آرامش داریم، اگر ما بخواهیم که این نهضت پیروز بشود، باید ما آرامش این مملکت را حفظ بکنیم، باید همه قشرها متوجه باشند که آرامش را حفظ کنند، نباید به جان هم بریزند و هم را چیز بکنند، ارشاد باید بکنند، تلویزیون باید ارشاد بکند، رادیو باید ارشاد بکند، روزنامه باید ارشاد بکنند، روزنامه ها نباید یک چیزهایی را که موجب تهییج مردم است و موجب انحراف مردم است در آنجا بنویسند، رادیو نباید این کار را بکند، باید ارشاد بکنند و در عین حال مردم را متوجه به این بکنند که ما دشمن داریم و دشمن دنبال این است که تشنج پیدا بشود، باید از تشنج ها جلوگیری کرد و باید آن اشخاص منحرف را ارشاد کرد و اگر ارشاد نشدند، آنها را منزوی کرد، بی اعتنایی کرد به آنها. هر دفعه ای که شما یک طوری بکنید که با شدت رفتار کنید، آنها مظلومیت به خودشان می دهند و

برای ما ضرر دارد. باید هم مسائل را گفت و هم آرامش را حفظ کرد، هم مطالب را مردم بدانند (گویندگان باید بگویند) و هم آرامش را باید حفظ بکنند. و من امیدوارم که کسانی که منحرف بودند، حالا از انحراف بیرون بروند، کسانی که در آغوش ملت نبودند، در آغوش ملت بیایند و من امیدوارم که در این عید سعید مردم به تمام معنا جشن بگیرند و خودشان را مهیا کنند از برای زیارت امام زمان سلام الله علیه و انشاء الله همه موفق باشند و همه قشرها این معنا را بدانند که مهمترش رادیو تلویزیون است و مطبوعات، بدانند که ما امروز احتیاج به این داریم که اختلافات کم بشود، باید ما اختلافات را کم بکنیم، باید چیزهایی که موجب اختلاف می شود اینها را کم بکنیم لکن معذک دشمن ها را بشناسیم، هم دشمن را بشناسیم و هم در صدد این باشیم که دشمن را کارهایش را فلج بکنیم و هم آرامش را حفظ بکنیم، طوری نباشد که ما فرصت به دست دشمن ها برای تبلیغات یا برای کارهای دیگر.

و من امیدوارم که ملت ایران در این روز مبارک پانزده شعبان که روز مبارکی است، در سعادت و سلامت و آرامش تمام بسر ببرند و خداوند این مولود سعید را بر همه مبارک کند و خداوند این مولود مبارک را، ما را موفق کند به دیدار ایشان که چشم های ما روشن بشود به زیارت این وجود مبارک که واقعا شخصی است که نمی توانم بگویم شخص اول دنیا و نمی توانم بگویم رهبر، بالاتر از این مسائل هست. خدا همه ما را موفق کند به خدمت ایشان و به خدمت به اسلام و به خدمت به کشور خودمان.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری ها و رؤسای ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور

دستاوردهای حاصل از آموزش و پرورش ، در طول پنجاه سال سلطه طاغوت

بعد از تشکر از آقایان که تشریف آورده اند در جای تنگی و با زحمت تشریف دارند ، چند کلمه عرض می کنم . بسیاری از اوقات الفاظ خیلی الفاظ جالبی است و لکن سرپوش از برای چیزهایی است که جالب نیستند ، آموزش و پرورش ، هر دو لفظ از الفاظ جالب هست و زمان طاغوت هم وزارت آموزش و پرورش داشتیم . انجمن اسلامی که الان در تمام ایران هست این هم لفظ جالبی است که همه می دانید که این لفظ نمایش این است که اسلام را ما می خواهیم پیش ببریم . لکن ما ، هم در آموزش و پرورش گرفتار الفاظ بودیم و هم در انجمن اسلامی گرفتار الفاظ . در زمان طاغوت آموزش می گفتند و پرورش ، لکن شما ملاحظه کنید آموزش ها چه بود و پرورش ها چه . انسان خیال می کرد که آموزش صحیح هست ، آموزش چیزهایی است که ملت ما به آن احتیاج دارند ، آموزش علمی است که ملت ما را بعد از چندی خودکفا کند . و پرورش هم به نظر می آمد برای آدم غافل که یک پرورش صحیحی است که انسان هائی که در آنجا آموزش می بینند پرورش هم می بینند و وقتی که از این مدارس ، دانشگاه ها و غیر دانشگاه ها بیرون آمدند یک اشخاصی هستند که در جهت آموزش برای وطن خودشان مفید و در جهت پرورش صاحب اخلاق کریمه ، آداب صحیح ، عقاید صحیح و اینطور چیزها ، لکن شما دیدید و ما دیدیم که آن دستاوردهای فرهنگ ما ، دانشگاه های ما چه بودند و چه اشخاصی بودند ، تحصیلات چه جور تحصیلی بود و آموزش چه آموزشی بود و برای چه مقصودی بود . اگر آموزش یک آموزش مایحتاج ایران بود و برای ایران بود ، ما بعد از پنجاه سال یا کمتر یا بیشتر که دارای مدارس عالی بودیم به اصطلاحشان ، نباید حالا که یک مریضی یک قدری مرضش پیچیده است ، اطبای اینجا بگویند که این نمی شود اینجا ، بروند خارج . بعد از پنجاه سال ، خرج های فوق العاده ، اینهمه گرفتاری های فوق العاده و اینهمه دانشگاه ها و مدارس ما ، حالا یک مریضی که یک قدری مرضش چه باشد باز باید کوچ کنیم از اینجا و برویم انگلستان یا آمریکا . دانشگاه چه کرده در این پنجاه سال . اینهایی که می گویند ما دانشگاه را حفظ کردیم و ما دانشگاه را چه کردیم ، خوب بیایند بگویند ببینیم که این دانشگاه در این پنجاه سالی که طاغوت بود و شما هم خدمتگزار طاغوت ، چه کردید . عرضه کنید کارهایی را که کردید ، عرضه کنید آن تعلیماتی را که کردید و آن اشخاصی را که در

آنجا تربیت علمی کردید . می گویند پرورش هم در کنار آموزش است . این پرورده های شما ، این فرآورده های شما که در این مملکت ، سرتاسر این مملکت مشغول عمل بودند ، اینها وضع روحی شان وضع عقیده ای شان ، وضع اخلاقی شان چه بوده است ، این چه بوده است که ما الان بعد از یک سال و نیم یا یک قدری بیشتر که هی جدیت شده است از اطراف که یک قدری اصلاح کنید امور را ، حالا هم این آقای جوان بر می خیزند و می گویند که در آنجا زن هائی هستند که موجب کذا و کذا می شوند و من می دانم که نه منحصر به آنجاست ، در وزارتخانه ها هم هست و بعضی از وزارتخانه ها بسیار بد است و من حالا اسم نمی خواهم ببرم لکن وزیر اگر این حرف ها را شنید ، اصلاح کند . مرکز فحشا نیست وزارتخانه ، مرکز فحشا نیست دانشگاه ها ، مرکز آموزش و پرورش باید باشد .

تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلم است

خدای تبارک و تعالی در یک سطح آموزش و پرورش را ذکر می فرماید و در هیچ چیز از امور دنیائی خدا نفرموده است که من منت بر مردم گذاشتم ، لکن در قضیه آموزش و پرورش می فرماید که (لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا) من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه) .

خدای تبارک و تعالی در مورد تزکیه ، در مورد تعلیم ، تربیت ، آموزش و پرورش با تعبیر منت گذاشتن بر مردم می فرماید منت گذاشته و پیغمبر را برای آموزش و پرورش فرستاد و پرورش را قبل از آموزش ذکر می فرماید (یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه) اول تزکیه است . البته آیه شریفه آیه ای است که اگر بخواید در اطرافش بحث بشود ، طولانی باید باشد لکن من یک کلمه را عرض می کنم که وضع آموزش و پرورش را این آیه شریفه به ما می فرماید و محتاج به شرح تفصیل است . با آن تعبیر (من الله علی المومنین) فرستادن پیغمبر ، از این آیه شریفه استفاده می شود که اصل آمدن پیغمبر برای آموزش و پرورش بوده است . آیات را تلاوت کند ، آیات را ، علوم می که از آن علوم همه به طور آیه نظر بشود ، آیات را تلاوت کند برایشان و تزکیه کند آنها را ، آنها را تطهیر کند ، نفوس را تطهیر کند بعد از اینکه تطهیر کرد (یعلمهم الکتاب و الحکمه) . پرورش قبل از آموزش است ، اگر هم قبل نباشد ، همراه باید باشند و رتبه او مقدم است . اگر چنانچه نفوس تزکیه نشوند ، تطهیر نشوند ، از آن اوصاف فاسد بیرون نروند ، علم اثر سوء در آنها می کند . تمام ادیان باطله را علما اختراع کردند ، دانشمندانها اختراع کردند برای اینکه علم وارد شده بود در یک جائی که پرورش نداشته ، تزکیه نشده . وقتی که علم آمد در جائی که تزکیه نشده ، این عالم که حامل این علم است و مزکی هم نیست ، خطرناک می شود . برای جامعه فرقی نیست ما بین علمای دانشگاهی و غیره . اگر در حوزه های علمیه و همین طور در دانشگاه ها تزکیه نباشد ، این علم هائی که در آنجا انباشته می شود یک انباری است که خدای تعالی این تعبیر را در آن فرموده (مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا این کسی که حتی علم توحید را ، علم ادیان را ، علم اخلاق را ، همه این علوم را دارد لکن تزکیه نکرده

نفسش را، این یک موجود خطرناک می شود برای جامعه و یک دانشگاهی که، جوان هائی که در آنجا می روند که آموزش ببینند، نه آموزش آن آموزش است و نه پرورشش پرورش و اگر آموزشش هم آموزش صحیح باشد، اگر تزکیه نشده باشد این آدم، بعد از تزکیه تعلیم و تربیت هست، اگر تزکیه نشده باشد و علم وارد بشود در یک قلبی که مزکی نیست، این فساد ایجاد می کند و خدا نکند که فسادی از جانب عالم غیر مزکی واقع بشود. در احادیث ما هست که در جهنم از بوی تعفن عالم سوء، جهنمی ها در ایذا هستند. شما دیدید که در این مدتی که دانشگاه های ما دست نا اهل ها بود، تعلیمات، تعلیماتی بود که جوان وقتی از آنجا با این تعلیمات بیرون می آمد غریزه بود، حتما باید پیوسته به غرب باشد، پیوسته به خارج باشد. آموزش اینطور بود، نه آن هم یک آموزش صحیح، یک حدودی داشت. دانشگاه های استعماری یک حدودی دارد در تعلیمات، نمی گذارند که جوان های ما تعلیم صحیح ببینند، درست تحصیل بکنند، تا یک حدودی اینها را آموزش می دهند، جوان های ما که خارج هم می روند اینطور نیست که وقتی خارج رفتند همدوش جوان های انگلستان و آمریکا تحصیل بکنند و همانطور که آنها تحصیل کردند به اینها هم همانطور آموزش بدهند، ؟ آنجا هم آموزش برای ممالک استعماری، پرورش هم پرورش برای مملکت استعماری و لهذا از پرورش شان و از آموزش شان امثال شریف امامی ها بیرون می آید و امثال نصیری ها. اینها همه در فرنگ کار کردند و تحصیل کردند و دکتر شدند و مهندس شدند و امثال ذلک، لکن وقتی که یک شوره زاری بوده است، علم وقتی که در یک نفس غیر سالم واقع شد مثل بارانی می ماند که بیبار در جانی که عفونت بار است، عفونتش را زیاد می کند. همین باران رحمت که در یک جا بوی عطر را بلند می کند، در یک جا بوی کثافت را بلند می کند. آن عالمی که تزکیه نشده است، خطرش از جاهل بسیار زیادتر است، جاهل اگر فاسد هم باشد، خودش فاسد است اما عالم اگر فاسد باشد، عالم را فاسد می کند، کشور را به فساد می کشد. تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است (یزکیهم) پیغمبر آمده است اینها را تزکیه بکند، پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد (یعلمهم الكتاب و الحکمه) بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند که اگر کتاب و حکمت با پرورش توأم نباشد و با تزکیه توأم نباشد، موجودی که او بیرون می آید همین موجوداتی بود که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود. مجلس خیلی طاغوتی و خیلی با عظمت، دانشگاه هم بسیار بناها با عظمت. خارجی ها به این کار ندارند، بنا هر چه می خواهد، باشد، هرچه این دستاوردهای ملت را صرف این اباطیل بخواهند بکنند، هر چه وزارتخانه ها طول و عرض و عمق می خواهد داشته باشد، بودجه های هنگفت در آنجا خرج بشود، اینش را کار نداشتند اما محتوا را کار داشتند، معلم ها (مگر بعضی شان) اینها از استعمار بودند و برای آنها کار می کردند و جوان های ما را برای آنها بار می آوردند.

آموزش وقتی مفید خواهد شد که تربیت روحی و اخلاقی باشد

شما حالا اشخاصی هستید که در آموزش و پرورش هستید، تا چه آموزشی باشد و چه پرورشی باشد. با الفاظ نباید گول بخورید. خودتان را گول نزنید که ما در آموزش و پرورش هستیم. آقایان هم با

اینکه ما انجمن اسلامی هستیم، با لفظ اسلامی خودشان را گول نزنند. خودشان ببینند که چه کارهایی دارند می‌کنند و چه کارهایی بنا دارند بکنند که آن کارها به نفع کشور است و به نفع اسلام. اگر آموزش و پرورش به نفع کشور و به نفع اسلام، به نفع اسلام باشد و انجمن اسلامی که در همه ادارات الان هست و صحبتش هست، به نفع کشور و به نفع اسلام باشد، آثارش بعد از چند سال بعد بر همه معلوم می‌شود. اینهایی که مخالفند با اینکه دانشگاه درست بشود، دانشگاه و فرهنگ، فرهنگ صحیح بشود، اسلامی بشود، اینها همان‌ها هستند که در دامن آن خارجی‌ها بزرگ شده‌اند و خوف این را دارند که مبدا یک وقتی یک دانشگاهی اسلامی بشود و ما نتوانیم دیگر دزدی بکنیم و ما نتوانیم دیگر عیش و عشرت بکنیم. دانشگاه شاید یک وقت اسلامی بشود و آنجا مرکز فساد نباشد و اینها خوف این را دارند. تا حالا مراکزی بوده است که شرم دارد انسان از این مراکزی که در همه کشور بوده، در همه وزارتخانه‌ها بوده، در همه ادارات بوده، شرم دارد انسان که اسم ببرد چه بوده قصه. آنهایی که در خود وزارتخانه‌ها بودند و هستند، آنهایی که من فرستادم و داخل وزارتخانه‌ها را دیدند و برای من نقل کردند، چیزها نقل می‌کنند از آنجا. به مجرد اینکه وزارت فلان و وزارت فلان دیگر انجمن اسلامی دارد، اگر انجمن اسلامی دارد این انجمن اسلامی چطور گذاشته است تا حالا اینطور خرابی‌ها باشد و اگر آموزش و پرورش صحیح باشد، مملکت ما از حیث فرهنگ باید خودکفا باشد نه اینکه بعد از اینهمه سال‌ها خرج و اینهمه سال‌ها برای این ملت رنج‌دیده اموالشان را به باد بدهیم و هزینه‌های هنگفت بسیار خرج این مسائل بشود و باقی این امت گرسنگی بخورد. آئی که از اینها بیرون می‌آید یک ماشینی است که از این طرف مسلمان را می‌اندازند توی آن، از آن طرف کمونیست‌ها بیرون می‌آیند، از این طرف افراد مؤمن را می‌اندازند توی آن، از آن طرف غیر مؤمن از کار در می‌آید، از آن طرف هم آن اشخاصی که به حسب فطرتشان سالم بودند می‌ریزند توی این کارخانه، از آن طرف وقتی در می‌آید یک آدم فاسد در می‌آید اگر اینطور باشد، معلوم می‌شود که این دستگاه چه دستگامی بوده. ما از نتیجه دستگاه‌ها می‌فهمیم که این دستگاه چه است. ما این اشخاصی که در این پنجاه سال در حکومت اینجا بودند، در مجلس شورای ایش بودند به اصطلاح خودشان، در مجلس سنا بودند، این اشخاص را ما باید ببینیم چه اشخاصی بودند که از همین دانشگاه‌ها بیرون آمدند و از همین جاهایی که آموزش و پرورش هست و اینها بیرون آمدند. اگر اینها آموزش داشتند، اگر اینها پرورش داشتند که این مملکت ما را دو دستی تعارف نمی‌کردند به خارج.

گرفتاری زیاد است و باید رفع بشوند این گرفتاری‌ها، خودتان باید رفع بکنید، منتظر نباشید که یکی بیاید از خارج رفع بکند. اگر کسی از خارج بیاید برای شما، نمی‌خواهد شما را تعلیم و تربیت کند، می‌خواهد همان‌جا، همان‌ها باشد که در زمان رژیم سابق بود، همان آموزش و همان پرورش. باید محتوا را درست بکنید. باید کوشش کنید به اینکه آموزش، آموزش صحیح باشد، آموزش صحیح باید باشد. آموزش وقتی مفید خواهد شد که تزکیه باشد، که تربیت روحی و اخلاقی در آن باشد. در دانشگاه‌ها و در سایر مراکز علم، چه در آنجاهایی که علمای روحانی هستند و چه در آنجاهایی که

دانشمندهای غیر روحانی هستند ، اینها باید اشخاصی باشند در آنها که این طلاب را در آنجا و این دانشجوها را در آنجا تربیت اخلاقی بکنند ، تزکیه بکنند نفوس اینها را . همانطوری که دارند تحصیل می کنند تزکیه نفس هم داشته باشند . اگر یک عالم مزکای به همه معنا ، در یک جامعه باشد ، ممکن است یک وقتی جامعه را این ور آن ور کند ؟! من در جوانی در بعضی وقت ها که در بعضی از این شهرها می رفتم می دیدم بعضی از این شهرها خیلی مردمش مودب به دیانت هستند ، دنبال این شدم که چطور شده است که اینجا اینطوری است و آن شهر دیگر اینطور نیست ، می دیدم که اینجا آن عالمی که در اینجا هست یک عالمی است که خودش را تزکیه کرده ، یک عالمی است که خودش اصلاح شده است ، مردم را او اصلاح کرده . باید عالم وقتی که در یک جامعه ای می رود ، در یک محلی می رود ، در یک دهی می رود ، در یک شهری می رود ، دنبال این باشد که تزکیه کند آنها را ، قبل از اینکه تعلیم کند آنها را . باید معلمینی که در دانشگاه می آیند و می خواهند تربیت کنند و تعلیم بدهند به دانشجوها ، همراه آنها یک عالمی باشد که تزکیه کند این جوان ها را . از آن افرادی که کوشش دارند که این جوان های ما را به انحراف بکشند ، باید تزکیه بشود این دانشگاه ما از اینطور افراد ، باید ادارات ما از این چیزهایی که جوان های ما را به فساد می کشند ، جوان های ما را به تباهی می کشند ، باید اینها تزکیه بشود تا اینکه افراد بشود تزکیه بشود . اگر یک معلمی می رود در آنجا و به این بچه های کوچک حرف هائی را می زند که اینها را منحرف کند ، اینها را باید شماها ببینید ، توجه کنید آن را ، معرفی کنید و کسانی که تصفیه می خواهند بکنند تصفیه کنند . این شیاطین هستند باز ، این قشرهای فاسد هستند باز در همه جاها ، چه در دانشگاه ها ، چه در جاهای دیگر . اینهائی که اصرار دارند که در این محل هائی که هستند یک اشخاصی باشند که آنها جوان ها را به انحراف می کشانند ، اینها دشمن ما هستند ، دشمن اسلام هستند ، چه وزیر اسمش باشد و چه معلم اسمش باشد . آن وزیری که بعد از یک سال و نیم یا بعد از چندین ماه وزارت نتوانسته . . . یا خودش را از آنجائی که ، از آن اشخاصی که بچه ها را به فساد می کشانند (نمی آیند کار بکنند ، می آیند آدامس می جووند و بچه ها را به فساد می کشانند ، من فرستادم دیدند) اگر اینها تصفیه نکنند ، من لازم نمی دانم که معرفی شان بکنم با اسم . من در بعد از حبس ، در آن حصری که بودم و منصور شده بود نخست وزیر ، وزیر کشور را فرستاد پیش من ، مثل اینکه صدر وزیر کشور بود ، صدر پسر صدر الاشرف ، فرستاد آنجا پیش من که بلی حکومت سابق چه بوده و چه بود و ما می خواهیم چه باشیم و چه باشیم و از این حرف ها . گفتم به ایشان که ما نه با حکومت سابق دشمنی داشتیم و نه با شما برادری ، ما باید ببینیم شما چه می کنید و بیخود من هم از اینجا که الان محصورم (آمده بودند که من دیگر بروم) حالا که محصورم بیخود من را رها نکنید برای اینکه من وقتی رها بشوم باز هم همان حرف هاست ، من با شما هیچ قوم و خویشی ندارم و من اگر یک چیزی را دیدم ، می گویم . حالا هم من اعلام می کنم به همه کسانی که دست اندر کارند من با هیچ کدامتان عقد اخوت نبستم و اگر عقد اخوت هم بسته بودم ، خلاف می کردید ، می گفتم . اصلاح بکنید خودتان را ، وزارتخانه را ، هر یک از وزرا که در یک وزارتخانه ای هستند آنجا را تصفیه کنند ، هم از اشخاصی که منحرف هستند به حسب

عقاید و هم از اشخاصی که منحرف هستند به حسب عمل و هم از اشخاصی که به انحراف می کشند جوان های ما را در عمل و در عقاید

اگر شما خودتان را اسلامی نکنید نمی توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید

انجمن های اسلامی سرتاسر کشور که الان در همه جا هست و من امیدوارم که با تأیید خدا اینها اسلامی باشند، این انجمن های اسلامی هم باید درست توجه به این داشته باشند که در آن وزارتخانه ای که هستند، در آن اداره ای که هستند، در آن کارخانه ای که هستند، هر جا که هستند اول متوجه باشند که خودشان اسلامی هستند یا نه. انسان اگر خودش منحرف باشد نمی تواند دیگران را مستقیم کند. این شکی نیست که آدمی که خودش فرض کنید خدای نخواستہ شرابخوار باشد نمی تواند دیگران را از شرابخواری باز دارد، او دعوت می کند دیگران را به آن. اگر شما خودتان، خودتان را اصلاح نکنید و خودتان همانطوری که اسم انجمن اسلامی روی خودتان گذاشتید اسلامی نباشید و خودتان را اسلامی نکنید، نمی توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید. خدای تبارک و تعالی که برای مردم هادی می فرستد و پیغمبران را انتخاب می کند، کسی که خودش از اول عمر تا آخر عمرش یک لغزش نداشته معصوم بوده، یک همچو موجودی را انتخاب می کند برای اینکه تربیت کنند مردم را، تزکیه کنند و تعلیم کنند. اگر آن کسی که می خواهد مربی یک جامعه ای باشد، مربی یک دستگاہی باشد، آنها را به اسلام دعوت کند، اولش باید خودش را اسلامی کند و خودش را، باطن خودش را دعوت به اسلام بکند، اسلامی بکند تا دیگران را بتواند اسلامی کند. اگر خودش را اسلامی نکند نمی تواند دیگران را اسلامی کند. معلمین آموزش و پرورش اگر خودشان یک پرورش صحیح نداشته باشند و یک تعلیم صحیح، نمی توانند جوان ها را تعلیم کنند و آموزش بدهند و پرورش بدهند. مبدأ هر امری از خود آدم شروع می شود. پیغمبر هم وقتی که تشریف آوردند، از خودشان، خودشان کامل بودند، از منزل خودشان شروع کردند، حضرت خدیجه را دعوت کردند او هم قبول کرد، امیرالمومنین سلام الله علیه بچه بود آنوقت، دعوت را قبول کرد. قوم و خویش های خودشان را جمع کردند و فرمودند که یک همچو مسأله ای است، یک دسته ای قبول کردند، یک دسته ای قبول نکردند. از خودش انسان باید شروع کند. منی که می خواهم بگویم شما فلان کار را نکنید، اگر خودم فاسد باشم، این حرفم هیچ تأثیری هم ندارد. شمائی که انجمن اسلامی دارید و هر کس که انجمن های اسلامی را تأسیس کرده است انشاءالله خداوند همه را حفظ کند لکن توجه داشته باشید که از خودتان شروع کنید و این انجمن یک انجمنی باشد به همه معنا اسلامی، اخلاق اسلامی، عقاید اسلامی، اعمال اسلامی یعنی تزکیه شده باشد و کتاب و حکمت را هم تعلیم دیده باشد نه به آن معنای مرتبه عالیش، به همان مقداری که کتاب دعوت می کند که آنچه صلاح شماس است و منع می کند از آنچه بر خلاف مصلحت شماس است. شما آقایان اول باید خودتان را اصلاح کنید و امید است که اصلاح بکنید و همه مان در این صدد باشیم تا بتوانید جامعه را اصلاح بکنید.

دانشگاه که می خواهد از آن دانشمندان بیرون بیاید باید اول داخل دانشگاه اصلاح بشود نه اینکه سنگربندی بشود توی دانشگاه زد و خورد و آن بساط . اصلاح بشود دانشگاه . باید آن اشخاصی که متعهد هستند کوشش کنند به اینکه یک دانشگاه محل تربیت و تزکیه و محل علم به آن معنائی که برای کشور ما لازم است نه آن چیزی که لازم نیست و نه آن چیزی که کشور ما را به فساد و جوان های ما را به فساد می کشد . بسیاری از این چیزهایی که در دانشگاه ها برای جوان ها به عنوان تعلیم هست اینها فاسد می کنند جوان های ما را . باید اشخاصی باشند و انشاءالله هستند و برنامه بریزند ، برنامه ای که تعلیمات به مقدار احتیاج و به آن اندازه ای که ما محتاج به آن هستیم و آن چیزهایی که برای اصلاح کشور ما هست آنها را در برنامه ها بگذارند و آن چیزی که برخلاف صلاح ما بوده است در آن زمان ، آن را حذف بکنند تا انشاءالله یک دانشگاهی بشود از حیث علم ، دانشگاه خوب و همین طور باید دانشگاه را اشخاصی بیاورند که تهذیب کنند این افراد را ، این جوان ها از ابتدا خوبند ، مربی ها ضایع کنند انسان را ، والا اول بچه ای که متولد می شود (کل مولود یولد علی الفطره) به فطرت انسانیت و به فطرت خوب تولد پیدا می کند بعدش مربی ها هستند که این را می کشانند به فساد ، محیط است که اگر فاسد باشد اینها را می کشد به فساد ، باید محیط دانشگاه یک محیطی باشد که اگر انسان رفت توی آن ببیند محیطی است که همه اینها متعهدند و همه اینها خدمتگزار کشور هستند و همه برای اسلام و کشور دارند خدمت می کنند . این آدمی هم که از خارج رفت توی آن طبعاً اینطوری بار می آید . وقتی در یک جامعه ای سلامت حکمفرما باشد افراد خود به خود سالم بار می آیند . یک خانواده ای که همه شان اشخاص خوب هستند بچه هاشان سالم بار می آیند مگر باز وارد بشوند در یک جامعه فاسد که آنها فاسدشان بکنند و الا طبعاً اینطوری است ، بچه های کوچک نفس شان مستعد از برای این است که نقش بگیرد یا از طرف فساد یا از طرف صلاح . اگر در یک جامعه صالح بود ، بچه هایش هم صالح بار می آیند ، اگر فاسد بود ، بچه ها هم فاسد بار می آیند . شما آقایان و همه اشخاصی که می خواهید آموزش و پرورش بدهید یا در بنگاه های آموزش و پرورش هستید همه دانشگاه ها ، همه مراکز تربیت ، همه مدارس قدیمی باید در آن اشخاصی باشند که آن اشخاصی که در آنجا هستند تربیت بکنند ، تربیت اخلاقی بکنند . علماً اخلاق لازم است در ، هم دانشگاه و هم در مدارس و هم در همه جا . این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد و مساجد بحمد الله اکثراً اینطوری است . اشخاصی که در مسجد می روند باید تربیت بشوند به تربیت های اسلامی . مساجد را خالی نگذارید . آنهایی که می خواهند نقشه بکشند و شما را دور کنند از مساجد ، دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت ، آنها دشمن های شما هستند . ماه مبارک نزدیک است در ماه مبارک باید به قدر چندین ماه تربیت بشود (لیله القدر خیر من الف شهر) .

مساجد را خالی نگذارید

باید در ماه مبارک تربیت و تعلیم به تمام معنا در همه بعدهایش در مساجد باشد ، در محافل دیگر

باشد . مساجد را خالی نگذارید . اینهایی که هی صحبت این را می کنند که حالا ما انقلاب کردیم برویم سراغ کارهای دیگر ، خیر انقلاب از مساجد پیدا می شود ، از مساجد اینطور امور تحقق پیدا می کند ، هم دانشگاه ها را حفظ کنید ، هم مساجد را حفظ کنید ، منافات با هم ندارد . دانشگاهی باشید مسجد هم بروید ، مساجد را هم تعمیر کنید ، مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان . انجمن های اسلامی و شما که در آموزش و پرورش هستید البته خیلی شغل گرانبهائی دارید و مسؤولیت زیاد هم دارید و من امیدوارم که همه شما و همه ملت ما راه سعادت را به پیش بگیرند و همه سعادت مند بشوند و جوان های ما از گرفتاری هائی که برایشان دارند منحرفین پیش می آورند نجات بدهد خدای تبارک و تعالی . خداوند همه شما را حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 218

پیام امام خمینی در رابطه با عدم تعرض افراد به بانوان بی حجاب

بسم الله الرحمن الرحيم

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده ای از افراد ناآگاه و احياناً ضد انقلاب ، به بانوان بی حجاب دستوری به این شرح صادر فرمودند: ممکن است تعرض به زن ها در خیابان و کوچه و بازار ، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد . از اینجهت کسی حق تعرض ندارد و اینگونه دخالت ها برای مسلمان ها حرام است و باید پلیس و کمیته ها از اینگونه جریانات جلوگیری کنند .

ص: 219

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان، افسران و درجه داران و پرسنل نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی

مقصد عالی اسلام و همه مکتب های توحیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

اولا از آقایانی که زحمت کشیدند و تشریف آوردند در این محل تنگ و زحمت زا، تشکر می کنم و توفیق و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی مسئلت دارم. وضع اسلام در همه ابعادی که دارد با وضع حکومت های دیگر بلکه با وضع ادیان دیگر آنچه که الان در دست است مغایرت دارد. در تمام دوران بشریت آنقدر که تاریخ به ما اطلاع می دهد هیچ حکومتی و هیچ دیانتی مثل دیانت اسلام و حکومت اسلام نبوده است و بعدها هم نخواهد بود. اسلام یک حقیقتی است که انسان را در تمام ابعادی که دارد، چه از بعدهای مادی و چه بعدهای معنوی تا برسد به آنجائی که آنچه در وهم تو ناید آن شود، در همه این ابعاد نظر دارد و طرح تربیتی. شما به حکومت های دنیا، غیر ادیان وقتی که نظر بکنید چه حکومت های شرق و غرب و چه حکومت هائی که در بین شرق و غرب هستند هیچ حکومتی را نمی بینید که با کیفیت بارداری زن ها کار داشته باشند، بابچه های شیرخوار کار داشته باشند، با کیفیت ازدواج که چه وقت باشد، چه وقت نباشد کار داشته باشد، با بچه های کوچکی که در دامن مادرشان هست و تکلیف پدر و مادر، با آنها کار داشته باشد، بلکه هیچ حکومتی با اخلاق افراد هم کار ندارد الا آن چیزی که به حکومت ضرر بزند. نظر حکومت هائی دنیائی این است که یک کسی مخالفت با نظم نکند، مخالف با حکومت آنها نکند، بیرون نیاید و عریده بکشد و بخواهد نظم را به هم بزند تا این حدود کار دارند آنها، اما در باطن منزل ها چه می گذرد و غیر از توطئه که این هم مربوط به نظام است این آدم در خانه خودش چه می کند ابدا کاری به این ندارد، هر کاری می خواهد بکند. آزادی که حکومت مادی به مردم می دهند غیر از آن آزادی است که حکومت های معنوی و خصوصا اسلام به جامعه می دهد. طرز حکومت اسلام با سایر حکومت ها در تشکیلات، طرز نیروهای مسلح اسلامی با سایر نیروهائی که غیر اسلامی هستند همه اینها فرق دارند. اسلام از قبل از اینکه شما ازدواج بکنید، با ازدواج شما سروکار دارد، می خواهد نتیجه این ازدواج یک انسان سالم باشد، مثل حیوانات نباشد که به طور هرج و مرج هر کاری می خواهند می کنند. از قبل از ازدواج قوانین اسلام هست که چه شخصی را زن قبول کند به ازدواج و چه زنی را مرد قبول کند برای ازدواج، اوصاف مرد، اوصاف زن، اینها در اسلام مطرح است، در هیچ حکومتی این مطرح نیست که مرد اوصافش چه باشد، زن اوصافش چه

باشد. در اسلام این مطرح است، وقت ازدواج چه وقت باشد، بعد از ازدواج چه روابطی بین زن و مرد باشد، وضع زندگی زن و مرد با هم چه جور باشد. وقتی زن و مرد با هم خلوت می کنند وقت این خلوت چه وقت باشد.

همه اینها برای این است که می خواهد، مقصد عالی اسلام و همه مکتب های توحیدی این است که انسان درست بشود، این انسان اگر چنانچه سر خود باشد و مهار نداشته باشد، از همه حیوانات درنده تر و موذی تر است. شما می بینید که این جنایاتی که الان بر بشر واقع می شود از طرف قدرت های بزرگ که به خیال خودشان اینها تربیت شده هم هستند، این جنایاتی که از طرف این دولت ها بر بشر و بر همجنس خودشان وارد می شود و در طول تاریخ از هیچ حیوان درنده ای واقع نشده است. حیوان درنده هم طعمه می خواهد آن طعمه که دستش آمد و شکمش سیر شد دیگر نمی خواهد یک عده از حیوانات را استثمار کند و تحت سلطه در می آورد. این انسان است که سیر نمی شود، این انسان است که هواهای نفسانیه اش آخر ندارد. اگر چنانچه یک مملکت را به او بدهند، دنبال یک مملکت دیگر است آن مملکت را هم که گرفت دنبال یکی دیگر است اینطور نیست که حدود داشته باشد آمال انسان، هر چه که یافت دنبال این است که آنچه را که نیافته او را هم بیابد، انسان اگر به حال خودش باشد در شهوت غیر متناهی است آمالش، و در غضب هم غیر متناهی است و در حس سلطه جوئی هم غیر متناهی است. شما گمان نکنید که اگر منظومه شمسی را تمامش را یک انسانی به دست بیاورد باز بنشیند که خوب، بس است و می گوید یک منظومه دیگری برویم ببینیم چه خبر است. شما می بینید که الان دنبال این هستند که به مناطق دیگری که غیر زمین است، به سیارات دیگر هم دست یابند اینطور نیست که اگر دست یافتند به یک سیاره ای، دنبال سیاره دیگر نباشند اینطوری انسان خلق شده است، غیر متناهی در غضب، غیر متناهی در شهوت، غیر متناهی در خودخواهی. هیچ چیز انسان را سیر نمی کند مگر اینکه تربیت بشود که با این تربیت به منتهای سیری که در این سیر آن منتها تمام چیزهایی است که انسان می خواهد و آن رسیدن به کمال مطلق، به کمال مطلق اگر رسید این طمانینه برایش حاصل می شود، اطمینان قلوب به رسیدن به خداست، به غیر او هیچ آرام نیست قلوب، خودشان هم ملتفت نیستند که این نفس توجه به کمال مطلق دارد، منتها کمال را گم می کنند، نفس انسان متوجه به این است که برسد به کمال مطلق، تشخیص اینکه این کمال است، آن کمال است اشتباه در اینجاست. یک کسی علم را کمال می داند، دنبال علم می رود، یک کسی قدرت را کمال می داند، دنبال قدرت می رود، همه اینهایی که دست و پا می زنند در دنیا، دنبال این هستند که کمال مطلق را پیدا کنند، همه دنبال این هستند خدا را پیدا کنند، متوجه نیستند خودشان.

اسلام هادی انسان های سرگردان به سوی کمال مطلق و نور

اسلام آمده است راه را نشان بدهد، سرگردانی ها را از بین می برد و راه را نشان می دهد که از این راه باید رفت، اسلام نیامده است که سلطه پیدا کند بر این مملکت و آن مملکت و آن مملکت، اصلاً

مطرح نیست پیش اسلام سلطه جوئی ، مطرح نیست پیش اسلام غلبه به یک قومی وزیر بار قرار دادن و به استعمار کشیدن آنها ، هیچ مطرح نیست پیش اسلام . اسلام اگر چنانچه ارتش دارد برای این دارد که این ارتش مردم را بیاورد برای هدایت نه ارتش برود یک جانی را بگیرد . ارتش می خواهد قلوب را جلب کند . ارتش اسلام ، اسلام آمده است که قلوب یک انسان را ، قلب های انسان را که سرگردان هستند و کمال مطلق دنبالش هستند و نمی دانند کجاست ، این سرگردان را می خواهد هدایت کند و راهنمایی کند به آن راهی که به آنجا می رسند . در قرآن و در نماز می خوانید (اهدنا الصراط المستقیم) یک راه مستقیمی هست که این راهی است که انسان را به کمال مطلق می رساند و آن سرگردانی که از برای انسان از بین می رود و بشر این راه مستقیم را اگر خودش می خواهد طی کند نمی تواند ، اطلاع در آن ندارد . خداست که اطلاع دارد بر این راه مستقیم ، یعنی آن راهی که انسان را از این آشفتگی ها و از این حیرت ها بیرون می آورد ، می فرستد او را طرف یک راهی که منتهی الیه اش خداست . ما از خدا در نمازهایمان می خواهیم که خدا هدایت کند ما را به راه مستقیم ، نه راه کج و نه راه از این طرف کج ، راست و چپ . (غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین اینها راه هایشان علیحده است و هر چه جلو بروند دور می شوند از آن مقصد . ارتش اسلام ، ارتش هدایت است ، سردارهای صدر اسلام اساتید اخلاق بودند ، کسانی بودند که مردم را در همان حالی هم که جنگ می کردند ، هدایت می کردند با اسم خدا شروع می کردند . دستور بود که تا آنها ، تا آن مقابل های ما شروع نکنند ، شما بایستید . شروع هم اینطور نبود که همانطور که آنها می خواستند اینها را مغلوب کنند و یک غنیمتی به دست بیاورند و یک کشوری را بگیرند اینها هم آنطور باشند ، خیر ، اینها می خواستند قلوب را به دست بیاورند ، ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند همانجائی که پا گذاشتند اول مسجد درست کردند ، وقتی به قاهره رسیدند اول خط کشیدند برای مسجد . و هر جا اینطور بود ، مسجد مطرح بود ، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محراب ها کوشش می کردند و پیغمبرها برای همین آمده بودند که مردم را هدایت کنند به آن راهی که می رسند به آن کمال مطلق و از این حیرت ها و از این سرگشتگی ها نجات پیدا می کنند ، برای نجات انسان است از این ظلمت طبیعت به نور ، بلکه از حجاب های نور و ظلمت برای ماورای اینها . در دعای شعبانیه می خوانید: (الهی هب لی کمال الا تقطاع الیک و انرابصار قلوبنا بضیاً نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور) ما را هدایت کن به آنجائی که دیدگان قلوب ما ، چشم های قلب ما ، حجاب های نورانی هم از بین بردارد ، به تو برسد . اسلام آمده است که انسان را از این ضلالتی که دارد ، از این حجاب هائی که دارد ، حجاب هائی که بالاتر از همه حجاب خودبینی است ، خود گنده بینی ، تا انسان یک چیزی دستش می آید یک غروری در او پیدا می شود و خودش را بزرگ می بیند ، اسلام آمده است که سرکوب کند این غرور را ، مادامی که انسان خودش را می بیند نمی تواند به آن راهی که راه هدایت است دست پیدا بکند . باید پا بگذارد روی این ، اول امر این است که پا بگذارد روی این شهوای که دارد ، هواهای نفسانیه ای که دارد .

و ارتش اسلام برای این آمده است که مردم را صید کند و قلوب آنها را به دست بگیرد، نه مردم را بخواهد جهات مادی به دست بیاورد. هیچ جنگی در دنیا که بین انبیا بوده و غیرشان، نبوده است الا اینکه می خواستند این سرکش ها را آرام کنند و این انانیت ها را بکوبند. خدای تبارک و تعالی وقتی به حضرت موسی و هارون امر می فرماید، می فرماید بروید این فرعون را نصیحت کنید شاید، شاید، به راه بیاید. مطرح این است که فرعون آنهایی که همه شان نفس فرعون دارند، خیال نکنید که یک شخصی یا یک اشخاصی بودند، فرعون بودند، انسان تا تربیت اسلامی یا ترتیب مکاتب توحید پیدا نکند، این فرعونیت در باطنش است شیطنت هم در باطنش هست، خودخواه است و اسلام برای این آمده بود که این خودخواهی هائی که مانع از رسیدن به آن هدایت مطلقند، از پیش پای مردم بردارند. در نقل است که پیغمبر اسلام دید یک عده ای را گرفتند، اسیر کردند دارند می آورند فرمود که ما باید با زنجیر اینها را به بهشت ببریم. آنقدر پیغمبر غصه می خورد به اینکه این مردم هدایت نمی شوند که خدا به او تسلیت می فرماید: (فلعلک باخع نفسک علی آثار هم ان لم یومنوا هذا الحدیث اسفا). قضیه، قضیه ایمان است نه قضیه گرفتن یک جائی و سلطه پیدا کردن به یک کشور است، قضیه این است که ایمان بیاورند. جمهوری اسلامی باید مشی اش این باشد که هدایت کند مردم را، خدا انشاءالله این منحرفینی که الان در کشور ما و در سایر کشورهای اسلامی هستند هدایت کند که اینها به راه بیایند. اسلام می خواهد که مردم بیایند در تحت لوای او و آنها را از این گرفتاری هائی که دارند و سرگشته اند و حیرانند و این ور و آن ور می زند برای پیدا کردن کمال، خودشان هم ملتفت نیستند که کمال مطلق چی هست، آمده است اینها را از این سرگردانی ها بیرون بیاورد، همه را به یک راه مستقیم هدایت کند و تا آخر برساند، چرا از این اسلام فرار می کنند؟ در اسلام هر چه هست برای صلاح حال ملت هاست، برای صلاح حال بشر است. اسلام می خواهد اینهایی که منحرف هستند اینها را برگرداند به یک راه راستی، به یک راه سلامتی، همه با هم برادر باشند، همه با هم دوست باشند، محبت داشته باشند، مثل اهل بهشت باشند که (اخوانا علی سرر متقابلین) برادرند همه، هیچ حقد و حسدی آنجا دیگر نیست، شستشو شده اند، اگر خدای نخواستہ هم جهنمی باشیم در جهنم شستشو می شود، جهنم راه بهشت است. اسلام آمده است که همه این گرفتاریهائی که در بشر هست زائل کند و همه را به راه راست و با برادری، با برابری، با خوشی اینها را ببرد، راه ببرد همانطوری که چوپان گوسفندهای خودش را راه می برد، همانطور که چوپان علاقه دارد که این گوسفند در یک جای خوبی چرا بکند، پیغمبرها می گویند غالبا یا همه چوپانی هم کردند. چرا این گروه های منحرف از آغوش اسلام کنار می روند؟ بیایند ببینند که اسلام چه می گوید و از اولی که بشر می خواهد ازدواج کند همراهش هست که این بچه ای که می خواهد از این بشر تولید بشود یک بچه خوبی باشد. بعد هم در دامن مادرش اینطور، بعد در دبستانش اینطور بالا و پایین تا آخر. اسلام می خواهد شما را هدایت کند به یک راه راستی، اسلام اینطور نیست که بخواهد به شما یک سلطه ای پیدا کند و یک آقایی بفروشد، خیر، پیغمبر اکرم که

شخص اول بود و بنیانگذار اسلام و بنیانگذار هدایت مردم، سیره اش را بروید ببینید چه جور بوده، آیا هیچ وقت سلطه جو بوده است؟ وقتی با همین اشخاصی که رفقایش بودند، دوستانش بودند دیگر سیاه و سفید و اینها مطرح نبود، نشستند همه با هم دور هم می نشستند یکی آنجا بنشیند یکی پهلویش، یکی بالا و پایین باشد این هم نبوده. از اول بنا بوده است که یک اخلاق صحیح انسانی آنکه برای انسان صالح است، آن را تربیت کنند به آن اخلاق و تربیت کنند به آن عقاید و تمام اعمالی که دستور داده اند همه اش برای این است که این را تربیت کنند، که به آن مقصدی که بر حسب فطرت دارد (فطره الله فطر الناس علیها) این فطرت توحید است فطرت خداجویی است در همه هست کافر هم که دارد می رود دنبال اینکه یک چیزی پیدا بکند خودش ملتفت نیست این دنبال کمال مطلق است این را کمال خیال کرده است. هر کس هر عملی انجام می دهد برای اینکه آن را یک چیز خوبی می داند یک کمالی داند. این دزدهای سرگردنه هم این را یک کمالی می دانند که بروند دزدی بکنند به هم فخر می کنند، همه دنبال کمالند، همه دنبال خدا هستند ملتفت نیست. بشر خداخواه هست، لکن اعوجاجات نمی گذارد، فطرت را خاموش می کند.

کسی که به خدا متمسک است از هیچ چیز نمی ترسد

شما برادران ارتشی، نیروهای دریائی که امروز اینجا تشریف آوردید بعضی هایتان توجه داشته باشید که شما امروز لشکر پیغمبر اسلام هستید، لشکر امام زمان ارواحنا فداه هستید، الان نظر دارد به شماها. نامه اعمال شما به او عرضه می شود بر حسب روایات، طوری باشد که نامه ها وقتی عرضه می شود ایشان را متأثر نکند. نیروهای ما نیروهائی باشند که مردم را بخواهند هدایت کنند به انسانیت، فرق ما بین نیروی توحیدی و طاغوتی همین است. نیروی طاغوتی می خواست تو سر مردم بزند از مردم فاصله می گرفت. توجه داشته باشید که هر چه قدرت پیدا کنید شما به اندازه محمدرضا پیدا نمی کنید و حالا او در یک بستری خوابیده است که مرگ برای او عروسی است، دنیا این است! و آنهائی که اهل معرفت خدا هستند هر چه نزدیک تر به آن عالم بشوند ابتهاجشان زیادتیر می شود، کمالشان زیادتیر می شود، کوشش کنید که ارتش اسلامی باشید، نیروی اسلامی باشید، نیروئی باشید که بخواهید با این نیروی خودتان اشخاصی هم که خلاف می کنند اینها را تربیت کنید. ضربه، ضربه تربیتی باشد (ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین) این روایتی است از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم). ضربه، یک ضربه یک دست بالا بردن و فرود آوردن و یک نفر آدم را سر آن خندق کشتن. البته از جهت سیاسی چون که این ضربه، ضربه ای بود که اسلام را از شر کفار نجات داد. ولی از آن جهت، جهت معنویش است، این دست بالا رود و پایین می آید یک وقت آدم خیال می کند منم که این کار را می کنم، من بودم که این کردم، من بودم که اینجور کردم، این شیطان است. یک وقت این را قدرت خدا می داند خودش را هیچ می داند برای خودش چیزی قائل نیست این دست را از خدا می داند شمشیر را هم از خدا می داند. هیچی ما نداشتیم، ما قبل از چند سال پیش از این هیچ بودیم آئی که ما را هست کرد

و همه چیز به ما داد و همه قدرت ها داد و زمین را به این وسعت در اختیار ما گذاشت و آسمان و زمین را در اختیار ما و برای منافع ما گذاشت خدا بود، ما خودمان که چیزی نبودیم، چیزی نداشتیم حالا هم هیچ هستیم. بفهمیم این را که ما چیزی نیستیم هر چه هست اوست. هی نگویید که فلان این کار را کرد، خیر، اینها حرف است مبدأ مطلب را پیدا کنید، آن که انجام داده کارها را، آنکه شما ملت ضعیف را غلبه داد بر یک همچو قدرتهای بزرگی، آن او بود. تا تمسک به او دارید از هیچ چیز، از هیچ آسیبی نترسید، کسی که به خدا متمسک است از هیچ چیز نمی ترسد برای اینکه آخرش این است که انسان را بکشند، آخرش شهادت است از این ترسی ندارد. جوان های ما از باب اینکه از شهادت دیگر ترسی نداشتند بلکه استقبال می کردند از شهادت، این قدرت را پیدا کردند که همه به هم دست دادند و این مملکت را نجات دادند، می خواهیم مملکت نجات پیدا کند از شرک، نجات پیدا کند از این الحادها، همه بیایند، همه با هم وارد بشوند در این مکتبی که برای خداست و شما را هدایت به روی خدا، به طرف خدا می کند، نروید این طرف و آن طرف. هیچ جا بهتر از قرآن نیست، هیچ مکتبی بالاتر از قرآن نیست. این قرآن است که هدایت می کند ما را به مقاصد عالیه ای که در باطن ذاتمان توجه به او هست و خودمان نمی دانیم. شما ارتش عزیز ایران، شما نیروهای انتظامی ایران از هر طبقه ای که هستید شما امروز، تمام نیروهای شما امروز نیروی امام زمان سلام الله علیه است. کوشش کنید که رضای او را به دست بیاورید، توجه کنید به اینکه شما الان مستخدم او هستید و همه هستیم کوشش کنیم همه که رضای او به دست بیاید که رضای او رضای خداست و اگر آن بدست آمد ما دیگر آسیب نمی بینیم و خوفی از چیزی نداریم. انشاءالله خداوند به همه شما سلامت، عزت، قدرت عنایت کند و شماها را غلبه بدهد بر شیاطینی که در باطن خودتان و خودمان هست، غلبه بدهد بر همه اشخاصی که بر ضد اسلام، بر ضد این هدایت که هدایت خودشان هم هست بر همه غلبه بدهد.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران و شهرستانها .

دشمنان اسلام مقصدشان این است که روحانیت را پیش ملت ضعیف کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان اگر بفرمایند ، من راحت تر می شوم ، بفرمایند بنشینند ، از اینکه آقایان در این هوای گرم و جای تنگ و گرم هستند معذرت می خواهم از آقایان . اینجا منزل خود شماست و من هم خدمتگزار خود آقایان . امیدوارم خدای تبارک و تعالی به همه آقایان و به همه ملت توفیق بدهد که این مشکلاتی که در پیش است با همت همه مرتفع شود .

من یک کلمه باید با علما و فضلا و ائمه جماعات و سنخ روحانیت در سطح کشور صحبت کنم ، یک کلمه هم با ملت . آن چیزی را که با آقایان روحانیون در میان می گذارم این است که شما می دانید که توطئه ها از همه اطراف هست و رو به افزایش است لکن از این توطئه هائی که منتهی به سلاح و قوای مسلح و اینها ، هیچ باکی نیست . آنها را خدای تبارک و تعالی همراهی می کند چنانچه کرد و می بینید . همین امروز هم یکی از علمای جماران آمد و قصه ای را نقل کرد که از آن قصه هم من فهمیدم که عنایت خدا با ماست . ایشان فرمودند که یک خانه ای را در ظاهر شمشیرانات این آقایانی که در کمیته بودند و پاسدارها و اینها ، به عنوان اینکه شنیده بودند اینجا قمارخانه است ، رفته بودند به عنوان اینکه در این قمارخانه را ببندند ، وقتی هم رفتند دیدند که بله بساط قمار و مشروبات و اینها هم هست یکی از پاسدارها رفته است پشت آنجا که برود ببیند اینجا چه خبر است ، یک سگی همچو حمله کرده به او که او را وادار کرده که برود در زیر زمین ، وقتی رفته در زیر زمین دیده یک مقدار زیادی اسلحه و امثال ذلک زیاد هست که شاید بعد در رادیو و اینها اطلاع بدهند به ملت . گفتم به آن آقا با هدایت سگ این واقع شده . این سگ مامور است ، همه عالم مامورند . آن روز باد و شن مامور بود امروز هم در این قصه سگ مامور بوده است که این پاسبان را ملزم کند که برود کشف بکند . از این امور خوفی نداشته باشید ، ملت ما هم از این امر خوف نداشته باشند و حماقت مال اینهائی است که در عین حالی که دیدند که آن رأسشان با آنهمه قدرت که در دست داشت بالفعل و با آنهمه پشتوانه هائی که از همه گروه های خارج و داخل داشت . در مقابل ملت و در مقابل تایید خدای تبارک و تعالی از ملت ما ، نتوانست کاری بکند . حالا که آنها رفتند و رو به جهنمند ، این عده بیچاره ای که برای خاطر یک دنیای کمی ، فانی ، می خواهند توطئه بکنند و آن هم اینطور توطئه ای که معلوم است که اگر چنانچه موفق به کشفش هم

نشده بودیم و قیام هم کرده بودند ، خفه می کردند آنها را ، این خوفی ندارد . آن توطئه هائی که از اول نهضت یعنی پیروزی ما ، پیروزی شما شروع شده است و باز هم در کار است ، آن را باید آقایان توجه به آن داشته باشند . اینها از همه فرصت ها و از همه ابعاد می خواهند استفاده بکنند ، مثلا یکی از مسائلی که دست خارج در آن هست و شیاطین داخلی ، این است که انتظامات را وارد کنند که محفوظ نباشد و به هم بخورد . در کمیته ها ، در انجمن اسلامی که در همه سطح کشور هست و در دادگاه ها و پیش پاسدارها و پاسبان ها و قوای مسلح دیگر یک جور تزریقاتی می شود که نتیجه آن تزریقات و تبلیغات این است که انسجام ملت را از دستش بگیرد و ملت ما را معرفی کند به دنیا که اینها اصلا تحت هیچ نظامی نیستند ، اینها نظام ندارند ، اینها حکومت جنگلی دارند تا اینکه مصحح پیدا بشود پیش ابر قدرت ها برای اینکه یک (ولی) ای برای ما بفرستند . داخل را به هم می زنند ، انجمن های اسلامی یک کارهائی مثلا گاهی بچه هایشان ، جوان هایشان انجام می دهند که موجب به هم ریخته شدن اوضاع است یا کمیته ها ، سر تا سر کشور بعضی از جاها که بعضی اشخاص درشان نفوذ کرده است و ادار می کنند که آنها هم یک کارهائی بکنند که موجب یک اختلالی بشود در نظم . جهاد سازندگی هم اشخاصی در آن نفوذ کرده و می کنند که آنها هم کاری انجام بدهند که مردم را از خودشان متنفر کنند و در دادگاه ها هم گاهی بعضی اشتباهاتی می شود که آن هم موجب نارضایتی است . اینها می خواهند شما را ، مقصدشان این است که روحانیت را پیش ملت ضعیف کنند و انسجام بین این قوایی که باید باشد و انتظامی که باید در یک مملکتی برای اداره اش باشد ، این انسجام را به هم بزنند و فرض کنید که هر چه قدرت هم داشته باشند قوای انتظامی و مسلح ، اگر منسجم نباشند کاری ازشان نمی آید . تا سپاه پاسداران ، ژاندارمری ، ارتش ، شهربانی و سایر قوای مسلح باهم منسجم نباشند و همه از یک راه نروند ، نمی توانند یک توطئه هائی که هست و ممکن است یک وقت واقع بشود نمی توانند آن را خنثی کنند و خفه کنند . چنانچه اگر بین روحانیون ، تمام طبقاتی که روحانیت شامل آنهاست از علما و فقها ، از محصلین ، از خطبا ، ائمه جماعات ، همه ، اینها اگر چنانچه آن وظایفی که محول به خودشان است آن وظایف را فراموش کنند و یک راه دیگری که محول به آنها نیست بروند ، این هم یک خلاف نظمی است و این خلاف نظم موجب این می شود که اولاً شما را در بین ملت یک جور دیگری غیر از آنکه واقعیت هست معرفی کنند و ملت را از شماها کم کم جدا کنند . همین مسأله ای که در اوایلی که رضا خان آمد و کودتا کرد و بعد مستقر شد ، همان برنامه ها دارد حالا شروع می شود . این خطاب من به همه علما و تمام روحانیون به کلمه عام و به همه ملت است . اگر چنانچه با هشیاری و با توجه کامل و تفکر کامل توجه نکنند به این توطئه ، این موجب این می شود که ملت و روحانیت از هم جدا بشوند و روحانیت نتواند آن کاری که به عهده اوست انجام بدهد و اگر چنانچه یک وقتی آنها فرصت کنند ، از همین معنا ، از جدا شدن ملت از روحانیت استفاده کنند و کارهای سابق را اعاده کنند ، همان نقشه ای که من خوب یادم هست که در زمان رضاخان بود و آن نمایش دادن روحانیت به یک صورت غیر صحیح و جدا کردن مردم از روحانیت . در اوایل زمان رضاخان که قدرتش مستقر شد یکی

از اموری که او انجام داد همین بود که روحانیت را در بین مردم هی کم کم می خواست از بین ببرد. از شوفرها شروع کرده بودند، در آن زمان شوفرها یک آلت دستی بودند که یکی از علما برای من نقل کرد (خدا رحمتش کند) که من در اراک بودم و می خواستم بیایم به تهران یا قم، اتومبیل به من اجاره نمی دادند و آن شوفر گفت که ما به دو طایفه بنا داریم که اتومبیل کرایه ندهیم و آنها را سوار نکنیم، یکی فواحش و یکی معمم. این از دست شوفرها در آن زمان. حالا هم من نمی دانم چه جوری است که باز شوفرها را کشیدند در کار با اینکه شوفرها حالا غیر آنوقت هستند، البته حالا هم متعهدند اکثرا انشاءالله لکن بعضی از آنها شروع کردند، تبلیغاتی در آنها شده است، یک دسته بندی هائی شده است که حالا هم اهل علم را بعضی از شوفرها سوار نمی کنند. این همان توطئه ای است که از اول انگلیس ها درست کرده بودند و حالا هم عمال همه قدرت هائی که با شما مخالفند. شما یک توجه باید داشته باشید و ملت هم یک توجه. توجه شما این است که از حدود وظایف شرعیه خودتان و روحانی تجاوز نکنید.

ضرورت حضور فعال روحانیون در صحنه سیاست همراه با حفظ حوزه فقاقت

روحانیون همه، ملت همه باید حاضر باشند در مسائل سیاسی، حضور داشته باشند. اینکه بعضی از عناصر حالا هم گاهی می گویند که روحانیون بروند توی مجلس ها، توی مدرسه های خودشان و مشغول کارشان باشند و ماها باید وارد این کارها باشیم، این یا از بی توجهی به عمق مسائل است که من باید بگویم بعضی شان بی توجه هستند و یا اینکه عمال همان ها هستند که در زمان رضاخان یک همچو کارهائی را می کردند و در طول تاریخ تقریباً حدود سیصد سال اینقدر تزریق کردند بر این ملت و بر خود روحانیون که شما نباید در سیاست دخالت بکنید که خود آقایان هم باورشان آمده بود. اگر یک مطلبی مثلاً راجع به یک امر سیاسی که به نفع ملت بود اینها می خواستند دخالت بکنند، یک قشر از خود روحانیت می گفتند این یک امر سیاسی است به ما چه. خودشان را کنار کشیده بودند یعنی کنارشان زده بودند اینها را، باورشان آورده بودند که روحانیون باید فقط بروند مسأله بگویند آن هم بعضی مسائل، نه همه مسائل. مسائل اگر همه اش باشد که بیشتر کتب فقه، کتب سیاست است لکن باورشان آمده بود این، مردم هم این را باور کرده بودند و این تبلیغاتی بود که از آنوقتی که پای غربی ها باز شد در ایران، مطالعاتشان را کردند، به آنجا رسید که این جمعیت خطرناکند و باید اینها را کنار زد و مشغول به خودشان کرد و ملت را هم باید از اینها جدا کرد، اگر یکی از اینها بخواهد وارد بشود در یک امر سیاسی، ملت با اینها موافقت نکند برای اینکه امر سیاسی است به شما چه. در عین حالی که باید همه قشرهای ملت و خصوصاً روحانیت حاضر باشند در سیاست کشور و توجه داشته باشند به مسائلی که در کشور می گذرد، چه در مجلس و چه در دولت و دیگران، در عین حال باید آن شغلی را که دارند از آن دست بر ندارند، گمان نکنند به اینکه ما باید، (آنوقت این گمان بود) که ما هیچ نباید دخالت بکنیم حالا این باشد که ما شغلیمان فقط دخالت است. خیر، در آنوقت هم این کار صحیح نبوده برای ما و شما، حالا هم این کار صحیح نیست. شما باید پست های خودتان را محکم نگه دارید، ائمه جماعت باید

این مساجد را محکم نگه دارند و خطبا باید منابر را محکم نگه دارند و فقه را در حوزه های علمیه مثل قم و مشهد و امثال اینها و همین طور نجف باید فقاهت را حفظ کنند. حوزه ها باید حوزه فقاهت باشد. این حوزه های فقاهت بوده است که هزار و چند سال این اسلام را نگه داشته است. این مشی ای بوده است که از زمان قدیم، از زمان ائمه هدی تا زمان ما، مشی ای بوده است که علماً ما داشته اند و آن حفظ فقاهت. نباید حالا شما فکر کنید که حالا که باید امور سیاست هم ما دخالت بکنیم پس به فقاهت کار نداشته باشیم، خیر، باید حوزه های فقاهت به فقه خودشان به همان ترتیبی که سابق بود هیچ تخطی نکنید، به همان ترتیبی که سابق تحصیل می کردید فقه و مقدمات فقه را، محکم فقاهت را حفظ کنند و ائمه جماعت محکم مساجد خودشان را و ارشاد ملت را حفظ کنند و خطبای ملت هم باید منابر خودشان را و موعظه های خودشان را و ارشاد خودشان را حفظ کنند و در عین حال مراقب اوضاع مملکت خودشان باشند، چنانچه اهل بازار باید بازار خودشان را حفظ کنند لکن مراقب باشند. اینطور نباشد که ما یک وقت خدای نخواستہ از آن اصلی که اساس حفظ اسلام است رو بر گردان بشویم و حوزه ها به فقاهت کم توجه بشوند. این فقها هستند که حصون اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را. باید حوزه عنایتشان به فقه و فقاهت از همه چیز بیشتر باشد. اگر حوزه فقاهت خدای نخواستہ از بین برود یا سست بشود، رابطه ما بین فقها و ملت قطع می شود، این حوزه فقاهت است که رابطه را محفوظ نگه داشته است. اگر یک اشخاصی آمدند در حوزه ها و پیشنهاد کردند که فقه لازم نیست مثلاً- به این طول و تفصیل باشد و فلان و بیائیم یک چیزهای دیگر را هم چه بکنیم، اینها اشتباه می کنند یا مامورند. فقه به همان قوت اولیه باید باقی باشد. حوزه های فقاهت، هم فقاهت را داشتند و هم یک جمعی هم معقول و سایر علوم را تحصیل می کردند. علماً اخلاق بودند در حوزه ها که مردم را و علما را و اهل علم را دعوت به مسائل اخلاقی می کردند، اهل معنویت و عرفان بودند که اشخاصی را دعوت می کردند به آنطور و کارهای خودشان را انجام می دادند، لکن فقاهت که اساس است سر جای خودش بود و باید باشد و مسجدها را باید محکم آقایان بگیرند و نگهش دارند. دلسرد نشوید از حرف هائی- را- که این عمال خارجی در بین مردم منتشر می کنند. باید در عین حالی که حضور دارید در صحنه سیاست و هر واقعه ای که واقع می شود شما توجه باید داشته باشید که این واقعه آیا به نفع ملت است یا نه، لکن حوزه های فقاهت را به همان قوت خودش حفظ کنید. این فقه هست که اسلام را حفظ کرده و تا آخر حفظ می کند انشاءالله. و از این شغلی که دارید و از این راهی که دارید منحرف نشوید و بروید یک کارهائی که شما نباید بکنید، مثلاً یک معمومی چهار تا هم پاسدار داشته باشد و یا هر کاری دلش می خواهد بکند، یک کسی هم یک کمیته درست کند و چند تا پاسبان و هر کاری می خواهد بکند. اینها یک طرحی است که ریخته اند برای اینکه شما را از صحنه خارج کنند، وارد یک صحنه ای می کنند که شما را بکلی خارج کنند، همچو می کنند که هی بیایند فریاد بزنند که امان از این آخوندها که در کمیته ها هستند و در دادگاه ها هستند و اینها که حتی آنها اگر دو تا، سه تا قضیه برخلاف واقع شد آنها هم که قضایای زیاد است و صحیح واقع می شود، پایمال می کند. باید در عین حالی که هر کسی به شغل

خودش باید مشغول باشد و هر کسی باید همان کاری که دارد خوب انجام بدهد لکن حاضر باشد در مملکت و غایب نباشد از سیاستی که در مملکت می گذرد، توجه داشته باشد که اگر یک وقت مثلاً یک جمعیتی یا یک فردی، یا حکومتی پایش را کج گذاشت، همه اعتراض کنند و نگذارند که واقع بشود، یا یک افراد غیر صحیحی را اگر چنانچه در ماموریت هائی گذاشتند و آقایان و علماً بلاد می دانند که این فاسد است خودشان نروند سراغش، اطلاع بدهند به آنجاهائی که باید اینها را تغییر بدهند و از آنها بخواهند که تغییر بدهند. اگر خودشان بروند، ولو یک آدم فاسدی را خود آقایان بفرستند یا بروند و آن فاسد را از آنجا بیرون کنند، این موجب وهم می شود برای اهل علم، اینها باید ارشاد کنند دولت را، ارشاد کنند به اینکه این ماموری که اینجا فرستادی اشتباه بوده است و دولت را وادار کنند، مجلس را وادار کنند تا اینکه اصلاح بشود. خودشان اگر بخواهند مستقیماً دخالت بکنند، موجب این می شود که در بین مردم موهوم بشوند و شما حفظ حیثیت خودتان برایتان واجب است. هر مومنی حفظ عرض خودش برایش واجب است لکن علماً بیشتر مامورند به این امور، حجت بر علما تمامتر است. این وظیفه ماهاست که باید هر کسی شغل خودش را محترم بشمارد، دلسرد نشود امام جماعت از جماعتش، اهل منبر از منبرش و عرض می کنم که مراجع از مرجعیتشان، علماً بلاد از مسائلی که خودشان دارند. اینها باید حفظ کنند آن چیزهائی که مال خودشان است و حاضر باشند برای امور سیاسی.

مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود

و آئی که به ملت عرض می کنم این است که توجه داشته باشد ملت که دشمن های اسلام و دشمن های کشور شما از هر راهی استفاده می خواهند بکنند. این راه هائی که خوب، دیده اید که واضح است که توطئه بکنند و مثلاً شلوغی ها بکنند و فسادها بکنند، اینها را که می دانید، راه دیگری که الان در نظر آنهاست این است که این مراکزی که مربوط به ربط روحانیت و ملت است، این مراکز را سست بکنند و کم کم از بین ببرند، و سوسه کنند به اینکه این آخوندها که از آنها کاری نمی آید، روید توی مسجد چه کنید؟ بروید راهپیمائی کنید. خوب، راهپیمائی سرجای خودش اما مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند، اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است. ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد، چه داعی داریم که بیائیم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را می کنیم و شما، شما ملت برای اسلام قیام کردید و برای اسلام اینهمه زحمت کشیدید و دارید می کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه اسلام است و آن مساجد است، اینها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می خواهند مسجدها را کم کم خالی کنند. یک چهار نفر آدمی که معلوم نیست اصلاً به مسجد و به اسلام و به اینها اعتقادی داشته باشد یا معلوم

است که ندارد، امام جماعت ایستاده آنجا نماز می خواهد بخواند اینها هم چند نفر بر می دارد می آید آن طرف یکی شان می ایستند جلو، باقی شان نماز می خوانند، این نماز نیست، با این نماز می خواهند اسلام را بشکنند. روحانیون باید حفظ حیثیت خودشان را بکنند و خدای نخواستہ کاری نکنند و خدای نخواستہ کاری نکنند که بین ملت یک طور دیگری وجهه روحانیت نمایش داده بشود و مردم موظفند که مساجد خودشان را، مراکزی که مربوط به روحانیت است حفظ کنند. همان نقشه زمان رضاخان الان شروع شده است. آنوقت هم یکی یکی آمدند، کم کم، کم کم آمدند وارد شدند، شعر، ایشان شروع کرد شعر گفتن: (تا آخوند و قجر هست در این مملکت، این کشور دارا به جانی نمی رسد) شاعرشان اینطور می گفت. حالا من شعرش را نمی خواهم بخوانم. مقالاتی که می نوشتند مقالاتی بود که به ضد روحانیت بود و آنوقت با کمال وقاحت می نوشتند و تبلیغات می کردند، همه گروه ها را وادار کرده بودند که به ضد این طایفه انجام وظایف خودشان را بدهند یعنی وظایف انگلیس ها را آنوقت. اصلاً رضاخان را آورده بودند برای اینکه این را تشخیص داده بودند که یک آدم قلدری است و اول هم یک نفر روزنامه نویس را، سید ضیاء را همراهش آوردند و بعد هم او را بیرونش کردند و خود این را گذاشتند که یک آدم قلدری است می تواند کارها را انجام بدهد. اولاً سواد ندارد، چیزهای سیاسی را نمی داند و ثانیاً آدم قلدری است هر کاری به او بگویند می کند. این در آنوقت این نقشه ای که آنها کشیده بودند و احتیاط این بود که مبادا آخوندها یک کاری بکنند، حالا که دیدند آخوندها با دعوت خودشان و با همراهی همه قشرهای ملت از دانشگاه گرفته تا بازار تا کارگر و تا کشاورز، همه اینها با هم بودند و یک همچو کار بزرگی را کردند، حالا بیشتر از آنوقت درصدد هستند. اگر آنوقت یک طرحی بود برای اینکه مبادا یک همچو چیزی بشود، حالا فهمیدند که یک همچو چیزهائی می شود. حالا فهمیدند که اگر چنانچه آخوند و دانشگاهی و دیگر قشرها با هم باشند یک همچو کار بزرگی، یک همچو کارهای بزرگی می کنند. حالا بیشتر درصدد هستند که ملت را از این طایفه جدا کنند و دانشگاه را از مدرسه جدا کنند و بلکه همه قشرها را با هم بدبین کنند و به جان هم بیندازند.

همه اقشار ملت برای حفظ اسلام آماده و مجهز باشند

امروز وظیفه هست برای همه ما، ملت ما باید این وظیفه را انجام بدهد. امروز روزی است که قدرت های بزرگ با توطئه های داخل و خارج می خواهند این نهضت را بکلی به هم بزنند و اسلام را که الان از آن ضربه دیدند زیر پا بگذارند و قطع کنند ریشه های او را. امروز همه اهالی مملکت ما و کشور ما باید به حال آماده باش باشند. نروید سراغ زمین و... نمی دانم... این چیزهائی که مال دنیاست، اینقدر دنبال این چیزها نروید شما باید اسلام را حفظ کنید، در پناه اسلام همه این چیزها را هم داشته باشید. اگر اسلام را از دست شما بگیرند، خیال نکنید که اسلام را که گرفتند یک ملتی می گذارند و یک ملیتی که این آقایان ملت گراها، هی دهن خودشان را پر می کنند، ملت، ملت! اگر اسلام را از دست شما گرفتند و آخوند و ملت را جدا کردند، شما چهار نفر ملی نمی توانید هیچ کاری بکنید، اگر بین شما

امثال بختیار نباشد و حال اینکه ممکن است باشد. اینقدر تفرقه ایجاد نکنید ای آقایان نویسندگان! اینقدر تضعیف نکنید روحانیت را ای آقایان روشنفکران! اینقدر مملکت را از این طرف به آن طرف نکشید تا اینکه خدای نخواستہ بیایند همه تان را عذرتان را بخواهند. با هم باشید، آماده باشید، ملت باید آماده باشد برای این اموری که دارد پیش می آید که آن روزی که خدای نخواستہ فرض کنید فانتوم آنها آمد و اینجا را خراب کرد و من هم رفتم سراغ کارم، ملت دستش باز و با مشت محکم حفظ بکند اسلام را. روحانی، بازاری کارگر، کشاورز، کارمند، قوای مسلح، همه باید حال آماده باش داشته باشند ما اگر حالا در بین راه که هستیم و اینهمه توطئه الان هست، اگر فراموش کنیم نهضت را، اگر فراموش کنیم انقلاب را و برویم سراغ کارمان، هر کدام برویم سراغ شغلی که داریم و حاضر نباشیم در صحنه سیاست و خودمان را مجهز نکنیم برای حفظ این مملکت اسلامی و حفظ اسلام، خدای نخواستہ یک وقت به کارهای بد خواهد رسید و ممکن است که البته نمی توانند انشاءالله که کاری انجام بدهند، لکن تاخیر می توانند بیندازند. شما ببینید که الان هر کاری که می خواست در این مملکت انجام بگیرد، یک جبهه هائی در مقابلش ایستاد که نگذارد، شلوغکاری کردند لکن نتوانستند. من نمی گویم که می توانند، نمی توانند. اگر این فانتوم ها هم بلند شده بود که اینها می خواستند چه بکنند، پدر اینها را در می آوردند.

مگر ملت ما حالا دیگر نشسته آنجا که یک فانتوم و دو فانتوم کاری انجام بدهد. این احمق ها نفهمیدند این را که با چهار تا مثلا سرباز (سربازها که با اینها موافق نیستند) با چهار نفر از این درجه داران مثلا و امثال اینها نمی شود یک مملکت سی و پنج میلیونی که همه مجهز هستند، اینها بتوانند فتح کنند. اینها غلط فکر کردند، اینها نفهمیدند که شوروی با همه قدرتی که دارد و با همه ابزاری که دارد و با همه سلاح های مدرنی که دارد، در افغانستان پوزه اش به خاک مالیده شده است. در عین حالی که (حضار: توطئه چپ و راست کوبنده اش روح الله هست) (امام: صبر کنید، صبر کنید خواهش می کنم، شماها کوبنده هستید، روح الله کی هست) اینها یک حماقتی است منتها بعضی جوان ها، بیچاره ها، نفهم ها اینها را وادار می کنند یک همچو کاری بکنند، یک همچو کارهائی که همین دو، سه روز مثلا بود. خوب، اینها نمی فهمند که اگر چنانچه فرضا هم شما از پایگاه همدان پا شده بودید و آمده بودید و فرض کنید چند تا جا هم کوبیده بودید، شما بالاخره باید زمین هم بیائید یا همان آسمان می مانید؟ ما از این امور نمی ترسیم ما از قشرهای خودمان می ترسیم، از خودمان. اگر چنانچه شما آقایان و همپالگی های شما، صنف روحانیت همه (ایدهم الله تعالی) اگر چنانچه کارهائی خدای نخواستہ انجام بدهید که از چشم ملت بیفتید، ولو در دراز مدت، آن روز است که فانتوم لازم نیست دیگر، خود ملت شما را کنار می زند و ملت هم بی هادی نمی تواند کاری انجام بدهد و آنها ولو حالا تهیه برای چندین سال دیگر هم باشد کار خودشان را آنوقت می توانند انجام بدهند. من خوفم این است که ما نتوانیم، روحانیت نتواند آن چیزی که به عهده اوست صحیح انجام بدهد. من خوف این را دارم که به واسطه بعضی تبلیغات، حوزه های علمی از آن کار اساسی که حفظ فقاہت است سستی بکنند و کم کم فقه منسی بشود و در دراز مدت اینها نتیجه بگیرند. شما این را خیال نکنید که آنها خیلی

دستپاچه اند که همین دو، سه روز این کارها را انجام بدهند، اگر توانستند، حالا، اگر نتوانستند نقشه می کشند که در پنجاه سال دیگری کار خودشان را انجام بدهند، دست بر نمی دارند. و از نقشه های مهم همین است که قشرهای ملت را از هم جدا کنند و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند. اینها ضربه ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند برای اینکه ضربه را می گویند که دیگران هم که زدند به ما، اینها وادارشان کردند، مسجدها مردم را وادار کرد، پس باید مسجدها را ما شروع کنیم بشکنیم. اینکه می آیند مسجدها را می خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان ها و متدینین ما هم اشتباها به خطا می روند، این است که مسجدها کم کم امسال یک قدری ماه رمضان کمتر باشد، سال دیگر یک خرده کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آنها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد. شما باید هشیار باشید که مسجد هایتان و محراب هایتان و منبر هایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمائی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این مرکز معجزه، نه رها کنید او را شمائی که از اسلام یک همچو معجزه ای دیدید که همه قدرت ها را به هم شکست، نه فقط ابر قدرت ها را، قدرت های دیگر را هم به هم شکست، شمائی که از، ملت ما که از اسلام این معجزه را دارد نباید در اسلام سستی کند. فرضاً چهار نفر پاسبان هم، پاسدار هم یک خلاقی کردند لکن همین پاسدارها هستند که _ این _ کشف کردند این توطئه را، چرا قدر اینها را نمی دانید؟ چرا اگر یکی شان یک جائی خلاف کرد می گوئید پاسدارها اینجور؟ یک آقائی یک کاری، یک آخوندی یک کاری کرد، یک شخصی یک کاری کرد، می گویند آخوندها اینطور. این همان نقشه است که پاسدار را و ارتش و ژاندارمری را و قوای مسلح را و شما را از هم جدا کند و از چشم ملت بیندازد تا آنها وقتی کاری می خواهند بکنند نه قوه روحانی در کار باشد که مردم را هدایت کند و بسیج کند و نه قوای مسلح باشند که کاری انجام بدهند، همه را مقابل هم نگه دارند.

امروز، روزی است که باید تمام قدرت ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند که اگر نظام به هم بخورد، وضعیت به هم می خورد و همه خودشان را فدایی اسلام بدانند و در هر جا هستند آماده باشند برای وقتی که شب فرض کنید آمدند و بمباران کردند، آماده باشند که بیایند بیرون و اینهایی که بعد از اینکه بنزین هایشان تمام شد باید بیایند پائین، قتل عامشان کنند. اگر شما مهیا باشید نروید سراغ _ هر کسی نرود سراغ _ اختلافاتی که خودشان دارند با هم، شما بین راه هستید اختلاف ها را کنار بگذارید یک روزی برای اختلافات هم _ اگر خدای نخواستہ بخواهید اختلاف کنید _ هست باز، امروز، روزش نیست، امروز، روزی نیست که انجمن های اسلامی انتظامات را خدای نخواستہ به هم بزنند یا فرض کنید پاسدارها به هم بزنند یا ژاندارمری به هم بزنند. همه هماهنگ باشید. اگر هم با هم یک حساب هائی دارید، بگذارید کنار این حساب ها را، شما اگر دو نفر باشید با هم یک نزاعی داشته باشید و خدای نخواستہ زلزله بیاید، شما باز می نشینید آنجا به اختلاف؟! نه، رها می کنید و پا می شوید سراغ دفاع از خودتان. این ابر قدرت ها در ایران زلزله راه انداختند نروید سراغ کارهای خصوصی خودتان و اختلافاتی که خودتان با هم دارید، نروید سراغ این، مجهز باشید. _ اگر _ مجهز باشید، همانطوری

که در اوایل انقلاب بودید ، حالا هم باشید و مسجدها را محکم نگه دارد و پر جمعیت کنید .

من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان ها ، حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است . ماه مبارک رمضان و بعد از ماه مبارک رمضان هم ، مسجدها را آباد کنید . من در مکه که مشرف بودم یک روز می خواستم یک کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت ، ایستاده بودم ، اذان گفتند یکدفعه رها کرد گفت که : (سنة الحنفیه) دیگر با من حرف نزد رفت سراغ نماز ، در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود ، یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود ، می رفتند سراغ نماز ، چرا شما نمی روید سراغ نماز ؟ چرا ظهر که می شود بازار را رها نمی کنید که بروید سراغ نماز ؟ اگر بروید سراغ نماز ، احیاً کنید این سنت سیاسی اسلام را ، همانطوری که در روز جمعه حالا بحمدالله می روید ، روز غیر جمعه هم بروید مساجد را پر کنید . اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتوم نداشته باشید ، ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید . آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام ، پشت کنید به مساجد .

انشأالله خداوند همه شما را موفق و موید کند و اسلام و مسلمین را حفظ کند و دست اجانب را کوتاه کند از این کشور .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 234

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جامعه زنان انقلاب اسلامی منطقه شمیرانو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کودتا در یک کشوری واقع می شود که حکومت آن جدای از مردم باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

از خانم ها و آقایان تشکر می کنم که در این موقع که نزدیک ماه مبارک رمضان است در اینجا اجتماع کردند و ما با چند کلمه ای از آنها هم قدردانی می کنیم و هم بعضی مسائل را در میان می گذاریم و هم راجع به ماه مبارک رمضان چند کلمه عرض می کنیم . این اشتباه است که مخالفین جمهوری اسلامی درصدد برآمده اند برای این کارهای بچه گانه و شرارت مآبانه . اینها مقایسه کرده اند جمهوری اسلامی ایران را به حکومت های دیگر که گاهی حکومتی می آید و یک حزبی یا یک فرد ارتشی ای با یک عده قیام می کند و آن حکومت را از بین می برد و یک حکومتی به جای او می نشانند یا یک رژیم را از بین می برد یک رژیم دیگری می آورد . اینها مقایسه حکومت اسلام را و نهضت اسلامی را با سایر نظام ها و با سایر حکومت ها عوضی گرفتند و لهذا هم گروه هائی که توجه ندارند به عمق این انقلاب و هم بعضی از افراد سیاسی و ارتشی و اینهائی که به خیال خودشان می خواستند که در این سفره هم مثل سفره قبل یک حظ وافری داشته باشند و دستشان در دزدی و در کارهای خلاف باز باشد و حالا امیدشان کم کم دارد قطع می شود دست به یک همچو کارهائی می زنند بدون توجه به عمق مسائل . کودتا در یک کشوری که واقع می شود آن کشوری است که یک حکومتی دارد و جدای از مردم و مردم هیچ کاری به آن حکومت ندارند یا ناراضی هستند که غالبا هم ناراضی هستند . اینجا یک تضاد و تعارضی بین سران کشور و حزب ها مثلا یا صاحب منصب های لشکری یا اشخاص سیاسی کشور واقع می شود و ملت حضور ندارند در آنجا ، اینها حضور ملت را نمی فهمند یعنی چه ، یا می فهمند و از بس که حب جاه دارند و حب مال دارند دست و پا می زنند که شاید ، شاید در یکصد احتمال یکی بتوانیم . اینها نمی دانند که فرق است ما بین قیام های سیاسی ، قیام های ملی ، قیام هائی که برای آمال دنیایی است با این نهضت اسلامی . نهضت اسلامی ایران ابدانه ملیت و ملیت گرایی خصوصا به آن معنای فاسدش در آن دخالت داشت و دارد و نه احزاب سیاسی و طبقه روشنفکر و این مسائلی که در سایر جاها هست ، این نهضت از نفس توده مردم ، از نفس توده زن و مرد مردم بلند شد و به همانطور که مردها وارد میدان بودند بانوان محترم هم وارد بودند بلکه حظ اینها و زحمات اینها بیشتر از مردها باید گفت بود برای اینکه وقتی که بانوان می آیند در میدان ، قوه مردها دو چندان می شود یا ده چندان می شود ، مردها

نمی توانند ببینند که خانم ها در میدان آمده اند و آنها کنار بروند . یک توده مسلم ، یک سی و پنج میلیون جمعیت _ به استثنای چند صد تا آدم های منحرف _ مؤمن به خدا ، مؤمن به اسلام ، مؤمن به قرآن کریم ، یک سی و پنج میلیون همصدا ، با ایمان به خدا و قرآن کریم برخاستند از جا . در هر خانه ای بروید می بینید که همان مسائل نهضت هست تمام حرف هائی که بیشتر بین خانم ها هم با هم در مجالس بوده است به طوری که من اطلاع پیدا کرده ام یا مردها در مجالسشان بوده تمام آن مسائل برگشت یکدفعه به مسائل سیاسی . تمام طبقات کشور ، زن و مرد و بزرگ و کوچک یکوقت مسائلشان برگشت به مسائل سیاسی ، حتی گاهی بعضی بچه های کوچکی که در منزل ما هم می آیند گاهی اینها هم وقتی که بازی می کنند بازی سیاسی می کنند یکی شان نقش رئیس جمهور را ، یکی شان نقش مثلاً یکی دیگر را همین طوری . یک همچو واقعه ای که در ایران واقع شد این عمقش را باید این اشخاص که نظر دارند بفهمند قضیه چیست ؟ در چه موقع بود در طول این پنجاه سالی که خوب ، بسیاری یادشان هست یا ده ، بیست سالی که همه تان یا اکثرتان یادتان هست چه وقت بود که همانطوری که مردها وارد در میدان نبرد بودند ، زن ها هم وارد بودند ، زن ها هم جلو می افتادند ، زن هم بچه های کوچکشان را به آغوش می کشیدند و اگر دو تا بود یکی اش هم دستش را می گرفتند و وارد می شدند در تظاهرات و در مقابل این توپ و تانک و امثال اینها . چه وقت در ایران شماها و ما یادمان هست که اینطور انسجام باشد بین گروه های مختلف ملت و اینطور در امور کشوری و سیاسی همه حضور داشته باشند . اگر یک وقتی یک قصه ای هم در کشور واقع می شد حتی مردها هم ، یک محله تهران اصلاً مطلع از این چیزها نمی شدند خانم ها هم بی تفاوت بودند ، مردم هم بی تفاوت بودند ، آنها هم که مطلع می شدند بی تفاوت بودند . این حضوری که الان تمام قشرهای ملت دارند این حضور هیچ وقت نبوده است . همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می دانند ، اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد اینطور نیست که بی تفاوت باشند ، مردم کار نداشته باشند ، خانم ها هم مشغول کار دیگری باشند خیر ، اینجور نیست . حالا شما خانم ها که خداوند تاییدتان کند و شما پاسدارها که خداوند همه تان را تایید کند با هم حاضرید در صحنه . این اشخاصی که خیال کردند که یک کودتائی بکنیم و یک چند نفر را بکشیم و یک مثلاً جاهائی را بگوییم اینها خیال می کنند که یک جاست مرکز ، یک محله است مرکز یا چند محله است مرکز یا چند محله است مرکز . اگر فرض کنید آن محل ، آن محل کوبیده بشود همانطوری که در کودتاهای دیگر وقتی آن رأس را کوبیدند دیگر ، دیگران کم کار داشتند یا کار نداشتند حالا هم اینطوری است ، حالا همه خانه ها مرکز است ، همه افراد ملت ما سپاه اسلام هستند . مساله ، مساله عقیدتی است نه مساله مادی . خانم ها برای اینکه یک چیزی مثلاً دستشان بیاید یا یک فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی آیند بیرون خودشان و بچه هایشان را به کشتن بدهند ، این اسلام و قرآن است که خانم ها را آورده است بیرون و همدوش مردها بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرده . همه خانه های این ملت خانه امید ماست . اینها گمان می کنند با کوبیدن یک خانه یک نفر را یا صد نفر را یا یک دویست ، پانصد نفر را کشته کارها تمام است . مرد و زن این کشور همه پاسدار اسلام هستند ، مساله ،

مسأله عقیده است نه مسأله ، مسأله مادیت و به دست آوردن یک چیزی تا اینکه بیائید بگوئید که خوب ، وقتی نمی شود دیگر برویم کنار ، خیر مسأله عقیده است ، دفاع از اسلام ، تا آن آخر فردی که زنده است باید دفاع بکند یا سی و پنج میلیون جمعیت باید از بین بروند ، کشوری دیگر نیست تا اینکه کودتائی باشد و هرگز نخواهد اینطور شد ، اینها اشتباه دارند ، نمی فهمند . هی روشنفکرهایشان دعوی فهم و سیاست می کنند و عرض می کنم که جبهه های این طرف ، آن طرفشان هی ادعای این مسائل را می کنند و ارتشی ها هم که یک طبقه شان باز توجه به مسائل ندارند اینها و همه کور فهمی شان از این است که این عمق مسأله را نفهمیده اند ، باز نفهمیده قدرت اسلام را ، اینها باز توجه به این معنا ندارند . این پاسدارها را کی رفته دعوتشان کرده که بیائید پاسداری کنید ؟ این کمیته های از سرتاسر کشور را کی رفته دعوتشان کند که بیائید کمیته درست کنید ؟ این دانشجو و دانشمند و نمی دانم اجزاً دیگر این کشور را کی رفته بسیج شان کرده ؟ این بانوان را کی بسیج کرده که در همه شوون کشور دخالت می کنند و دخالت بجائی هم می کنند ؟ اینها را کسی ، اینها را خدا دعوت کرده است ، اینها لیبک برای خدا دارند می گویند . یک مملکت اینطوری را خیال نمی شود کرد که کسی بتواند یک همچو مملکتی را با کشتن یک عده ای ، فرضاً هم شما بکشید فرضاً هم فانتوم هائی بیاید و این محل و آن محل ، آن محل را بگوید . مگر اینجا الان قیامش به مثلاً فلان آدم است ؟ خیر ، مسأله اینها نیست ، همه اشتباه اینها این است که اسلام را نمی شناسند از باب اینکه نبودند توی اسلام تا بفهمند چه خبر است ، شاید تاریخ اسلام هم اینها اصلش بنا دارند نخوانند ، از بس با اسلام مخالفند شاید تاریخ اسلام را دلشان نخواهد بخوانند ، اینها نفهمیده اند که در اسلام چه گذشته است . در تاریخ اسلام چه وقایعی اتفاق افتاده ، اسلام چه جور پیش رفته است ، همه چیز را به همین جهات مادی و به همین جهات به قول خودشان سیاسی دست چندم که دست اینها هست مقایسه می کنند از این جهت یک وقت یک همچو کارهائی می کنند یا دعوت یک همچو کارهائی . اسلام این کار را انجام داد . مگر غیر اسلام می توانست یک مملکتی را از اول تا آخر ، از بچه تا بزرگ بسیج کند برای یک مطلب ؟ اینها هر کدام یک مقاصد علیحده داشتند قبل از این نهضت ، هر کس یک کار علیحده داشت کاری به این مسائل نداشتند ، آن که همه اینها را به هم پیوند داد و بسیج عمومی کرد آن اسلام بود که کرد . اسلام را بروند بشناسند ببینند چی هست تا دیگر اینطور خطاکاری ها را نکنند . ما فرض می کنیم که آمدند و این چند نفر از سران موثر این کشور را از بین بردند مگر ملت ایران برای نخست وزیر و برای فلان آدم و فلان آدم قیام کرده است ؟ مگر قیام در دست کسی هست ؟ مگر کسی مهار قیام این کشور در دستش هست ؟ همه ، همه هستند ، اشخاصی که خودشان در این مسائل وارد هستند ، همه ملت وارد در این مسائل هستند . این اشتباه باید رفع بشود تا به این خطاها نیفتد و بعد هم به این محاکمه کشیده نشوند ، این اشتباه را رفع بکنند همه گروه ها ، همه گروه های سیاسی و همه گروه های روشنفکر و همه گروه های مختلفی که در این کشور هست این اشتباه را رفع بکنند ، توجه به این معنا داشته باشند که مسأله کودتا در کجا می شود نتیجه پیدا کند ، در کجا نمی شود ، بفهمند که قضیه

بسیج عمومی یک ملت از مرکز گرفته تا سرحدات هر جا بروی یک کلمه هست ، هر جا می رفتی صحبت بود از اینکه جمهوری اسلامی می خواهیم مگر بشر می تواند یک همچو بسیجی را بکند الا به تمسک به کتاب و سنت . آن مغزهای با ایمان است که قیام کردند ، آن مغزهایی است که الان هم وقتی جوان هایشان ، چه جوان های از بانوان و چه جوان های از مردها وقتی با من ملاقات می کنند کرارا ، نه یک دفعه و نه ده دفعه ، از نجف که بودم تا اینجا حالا هم همین طور است هی از من می خواهند که شما دعا کنید ما شهید بشویم من هم دعا می کنم که پیروز بشوید . یک همچو ، یک همچو مغز با ایمانی و یک همچو قلب نورانی را مگر ممکن است با کودتا از بین برد ؟ این اشتباه را اینها از خودشان رفع کنند و توجه کنند به ماهیت نهضت اسلامی و به ماهیت اسلام و به ماهیت کتاب کریم و به ایمان ، اگر توجه به این مسائل بکنند دیگر نه آن کسی که بخواهد با شلوغ کردن ، دانشگاه را به هم زدن ، دست به این کارها می زند و نه آن کسی که فرض کنید که می خواهد یک تظاهری بکند و یک کاری بکند . اینها اگر ماهیت مسأله را بفهمند و بفهمند که پیشرو این قضیه اسلام است ، امام این قضیه ، امام زمان است ، اگر این را بفهمند که این مغزهای سی و پنج میلیون جمعیت ایران نورانی است و به نور اسلام زنده است در فکر این نمی افتند که ما برویم یک عده ای را بکشیم و بعد زمام را دستمان بگیریم مگر می شود یک همچو چیزی ، بله ، آنجائی که زمام همین بود که یک رده بالایی بود و حکومت می کرد به مردم ، مردم هم هیچ کاری نداشتند آن رده بالا ، یک رده دیگری می آمدند آنها را کنار می زدند ، آنها می شدند آنها ، همان اما قضیه این نیست که ما یک رده ای داشته باشیم و یک بالا و پائینی ، همه ، همدوشند ، برادر و خواهرند همه و همه خودشان را سهم می دانند در این مسائل ، برای اینکه اسلام هست اسلام اختصاص به یک شخص _ دانه شخصی _ ندارد ، ایمان است ، ایمان مربوط به یک کسی _ دانه کسی _ ندارد ، خانه به خانه باید این اشخاص که خیال کردند ، خانه به خانه باید بروند و جنگ کنند آن هم در همه کشور نه در تهران ، تهران را اگر چنانچه فرض بکنید ، فرض محال که شما تهران را تسخیر کنید سایر مملکت قیام کردند برخلافتان ، آنها می آیند تهران را از دست شما می گیرند . باید یک ابزاری بیاورد آمریکا و یک اشخاصی بیاورد آمریکا یا سایر کسانی که می خواهند ، خیال می کنند در اینجا باید یک کاری انجام بدهند که سی و پنج میلیون جمعیت را از صحنه بیرون کند . آن چه ابزاری است که می تواند سی و پنج میلیون جمعیت زن و مرد که همه مجهز و همه حاضر در قضایا هستند این بخواهد از صحنه بیرون کند ؟ این امر محالی است . کسی را که خدا به میدان آورده نمی تواند بختیار از میدان خارج کند یا کارتر از میدان خارج کند . کسی که اعتیاد دارد نمی تواند کودتا بکند حرف است ، اینها حرف است که می زنند که بنا بود که بیاید ، کی بیاید ؟ آن اگر دو ساعت از وقتش بگذرد آنطور که می گویند خوب ، کی باید ؟ عمده همین است که اسلام را نمی شناسند ، خیال می کنند اسلام یک رژیم است مثل رژیم آمریکا ، مثل رژیم شوروی . شوروی و آمریکا همان رده بالا هستند ، مردم دیگر ، مردم کشور خودش برخلافش هستند . آن رده بالا یک حکومتی می کنند و یک زوری می گویند و یک چرای می کنند در مملکت . مردم دیگر حاضر قضایا نیستند اینطور نیست که مردم دیگر مثل ایران

حاضر باشند در مسائل سیاسی، بانوانشان همه حاضر باشند. اسلام را اگر بشناسند و بفهمند این اسلام چی هست و یک قدری تاریخ اسلام و قضایائی که در صدر اسلام واقع شد، شما ببینید در یک جنگی که واقع شده است و قتی که یک قلعه ای را بسته بودند و کفار در آن نشسته بودند و خوب، آن وقت هم که وسایلی نبود که بروند بالا و بمباران کنند باید این قلعه فتح بشود، خوب، دیوارهای بلند و کذا. یکی از سردارهای اسلام گفت که: نیزه ها را زیر سپر بگذارید من می نشینم روی سپر، من را بالا کنید تا بروم به دیوار برسم می روم آنجا با آنها در داخل جنگ می کنم، در را باز می کنم. یک نفر برای یک جمعیتی که یک قلعه را داشتند همین کار را کردند، این نیزه ها را زیر سپر گذاشتند او نشست روی سپر با این نیزه ها بلند کردند تا به برج رسید، به دیوار رسید آن شخص رفت در آنجا و جنگ کرد و در را باز کرد. این اسلام است که این کار را می کند، این ایمان است که این کار را می کند. این قشرهای مختلفی که انحراف دارند خوب است یک قدری مطالعه کنند در اسلام، خوب است یک قدری مطالعه کنند در تاریخ اسلام، خوب است یک قدری بفهمند که معنی ایمان چیست.

در ماه مبارک رمضان خودتان را تقویت کنید به قوای روحانی

ماه مبارک رمضان نزدیک شد و در این ماه مبارک خودتان را تقویت کنید به قوت های روحانی. در یک حدیث است که پیغمبر اکرم فرمودند که ماه رمضان آمد، اقبال کرد آمد، در ضمنش می فرمایند که (دعیتم الی ضیافه الله) ضیافت های خدا با ضیافت های مردم این است فرقی که وقتی شما را یک اشخاصی دعوت بکنند به یک مهمانی وقتی بروید در آن مهمانی به حسب فراخور حال یک چیزهایی برای خوردنی و یک چیزهایی برای تفریح و این چیزهاست. ضیافت خدا در ماه رمضان یک شعبه اش روزه است، آن ضیافت خداست، یک شعبه اش روزه است و یک کار مهمش که مائده غیبی و آسمانی است قرآن است. شما دعوت شده اید به مهمانی خدا و شما در ماه رمضان مهمان خدا هستید. مهماندار شما، شما را وادار کرده است به اینکه روزه بگیرید. این راه هائی که به دنیا باز است و شهوات هست و اینها را، اینها را سدش کنید تا مهیا بشوید برای (لیلہ القدر) ماه شعبان مقدمه است برای ماه مبارک رمضان که مردم مهیا بشوند برای ورود در ماه مبارک رمضان و ورود در (ضیافه الله). شما وقتی که می خواهید به مهمانی بروید خوب، یک وضع دیگری غالباً البته، یک وضع دیگری خودتان را درست می کنید. لباس تغییر می دهید و یک طور دیگری وارد می شوید آنطوری که در خانه هستید یک تغییری می دهید، ماه شعبان برای این است که همان مهیا بودنی که می خواهید مهمانی بروید، خودتان را مهیا می کنید و سرو ظاهرتان را، سر و صورتتان را یک قدری فرق می گذارید با آنوقتی که در خانه هستید، در ضیافت خدا، ماه شعبان برای مهیا کردن این افراد است، مهیا کردن مسلمین است برای ضیافت خدا. عددش آن مناجات شعبانیه است. من ندیده ام در ادعیه، دعائی را که گفته شده باشد همه امام ها این را دعا می خوانند. در دعای شعبانیه این هست که من یادم نیست که در یک دعای دیگری دیده باشم که همه ائمه این را می خوانند. این مناجات شعبانیه برای این است که

آن که سبکبار می کند انسان را و از این ظلمتکده بیرونش می کشد (ادعیه) است

یک کج فهمی هائی در انسان هست که این کج فهمی ها گاهی خیلی زیاد می شود . اینها دعا را نمی فهمند چی هست لهذا خیال می کنند که حالا ما خوب ، قرآن را می گیریم دعا را رها می کنیم . اینها نمی فهمند که دعا اصلا چی هست ، مضامین ادعیه را نرفته اند ببینند که چی هست به مردم چی می گوید ، چه می خواهد بکند ، اگر نبود در ادعیه الا دعای مناجات شعبانیه ، کافی بود برای اینکه امامان ما ، امامان بحقند . آنهائی که این دعا را انشأ کردند و تعقیب کردند . تمام این مسائلی که عرفا در طول کتاب های طولانی خودشان _ یا _ یا خودشان گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست ، بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهائی که در اسلام وارد شده است از اینها استفاده کرده اند و عرفان اسلام فرق دارد با عرفان هند و جاهای دیگر . این دعاهاست که به تعبیر بعضی از مشایخ ما قرآن ، می فرمودند که قرآن ، قرآن نازل است ، آمده است به طرف پائین و دعا از پائین به بالا می رود این قرآن صاعد است . معنویات در این ادعیه ، آنی که انسان را می خواهد آدم کند ، آنی که این افرادی که اگر سرخود باشند از همه حیوانات درنده تر هستند این ادعیه با یک زبان خاصی که در دعاها هست اینها این انسان را دستش را می گیرد و می بردش به بالا ، آن بالایی که من و شما نمی توانیم بفهمیم ، اهلش هستند . یکدفعه آدم می بیند که کسروی آمد و کتابسوزی ، مفاتیح الجنان هم جزو کتاب هائی بود که سوزاند ، کتاب های عرفانی را هم سوزاند . البته کسروی نویسنده زبردستی بود ولی آخری دیوانه شده بود یا یک مغزی است که این مغز بسیاری از شرقی ها اینطوری هست که تا یک چیزی ، چهار تا کلمه ای یاد می گیرند ادعاشان خیلی بالا می شود . کسروی آخری ادعای پیغمبری می کرد ، نمی توانست به آن بالا برسد آنجا را می آورد پائین . این کتاب مفاتیح الجنان یک کتابی است که مال حاج شیخ عباس قمی نیست شیخ عباس قمی ، او جمع کرده اینها را _ در _ ادعیه را جمع کرده در آنجا . این آدمی که کتاب مفاتیح الجنان را سوزانده یا یک روزی برای سوزاندن امثال کتاب مفاتیح الجنان درست کرده بود این نمی دانست کتاب مفاتیح الجنان چی تویش است ، شاید یک دفعه هم مناجات شعبانیه را هم نخوانده بود ، فکرش اینطور فکر نبود . این دعاهائی که در ماه ها هست ، در روزها هست خصوصا در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان اینها انسان را همچو تقویت روحی می کند اگر کسی اهلش باشد ماها که نیستیم ، همچو تقویت روحی می کند و همچو راه را برای انسان باز می کند و نور افکن است برای اینکه این بشر را از این ظلمت ها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه آساست . به این دعاها عنایت بکنید گول بعضی از نویسندگان ها و مثل امثال کسروی را نخورید که ادعیه را تضعیف می کردند . این تضعیف ، تضعیف اسلام است ، نمی فهمند اینها ، بیچاره اند ، نمی دانند در این کتاب چه چیزها هست . همان مسائل قرآن است با لسان دیگری که لسان ائمه باشد . لسان قرآن یک جور زبان است ، زبان دعا یک جور زبان است ، زبان علما و عرفا و اینها هم یک زبان دیگر است آن که سبکبار

می کند انسان را و از این ظلمتکده می کشد او را بیرون و نفس را از آن گرفتاری ها و سرگشتگی هائی که دارد خارج می کند این ادعیه ای است که از ائمه ما وارد شده اند ، ائمه ما علیهم صلوات الله که تقریبا همه شان گرفتار به یک ابرقدرت هائی بودند که نمی توانستند یک کاری را انجام بدهند شاخص ، علاوه بر آن هدایت های زیرزمینی که می کردند این ادعیه برای تجهیز مردم بود ، برخلاف آن دولت های قاهری که بودند همین ادعیه بودند که اشخاص وقتی که ادعیه را می خواندند قوت روحی پیدا می کردند و سبکبار می شدند . و شهادت برای آنها هین و آسان می شد . این ادعیه در ماه مبارک رجب و خصوصا در ماه مبارک شعبان اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می کند برای اینکه مهیا بشود برود مهمانی ، مهمانی خدا ، مهمانی ای که در آنجا سفره ای که پهن کرده است قرآن مجید است و محلی که در آنجا ضیافت می کند مهمش (لیلہ القدر) است و ضیافتی که می کند ضیافت تنزیهی و ضیافت اثباتی و تعلیمی . نفوس را از روز اول ماه مبارک رمضان به روزه ، به مجاهده ، به ادعیه مهیا می کند تا برسند به آن سفره ای که از آن باید استفاده کنند و آن (لیلہ القدر) است که قرآن در آن نازل شده است . این ضیافت الهی انسان را منقلب باید بکند از این جهت حیوانی به آن جهت واقعی ، انسانی ، از آن ظلمت هائی که اطلاع به آن داریم منقلب کند انسان را به آن نورهائی و آن نورها و نور مطلق که همه عالم تبع اوست .

همه دعوت انبیا این بوده است که مردم را از این سرگردانی ای که دارند هر که یک طرف می رود و هر که یک مقصدی دارد این مردم را از اینجا دعوت کنند و راه را نشان شان بدهد که این راه است ، دیگر آن راه ها که می روید رها کنید ، راه همین است (هدنا الصراط المستقیم) ، (ان ربی علی صراط المستقیم) آن طرف ، طرف ندارد ، دنیاست و ماورای آن ، آنچه که مربوط به نفسانیت انسان است ، شهوات انسان است ، آمال و آرزوهای انسان است این دنیاست آن دنیائی که تکذیب شده است . این عالم طبیعت ، این عالم طبیعت نور است ، دل بستگی های به این عالم انسان را بیچاره می کند ، ظلمت ما از این دل بستگی هائی است که ما داریم به این دنیا ، به این مقام ، به این مسند ، به این اوهام ، به این خرافات . همه انبیا آمدند برای اینکه دست شما را بگیرند از این علائقی که همه اش بر ضد آنی است که طبیعت و فطرت شما اقتضا می کند ، شما را دستتان را بگیرند و از این علائق نجاتتان بدهند و واردتان کنند به عالم نور . اسلام هم در راس همه ادیان است برای یک همچو مقصدی . این ادعیه مهیا می کنند این نفوس را برای اینکه این علائقی که انسان دارد و بیچاره کرده انسان را این علائق ، این گرفتاری هائی که انسان در این عالم طبیعت دارد و انسان را سرگشته کرده است ، متحیر کرده است نجاتش بدهند و آن راهی که راه انسان است ببرند ، راه های دیگر راه انسان نیست ، صراط مستقیم راه انسانیت است و این مناجات ها و این ادعیه ای که ائمه ما علیهم السلام بعد از اینکه دستشان کوتاه شده بود از اینکه دعوت ظاهری خیلی واضح بکنند مردم را با همین ادعیه به آن راهی که باید ببرند ، راه می بردند . مقصد انبیا این نبود که بیایند یک جائی را بگیرند و یک مثلا کاری برای خودشان درست بکنند ، مقصد این نیست آقا . مقصد پیغمبرها این نبود که دنیا را بگیرند و آبادش کنند ، مقصد این بود که

راه را به این اهل دنیا، به این انسان ظلوم و جهول، بسیار ظالم بسیار جاهل راه را نشان بدهند که از این راه بروید، آن راهی که شما را می‌رساند به خدای تبارک و تعالی این راه است (ان ربي على صراط المستقيم) دنیاست و آن طرفش همه عالم دنیاست و آن طرفش ماوراء و ماورای آن طرف نور مطلق، انبیا آمدند ما را به آن نور برسانند (الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا اوليائهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات) طاغوت در مقابل انبیا هست، در مقابل الله هست.

اگر راهمان بدهند به این ضیافت بزرگ الهی، ممکن است راهی پیدا کنیم به سوی انسان شدن

اگر چنانچه ما در این ضیافت خدا، در این سفره ای که خدای تبارک و تعالی افرشته است و برای همه، اگر ما در اینجا موفق بشویم به اینکه راهمان بدهند در این مهمانخانه بزرگ الهی، جلویمان را نگیرند، شیاطین ایستاده اند که راه را نگذارند برویم، جلوگیرند، اگر راهمان بدهند به این ضیافت ممکن است که راهی پیدا بکنیم به آنکه راه انسان است، همه راه دیگر غلط است، راه های حیوانی است، انسان یک اعجوبه ای است که هم در او حیوانیت هست، حیوانی شهوی الی غیر متناهی و هم در او شیطنت هست الی غیر متناهی. یک موجودی است همه ابعادش غیر متناهی است، از هر راهی که برود آخر ندارد، هر راهی که برود هیچ آخر ندارد و راه ها همه غلط، همه اشتباه، همه منتهی به جهنم می شود الا صراط مستقیم آنی که راه انسان است. اگر راهمان بدهند در این ضیافت الله و مستعد شده باشیم که وارد بشویم در این ضیافت خدا و در این ماه مبارک، امید است که انشاءالله یک هدایتی شامل حالمان بشود. خودتان را تقویت کنید در این ماه مبارک، مهیا بشوید برای همه پیشامدها، در عین حالی که معنویات بود آنکه می خواستند لکن با قوت معنویات اعوجاج هائی که در بشر بود و در این قدرت های بزرگ بود این اعوجاج ها را می خواستند مرتفع کنند. یک چوپان با عصایش پا می شد می رفت فرعون و آن بساط فرعون را می رفت دعوت می کرد که بیا مسلمان شو، بیا آدم شو. یک صغیر یتیم چوپان زاده یا چوپان از حجاز پا می شود همه دولت ها را دعوت می کند که بیائید آدم بشوید. برای این است که آدم کنند همه را، مقصد این است که ماها آدم بشویم و مع الاسف مشکل است. یک مثلی هست که می گفتند که ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل، مرحوم شیخ ما رحمة الله مرحوم آشیخ عبدالکریم رحمة الله می فرمود که ملا شدن چه مشکل، آدم شدن محال است. مثل محال می ماند، انبیا آمده بودند که این محال را جامه عمل به آن بپوشند. اینقدر دست و پا زنید اینطرف و آنطرف بروید، شما خدا را می خواهید بروید دنبال همان که می خواهید، فطرت شما توجه به خدا دارد خودتان متوجه نیستید، همه فطرت ها توجه به خدا دارد. این ماه رمضان و هر ماه رمضان دیگری مهیا کنید خودتان را، در این روز آخر فرضا آخر شعبان است شاید، بیشتر مهیا کنید و مهیا کنیم خودمان را برای ورود در (ضیافه الله)، در مهمانی خدا، که انشاءالله با سلامت نفس، با نور هدایت خدای تبارک و تعالی

وارد بشویم در این ماه عزیز معظم و فرق بکنیم ، در این ماه فرق داشته باشیم با سایر ماه ها و دنبال این باشیم که انشاءالله (لیله القدر) را دریابیم ، برکات (لیله القدر) را که قرآن در آن نازل شده است ، همه سعادت عالم در آن شب نازل شده است و از این جهت از همه شب های عالم بالاتر است ، این را بتوانیم ادراک بکنیم ، درک بکنیم . خداوند انشاءالله شماها را توفیق بدهد که با سلامت و سعادت وارد در (ضیافه الله) بشوید و از آن مائده های آسمانی که قرآن و ادعیه است انشاءالله همه مان مستفیض بشویم و با یک روح سالمی وارد بشویم و (لیله القدر) هم دریابیم ، (سلام هی حتی مطلع الفجر)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 243

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان سازمان پیشمرگان مسلمان کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

من از این جوان های پیشمرگ که به راستی اثبات کردند که فداکار اسلام هستند و لشکر پیغمبر اسلام هستند، تشکر می کنم. من به شما علاقه دارم، علاقه یک مسلم با مسلم و یک پدر با فرزند، و شما را دعا می کنم. از وقتی که شما قیام کرده اید در مقابل اشراک و در مقابل اشخاص که می خواستند نهضت اسلامی را سرکوب کنند، من از شما با تمام قوا پشتیبانی و هم دعا کردم. خداوند شما را انشاءالله برای اسلام حفظ کند و شما جوان ها را در پیشگاه خدای مقدس، خدای بزرگ آبرومند کند. شما می دانید که ما غرضی در این مسائل نداشتیم جز اینکه حکومت جبار برود تا به جای آن حکومت اسلام برگردد. اینهایی که در طول این مدت چه در کردستان و چه در جاهای دیگر با این نهضت مقابله کردند، اشخاصی بودند که از اسلام اطلاعات نداشتند و نمی خواستند حکومت اسلام برقرار باشد. شما از طرز و شیوه حرکات اینها بهتر می دانید که عمال غیر بودند. از کیفیت سلاح هائی که داشتند شما دیدید که این سلاح ها از کجا می آمد. شما محکم و مستحکم باشید که برای اسلام دارید کار می کنید مثل سربازهای صدر اسلام هستید، شما باکی از اینکه شکست بخورید نداشته باشید برای اینکه برای لشکر اسلام هیچ وقت شکست نیست، شهادت شکست نیست، پیروزی هم شکست نیست. شما یا پیروز می شوید و یا شهید، در هر دو جهت پیروزی با شماست. من امیدوارم که این ریشه های فساد که یک مقداری از آنها از رژیم سابق هستند و یک مقداری هم از این افرادی هستند که الهام از خارج می گیرند، نتوانند کاری انجام بدهند.

شما دیدید در این دو سه روزی که گذشت بنا بود یک کودتائی مثلاً همه طرفه بکنند، خدای تبارک و تعالی با ما همکاری کرد و کشف شد و بسیاری از این جنایتکاران گرفتار شدند و بسیاری از آنها در تعقیبشان هستند و باندهائی هم داشتند انشاءالله این حکومت اسلام مستقر بشود تا دنیا بداند که حکومت اسلامی یعنی چه. خداوند انشاءالله به شما توفیق عنایت کند و در همه جهان موفق باشید. و ما امیدواریم که کردستان را قبل از اینکه به جاهای دیگر عنایت شود، به آنجا عنایت شود و دولت اسلام هم بنا بر همین دارد که کردستان را انشاءالله آباد کند و مثل سابق نباشد که حرف بود و خرابی. امیدواریم که این دفعه دیگر حرف نباشد و همه جهات مملکت اصلاح بشود. انشاءالله خدا به شما جوان ها سلامتی عنایت کند و شما را برای اسلام ذخیره قرار بدهد و موفق و مؤید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان انتصاب حجت الاسلام محمد حسن قدیری به نمایندگی امام و امامت جمعه درکوهپایه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای شیخ محمد حسن قدیری دامت افاضاته

طبق درخواستی که از طرف اهالی محترم محل شده بود و تقاضا داشتند جنابعالی آنجا بروید ، مقتضی است دعوت آنان را بپذیرید و ضمن انجام این مسافرت به امور مذهبی و مسائل شرعی مرم منطقه نیز رسیدگی نموده و در رفع نابسامانی ها و کمبودها سعی کافی مبذول دارید و در رفع مشکلات نیز به هر نحو صلاح می دانید بکوشید . ضمنا جنابعالی را به امامت نماز جمعه در آن محل منصوب نموده تا انشاءالله تعالی جهت حفظ وحدت و همبستگی اهالی محترم این فریضه بزرگ الهی را اقامه نموده و مردم را به وظایف اسلامی و انقلابی که دارند آشنا سازید . موفقیت همگان را از خدای تعالی مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 245

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام توسلی محلاتی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی محلاتی دامت افاضاته

برای هر چه بهتر برپائی فریضه عظیم حج و رسیدگی به کلیه امور مربوط به این فریضه الهی و برای هر چه بیشتر اسلامی کردن کاروان ها و آنچه مربوط به اداره آنهاست ، جنابعالی را به سمت سرپرست حجاج بیت الله الحرام تعیین نمودم تا با همکاری جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی هاشمی گلپایگانی و با مشورت مقامات صالحه ، هیأتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید ، در ضمن در صورتی که کار امور حج با یکی از ادارات از قبیل هلال احمر و غیره بستگی پیدا کرد باید مسؤولین منتخب ادارات دولتی با تایید و تصویب شما بوده باشد و شما موظف هستید تا اشخاصی مسلمان و متعهد را برای این کار انتخاب نمائید . امیدوارم محتوای عظیم انسانی ، روحانی ، سیاسی ، اجتماعی حج را به بهترین وجه در نظر داشته و حجاج عزیز را از بعد اجتماع انقلابی سالانه اسلام مطلع گردانید . لازم به تذکر است که تمام آثار شرک و طاغوت از مقدمات این سفر بزرگ باید حذف گردد . انشاءالله موفق و موید باشید .

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ: 28/4/59

فرمان امام خمینی به برادر مرتضی رضائی

بسمه تعالی

فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شما مورد تایید است و لازم است با جدیت مواظبت کنید که احکام اسلام در سپاه پاسداران به مورد اجرا گذاشته شود. والسلام.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 247

بیانات امام خمینی در دیدار با فرمانده جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پیروزی قطعی در سایه سیطره اسلام بر همه دستگاه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

اساساً این انقلاب و این نهضت، بر اساس اسلام است یعنی ما هیچ‌تر دیگری، هیچ‌امر دیگری را غیر از اسلام نمی‌پذیریم و این قوای انتظامی اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند. افرادی که آن دید اسلامی را ندارند یعنی نپذیرفتند اسلام را، این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته‌اند اسلام را، لکن در عمل، عمل اسلامی ندارند، سر خود کارهایی که خودشان می‌خواهند می‌کنند، اینها هم باید هدایت بشوند و اگر چنانچه مأیوس شدند سران از اینکه هدایت تأثیر بکند، تصفیه بشوند. بالاخره آن که مردم را برانگیخت اسلام بود هیچ قدرت دیگری قادر به این نبود که یک ملت سی و پنج میلیونی را به یک راه ببرد، هیچ قدرتی قابل نبود نمی‌توانست و لهذا ما در طول تاریخ که دیده‌ایم، آنهایی هم که خودمان یادمان هست مثل قضیه نفت چون اسلامی نبود، ملی تنها بود به اسلام کاری نداشتند، از این جهت نتوانستند کاری انجام بدهند، کارهای نصفه کاره ای هم که انجام دادند، بعدش از دستشان گرفته شد و رفت کنار. اگر اسلام در کار باشد و مکتب اسلام در کار باشد در این قشر نظامی و غیرنظامی ما پیروز خواهیم شد. و اگر مکتب را ما فراموش بکنیم و هر کس بخواهد دنبال کار خودش باشد و فکر خودش باشد، این آسیب‌پذیر خواهد بود و لهذا بر همه ما، بر همه روسای ارتش، روسای پاسداران، روسای ژاندارمری، روسای شهربانی و همه روشنفکران و همه نویسندگان لازم است که ما همه را به یک وجه، به یک وجه سوق بدهیم، این ملت را ما به سوی اسلام و به سوی الله سوق بدهیم. اگر یک همچو کاری انجام بگیرد که اسلامی بشود همه دستگاه‌ها، پیروزی ما داریم، هیچ اشکال نیست که ما پیروز خواهیم شد. اما اگر متشتت بشود، در هر جایی علیحده یک سازی بزنند، مثلاً سپاه پاسداران خودش علیحده، هیچ کار ندارد به ژاندارمری، مثلاً- مخالفت هم حتی می‌کند، یا به ارتش گاهی هم مثلاً مخالفت بکند، یا آن دستگاه دیگر یک مخالفتی و رویه رویی باشد، باید ما آماده این باشیم که ولو در دراز مدت شکست بخوریم.

از مسائل مهمی که اعتقاد دارم و می گویم باید حتما بشود، هماهنگی است بین این قوایی که قوای مسلحند، از هم جدا نشوند، با هم باشند. دیگر راهش و ترتیبش که هماهنگ بشوند، باید خودشان فکر بکنند و آقایانی هم که از طرف من در آنجا هستند همفکری بکنند که اینها را هماهنگ بکنند. اینطور نباشد که اگر یک مسأله ای خدای نخواستہ پیش آمد، این یک راهی برود، آن یک راه دیگری برود که موجب شکست بشود.

جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و تصفیه عناصر ناصالح

از مهمات مسأله این است که اولاً اسلامی بشود همه چیز و ظواهر اسلام باید در آنجا حکمفرما باشد. اینکه بعضی ها عقیده دارند که حالا ظواهر را کار نداشته باشیم و برویم سراغ مکتب، اینها بر خلاف اسلام است. آن چیزی که هست این است که باید ظواهر در این پادگان های ارتشی و در آن مراکزی که شما هستید و پاسدارها هستند ظواهر باید محفوظ باشد، یعنی امروز که ماه مبارک رمضان است همه اینها روزه دار باشند، آنهایی که واجب است برایشان روزه بگیرند، روزه دار باشند، نماز بخوانند در آنجا و کارهای منکر در آنجا به هیچ وجه نباشد ضوابط اسلام باید محفوظ باشد جمهوری اسلامی معنایش این است والا اگر یک جمهوری باشد، اسمش جمهوری اسلامی باشد لکن وقتی که برویم در ژاندارمری بینیم از اسلام خبری نباشد، در سپاه پاسداران بیائیم مثلاً از آن خبری نباشد، ارتش برویم خبری، ادارات خبری نباشد، این جمهوری اسلامی نیست، این یک لفظ غلطی است که گذاشتند روی، روی جمعیتی که روی مملکتی که دارد همان به طور طاغوت اداره می شود. ما باید این محتواها را با جدیت اصلاح بکنیم. افراد ناصالح را اگر چنانچه واقعا برخلاف مکتب هستند، از اول باید کنارشان زد و اگر چنانچه یک وقت خدای نخواستہ خیانتی هم کردند، باید به دادگاه سپردشان و افرادی که مکتبی هستند یعنی فکرشان فکر اسلام است لکن عملشان برخلاف است، اینها را باید هدایت کرد اگر هدایت شدند که شدند، اگر هدایت نشدند، بعد از چندی که دیدید فایده ندارد کنارشان بگذارید، تصفیه ان بکنید.

تأکید بر حفظ نظم و انسجام برای جلوگیری از تزلزل

و از مهمات این است که نظم در کار باشد یعنی اگر چنانچه نظام نباشد در کار و امور تحت یک نظامی انجام نگیرد این تزلزل ایجاد می کند. اگر بنا باشد که فرض کنید که سپاه پاسداران اطاعت نکنند از رئیسشان، همه اینها اطاعت نکنند از آن فرمانده کل، در ژاندارمری همین طور، در آنجا همین طور و خودشان بخواهند هر کدامی یک راهی بروند، این اسباب این می شود که یک قوای مسلح متزلزل بشود و با تزلزل قوای مسلح مملکت متزلزل است. بنابراین یکی از مهمات این است که نظم را حفظ بکنند یعنی بشناسند آن که رئیس فوج است، آن که رئیس لشکر است، آن که رئیس پاسداران

است. این را همه به نام اسلام بشناسندش به اینکه لازم است اطاعت از او بکنند. حالا مثل زمان طاغوت نیست که اگر خواستم اطاعت می‌کنم، اگر هم ظاهری نخواستم در باطن اطاعت نکنم. حالا مسأله، مسأله اسلام است. اسلام باطن و ظاهر همه را دارد می‌بیند، خدای تبارک و تعالی محیط باطن و ظاهرها هست، آئی هم که در باطن مخالفت بکند، آن هم مخالفت خدا را کرده است. این هم یکی از مسائل مهمی است که در ارتش و در سپاه پاسداران و در همه قوای انتظامیه و قوای مسلحه، در همه اینهمه باید مراعات بشود.

یکی از مسائل مهم هم این است که گاهی در بین همین پاسداران انقلاب که من اینها را بسیار دوست دارم و بسیار به آنها محبت دارم و من از آنها متشکر و ملت ایران اصل هر چه دارد از این سنخ جمعیت دارد، گاهی اینها در بینشان اشخاصی نفوذ می‌کنند یک کارهایی انجام می‌دهند که موجب هتک حرمت سپاه پاسداران است مثلاً می‌روند خودشان یک چند نفری حالا تشخیص دادند که آنجا فلان آدم، بدآدمی است، می‌روند می‌گیرندش، می‌روند فرض کنید باغش را می‌گیرند، می‌روند زمینش را می‌گیرند اینطور کارها اسباب این می‌شود که مشوش کند امور را. این برخلاف نظام اسلام است، بر خلاف نظام عرض می‌کنم جمهوری اسلامی است. اینطور چیزها باید جدا جلوی پیش گرفته بشود که پاسدار بدون امر دادستان کل، بدون امر عدلیه نتواند دخالت بکند در امور، نرود دخالت بکند در امور. اینطور نباشد که حالا ببیند یک قدرتی دارد هر کاری دلش می‌خواهد بکند. این معنی هرج و مرج و طاغوتی معنایش همین است که بی‌نظم و بی‌انضباط یک کاری را انجام بدهد. این هم یکی از مهماتی است که شما باید در سپاه پاسداران با جدیت و همراهی با ایشان که در آنجا هستند و سایر اشخاصی که در آنجا هستند و با شما همکاری می‌کنند، جدا از این مسأله در سرتاسر ایران جلوگیری بکنید یعنی اگر یک پاسداری یا پاسدارانی رفتند در یک جائی و بدون در دست داشتن حکم مثلاً دادگاه‌ها بروند خودشان خودسر، زمینی بگیرند، باغی بگیرند، مالی تصرف کنند، اشخاصی را - عرض بکنم - بازداشت بکنند، این باید از شان بازخواست بشود و خواسته بشوند آنها و تأدیب بشوند آنها.

بنابراین اگر بخواهند مملکت ایران یک مملکتی باشد که بتواند روی پای خودش راه برود و بتواند انشاءالله آتیه خودش را به طور شایسته انجام بدهد و اصلاح بکند، اول باید این قوای مسلح تحت نظم بیابند و تحت انضباط بیابند، چه آنهایی که در سپاه پاسداران واردند و چه آنهایی که در سایر قوای چیز، اینها باید تحت نظام بیابند، تحت انتظام بیابند و شرعیت خودشان را حفظ بکنند و اسلامیت خودشان را حفظ بکنند تا انشاءالله کارها انجام بگیرد. و باز هم تکرار می‌کنم این را که همکاری قوای انتظامیه، از واجبات شرعیه است و متفرق شدنشان خلاف شرع است یعنی هر کسی علیحده بخواهد چه بکند ممکن است که البته نظر مختلف یک وقتی باشد اما باید بنشینند، رؤسایشان بنشینند با آن اشخاصی هم که من نماینده دارم در آنجا بنشینند، اگر یک اختلاف نظری دارند، حل بکنند. اینطور نباشد که یک وقت یک صدایی اگر درآید ببینیم پاسدارها یک کاری انجام دادند

علیحده و ژاندار مری یک کاری علیحده ، ارتش یک کار علیحده ، انسجام نداشته باشد . باید این قوا منسجم و هماهنگ باشند و این با جدیت شما و آقای محلاتی که در آنجا هستند و آقای خامنه ای که در آنجا هستند و آقایان دیگر که در جاهای دیگر هستند و مشورت بین خود شماها باید اینها انجام بگیرد . و اما این کلمه ای که گفتید که می خواهند که من دخالت بکنم ، من که نمی توانم در همه امور دخالت بکنم ، بالاخره من اشخاص دارم ، باید اشخاص دخالت بکنند . من مثلا حالا شما را تایید می کنم که در سپاه پاسداران باشید و در رأس باشید این معنی دخالت من است ، معنی این است که شما اگر کاری آنجا انجام بدهید من انجام داده ام در آنجا ، آنها اگر بخواهند شنوائی از من بکنند باید از شما شنوائی بکنند .

و همین طور سایرین از آن کسی که من قرار دادم وقتی که اطاعت بکنند ، همان اطاعت از من است و همان دخالت من است . اینطور نیست که هر کدام ، علیحده باشند . فرض کنید که آقای رئیس جمهور را من قرار دادم برای اینکه رئیس کل قوا باشد و آن چیزی را که من قرار دادم اگر چنانچه با آن موافقت بکنند موافقت با من است و من خودم مستقیما نمی توانم همه امور را دخالت بکنم من باید بالاخره اشخاص را قرار بدهم و یک نظم ایجاد بشود .

سفارش در حفظ امانت الهی به دور از اغراض نفسانی

در هر صورت یک مملکتی است مال همه شماها ، همه ما مسؤول هستیم در این امری که برای حفاظت کشورمان هست و شما بینید که الان در معرض اینطور کارهایی است که شده است و بعدها هم خواهد شد . ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که این امانتی که به ما داده شده است و آن کشور اسلامی است و اسلام است و جمهوری اسلامی است حفظش بکنیم ، در این امر هیچ سستی به خودمان راه ندهیم ، هیچ مسائلی شخصی در کار نباشد ، هیچ اغراض نفسانی در کار نباشد ، همه ما با هم برادر و با هم برای حفظ یک امانتی که خدا به دست ما داده است و سپرده است و هم سفارش می کنم به همه اشخاصی که در هر جا صحبت می کنند یا فرض کنید که قلمفرسایی می کنند که تضعیف قوای انتظامی ، سپاه پاسداران ، تضعیف اسلام است ، تضعیف لشکر اسلامی تضعیف اسلام است ، تضعیف ژاندار مری تضعیف اسلام است ، تضعیف - عرض می کنم - سایر قوای مسلح و انتظامی تضعیف اسلام است و این به آن معنا نیست که نباید آن اشخاص فاسد بیرون بروند ، اشخاص فاسد باید حتما به دادگاه سپرده بشوند ، در هر جا باشند و هر مقامی ، آنها باید به دادگاه سپرده بشوند و آنهایی که اسلامی هستند و روی خط اسلام دارند عمل می کنند ، آنها باید تمام گویندگان و نویسندگان ، چه از قشر روحانی و چه از قشر غیر روحانی ، اینها را تقویت بکنند . یک کلمه تضعیف اینها ، تضعیف اسلام است و حرام است و جایز نیست . بنابراین امیدوارم که شماها همه موفق باشید ، موید باشید و این امانت را حفظ کنید . و ما یک عالم دیگری داریم که همه آنجا حاضر می شویم و از همه ما بازخواست می شود ، یعنی یک خدشه ای اگر ما وارد کنیم به جمهوری اسلامی ، فردا آنجا در محضر خدای تبارک و تعالی از ما بازخواست خواهد شد و بازخواست شدید خواهد شد .

کمترین جزای مفسد، به حکم قرآن قتل است

توجه به این مسائل لازم است همه آقایان بکنند و کسانی که خدای نخواستہ یک انحرافی دارند اگر قابل اصلاحند با موعظه، با نصیحت، با هدایت اینها را اصلاح بکنند و اگر نیستند، پاکسازی بکنند و آنهایی که در این مسائل، در این مسأله آخر همراه بودند با این خیال فاسد کودتا، تمام اینها به حسب حکم قرآن حکمشان قتل است بلا استثنایک استثنای درشان نیست، هیچ کس حق ندارد که یک کسی را عفوش بکند، یک کسی را مسامحه با او بکند. اینها به حکم اسلام و حکم قرآن فاسد و مفسد هستند و چهار حکم در قرآن هست که از همه کوچکتر کشتن است. و امیدوارم انشاءالله همه شما با سلامت و صحت و عافیت این راه را بروید و این راه مستقیم را انشاءالله طی بکنید. خداوند حفظتان کند انشاءالله.

ص: 252

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی قضائی

ما در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر روزی که از این انقلاب می گذرد توجه به این معنا بیشتر پیدا می کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم . ما یا مقصریم یا قاصر ، و در هر دو جهت آن ، در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم . مردم ریختند همانطور که می دانید این جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند . وقتی که امر دست ماها افتاد ، هیچ کدام انقلابی عمل نکردیم . و اگر چنانچه ما تجربه داشتیم یعنی یک انقلابی کرده بودیم و از بین رفته بودیم و یک انقلاب دیگر کرده بودیم ، اینطور عمل نمی کردیم . ما با بی تجربگی این انقلاب را ایجاد کردیم یعنی ملت کرد و ما با بی تجربگی آن کارهای انقلابی که باید در اول انقلاب بشود ، با مسامحه گذرانیدیم و همان مسامحه هم موجب شد که این گرفتاری ها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم ، مگر اینکه انقلابی جبران کنیم . ما ملاحظه می فرمائید ، الان که مدت هاست یا عزای عمومی اعلام می کنیم یا تشییع جنازه می رویم یا راهپیمائی می کنیم برای کشتارهایی که شده است ، یا مجلس عزا منعقد می کنیم . کار ما این شده است که در این مملکت پاسدارهای ما اینطور قتل عام می شوند و اینطور کشته می شوند و این برای این است که ما انقلاب را آنطور که باید راه نبریم اگر راه برده بودیم ، اگر آن روزی که می خواستند در کردستان بروند برای مذاکره ، من به آنها تذکر دادم که اگر بخواهید مذاکره ، باید با موضع قدرت بروید ، اول باید ارتش و پاسدارها و اینها احاطه کنند آنها را ، محاط قرار بدهند ، بعد شما بروید صحبت کنید . مسامحه شد ، این اسباب این شد که آن گرفتاری طولانی برای ما پیش آمد و آنقدر ضایعه واقع شد و الان هم می بینید که ضایعه پشت سر ضایعه . همین چند روز چقدر جمعیت از پاسداران شهید شدند و این همه اش برای این است که ما دو دسته بودیم یک دسته مان از مدرسه آمده بودیم وارد شده بودیم و یک دسته مان از خارج آمده بودیم و وارد شده بودیم . نه ما آن تجربه انقلابی را داشتیم و نه آنها آن روح انقلابی را و لهذا از اول هم که ما به حسب الزامی که من تصور می کردم ، دولت موقت را قرار دادیم خطا کردیم . از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد ، قاطع باشد بتواند مملکت را اداره کند ، نه یک دولتی که نتواند ، منتها آنوقت ما نداشتیم فردی را که بتوانیم ، آشنا نبودیم بتوانیم انتخاب کنیم ، انتخاب شد و خطا شد و حالا هم که دولت می خواهد در مجلس شورا دولت ایجاد بشود ، حالا ما باید این مطلب را به مجلس

شورا اعلام کنیم که باید یک دولت متدین تمام، صد در صد اسلامی و قاطع، یک نفر وزیر اگر مثل بعضی از این وزرا که الان هستند باشد، اینها نپذیرند، تمام وزرا یکی یکی باید بررسی بشود، وزیر متدین صد در صد انقلابی، مکتبی و قاطع. اگر چنانچه ما دولتمان باز مثل سابق باشد و آنطور وضع و آنطور دید را داشته باشد، ما باید عزای این نهضت را بگیریم و پیروزی ما امکان ندارد و لهذا ما باید این اشتباهات سابق را جبران کنیم. اگر ما آن خطا را نکرده بودیم که هی آمدند به من گفتند، هی گفتند، هی گفتند این مصلحت اندیشان که (اینهایی که، سازمان هائی که نکشته اند آدم و چه نکرده اند، این عفو بشود) این عفو بر خطا واقع شد و اینها ریختند مشغول توطئه شدند. یک جمعیتی که در دست ما بودند رهایشان کردیم، یک دسته ای را که باید بگیریم دیگر نگرفتیم.

توصیه به مجلس در اجرای حدود الهی با کمال قاطعیت و اصلاح سازمان های دولتی

ما اگر مثل آن انقلاب هائی که در دنیا واقع می شود از اول عمل کرده بودیم که به مجرد اینکه پیروزی حاصل شد تمام درها را ببندیم و تمام رفت و آمدها را منقطع کنیم و تمام این گروه ها را خفه کنیم یا کنار بگذاریم و منحل کنیم تمام این گروه هائی که بودند و با شدت عمل کنیم با آنها، این گرفتاری ها برای ما پیدا نمی شد که ما هر روز عزا بگیریم، هر روز شهید داشته باشیم. و این از دست ما گذشت و در بارگاه خدا ما استغفار می کنیم. از این به بعد نباید این تکرار بشود. باید دولت قاطع باشد، باید مجلس قاطع باشد. اگر در مجلس اشخاصی هستند که اینها باز همان طبل را می زنند و همان حرف ها را می زنند، به اینها نباید گوش بدهند. باید مجلس، یک مجلسی باشد که با قاطعیت عمل کند و دولت اگر بخواهد یک قدم کنار بگذارد، با قاطعیت بخواهند آن را ردش کنند و از اول هم که می خواهند قرار بدهند یک دولتی را، تصویب کنند یک دولتی را، یک دولتی باید باشد تمام افرادش، وزرایش تمامشان اشخاصی باشند که بفهمند چه شده است، بفهمند که ما در چه حالی واقع هستیم، بفهمند که اسلام چه جور باید در ایران پیاده بشود. اینها بسیارشان اصلا توجهی به این مسائل ندارند. وزارتخانه ها الان هیچ کدام یک وزارتخانه صحیح نیست. هر روز تقریبا از خارج به ما اطلاع می دهند که سفارتخانه کجا به چه جور است، سفارتخانه کجا، اموال ایران در سفارتخانه ها دارد از بین می رود، میلیاردها اموال ایران در آنجا هست، میلیاردها خانه هائی که ساخته شده اند، قیمت دارند، دارند از بین می روند و کسی نیست که به اینها رسیدگی کند، ما نداریم کسی که رسیدگی کند. الفاظ زیاد است هی می آیند همه جا درست شد، همه چیز شد، لکن واقعیت ندارد. باید یک هیاتی از طرف مجلس تعیین شود از اشخاص قاطع، راه بیفتد دور ممالکی که سفارتخانه داریم سفارتخانه ها را اصلاح کنند، این اشخاص سازمانی، این اشخاص فاسد را کنار بگذارند که سفارتخانه یک سفارتخانه انسانی بشود.

سفارتخانه حالا در هر جا که دست رویش می گذارند فاسد است، هر جا که دست می گذارند جز خوردن و خوراک و جز تفریح و فحشا چیزی در آن نیست. اینها باید اصلاح شود، این نمی شود که

تقریباً قریب دو سال است که می‌گوئیم جمهوری اسلامی، هیچ چیز اسلامی نباشد هر جای آن دست بگذاریم می‌بینیم خراب است، اینجا هم وزارتخانه اش همین طور. این نمی‌تواند دوام پیدا بکند ما نمی‌توانیم تحمل کنیم این مطلبی را که آقایان می‌خواهند با آن مغزهایی که در اروپا تربیت شده است درست بکنند. ما می‌خواهیم اسلام را چه بکنیم. یکی از اینها آمده بود گریه می‌کرد که چرا بعضی از اینها را می‌کشند، نه این آخری‌ها را، آنهایی که آقای خلخال می‌کشند. اینها باز توجه ندارند که اسلام در عین حالی که تربیت است، یک مکتب تربیت است لکن آن روزی که فهمید قابل تربیت نیست، 700 نفرشان را در یک جا، یهود بنی قریظه را در حضور رسول الله می‌کشند گردن می‌زنند به امر رسول الله. اینها همین حرف غربی را می‌زنند که ما باید اصلاح کنیم، اول همه را اصلاح کنید بعد حد بزنید، این عجیب است که اول ما باید این مملکت را همه را هدایت کنیم که همه تربیت بشوند، بعد حد بزنیم. اگر یک کسی حالا شرب خمر کرد، حالا حدش نزنیم، اول چیزش بکنیم تا مغزش اصلاح بشود. اینها یک حرف های غلطی است، باید حدود جاری بشود، باید وزارتخانه‌ها اصلاح بشود.

مجلس امروز رسمیت پیدا کرد. با رسمیت مجلس، دیگر باید تمام امور را مجلس اصلاح بکند، یعنی با تمام قدرت، دولتی که تعیین می‌کند، دولت صد در صد اسلامی دارای قدرت باشد و کارهایی را که می‌کند دولت، همین طور کارهایی که در وزارتخانه‌ها می‌شود، کارهایی که در استان‌ها می‌شود، همه تحت نظر باشد و مجلس بازخواست کند از اینها، بخواهد اینها را و استیضاح کند اگر یک وقت خطا کردند، کار را درست انجام بدهند. اگر ارتش ما کارش را درست انجام داده بود که ما حالا باز گرفتار بلوچستان نبودیم، گرفتار کردستان نبودیم. اینها کارها را درست انجام نمی‌دهند زحمت کشیده اند البته من نمی‌خواهم تقدیر نکنم از زحمت‌هایی که کشیده شده است لکن مسامحه دارد می‌شود رها می‌کنند دنبالش را. باید استیضاح بشود که چرا این 14 نفر آدم در آنجا کشته شده اند، با چه وضع اینجا کشته شده اند، چرا باید اینطور بشود؟ اینهایی که در این کوهستان می‌رفتند و برای خودشان چیز کرده اند، چرا رهایشان کرده اند؟ چرا نمی‌روند پاکسازی کنند؟ همه این حرف‌ها برای این است که ما نه رؤسای ارشمان یک اشخاصی هستند انقلابی و نه وزارتخانه‌هایمان اینطورند و نه یک دولت انقلابی ما داریم و نه هیچ کدامان، انقلابی نیستیم ما و صدمه خواهیم خورد و صدمه خوردیم. تا کی ما عزا بگیریم؟ تا کی ما مجلس عزا بگیریم؟ تا کی این جوان‌های بیچاره ما تلف بشوند و باز هم قدردانی از آنها نشود و توی سرشان زده بشود؟ هی کشته بدهند و هی تو سری بخورند، هی کشته بدهند و هی تکذیب بشوند. تا کی ما باید اینها را تحمل بکنیم؟ باید این کارها اصلاح بشود.

قضاوت در اسلام باید به دست اسلام شناس باشد

از جمله اصلاحات همین اصلاحات قضاوت است. قضاوت در اسلام نمی‌شود دست اینها باشد، دست این جمعیتی که حالا هست. کدام یکی اینها قاضی اسلامی هستند؟ کدام اینها، شما

تشخیص می دهید که اینها قضاوت به آن ترتیبی که اسلام گفته قضاوت، قضاوت بکنند؟ حالا ما می گذریم از اینکه خیر، مجتهد جامع الشرایط، ما به اندازه این، قضات نداریم، به اندازه احتیاج نداریم. اما اشخاصی باشند که توجه داشته باشند به قضاوت اسلامی، بتوانند بفهمند این مقدار ولو از روی - فرض کنید - تقلید بتوانند بفهمند که قضاوت چه است، وضع قضاوت اسلامی چیست. اگر ما بخواهیم مسامحه کنیم در قضاوتش، در عرض می کنم پاکسازی آنجا مسامحه بکنیم، تا آخر ما گرفتار هستیم قضاوتمان گرفتار است - عرض می کنم که - ارتشمان هست، همین طور همه سازمان ما هست. ما باید از حالا به بعد اینطور رفتار نکنیم که تا حالا کردیم، تا حالا خطا کردیم، این خطا را باید جبران بکنیم و باید با کمال قدرت تمام این کارها عمل بشود و ما با هیچ کس قوم و خویشی نداریم. ما با اسلام، مطیع اسلام هستیم و احکام اسلام را می خواهیم جاری بکنیم. اگر در وزارتخانه ای، اگر در جانی احکام اسلام بخواهد جاری نشود، ما در وزارتخانه را می بندیم. وزارتخانه ای که ضرر داشته باشد برای اسلام، برای حکومت اسلامی، به چه درد ما می خورد. بودجه را تصویب می کند شورا، آقای مثلاً- وزیر بودجه نمی دهد، آنجا به هم می خورد، آن وضع به هم می خورد. وضع اینطوری است که اشخاصی هستند افکارشان افکار انقلابی نیست افکاری است که می گویند نه، ما باید حالا با مسامحه، با چه، با چه رفتار کنیم.

ما اسلام را می خواهیم و از ملی گرایی سیلی خورده ایم

این اشخاصی که انقلابی نیستند باید در راس وزارتخانه ها نباشند و آقای بنی صدر باید امثال اینها را معرفی به مجلس نکند و اگر کرد، مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکند الا اینکه وزیری باشد که کارآمد باشد، اسلامی باشد، مسامحه کار نباشد، انقلابی باشد تا یک مملکتی ما دستمان باشد. اگر بنا باشد اینطوری باشد باید ما عزای اصل جمهوری را بگیریم، عزای اصل همه مسائل را بگیریم. آقایان سر یک ملی شدن چیز، امروز دیدید که التماس می کنند که بگذارید یک قدری بگذرد، یک قدری بگذرد بینیم ملی چطوری است. ما چقدر سیلی از این ملیت خوردیم. من نمی خواهم بگویم که در زمان ملیت، در زمان آن کسی که اینهمه از آن تعریف می کنند، چه سیلی به ما زد آن آدم، من نمی خواهم بگویم که طلبه های مدرسه فیضیه را به مسلسل بستند در آن زمان، همانطور که در زمان پهلوی بستند که من و آقای حائری بالای سر این جوان هائی که از مدرسه فیضیه به تیر بسته شده بودند، رفتیم و اطباء جرات نمی کردند بنویسند این زخمی شده است. بروند کنار اینها، بروند گم بشوند اینها، اینها منحل باید باشند. ما نمی توانیم تحمل کنیم به اینکه هر کس هر جوری دلش می خواهد (خیر، من دلم می خواهد که حالا دموکرات باشد، من دلم می خواهد که ملی باشد، من دلم می خواهد که ملی و اسلامی باشد) ما از اینها ضربه دیده ایم، ما اسلام را می خواهیم، غیر اسلام را نمی خواهیم، مجلس باید اسلامی باشد، مجلس باید افکارش افکار اسلامی باشد تا ما بتوانیم چه بکنیم. من نمی توانم تحمل بکنم که اینقدر ما جوان هایمان از بین بروند برای اینکه ما مسامحه داریم می کنیم مسامحه ها از کار باید بروند و باید

حالا که مجلس تأسیس شد و مجلس رسمیت پیدا کرد، همه امور باید بر نظارت مجلس به روال خودش بگذرد و با جدیت و با قاطعیت و بدون مسامحه، هر کس خلاف کرد بخواهند او را و اگر خلافی واقعا کرده بدهند او را دست دادگاه ها و دادگاه ها محاکمه اش کنند.

از اینجهت حالا عرض می کنم تمام کمیته ها در سرتاسر مملکت باید به قدرت خودش باقی باشد، تمام سپاه پاسداران در سرتاسر کشور باید به قدرت خودش باقی باشد، تمام دادگاه های انقلابی در سرتاسر مملکت باید به قدرت خودش باقی باشد. باید دادگاه ها با همان قدرت باشند منتها بر شماهاست، بر آقایان است که اگر چنانچه یک قاضی نمی تواند قضاوت بکند یا منحرف است، عوضش بکنید اما اینها باید، این نهادهای انقلابی تمامش باید بدون اینکه دستی به آنها زده شود تمام اینها باید سر جای خودش باشد و کارها به طور انقلابی بگذرد. ما نمی توانیم این کارها را به آنطوری که فرض کنید که حالا دادگستری سابق می خواسته بگذرانند بگذرانیم. این انقلاب است انقلاب غیر آنطوری است و ما خطا کردیم، انصافا خطا کردیم که اینطور عمل کردیم. از این به بعد باید این خطا نشود و عمل شود، به طور قدرت عمل بشود، به طور قاطعیت عمل بشود. این حرفی است که من عرض می کنم، آقایان هم البته موافقند با همین حرف، از اول هم موافق بودید و باید از این به بعد هم این عمل همین طور باشد.

ص: 257

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای نگهبان

شورای نگهبان باید ناظر بر قوانین مجلس باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

شما ناظر بر قوانین مجلس باید باشید و باید بدانند که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمائید که صد در صد اسلامی باشد. به هیچ وجه گوش به حرف عده ای که می خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، ندهید، قاطعانه با اینگونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنان حرفی می زنند که بر خلاف اصول قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید و لو اینکه تمام بر شما بشورند. انبیا همین طور عمل می کردند، مثلاً موسی در مقابل فرعون مگر غیر از این کرد؟ مگر موافقی داشت؟ بحمدالله مجلس ما مجلسی است اسلامی و قوانین خلاف اسلام تصویب نخواهد شد ولی شما وظیفه دارید ناظر باشید. خلاصه گوش به حرف طبقه مرفه مترقی ندهید. خدا انشاءالله با ماست. اگر ما عملمان برای خدا باشد، خدا ما را موفق می کند.

سپس یکی از فقهای شورای نگهبان راجع به تغییر نام مجلس شورا گفت، که امام در پاسخ فرمودند. این تغییر نیز چون ماده ای تصویب نشده است که نام مجلس، مجلس شورای ملی باشد، بلکه تازه مجلس می خواهد نامی برای مجلس شورا انتخاب کند و انتخاب می نماید. چقدر بگویم از این حرف ها نترسید. اینها حالا که دیدند نمی توانند به طور کلی منکر اسلام شوند می خواهند نام اسلامی به آن اضافه کنند، بعداً نام اسلامی را حذف کنند و بروند سراغ حرف های خودشان. محکم باشید و به چیزی به جز اسلام و قرآن اصولاً فکر نکنید.

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مهاجرین نوسود و فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان پاوه .

همه مسلمان های شیعه ، سنی ، حنفی ، حنبلی و اخباری با هم برادر هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان سنی ، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند . اصلا طرح این معنا ، از اول درست نبود . در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند ، این مسائل نباید طرح شود . ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی ، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند اینها شدند شیعه . اینها دلیل اختلاف نیست ، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم . ما همه با همه برادریم . برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند . امروز اختلاف بین ما ، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق . آنها می خواهند نه این باشد نه آن ، راه را اینطور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند . ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم . امیدوارم که شما در این جمهوری که مال خودتان است به یک دسته خاص ، چون جمهوری اسلامی است هیچ خدشه ای واقع نشود . موفق و مؤید باشید . و البته راجع به این مسائلی که در کردستان و یا در اطراف منطقه شما هست این مسائل حل می شود و می آیند اصلاح می کنند و تمام می شود . من دعاگوی تمام شما هستم و امیدوارم که همه ما در زیر سایه اسلام و بیرق توحید ، با هم مقابل آنهایی که برادرهای ما را در آنجا بازی دادند و کشاندندشان به جاهای دیگر بایستیم و البته اعلام شده است که هر کدام به آغوش اسلام برگردند و اسلحه را زمین بگذارند ، از خود ما هستند و همانطور که من اسلحه ندارم دعاگوی شما هستم آنها هم اسلحه نداشته باشند . هیچ ابدا اختلافی نیست و دیگر تعرضی بوجود نخواهد آمد . موفق باشید انشاءالله .

تاریخ: 1/5/59

نامه بنی صدر به محضر امام خمینی

بنی صدر طی ارسال نامه ای به محضر امام امت ، حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی را برای مقام نخست وزیری پیشنهاد می کند و از امام در این مورد نظرخواهی می نماید .

پاسخ امام :

بسمه تعالی

بنا ندارم اشخاص منسوب به من متصدی این امور شوند . احمد خدمتگزار ملت است و در این مرحله با آزادی بهتر می تواند خدمت کند .

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 260

بیانات امام خمینی در جمع جانشین ستاد مشترک و فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی

ما امروز در همه ارگان های دولتی احتیاج به تقویت داریم

بسم الله الرحمن الرحيم

من بسیار متأسفم از اینکه گاهی به واسطه خیانت یا ندانم کاری های بعضی از ارتشی ها ، این بهانه به دست اشخاص فاسد می دهد که ارتش را تضعیف کنند . ما امروز در همه ارگان های دولتی و ملی احتیاج به تقویت داریم . این مسائلی که گاهی می شود ، تضعیف ارتش و ژاندارمری و قوای مسلح است ، این از جانب ملت نیست ، این از جانب آن گروهی های است که می خواهند تضعیف کنند روحیه همه ارتش را و همه ملت را که دنبال این اگر خدای ناکرده مطلبی واقع شود ، آنها تضعیف شوند و این موجب تأسف است . و امروز مملکت ما با این وضعی که دارد احتیاج به همفکری دارد و همکاری احتیاج به نظم دارد اگر در یک کشوری نظامش تحت قواعد و تحت مسائلی که در نظام مطرح است ، از اینکه فرمانده وقتی فرمان داد باید اطاعت شود ، فرمانده کل قوا وقتی امری کرد باید اطاعت شود ، فرماندهان هنگ ها و یا سایر جاها وقتی امر کردند باید اطاعت شود ، اگر این معنا نباشد در نظام ، این نظام نیست دیگر . اگر یک نظامی خودش بین خودش یک بی نظمی ها باشد ، اگر قوای مسلح در بین خودشان هماهنگی نباشد ، ما نیز توقع نداشته باشیم که کشور ما به پیش برود . تمام این مسائل را برای ما پیش می آورند . صد نفر یا دویست نفر فرض کنید که در یک گروهی وقتی فاسد شدند و خیالی داشتند ، در عین حالی که خود ارتش با قدرت جلو آنها را گرفته است و کشف اینطور توطئه ها را کرد و همین طور پاسدارها هم کمک کردند و همه با هم این توطئه را خنثی کردند ، نباید در نظر اشخاص بیاید که ارتش ما چطور است . این ارتش ما همان است که خودش این کار را کرده و همان است که خودش کردستان را و جاهای دیگر را به قوه خودش و با هماهنگی با سپاه پاسداران کارها را انجام داده اند . من متأسفم از اینکه هر جا انسان نگاه می کند و دست می گذارد اشخاصی هست در آن و یک عده اقلیت هایی هستند در آن که می خواهند ضایع کنند آنها را ، حتی در مجلس ، دولت که می خواهند تعیین کنند ، یک جور برخوردهایی من می بینم که این برخوردها ، برخوردهایی نیست که موافق با صلاح کشور باشد و موافق با اسلام باشد . ما امروز اگر چنانچه همه این ارگان ها به هم جوش نخورند و همه با هم همدست نباشند ، باید در انتظار مصیبت باشیم . باید ارتش با کمال قدرت کار بکند و تمام قوایی که در تحت نظم هستند و در تحت قوای بالا هستند و در تحت درجه دارها و افسرهای بالا هستند و

فرماندهان هستند، اینها باید اطاعت بکنند. امروز اطاعت از بالا دست‌ها یک امر شرعی است، یک مطلبی نیست که مثل سابق باشد بتوانند از زیر آن در بروند و مانعی نداشته باشد. امروز یک کسی است که بالای سر همه است و آن خدای تبارک و تعالی است که همه چیز را در ظاهر و باطن می‌بیند. اگر بخواهد این مملکت از این آشفتگی‌هایی که حالا مثلاً هست جلوگیری بکند، جز اینکه هم قوای مسلح با هم و هم مجلس با دولت، با رئیس‌جمهور، با امثال ذلک با هم، اگر چنانچه تشریک مساعی با هم نکنند نباید توقع داشته باشند که مملکت به پیروزی نهائی برسد. ما که الان پیروزی نهائی را به دست نیاورده ایم.

برای پاکسازی توطئه گران مفسد باید همه دست به دست هم بدهند

ما الان یک قدرتی را که مانع بود از اینکه ما هر کاری را بکنیم، از بین برده ایم. در آن هم، هم ارتش سهیم بوده است، هم سپاه پاسداران و هم ملت و هم سایر قوای انتظامیه سهیم بوده اند در این امر. ما نباید این چیزی که اینها سهیم بوده اند در آن، قدرشناسی نکنیم. ما باید قدرشناسی بکنیم. اگر یک وقتی در بین مثلاً روحانیون که دارای مثلاً چقدر جمعیت است، اگر بنا شد صد نفر از آنها ساواکی از کار در آمدند، نباید روحانیون را ما بشکنیم. اگر در بین مثلاً فرض کنید که ارگان‌های دیگر دولتی یک یا چند نفر ساواکی بمانند، نباید ما بگوئیم، همه آنجا را بگوئیم که برخلاف هستید. البته در یک رژیمی که تقریباً پنجاه، شصت سال حکومت کرده است و مغزها را به جوری تربیت کرده است که مطابق میل خودشان باشد، توقع این نیست که فوراً جمع کنند و همه چیز درست شده باشد، توقع این است که الان همه با هم دست به هم بدهند تا اینکه هم پاکسازی بشود و هم شناسائی بشوند اشخاصی که مثلاً در صدد توطئه هستند یا بوده اند و آنهایی که شناسایی شدند، خودشان تحویل بدهند این را. کرارا من گفته‌ام که اگر چنانچه مثلاً در ارتش اشخاصی هستند که برخلاف موازین هستند یا توطئه‌ای در کار دارند، یا از طاغوت هستند، یا اعتقادات آنها مضر است، یا عمل آنها عمل فاسد است، خود ارتش باید آنها را پاکسازی بکند و اگر دادگاه بخواهند از ارتش، باید ارتش اطاعت کند و خود دادگاه‌ها هم مستقیماً نروند، پاسدارها هم مستقیماً نروند. نباید یک هرج و مرجی پیش بیاید که ما برای هرج و مرج از بین برویم.

باید قوا همه با هم باشند و مراتب محفوظ باشد و سلسله مراتب محفوظ باشد و قدرت‌ها همه با هم باشند، از بالاها حرف شنوی کنند، از رئیس کل قوا حرف شنوی کنند، از رئیس‌هایی که هر کدام قوایی دارند حرف شنوی کنند تا یک مملکتی بشود با نظم. خارجی‌ها می‌خواهند که ما اینطور باشیم که هیچ نظمی نداشته باشیم و مثل جنگل با هم رفتار بکنیم تا اینکه بهانه به دست بیاورند که اینها احتیاج دارند که اینجا قیم برایشان معین کنند. ما باید الان با هوشیاری، تمام ملت دنبال سر دولت و رئیس‌جمهور و ارتش و ژاندارمری و پاسبان‌ها و پاسدارها باشد و همت ملت، و یک مملکتی که ملتش دنبال سر قوای انتظامی و قوای مسلحش باشد هیچ آسیبی نمی‌بیند.

اگر چهار نفر آدم در جایی فاسد شد این دلیل نیست که همه فاسدند . خوب در بین روحانیون هم فاسد هست ، حالا باید بگوئیم که همه روحانیون فاسدند؟! در بین تجار هم فاسد هست ، حالا باید بگوئیم همه تاجرها فاسدند؟! البته در هر جمعیتی یک اشخاص فاسد هست . البته ارتش موظف است که پاکسازی بکند و اهمال نکنند که این اشخاصی که با ما نظر دارند ، نظر سوء دارند و می خواهند توطئه کنند (بگوئید ارتش اعتنائی ندارد به اینکه پاکسازی شود) برای اینکه تضعیف کنند ارتش را ، ارتش باید پاکسازی بشود . خودتان باید شناسائی بکنید و همین طور ژاندارمری باید شناسائی بکند و همین طور پاسدارها و همه . این یک مسأله ای است عمومی و یک مملکتی است مال همه شماها . مملکت الان مال خود شماست اینطور نیست که مثل سابق باشد که شماها زحمتش را بکشید ، منافعش را امریکا و شوروی ببرند . حالا شما هر زحمتی بکشید ، منافعش را ملت شما و خود شما می برید .

ما باید خودمان را فانی کنیم تا مکتبمان پیش برود

بنابراین باید همه این قوا با هم مجتمع بشوند و همه تقویت بکنند همدیگر را . مجلس باید تقویت بکند همه قوای مسلحه را ، دولت را ، رئیس جمهور را تقویت بکند ، رئیس جمهور هم باید تقویت بکند اینها را . ارتش باید از رئیس جمهور اطاعت بکند چون رئیس کل قواست ، رئیس جمهور هم باید با آنها پدرانۀ رفتار بکند . اسلام است ، اسلام وضعش غیر از آن چیزهای دیگری است که می خواهند قدرت نمائی بکنند و خودنمایی بکنند و هر کس خودش را نمایش بدهد . ما همه باید خودمان را فانی کنیم و همه ما دنبال این باشیم که مکتبمان پیش برود ، نه دنبال این باشیم که خودمان پیش ببریم . ما فردی نداریم ، ما هر چه هستیم مکتبمان هست . وقتی مکتب مطرح است من و شما و آقا و دیگران ، همه ارگان دولتی و همه اینها باید خود را کنار بگذارند دنبال مکتب باشند ، خودشان را فانی کنند در مکتبشان همانطور که در صدر اسلام بوده است . صدر اسلام این مسائل نبوده است که هر کسی بخواهد خودش را پیش ببرد ، هر کسی می خواسته مکتبش را پیش ببرد . از این جهت پیش هم بردند ، در عین حال که ضعیف بودند قوای بزرگ را از بین بردند .

حالا الحمدلله شما قوی هستید ، سی و پنج میلیون جمعیت پشت سر شماست ، شما از چه می ترسید ، از هیچ چیز نباید بترسید . سی و پنج میلیون جمعیت امروز پشت سر شماست که اگر خدای نخواسته اگر صدایی در یک جایی بلند بشود این سی و پنج میلیون جمعیت همه با هم همصدا پشتیبانی می کنند از شما . بنابراین نباید ما بترسیم از اینکه توطئه در کار است . باز هم توطئه در کار است ، باز هم هست . نخیر هیچ توطئه ای ، هیچ کاری نمی توانند بکنند . اینها همه قدرت خودشان را روی هم گذاشته اند و الحمدلله شکست خوردند و رفتند سراغ کارشان و بعد هم به این زودی ها نمی توانند خودشان اجتماع کنند ، دنبال این هستند که یک سوراخی پیدا بکنند و فرار کنند . نترسید از اینکه گفته می شود باز هم توطئه است یا فرض کنید بختیار در خارج است . اینها می خواهند روحیه ها را سست کنند و ما را تضعیف کنند و به واسطه تضعیف اگر یک وقتی بعد از پنج سال دیگر توانستند یک

برای پیشرفت کشور باید در عین همراهی با هم ، هر کس وظیفه قانونی اش را انجام دهد

لکن وقتی یک ملت همراه است با هم ، امروز قضیه ، قضیه ملت است ، شما به عنوان ملت هستید ، شما الان جدا از ملت نیستید ، شما آن هستید که وقتی وارد می شوید پیش ملت ، برای شما گل می بارند و ملت هم این است که شما به او نمی خواهید زور بگوئید ، شما با ملت برادر هستید و همه با هم هستید . باید همه این قوا دستشان را به هم بدهند . این یک واجب شرعی است برای همه .

یک واجب شرعی است برای وکلای مجلس که با دولت و با رئیس جمهور همراهی کنند ، این یک تکلیف شرعی است برای رئیس جمهور و دولت که باید با مجلس همزمان باشند و هماهنگ باشند . اگر هماهنگ باشیم ما برده ایم و اگر بنا باشد هر کس از یک طرف بدود ، او بخواهد خودش را نمایش بدهد و او بخواهد خودش را نمایش بدهد ، هر کس بخواهد یک طرف برود ، پاسدارها بخواهند فرض کنید دخالت در ژاندارمری بکنند ، ژاندارمری بخواهد دخالت در کار پاسدارها بکند ، آنها بخواهند در ارتش دخالت بکنند ، کمیته ها بخواهند در جاهای دیگر دخالت بکنند ، فاسد می شود کار . هر کسی باید کار خودش را خوب انجام بدهد . اگر یک مملکتی همه گروه هایی که هستند ، همه جاهانی که اشخاص هستند و گروه ها هستند ، کار خودشان را خوب انجام دهند ، یک مملکت منظم می شود ، یک مملکتی می شود که پیشرفت می کند اما اگر بخواهد هر کس در کار دیگری دخالت بکند ، من بیایم در کار شما دخالت بکنم شما بیاید در کار من دخالت کنید ، نه من می توانم کارم را انجام بدهم نه شما می توانید کارتتان را بکنید . این یک وظیفه شرعی الهی است که من به همه می گویم ، نه مخصوص شما ، برای همه است این ، برای پاسدارهاست ، برای پاسبان هاست ، برای ارتش است ، برای ژاندارمری است ، برای مجلس است ، برای دولت است ، برای رئیس جمهور است . این یک مسأله شرعی است . همه مکلفند شرعاً این کار را انجام بدهند و این چیزی که من می گویم این است که لازم است این و باید بشود ، هر کدام به وظایف قانونی خود باید عمل کنند . قانون برای همه وظیفه معین کرده . اگر یکی دست از قانون بردارد و بخواهد دخالت به کار دیگری بکند ، برخلاف شرع عمل کرده و آنوقت ممکن است که برخلاف شرع وقتی عمل کرد از باب نهی از منکر نسبت به او کاری انجام دهند . آقای رئیس جمهور همان کاری که قانون برایش معین کرده ، آن همان کارهای مهمی که قانون برای او آورده ، آن کار را خوب انجام دهد . مجلس آن وظایفی را که قانون برایش معین کرده همان را درست بکند ، دیگر مجلس دخالت نکند در اجراء قوه مجریه و قوه قضائیه . قوای قضایی سرجای خود کار قضایی را انجام دهند و این کار مهمی است . قوای مقننه باید کار تقنینیه شان را انجام بدهند و این کار مهمی است . دولت مجری است و باید کار خودش را انجام بدهد و این کار مهمی است . ارتش باید کار خودش را انجام بدهد به آن حدودی که موظف است و این کار مهم است . اگر بنا باشد هر کدام در کار

یکدیگر دخالت نکنیم که این مملکت نمی شود . یک بازاری بیاید در ارتش دخالت نکند ، یک بازاری در فتوا دخالت نکند ، نمی شود ، نمی شود این . ارتش بیاید در فتوا دخالت نکند ، اهل فتوا بیایند در ارتش دخالت نکنند ، این معنایش این است که هیچ کدام کار خودشان را نمی توانند انجام دهند .

در عین حالی که از همه شما تشکر می کنم لکن به شما تذکر می دهم که نظم را حفظ کنید ، سربازها نظم را حفظ کنند ، پاسدارها نظم را حفظ کنند ، پاسبان حفظ نکنند ، اگر نظم حفظ نشود مملکت ما ممکن است خدای نخواستہ آسیب ببیند و من امیدوارم که دیگر آسیبی برای این مملکت واقع نشود برای اینکه ما برای خدا می خواهیم انجام وظیفه کنیم و خدا را همه در نظر داشته باشید . خدا حاضر است ، ناظر است ، اعمالتان را می بیند . شما تنبه پیدا کنید از اینهایی که در این مملکت آن قدرت ها را به خرج دادند و آن فسادها را ، حالا هم در بستر بیماری افتاده اند الان برایشان مرگ عروسی است . توجه داشته باشید به اینکه یک عالم دیگری در کار است . ما مسؤول هستیم پیش خدای تبارک و تعالی ما امانت داریم الان ، اسلام و کشور اسلامی امانت است پیش ما ، این امانت را هر یک از ما اگر بخواهیم یک خلافتی در آن بکنیم خیانت است و جواب باید بدهیم . در پیش اسلام این نباشد که هر کدام دیگری را بکشیم ، هر کدام مفسده دیگری را ، فساد دیگری را بگوئیم . باید همه ما دست به دست هم بدهیم ، هم پاکسازی با کمال قدرت و هم دوستی و مهربانی با کمال قدرت . انشاءالله خدا همه شما را حفظ کند موفق و موید باشید و اینکه مملکت تان را خودتان انشاءالله به پیش ببرید . پیش خدا همه ما روسفید باشیم انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 265

بیانات امام خمینی در جمع علما و روحانیون مناطق ترکمن صحرا، گنبد، کلاله، مراد تپه و گالیکش

جمهوری اسلامی باید بر وفق موازین شرعی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از برکات این نهضت این است که ما سابقاً با آقایان، علماً بزرگی که در اطراف کشور بودند، ملاقات نمی کردیم و نمی شناختیم ولی حالا از نزدیک می آیند ملاقات و زیارتشان می کنیم و به آنها دعا می کنیم و از آنها هم دعا خواهیم. آنچه که راجع به این گروه هائی که به عناوین مختلف در اطراف شما هستند، نوشتید، مع الاسف اینها در همه ایران هستند و اینطور که احساس می شود در بین اینها اشخاصی هستند که می خواهند کاری بکنند که این نهضت را در بین مردم ایران بد جلوه بدهند. ما همانطوری که تاکنون قلم ها و صحبت ها به صورتی واقع می شده است که می خواسته اند این نهضت را در خارج از کشور بد جلوه بدهند، حالا می فهمیم این گروه های مختلفی که در اطراف، به اسم های مختلف مشغول فعالیت هستند و به اصطلاح خودشان گروه های اسلامی هستند، افراد غیر اسلامی در آنان وجود دارد و بنای آنها بر این است که در خود کشور هم مردم را به نهضت بدبین کنند. باید وقتی که مجلس شروع به کار کرد، مسائل و کارهای شما، این گروه ها، در مجلس انعکاس پیدا کند و مجلس آنها را بخواهند، از آنها بازخواست نمایند. این منحصر به گنبد و اطرف گنبد نیست، هر جایی که الان آنها مشغول فعالیت هستند، گاهی فعالیت های برخلاف موازین شرع صورت می گیرد.

جمهوری اسلامی باید بر وفق موازین شرعی باشد. الان از طرف آیت الله آقای گلپایگانی، آقازاده شان آمده بود اینجا، ایشان هم راجع به این مسائل ناراحت هستند، سایر علماً اسلام هم ناراحت هستند. باید مجلس رسیدگی کند و افرادی که بنای آنها بر این است که به اسم اسلام کارهایی انجام دهند که برخلاف اسلام است و یا موافق با مارکسیسم و کمونیسم است، جلوی آنها را بگیرد. دولتی که حالا انتخاب خواهد شد باید افرادی باشند که به اسلام عقیده داشته باشند و گرایش به مکتب های انحرافی نداشته باشند. در هر صورت مسائلی است که باید درست طرح کند و مجلس رسیدگی نماید و اگر چنانچه چیزی برخلاف موازین شرع از مردم اخذ شده است، برگرداند و اگر اشخاصی بر خلاف اسلام عمل کرده اند، تربیت و بازخواست شوند. امیدوارم که انشاءالله در این مجلس که اکثراً افرادش مردم صالحی هستند و شورای نگهبان هم از علما هستند، به این امور رسیدگی کنند و طرح هایی که دولت می دهد و چه طرح هایی که دولت قبلاً داده است باید در مجلس رسیدگی بشود، هر

طرحی که مخالف با اسلام است باید رو بشود . امیدوارم مجلس به این امور رسیدگی کند . من هم پیشنهاد به آنها می کنم که رسیدگی صحیح کنند و هر یک از پیشنهاداتی که قبلا شده و آن چیزهایی که گذشته است ، اینها بخوانند و مطالعه کنند و شورای نگهبان هم مواظبت بکنند که هیچ کلمه ای مخالف با اسلام نباشد . ما می خواهیم جمهوری اسلامی و اسلام باشد . امیدوارم که همه شما موفق باشید و در این ماه مبارک رمضان از برکات لیلة القدر محروم نباشید . خداوند همه شما را انشاءالله حفظ بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 267

بیانات امام خمینی در دیدار با اسقف هیلارین کاپوچی

آقای پاپ باید طرفدار مظلومان باشد، نه ظالمان

بسم الله الرحمن الرحيم

این دفعه دومی است که آقای پاپ برای من کاغذ می دهند و اشخاص را می فرستند. دفعه اول برای آن لانه جاسوسی بود که جوان های عزیز ما اطلاع پیدا کردند که این مرکزی که در ایران به اسم سفارت آمریکا هست سفارتخانه نیست و اشخاصی که در آنجا هستند اشخاص دیپلمات نیستند بلکه جاسوسانی هستند که در یک مرکز جاسوسی متمرکز هستند و برای ضرر ملت ما، کشور ما در آنجا مجتمع هستند و آقای پاپ شاید ندانسته توصیه کردند برای آنها و من در آنوقت مفصل تنبیهاتی به ایشان دادم. و این دفعه برای مدارس خودشان به اسم مدرسه اندیشه کاغذ نوشته اند و رسول فرستاده اند و از ما سفارش خواسته اند برای اینکه مدارسشان در اینجا باشد. ما با نصاری و با یهود و با سایر اقشار ملت ها هیچ دشمنی نداریم و از مدارس به هیچ وجه جلوگیری نمی کنیم، مادامی که مدرسه باشد و برای تعلیم و تعلم باشد، حالا چه تعلیم و تعلم دستورات مسیح علیه السلام یا دستورات دیگران، لکن اگر ما فهمیدیم که در ایران مدارس طور دیگری هست، آنجا هم نظیر همان لانه جاسوسی است، نمی توانیم تحمل کنیم که در مملکت ما به اسم تعلیم و تربیت و به اسم مدارس، یک امور دیگری انجام بگیرد و البته این با دولت است که در این موضوع تأمل کند و این موضوع را درست بررسی کند. اگر چنانچه مدارس، مدارس همانند، برای تعلیم و تربیت هستند، هیچ ممنوعیتی ایجاد نخواهد شد و اگر چنانچه خدای نخواستہ این مدارس هم یک وضع دیگری دارند و به اسم مدارس هستند، آن هم ملت ما تحمل می کند و ما نمی توانیم تحمل کنیم.

و من باید این مطلب را برای آقای پاپ به وسیله شما پیام بدهم که شما آیا از اوضاع این آمریکا و این اشخاصی که خودشان را منتسب کرده اند به مسیحیت بی اطلاع هستید یا اینکه مطلع هستید و بدون اینکه توجهی به آن بکنید از آن می گذرید؟ آیا شما مطلع هستید که ما پنجاه سال در تحت سلطه انگلیس و آمریکا تمام هستی مان به باد رفت؟ شما توجه دارید به اینکه کشور ما در تحت سلطه ای که توسط رضاخان، انگلیس ها به ما تحمیل کردند و توسط محمدرضا که انگلیس ها و آمریکائی ها و شوروی ها به ما تحمیل کردند، اینها چه کردند با مملکت ما، با کشور ما؟ شما آیا داد مظلوم ها را هیچ وقت بنای تان هست که گوش کنید؟ یا همان فریاد ظالم ها را به آن ترتیب اثر می دهید؟ شما می دانید که با

این جوان های ما ، با این دخترها و پسرهای دانشجوی ما الان آمریکا چه می کند و پلیس آمریکا با آنها چه کرده است ؟ می دانید که خائن هائی که می خواستند در امریکا بر ضد کشور مظلوم ما میتینگ بدهند و تظاهر کنند پلیس امریکا حمایت از آنها کرد و آنها کارهای خودشان را کردند و وقتی دانشجویان مسلمان ما که می خواستند آنها هم یک تظاهری بکنند و مظلومیت ملت ما را برسانند پلیس آمریکا چه کرد با آنها ؟ آیا آقای پاپ می دانند که الان جوان های ما در غل و زنجیرند با دنده های شکسته ، بعضی در حال بیهوشی هستند و دخترهای جوان ما در حبس ، در غل و زنجیر هستند و بعضی در حال بیهوشی ؟ ایشان این مسائل را اصلا توجه به آن دارند ؟ توجه به این دارند که حضرت مسیح علیه السلام با بشر چه جور بود و شما که مدعی نیابت از او هستید توجه به این مسائل هیچ نمی کنید ؟ کاش یک پیکی هم برای کارتر ایشان می فرستادند . کاش شما را می فرستادند با یک نامه ای پیش کارتر که با این جوان هایی که می خواهند احقاق حق بکنند ، خواهند مظلومیت ملت ما را اظهار کنند ، آنها را گرفته اند و از حبسی به حبس دیگر می برند و دست و پای آنها را غل زده اند ، زنجیر زده اند و دنده آنها را با چکمه شکسته اند و الان هم آنها در زیر زنجیر آنها و در زیر چکمه دژخیمان کارتر و امریکا از بین دارند می روند . من چطور جواب ملت را بدهم که ملت ما اگر بگویند که این روحانیت مسیح در خدمت ابرقدرت هاست ، ما چطور جواب آنها را بدهیم ؟ من متأسفم که نمی توانم جواب اینها را بدهم برای اینکه اگر من بخواهم دفاع کنم از روحانیت مسیح ، علائمی که در کار است ، شواهدی که در کار است ملت ما برای ما آن شواهد را به رخ ما می کشند . چرا باید ایشان در این مدت طولانی که ما در زیر رنج بودیم و جوان های ما را در خیابان های ایران می کشتند و خون آنها را روی آسفالت ها جاری می کردند ایشان یک کلمه سفارش اینها را نکنند ؟ این تبعیض را چرا ایشان قائل هستند ؟ مگر حضرت مسیح تعلیماتش تعلیمات تبعیضی است ؟ مگر حضرت مسیح با یک طایفه خوبند و آن ثروتمندان ؟ و با طایفه دیگر بد هستند و آن مظلومان و اشخاصی که بیچاره و فقیر هستند ؟ که شما دارید این کار را می کنید . من می دانم که مذهب مسیح این نیست و هر کس که دنبال مسیح باشد باید حامی مظلومان باشد و باید با ابرقدرت ها مقابله کند ، همانطوری که کسی که تابع مذهب اسلام است باید با ابرقدرت مخالفت کند و مظلومان را از زیر چنگال اینها بیرون بیاورد . چرا باید آقای پاپ احوالی از این دخترها و پسرهایی که امروز ، الان که من دارم با شما صحبت می کنم در حبس ها و زنجیرها و گرفتاری ها و شکنجه ها بسر می برند ، ایشان یک کلمه راجع به این مسائل صحبت نکنند ؟ چرا نباید به این اشخاصی که خودشان را مسیحی می دانند و خودشان را اهل کلیسا می دانند یک کلمه نگویند که که شما مسیحی هستید چرا این کارها را می کنید ؟ من جواب این مظلوم ها را چه بدهم ؟ اینها که به ما اشکال می کنند که شما طرفدار روحانیت هستید و این روحانیت هیچ کلمه ای در مقابل قدرت های بزرگ و ظلم هایی که بر مردم می شود ، بر مظلومین می شود ، حتی ظلم هائی که بر خود اشخاصی که در آمریکا هستند می شود ، یک کلمه صحبت نمی شود و یک پیام فرستاده می شود و یک رسول فرستاده نمی شود لکن وقتی که یک لانه جاسوسی را ما می گیریم که جاسوسیتش مسلم است ، ایشان رسول می فرستند و نامه می فرستند و

حالا هم که مدارس اینجا، مدارس علمی شان اینجا هست و اشخاص می گویند (من این را مطلع الان نیستم) اشخاص که رفته اند و دیده اند می گویند اینجا هم مرکز تعلیم و تعلم نیست بلکه مرکز دیگری است، الان ایشان حالا باز نامه فرستاده اند و سفارش کرده اند. مگر ما با علم مخالفیم؟ مگر ما با تعلیمات مخالفیم؟ مگر ما با مدارس مخالفیم؟ با مدارس نصاری، با مدارس زرتشتی، با مدارس یهود ما کی مخالف هستیم؟

اما اگر مدارس جور دیگری باشند، ما نمی توانیم تحمل بکنیم. ایشان اول باید ببینند این مدارس چه بوده است، بفرستند اشخاص را مشاهده کنند که این مدارس چه وضعی داشته است که دولت ما نتوانسته تحمل کند و البته این با دولت است لکن آنچه که من به شما می گویم که به آقای پاپ بگوئید این است که شما رویه خودتان را که روحانی هستید عوض کنید و با مظلومین و با اشخاصی که زیر چکمه امریکا دارند از بین می روند و با این دختر و پسرهای جوان ما که الان در حبس های امریکا بسر می برند و آنها را از یک حبسی به حبس دیگر و اخیرا در یک سلول های منفرد آنها را حبس کرده اند، پرسند چرا این کار شده است. چرا گوشمان نمی شنود یک وقت از آقای پاپ که طرفداری مظلومینی که مال ایران هست یا افرادی که در خود مملکت امریکا هست و تحت ظلم و شکنجه هستند یک بازخواستی نمی کند؟ شما از قول من به ایشان سلام برسانید و بگوئید که این رویه را طرد بکنید، شما طرفدار مظلوم باشید، شما طرفدار باشید از اشخاصی که چپاول شده اند، مظلومند، زیر چکمه هستند، شما از این جوان ها و دخترها و پسرهای ما که الان در زیر چکمه دژخیمان امریکا هستند طرفداری کنید، به این اشخاصی که اظهار تبعیت از شما می کنند دستور بدهید که اینها را رها کنند. ما نمی توانیم دیگر زیر بار امریکا برویم. امریکا اگر تمام افراد ما را هم از بین ببرد، دیگر نمی تواند در اینجا بیاید منافع خودش را جبران کند و منافع خودش را تأمین کند و ملت ما را به ستم و زور در تحت شکنجه و اختناق قرار بدهد. امریکا باید این را بداند که دیگر گذشته است از اینکه او خیال بکند که می تواند باز در ایران با این شیطنت ها برگردد و آقای پاپ هم سفارش کند به این امریکا که نکنند اینطور با بشر، اینطور دژخیمی نکنند با بشر، اینطور ظلم نکنند به بشر. بشر اشخاصی هستند که عبادالله هستند، بندگان خدا هستند، با بندگان خدا اینطور نکنند، اینقدر ظلم نکنند، اینقدر ستم نکنند. من امیدوارم که آقای پاپ به وظیفه دینی خودشان، به وظیفه مسیحیت خودشان عمل کنند و این کارهایی که دژخیمان امریکا می کنند و پلیس امریکا می کنند جلوگیری کنند. و ما در مقابل امریکا ایستاده ایم تا آخر و نخواهیم گذاشت امریکا باز برگردد یا آن اشخاصی که تبع او هستند برگردند و ملت ما تا آخرین نفس برای دفاع از حق حاضر است و تحت بار ظلم نخواهد رفت.

والسلام علی من اتبع الهدی

بیانات امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس

اگر مسلمین با هم اتفاق پیدا بکنند هیچ مصیبتی پیش نمی آید

بسم الله الرحمن الرحيم

روز قدس را باید مسلمان ها زنده نگه دارند . من کرارا راجع به طمع اسرائیل تنبه داده ام که اسرائیل اینطور که اکتفا کند به آن زمین هائی که غصب کرده است ، حالا دیدید که پایتخت خودش را در قدس قرار داده است . و تمام این چیزهائی که از آمریکا و از طرفدارهای حقوق بشر و از این محافل و مجالسی که در خارج هست ، اینها تمام یک شعرهای غیر موزون است و لهذا می بینید که انکار می کنند و اسرائیل هیچ اعتنا نمی کند ، تنبه می دهند ، اسرائیل آنها را محکوم می کند . این برای این است که مسأله ، مسأله جدی نیست اینطور نیست که آمریکا جدا مخالف باشد با اینکه پایتخت اسرائیل در قدس باشد و معذک اسرائیل بتواند یک همچو کاری بکند ، اینها همه یک مانور هائی است که می دهند ، یا مثلا مجالس حقوق بشر و مجالس دیگری که از همین ابواب هست در آنجا ، در آن ممالک هست ، اینها همه دستشان توی هم است و برای چاییدن ما مسلمین و کسانی که در آسیا ، در افریقا ، در آنجا هستند ، و مع الاسف مسلمین متنبه نمی شوند .

ملت ها باید خودشان راجع به این مسائل قیام کنند برای اینکه دولت ها هم غالبا الا کمی اگر باشد آنها هم دستشان با همان ابرقدرت ها توی هم هست و لهذا می بینید که اینطور جنایاتی که از آمریکا واقع می شود ، مسلمان ها یعنی دولت های اسلامی هیچ از خودشان گرایشی نشان نمی دهند ، گاهی هم اگر یکی شان یک چیزی بگوید ، یک حرفی است ، بیش از یک حرف نیست . الان شما دیدید که امریکا با این جوان های عزیز ما ، با این دخترها ، با این پسرها ، با این دانشجوهای عزیز چه رفتار و حشویه کرد و آنها چه شجاعتی در مقابل پلیس آمریکا از خود نشان دادند و در مقابل همه قدرت هائی که آنجا بود و همه پلیس ها و همه دستگاه های انتظامی ، اینها با مشت گره کرده ایستادند ، تحمل کتک ها را کردند ، تحمل جنایت های امریکا را کردند لکن از آن مسأله ای که پیش آنها مسأله بود ، اصلا نگذشتند . مسلمین باید از این جوان ها ، از این جوان هائی که از ایران در خارج هست ، چه در انگلستان و چه در اروپا و چه در امریکا هست ، تنبه پیدا کنند که باید چه کرد . ما دولت ها را از شان مأیوس هستیم لکن ملت ها میزاندند ، ملت ها در مقابل این جنایتی که امریکا کرده است و اخیرا هم انگلستان نسبت به این جوان های غیور ما ، چه نشان دادند ؟ چه عکس العملی نشان دادند ؟ اگر در بلادی باز عکس العملی

بود، از جوان های ایرانی و گاهی هم از آنها بود اما ملت ها خیلی عکس العملی نشان ندادند و این برای این است که ملت های اسلامی باز تبه به این پیدا نکردند که تعلیمات اسلام چی است .

اسلام همه مسلمان ها را وادار می کند به اینکه با هم متفق باشید، اختلاف نداشته باشید، اگر اختلاف داشته باشید، فشل می شوید و رنگ و بویتان از بین می رود و مع الاسف - با اینکه - ما می بینیم که ما هر چه مصیبت پیدا کردیم از سال های طولانی تا حالا از این اختلافاتی بوده است که در داخل خودمان بوده . دولت هائی که، دولت های ممالک اسلامی، نه دولت های اسلامی، من می توانم بگویم دولت اسلامی، چطور من به دولت عراق بگویم دولت اسلامی؟ چطور من به دولت مصر بگویم دولت اسلامی؟ این دولت هائی که در ممالک اسلامی هستند، اینها را می بینم که بر ضد مسلمین، بر ضد این مسلمینی که الان در ایران مقابل امریکا و مقابل شوروی ایستاده اند، آنها پایگاه درست می کنند برای امریکا که بیا حمله کن به مسلمین . ما چطور می توانیم امثال سادات را که پایگاه درست می کند و دعوت می کند از امریکا که هجوم کنند به ایران و به مملکت اسلامی، چطور ما می توانیم این را مسلم بدانیم؟ و چطور می توانیم عراق را، دولت عراق را مسلم بدانیم در صورتی که اسلحه می فرستند به ایران و دائما ایران را دارد مورد هجوم قرار می دهد و برای امریکا دارد کار می کند؟ و من گمانم این است که امریکا، شوروی را هم بازی داده . شوروی الان به عراق کمک می کند در صورتی که عراق آمریکائی است، نه شوروی . کمک ها را از او می گیرد که به ایران صدمه وارد کند و راه را برای امریکا باز کند نه اینکه می خواهد راه را برای شوروی باز کند . امریکا بازی داده این شوروی را هم و آنها اسلحه می دهند که برای امریکا کار می کنند . آنها به خیال اینکه این اسلحه را که می دهند به نفع شوروی هست و حال آنکه نیست به نفع شوروی . و در هر صورت مسلمین اگر چنانچه با هم اتفاق پیدا بکنند و وحدت کلمه پیدا بکنند، نه قضیه قدس پیش می آید و نه قضایای افغانستان پیش می آید و نه قضایائی که برای مسلمین در جاهای دیگر پیش می آمد و پیش می آید، پیش می آید .

تا یک دولت اسلامی به تمام معنا روی کار نیاید ما باید باز همین گرفتاری ها را داشته باشیم

باید تا کی ملت های مسلم هم در غفلت باشند؟ چرا این ملت ها در مقابل این ابرقدرت ها قیام نمی کنند؟ ایران قیام کرد، الان هم دو سال است که می گذرد بر امر و تمام قدرت ها هم مخالفت کردند معذک ایران سر جای خودش هست و ایستاده است و ابدا اعتنا به این هیاهو نمی کند و همه کارهائی هم که اینها کردند فلج کرده . خوب همین کودتائی که تمام این دولت های اطراف و آن دولت های بزرگ دست در آن داشتند و لکن نتوانستند کاری بکنند، چرا؟ برای اینکه مسأله، مسأله ملت است . اگر دولت شاه بود و امریکا می خواست کودتا بکند فوراً می شد اما حالا مسأله، مسأله ملت است یعنی اینطور نیست که دولت و ملت دو تا باشند، اینطور نیست که مثل دولت عراق باشد که ملت با او دشمن است، مثل دولت مصر باشد که ملت با او دشمن است . اینجا ملت اسلامی است که حکومتش اسلامی است و

ملت با این حکومت موافقتند، از این جهت توطئه‌ها را خود ملت به دست می‌آورد. خود این سربازها توطئه‌هایی که در داخل سربازخانه‌ها انجام می‌گیرد به دست می‌آوردند و گزارش می‌دهند. پاسدارها همه دنبال این مطلب هستند که این توطئه‌ها را خنثی کنند و خود ملت است که ناظر است، در همه جا ناظر است و الان هم در همه اطراف، این جنایتکارها را به تدریج پیدا می‌کنند و معرفی می‌کنند و خودشان می‌گیرند و تحویل می‌دهند. اگر دولت‌ها بفهمند این معنا را که اگر اینها با ملت خودشان درست رفتار کنند و ملت همراه آنها باشد چه خواهد شد، اگر این خوفی که این ابرقدرت‌ها ایجاد کردند در این دولت‌ها بفهمند که در دولت ایران هم این اخافه‌ها همیشه بوده است و حالا هم هست لکن دولت فعلی ایران دیگر گوش به این حرف‌ها می‌دهد، اگر بفهمند که طرفداری ملت از یک دولتی چه معنا دارد، بفهمند این معنا را که اگر ملت‌ها را دلشان را به دست بیاورند و حکومت بشود یک حکومتی که مال خود ملت باشد، از خود ملت جوشش کند و عقائد، عقائد اسلامی باشد، احکام، احکام اسلامی باشد و زیر سایه اسلام بخواهند زندگی بکنند و ملت‌هایی که به اسلام عقیده دارند همراه آنها بشوند، آنوقت می‌فهمند که هیچ‌یک از دولت‌های بزرگ نمی‌توانند کاری انجام بدهند چنانچه در اینجا نتوانستند. تا الان دو مرتبه، سه مرتبه به حسب تظاهر، هی قیام کردند یا چیز کردند که کودتائی بکنند یا بریزند در ایران لکن فشل شدند و دائماً هم در صدد هستند، نه این است که در صدد نیستند، لکن من مطمئنم و اطمینان می‌دهم به ملت خودمان که نمی‌توانند کاری انجام بدهند. ملت باید توجه داشته باشد که تا توجه به خدا دارد، تا توجه به اسلام دارد، تا خدمتگزار اسلام است کسی نمی‌تواند به او آسیبی برساند، مگر که این حیثیت از دستشان برود. باید این جهت‌اسلامیت را - خالص اسلامیت - حفظ کند. این ملی‌گراها و اینها که هی فریاد ملی ملی می‌زنند، همین‌هایی هستند که بعضی‌شان در این کودتا هم دخالت داشتند، بر ضد این مملکت خودشان برای دیگران، همین‌ها هستند که بعضی‌شان به طوری که شواهد هست دخالت در این امر داشتند. این جهات مختلفه، گروه مختلفه‌ای که در ایران هست و هی داد خلق را می‌زنند و داد اینکه ما چطور هستیم، اینها هم همین‌هایی هستند که در این مسائل دخالت داشتند، اینها هم همین‌هایی هستند که می‌روند در امریکا این جوان‌های عزیز ما که گرفتار هستند، همین اشخاص که دعوی خلقت و - نمی‌دانم - چه می‌زنند، همین‌ها آنجا می‌روند به آنها می‌گویند ای مرتجعین. اینها چه جمعیت‌هایی هستند؟ در داخل این کارها را می‌کنند، در خارج این کارها را می‌کنند. تا ملت‌ها بیدار نشوند و این ریشه‌ها را نکنند و تا یک دولتی که دولت اسلامی باشد به تمام معنا، دولتی باشد که متعهد باشد به احکام اسلام، دولتی باشد که غریزه نباشد، به اسلام گرایش داشته باشد، روی کار نیاید ما باید باز همین گرفتاری‌ها را داشته باشیم.

تمام مقصد ما مکتب ماست

مجلس باید به تمام قوه‌ای که دارد و قوه او از همه قوه‌ها بالاتر است و تمام مسلمین واجب است بر آنها که پشتیبانی کنند از دولت و از ملت و از مجلس بالخصوص، باید با تمام معنا کوشش کند که

افرادی که سرکار می آیند، نخست وزیر، سایر وزرا و سایر کسانی که کارهای مهم را دارند، از اشخاص مسلمان متعهد، متوجه به کارهایی که در دنیا می شود، مدبر، لکن متعهد به اسلام، متعهد به مکتب. مکتب بزرگترین چیزی است که از برای ما مطرح است، نباید راجع به مکتب یک کلمه ای کسی بگوید اشتباه می کنند اگر می گویند مکتب چطور. تمام مقصد ما مکتب ماست و مسلمان های ما برای مکتب ماست که اینطور قدرت دارند و اینطور در مقابل دیگران می ایستند. اگر چنانچه سایر ممالک اسلامی هم مکتب خودشان را حفظ کنند، این مکتب اسلام را، اگر مکتب اسلام را حفظ نکنند مطمئن باشند که هیچ قدرتی به آنها آسیب نمی رساند. و اگر ما مکتب خودمان را حفظ نکنیم، که یکی از تعلیمات مکتب ما این است که متفق با هم باشیم، هر یک از این گروه ها یا هر یک از این افراد که بر ضد آن رفیق خودش یک کلمه ای بگوید، از مکتب خارج شده است و به درد - اصلا - ایران دیگر نمی خورد. هر کدام از اینها که دیگری را بخواهند تضعیف کنند، مجلس بخواهد یکی دیگر را تضعیف کند یکی دیگر بخواهد مجلس را تضعیف کند، دولت بخواهد مجلس را تضعیف کند، مجلس بخواهد دولتش را تضعیف بکند، رئیس جمهور بخواهد مجلس را تضعیف کند، مجلس بخواهد رئیس جمهور را تضعیف کند، تمام اینها بر خلاف مکتب اسلام است، مخالفت با اسلام است. باید این آقایان همانطوری که مدعی هستند اسلامی هستیم، واقع مطلب این است که باید در علمشان، در قولشان، در خطابه هایشان، در حرف هایشان، در نوشته هایشان، در روزنامه هایشان نشان بدهند که ما مسلمان هستیم. این چه مسلمانی است که هر روزنامه ای که مال یک طایفه است به طایفه دیگر فحاشی می کند؟ ما چی جواب این مردم را بدهیم که هی می آیند از من الان وقت خواسته اند از بازار تهران که بیایند بگویند این چه خبر است، که این آقایان چه شان است با هم. این آقای رئیس جمهور با مجلس، مجلس با رئیس جمهور چرا، چرا اینطور رفتار می کنند؟ چرا باید اینطور باشد که صدای مردم دربیاید؟ من نصیحت به آنها می کنم، من از لسان اسلام به آنها نصیحت می کنم که با هم اختلاف نکنید. شما اگر اختلاف بکنید راه را برای دیگران باز می کنید، شما اختلاف با هم نداشته باشید. سر چه اختلاف می کنید؟ چه میراثی هست که شما می خواهید قسمت کنید و سرش اختلاف می کنید؟ اینهمه مردم جوان هایشان را دادند، میراث برای شما گذاشتند که اختلاف با هم بکنید و اینطور توی سر هم بزنید و اینطور فساد ایجاد کنید؟! یک قدری با هم رفیق باشید، دوست باشید، برادر باشید. آقای رئیس جمهور افرادی که به درد جامعه اسلامی ما بخورد، به درد مکتب ما بخورد باید تهیه کند، معرفی کند یعنی نخست وزیر را او تهیه می کند باید یک شخصی باشد که همه آن صفاتی که من گفته ام درش باشد که در راس همه صفات، مکتبی بودن است. فکر بکند، فکر مکتب اسلام، در صدد باشد که اسلام را تقویت بکند، در صدد باشد که احکام اسلام را پیاده بکند، نه در صدد این باشد که ملیت را احیا بکند. آنهایی که می گویند ما ملیت را می خواهیم احیا بکنیم، آنها مقابل اسلام ایستاده اند، اسلام آمده است که این حرف های نا مربوط را از بین ببرد. افراد ملی به درد ما نمی خورند افراد مسلم به درد ما می خورند. اسلام با ملیت مخالف است. معنی ملیت این است که ما ملت را می خواهیم و ملیت را می خواهیم و اسلام را

نمی خواهیم. آن مردیکه در خارج گفت که اول من ایرانی هستم، ملی هستم دوم ایرانی هستم سوم اسلام. این اسلام نیست، تو سوم هم اسلامی نیستی.

روز قدس فرصتی برای قیام یکپارچه ملت های مسلمان علیه مفسدین

باید آقایان توجه کنند، تمام مسلمین توجه بکنند، روز قدس روزی است که باید تمام ملت های اسلام با هم توجه بکنند و این روز را زنده نگه دارند. اگر یک هیاهویی از تمام ملت های مسلمین بلند بشود، روز جمعه آخر ماه مبارک که روز قدس است همه ملت ها قیام بکنند، همین که حالا همان تظاهرات، همان راهپیمائی ها را بکنند این مقدمه می شود از برای اینکه انشاءالله جلوی این مفسدین را ما بگیریم و کلک اینها از بلاد اسلام کنده بشود. ما، می سست می گیریم، مسلمان ها می سست می گیرند، ملت ها بیطرف می مانند کم قیام می کنند و نهضت می کنند، کم تظاهر می کنند راجع به این امور. اسرائیل وقتی که دید خوب ملت با هم مخالف هستند و دولت مصر هم که همراه اوست، برادر است و عراق هم که با اینها برادر هست، وقتی این چیزها را دید می قدم به قدم پیش می رود و شما مطمئن باشید که اگر سست بگیرید، اینها تا فرات خواهند بروند، اینها همه اینجا را ملک خودشان می گویند هست. شما باید محکم بایستید در مقابل اینها و اگر چنانچه مسلمین، ملت های مسلم بایستند در مقابل اینها و اگر دولت هایشان بخواهند مخالفت کنند، مشت توی دهنشان بزنند چنانکه ایران مشت در دهن محمدرضا زد، محمدرضا از همه دولت های مسلمین، از همه آنها قویتر بود و از همه آنها پشتوانه اش بیشتر بود معدلک ملت ما قیام کرد و اسلام را وجه نظر خودش قرار داد و الله اکبر را فریاد کشید و این قدرت را از بین برد و قدرت های دیگر را هم و تا آخر هم همه قدرت ها اگر روی هم باشند نمی توانند آسیب به یک همچو ملتی برسانند.

یک همچو ملتی که ما داریم به این صفا، به این خوبی که در همه قضایا پشتیبان دولشان هستند، پشتیبان رئیس جمهورشان هستند، پشتیبان مجلسشان هستند حیف است که این ملت را ما عواطفشان را جریحه دار کنیم و ما بنشینیم با هم مخالفت کنیم، نه خدا را خوش می آید از این و نه ملت را. ملت ناراحت است از این کار. این روزنامه هایتان را جلوی ما را بگیرید. آقایان روزنامه هائی که به آنها مربوط است جلوییشان را بگیرند. این عذر نمی شود که ما روزنامه ها را نمی دانیم چه نوشته است. نخیر این عذر نیست، باید روزنامه ها را ببینند چه نوشته اند. خودش نمی رسد، خود آقایانی که مثلا در مجلس هستند یا آقایانی که در خارج مجلس هستند نمی رسند بخوانند، روزنامه ها را یک کس دیگر را وادار کند که بخوانند، روزنامه ها ببینند چه است. در روزنامه مشغول فتنه انگیزی هستند و مشغول این هستند که دولت را با رئیس جمهور، مجلس را با رئیس جمهور، رئیس جمهور را با مجلس مخالف کنند و این یک توطئه ای است که در روزنامه ها ایجاد شده است و باید خود آقایان جلوییشان را بگیرند قبل از اینکه ملت جلوییش را بگیرد، قبل از اینکه خود ملت بیاید و بی ملاحظه از کسی تمام این روزنامه ها را خفه کند خودشان جلوییش را بگیرند.

و در مجلس هم آقایان با هم باشند، رفیق باشند، همه مسلمان هستیم همه باید دوست با هم باشیم، مسلمین (ید واحده) باید باشند، اینقدر در مجلس با هم اختلاف نداشته باشند، جهات شرعی را حفظ بکنند، جهات اخلاقی را حفظ بکنند، هی این به او بدگویی کند او به او بدگویی کند، خوب، این اسباب ناراحتی مسلمان ها هست. آقایان می گویند، مسلمان ها می گویند خوب ما خون بچه هایمان را داده ایم یک قبرستان در اینجا پر است از جوان های ما، قبرستان های شهرستان ها پر از جوان های ما هست که در راه این مملکت و در راه این اسلام اینها کشته شده اند حالا که اینها کشته شده اند گویا آقایان آمده اند از خارج و از داخل حالا با هم نشسته اند دعوا می کنند. سر چه میراثی دعوا می کنید؟ میراث پدر کدامتان است؟ یک قدری آرام باشید، یک قدری توجه کنید به مسائل، هر وقت هر کدام صحبت کنید به ضد دیگری نباشد و این خلاف آداب اسلام است خلاف آداب مسلمین است، خلاف انسانیت است، خلاف مشی انبیا و مشی اولیا هست. نکنید این کار را، یک قدری آرام باشید، یک قدری هوای نفس را کنار بگذارید، اشتها را کنار بگذارید. تمام گرفتاری ما سر این هوای نفسی است که ما داریم، اعدی عدو انسان این نفس انسان است که در بین جنین است، این اعدی عدو انسان است. یک قدری جلوییش را بگیرید؟ یک قدر مهار کنید.

ترغیب مسلمانان جهان به اتحاد بر علیه اسرائیل

خداوند انشاءالله ما را موفق کند به اینکه یک روزی برویم و در قدس نماز بخوانیم و مسلمان ها امیدوارم که روز قدس را بزرگ بشمارند و در همه ممالک اسلامی در روز قدس در روز جمعه آخر ماه مبارک تظاهر کنند، مجالس داشته باشند، محافل داشته باشند، مسجد داشته باشند، در مساجد فریاد بزنند. وقتی یک میلیارد جمعیت فریاد کرد، اسرائیل نمی تواند، از همان فریادش می ترسد. اگر همه مسلمینی که در دنیا هستند الان هستند که قریب یک میلیارد هستند، اگر در روز قدس همه بیرون بیایند از خانه، فریاد کنند مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر شوروی، همین قول مرگ بر شوروی برای آنها مرگ می آورد. جمعیتشان یک میلیارد، ذخائرشان اینهمه زیاد که همه دولت ها محتاج به ذخائر شما هستند معذک شما را وادار می کنند با هم مختلف باشید اختلاف کنید و ذخائرتان را ما ببریم و هیچ کدام صحبت نکنید. خوب است یک مقدار ملت های غیر ایران از ایران سرمشق بگیرند و از این ملت نجیب عزیز ما، و خوب است یک قدری از این جوان هائی که در امریکا و در انگلستان و در بلاد غرب هستند و تظاهر می کنند و در مقابل پلیس می ایستند و آنها را غل و زنجیر می کنند در حال غل هم فریاد می زنند و احقاق حق می خواهند بکنند یک قدری ما متنبه بشویم و ما تعلیم بگیریم از این جوان ها که آنها برای اسلام فریاد می کنند و ملت ها بیطرف هستند کانه آنها برای اسلام دارند فریاد می کنند و ما اینجا با هم اختلاف می کنیم و انصافا انصاف نیست.

خداوند همه تان را توفیق بدهد و همه مسلمین را توفیق بدهد که با هم (یدا واحده) بشوند و خصوصاً ملت ایران را توفیق بدهد و این نهادهائی که هستند و در دولت و در مجلس و در سایر جاها به اینها توفیق بدهد که با هم تفاهم کنند و با هم باشند تا اینکه این ملت آسیب نبیند . اگر خدای نخواستہ آسیبی دید ، روی ماها سیاه است و روی دولت ها و روی اشخاصی که در رأس هستند ، در دنیا سیاه است در آخرت هم سیاه است . به خود باشند ، برای خدا قیام کنند ، برای خدا آرام باشند ، برای خدا به هم نپرند ، برای خدا این نگوید که توطئه بر علیه من است آن یکی بگوئید توطئه بر علیه من است . نه ، توطئه خارجی علیه افراد نیست افراد قابل توطئه نیستند ، علیه اسلام است ، افراد قابل نیستند که امریکا توطئه کند به ضد _ این _ این آدم یا توطئه کند به ضد آن آدم . امریکا می فهمد چه هست ، امریکا به ضد اسلام است او از اسلام صدمه خورده است ، نه از افراد ، نه از فرد ، او از اسلام سیلی خورده است ، او از ملتی که می گوید اسلام ، سیلی خورده است ، نه از من سیلی خورده و نه از آقای رئیس جمهور سیلی خورده و نه از اشخاصی که در مجلس هستند و نه دولت ها ، هیچ کدام ، از ما سیلی نخورده است ، از این زاغه نشین ها سیلی خورده است ، از این ملت سیلی خورده و او در صدد است ، اگر توطئه کند بر ضد ملت توطئه می کند نه اینکه بر ضد من یا بر ضد تو یا بر ضد آن . خیر ، این حرف ها نیست در کار . اینقدر خودنمائی نکنید این اشتباه است . انسان باید توجه به خدا داشته باشد و خودش را در مکتبش فانی کند ، هی نگوئید من ، بگوئید مکتب من . هر وقت می گوئید ، مکتب من بگوئید . از پیغمبرها بشنوید این مطلب را ، از اولیاء خدا تعلیم بگیرید که همیشه دنبال مکتب بوده اند ، نه دنبال خودشان ، نه خودشان زرق و برق دنیائی داشته اند و نه اینقدر توجه به نفس داشتند که من چه کردم و من چه کردم ، خیر ، این حرف ها نبوده آنها _ از آنها باید تعلیم بگیریم و آدم بشویم . آدم ، وقتی می شود که خودش را هیچ نبیند و هر چه می بیند خدا ببیند و هر چه هست اوست (اللہ نور السموات والارض) تمام قدرت ها مال اوست و تمام نورها مال اوست و همه چیز از اوست و ما هیچ هستیم و این معنا را باید ادراک بکنیم .

اگر چنانچه مسلمین ادراک بکنند که ما از خدا هستیم و برای خدا باید باشیم ، دیگر آسیب نمی بینند ، دیگر اسرائیل قدمش را باز پیش نمی آورد و ما باید جدیت کنیم که اسرائیل را برانیم از این زمین های اعراب نه اینکه بگوئیم در بیت المقدس چیزت را قرار نده ، خیر و نباید گول بخوریم از امریکا و از این مجالسی که درست کرده اند و تعزیه گردانی می کنند برای خوردن ما ، از آنها گول بخوریم . هر کس باید خودش قیام ، مسلمین باید خودشان قیام کنند در مقابل اینها ، دنبال این نباشند که دولت هایشان یک کاری بکنند ، دولت ها کاری نمی کنند ، خودشان باید بکنند ، دنبال این نباشند که در آغوش آن یکی برویم برای نگهداری ما از آن یکی ، خیر ، همه گریه هستند و همه شما را می خورند باید خودتان را حفظ کنید ، توجه به خدا بکنید ، توجه به اسلام بکنید و برای خدا و برای اسلام قیام بکنید و برای خدا و برای اسلام به پیش بروید و پیروز هستید انشاء اللہ .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت کننده در کنگره، آزادی قدس

مشکل مسلمین حکومت های مسلمین است

بسم الله الرحمن الرحيم

این ماه مبارک رمضان بر همه مسلمین مبارک باد و مبارک آن روزی است که مسلمین با احساس وظیفه بتوانند بر مشکلات خودشان غلبه کنند .

مشکل مسلمین فقط قدس نیست ، این یکی از مشکلاتی است که مسلمین دارند . افغانستان مگر از مشکلات مسلمین نیست ؟ پاکستان مگر از مشکلات مسلمین نیست ؟ ترکیه مگر از مشکلات مسلمین نیست ؟ مصر مگر از مشکلات مسلمین نیست ؟ عراق مگر از مشکلات مسلمین نیست ؟ باید ما تحلیل کنیم که مشکلی که در همه اقطار مسلمین هست ، از کجا پیدا شده است ؟ و راه حلش چیست ؟ چرا مسلمین در همه جای دنیا تحت فشار حکومت ها و ابرقدرت ها هستند و راه حل این مسأله چیست ؟ تا اینکه هم رمز پیروزی بر همه مشکلات به دست بیاید و هم قدس و افغان و سایر بلاد مسلمین آزاد بشوند .

مشکل مسلمین ، حکومت های مسلمین است . این حکومت ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده اند ، ملت ها مشکل مسلمین نیستند ، ملت ها با آن فطرت ذاتی که دارند ، می توانند مسائل را حل کنند لکن مشکل ، دولت ها هستند . شما سرتاسر ممالک اسلامی را وقتی که ملاحظه کنید کم جایی را می توانید پیدا بکنید که مشکلاتشان به واسطه حکومت هایشان ایجاد نشده . این حکومت ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت ها و سرسپردگی شان با ابرقدرت های چپ و راست ، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده اند . اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته بشود ، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملت هاست .

علمای همه بلاد اسلامی باید مردم را بیدار کنند

شما دیدید که مشکل ما که از مشکلات دیگران بیشتر بود و قدرت شیطانی شاه مخلوع از همه قدرت ها بیشتر بود و طرفداران او ، ابرقدرت ها و همه حکومت های اسلامی و غیراسلامی بودند ، ملاحظه کردید که حل این مشکل به پناه بردن به یک کشوری یا یک قدرتی یا یک ابرقدرتی نبود . حل مشکل را خود ملت کردند . ملت ما متحول شد از خوف به شجاعت و از یأس به اطمینان و از توجه خود

به توجه به خدا و از تفرقه به اجتماع. این تحول، تحول معجزه آسا اسباب این شد که این مشکل بسیار بزرگ را، مشکلی را که شاید همه جا و همه دنیا محال می دانستند حلش را، حل کند شما گمان نکنید که ایران دارای سلاح بود، ایران سلاح سنگ بود، چوب، مشت، لکن سلاح معنوی داشت، سلاح معنوی ایمان به مکتب، ایمان به خدای تبارک و تعالی و توکل به مبدأ قدرت و وحدت کلمه. حالا که می بینید دست ملت ما، یعنی غیر نظامی ها تفنگ است، این تفنگی است که به غنیمت از بستگان شاه به دستشان افتاده والا تفنگی در کار نبود، ایمان بود. ملت از مرکز گرفته تا سرحدات هر کجا بروید، یک کلمه می گفتند. آن روز این گروه های فاسد مفسد زیر خاک بودند، مثل حیواناتی که در سوراخ بودند و میدان مال ملت بود. از مرکز تا سرحدات هر جا می رفتی، حتی بچه های کوچک صدایشان بلند بود که ما اسلام را می خواهیم جمهوری اسلامی را می خواهیم، مریض هائی که در بستر در بیمارستان بودند هم همین منطق را داشتند، جوان ها هم همین منطق را، دانشگاه و مدرسه هم همین منطق، زن ها و مرد ها هم منطقشان همین بود. از آن خواب گرانی که ما را ابرقدرت ها خوابانده بودند و غفلت از همه مسائلی که باید به آن توجه داشت، کرده بودیم ناگاه بارقه ای از جانب خدای تبارک و تعالی پیدا شد و ما را بیدار کرد و این مشکل به نظر همه محال را، حل کرد. مشکل شاه مخلوع و دار و دسته او بود و حل مشکل به دست خود ملت بود. نه یک تفنگ از خارج برای ملت ما آمد و نه یک حکومت خارجی به ما کمک کرد. بلکه آنها مخالف ما بودند، عراق سرسخت مخالف با ما بود، کویت سرسخت مخالف با ما بود و مصر هم که حالش را می دانید و سایر ممالک را دولت هایشان را می دانید، در عین حالی که همه قدرت ها یک طرف صف آرائی کرده بودند و ملت ما با دست خالی یک طرف، ملت ما هجوم کرد و این سد که خیال می کردند ممتنع است شکستش، شکستند.

باید کاری کرد که ملت ها هر جا هستند، ملت ها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندا بخواهند، علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاه های همه بلاد اسلامی بخواهند حل مشکله اسلام و ممالک اسلامی بشود، باید مردم را بیدار کنند. این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله، به آنها باور آورده بودند که نمی شود با امریکا یا با شوروی مخالفت کرد و الان هم باور ملت های دیگری هست، باید اینها به ایشان فهماند که می شود. بهتر دلیل بر اینکه یک امری ممکن است، وقوع اوست و این امر واقع شد در ایران. دولت های دیگر، ملت دیگر گمان نکنند که ایران از آنها عده و عده بیشتر داشت، خیر. شاید در عشایر عراق بیشتر از ایران اسلحه باشد لکن مغزهای اینها را به واسطه تبلیغات دامنه داری که شده است، شستشو کرده اند و از اسلام مأیوس کردند و این مغزها را پر کردند از اینکه با این ابرقدرت ها نمی شود طرف شد. این از چیزهائی است که با تبلیغات خود آنها و عمال آنها در داخل ممالک تحقق پیدا کرده است. باید آنهائی که در همه ممالک هستند، آنهائی که دلشان برای ملت ها می تپد، آنهائی که به اسلام اعتقاد دارند و برای اسلام می خواهند خدمت کنند، هر کدام در محل خودشان، ملت خودشان را بیدار کنند تا ملت خودشان، خودشان را که گم کرده اند، پیدا کنند. ملت ها خودشان را گم کردند، مملکت خودشان را گم کردند، هر چه در ذهنشان وارد می شود،

اینکه نمی شود با این قدرت ها طرف شد ، اینها چه ها و چه خواهند کرد . باید از مغز ملت ها این (نمی شودها) را بیرون کرد و به جای آن (می شودها) را گذاشت . نه می شود این کار را کرد . یک میلیارد جمعیت تقریبا ، جمعیت مسلمین با دارا بودن آنهمه امکانات و آن سرزمین های وسیع و آن مخازن زیرزمینی وسیع و آن پشتوانه اسلامی الهی نباید در ذهنشان بیاید که نمی شود . این قدرت بزرگ شیطانی شوروی که با تمام قوا افغانستان را می خواهد خفه کند ، نتوانسته است . ملت اگر یک چیزی را بخواهند ، نمی شود تحمیل شان کرد . باید ملت را بیدار کرد تا بخواهند . ملت ما هم قبل از بیست سال خواب بود ، توجه نداشت . از بیست سال به این طرف می گفتند ، گویندگان گفتند ، علما گفتند ، دانشگاهی ها گفتند ، کم کم رسید به تظاهر ، کم کم رسید به ریختن در خیابان ها ، کم کم رسید به الله اکبر ، و قدرت بزرگ شیطانی در مقابل الله اکبر نتوانست بماند و همه می خواستند بماند . من مطلع بودم همه قدرت ها می خواستند که این نوکری که برای همه شان خدمتگزار بی چون و چراست ، در ایران بماند تا منافعشان را ببرند و هر چه ما ذخائر داریم آنها به رایگان ببرند ، لکن ملت وقتی نخواهد ، نمی شود . باید ملت را بیدار کرد که آن چیزی را که خیال می کرد نباید بخواهد ، بخواهد و آن امری را که به خیالش نمی شود ، بیدارش کرد که می شود و ملت از دولت های خودشان بخواهند که تسلیم بشوند والا همان کاری را که ملت ایران کرد ، با آنها بکنند تا حل مشکل بشود . حل مشکل بدون اینکه این اشخاصی که سر راه ایستادند و مانع هستند از اینکه مشکلات حل بشود ، اینها را باید از بین راه بردارند . هر جا شما بروید ، در هر کشوری از کشورهای اسلامی نه ، بلکه همه کشورهای دنیا این سران قوم هستند که مانع هستند از رشد فکری و معنوی و مادی ملت ها ، این سران کشورها هستند که وابستگان خودشان را در دانشگاه ها معلم می کنند و معلم های دانشگاه جوان های ما را خراب می کنند . مانع ، این حکومت هاست ، حکومت ها با اختلاف مراتب ، حکومت ها جلوی رشد جوان های ما را گرفتند و جلوی پیشرفت مسلمین را .

ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است

آنهايي که ، آن قدرت های بزرگی که مطالعه کردند روی کار ما سال های طولانی ، صدها سال فرستادند و مطالعه کردند روی گروه ها ، روی افراد ، روی اشخاص مطالعه کردند ، حتی روی زمین جنگل ها و همه جا ، در جامعه ما این را یافته اند که اسلام است که می تواند جلوییشان بایستد . از این جهت آن چیزی که از همه چیز برای آنها مطرح است ، اسلام است و آن چیزی که سر راه اسلام قرار دادند ، این حکومت های فاسدند . با دست حکومت های فاسد و با تبلیغ حکومت های فاسد ، این نژادپرستی ها و گروه پرستی ها در بین مسلمین رشد کرده است . عرب ها را در مقابل عجم ها و ترک ها قرار دادند و عجم ها را در مقابل عرب ها و ترک ها را در مقابل دیگران و همه نژادها را در مقابل هم . اینکه من مکرر عرض می کنم که این ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است ، برای این است که این ملی گرایی ، ملت ایران را در مقابل سایر ملت های مسلمین قرار می دهد و ملت عراق را در مقابل

دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا. اینها نقشه هائی است که مستعمرین کشیده اند که مسلمین با هم مجتمع نباشند. در عراق، حکومت عراق، حکومت سابق تر از این حکومت، - که این بدتر از آن است - اینها طرح می کردند که ما می خواهیم مجد بنی امیه را احیا کنیم در مقابل اسلام. اسلام که آمده بود همه مجدها را فانی کند در مجدالله، اینها می گفتند ما مجد بنی امیه را باید احیا کنیم و این چیزی نبود که شعور اینها برسد، تلقینی بود که ابرقدرت ها می کردند که اسلام متفرق بشود، مسلمین با هم متفرق بشوند، دشمن هم بشوند. در ایران از سال های طولانی اشخاص بی اطلاع از اساس مسائل، ولو فرض کنید بعضی شان مغرض نبودند، اینها هم هی طبل ملیت را کوبیدند، همان ملیتی که می خواست اساس اسلام را در ایران برچیند.

اسلام آمده است که همه نژادها به هم اند، مثل دنده های شانه می مانند، هیچ کدام بر هیچ کدام تفوق ندارند، نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه ترک بر هیچ یک از اینها و نه هیچ نژادی بر دیگری و نه سفید بر سیاه و نه سیاه بر سفید، هیچ کدام بر دیگری فضیلت ندارند. فضیلت با تقواست، فضیلت با تعهد است، با تعهد به اسلام است. اینها تبلیغاتی بوده است که، تلقیناتی بوده است که از ابرقدرت که می خواستند ما را بچاپند شده است و مع الاسف بعضی اشخاص مسلمان صحیح هم، باورشان آمده است. در چندین سال قبل محتمل است، گمان می کنم زمان رضاخان بود یک مجمعی درست کردند و یک فیلم هائی تهیه کردند و یک اشعاری گفتند و یک خطابه هائی خواندند برای تأسف از اینکه اسلام بر ایران غلبه کرده، عرب بر ایران غلبه کرده. شعر خواندند، فیلم به نمایش گذاشتند که عرب آمد و طاق کسری را، مدائن را گرفت و گریه ها کردند. همین ملی ها، همین خبیث ها گریه می کردند، دستمال ها را درآوردند و گریه کردند که اسلام آمده و سلاطین را، سلاطین فاسد را شکست داده و این معنا در هر جا به یک صورتی به ملت ها تحمیل شده است. (در ممالک عربی، عرب باید چه باشد). این تلقین است، این مخالف با قرآن است. (در ممالک غیر عربی هر کدام خودشان را باید، ملت خودشان باید جلو باشد) این برخلاف تعلیمات اسلام است، این آنی است که این ابرقدرت ها آرزویش را می کنند و کردند و عمل کردند. وقتی اینها غلبه کردند، در جنگ دوم غلبه کردند بر عثمانی، عثمانی را تکه تکه کردند، شاید قریب پانزده تا کشور کردند و هر کدام یک نوکری از خودشان بالای سرش گذاشتند، مع الاسف آنهایی که اساس مطلب را مطلع نبودند، آنها هم این مسائل را اهمیتی به آن نمی دادند و الان هم نمی دهند.

ما تا به اسلام برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست

مشکل ما الان دولت های ماست، مشکل اسلام دولت های اسلامی هستند، این مشکل باید حل بشود. اگر دولت های اسلامی به خود بیایند و گرایش کنند به اسلام و از عربیت برگردند به اسلامیت و از ترکیت برگردند به اسلامیت، حل می شود مسائل، و اگر چنانچه آنها نکنند، این مشکل هست تا وقتی سایر کشورها مثل ایران بشوند. ایران با مشت، این مشکل را حل کرد و باید همه کشورها با مشت

خودشان این مشکل را رفع کنند . ما نباید بنشینیم که حکومت های ما کاری برای ما انجام بدهند . حکومت های ما برای خودشان هستند ، این حکومت هائی که در بلاد مسلمین هست ، اینها به اسلام هیچ کاری ندارند ، اگر یک دفعه اسلام بگویند ، برای این است که شما را بازی بدهند . اسلام صدام هم مثل اسلام محمدرضا خان است ، اسلام آن مصری هم ، سادات هم ، مثل اسلام صدام است . این یک اسلامی است که در لفظ گفته می شود ، لکن پایگاه درست می کند و می گوید ما همراه هم می شویم ، برویم ایران را از بین ببریم . ایران یعنی چه ؟ یعنی یک مملکت اسلامی . با کافر هم عهده می شود برای کوبیدن مسلمین ، این فرم اسلام آقای سادات ، اسلامش این فرم است و آقای صدام هم اسلامش این فرم است که می گوید اسلام ، می گوید مسلم ، می گوید چه . می گوید ما با ملت ایران ، در بعضی از نطق هایش گفته که با ملت ایران ما کاری نداریم ، ما همراه هستیم ، با حکومت ایران هم همراهیم ، اما روزی نمی شود الا اینکه سرحدات این ملت را ، سرحدات این مملکت را به آتش و توپ های کذا مورد تجاوز قرار می دهد . این یک فرم اسلامی است ، اسلام وارداتی از آمریکا و وارداتی از شوروی . ما تا به اسلام برنگردیم ، اسلام رسول الله ، تا به اسلام رسول الله برنگردیم ، مشکلاتمان سر جای خودش هست ، نه می توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را . ملت ها باید برگردند به صدر اسلام ، اگر حکومت ها هم با ملت ها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند ، ملت ها باید حساب خودشان را از حکومت ها جدا کنند و با حکومت ها آن کنند که ملت ایران با حکومت خودش کرد تا مشکلات حل بشود والا هی ما روز قدس بگیریم ، فریاد بزینم ، هی آقایان اجتماع کنند و حرف بزنند ، فریاد و حرف جلوی آنها را نمی گیرد ، بلی گاهی می گیرد منتها ما حرف هم نمی زنیم .

اگر در روز قدس تمام ملت ها قیام می کردند و فریاد می زدند ، نمی توانست آن حکومت احمق جلوی فریادشان را بگیرد ، یک جمعیت کمی قیام می کنند . اگر در روز قدس تمام کشورهای اسلامی ، ملت ها همه برخیزند و فریاد بزنند ، نه برای قدس تنها ، برای همه ممالک اسلامی ، پیروز خواهند شد . ما با فریاد محمدرضاخان را بیرونش کردیم ، شما خیال می کنید با تفنگ بیرون کردیم ؟ با فریاد ، با الله اکبر ، اینقدر الله اکبر بر مغز اینها کوبیده شد که خودشان را باختند و فرار کردند از این مملکت رفتند . مسلمین باید فریاد بزنند ، گمان نکنند که فریاد و شعار فایده ندارند ، نخیر شعار فایده دارد اما اگر همه فریاد بزنند ، فریاد من تنها هیچ چیز نیست ، فریاد یک محله ، یک شهر هیچ چیز نیست ، شما ببینید فریادهائی که حالا از ایران بلند می شود منحصر به تهران ، قم ، اهواز نیست ، یک وقت می بینید که سپاه پاسداران امر می کند به تمام ملت که فلان شب بروید بالای پشت بام الله اکبر بگوئید ، همه اطاعت می کنند . در قبل از این انقلاب مگر می شد که یک دسته ای بگویند بروید بالای منبر ، گوش کنند به او ؟ مدرسین محترم قم می گویند که فلان روز باید راهپیمائی بشود ، همه ملت راهپیمائی می کنند . و همین طور باید ملت ها اینطور بشوند که وقتی یک گروه شان گفت که فلان عمل را انجام بدهید ، این را یک فرمانی بدانند که از بالا صادر شده و باید عمل کنند . ملت ما حالا اینطور شده ، ما میل داریم ملت ها همه اینطور بشوند .

ما می خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم

ما که می گوئیم (انقلاب ما می خواهیم صادر کنیم) می خواهیم این را صادر کنیم، می خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی خواهیم شمشیر بکشیم و تنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الان مدت هاست دارد حمله می کند و ما هیچ حمله ای به آنها نمی کنیم، آنها حمله می کنند ما دفاع می کنیم، دفاع لازم است. ما می خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می شود.

شما کوشش کنید که اینطوری که ایران انقلاب کرد و اینطوری که ایران الان هم حاضر برای همه چیز است، ملت های خودتان را بیدار کنید. آنهایی که برای اسلام دلشان می سوزد، آنهایی که برای کشورشان دلشان می سوزد، ملت های خودشان را بیدار کنند تا این تحولی الهی که در ایران پیدا شد، در آنجاها بیدار بشود. هر جا پیدا بشود حل مسأله است، دیگر آنوقت ترسید که چهار تا فاسد بیاید مسجد الاقصی را بگیرد، آنوقت دیگر ترس نکنید، حل است مسأله، اما وقتی یک ملتی، دو طایفه، ده طایفه صد طایفه می شوند و هر کدام به خلاف دیگری هستند و حکومت ها هم اینجور حکومت ها هستند، دیگر توقع نداشته باشید که با این طرز فکر و با این طرز حکومت بتوانید غلبه کنید. باید تعلیمات اسلام را گرفت و همانطوری که اسلام دستور داده است که مومنین، همه مومنین در همه جا برادر هستند و امر کرده است به اینکه اعتصام به جبل الله بکنید و متفرق از هم نشوید و دستور داده است به اینکه تنازع با هم نکنید والا فشل می شوید، مسلمین وقتی می توانند از گیر ابرقدرت ها و از گیر حکومت های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند، این دعوت الهی است، از صدر اسلام، تا آخر این دعوت را اجابت کنند، اگر دعوت را اجابت نکنند و هی بخواهند بگویند که آقا بیاید بکنید این کار را، تا این دعوت اجابت نشود، کار از ما نمی آید. کار وقتی از ما ساخته است که اسلامی فکر کنیم و به قرآن و اسلام گرایش پیدا کنیم، به تعلیمات صدر اسلام عمل کنیم و من امیدوارم که شما عزیزانی که از اطراف آمدید برای روز قدس، موفق بشوید و همه مسلمین موفق بشوند و انشاءالله یک روزی همه مسلمین با هم برادر و همه ریشه های فاسد از همه بلاد مسلمین کنده بشود و این ریشه فاسد اسرائیل از مسجد الاقصی و از کشور اسلامی ما کنده بشود و انشاءالله تعالی با هم برویم و در قدس نماز وحدت بخوانیم انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید فطر

مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید مبارک فطر را به همه مسلمین جهان و به شما آقایان که در اینجا حاضر هستید، تبریک عرض می کنم، و مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند و همه با هم همصدا و همه با هم، هم مقصد و اسلام را در همه جا زنده کنند و همه ممالک اسلامی متحد شوند تا اینکه دست ابرقدرتها را از ممالک خودشان قطع کنند.

و من حالا می خواهم یک قدری از ویژگی های این انقلاب اسلامی که در ایران واقع شده است به شما عرض می کنم و ما می خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگی ها را داشته باشد و این فضایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق گرفتاری است و الا نخواهند اعطاء کرد.

من بعضی از ویژگی های انقلاب را به شما آقایان و کسانی که می شنوند کلام من را، عرض می کنم تا ببینند که آیا این وضع بهتر است یا اوضاعی که در جاهای دیگر هست. شما به من بگوئید کهن در کجای ممالک اسلامی و غیر اسلامی اینطور است که رئیس جمهور از همین مردم و در دامن همین مردم باشد و هر روز و در ماه مبارک، هر شب برود توی جمعیت های متفرق و مردم را ارشاد کند بدون اینکه خوفی در دلش باشد.

ما می دیدیم که در زمان حکومت غاصب شاه مخلوع، اگر این آدم می خواست در یکی از خیابانهای تهران ظاهر بشود و قبل از اینکه او بخواهد بیرون برود، مأمورهای ساواک تمام خیابانها را و تمام خانه های اطراف خیابانها را خالی می کردند و مأمور می گذاشتند و محافظت می کردند برای اینکه او از ملت نبود، او در مقابل ملت بود. و الان رئیس جمهور که در رأس واقع شده است، در هر مجلسی که او را دعوت کنند می رود، در هر شهری که از او تقاضا کنند می رود و مردم را ارشاد می کند بدون اینکه یک ذره خوف در دل او باشد برای اینکه ملت را از خودش می داند و ملت هم او را از خودش می داند، برادر هستند، رئیس جمهور با ادنی شخصی که در ایران زندگی می کند برادر است و مردم با هم برادرند و پشتیبانی می کنند. و همین طور در کدام مملکت شما سراغ دارید که رئیس مجلس

منبر برود و مردم را هدایت کنند، و در ماه مبارک شاید بیشتر از سی تا منبر - شاید - رفته باشد و مردم را هدایت کرده باشد؟ و در کجا شماسراغ دارید که رئیس دیوانعالی کشور، یک عالمی باشد که برود مردم را هدایت کند و مردم هم از او هدایت بشوند؟ و همین طور دادستان کل کشور و همین طور وزیر کشور و همین طور سایر ارگانی که هستند با کمال اطمینان بدون اینکه از کسی خوف داشته باشند برای اینکه مبادی خوف در کار نیست، همه پشتیبان هستند، همه برادر هستند. و در کجا سراغ دارید که مجلس شورای آنجا مثل مجلس شورای اسلامی ما باشد؟ در سابق، زمان شاه مخلوع سابق و رضاخان مطرود، مجلس پر بود از دوله ها، ممالک ها، سلطنه ها، متملکین، اشراف، طرفدارهای شرق و غرب، نوکرهای ممالک اجنبی. والان در مجلس شورای ما یک چهره پیدا نمی کنید که از این طبقه اشراف باشد، از این طبقه بالا باشد، همه از همین مردم هستند که در بین بازار راه می روند و از همین جمعیت هستند، عده ای شان از علما و فقها هستند و عده ای شان از چهره های متدین هستند و مجلس شورای اسلامی ما - نظیر - الان در هیچ جا نظیر ندارد. چنانچه سایر نهادهای دولتی ما اینطور است. و در کجا شما سراغ دارید که ارتشش اینطور ملی و در بین مردم باشد که وقتی در بین مردم ارتش برود یا ژاندارمری برود یا سپاه پاسداران برود گل برای او نثار کنند و تظاهر کنند برای او؟ و آنها هم از باب این است که از همین مردم هستند، از همین جمعیت هستند و تمام جاهائی را که شما ملاحظه کنید، همه چون از خود ملت هستند از این جهت با ملت اینطور روبرو می شوند. و در کجای دنیا شما سراغ دارید که از باطن ملت، بدون اینکه هیچ کسی دعوت کند، اینقدر کمیته، اینقدر دادگاه، اینقدر پاسدار که خون خودشان را در راه این کشور، و در راه اسلام فدا می کنند بدون اینکه کسی آنها را دعوت کرده باشد، در سرتا سر کشور، این سپاه پاسداران، این کمیته ها، این دادگاه ها همه برای همین اسلام و برای همین کشور خدمت می کنند. و در کجای دنیا سراغ دارید که ملت آنچنان در خدمت اسلام باشد، آنچنان در خدمت دولت اسلامی باشد که هر وقت غائله ای پیش بیاید خود ملت پیشقدم است و پشتیبانی می کند؟

ما که می گوئیم انقلابمان را می خواهیم صادر کنیم و به همه کشورهای اسلامی بلکه به همه کشورهایائی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش امثال ذلک نباشد و ملت یک ملتی نباشد که دشمن با دولت است. ما می خواهیم بین ملت ها و دولت ها آشتی بدهیم، دولتها اگر توجه بکنند و یا مطالعه کنند وضع ایران را و ببینند ملت ایران با دولت چه وضعی دارد، گمان ندارم که آنها تحت تأثیر واقع نشوند. البته قلم های مسموم خارج، قلم ها و نوشته ها و مطبوعات خارجی، رسانه های گروه خارجی همه بر ضد ایران و بر ضد دولت و ملت ایران تبلیغات می کنند لکن شما که داخل این کشور هستید می دانید که تبلیغات آنها برای چه هست. برای این است که این ملت و دولت با هم شده اند. وقتی ملت و دولت با هم شد، قشرهای روحانی و قشرهای دانشگاه ها و سایر قشرها، ارتشی و اشخاصی دیگر همه با هم هستند و همه یک فکر می کنند، البته منافع ابرقدرت ها دیگر نمی شود تعیین بشود، یک حکومتی نمی آید

روی کار که برای یک ابرقدرتی یک کلمه بگوید، اگر یک وکیل، یک نخست وزیری یک کلمه راجع به منافع ممالک دیگر، منافع اجنبی ها حرف بزند، همین ملت است که در مقابلش می ایستد و نمی گذارد. ما میل داریم که همه ممالک اسلامی همه کشورهای اسلامی، همه کشورهای مستضعفین دنیا اینطور بشود که یک جمعیت باشند، در بین خود این جمعیت و در بین همین جمعیت، نخست وزیر، رئیس جمهور، مجلس، افراد دیگری که در بنگاه های دولتی هستند تعیین بشوند تا آسیب بردار نباشد.

روحانیت بعضی ممالک با تکفیر ما دانسته یا ندانسته در خدمت ابرقدرت ها هستند

ما علاوه بر اینکه گرفتار امریکا هستیم و گرفتار شوروی هستیم گرفتار بعضی اشخاصی که دعوی اسلامی می کنند، بعضی ها که در راس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند، گرفتار آنها هم هستیم، آنها هم ما را تکفیر می کنند، آنها هم کلمات ما را تعبیر می کنند و دنبالش تکفیر می کنند. اینها را اگر چنانچه واقعا خطا کار هستند، خوب است که مطالعه کنند، بفهمند دارند چه می گویند و به نفع چه کسی کار می کنند و اگر متعمد هستند و در مقابل یک کشور اسلامی، در مقابل یک کشوری که کوشش می کند که بین همه برادرها را متصل کند و همه را باهم آشتی بدهد و ماقبل از بیست سال به این طرف، دنبال این معنی بودیم که ممالک اسلامی همه با هم برادر باشند، این او را تکفیر نکند، او، او را تکفیر نکند، اینهایی که اینطور سمپاشی می کنند و مع الاسف در لباس مفتی هستند و یا مفتی اعظم هستند، اینها نمی دانند که این کارها بر ضد اسلام و بروفاق میل ابرقدرت هاست؟ اینها نمی دانند که دانسته یا ندانسته برای ابرقدرت ها دارند خدمت می کنند؟ چطور اینها در مقابل سادات و آن همه جنایاتی که سادات کرده است اینقدرها نمی ایستند و تکفیری ما نشدیم از آنها؟ اما، ما که از امام مهدی که قوه اجرائی اسلام است صحبت می کنیم و میگوئیم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرف خود آنها هم همین معنا هست که: (یملا الارض قسطا و عدلا بعد ما ملات ظلما و جورا) ما که راجع به آن می گوئیم و می گوئیم که انبیا موفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیا را، این بیچاره ها برای خدمت به اجانب یا نفهمیده تأویل می کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تکمیل می کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما. ما حضرت مهدی را یکی از افرادی می دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند این مطالبی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است. چرا باید اینها را حجاز، در کویت، در بعضی جاهای دیگر تأویل کنند حرف ها را و بر ضد یک مملکت اسلامی که کوشش دارد همه برادرها با هم مجتمع کند و کوشش دارد دست ابرقدرت ها را از سر این ممالک اسلامی کوتاه کند، آنها در خدمت ابرقدرت ها دانسته یا ندانسته هستند و می خواهند تفرقه بین مسلمین بیندازند. اینها نمیدانند که نباید تفرقه بین مسلمین انداخت و برخلاف نص قرآن است؟ اینها مطلع نیستند یا اینکه در خدمت خدای نخواستار، ابرقدرت ها هستند؟ ما می خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً در محیطی که خودشان هستند، به حسب حکم اسلام

بین

حکومت و بین مردم مخالف نباشد و همه با هم باشند و همه متحد بشوند تا اینکه آسیبی برای اینها واقع نشود . شما دیدید که ما وقتی که در ایران ملت‌مان اتحاد پیدا کرد ، چه قدرت بزرگی را شکست داد . ما می خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا- اینطور- از مسلمین اینطور با هم متحد بشوند . اگر متحد بشوند ، نه قضیه قدس دیگر باقی می ماند و نه قضیه افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر چنانچه وعاظ السلاطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند ، انشأ الله پیروز خواهیم شد و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد . من از خداوند تبارک و تعالی عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه اسلام و مسلمین را خواهان هستم و این عید سعید را باز هم به همه مسلمین و همه کشورهای اسلامی تبریک عرض می کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 287

فهرست آیات و روایات

شماره صفحه	سوره آیه	روایت
۱	نساء ۷۶	إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا
۲۶	روایت	يَا شُرَيْحُ قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَسِيُّ أَوْ وَصِي تَيْبٍ أَوْ شَقِيٍّ
۱۲۲، ۲۹	آل عمران ۱۰۳	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا
۱۱۵	ذاریات ۵۵	وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ
۱۲۲	انفال ۴۶	وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ
۲۴۲، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۲۴	بقره ۲۵۷	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
۱۲۷	روایت	يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ
۱۲۸	حجرات ۱۰	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
۱۵۶، ۱۳۰	فتح ۲۹	أَنبِئَهُمْ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءَ بَيْنَهُمْ
۲۴۱، ۱۳۱	حمد ۷ و ۶	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

١٣٠	٧	محمد	ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ
١٣٣			يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُذِيرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ
١٦٥	روایت		كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ
١٦٩	روایت		مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ
١٧٠	١	علق	إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ
١٧١، ١٧٠، ٣ و ١	عصر		وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
١٧١، ٢٢٣	٦	كهف	فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آسَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا
١٧٣	٢٧٩	بقرة	فَأَذْنُوبًا يَحْرَبِ مِنَ اللَّهِ... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ
٢١٢ و ٢١٣	١٦٤	آل عمران	لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ
٢١٢	٥	جمعه	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوَابَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا
٢١٧	روایت		كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ
٢١٧	٣	قدر	ئِيلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ نَهْرٍ

٢٢٣	٢٧	حجر	إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ
٢٢٤	٣٠	روم	فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيْهَا
٢٢٤	رواية		ضَرْبَةً عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ
٢٢٢ و ٢٢١	٥٦	هود	إِنْ رَجَى عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
٢٢٣	٥	قدر	سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ
٢٢٧	٣٥	نور	اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

استانداران، ۱۶۴	آزادی، ۹۱، ۱۰۳
استعمار، ۲۸۰، ۲۸۱	آل احمد، جلال، ۹۰
استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری	آل احمد، شمس، ۹۰، ۱۷۷
استقلال، ۱۲۲، ۱۳۸	آمریکا، ۱، ۱۱، ۱۲، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۹۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۶۹
استقلال فرهنگی، ۵۳، ۵۴	۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۸۶
اسد، حافظ، ۳۶	آموزش و پرورش، ۱۱۴، ۱۷۷، ۲۱۳، ۲۱۴
اسرائیل، ۱۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۳	الف
اسلام، ۹۸، ۱۲۰، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۶	ابرقدرت‌ها، ۱۹، ۱۳۸، ۲۳۸، ۲۸۰
۲۲۰، ۲۲۲، ۲۵۶، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱	اخبار، ۸۴، ۱۰۳، ۱۰۴
اسلام‌شناسی، ۲۳	اختلاف مسؤولین، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶
اسلحه، ۱۱۱	اخلاص، ۱۲۵، ۱۸۷
اشغال لانه جاستوسی آمریکا، ۱، ۲۸، ۳۱، ۵۹	اخلاق اسلامی، ۱۷۳
۶۷، ۱۳۳، ۲۶۸	ادارات دولتی، ۲۲، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۵۴، ۲۵۶
اطلاعات (روزنامه) ← روزنامه اطلاعات	ارتجاع، ۲۴، ۱۳۱، ۱۹۹
اعتصابات، ۲۱	ارتش، ۱۳، ۲۰، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۶، ۱۵۶
اعدام‌ها، ۲۵۵	۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۹
افغانستان، ۲۰، ۲۸، ۳۳، ۹۶، ۱۱۲، ۱۵۵	۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۸۵
۲۷۸، ۲۸۰	ازدواج، ۲۲۰
اقلیت‌های مذهبی، ۱۲۳، ۲۶۸، ۲۷۰	
الجزایر، ۳۸	
امام جمعه آشتیان، ۹۵	
امام جمارانی، مهدی (حجت‌الاسلام)، ۱۰۱	
امام جمعه کوهپایه و دودشت اصفهان، ۲۴۵	
امام جمعه مشهد، ۱۸۴	

باهر، محمدجواد (حجت الاسلام)، ۱۷۷	امام حسین (ع)، ۱۸۱
بختیار، شاپور، ۲۳۸	امام خمینی، ۷۴، ۹۰، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۹۹، ۲۰۳
برژنف، لئونید، ۳۳	۲۰۵، ۲۱۵، ۲۳۴
بسیج، ۴۴	امام زمان (عج)، ۱۷۰، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۸۶
بعثت، ۱۶۸	امام علی (ع)، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۴۸، ۱۷۲، ۱۹۸
بنگلادش، ۳۹	۲۱۶
بنیاد شهید، ۸	امامی کاشانی، محمد (حجت الاسلام)، ۱۸۸
بنیاد مستضعفان، ۲۲	امدادهای غیبی، ۱۳۹، ۲۲۶
بنیاد مسکن، ۲۲	امیرالمؤمنین (ع) ← امام علی (ع)
بنی صدر، ابوالحسن، ۶۰، ۷۴، ۱۲۲، ۲۰۴	انبیاء، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۴۱
۲۵۱، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷	انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۳، ۶، ۱۷
بهشتی، محمدحسینی (حجت الاسلام)، ۲۷	۷۵
	انتقاد، ۲۰۴، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۷۴، ۲۷۵
	انجمن های اسلامی، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۸
پ	انسان، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۲۱، ۲۴۲
پاپ، ۴۳، ۲۶۸، ۲۶۹	انقلاب، ۱۸۵
پاسدار، ۱۲۶، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۳۳	انقلاب اسلامی، ۸، ۱۶، ۶۹، ۷۰، ۹۷، ۹۸
پاکسازی ادارات، ۱۰۵، ۱۷۹، ۲۰۴، ۲۱۲	۱۰۱، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۷۴
۲۱۵، ۲۶۳، ۲۶۵	۱۸۵، ۱۹۱، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۸، ۲۵۳
پاکستان، ۲۷۸	۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۵
بانزده خرداد، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۵۶	نیز نگاه کنید به: تداوم انقلاب
بانزده شعبان، ۲۰۷، ۲۰۸	ثمرات انقلاب
پرستاری، ۸۱	انقلاب فرهنگی، ۵۲، ۵۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴
پزشکی، ۸۱	۱۴۲، ۱۷۷
پهلوی (دوره)، ۱۱۰، ۱۳۶	انگلستان، ۲۶۸
پیامبر اسلام ← حضرت محمد (ص)	انواری، محی الدین (حجت الاسلام)، ۱۹۰
پیامبران ← انبیا	انورسادات، محمد ← سادات، محمد انور
پیشمرگان کرد، ۲۴۴	اهل سنت، ۲۵۹
	ایمان، ۴۵، ۴۶، ۸۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۵۸، ۱۷۱
ت	ب
تبلیغات خارجی، ۱۳۷، ۲۸۵	بازار، ۱۴۴
تجاوز نظامی به طیس، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۱۴۰	

- تحصیل در خارج، ۲۱۳
 تخصص، ۱۰۵
 تداوم انقلاب، ۲، ۱۵۹، ۱۶۶
 ترکیه، ۲۷۸
 تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه
 جاسوسی آمریکا
 تعلیم و تربیت، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷
 تفرقه، ۲۷، ۱۶۳، ۲۱۰، ۲۳۳
 تکلیف شرعی، ۲۶۴
 توده مردم، ۱۶۵
 توسلی محلاتی، محمدرضا (حجت الاسلام)
 ۲۴۶
- ث
- ثمرات انقلاب، ۱۱۲
- ج
- جانبازان انقلاب اسلامی، ۹، ۲۴، ۱۸۳، ۲۰۳
 جماران، ۹۲
 جمهوری اسلامی، ۲۷، ۱۴۲، ۱۶۵
 جنبش‌های آزادیبخش ← نهضت‌های
 آزادیبخش
 جنگ تحمیلی، ۲۸۲
 جنگ جهانی، ۱۳۶
 جنگ خونین، ۱۲۷
 جوانان، ۱۹، ۱۰۲
 جهاد سازندگی، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۰
 جهنم، ۲۲۳
- ج
- جریک‌های فدائی خلق ← فدائیان خلق
- جماران، مصطفی، ۷۹
 چین، ۳۳
- ح
- حاتری، عبدالکریم (حجت الاسلام)، ۲۴۲
 حبیبی، حسن، ۱۷۷
 حج، ۲۴۶
 حجاب، ۲۱۹
 حجازی، فخرالدین، ۱۱۵
 حدود ← قضاوت
 حزب بعث عراق، ۴۸
 حسین بن علی (ع) ← امام حسین (ع)
 حضرت رسول اکرم ← حضرت محمد
 (ص)
 حضرت عبدالعظیم، ۱۹۹
 حضرت علی (ع) ← امام علی (ع)
 حضرت محمد (ص)، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۲۴
 حکیم، محسن (آیت الله)، ۴۸
 حمله نظامی، ۶۲، ۱۵۴
- خ
- خالد بن عبدالعزیز، ۱۱
 خانه‌ای، علی (حجت الاسلام)، ۷۸، ۲۵۱
 خانواده شهدا، ۸، ۱۸۳، ۲۰۳
 خلخالی، صادق (حجت الاسلام)، ۱۹۹
 خمینی، احمد (حجت الاسلام)، ۲۶۰
 خمینی، روح الله موسوی ← امام خمینی
 خوارج، ۱۹۸
 خودسازی، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۷۵، ۲۱۶،
 ۲۷۷
 خودکفائی، ۶۵

ربا، ۱۷۳	خود محوری، ۲۷۷
ربانی امثلی، مهدی (حجت الاسلام)، ۱۷۷	د
رزیم شاه مخلوع، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴	دادستان کل کشور، ۲۷
رضاخان، ۱۰۶، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۶، ۲۰۱	دادگاه‌های انقلاب اسلامی، ۱۴، ۲۱، ۲۵۷
۲۲۷، ۲۳۱	دادگستری، ۲۷، ۲۹، ۲۵۵، ۲۵۷
رضائی، مرتضی ۲۴۷	دانش آشتیانی، ابوالقاسم (حجت الاسلام) ۹۵
رمضان ← ماه رمضان	دانشجویان، ۲۳، ۱۴۲
روحانیت، ۱۳، ۲۳، ۲۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۰۸	دانشجویان ایرانی در آمریکا ۲۶۹، ۲۷۰
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۲۷	۲۷۱، ۲۷۶
۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲	دانشگاه، ۲۲، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۹، ۱۰۷، ۱۰۸
نیز نگاه کنید به: قیام روحانیت	۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۹، ۱۷۷، ۱۹۳
روحانیت و دانشگاه ← دانشگاه و روحانیت	۱۹۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷
روحانی نما، ۱۳، ۱۹۹، ۲۸۶، ۲۸۷	دانشگاه و روحانیت، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۶
روز پاسدار، ۱۸۱	دعا، ۲۴۰
روز جمهوری اسلامی، ۳۰	دعای شعبانیه ← مناجات شعبانیه
روز زن، ۷۱	دعائی، محمود (حجت الاسلام)، ۸۰
روز قدس، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۲	دفاع، ۴۴
روز کارگر، ۶۵	دوازدهم فروردین ← روز جمهوری اسلامی
روزنامه اطلاعات، ۸۰، ۹۰	دولت، ۲۱، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۸۲، ۲۵۴، ۲۶۴
روزنامه کیهان، ۶۳	۲۶۶، ۲۷۴
روسیه ← شوروی	دولتمردان ← مسئولین مملکتی
روشنفکران، ۱۹، ۲۲، ۸۴، ۸۵، ۱۱۹، ۲۳۲	دولت موقت، ۲۵۳
رهبری، ۱۹۲	دین، ۱۷۲، ۲۴۱
رئیس جمهور (بنی صدر)، ۱۴، ۲۰، ۱۱۸، ۱۸۲	ر
۲۵۱، ۲۶۳	رابطه با آمریکا، ۴۰، ۴۳، ۵۰
رئیس دیوان عالی کشور، ۲۷	رادیو، ۲۰۹
ز	رادیو تلویزیون، ۲۳، ۷۴، ۸۴، ۸۵، ۱۰۳، ۱۰۴
زراعت ← کشاورزی	۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۹
زمین، ۲۲، ۲۰۰	رانده شدگان عراقی، ۴۲
زن، ۷۱، ۷۲، ۲۱۹، ۲۳۵، ۲۳۶	

شورای امنیت ← سازمان ملل متحد	ژ
شورای انقلاب، ۲۰۴	زاندامرری، ۲۱، ۱۹۰
شورای عالی دفاع، ۷۸، ۷۹	س
شورای عالی قضائی، ۹۴، ۱۷۶	سادات، محمد انور ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۱۵۰، ۱۷۸، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۶
شورای نگهبان، ۱۲۳، ۲۵۸، ۲۶۶	سازمان امنیت ← ساواک
شوروی، ۲۸۱، ۲۸۳، ۳۳، ۹۶، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۳۳	سازمان مجاهدین خلق ← منافقین خلق
شهادت، ۴۵، ۵۶، ۶۷، ۱۳۸	سازمان ملل متحد ۶۰، ۱۱۹
شهید، ۲۴، ۱۸۳	سازندگی، ۱۱۳
شهربانی، ۲۱، ۱۸۸	ساواک، ۱۳، ۲۵۴
شیرازی، ابوالحسن (آیت الله)، ۱۸۴	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۰، ۶۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۷
شیرازی، عبدالله (آیت الله)، ۲۵	ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۷۷
ص	سرودها، ۱۸۰
صدام حسین، ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۱۵۰، ۱۷۸، ۲۸۲	سروش، عبدالکریم ۱۷۷
صدر، بنت الهدی، ۵۶	سفارت آمریکا ← اشغال لانه جاسوسی آمریکا
صدر، محمدباقر (آیت الله)، ۴۰، ۵۶	سفارتخانهها، ۲۵۴
صدور انقلاب، ۱۹، ۱۰۱، ۱۲۹، ۱۵۵، ۲۷۹	سنی ← اهل سنت
۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵	سوریه، ۳۶
صدوقی، محمد (حجت الاسلام)، ۶۴	سیاست، ۲۲۸
صندوق قرض الحسنه، ۱۷۲، ۱۷۳	سیاست خارجی، ۱۲۲
ض	سیاهان آمریکا، ۱۱۹، ۱۴۱
ضد انقلاب، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۱۰۲، ۱۴۲، ۱۵۰	ش
۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۹	شاذلی بن جدید، ۳۸
۲۲۳، ۲۲۶	شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی
ضیاء الرحمن، ۳۹	شریعتمداری، علی ۱۷۷
ط	شکنجه، ۱۳۷
طاغوت زدائی، ۲۰۴، ۲۰۵	
طباطبائی، سیدضیاءالدین ۲۳۱	

فیضیه ← مدرسه فیضیه	طبس، ۵۸
فیلم، ۸۵، ۱۰۴، ۲۰۹	
فیلم گار، ۸۵	ع
ق	عثمانی، ۱۴۹، ۲۸۱
قاضی، ۲۶	عدالت، ۲۰۷
قانون، ۱۱۸، ۱۲۳، ۲۶۴	عراق، ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۱۰۸
قدوسی، علی (حجت الاسلام)، ۱۴	۱۱۲، ۱۵۰، ۱۹۵، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۸
قدیری، حسن (حجت الاسلام)، ۲۴۵	۲۸۱، ۲۷۹
قذافی، معمر، ۳۷	عربستان، ۱۱، ۱۲
قرآن، ۱۷۱	عرفان، ۲۴۰
قرنی، ولی الله، ۶۹	عزای عمومی، ۵۷
قضاوت، ۲۶، ۲۵۵	عفو عمومی، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۵۴
قطع رابطه با آمریکا ← رابطه با آمریکا	علم، ۲۱۳
قیام، ۲۷۷	علی بن ابیطالب ← امام علی (ع)
قیام روحانیت، ۱۰۶	عید، ۳۰
ک	عید فطر، ۲۸۴
کاپوچی، هیلارین (اسقف)، ۲۶۸	غ
کابیتولاسیون، ۱۳۳	غرب، ۱۱۹
کارتر، جیمی، ۳۰، ۳۱، ۴۳، ۴۷، ۵۸، ۵۹، ۶۶	غریزدگی، ۸۵، ۲۵۵
۱۳۵، ۱۴۵، ۱۵۵	غریزدها ← غریزدگی
کارگران، ۶۵، ۲۰۱	ف
کاسترو، فیدل، ۶۲	فارسی، جلال الدین، ۱۷۷
کردستان، ۳۱، ۸۲، ۸۷، ۱۹۵، ۲۴۴، ۲۵۳	فاطمه زهرا (س)، ۷۱
۲۵۹	فدائیان خلق، ۱۰۲، ۱۴۷، ۱۹۳
کروبی، مهدی (حجت الاسلام)، ۸	فرهنگ استعماری، ۵۲، ۵۴، ۲۱۱، ۲۱۳
کره شمالی، ۳۵	فطرت، ۱۲۷، ۲۲۴
کسروی، احمد، ۲۴۰	فقه، ۲۲۹، ۲۳۲
کشاورزی، ۱۷۵	فلسطین، ۱۹، ۲۷۸
کشورهای اسلامی، ۱۱، ۱۲، ۳۰، ۳۹، ۲۷۱	فهدین عبدالعزیز، ۱۲

مبارزه با ظلم، ۹۲	۲۸۶، ۲۸۴، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۲
مبارزه مسلحانه، ۱۹۸	کشورهای کمونیستی، ۱۱۹
مجاهدین خلق ← مناقین خلق	کمال مطلق، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۱
مجلس شورای اسلامی، ۳، ۷۵، ۷۷، ۱۰۰	کمونیسم، ۱۹، ۱۱۹، ۱۵۵
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۹۶	کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۹۷، ۱۸۲، ۲۵۷
۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۶	کمیسیون تحقیق و بررسی جنایات شاه و آمریکا، ۱
۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۵	کنفرانس بررسی جنایات آمریکا، ۱۳۳، ۱۳۵
مجلس شورای ملی، ۵، ۱۱۰	کوبا، ۶۲
محاصره اقتصادی، ۴۶، ۴۷، ۶۰، ۱۳۸، ۱۳۹	کودتا، ۹۶، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۴
۱۵۰، ۱۵۴	۲۵۲، ۲۷۲
محلانی، فضل‌الله (حجت‌الاسلام)، ۱۸۹، ۲۵۱	کیهان (روزنامه) ← روزنامه کیهان
محمدین عبدالله ← حضرت محمد (ص)	
محمد رضا پهلوی، ۳۱، ۱۰۸، ۱۳۶، ۱۴۵	
۱۵۷، ۱۹۸	
مدارس اقلیت‌ها، ۲۶۸، ۲۷۰	
مدرس، حسن (آیت‌الله)، ۱۴۵	
مدرسه اندیشه، ۲۶۸	
مدرسه فیضیه، ۱۰۶، ۲۵۶	
مردم ← ملت	
مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (آیت‌الله)، ۱۵، ۵۰	
مساجد ← مسجد	
مستضعفین، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۰	
۱۵۵، ۱۶۰، ۲۸۴	
مستکبرین، ۲۰۰	
مسجد، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۱۷، ۲۳۰، ۲۳۳	
مسلمانان، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸	
مسئولین مملکتی، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۶۴، ۲۱۵	
۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۴	
مسیحیت، ۲۶۹	
مشروطیت، ۷	
مصادره اموال، ۲۲	
	گ
	گروگانگیری جاسوسان آمریکائی ← اشغال
	لانه جاسوسی آمریکا
	گروه‌های سیاسی، ۱۰۲، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۳۷، ۲۶۶، ۲۷۳
	گلبایگانی، محمد رضا (آیت‌الله)، ۱۰، ۲۶۶
	ل
	لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه
	جاسوسی آمریکا
	لبنان، ۲۰
	لیبی، ۳۷
	م
	مالک اشتر، ۱۵۷
	ماه مبارک رمضان، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲
	ماه شعبان، ۲۳۹
	مبارزه، ۱۶۳

نماینده امام، ۲۰۰	مصدق، محمد، ۲۵۶
نماینده امام در ژاندارمری، ۱۹۰	مصر، ۳۰، ۱۵۰، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۸
نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۸۹	مطبوعات، ۲۳، ۶۳، ۸۰، ۹۰، ۱۱۳، ۱۴۹
نماینده امام در شهربانی، ۱۸۸	مطهری، مرتضی (حجت الاسلام)، ۵۱
نورالله (از روحانیون اصفهان)، ۱۰۷	مفاتیح الجنان، ۲۴۰
نوری، عبدالله (حجت الاسلام)، ۹۴	مفتی اعظم، ۲۸۶
نهادهای انقلابی، ۱۸۶	مقبره، ۱۹۹
نهضت‌های آزادیبخش، ۱۹	مکب، ۲۷۴، ۲۷۷
نیکسون، ریچارد، ۱۵۷	مکه، ۲۳۴
نیروهای انتظامی، ۶۶، ۷۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰	ملت، ۴، ۶، ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۱۰۲، ۱۲۱، ۱۶۵
نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی	۱۸۵، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۵۳
نیمه شعبان ← پانزده شعبان	۲۸۰، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹
وحدت، ۳۱، ۱۲۹، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۸۲، ۱۹۱	ملی‌گرانی، ۱۱۰، ۱۱۸، ۲۳۱، ۲۵۶، ۲۷۳
وحدت اسلامی، ۳۶، ۲۵۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴	۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱
وزارتخانه‌ها ← ادارات دولتی	مناجات شعبانیه، ۲۲۲، ۲۳۹
وزرا، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۷۴	مناق، ۲۰۱
وزارت آموزش و پرورش، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴	مناقین خلق، ۱۹۳، ۱۹۷
وزارت دادگستری، ۲۵۵	منتظری، حسینعلی (حجت الاسلام)، ۱۷۶
وعاظ السلاطین ← روحانی‌نما	موسوی اردبیلی، عبدالکریم (حجت الاسلام)
	۲۷
	موسوی خمینی، روح الله ← امام خمینی
	موسیقی، ۱۰۴، ۱۸۰
	ن
	نخست‌وزیر، ۷۴، ۲۶۰، ۲۷۴
	نزدیکان امام، ۱۹۳، ۲۶۰
	نژادپرستی، ۲۸۱
	نظم، ۸۷، ۱۶۱، ۱۸۲، ۲۲۷، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۶۵
	نماز، ۱۴۷، ۱۴۸
	نماز جمعه، ۱۴۹
	نماینده امام، ۲۰۰
	نماینده امام در ژاندارمری، ۱۹۰
	نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۸۹
	نماینده امام در شهربانی، ۱۸۸
	نورالله (از روحانیون اصفهان)، ۱۰۷
	نوری، عبدالله (حجت الاسلام)، ۹۴
	نهادهای انقلابی، ۱۸۶
	نهضت‌های آزادیبخش، ۱۹
	نیکسون، ریچارد، ۱۵۷
	نیروهای انتظامی، ۶۶، ۷۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
	نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی
	نیمه شعبان ← پانزده شعبان
	وحدت، ۳۱، ۱۲۹، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۸۲، ۱۹۱
	وحدت اسلامی، ۳۶، ۲۵۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴
	وزارتخانه‌ها ← ادارات دولتی
	وزرا، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۷۴
	وزارت آموزش و پرورش، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴
	وزارت دادگستری، ۲۵۵
	وعاظ السلاطین ← روحانی‌نما
	ه
	هاشمی گلپایگانی، علی (حجت الاسلام)، ۲۴۶
	همدانی، عبدالمجید، ۱۹۸
	ی
	یزدی، ابراهیم، ۶۳

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

